انتشارات دانشگاه تهران
۳۰۳

فهرست

# کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

# کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش چهارم

(مجلد ششم)

ذیل

نگارش

محمد تقی دانش پژوه

تهران

انتشارات دانشگاه تهران
۳۰۳

فهرست

# کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

# کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش چهارم

(مجلد ششم)

ذیل

نگارش

محمد تقی دانش‌پژوه

تهران

# فهرست گفتارهای این دفتر

این دفتر بخش چهارم از جلد سوم است از فهرست کتابهای کتابخانه‌ایکه استاددانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سیدمحمد مشکوة بیرجندی بدانشگاه واگذار کرده‌اند.

این بخش گفتار چهاردهم و پانزدهم و دنبالهٔ سه بخش پیش است و در آن کتابهای گوناگون دیگر که از قلم افتاده یا اینکه جناب آقای مشکوة پس از این برای کتابخانهٔ مرکزی فراهم ساخته‌اند شناخته میشود.

دراین دو گفتار و دنبالهٔ آنها ۳۱۲ کتاب (از ش ۱۶۱۰ تا ش ۱۹۲۱) در ۳۳۳ نسخه (از ش ۱۹۰۸ تا ش ۲۲۴۰) فهرست گردید (ص ۲۱۱٤ – ۲٤٦۰) در گفتار پانزدهم (ص ۲۳۹۳-۲٤۳۸) از ۷٤ نامه و گفتار که از ابن‌سینا پنداشته‌اند یادشده‌است. رویهم ۱۹۲۱ کتاب در ۲۲٤۰ نسخه درچهار بخش این جلد شناخته شده است. ازص ۲٤٦۱ تا ۲۵۵۹ کلیشه‌هائی از چند نسخهٔ ارزنده اهدائی جناب استاد دیده میشود واز ص ۲۵٦۰ تا ۲٦۰۰ یادداشتهاایست در بارهٔ پاره‌ای از کتابها و نسخه‌های همین فهرست.

نگارنده و گردآورندهٔ فهرست:

محمدتقی دانش‌پژوه

تهران، کوی کارمندان، یوسف آباد

خرداد ۱۳۳۵

# یادآوری

شماره‌ایکه درآغاز سطر وبرابر نام کتاب میان دو کمانه دیده میشود شمارهٔ کتابی است که دراین فهرست آمده و پس از شناساندن کتاب شماره نسخه‌ها میاید که درمیان سطر نوشته شده و نسخه‌ها پس از آن شناسانده میشود درهمین جادر گوشهٔ راست شماره‌ای درشت‌تر وسیاه‌تر هست که نمایندهٔ شمارهٔ ثبت نسخه دراین کتابخانه میباشد وبااین شماره باید کتاب خواسته شود. این شماره دفتری را میرساند که کتاب و نسخهٔ مورد بحث شاید همهٔ آنرا گرفته باشد با اینکه یکی از رساله‌های مندرج در آن دفتر وجنگ ومجموعه بشمار آید که درهنگام شناساندن نسخهٔ شمارهٔ رساله وشماره برگ آن درهمین دفتر نیز گفته شد.

# گفتار چهاردهم

## ذیل

خواجه طوسی در این نامه که راهنمائی است برای دانشجویان ، در دوازده فصل از روش کار آنان گاوش نموده است تا آنهائیکه اندوختن دانش برایشان دشوار است و بسیار هم هستند با بکار بردن دستور آن از آموختن باز نمانند گرچه در دیباچه از طوسی یاد نشده و از خود نامه هم بر نمیاید که از او باشد ولی عاملی و مجلسی و نوری و تهرانی آنرا از او دانستند و نام او هم بر سر برگ آنها است (دیباچه - امل الآمل ص ٥٠٦ - بحار ١ ١٦١ ف ٢ - مستدرک ٣ ٣٧٣ - ذریعه ١ ٢٦)

امیر عادل حسینی و سید علی طبیب مرعشی تبریزی (م ١٣١٦) آنرا بپارسی درآوردند و میرزا محمد تقی سپاهانی (م بردنك ١٣٤٠) آنرا بنظم فارسی کرده و آن در ١٣١٧ بچاپ رسید (ذریعه ٤ ٣٩ و ٧٣) ١

این نامه در جامع المقدمات چندین بار بچاپ رسیده و طلاب در مدرسه‌ها بدان می‌نگرند .

در آن از محمد بن حسن طوسی و ابو العباس مستغفری و طب النبی او یاد شده است

١ **آغاز** هو المعین بسمله و به نهتدی الحمد لله على آلائه والشکر على نعمائه والصلوة على سید انبیائه و خیر اوصیائه اما بعد فلما رایت کثیر من طلاب العلم لا یتیسر لهم التحصیل وان اجتهدوا لانهم اخطأوا طریقه و ترکوا شرائطه و کل من اخطأ الطریق ضل فلا ینال المقصود فاردت ان ابین طریقه التعلم على سبیل الاختصار على ما رایت فی الکتاب و سمعت من اساتذی اولو العلم فان المقصود فی ٢ حصول شیء .

**انجام** او یتبرك بالآثار الوارده فی الطب الذی جمعه الشیخ الامام ابو العباس المستغفری فی الکتاب المسمی بطب النبی یجده من یطلبه والحمد لله رب العالمین

[۱۹۰۸]

۱۱۶۵ این نسخه ش ٥ دفتراست و بخط شکسته نستعلیق و فصلها در نیمه‌های دوم شماره ندارد و محمد تبریزی درروز پنجشنبه شعبان ۱۲۲۳ آنرا نوشته‌است.
۱۹۹ الف ــ ۲۰۱ ب.

[۱۶۱۱] آغاز و انجام (فارسی)

از خواجهٔ طوسی که در ص ۲۰٤ همین فهرست شناخته‌ایم (ش ۸۹۰/۹ و ۱۰٤٦/۱٦) و در آن روش تأویل عارفان و فیلسوفان اسلامی که اسماعیلیان در اندیشه و پندار دینی خود از آن بهره برده‌اند بکار برده شده است.

طوسی فیلسوف از خاندانی دوازده امامی بوده و نزد دانشمندان شیعی امامی پرورده شده و هنگام دانشجوئی «غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع» ابن زهره را نزد سالم بن بدران مصری در نسخهٔ نوشتهٔ تاریخ ٦۱٤ در هفده سالگی خوانده و در ۱۸ ج ۲/٦۱۹ در بیست و دو سالگی اجازهٔ روایت همین کتاب را از او گرفته‌است (اجازات بحار ص ۱٦) و پیداست که تنها از رهگذر فلسفی چنین روشی را در پاره‌ای از کتابها مانند اوصاف الاشراف برگزیده بود. مگر اینکه هنگام گرفتاری در دربار اسماعیلیان ایران ناگزیر شده بود «سیر و سلوك» برای مجلس عالی ناصرالحق والدین بنویسد و در آن از فصول مقدس حسن علی ذکره السلام نخستین خداوند الموت (۵۵۷-۵٦۱) یاد کند (ص ۲۷۵ همین فهرست ــ ش ٦٤۰ راهنمای فرهنگ اسماعیلی ایوانف بانگلیسی) و همچنین اخلاق ناصری در ٦۳۳ برای ناصرالدین ابوالفتح محتشم قهستان در روزگار علاءالدین محمد بن حسن (٦۱۸- ٦۵۳) بنگارد (ص ٦٤۹) والادب الوجیز للولد الصغیر ابن مقفع را برای همان ناصرالدین بپارسی کند و در همین قهستان زبدة الحقائق همدانی را برای همو بپارسی درآورد. این هم گفته شود که ایوانف روضة التسلیم و مطلوب المؤمنین را که هردو کتابی است درست اسماعیلی و باطنی بنام طوسی بچاپ رسانده است و کتابی هم بنام تحفه (ص ۱۹٦ همین فهرست) و کتابی بنام روضة القلوب (ص ۲٦۹

همین فهرست و ش۶۳۹/۳ مجلس) بنام او هست گرچه این روضة القلوب در نسخهٔ ش ۲۹۱۱ (ص ۹۸- ۱۰۴) سپهسالار بنام بستان القلوب از سید شریف گرگانی دانسته شد. این چهار کتاب روشن نیست که از طوسی باشد اگرچه تحفه وروضة القلوب بروش اسماعیلیان نوشته نشده است

باری این «آغاز وانجام» از طوسی است و گرچه روش تأویل در آن هست ولی رنگ آئین اسماعیلی ندارد

آغاز ( منازل السالکین من کلام خواجه نصیر علیه الرحمة ) بسمله (هو الذی انزل علیك الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تأویله وما یعلم تأویله الا الله والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا وما یذکر الا اولوا الالباب . العلماء ورثة الانبیاء ) ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا انك جامع الناس لیوم لاریب فیه ان الله لایخلف المیعاد . سپاس آفریدگاری را که آغاز همه (از) اوست و انجام همه بدوست ( با اوست ) بلکه خود همه اوست و درود بر گزیدگانی را که راهنمایان اند خلق را (رهنمای خلق اند) بآغاز (ز آغاز) وانجام خصوصاً بر محمد و آل او علیه السلام

دوستی عزیزی از محرر ضعیف این (از محرران این ضعیف) « تذکره » التماس کرد که بدی (بدین) از آنچه سالکان راه آخرت مشاهده کرده اند ( که بد ) از انجام کار آفرینش شنیده بدانکه در کتاب خدای تعالی مسطور است و بر زبان اولیا وانبیاء (علیهم السلام) مذکور از احوال قیامت و بهشت و دوزخ وغیر آن ثبت کند بر آن وجه که اهل بینش بدان (می) بینند نه بر آن وجه که اهل دانش بیان میکنند پس اگر این « تذکره » از آنجا مراد آن عزیز است قاصر آمده باشد که چون عذر واضح است مؤاخذه نفرماید

انجام حمد باو آخرت بر مرد خدا حرام است الا بنا حرام علی اهل الاخره

والآخرة حرام علی اهل‌الدنیا وهما حرامان علی اهل‌الله تعالی (این است آنچه تحریرش درین وقت دست داد والله ولی‌التوفیق. التماس‌از بینندگان که درین فصل نظر کنند آنستکه دعاء خیر دریغ ندارند واصلاح سهوها که قابل اصلاح بود بجای آرند والله‌اعلم واحکم وحسبناالله ونعم‌الوکیل نعم‌المولی ونعم‌النصیر

۵ والحمدلله رب‌العالمین)

چهار نسخه‌ایکه دراین کتابخانه دیده شده با دو نسخه چاپی جدائیهایی دارند و در چاپ شیراز دیباچه و فهرست آن نیست شایسته است این کتاب بارهٔ سوم ازروی سنجش بانسخه‌های کهن‌تری بچاپ رسد. در نسخه ش ۶۰۶/۳ دردیباچه پیش‌از « ولیس‌الخبر کالمعاینة فکیف اذا کان‌الخبر بالایماء والاشارة » دارد :

۱۰ « وفی‌الفقیه عن‌النبی » که دردیگر نسخه‌ها چنین چیزی نیست درحاشیه این رباعی را دارد ٠

« درسی که حقیقت است درسی نبود

درسی نبود هرآنچه درسینه بود

صد خانه پر از کتاب سودی ندهد

۱۵ باید که کتابخانه درسینه بود»

[۱۹۰۹]

۶۰۶ این نسخه س۳ دهم و بخط نستعلیق و چندجاحاشیه داردبنظم و نثر. گ۸۳ب ـ ۹۵ ب. درگوشه‌راست گ۸۳ ب دارد. « تذکرهٔ خواجه نصیرالملة والدین طوسی ره المشهور بآغاز وانجام » .

۲۰ (گ ۲۰۰)کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی فرسوده

اندازه : ۱۱ ۱۸/۵ ـ ۸ ۱۴ س ۱۲

[۱۹۱۰]

۱۱۱۳ این نسخه س۱۵ دهم و بخط نستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و گاهی عنوانها سفیداست. ۱ب ـ ۱۱۳ الف ـ ۱۳۵ب. دراین نسخه است که آنرا

۲۵ «منازل‌السالکین» نامیده‌اند ودرپایان دارد : هذه تذکرة للا(ما)م المحقق فریدالدهر استادالبشر افضل‌المحققین عمدة‌الموحدین نصیرالحق والملة والدین محمدبن الحسن الطوسی قدس روحه و نور ضریحه » .

## [۱۶۱۲] اثبات الواجب (عربی)

امیرصدرالدین ابوالمعالی محمد دشتکی شیرازی (بامداد سه شنبه شعبان ۸۲۸- کشتهٔ آدینهٔ ۱۲ رمضان ۹۰۳) دراین نامه که دارای دوازده فصل و یك خاتمه میباشد و بنام ابوالمظفر احمد بهادر (کشتهٔ ۹۰۳) نگاشته شده، بود خدا را روشن نموده است (طوس ۱: ۱۶ و ۳:٤ - همین فهرست ص ۱۲۸) پسر او غیاث منصور بر آن بنام کشف الحقائق المحمدیه گزارش نوشته است و نسخه‌ای از این گزارش که در ۹٤۶ نوشته شده در طوس (۲۲٤۰٤) هست. او در پایان این گزارش سرگذشت پدر را یاد نمود.

**آغاز** : بسمله . الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى . منه الابتداء وبه البقاء واليه الرجعى نسأله ان يصلى على من هدانا صلاح الدنيا وفلاح العقبى ونبتهل اليه فى ان يبلغنا الى درك صفاته العليى . وبعد فهذه رسالة فى اثبات البارى تعالى وصفاته الحسنى مشتملة على براهين دقيقة انيقة . . . وقد جعلها جامعها وهو الفقير الحقير الشهير بصدر الحسينى الشيرازى . . . تحفة لمجلس كل ذكى اوحدى . . . و فيها فصول .

**انجام** . ومايكون نفس الامر من غير تعيين النفس هو الوحده (تمت الرسالة والحمدلله المتعال اولا و آخرا) .

[۱۹۱۱۱]

۱۱٤۷ این نسخه ش ۱ دفتر است که بنسخ و نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . این شماره بخط نستعلیق است با همانگونه عنوانها و نشانه‌های شنگرف و در گ ۱ ب - ۷ الف . اندرون نسخه‌ایست کهن که برخی جاها را موریانه خورده و پاره‌ای از عبارتها هم آسیب رسیده است . چند مهر است در آن بدینگونه : «نورث من عبادنا من كان تقيا ۱۰٤۲» بشکل بیضی در گ ۷ و ۹ و ۳۵ و ۷۷ و ۸۳ و ۱۰۷ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۲٤ و ۱۲۸ و ۱٤۳ همه الف و ۱۰۲ ب و این تاریخ در گ ۱۰۷ و ۱۱۸ و ۱۲٤ و ۱٤۳ همه الف بخوبی خوانده میشود نیز «افوض امرى الى الله عبده محمد صالح» چهارگوش در گ ۳۵ و ۸۳ و ۱۰۷ و ۱۲٤ و ۱۲۸ همه الف و «الفقير بيان عيان» گرد

در ۳۵ و ۶۲ و ۷۷ همه الف و «یا بیان لا اجمعت محلوقاً بعصمة الله رباب حل» گرد در ۹ و ۳۳ و ۸۳ و ۱۰۳ و ۱۰۷ و ۱۱۸ و ۱۲۴ و ۱۲۸ همه الف و «یاهو محمد صالح» در ۷۷ الف.

از این مهرها و ... های دیگر بر آید که این دفتر پیش از ۱۰۴۲ در روزگار عباث دستکی و پیش از ۹۴۸ باید نوشته شده باشد چه اینکه در هامش ش ۳ در گ ۴۹ ب حاشیهٔ

۵ «... مطله» دارد و در پایان همین شماره هم از دشتکی نام برده یاد شده است و بالای نویسندهٔ همه شماره‌ها یکی است ولی قلمهای گوناگون و اگر ش ۱۳ کامل مسود شاید نام نویسنده و تاریخ نوشتن او بدست می‌آمده است

شیخ تقی بن شیخ علی شریف لاهیجانی در بردباری ۱۰۴۲ اینجا را داشته بود و بخط او این عبارت‌ها دیده می‌شود «هو. الان فداء الی ووجب حفظا علی» باهمان مهر

۱۰ «ورث ... همه در گ ۱۲۸ الف و «هو من جمله کتب العبد الآیس مولاه الایس عمن سواه، شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی» با همان مهر در ۱۱۸ الف و «هو عاریه من عبدالله الاجل عبد عبد الاول شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی» باهمان مهر در ۸۳ الف و «من عواری الزمان، دخل فی سلک ملك العبد المعاق الی رحمه رب الغنی، شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی» در ۶۳ الف و «من کتب العبد

۱۵ الآیس بمولاه الایس عمن سواه شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی» با همان مهر در ۹ الف و «من کتب المحتاج الی رحمه رب الغنی المغنی شیخ تقی بن شیخ علی الشریف اللاهیجانی» باهمان مهر در ۳۵ الف

همهٔ دفتر ۳۱۴۳ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی ضربی مقوایی
اندازه ۱۰ ۱۹ و ۵ ۱۱ س ۱۷

۲۰ [۱۶۱۳] **اثبات الواجب الجدید** (عربی)

اثبات واجب جدید دانشمند دوانی در ۱۴ فصل است و یك خاتمه و در آغاز آن میگوید که در جوانی رسالهٔ‌یی در این باره نوشتم و برهانهای فیلسوفان و کلامیان و آنچه بذهنم میرسید آوردم اکنون آنچه را که روشن‌تر و آشکارتر واستوارتر و کوتاه‌تر است در اینجا یاد میکنم

۲۵ دوانی در آن از سخنان فارابی و ابن‌سینا والبهجه والسعاده والتحصیل بهمنیار بهره برده و از شیخ اشعری خرده گرفت و از مواقف و نهایة‌الاقدام فی علم‌الکلام محمد شهرستانی یاد کرد در فصل ۳ آن از روش حوبس که دربارهٔ سببت ه ... ی

واجب و ممکن پیش گرفت و بنام «ذوق التاله» نامبردار است یادنمود ( ص ۱۲۲ همین فهرست) .

**آغاز** : رسالة اثبات الواجب و صفاته للعلامة الدوانی و هو الملقب بالجدید ـ بسمله . و (توکلی علیه العلیم القدیم) منه الاعانة فی التتمیم و له الحمد علی کرمه العمیم منه القدیم ... فهذه نبذ (ة) من الحقائق و زبد (ة) من الدقائق فیه نفائس المطالب العالیة . . . و هی اشرف المباحث المتعلقة بذات المبدء الاول و صفاته العلی و اسمائه الحسنی و نسبة وجود الممکنات الیه تعالی علی ما حققه ذوو البصائر النافذة . . حررتها مع تفرق البال و تشتت الحال ... و نورد تلك الاصول ... فی فصول .

**انجام** : خاتمة اذ تأملت فی صفاته العظمی . . و هما یرجعان الی العلم کما سبق و العلم عین الذات فقد رجع الامر کله الی الله الا الی الله تصیر الامور و الحمد لله الکریم الشکور و الصلوة . (در نسخه ما تا همین جا است و پیداست که کم دارد) .

[۱۹۱۲]

۱۱۳۶ این نسخه س ۲ دفتر است و نسخ با نشانه ها و عنوانهای شنگرف میباشد. در فصل ۳ و ان کب ٦ و کب ٧ اند کی و گویا باندازه یك برگ را ندارد پس از آن یك صفحه است از اثبات واجب قدیم دوانی بهمین خط بدینگونه : ر نقلنا الکلام الیه حتی یلزم ان یکون الشیء الواحد و جود ات غیر متناهیه و هو باطل . و لهذه المباحث مزید تفصیل اوما نمر علیه فی تعلیقاتنا و لکن هذا القدر ما قصدت ایراده فی هذه رسالة مع تفرق المجال و تشتت الحال و وقوعی فی زمان اضحی الهمم متقاصره و البصائر قاصرة یکتفون بالخضاب عن الشباب و یقنعون برائی السراب عن الروی بالشراب لکن هو الله یحق الحق بفضله و یبطل الباطل بعد له بیده الحسنی و الیه الرجعی له الحمد علی حمده و الصلوة و السلام علی من لا نبی من بعده و علی آله المعصومین و صحبه المرحومین الطاهرین لهم الی یوم الدین . تم . ( ص ٤ ۳۰ ـ ۳۰۹ جلوس ) پیداست که این دفتر رسالة اثبات واجب دوانی را داشت و پراکنده شده و پس از جستجو چهار برگ [illegible] پیدا شده است .

[illegible] ۳۰ ، ــ کاغذ فرنگی ــ جلد ندارد

اندازه : ۱۱ ۱٦ ــ ٥/٦ ۱۰ س ۱۷

## [۱٦۱٤] اجابة المضطرين در بيان (فارسی)

## الاصول وفروع الدين

سيدجعفرفرزند ابی‌اسحق موسوی کشفی دارابی بروجردی (۱۱۸۹-۱۲٦۷)
ایندفتر را در کلام با استدلال و بروش شیعی اخیر و در فروع بپرداخت و آن
درنسخه‌ما وچاپ هند دارای مقدمه در ۳ نصرت‌است دره اصل دین وهرنصرتی ۵
چندین اجابت است . عنوان بابها نصرت و فصلها اجابت است و دارای فهرست
میباشد ودرهند بسال‌۱۳۰٦ ودرایران بچاپ رسید (ذریعه ۱:‏۱۲۰ - اعلام‌الشیعه
۲٤۱۰۲ - نخبة المقال ص ۲٤ ) دارابی این کتاب را برای شاهزاده محمد تقی
میرزا پسر فتحعلی‌شاه‌قاجار ساخته‌است (ص ۱۹۸۸ همین فهرست)

**آغاز** . بسمله . فهرست آنچه درین مجلداست : مجلد اول از کتاب اجابة ۱۰
المضطرين است که مشتمل است بر مقدمه و مقاله . . . اجابت هشتم در بیان معنی
شفاعت ولزوم آن‌واسرارمتعلقهٔ بآن(گ۱ب -٦ب فهرست‌مطلبهااست) بسمله .
ملك‌الكلام‌قول‌الله‌و حمده‌وملاك‌التحية‌و السلام‌الصلوة‌علی‌محمدرسول‌الله‌وعبده ..
وبعداوان‌طلوع طالع‌جوزائی‌زمان‌سطوع ساطع شاهنشاهی قبلهٔ‌عالم‌ناسوت‌را
ازقبل عالم لاهوت مستعد استفاضهٔ فیض اقدس ماهویت گردانید (۹ ب) . ۱۵
**انجام** چاپ هند : چنانکه خاتمهٔ مقالهٔ ما را بگفتگوی در شفاعت آنجناب
گردانیدی ... مشتی خاکم که آید ازمشتی خاك‌ـانجام‌نسخهٔ‌ما. و چنانکه اراده
فرموده و مقاله اول باتمام رسید امید آنستکه اراده فرمائی و مقالهٔ دوم ایضا
بانجام رسد. تاریخ اختتام کتاب دردوازدهم شهرجمادی‌الاول در ۱۲۵۵ تحریر
پذیرفت (۳٤۰ الف) . ۲۰

[۱۹۱۳]

۱۱۱۷ این نسخه دارای مقدمه ومقاله یکم کتاب‌است و بنستعلیق وعبارتهای عربی
بنسخ وزیرخط‌سرخ وعنوانهاشنگرف‌میباشد. درگ۲۷۲الف‌حاشیه‌ایست
ازمحمدباقرخراسانی . فهرست ۲ ب - ۷ ب . کتاب ۱۰ ب - ۳٤ الف .

۲۵ (۳٤۳گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ساده
اندازه : ۱٦٬ ۲۳/۵-۸ ۱۵ س ۱۷

[۱۶۱۵] **اجازهٔ کلباسی** (عربی)

حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (م ۱۲۶۲) در ربیع دوم ۱۲۶۰ برای پسر خود آقا محمد این اجازه را نوشته است. کلباسی در آن از استادان خود یاد نموده و سلسلهٔ اجازه را به لؤلؤه و جز آن رسانده و نوید داد که اجازهٔ دیگری در از برنویسد. او اجازهٔ دیگری هم برای او در ۱۲۵۹ و اجازه‌ای به تاریخ رمضان ۱۲۶۰ برای همو نوشته که جز این میباشد (ذریعه ۱ : ۱۳٤)

**آغاز** وهوالغنی بسمله. اجزت ولدی وقرة عینی محمدا جمیع مالی من الطرق المذکورة فی تصانیفی کالاشارات وغیرها

**انجام** فی المقبولة المسلمة بین الطائفة. حرر به فی ربیع الثانی من الالف والمأتین وستین (کتب هذه الکلمات الشریفة اقل السادات حسن بن ابی الحسین الحسینی عفی عنهما ـ هذا مطابق لاصله «عبده محمد ابراهیم بن محمد حسن»).

[۱۹۱٤]

۹۰۷ این نسخه ش ۲ دفتر و بخط نسخ درشت با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از سید حسن بن ابی الحسین حسینی و نسخهٔ با اصل با خط و گواهی خود کلباسی است گ ۵۸ ب ـ ٦٤ ب

[۱۶۱۶] **احکام نجوم** (فارسی)

در این گفتار از سخنان سلیمان و جاماسب و جالینوس در بارهٔ برجهای دوازده‌گانه و طالعهای آنها و دعاهائیکه در اسلام در بارهٔ آنها آمده است یاد گردید

**آغاز** بسمله و به نستعین حمل ثور ... حوت بدین طالع مذکور اینست جالینوس حکیم گوید حمل خانهٔ مریخ است طبع وی گرم و خشک است

**انجام** طالع حوت. هر آن زنی که بر طالع حوت زاید. حوت برج آبی است و سه وجه دارد دعا اینست بسمله وجعلنا من بین ایدیهم سدا ... احفظ

صاحب کمانی برحمتك یا ارحم الراحمین

[۱۹۱۵]

۸۷۷ این نسخه ش۳ دفتر است و بخط نستعلیق میباشد. گ ۹۶ب — ۱۳۰ الف.

[۱۶۱۷] **اختیارات** (فارسی)

در این گفتار از اختیارات روزهای نیك و بد روایت از پیشوایان شیعی یاد شده است ۵

در ذریعه (۱ ۳۶۷) از «اختیارات الایام» مجلسی دوم (در پانصد بیت) و آقا جمال خوانساری و مولی محمدصادق هر سه بپارسی یاد شده و نسخهٔ ما هیچیك از آنها نیست (نیز فهرست قدسی نوری)

**آغاز** بسمله و به نستعین اختیارات روزهای سعد و نحس. حضرت امام جعفر ۱۰ صادق رضی الله عنه روایت میکند از امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه و حضرت امیر از حضرت محمد مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات که بیان فرمود که هر روزی از روزها چه چیز را شاید و چه چیز را نشاید و هر روزی از ماه چون است و این اختیارات بغایت نیکو و مجرب است روز اول ماه امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه گوید که روز سعد است و مبارك ۱۵

**انجام** روز سی ام ماه امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه گوید که در مشیت حق است نیك و بد این روز را هیچکس نداند الا حق سبحانه و تعالی والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب. والحمد لولیه والصلوة علی نبیه والسلام علی وصیه و علی آلهما و اصحابهما اجمعین

۲۰ [۱۹۱۶]

۲۲۹ این نسخه س۳ دفتر است و بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف. گ ۲۷۹ب — ۲۸۴ الف. در برگ ۲۸۴ ب — ۲۸۵ الف شعر است. مهر «سلیمان» در ۲۸۵ ب دیده میشود (۲۲۹/۲)

## [١٦١٨-١٦٢٧] الأربعينيات لكشف الأنوار القدسيات (عربی)

حکیم کوچك قمیان قاضی میرزا محمد سعید فرزند حکیم محمد مفید قمی (١٠٤٩-١١٠٣) شاگرد مولی رجبعلی تبریزی (١٠٨٠) وفیض کاشانی که شاعر فارسی و تازی وفیلسوفی شیعی اخباری و پزشك دربارشاه عباس دوم بوده‌است مجموعهٔ اربعینیات نوشته که باید چهل رساله در آن باشد او بروش داماد وصدرای شیرازی مینگارد ودرپاره‌ای جاها باسیرازی میسپارد این اربعینیات بگفتهٔ نگارندهٔ روضات ازگزیده‌ترین وبهترین نگارشهای اوست و محتواست چهل رساله درآن نگذارد مگر اینکه گویا نرسید بدین کار و همین اندازه توانست که از ١٠٨٩ تا ١١٠٢ ده رساله خودرا بهم بپیوندد و در آن بگنجاند نسخه‌ای از آن درمجلس هست (ش ٦٤٥ ص ٤١٢ ج ٢) و مانند نسخهٔ ما میباشد (١)

ازاین اربعینیات ده رساله در نسخهٔ ٩٧١ این کتابخانه هست

١- روح الصلوه که رازنمازرا درآن گفته وافعال آنرا بروش باطنیان تأویل کرده است و این رساله ارمغانی است برای (فیض کاشانی) مولانا محمد محسن استاد او (١٠٩١ ه) پس باید پس‌از این تاریخ نگارش درآمده باشد گرچه درنسخهٔ ما در بارهٔ او «اعلی‌الله درجته» دارد او خود برآن حاشیه نوشته که ازروی خط او در نسخهٔ ما دیده میشود این رساله دارای مقدمه و سه درجه ویك ختام وخاتمه‌مناسب عنوانهای «فذلکه و تنویر و تبیان و تذییل و ایماءات وحکمه الهیه و تحقیق عرفانی و تقدیس و تحقیق ایمانی و نورعرشی‌وسرقدسی» هم درآن

١ ؛ نگرید ؛ روضات ص ٣٠١ ذریعه ١ ٤٣٦١ - فهرست دلو ص ٤ ١٧و٣٤٣ و ٥ ١٣٨و٢٧٩ - همین فهرست ص ٤٥٤ دانا ؛ این اعدای مذکوره بر کتاب بهشت چاپ تهران١٣١٥ ؛ سرگذشت قمی درآنجا آمده وپاره‌ای از نگارشهای اودرآنجا شناسانده شده است و این چاپ کتاب بهشت از روی نسخهٔ ش ٣٧٤/١ این کتابخانه میباشد ونگارنده دوصفحهٔ آغاز وپایان آن هم ...

دیده میشود. او در پایان بشرح خود بر توحید صدوق باز گرداند و گفت که رازهای نماز را در آنجا بخوبی روشن ساخته‌ام و نیز گفت که در نماز پیشین، شیعی باید پیامبر را یاد کند و در نماز پسین علی را و در نماز شام فاطمه را و در نماز خفتن یازده پیشوای دیگر و در نماز بامداد پیشوای نهانی را یاد کند و نماز رستگاران همین است .

آغاز : ( ار بعینیات مولانا قاضی سعید القمی رحمه‌الله تعالی ) بسمله . و به الاستعانة فی التتمیم . الحمد لمن لا یحوم حول مشرع غبو به و مهمه شهوده من السابحین والسابحات و السائحین و السائحات احد ولا تصل الی ذیل شامخ جبال جلاله ایدی وهق الخیال و سلم العدد . قد ظهر مع اختفائه فی جلباب سائرات کمونه کالرؤیة من نور العین و اختفی مع ظهوره و بروزه کلمعان البرق قبل ابتلاجه فی حجب حجاب سواد العین ... و بعد فالعبد الملتجی الی ارباب التوحید محمد المدعو بسعید یقول انی عند ارتیاضی فی اربعین تخمیر طینة آدم ع قبل ان اخرج من افق المحو الی عالم الصحو قد کانت صحیفة قلبی مرقومة برقوم الاستیهال لقبول الاضواء من مشرق انوار الائمة الاطهار . . . و ذلك بعد تسیاری فی بساتین رموز الحکماء والمتالهین و تذکاری لاسرار العرفاء الکاملین من الاقدمین والآخرین . . . فجمعت ذخائر فی دفاتر متفرقة و نظمت دراری فرائد فی نظام التفرقة ثم رأیت ان اضع اربعین کنزاً من صغائر هذه اللئالی و ذخائر تلك المعانی العوالی فی مجموع شامل لبیوت او اهل ففتح لی اربعون باباً من کنوز التحقیقات البدیعة و عثرت منها علی اللئالی النازلات من تلك السحائب الرفیعة ادرجتها فی تلك الکراریس للخلان الاوانیس و سمیتها با « لاربعینیات لکشف انوار القدسیات » ... فهذه رسائل ارباب الشهود و مسائل اصحاب العهود و مکاتیب اخوان الوفاء و مراسل خلان الصفاء .. و لعمر الحبیب ان المبتغی للمعارف والاسرار ان کان خاطباً لعذاری ابکار الاخبار فتلك الحجال مفترع عذرتها و ها انا ابن بجدتها و ان کان مقتطفاً لجنا جنه حکمة الابرار طالب الثمرة نتائج الافکار ففی هذه البساتین عذیقها المحکك و جذیلها المرجب

ا کرم بها و ان کان سالکا سبل اهل‌الله غائصا فی بحار معرفةالله ففیها مصابیح نوار علم‌الیقین و مشاعل عین‌الیقین ... جعلکم‌الله و ایانا من‌الذین یسمعون‌القول یتبعون احسنه انه‌ولی‌الفضل‌والهدایة . الرسالةالاولی وهی رسالة « روح‌الصلوة » لمهدیة الی حضرة استادنا فی‌العلوم‌الالهیة مولانا « محمد محسن » اعلی درجته : بسمله . و بعد الحمدلله والصلوة علی رسول‌الله و اهل بیته آل‌الله فالعبدالمعناق لی‌الله‌الولی... محمدالمدعو بسعیدالشریف‌القمی ... باخواننا‌الروحانیین و اصدقائنا لروحانیین ... انا نرید فی هذه‌المقالة ان نبین لکم . . من حقیقةالصلوة و معناها روح هذه‌العبادة و مغزاها .

**انجام** : ففی صلوةالظهر اتوجه الی‌الله بمحمد رسول‌الله .. وفی صلوةالعصر نذکر امیرالمؤمنین و فی‌المغرب فاطمة . . . وفی‌العشاءالحسن والحسین والتسعة من ذریةالحسین و فی‌الصبح حجةالله والقائم . هذا صلوة اهل‌الفلاح والحمدلله فی‌المساء والصباح (بلغ . قوبلت مع النسخةالتی کانت بخط‌المصنف قدس سره — گ ۱ ب – ۱۱ الف) (۱) .

---

۱ – قمی بجز روح‌الصلوة سه رسالهٔ دیگر در راز نماز نگاشته است : یکی ش ۱۰۳۰/۱۷ این کتابخانه که در کنار شرح هدایهٔ شیرازی بچاپ رسیده (ص ۴۰۷ همین فهرست) و آغاز آن درست مانند همان روح‌الصلوة و پس از دیباچه دوتا مسوند و این که چاپ شده مانند گزیده‌ای از همین روح‌الصلوة میباشد و انجام آن هم جز انجام این و چیزی دیگر است و همین است که در دوم سیزده روز گذشتهٔ از شوال سال ۱۰۸۴ نگاشته شده است. در آن (ص ۳۵۷ چاپی) نوید رسالهٔ دیگری داده شده و از آن ما نا همین روح‌الصلوة خواسته شده است که پس از ۱۰۹۱ نگارش در آمده و گسترده این گزیده میباشد . همین است که بنام «مقاله توحید» یا «حقیقةالصلوة» در من نو دیباچهٔ کلید بهشت (زیر ص کج) شناسانده شد .

دوم ش ۱۰۳۰/۱۹ و ۵۹۸/۲ (ص ۴۰۷ و ۵۸۹ همین فهرست) که آن هم در آغاز نزدیک روح‌الصلوة میباشد ولی انجام آن چیز دیگر است .

سوم اسرارالعبادات که راز پاکی و نماز و زکوة و روزه و حج و جنگ و امر بمعروف

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

۲- «فی حقیقة الاختلاف الواقعة فی القراآت السبع» یا «الکشف عن القراآت السبع» (ش ۱۰۳۰/٤ ص ۱۸۲ فهرست آقای منزوی ج ۱) که در یک مقدمه و چند اشاره و بشاره است و فهی شالودهٔ آنرا در میان نمازشام و خفتن سه شنبهٔ آدینهٔ دوشب گذشتهٔ از ج۲ سال ۱۰۸۹ درقم ریخته و دردو شب ماندهٔ از همان ماه بانجام رسانید سپس در یکم همان ماه سال ۱۰۹۸ در سپاهان آنرا در این مجموعه گذارده است روش باطنی فهی در این رساله پیدا است و او در پایه فلسفهٔ اشراقی سبعی این مسئلهٔ هفت قراآت را گذارده و روشن نموده

آغاز (الرسالة الثانية فی حقیقة الاختلاف الواقع فی القراآت السبع اشارة و بشارة) بسمله و بعد فهی الحمد لله الذی نجم القرآن وسبع ذلك التبیان سبعة سبعة آلاف من ملئکة الرحمن و صار ذا سبعة وجوه حسان واشتمل علی سبع من المثانی و نزل علی سبعة احرف من المعانی فله سبعة بطون من التأویل وهو علی سبع قراآت من التنزیل و بعد اعلموا اخوانی فی الدین و خلانی فی طلب الیقین انی کنت لیلة الجمعة الماز که للمتین خلتا من شهر جمادی الآخرة لسنة تسع و ثمانین و الف من الهجرة بین صلوة المغرب و العشاء الآخرة بوطنی قم المحروسة متوجها الی باری الکل و مقبل العقل ادسنح لی اصل سر بف یا طف به حقیقة الاختلاف الواقع فی القراآت السبع

**انجام** و کان احد لا یحاط رسول الله بین بای لسان ناطقا الا وقع فی مسامعه بالعربیة کل ذلك سرحم خبر نبل شر بقالة من الله تعالی الحدیث و فی ذلك کفایة لمن یدبر و درایة لمن استبصر هذا آخر ما اردنا ایراده فی تلك المقالة

رسالة حاشیة بیضاوی پس

و بهی از منکر در آن روش ۸۹ سوره هود در این گزارش کرده های سوره وحده کرده که در گزارش وحدا صدوق (آغاز جلد دوم و سال ۱۰۹۸) و در رسالهٔ جدا گانه (گویا همان مقاله وحده) آنرا گزارش نموده است آغاز و انجام آن « ولکن ذلك مقدمة فی الاصول انا اعظم فی هذا الباب مع اختصاره و اخباره (شماره چهارم ص و د اجا کاید پشت) و این یکی جز آنها است که یاد کرده

الله ولی الهدایة . واتفق ذلك علی یدی مؤلفها العبد المذنب العاصی محمد المدعو سعید الشریف القاضی للیلتین بقیتا من الشهر الذی مضی ثم ادرجتها فی هذه المجموعة المسماة بالاربعینیات فی غرة الشهر المذکور لافتتاح عام ثمان و تسعین و الف اصبهان صینت عن طوارق الحدثان ( تمت و آلاؤه عمت . قوبل مع النسخة التی کانت بخط المصنف ره ـ گ ۱۱ ب ـ ۱٦ ب ) .

۳ـ الفوائد الرضویه که گزارش « حدیث رأس الجالوت » یا گفتگوی پیشوای هشتم شیعی با رهبر آوارگان یهود (رش گالوتا) که جز حدیث ۱۲ اربعین قمی است میباشد و دارای یك مقدمه و سه فائده در چند مبحث و مطلب و خاتمه است و در روز سه شنبه ۱٤ ربیع یکم سال ۱۰۹۹ آنرا بپایان رساند .

او در دیباچه میگوید که من هنگامیکه به نیمهٔ سال هفتاد رسیده و در دههٔ چهل بوده ام بدین حدیث برخورده ام و آنرا دست نخورده یافتم و خواستم آنرا گزارش بنویسم .

پس باید در سال ۱۰۸٤ بدین گزارش پرداخته باشد. فهرست مطلبهای آن در فهرست طوس (۱۳۸:۵) یاد گردید و در آنجا از روضات (ص۳۰۲) دارد که این رساله دومین رسالهٔ الاربعینیات میباشد ( نیز ذریعه ۱ ٤۳۷ ) ولی چنین نیست و نگارندهٔ روضات هم این را از کفعمهٔ کسی آورده و خود آنرا ندیده بود .

آغاز : الرسالة الثالثة : « فوائد رضویه » علی المنسوب الیه الف ثناء و تحیة ) بسمله . الحمدلله الواحد المتوحد والفرد المنفرد الذی توحد بالتوحید فی توحده و تفرد بالتفرید فی تفرده انبجست منه الکثرات بجملتها لوحدته و ابتدأت منه المزدوجات برمتها لفردیته . و بعد فالفقیر . محمد المشتهر بسعید الشریف القمی یقول ان الحکمة کل الحکمة ماورد فی الکتاب والسنه والعلم حق العلم ماصدر عن مدینة العلم وان فی اخبار الائمة الطاهرین لبلاغاً لقوم عابدین وان فی ذلك لذکری للعالمین ... و لنسم تلك المقالة بالفوائد الرضویة .

انجام : وعلی الله توکلی والیه انقطاعی و به عن شر خلقی اعتصامی و بمحمد ص

توسلی والله ولیی فی جمیع احوالی وهو حسبی انهی سوته یوم الثلثا رابع عشر ربیع الاول سنة سبع و سبعین و الف علی یدی مؤلفه حامداً مصلیا ( بمت والآؤه عمت فوبلت مع النسخه التی کانت بخط المصنف قدس سره - ١٧ الف - ٤١ ب)

٥ ٤-مرقات الاسرار فی ربط الحادث بالقدیم و حدوث العالم حدوثاً زمانیاً که دردو درجه بخش در ده قاعده و دو متن در چهار فائده میباشد پس از اینهدو دو مرقات است و در آنها عنوانهائی است مانند آنچه که در نگارشهای دیگر او و نوشته‌های دشتکی و دامادو شیرازی و کاشی دیده میشود و پس از انها خاتمه است او در هم در ٥٣ سالگی در ١٠ ذی‌قعده ١٠٨٤ آن را بپایان رسانده و در ١٠٩٩ در این مجموعه گذارده است (١)

١٠ او جهان حسی را حادث زمانی میداند و روی حرکت ذاتی جسم طبعی حادث را بقدیم پیوند میدهد او در آغاز در مقدوم میگوید که هستی اصیل نیست و ماهیت را اصالت است و در همین رساله مثل را ثابت میکند وی در مبحث چهارم فوائد رضوی (گ ٣٧ الف) از این رساله مانند بالا یاد کرد

آغاز (الرسالة الرابعة وهی المسماة بمرقاة الاسرار فی بیان ربط الحادث

١٥ بالقدیم و حدوث العالم) بسمله الحمد لله العالم بکل الاشیاء برب العالمین من الارواح والنفوس الاصفیاء الرحمن بالمسخرات بحسب الطبیعة الرحیم بالنفوس الزکیه .

و بعد فالعبد محمد المدعو بسعید القمی الشریف یقول ان مسئلة ربط الحادث بالقدیم و صدور المتغیر عن الثابت المقیم لغویصه عظیمة الاشکال ومعرفة الحق فیها لخفیه عن اکثر الرجال وانی اخوض بها و ارتقی الی ذراها مع نورع البال

١- از اینجا بر می‌آید که وی در ١٠٤٩ زاده است چنانکه درهامش روضات ص ٣٠٢ آمده ولی در فهرست طوس ١٨٠٤ دارد که او در ١٠٤٨ زاده است و سند آنها گویا عبارتی است از دیباچه شرح عباده ( ص ٤٠٣ ) که در آنجا دارد که وی در ٥١ سالگی در ١٠٩٩ در ساختن این گزارش را نوشته ام (بنگرید به ص ٤٥٤ این فهرست و ص ٢٦٤ ج ١ فهرست سپهسالار که در آنجاها از روی همین گزارش زادن او

٥ در ١٠٣٩ دانسته شده است و درست نیست) .

من معادات الزمان و تشتت الحال من مقاساة الاحزان لالتماس بعض اخوانی الصالحین واقتراح جمع من خلانی الصادقین ... وسمیتها بمرقاة الاسرار لاشتمالها علی درجتین یبتنی لهما قواعد للعروج الی مرقاة تعتنی منها فوائد .

انجام . هذا آخر ماااردنا ایراده فی تلك المقالة وقصدنا ابرازه من الکن فی هذه الرسالة والله ولی الاعانة واتفق الاتمام علی یدی مؤلفه احوج المربوبین فی وطنه قم المحروسة المشرفة بعدمامضی من العمر خمس وثلثون سنة عاشر ذی القعدة من اشهر الحرام المبارکة لسنة اربع و ثمانین من الالف الثانی من الهجرة وقلت فی تاریخ الرسالة ( نظم ) : مرقاة اسرار الهدی فندرجوا ـ منها الی ذی العرش خیر سبیل ـ اوتیتها من فضل خلاق الوری ـ تاریخها مرقاه سرجمیل . ( وجدنا هذا المصراع الاخیر بخط المصنف ره هکذا : « تاریخها مرقاة سر دلیل » ـ والموافق بالتاریخ الذی کتب نشر الاتمام الرسالة هو ما کتبنا لا ماوقع بخطه ره وکانه نشاء منه سهوا ) وکان نقله فی هذه المجموعة باصبهان المحروسة سنة تسع وتسعین والف من الهجرة والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطناً والحمدلله ( نقل من خط المصنف ره ) (قوبلت مع نسخة المصنف ره ـ ٤١ ب ـ ٦٤ الف) .

۵ ـ النفحات الالهیة والخواطر الالهامیة وهی مسجعة المبانی محققة المعانی که در ص ۳۸۸ همین فهرست شناسانده شده است وی آنرا در نوروز و ماه ذی حجه چنانکه در آن نسخه آمده با ماه محرم ( روی این نسخهٔ کنونی ) سال ۱۰۸٤ نگاشته و در ۱۷ ربیع دوم ۱۰۸۹ نزدیك نورور و در سپاهان درروزگار شاه سلیمان صفوی آنرادراین مجموعه گذارده است . دو نسخهٔ ما اندکی ازهم جدائی دارند. روی سخن اودراصیل ندانستن هستی گویا بصدرای شیرازی میباشد .

آغاز (الرسالة الخامسة وهی رسالة النفحات الالهیة وهی مسجعة المبانی محققة المعانی) بسمله . بعد الحمدلله واهب العلم والعمل .. یقول ... محمد المدعو بسعید الشریف القمی هذه خواطر الهامیة و نوادر ربانیة قدظهرت لی بعض الاوقات وان لربکم فی ایام دهرکم نفحات .

انجام وهو آدم الاول بل انسان العوالم والعالمين و خليفة الله و سلطانه فی السموات والارضين والحمدلله رب العالمين والصلوة علی محمد و آله الاطيبين هذا آخر ما اردنا ايراده فی تلك المقالة واتفق الفراغ من اتمامها فی يوم النيروز علی يد مؤلفها الجانی فی الجانيين اراذل الاشياء بعض اليمين وزوجه مرتبة حق اليمين فی محرم سنة ۱۰۸۴ والسلام و كان نقله الی هذه المجموعة فی سابع عشر ربيع الثانی
۵

فی ايام شهور سنة تسع و ثمانين من الالف الثانی حين توقفی باصفهان دار السلطنة فی زمن السلطان الاعظم الشاه سليمان خلدالله ملكه وسلطانه (نقلناه من خط المصنف ره - قوبل مع نسخة المصنف ره گ ۶۴ ب - ۷۰ الف)

۶- الانوار القدسية كه درسه نور (۱- درهيولی ۲- درصورت ۳- نفس) هريك چند فروع مناسب ودر ۱/۱/۱۰۸۵ نگاشته ودرسپاهان بسال ۱۰۹۹ آنرا
۱۰

دراين مجموعه گذارده است او درديباچه از بدكارانيكه با دانش و فرهنگ دشمنی ميكنند وجای رهبران مؤمنان را گرفته و ديگران را بی دين ميخوانند ياد ميكند و بر آنها نفرين ميفرستد (ش ۱۰۳۰/۱۶ ص ۱۵۹ اين فهرست)

آغاز (الرسالة السادسة رسالة الانوار القدسية فی تحقيق الهيولی والصورة والنفس و فوائد آخر) بسمله الحمدلله الذی انالنا الحكمة لكی نوصل بها الی
۱۵

مالديه وهدانا الی النبی وآله نتوسل بهم اليه و بعد فالفقير محمد المدعو بسعيد الشريف القمی يقول تلك «انوار قدسية» افيضت علی روعی بعض اوقات المذاكرة اتسهالكی تسمع بها الفرية تری الحق والحكمة وليست من تسدد فی تقليد السلف وتحمل فی تصحيح مقالاتهم كل العسف بل الحق هو المتبع وبرهان الله هو المطاع الارفع
۲۰

انجام من احسن تعبير و ابلغ تفسير والله اعلم و احكم هذا ما اردنا ايراده فی ذكر الهيولی وسريها و علوها و تجردها وسيرها الانواری و معراجها الاسراری واتفق مساعدة توفيق الله لاتمام تلك علی يدی مؤلفها عاشره محرم الحرام لسنة خمس و ثمانين بعد الالف من الهجرة النبوية و ذلك فی وطنه قم المحروسة

الحمدلله اولاو آخراً و ظاهراً و باطناً و كتب بذلك راجياً رضوان الله حامداً مصلياً مستغفراً سائلا من الله ان يعين لاتمام فدشرطت من ادخار الرسائل السوانح و الفوائد لفواتح فی هذه المجموعة وقد وقع النقل الی هذه المجموعة علی یدی المؤلف بدار السلطنة اصفهان المحروسة سنة تسع و تسعين بعد الالف (قو بلت مع نسخة المصنف ره ـ گ ۷۰ ب ـ ۸۰ ب) .

۷ ـ المقصد الاسنی فی تحقیق مهیة الحرکة و وجودها در دو مقصد و پنج مقدمه و یك ختم که درقم بسال ۱۰۸۸ نگاشته ودرجمادی دوم ۱۰۸۹ در سپاهان آنرا دراین مجموعه گذارده است . او درمقدمهٔ یکم هستی ذهنی را با برهان باطل میسازد ومیگوید که ما در برخی از رساله‌های خود دلیلها برای این آوردیم ودراینجا بیك دلیل ساده کم رنجی بس میکنیم .

**آغاز** : (الرسالة السابعة رسالة المقصد الاسنی فی تحقیق مهیة الحرکة) بسمله . الحمدلله رب العالمین ... و بعد فیقول .. محمد یدعی سعید الشریف ... هذه عجالة فی تحقیق الحرکة و وجودها وسر هذه الدقیقة و نزولها و صعودها . . . وسمیتها بالمقصد الاسنی .

**انجام** : فهناك یتعانق الابد و الازل و یتصافح الآخر مع الاول والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطناً و صلی الله علی محمد و آله دائماً. تم علی یدی مؤلفه سنة الف و ثمان و ثمانین بوطنه قم المحروسة والحمدلله . وقع النقل الی هذه المجموعة شهر جمادی الآخرة بسنة تسع و ثمانین و الف من الهجرة ایام سکنای بدار السلطنة اصفهان صینت عن حوادث الزمان ( قوبلت من مجموعة المصنف ره ـ گ ۸۱ الف ـ ۸۷ ب) .

۸ـ الحدیقة الوردیة فی السوانح المعراجیة درسه حدیقه و معراج در آن تأویل فلسفی وعرفانی میشود و در پایان آن سفارش میکند که راز را بنادانان نگویند . این رساله‌را در ۱۹ جمادی دوم سال ۱۰۹۹ در سپاهان در این مجموعه گذارده است . این رساله را در گشودن این مشکل نوشته که چرا در علل الشرایع صدوق آمده

که گل سرخ از خوی پیامبر در شب معراج و گل زرد از خوی براق که از چهار پایان بهشت است آفریده شده است با اینکه ایندو پیش از معراج بوده‌اند . قمی میگوید که پیش از من کسی بدین اشکال پاسخ نگفت . او از راه عرفان آنرا حل میکند . در آغاز دارد که معراج پیامبر هم جسمانی و هم نفسانی و هم عقلانی بوده است .

۵ آغاز (الرسالة الثامنة رسالة الحديقة الوردية فی السوانح المعراجية) بسمله . وبه نستعين . الحمد لله الذی تعرج الملئکة والروح فی یوم کان مقداره خمسين الف سنة .. و بعد فالفقير . محمد المدعو بسعيد الشريف القمی یقول قد استعضل اکثر ارباب التحقيق والعرفان فهم الخبر المروی عن ائمة اهل الايقان علی ما رواه شيخنا الاجل فی کتاب العلل من ان تکون الورد الاحمر کان من عرق صاحب المعراج فی

۱۰ تلك الليلة وان تکون الاصفر منه انما حدث من عرق براق الذی کان من دواب الجنة

**انجام** و کتب بيده الجانيه . مؤلفه الملتجی الی الله واهب العقل والحکمة والحمد لله اولا و آخراً و صلی الله ابداً دائما وانهی النقل الی هذه المجموعة فی تاسع عشر شهر جمادی الآخرة سنة تسع و سبعين و الف من الهجرة باصبهان دار السلطنة (تمت . مقابلت مع مجموعة المصنف ره – ۸۷ الف – ۹۵ ب) .

۱۵ ۹– البرهان القاطع وهی ترجمه رسالة (وجود) مولانا رجبعلی بالعربية . قمی در این یکی رساله پارسی « اثبات واجب » یا « وجودیه » مولانا رجبعلی (م ۱۰۸۰) را که در ص ۱۳۲ و ۴۰۵ همین فهرست شناسانده شده است بتازی درآورده و در ۳ محرم ۱۱۰۰ آنرا در این مجموعه گذارده است. پس میان ۱۰۸۰ و ۱۱۰۰ بنگارش در آمده است .

۲۰ آغاز . «الرسالة التاسعة ترجمة رسالة استادنا الحکيم الالهی مولانا رجبعلی ولنسمها بالبرهان القاطع والنور الساطع ) بسمله . الحمد لواهب العقل و خصاله والصلوة علی محمد و آله و بعد فهذه ترجمة رسالة استادنا الحکيم الالهی مولانا رجبعلی افاض الله علی روحه النور الجلی والخفی نقلتها من الفارسية الی العربية . قال قدس سره : بسمله . قال الله تعالی ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك

ن يشاء و بعد فهذه رسالة مشتملة على مقدمة ومطالب خمسة و خاتمة .

**انجام :** و اطلاق الواجب عليه سبحانه على انه ليس بممكن . والحمدلله على

له‌السى ههنا ترجمة كلامـه اعلى‌الله مقـامه . و كتبه مترجمه تلميذه افل‌العبيد

مدالمدعو بسعيد . وفرغ من نقله الى هذه‌المجموعة ثالث شهرمحرم‌الحرام عام

ب ومائة و الحمدلله وحده (فو بلت مع مجموعة‌المصنف ره – ٩٥ ب – ٩٨ ب)

١٠- الطلائع والبوارق يا البوارق‌الملكوتيه كه دريك مقدمه و شش طليعه

يك چند بارقه‌ميباشد. اين رساله درازترين و گسترده‌ترين اين ده رساله‌است

در آن‌بروش عرفاني‌از بسياري از مسئله‌هاي‌فلسفي كاوش شده‌است اودرطليعهٔ ٣

١١٤ الف) از خوابي روحاني كه درميهن خويش قم درحرم ديده بود ياد كرد

در طليعهٔ ٥ ( ١٢٢ ب ) داستاني آورد از استاد استادان خود بهاءالدين عاملي

گاهيكه بديدار يكي‌از عارفان كه‌در گورستاني درسپاهان ميزيست رفته بود .

از (١٣٠ الف و ١٣١ ب)ازيكي‌از استادان بزرگ‌ياد كرد كه خيال را گوهري

ايدار ميدانست و ازاو خرده گرفت و گويا از او صدراي شيرازي را ميخواهد

چنانكه گويادرجاي‌ديگرهم‌باواشاره‌نمود(١٣٩ب) اودراين‌رساله‌ازاثولوجياهم

ورده و آنرا از ارسطو پنداشت .

قمي آنرا درآغاز ١٠٩٥ درسپاهان‌آغاز كرد (دساجه) و در روز يكشنبه سوم

صفر ١١٠٢ دراين مجموعه گذارده است .

آغاز : ( الرسالة العاشرة رسالة‌الطلائع والبوارق فى تحقيق ان لكل حقيقة

ن‌الحقائق الامكانية صورة وان احسنها‌الصورة‌الانسانية) بسمله . امابعدالحمدلله

اهب‌العلم والصور والصلوة على خيرالبشر وآله خير اهل‌البدو والحضر فالفقير

لى‌الله‌الغنى والمستمسك بحبل‌النبى والوصى محمدالمدعو بسعيدالشريف‌القمى ...

نقول نحن نريد فى هذه‌المقالة ... ان نبين حقيقة مافتح لنا فى‌الاستفتاح من عام

خمس وتسعين من‌الالف‌الثانى فى بلدة اصبهان ... من ان لكل موجود سواء كان

فى‌العالم العقلى اوالمثالى اوالكونى صورة يقتضيها حقيقته و تطلبه ذاته . . .

و بالحری ان نسمیها بالبوارق الملکوتیه حیث ما فیها من انوار الهیه تسمیدمها طلائع نوریه

انجام و لنختم الکلام والحمدلله اتفق النقل الی هذه المجموعه یوم الاحد ثالث شهر صفر سنه الف و مائه و اثنین حامداً مصلیاً علی ید مصنفه محمد المدعو بسعید القاضی جعله الله من اهله و اعطاه مناه فی نفسه و اولاده و اخوانه و الحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطنا

[۱۹۱۷-۱۹۲۶]

**۹۷۱** این نسخه ها ده شمارهٔ دوری است سبعلوی باعنوانهاو شانهای شنگرف از محمد حسن فانی . سر حاج عبدالرسول حسینی زنوزی که نوشته خود او در جداجدا (مجموعه) خودشی و خط اودرپایان در ۱۲۰۶ مقابله گردیده درپایان دارد «تمت فدونمنی الله تعالی بلطفه الخفی والجلی والامتنان تصادف هذه الرسائل العشر و کتابتها فی دارالسلطنه اصفهان حین عن حوادث الزمان و طوارق الحدثان حین رجوعنا سفر خراسان علی مشرفها صلوات الرحمان و کان ذلک فی اواسط شهر صفر المظفر من السنه السادسه من المائه الثالثه من الالف الثانی من الهجره النبویه المصطفویه علیه و علی آبائه و اجداده و خلفائه و ابنائه آلاف الثناء و السلام و التحیه و انا العبد الاذل
۵ الجانی ابن الحاج عبدالرسول الحسینی الزنوزی المرزی محمد المدعو بالحسن المخلص الفانی عامله الله بلطفه الخفی و الجلی بحق النبی و الولی تمت وهو بلغ هذه المجموعه المسماه الازهار مع مجموعه المعصب التی کانت بخطه ره فی دارالسلطنه اصفهان فی سنه ۱۲۰۶ کتبه الکاتب الذلیل و الله الهادی الی خیر سبیل»

(۱۵۴ ب) کاغذ فرنگی — جلد تیماج فرنگی سرخ

اندازه ۱۱ ۱۵/۵ — ۷ ۱۱ س ۱۸

[۱۶۲۸] اسرار الصلوة (عربی)

درایین نامه شمار تأویل عرفانی و باطنی شده و در آن روشن گردیده که دانشمندان و رهبران و فرمانروایان و شاهان و داوران بدین نماز را بنا ساخته
۲۵ ازعبارت (کماد کربا) که در آغاز آن دارد برمیآید که دنبالهٔ نامهٔ دیگری است مگر اینکه در نسخهٔ ما رساله ای جدا شمار آمده و نگارندهٔ آن ناداشته است

آغاز: بسمله . الحمدلله اولا و آخرا و صلی علی نبینا المصطفی باطناً و ظاهرا . امابعد فاعلم ان الصلوة بالحقیقة فی النبوة الاولی رکعتان رکعة فی الجنة و رکعة فی النار کماذکرنا و فی النبوة الاخیرة رکعتان رکعة فی الذات و رکعة فی الصفات .

انجام : فهؤلاء الاصناف الخمس حین اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات . والآن بحمدالله ومنه اهلکهم ( اهلکم ـ نسخه ) و فرقهم وشتتهم حین خرجت الصلوة مع نورها الی اهل النور وانم الله النور فی اهله (تم) .

[۱۹۲۷]

۳۹۸ این نسخه ش ۳ دفتر است و بی‌سملی با عنوانهای شنگرف و نشانه‌گذاری ، ۱۹ ب ـ ۲۰ الف .

١ [١٦٢٩] الاصلاح (عربی)

از سید مجاهد که در ص ۱۷۷۸ همین فهرست شناسانده شده است .

[۱۹۲۸]

۱۱۸۱ این نسخه بخط نسخ است و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و چنین است پایان آن : وحکی بعض الاصحاب ان (قال کل اسم یلیق بجلاله و یلیق بکماله

۱۲ مما لم یرد به اذن یجوز اطلاقه علیه تعالی الا انه لیس من الاذن وهو جید المسئلة السادسة) و این دو نشانه در نسخه س ۹۳۸ هست .

(ل۳۱۳۴) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد ندارد

اندازه : ۳۱ ۲۹/۵ و ۱۲ ۲۱/۵ س ۳۰

[۱٦۳۰] اصول دین (فارسی)

۲۰ در این نامه از اصول دین از روی آیین شیعی گفتگو شده و عنوانها در آن « مسئله » است و بروش پرسش و پاسخ

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والصلوه علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین . امابعد بدانکه اصول دین بر هشت قسم است .

**انجام** مراد پیغمبر علیه‌السلام در اینجا از اسلام ثمرات و علامات اسلام بود نه حقیقت اسلام ( تمت الرسالة الشریفة بعون الله تعالی وحسن توفیقه )

[۱۹۲۹]

۱۵۰۱۵ این نسخه ش ٤ دفتر است و منطقی در گ ۷ الف – ۱۱ ب

## [۱۶۳۱] ام البراهین (عربی) ۵

ابوعبدالله محمد بن یوسف بن عمر بن شعیب حسنی سنوسی داشمند اشعری پارسای تلمسان (۸۳۲–۸۹۵) بر صحیح بخاری و آجرومیه نحو و لامیة جزائری در توحید و جبر و مقابله این یاسمین و جمل منطق خونجی گزارش نوشت و سوره ص و پس از آن را به نثر نمود و در رساله‌ای در پرسکی نگاشت و بصرة الفقیر در پند و اندرز در کلام « عقیدة اهل التوحید المخرجة من ظلمات الجهل و ربقة التقلید المرغمة انف کل مبتدع عنید » یا « العقیدة الکبری » دارد و خود بر آن گزارشی بنام « عمدة اهل التوفیق والتسدید فی شرح عقیدة اهل التوحید » نگاشته سپس آن را کوتاه ساخته و در روز نهم ذی‌حجة ۸۷۵ از این نگارش بیاسود. این عمده در چاپخانهٔ جریدة الاسلام بسال ۱۳۱۷ بچاپ رسید

او را دفتری دیگر است بنام « ام البراهین » یا « السنوسیة الصغری » یا « العقیدة الصغری » که همهٔ عقیده‌های توحید را در آن آورده و در پایان آن دو کلمهٔ شهادت را گذارده است. این نگارش با ترجمهٔ آلمانی پ هولف Ph Wolff در لایپسیك بسال ۱۸۴۸ و با ترجمهٔ فرانسوی و تعلیقات وسیانی در الجزائر بسال ۱۸۹٦ و در فارس و مصر چندبار و در جاوه بسال ۱۳۱۸ بچاپ رسید. خود او این را گزارشی نموده با « دول » نوشته است ۲۰

شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد غنیمی انصاری (م ۱۰٤٤) و محمد بن عمر تلمسانی و عمادالدین هم بر آن گزارش نوشته‌اند و نسخهٔ « ۱۰۹۷/۳ » ما

هیچیك از این چهار گزارش نیست. محمدبن محمدالهدهدی و گمنامی دیگر هم بر آن گزارش دارند.

او در توحید باز «الوسطی» و «المقدمات» دارد و «صغری الصغری» که خود بر این یکی گزارشی نگاشته است و این گزارش او در مصر بسال ۱۲۸۲ و با گزارش ابی اسحق اندلسی بر «المواهب الربانیة فی شرح المقدمات السنوسیة» در مصر بسال ۱۳۰٤ بچاپ رسید (۱).

در این نسخهٔ ما (۱۰۹۷/۲) از خداشناسی و پیامبری بروش کلامیان بررسی شده و نمیدانم کدامیك از این نگارشهای سنوسی است.

**آغاز**: بسمله. وبه نستعین. قال الشیخ الامام العالم ابوعبدالله محمدبن الشیخ الصالح سید یوسف السنوسی: الحمدلله والصلوة والسلام علی رسوله اعلم ان الحکم العقلی ینحصر فی ثلثة اقسام الوجوب والاستحاله والجائزه.

**انجام**: وعدد ماغفل عن ذکرك الغافلون ورضی الله تعالی عن اصحاب رسول الله اجمعین وعن التابعین لهم باحسان الی یوم الدین. الحمدلله رب العالمین.

[۱۹۳۰]

۱ ۱۰۹۷ این نسخه ش ۳ دهم است و بهمانگونه خط ش ۱ و در گ ۱۱۸ ب - ۱۲۲ الف.

## [۱٦۳۲] الزام النواصب بامامة علی بن ابیطالب (عربی)

این نامه همانستکه در ص ٥۳۸ همین فهرست و ص ۷۲ بار پسین سخن بخش دوم آن شناسانده شده (ش۲/٥۷٥) و از خود آن آشکارا بر نمی‌آید که از کیست. ۲ برخی آنرا از علی بن طاوس (٦٦٤م) و گروهی از شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی

۱- نگرید به: چلپی ۲: ۱۲۷ و ۱: ۱٥۱- رر ثای ۳: ۱۰۰۷- فهرس خزانهٔ تیموری ۳: ۹٦ و ۱٤٦. معجم المطبوعات در «سنوسی» - فهرست اسعد طلس ص ۲٦٥ و ۲۸٦ و ۳: ۲۹۲.

(زندهٔ در ۹۰۹ ـ ۹۴٤) دانسته ودر تذکرهٔ شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی (م ۱۱۲۱) دارد که از شیخ مفلح صیمری میباشد (۱).

از وطنفی باید باشد چه اینکه در کتاب او «الوافية في تعيين الفرقة الناجية» از همان خبرهای سنی آمده (روضات) ودراین رساله تنها خبرهای سنی آورده شد. نگارندهٔ آن درچندین جا خودرا یکی از «اهل کتاب» نشان داده که بدین اسلام درآمده و دیده که درمیان آنها اختلاف سختی است و خواست آنچه که راست است بیابد وسرانجام در یافت که شیعیان درست میگویند واز روی خبرهای سنی پیشوائی علی ع را آنچنانکه شیعیان میگویند روشن بداشت (۲)

---

۱ـ برای وطنفی بنگرید به روضات ص ۸ و اجازات بحار ص۷۵و۷۷ـ کتابی بنام «تعيين الفرقة الناجية» (طوس ۲ ۳۵ ش ۱۱۷) از وطنفی یاد کرده‌اند که باید از او باشد همچنین کتابی دیگر بنام «الوافية في تعيين الفرقة الناجية» (طوس ۵:۱٥ـ ذریعه ٤ ٤۳۱) و هردو جز این الزام النواصب است ـ برای تذکرهٔ ماحوزی بنگرید به: فهرست طوس ٤ ۲۸ و ذریعه ۲ ۲۸۹ ـ صیمری درزمان محقق کرکی میزیسته وهمانند علی بن هلال جزائری بوده است. در روی نسخه‌ای از قواعد بخط خود در ۸۷۳ اجازه‌ای نوشت. بجز غاية المرام (ص۱۹۵۲ همین فهرست) گزارشی نیز و جز اسناد خود ان فهد حلی نوشته و مختصر صحاح و منتخب نا تلخیص خلاف (ذریعه ٤ ٤۳۲) وجواهر الكلمات في صيغ العقود والايقاعات نوشتهٔ ۱۰ح۸۷۰/۱ (ذریعه ۵ ۲۷۹ـ طوس ش ۶۰۰) دارد (روضات ـ ذریعه ٤ ٤۳۸) همچنین السهام في الارث والمورثات (ذریعه ۳ ۳۳۵).

۲ـ از نکته‌های تاریخی این کتاب عبارت زیر است که درپایان آن دیده میشود «وممن اعترف بان الحق لعلي ع الخليفة الناصر من بني العباس وعبدالله بن المعتز بالله من بني العباس والسلطان علي بن نورالدين يوسف سلطان دمشق وملك اخوه العزيز الديار المصرية وكان اسمه ابو بكر واخاه العزيز ولقبه العادل واسمه عثمان حصرا ده بن واحداها من علي بن نور الدين فكتب الى الخليفة الناصر يشكو عمه العادل المسمى بابي بكر واخاه العزيز المسمى عثمان هذه الابيات شعرا

مولای ان ابا بکر و صاحبه ... عثمان قد غصبا بالسيف حق علي

دنبال حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین و صلی‌الله علی محمد و آله الطاهرین
والحمدلله‌الواصل الحمدبالنعم والنعم‌بالشکر نحمده علی آلائه لما نحمده علی بلائه
و نستعینه علی‌هذه‌النفوس البطا(؟)عما امرت‌به‌الراع الی مانهیت عنه . . . واعلم
یا اخی انی رجل من اهل‌الکتاب سألت‌الله الهدایة الی‌الصواب فهدانی‌الله لدین
۵ الاسلام ... فلماصرت منهم وفیهم وصارلی مالهم و علی ماعلیهم جالست علمائهم
وصاحبت فضلائهم فرأیت بینهم اختلافاً کثیر و تفسیقاً و تکفیرا . فاجتهدت فی
تفسیرالفرقة الناجیة التی عناهاالنبی ... فلماجعلت اعتمادی علی ماأورده‌الشیعة ...
ولابد من ایراد رسالة وجیزة من طرق‌الاختصام ... وسمیت هذه‌الرسالة « الزام
النواصب بامامة علی بن ابی‌طالب » وهی مشتملة علی مقدمة وابواب وفصول .

---

۱۰ دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وهوالذی قد کان ولاه والده ... علیهما فاستقام الامر حین ولی
فخالفاه و خلی عقد بیعته ... فالامر بینهما والنص فیه جلی
فانظر الی حظ هذاالاسم کیف لقی ... من‌الاواخر مالاقی من‌الاولی

فاجابه‌الخلیفه‌الناصر بجواب اوله شعرا :

۱۵ وافی کتابک یابن یوسف معلنا ... بالود یخبر ان اصلک طاهر
غصبوا علیا حقه اذ لم یکن ... بعدالنبی له بیثرب ناصر
فاصبر فان غدا علیه حسابهم ... واصبر کما صبرالامام الناصر

فقداعترف‌الامام‌الناصروهوخلیفة من‌ملوک بنی‌العباس ان علیاع قدغصبه حقه‌المقدم
علیه و کذلک اعترف به‌السلطان علی بن نورالدین یوسف » .

۲ این گفتهٔ او اشاره است بجنگها و ستیزه‌ها که میان پادشاه دمشق الملک‌الافضل
علی پسر صلاح‌الدین یوسف الملک‌الناصر ایوبی ( دمشق ۵۸۲ - ۵۹۲ و م ۶۲۲ )
و برادرش عثمان‌الملک‌العزیز (مصر۵۸۹ و م ۵۹۵) وعمش سیف‌الدین ابوبکرالملک
العادل (الجزیره ۵۸۹ ودمشق ومصر ۵۹۲ و م ۶۱۵) درگرفت وعلی بناصر عباسی
(۵۷۵ ۶۲۲) شکایت کرده بود .

۲ گرچه درعبارت بالا نادرستیهائی هم هست چه نام پدرش صلاح‌الدین است نه نورالدین
که لقب محمودبن زنگی مخدوم اواست و نام عزیز برادرعلی‌هم عثمان است نه ابی بکر
که نام عمش عادل میباشد .

**انجام** : فیه عبرة لاولی الابصار فقد علمت ان الحق مع علی یدور حیث مادار لما اخبر به النبی المختار فویل للذین کفروا من النار و غضب علیهم الجبار و صلی الله علی محمد و آله الاخیار و رزقنا و جمیع المؤمنین الجنة بغیر حساب بحق النبی والولی واولادهما الاطهار (تمت الرسالة بحمدالله وحسن توفیقه) .

٥

[١٩٣١]

٦٥٤ این نسخه ش ٢ دفتر است و بنستعلیق خوش عنایت الله نزدیک ١٠٥٣ وعنوانها ونشانه‌ها در آن بشنگرف است .

(گ ١٣٣ ب ـ ١٦٢ الف) (بنگرید به ٦٥٤/١) .

[١٦٣٣] الاموات (رسالة احکام ...) (عربی)

١٠ این نامه از نگارندهٔ جواهر است که از همان گزین کرده و بخشی است از نجاة العباد او نه گزیده از آن ودارای یك باب ودریك مقدمه و چند مبحث و یك خاتمه میباشد (کنتوری ص ٢٣١ - ذریعه ١ ٢٩٤) .

**آغاز** : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة علی خیر من ارسله للعالمین ... و بعد فیقول .. محمد حسن ابن المرحوم الشیخ باقر قدس سره هذه رسالة مشتملة علی احکام الاموات اختصرتها من کتابنا الکبیر .

١٥

**انجام** انتظر حتی یقضی الله تعالی شأنه والحمدلله اولا و آخرا و باطناً وظاهرا .

[١٩٣٢]

١١٩٦ این نسخه ش ٣ دفتر است و بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف و ابراهیم شهرباری در ٢١ ع ١٢٦٤/١ آنرا نوشته و تصحیح هم شده است . گ ١٠٣ الف ـ ١٣٤ الف .

٢٠

[١٦٣٤] الاوراد (فارسی)

فیض کاشانی دراین نامه از سرگذشت علمی خود پاره‌ای آورد و روشن

نمود که چرا بروش فیلسوفان و صوفیان نگارش نموده است . آنرا در ١٠٨٣ بپرداخت و بنام « هدیةالاشراف » از آن گزین کرده و آن در ١٢٩٧ و ١٣١١ بچاپ رسید (ذریعه ٢ : ٣٩٨) و باکلمات مکنونهٔ همو هم در ١٣١٦ چاپ سنگی شده است ( ٢٢٠ - + - ١١ ص ربعی ) گرچه در ذریعه دارد که او در فهرست از آن یاد نمود ولی من در آن ندیده‌ام .

در آن دارد « ذکر فی مجلس النبی .. ارسطاطالیس، فقال : لوعاش حتی عرف ماجئت به لاتبعنی علی دینی » .

**آغاز** : کتاب الانصاف فی بیان الفرق بین الحق والاعتساف للمحقق المحدث مولانا محمدمحسن الکاشی المعروف بالفیض . بسمله . الحمدلله الذی انقذنا بالتمسك بحبل الثقلین من الوقوع فی مهاوی الضلال ... امابعدفهذه رسالة فی بیان طریق العلم باسرارالدین . . . سمی بالانصاف لخلوها من الجور والاعتساف چنین گوید . . . محسن بن مرتضی .

**انجام** : واجعل حبك شعارنا وذکرك دثارنا بجودك وکرمك یاحنان یامنان سبحان ربك رب العزة عمایصفون وسلام علی المرسلین والحمدلله رب العالمین .

[١٩٣٣]

١١٦٩ این نسخه ش٢ دهم است و بهمان خط ش٣ ودرهامش برگهای ٣٦-٤٢ الف .

## [١٦٣٥] انگشت شماری (عربی)

حاج مولی علی بن میرزا خلیل پزشك مازندرانی حدیث اسلام ابی طالب را بروش انگشت شماری وحساب جمل گزارش کرده است (ص ٥٢٤ و ٨٣٧ همین فهرست) .

**آغاز** : بسمله . الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین روینا بالاسنادالمتصل عن المجلسی ره بسنده المتصل عن اسمعیل بن ابی زیاد عن ابی عبدالله «قال اسلم ابوطالب بحساب الجمل وعقده بیده

ثلثاً وستين وفی تفسیره خبر آخر عن حسین بن روح ثالث النواب الاربعه قال عنی بذلك «الله احد جواد»

**انجام** كالقوس والوتر وقس علیه ماعداه و هذا مما الفه سبحنا الجلیل والفاضل النبیل الحاج مولی علی بن میرزا خلیل الطبیب المازندرانی

[۱۹۳٤] ۵

۵۹۰ این نسخه ش ۲ دهمراست و همانجا ش ۱ میباشد
گ ۱٤۱ الف - ۱٤۲ الف

## [۱٦۳٦] الآثار الباقیة فی شرح الفصول النصیریة (عربی)

این دفتر همانست که در ش ۵۳۹ و ۵٦۳ همین فهرست شناسانده شده ومتن پارسی (س ۱۱۱۹/۷) از طوسی و ترجمهٔ تازی (س ۲۸۲/۳ و ۱۰۸۸/۲) از کرگانی ۱۰ زنده ۶۹۷ است و گزارش از سیوری که برای سید نقیب جلال الدین ابو المعالی علی بن شرف الدین مرتضی علوی حسینی آوی و ابو الفضائل (ابو الفضل) سید نقیب شرف الدین مرتضی علی ورزیده او نوشته است میباشد در این دفتر از یکتاپرستی وداد گری خداوند و پیامبری و پیشوائی ورستاخیز در چهار فصل بروش كلام شیعی آمیختهٔ بافلسفه گفتگو کردند خواجه در آن توحید عرفانی ومقامات تصوف ۱۵ نیز اشاره نمود و شرح عرفانی او از آن پیداست وسیوری هم در این باره داد سخن را داده مطلب را مانند یك فیلسوف عارف روشن نمود (پایان فصل یکم)

از نسخهٔ تاریخ ۷۸۱ طوس برمیآید که این گزارش از نگارشهای نخستین سیوری میباشد (ذریعه ۲ ۲۳ ٤)

[۱۹۳۵] ۲۰

۱۱۱۵ این نسخه ... علی اعلوا ... و شاخه‌های ... در ۸ ذی‌حجه ۹۵۱ ... میباشد ... هم در کنار صفحه‌ها ... میشود گ ۲ ر - ۱۰۱ پ

در ۱ الف و پ و ۲ الف و ۱۰۲ الف شعرهائی نوشته شده و در ۲ الف هم شعرهائی است

درستایش از کتاب ومهر کمال الدین وسه مهر دیگر که درست خوانده نمیشود وهمچنین تاریخ ۱۲۷ (گویا ۱۲۰۷) ونیز تاریخ ۱۲۹۳ در ۱ ب و۱۰۲ الف ودومهر محمدعلی در ۱۰۱ب ومحمدنقی در ۱۰۲ ب دیده میشود. نسخهٔما در آغاز و انجام اندکی با نسخهٔ ۲۸۲/٤ و ۱۰٤٦/۲۸ جدائی دارد.

(۱۰۲گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه: ۱۳، ۱۹ ــ ۱۲/۵ س ۱۲

[١٦٣٧] **الانوار الجبلية** (عربی)

**فی اجوبة المسائل الجبلية الاولی**

سیدعبدالله بن نورالدین بن نعمةالله بن عبدالله حسینی موسوی جزایری شوشتری (م ۱۱۷۳) در ۷۰ مسئله این نامه بپرداخت و درروز پنجشنبه ۲۸ ج ۱۱٤۹/۱ آنرا بپایان رساند.

این نامه در پاسخ پرسشهایست در فقه و ادب و کلام و اخبار که سیدعلی علوی نهاوندی بروجردی هنگامیکه شوشتری بکوهستان (جبل) میگذشت از او کرده و پرسشها و پاسخها در برخی جاهاهم بفارسی میباشد.

سیدنورالدین پدر همین شوشتری در روی نسخه‌ای از این در جمادی دوم همین سال ۱۱٤۹ ستایش نوشته ومحمد زکی همدانی وسید محمد بروجردی استادان اوهم روی نسخه‌ای از آن بستودند (ذریعه ۲ ۸۰۲ و٤۲۳و۲۱۷:٤).

او در برابر فیلسوفان روشی نرمتر دارد تا نیای خود واو از آنها بد نمیگوید. درمسئله هفتادم عینیهٔ شیخ رئیس را از روی تاریخ ابن خلکان و حیوةالحیوان دمیری آورده و گزارش نمود وازروی توحید وعللالشرائع صدوق بشیخ پاسخ داد و مانادر اینجا از مقامات النجاة نیای خود (ص۱۵٤۰همین فهرست) گرفته‌است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی نصب العلم ذریعه للنجاه و رفع الذین اوتوا العلم درجات...و بعدفیقول. عبدالله بن نورالدین بن نعمةالله بن عبدالله الحسینی الموسوی .. انما الماقضی الله. بالمرور علی بلاد الجبل و الاجتماع بمن فیهامن الاولیاء الکاملین... ومنهم. السید علی العلوی النهاوندی ... سألنی ... عن مسائل متبددة عن ابواب

متعددة فانيه فيها بما حضر فی الحال علی طريق الارتجال .. وسميته الانوار الجلية فی اجوبة المسائل الجبلية .

**انجام** : وهذا آخر ما تيسر من تحرير جوابات مسائل السيد . . . ادام الله وجوده ... فقد اتفق ذلك علی طريق الارتجال وفی غاية الاستعجال مع ضيق الحال وخمود البال وكثرة البلبال وفقنا الله واياكم . . وختم الله لنا ولكم بالنبی الامين واهل بيته الاطهار الاكرمين .

(صورة خط المصنف) وكتب . عبدالله بن نور الدين بن نعمة الله بن عبدالله الحسينی الموسوی فی يوم الخميس الثامن والعشرين من شهر جمادی الاولی من السنة التاسعة والاربعين بعد المائة والالف والحمد لله رب العالمين .

[۱۹۳۶]

۶۹۱ این نسخه ش ۲ درست و نسخ ناخوانا و نشانه‌های شنگرف که همان نویسندهٔ ش ۳ آنرا در نیمهٔ روز دوشنبه ۱۶ ذی‌حجهٔ ۱۱۶۳ نوشته است .
گ ۳ ب ــ ۸۵ ب .

در ش ۱ « القصيدة الموسومة بباطفة الاحزان فی الشكوی من الزمان » است و دارد « من انشاء جدی العلامة السيد نور الدين » و پيدا است كه آن سرودهٔ نور الدين فرزند سيد نعمة الله شوشتری میباشد

پس از اين يكی بار شعرهائی است از همان نور الدين در پاسخ ميرزا قوام الدين تبريزی و بار شعرهائی از او در بارهٔ اقتباس و همچنين شعرهائی از او بفارسی كه كمبود دارد (۱ ب ــ ۲ ب) در شمارهٔ نخستين حاشيه‌هائی با نشانه‌های «منه سلمه الله» و «منه ره» و «منه» و « منه زيد عمره » و منه عفی عنه» و بی نشانه ديده ميشود و از آنها برمی‌آيد كه نگارندهٔ آن از كدام دانشمند بهره برده است .

مهر «جزو كتابخانهٔ ضياء الدين النوری» در آن هست

همهٔ دفتر ۲۱۴۵ ــ كاغذ ترمه ــ جلد تيماج مشكی سادهٔ مقوائی

اندازه : ۵ ۲۵/۵ و ۱۰ ۱۹ س ۲۳

[۱۶۳۸] بحر الاسرار (فارسی)

(السبع المثانی)

ميرزا محمد تقی (بن محمد كاظم) مظفرعليشاه نعمة اللهی كرمانی (م ۱۲۱۵)

این مثنوی عرفانی را سروده (ذریعه ۳۹ ۳۹)ودرآن سه‌سورهٔ حمدوفلق وناس را تفسیر وحدیث حقیقت کمیل را گزارش نموده است . وآن نزدیك به ۵۰۰۰ بیت و سال ۱۳۲۹ در کرمان بچاپ رسید (مجلس ۳:۶۳۹ طوس ٤۰۹۰٤) این بکلی جز السبع المثانی شیخ نجیب الدین رضای تبریزی است که درشیراز بسال ۱۳٤۲ با رساله‌هائی از خواجهٔ انصاری وروزبهان وعین القضاة و با تحفهٔ عباسی بچاپ رسیده است .

آغاز : کتاب بحرالاسرارالمسمی بسبع المثانی من منظومات کشاف الحقایق جناب میرزا محمد تقی المسمی بمظفرعلی شاه نعمة اللهی نورالله مرقده

باء بسم‌الله الرحمن الرحیم — هست کلید در گنج حکیم

۱ گنج حکمت آن کتاب رحمت است — بسمله چون باب گنج حکمت است

گنج حکمت شهرعلم مصطفا — بسمله رمز علی بابها

بسمله آئینهٔ گنج احد — بسمله گنجینهٔ گنج صمد

مطلع دیباچهٔ ام‌الکتاب — مجمع مجموعهٔ فصل‌الخطاب

۱ مشرق انوارعرفانی است این — مخزن اسرارقرآنی است این

هرچه درقرآن خفیه واضحه — مجمع آمد همه درفاتحه

هرچه‌درسبع‌المثانی منطوی‌است — بسمله‌رجمله‌طرامحتوی‌است

انجام :

درمیان چون نرد عشق آمد درست — خویش را در باخت درد او نخست ۲

(بتاریخ یوم‌الخمیس شانزدهم شهرشوال سنه۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیرفقیر علی بن ابوطالب) .

[۱۹۳۷]

۱۱۷۹ این نسخه ش۲ دفتر است وهمانگونه‌خط واز همان نویسندهٔ ش۱ ودرروز پنجشنبه ۱٦ شوال ۱۲۵۹ نوشته شده است . گ ۱٤۹ ب - ۲۸۹ ب .

[۱٦۳۹] **بشیر و نذیر** (عربی)

این دفتر جلد دوم و در دوازده باب است و دعاهای گوناگون بروش شیعیان در آن آمده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی جعل لاختلاف اللیل والنها و حرکات الانجم والکواکب والظلم والانوار عللاوفوائد وغایات لاتحصی .. فهذاء جلد الثانی (؟) من کتابنا المسمی بالبشیر والنذیر .

**انجام** اضعف الله اجره وینعم به المیت وفی روایة وینعم بذلك .

[۱۹۳۸]

**۱۱۸۳** این نسخهٔ تازه در متن و هامش و بخط نسخ است و دعاها در برخی جاها معرب میباشد .

۳۲۰ گ - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ مقوالی

اندازه : ۱۸ ۲٦ و ۱۲ ۱۷ س ۲٥

[۱٦٤۰] **پاسخ رسنمداری بنامهٔ اوزبکان** (فارسی)

هنگامیکه عبدالله خان اوزبك مشهد طوس را درسالهای ۷-۹۹٦ حصار داد یکی از فقیهان و پرهیزگاران آنشهر نامه‌ای بدو نوشت که جرا این شهر را محاصره کرده‌اید و مردم آن را که بیشتر سیدند ازمیان برده و مالهای مردم را تاراج نموده و اوقاف « سرکار فیض آثار » (۱) را بر بودید ؟ ! خان اوزبك بدانشمندان واردو که درااردوی او بوده و بدین کشتار وچپاول فتوی داده‌اند فرمود که بدین نامه پاسخ نویسند آنها هم نامه‌ای نوشتند و دلیلها آوردند که شما چنین ستمها را شایسته‌اید .

مولانا محمد بن فخرالدین علی رسنمداری که درآستانهٔ طوس خادم

---

۱- درفهرست طوس (۳ ۲٥۷) درآنجا که از «ذهبیه» یادمیشوددارد : حضرت «سرکارفیض آثار» ثامن الائمة - پس درانجاهم آستان طوس خواسته شده است .

ومدرس بوده و گویا هم از شاگردان خاتم المجتهدین شهاب الدین مولی عبدالله بن مولی محمود بن سعید شوشتری طوسی خراسانی حلوائی (۱) بشمار میآمده است

---

۱ـ این دانشمند شوشتری که استاد یا شاگرد رسمداری بوده است از نزدیکان دربار شاه تهماسب و شاه عباس بوده و عباس بگفتهٔ سید عبدالله شوشتری مدرسه‌ای نزدیک قیصریه بنام او ساخت ورقباتی بدرخواست او بنام چهارده معصوم وقف نمود. دانشمندان روزگارش مانند بهائی و داماد اورا مسلم میداشتند. او «اربعین حدیث» دربارهٔ برتریهای علی و امامان دیگر نزدیک ۹۸۲ نوشته است (ذریعه ۱:۴۲۹و۴۲۰) وگویا همان باشد که درس ۱۰۶۹ شناسانده‌ام. وی درطوس رساله‌ای فارسی دراثبات امامت (ذریعه ۲:۳۲۹) نوشته واز سنیان در آن خرده گرفت و آنرا برای دانشمندان ورارود که درلشکر شاه خان اوزبك بوده‌اند فرستادو آنهاهم بدو پاسخ داده‌اند واین پس از آن بود که رسمداری نامهٔ خودرانوشته بود ودرهمان سال ۹۹۷ که عبدالمؤمن خان شاه اوزبك مشهد را محاصره نموده و عبدالله خان درنزدیك آن شهر بوده و اوزبکان بچپاول میپرداختند. سرانجام این شد که آنها شهر مشهد را بگرفتند و اوراهم درهمین سال گرفتار ساخته بخارا برده بکشتند (ذریعه ۲ : ۳۲۹) پس از رسیدنش بشهر بخارادانشمندان آنجاباو گفتگوها کردند واوهم خودرا شافعی وانمود میکرد دانشمندان خشك مغز حنفی اورابنوشتهٔ عالم آرادرسال ۹۹۷ بابکده وفلمتراش بکشتند و تنش را درمیدان بخارا بسوختند. چنانکه درپایان نامهٔ بخارائیان آمده وسید عبدالله شوشتری درتذکرهٔ شوشتر (ص۵۳) مینویسد اوزبکان بدربارشاه عباس ایلچی فرستادند که کسی را نزد آنها گسیل بدارد تا آنانرا ازآئین سنی آگاه سازد و با او دربارهٔ درستی دو آئین شیعی و سنی از روی کتاب و سنت گفتگو بدارند وروشن گردد که کدامیك راست است این بود که ملاعبدالله روانهٔ بخارا شده و دربار ومردم آنجانخست اورا گرامی بداشتند وهمینکه دانش او بزدشان آشکار گشت وپس از گفتگوها با او دیدند که با او برابری نمیتوانند بکنند دانشجویان آنشهر برسرش ریختند و با قلمتراش ومشت ولگد اورا بکشتند.

شوشتری مینویسد که این درسال ۱۰۲۱ بوده است واین درست نیست و گویا باسال مرگ عزالدین عبدالله بن حسین شوشتری اشتباه نموده است چنانکه او درهمینجا آخوند ملا محمد علی شوشتری که بگفتهٔ او درزمان واخشتوخان درشوشتر (۱۰۴۱ ـ ۱۰۷۸) بوده و پس درسپاهان میزیسته ودرمسجد شاه امامت جمعه و جماعت را داشته است پسر این یکی میداند بااینکه پسر همان ملاعبدالله بن حسین است.

(تذکرهٔ شوشتریه. روضات ص ۳۵۸ـ۳۶۱ـ عالم آرا ص ۱۱۳).

یا استاد او باین نامهٔ سنیان پاسخ نوشته‌است . خان بخارا آنرا بدید و بدانشمندان گفت که باید بدان پاسخ دهید آنها نتوانستند و بخان گفتند خوب استکه بااین شیعیان گفتگو مدارید تا دیگران با شنیدن سخنان آنها سست اعتقاد نگردند . باید آیتهای قرآن را ازاین نامه با مقراض درآورد و آنچه میماند درجلو مردم سوزاند و بآنان گفت که آنرا پاسخی نیست . ۵

متن نامهٔ نخستین شیعیان در دست نیست ولی نامهٔ سنیان و پاسخ رستمداری درمجالس المؤمنین (مجلس ۱ دربارهٔ رستمدار) و تاریخ عالم آرا (ص ۲۵۸-۲٦۵) ومطلع الشمس مراغه‌ای (ص ۲۹۸-۳۱۱) هست .

درذریعه (۸ ۲۸۲) آمده که آندو درمجلهٔ خرد (ش ۱۱ س ۲) درتهران بچاپ رسیده است و نیز دارد (۵ : ۱۷۵) « جواب اعتراضات علماء ماوراءالنهر ۱۰ علی الشیعة للمولی محمدالمشهدی » که در ۱۲۵۷ (گویا ۱۰۵۷) درطوس درگذشت .

آغاز (سوادمکتوبی که علماء ماوراءالنهر بعلماء خراسان نوشته فرستاده بودند) پوشیده نیست برهیچ مؤمن عالم که تعرض باموال و نفوس کسانیکه گویندهٔ . لااله الاالله ... باشند ... جایز نیست . ۱۵

انجام (باید) که رئیس خود (خویش فضائل مآب مولانا) ملاعبدالله را (بیرون فرستند تا) امان داده با بعضی از ملازمان رکاب (همایون) اعالیحضرت خاقانی مناظره نماید (نمایند) باشد که مذهب حق برهمه کس ظاهر گردد (تمت) تمام شد نامهٔ ازبکیه (۱) .

آغاز . جواب نامهٔ (مکتوب مذکور) علماء ماوراءالنهر که ملا محمد ۲۰

---

۱ـ آغاز را از روی نسخه‌ای که‌خودم دردست داشتم نوشتم ودرنسخهٔ کتابخانه از این نامه بهمان اندازه که درانجام یادکرده‌ام هست جز آنچه که درمیان دو کمانه نموده شده است

ازاین نامه که درآن سنیان از آئین شیعی خرده‌ها گرفتند پیداست که درپاسخ نامه‌ای ازدانشمندان شیعی نوشته شده است وروی‌هم سه نامه باید باشد . ۲۵

مشکلك) رستمنداری (مانا: رستمداری ماننده چاپی) استرابادی نوشته‌اند (نوشته ماوراءالنهر فرستاده) - نتایج افکار و رشحات اقلام درر (عنبر) بار افاضل ماوراءالنهر هدیهم‌الله و ایانا (الی) سبیل‌الرشاد و حفظهم عن‌التعصب والعناد وقوف (پیوسته) بیان در آن باب آنچه صواب و (که بوقوع پیوسته در آن باب ا صواب آنچه) موجب اجر وثواب است مذکورمیشود.

**انجام**: وفتوی بقتل (بخون) فقیران داد (۱۰) بد مارك‌الله (فیکم و) عظم‌الله جور کم واصلح (الله) امور کم.

سکن مکن که ره جور را کناره نباشد

مکن‌مکن که‌پشیمان‌شوی(و) چاره نباشد

والسلام علی من‌اتبع‌الهدی) تمام شد (۱ الف - ۷ الف).

[۱۹۳۹]

۱۱۲ این نسخه ش ۲ دفتراست که دارای ۹ رساله و گفتارمیباشد و همهٔ آن بخط نستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد و درشوال وذی‌قعده ۱۲۳۶ وشته شده است و درین دفتر ار نامهٔ سنیان جز چند سطر پایان دیده نمیشود امده است.

(۳ + ۳۷) - کاغذ فرنگی - بی‌جلد

اندازه: ۱۳/۵ ۲۱ - ۸/۵ ۱۵ س ۱۷

[۱٦٤۱ پاسخهای بهائی (عربی)

پاسخ سه پرسش است نخستین درباره گفتار بیضاوی در تفسیر «وما انزل علی الملکین ...» دوم درباره سخن طبرسی درمجمع‌البیان درتفسیر «ربنا انی اسکنت من ذریتی بواد غیرذی ذرع عند بیتك‌المحرم» وسوم در تفسیر آیهٔ افك اولئك مبرؤن ممایقولون لهم‌مغفرةورزق کریم» ودر آن نخست پرسشها وسپس سخنها آمده واز فخررازی وطبرسی ودوانی‌وشرح عقائد عضدیه دربارهٔ داستان هاروت وماروت یاد کرده. این سخنان بگواهی نسخه باید ازشیخ بهائی باشد

ودرذریعه (۵ ۲۰۲) هم از او دانسته شده و دارد که گویا برای برادر خود عبدالصمد (م ۱۰۲۰) که صمدیه را هم بنام او ساخته است نگاشته باشد.

آغاز بسمله اما بعد الحمد و الصلوة و ابلاغ السلام الی الاخ الاعز الفاضل الکامل الفقیه النبیه الجلیل الزکی الذکی الالمعی ادام الله فضله و اجزل نیله فالمنهی لدیکم افاض الله نعمه علیکم انه قد وصل الی المحب الحقیقی ما ادرجتموه فی مکاتیبکم ۵
الشریفة من المسائل التی التمستم کشف نقابها و رفع حجابها فامتثلت التماسکم بالقبول والامتثال و حررت ما سنح بالبال الکثیر الاختلال و اما اورد کلامکم سلمکم الله بلفظه ثم اردفه بالجواب راجیاً سلوک جادة الصواب

انجام اذ لاریب انه مشروط بمقائهم علی الایمان الی وقت الوفاة والله اعلم (کاتبه محمد امین الفاری فی سنة الف وعشرین من الهجرة) ۱۰

[۱۹٤۰]

۶۱۸ این نسخه ش ۱۷ ده رابست و خط نستعلیق با عنوانها و نشانهای شنگرف از محمد امین فاری در ۱۰۲۰ گ ۲۸۰ ب - ۲۸۳ الف

|۱٦٤۲| پاسخهای همدانی (عربی)

۱۵ آقا شیخ محمد باقر همدانی در برابر پرسشی که پیروان کتاب کرده و از در آن وعیب امام خرده گرفته بودند پاسخ داده است

آغاز بسمله الحمد لله رب العالمین اما بعد چنین گوید این بندهٔ خاکسار محمد باقر که در این اوان محب اخوان سؤالاتی چند رسید از بعضی از اشکالات که رفع آنها را خواسته پس عنوان سؤالات را سؤال و عنوان جوابها را جواب قرارداده ۲۰

انجام ورد شمس و شق قمر هدایت نکردند فما تغن الایات و النذر عن قوم لا یؤمنون و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین قد تم فی الثانی عشر من شهر ذی القعدة الحرام من شهور سنة ۱۲۹۹ حامداً مصلیاً مستغفراً (نسخ).

[۱۹٤۱]

۹۳۷ این نسخه بتعلیق تاریخ ۱۲۹۹ میباشد ومانا نسخهٔ اصل است .

(۴۳۲۲) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد تازه
اندازه : ۱۱ ۱۷/۵ و ٦ ۱۴ س ٦

[۱٦٤۳] پریشان (فارسی)

میرزا حبیب‌الله قاآنی فرزند میرزا محمدعلی گلشن (۱۲۲۲ - ۱۲۸۲) شاعر دانشمند دراین نامه بروش گلستان سعدی رفته وآنرا پس‌از سی سال ازمرگ پدر (ص ۱٤۵ چاپ ۱۲٦۱) درسالیکه محمدشاه برای گشودن هرات رفته بود (ص ۱٤۲) بنام همین شاه نگاشته و در سی و یك سال و نه ماهگی خود در ۲۰ رجب ۱۲۵۲ آنرا بانجام رساند (پایان) (۱) .

دربارهٔ آن دردیباچه گفته است :

درین کتاب پریشان چه بینی از ترتیب
عجب مدار که چون‌نام خودپریشان است

دربارهٔ شاه گفته است

محمد شه آن شاه درویش دوست
که شاهی اگرهست درویش اوست

۱ - درذریعه ( ۱۹۷۰۳ ) از نسخه‌ای از این پریشان که متنی را داشته ودرتاریخ ۱۲۵۹ نوشته شده بود یادگشت و دارد که آن درتهران بسال ۱۲۷۱و۱۳۰۲ بچاپ رسیده است .

پریشان جداگانه در ۱۸۱ ص رقعی بخط نستعلیق میرزا آقا پسر میرزا اسماعیل شیرازی بسال ۱۲٦۱ بچاپ سنگی رسید . همچنین با گلستان حکیم قاآنی در ۱۲۲ ص رقعی درنولکشور کانپور بسال ۱۸۹۷ (۱۳۱۵) چاپ شد . درآغاز دیوان قاآنی هم بخط آقا محمد ابراهیم در بمبئی بسال ۱۲۷۷ در ٤۸ ص رحلی بچاپ سنگی رسیده . نیز درآغاز همین دیوان بخط نستعلیق در ٦۸ ص وزیری درچاپخانه میرزا عبدالرحیم علمی در تهران بسال ۱۳۲۷-۸ خ چاپ سنگی شده است سرگذشت او هم دراینجا هست .

آغاز : بسمه . و به نستعین . تواناخدائیکه بیخودان بزم‌محبت گاهی مست قدرت اویند و گاهی مست رحمت او .

انجام :

یارب ازینغم دل من شاد کن　　　　و زغم دنیا دلم آزاد کن

۵　[۱۹٤۲]

۱۱۰۱　این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط ش۱ ودر گ۱۰۱ب ـ ۱۵٤ ب . چنین است انجام آن : « حکایت علوی زادهٔ را یاد دارم که طلعی داشت گلگون . . . با قدحی باده بـالین علوی‌زاده رفتم ساق و ساعدش مالش دادم تا سر از بالش برداشت » .

۱۰　[۱٦٤٤]　تاریخ عترت　(عربی)

این نامه آنچنانکه نگارندهٔ آن در دیباچه مینویسد «جلدی (است) در ذکر عترت مصطفی و جزوی (است) در محمدت و منقبت و کیفیت وضع و مولد و مسکن و مسقط و مدفن و حسن سیرت و فضل سریرت هریك» و در رجب ۸۰۳ بدرخواست دوستی در شهر حلب بنگارش در آمده است و در آن دارد که « لفظ برطبق معنی پی‌درپی میرسید و شرطی که رفته درسطور مرعیست مگر در نقش نگین هریك ...
۱۵
چون محل تغییر و تصرف نبود بروضع خود مرویست» سرگذشت پیامبر و دوازده پیشوا در آن یاد شده است .

آغاز : بسمله . صنوف حمد بی‌حد و فنون شکر بیعد در نعت حضرت معبودیست که بیرنك هستی برلوح وجود کشیدهٔ بند تصویر ویست ؛ و ضروب مدحت بی‌مر و شعوب منت بی کیفر وسیلهٔ قربت مقصودی که جبین هرموجود
۲۰
درمحل سجود برعتبهٔ تقدیر وی . . و بعد سبب تحریر سطری چند که مرقوم میگردد وموجب تسطیر حرفی دو که مزبور میشود نفر بر کرده تحریر میپذیرد که هرشغلی بسببی منوطست و هرعملی بموجبی مربوط درشهور رجب مورخ هشتصد وسه هجری .

در این دفتر که در سه فصل است نخست صد آیه که مفسران سنی در برتری
برمؤمنان علی یاد کرده‌اند آنگاه صد حدیث آنهم از پیروان سنت که دربارهٔ
انشین بی‌واسطه‌بودن او آمده است وهمچنین خبرهائی دربارهٔ تبهکاری خلفا
دربارهٔ معجزه‌های پیشوایان شیعی‌ودلیلهائی نقلی نوشته شده و در پایان آن
ازده دلیل سه از لغت وسه ازمنطق وسه ازقانون فلسفی وسه ازقانون پیوستهٔ
دلیلهای نقلی آمده است (۱) .

۱ــ درآن از شرح تجرید و شرح مواقف و شرح طوالع یاد کرده‌اند ودرروزگار
فویان نوشته شده‌است ودر گ۱۸٤ ب نسخهٔما از « نواب فردوس مکان علیین‌آشیان
اه طهماسب » یادشده ودر۱۸۵ الف دارد « دربن‌عصر که اوزبکیه مشهد مقدس را
رفتند » .

دربرگ۱۸۲ دارد : « وجه سیم آنکه ازمعظم نعم‌الهی بقاء کتب مذهب امامی‌است
اکه هرگاه درمدت هزار سال پادشاهان با قدرت و سیاست همگی همت مصروف
ختن کتب امامیه داشته باشند و اختفاء کتب فی نفسه باعث اندراس کتب باشد ومع
ا کتب شیعه از حد حصر بیرون است و کتاب هست که تاریخ کتابت او پانصد سال
ششصد سال است و مکرر واقع شده که کتابخانهای شیعه را سوخته‌اند و تفحص
وده‌اند وهر کتابیکه بهم رسیده ضایع ساخته‌اند و بعض‌اوقات صواحب کتب بواسطهٔ
ظ نفس کتابهای مصحح نفیس را ضایع کرده‌اند چنانکه درعصر حقیر استماع افتاد
ه درقصبهٔ کناباد که درمیان بلادشهری ندارد واز ثقات آنجاشنیده شد که دروقتی که
ربکیه شومیه بآن حدود آمده بودند واهل آنجارا فرصت پنهان کردن کتب نشده‌بود
شنیده بودند که درهرات از خانهٔ کسی کتاب فقه امامی بیرون آمده بآن سبب جمیع
ل آن خانه را قتل نموده بودند کتابها را جمع نموده درحوض وسیعی انداخته‌بودند
ه ان حوض مملو از کتاب شده بود و در مشهد مقدس چندین هزار کتاب را ضایع
. د وان حقیرروزی بمعفرت پناه مولانا عبدالله شوشتری‌ثانی‌میگفت که مرا برقتل
. . . مشهد مقدس تأسف نیست . چرا که آنرهمه مرتبست وسعادتی مثل آن نیست که
. . . اهل . . . جماعتی بدرجهٔ شهادت رسند ودر فردای قیامت درزمرهٔ شهداء آنحضرت
دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

**آغاز**: (هذا کتاب تذکرة الفتن من تألیفات المرحوم المبرور المغفور فخر المحدثین وزبدة المتورعین جناب آخوند ملا محمد کاظم الهزارجریبی) بسمله . الحمد لله الذی خلقنی فیهدین والذی هو یطعمنی و یسقین . . . اما بعد باید دانست که بهترین اعمال بعد از معرفت خدا و رسول و حجتهای او دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا است . . لهذا فقیر بعضی از آیات و اخباریکه مشتمل بر شقاوت وضلالت آن پیشوایان کفر و غوایت بود در این رساله ایراد نمودم وقلیلی از قبایح افعال و شنایع اعمال آن کافران بدآمال باشمهٔ از پستی حسب و دنائت نسب ایشانرا در اینجا ذکر کردم . . . فی الجمله بروفق مراد باتمام رسید مسمی بتذکرة الفتن گردید و آن در چند باب است

**انجام**: علاوه بر قبایح مذکوره که سابقا جملهٔ از آنهارا دانستی والسلام علی من اتبع الهدی . ۱۰

[۱۹۴۶]

٦۱۱۵ این نسخه بنسخ و عنوان کتاب و نگارندهٔ آن شنگرف میباشد و روی پاره‌ای از عبارتها خط کشیده شده است و محمد بن صفر فخار در ۷ جمادی دوم گویا سال ۱۲۳۹ آنرا بپایان رسانده . کتابخانهٔ مؤدبی نسخه را در « رسم المولود ۴۱ » از کتابخانهٔ علمیه خریده است . تاریخ ۱۵/۱/۱۹ هم در آن دیده میشود (گ ۱ الف) در پایان دارد : ( در هفتم جمادی الثانی در سنهٔ هزار و سی و نه بدست حقیر محمد بن صفر الفخار سنهٔ ۱۲۳۹ ) گویا واژهٔ « دویست » افتاده است ولی رقم درست نوشته شده بود و کسی ندانسته خواسته نسخه را کهنه نشان دهد تا اشکال رقم را با شمارهٔ حروفی یکسان و برابر سازد این بود که رقم « دویست »ها را پاک کرد و جای آن صفر گذارده تا ۱۰۳۹ خوانده شود و رقم پاک شده را (۳) هم میتوان خواند پس تاریخ ۱۳۳۹ میشود. ۱۵ ۲۰

۱۰۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه . ۱۵ ۲۱/۵ و ۹ ۱۵ س ۱۸

[۱۶۴۸] ترجمان القرآن (فارسی)

میر سید شریف گرگانی (۷۴۰-۸۱۶) در « ترجمان لغات قرآن » با ترتیبی ۲۵

کو کلمات قرآنی را بپارسی ترجمه کرد وازسورهٔ حمد سپس سورهٔ ناس آغاز تا سورهٔ بقره بانجام رساند و بعکس ترتیب رسمی قرآن رفتار نمود ( طوس ۳۶۷ - سپهسالار ۱ : ۱۸۵ - ذریعه ٤ : ۷۱) سپس کسی آنرا بترتیب قرآن آورد ( فهرست آقای منزوی ۱ :۳۳ ش ۱۰۶۸ ) آنگاه عادل بن علی بن عادل افظ شیرازی ( زندهٔ درسدهٔ نهم ) آنرا بترتیب حروف تهجی از روی ریشهٔ ات درآورد و این یکی در تبریز بسال ۱۳۱۳ ق و در تهران بسال ۱۳۳۳ خ چاپ رسید . این نسخهٔ ما جزهمهٔ اینها است وهمهٔ لغات مفرد و مرکب ومشتق ارسی ترجمه شده وتنها همان حرف نخستین رعایت شده است .

**آغاز** : بسمله . الله : خدا . احد : یکی . انما : جزاین نیست . ابدا : همیشه . توا واوتی : داده شد .

**انجام** : یبغین : طلب کردن . یغبطون . حسد کنند . یرمی : میرند . یمتاز : دا میشود .

[۱۹٤۷]

۱۱ این نسخه ش۱ دمراست و بنسخ ولغات عربی شنگرف میباشد ودرپاره‌ای جاها سفید گذارده شده گویا برای انکه پس‌از آن بنویسند. گ ۳ ب - ۲ ب .

(همهٔ دفتر ۳۸۵گ) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج زرد
اندازه : ۱۲/۵×۲۰ ، و ۷ ۱۵ س ۱۶

[۱۶٤ ترجمهٔ اسرار النجوم (فارسی)

یکی از کتابها که بدروغ ازارسطو پنداشته‌اند «اسرارالنجوم» است که نسخه‌ای آنرا ماروات دیگری و نسخه‌ای دیگر مانند آن وهردو بنام « مقالة فی احکام نجوم » در ش ۹۵٤ همین فهرست شناخته‌ام این دفتر که اکنون میشناسیم جمه و گزارشی است از روایت دیگری ازهمان نخستین (ش ۳٤۷/۳) که بنام سرارالنجوم » خوانده شده است

**آغاز** : شرح اسرار النجوم ارسطاطالیس الحکیم . و به نستعین . سپاس ومنت وجودی را که واجب الوجود است و هرچه جزوی ممکن الوجود وهرچه ممکن الوجود است کردهٔ اواست وهمه حمز را جدا گانه از اجناس و انواع را علمی پدید کرده وهیچ چیز را بی علت بیافریده ... امابعد چنین گوید محمدا کبر ابن نصرالله میرزا بن شاهرخ شاه بن رضاقلی میرزا بن نادر شاه افشار . . . که مدتی بود . که جمعی کثیر از دوستان و محبان خواهش از این حقیر نمودند که اسرار النجوم معلم اول ارسطاطالیس را ترجمه بزبان فارسی نموده شرح و بسطی لایق داده شود . دراین زمان . که بملازمت . . اردشیر میرزا . سرافراز گردید حسب الامر ترجمهٔ این کتاب مستطاب صد باب اسکندری مفتخر و سرافراز گردید .. و این کتاب مشتمل است برصد باب هذا دیباجه کتاب اسرار النجوم لارسطاطالیس فیلسوف . وضع هذا الکتاب لاسکندر الملک ورسم هذا الفصول بالفصاباوهی مائة فصل ترجمه این کتاب مستطاب اسرار النجوم ارسطاطالیس حکیم است . . قال ارسطاطالیس ایها الملک بعزه موفقه منی و جلالک فی نفسک واستکمالک فضائل الاسیاده و استکمالک علی احدالصفات الملکونة حقیق بان نکون وارثاً للعلوم الحکمة التی اودعها الملک الخبیر هرمس الکبیر حین علم بما یکون من الطوفان ولم یقدر علی استخراجه بعده الاالحکیم الفاضل بلیناس وانا اخذته منه واستفدته

**انجام** فصل صدم قال ارسطاطالیس الحکیم القمر اذا فسدای فساد کان و کان صاحب الطالع صالح الحال دل علی البلوی بعدها نعمة المشکورة

ترجمه . چون قمر فاسدالحال باشد و هرفسادی که باشد صاحب طالع صالح الحال بود دلالت کند بر آنکه اولا مولود ببلیه و بلائی و عارضهٔ گرفتار شود وبعدار آن نعمت ومالی و ثروتی بمولود برسد که ار آن نعمت ودولت شکر خدای کند . والله اعلم بالصواب ( حسب الخواهش سرکار نواب مستطاب فرزند کامکار اعنی شاهزادهٔ آزاده محمد رضا میرزا زیدالله اجلاله و دولته و عزته و طول الله

ابن دانشمند از کراجك که نام دو دیه است یکی در واسط دیگری در حلب و از شیخ ابو یعلی سالار دیلمی و شیخ مفید هم بهره برده است . قاضی عبدالعزیز ابن براج طرابلسی شامی و شیخ ابی محمد عبدالرحمن بن احمد بن الحسین نیشابوری و محمد ریحان بن عبدالله حبشی از شاگردان او بوده اند

کراجکی در این کتاب « التعجب » میگوید که چون یکی از برادران دینی در میانهٔ کتابهای « امالی » مفید به « اطراف الدلائل و اوائل المسائل » که در [illegible] است برخورد و در پایان آن پاره‌ای از غلطها و فرسخوار گمهای شگفت انگیز [illegible]ان در فصلی کوتاه نگریست و آنرا بسیار پسندید از من درخواست که بپیروی [illegible] در کتابی جدا گانه همین را با شیوائی بنویسم من بدو گفتم که او « مفاتیح [illegible] ائد و مصابیح المراشد » نیز دارد و شایسته است از آنهم پیروی بود سخنان [illegible]ست و غلطهای سنیان در بارهٔ امامت بسیار است آری از کسانیکه از جاهلمان [illegible]ری کرده اند چنین سخنانی دور نمیباشد . این بود که من بدرخواست آن دوست [illegible] فتر بپرداختم و سخنان ناساز کار سنیان را در آن آوردم .

از سخنان سنیان که کراجکی در این دفتر آورده در بارهٔ وصیت است و نص [illegible]ار و امام و علم امام و عصمت و امامت مفضول و تقیه و غلو در صحابه و بغض [illegible] بیت (۱) و آیهٔ غار در بارهٔ برتری ابی بکر و خبرهائی در بارهٔ او و عمر

۱ــ در همین التعجب دارد [illegible] المغرب [illegible] قرطبه [illegible] السوارع [illegible] علی ابواب الدور [illegible] اهل المغرب [illegible] عاشوراء [illegible] (ص ٤٥)

[illegible] در صفحهٔ پس از این

در پایان میگوید که اینست اندکی از بسیار غلطهای سنان (۱).

---

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

نیز دارد که در شام خانوادهها است بنام «بنو السراویل، الحرج، سنان، الکبری، الطشی، العصیبی، الدرجی» از دودمان کسانیکه شلوار امام را ربودند یا برای پایمال ساختن تن او زیر سم ستوران اسبها زین بستند (که برخی از این اسبها بمصر رسیده بود و نعلهای آنها را از پاشنهها کندند و برای خجستگی بدرهای خانهها کوبیدند و همواره هم اینان با رسم هست) یا سر امام را بر نیزهٔ خویش کردند یا پشت سر او تکبیر گفتند یا طشتی را که در دمشق سر او در آن بوده است برداشتهاند یا چوب برای نیزه آماده کردند که دندانهای او زدند یا سر او را در درج چوبین گذاردهاند (ص ۴۶)

۱ـ در جنگی بچاپ سنگی و بخط نسخ اندازهٔ جیبی این کتابها دیدهام

نخستین عمادالاسلام محقق اردبیلی ترجمهٔ محمد بن مهدی از زکی عربی ص ۱۴۴ چاپ حاجی محمد رضا آقا تاجر شبستری بخط عبدالصمد بن احمد تبریزی در ۱۳۲۱ دوم سرگذشت همین کراجکی سوم کنزالفوائد کراجکی چاپ حاجی قاسم تبریزی اردبیلی و آقا شیخ محمد حسن بن حاجی ملارضا تبریزی در ۱۳۲۲ در کارخانهٔ استاد مشهدی اسد آقا بکوشش استاد میرزا اسمعیل بخط حسن بن محمدعلی، فهرست و غلطنامه در ۱۴ ص و کتاب در ۳۰۴ ص. چهارم همین ۲ کتاب التعجب بخط احمد بن محمد حسینی خوشنویس خان کارخانهٔ مشهدی اسد آقا در ۱۳۲۲ در ۶۹ ص.

کراجکی در کنزالفوائد یاد میکند از قاضی ابوالحسن محمد بن علی بن محمد بن صخر ازدی بصری که در ۴۲۶ در مصر از او روایت دارد (ص ۵۰) و از شیخ خود ابن الواسطی ابوعبدالله حسین بن محمد (عبید) الله بن علی (ص ۸۷ و ۱۸۱ و ۱۹۹) و از شیخ مفید رس (ص ۱۰۱ـ۹ـ۱۶۳) و حسین بن محمد بن علی صیرفی و قاضی ابوالحسن اسد بن ابراهیم سلمی حرانی بغدادی (ص ۱۳۶ و ۲۲۵) و ابن شاذان (ص ۲ـ۱۵۱) و ابوالحسن طاهر بن موسی بن جعفر حسینی در مصر در شوال ۴۰۷ (ص ۱۵۳ و ۲۶۲) و ابوالمرجا محمد بن علی بن ابی طالب بلدی در قاهره (ص ۱۶۴ و ۲۷۱) و از تاریخ بودن خود در قاهره در ع ۲ سال ۴۲۶ (ص ۱۶۴) و از ابوالی معمد (ص ۱۶۶) و از ابوسعید احمد بن محمد بن احمد مالینی هروی در رمله در شوال ۴۱۰ (ص ۱۸۱) و از بودن خود در رمله در ج ۲ سال ۴۱۰ (ص ۲۴۷) از سال ۴۱۸ (ص ۱۴۱) هم در آن یاد شده است.

کراجکی «الاستنصار فی النص علی الائمة الاطهار» دارد که [illegible] معجب‌الاثر

دنبالهٔ [illegible] در صفحهٔ پس از این

[۱۶۵۳] تفسیر حمد (فارسی)

تفسیری است کوتاه بفارسی و بروش حروفیان برای سوره حمد و در آغاز نسخهٔ ما خود سوره آمده و زیر و روی سطرهای این سوره دستور تجوید کلمات آسیب سازی مفسر آن دانشمندی است سنی و اشعری و خدا را دیدنی می‌پندارد شاید بتوان گفت که نگارنده آن همان نویسندهٔ [illegible] فارسی (ش ۱۰۱۲/۱) باشد

آغاز بسمله الحمدلله رب العالمین اندکی از شرح و معنی علامتها از کی نوشته الحمد سه جای وقف ناصر است نزد امامان حجاز و شام و بصره

انجام خدای تعالی همه مومنان را این ثواب روزی کناد و بر همه رحمت کناد بمنه و فضله

[۱۹۵۲]

۱۰۱۲ این [illegible] ۱ ده است و خط [illegible] در گ ۴۴ الف – ۴۶ الف

[۱۶۵۴] تلخیص المحصل (عربی)

خواجه طوسی در دیباچهٔ آن میگوید که در اصول دین کتابی جز محصل امام فخر رازی در دسترس نیست که آنهم نیکو و سنجیده نمیباشد و نادرستیهای بسیار دارد من میخواهم درست آن را از نادرست و بجا را از نابجا باز شناسانم از این روی این دفتر پرداختم و «تلخیص المحصل» نام نهادم و بعلاء الدین بهاء الاسلام صاحب دیوان سور پسر صاحب بهاء الدوله محمد ارمغان داده‌ام این دفتر در کلام و گزارشی است قال و اقول بر محصل که رازی آن را بدرخواست گروهی نوشته است

خواجه در آن از اندیشه‌های اشعری رازی سخت خرده گرفته از اینکه آن را نقد المحصل هم میخوانند در ذریعه (۴۲۶۴) از نسخهٔ تاریخ روز پنجشنبه ۲ ع ۱/ ۶۷۳ نوشتهٔ محمد بن [illegible] و مقابله شده با نسخهٔ سنجیده شدهٔ با خط طوسی با کمک [illegible] کاشی شرف الدین محمد قزوینی یاد کرده‌اند محصل رازی

گ۱ الف صفحهٔ عنوان ملخص‌المحصل ش ۱۱۵۰ و کهنگی نسخه از آن پیدا و آ ...
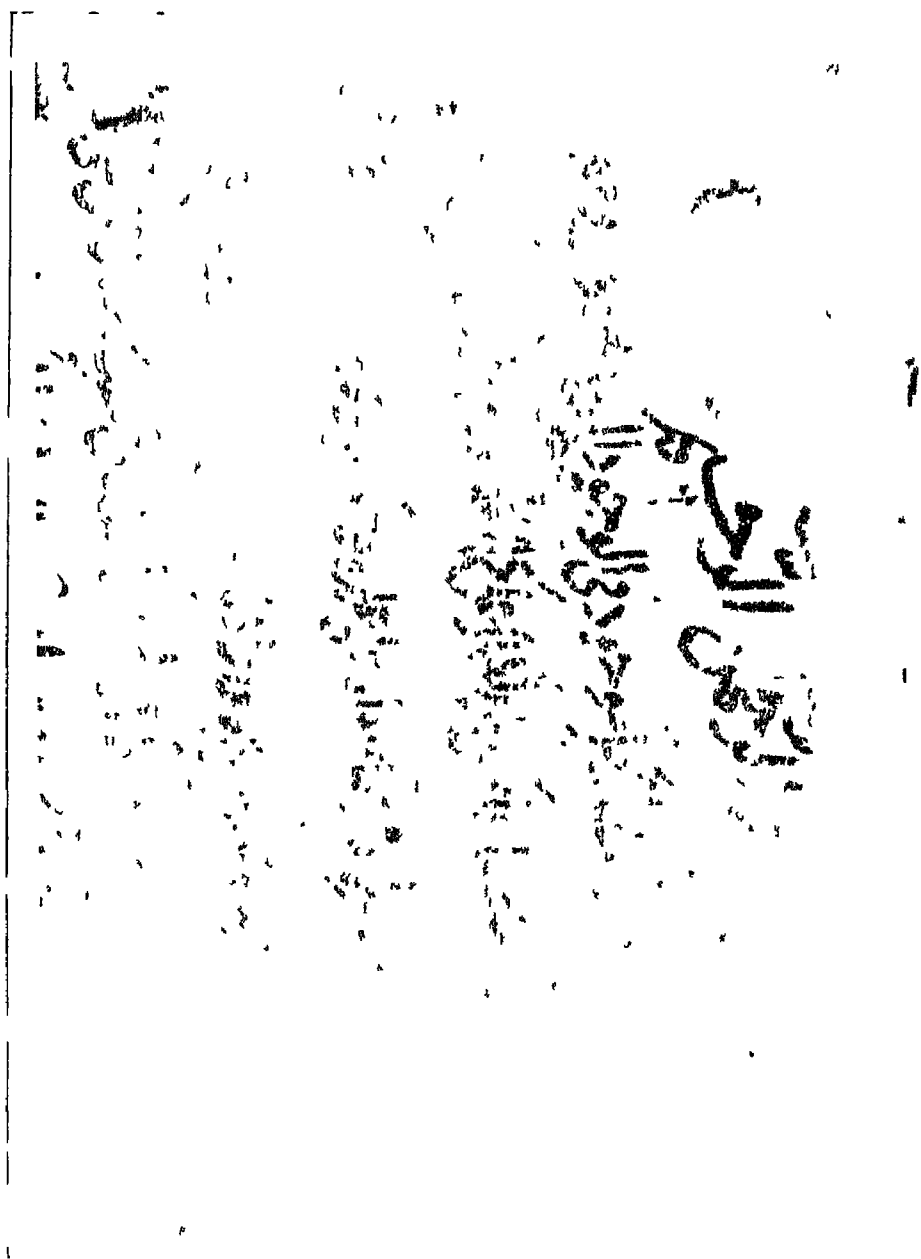
روز آدینهٔ یکم محرم ۹۵۸ بانجام رسیده است (کسوری ص ۱٤۰و٤۰۷) بر آن گزارش‌هم‌نوشتند وسه حاشیه دارد (ذریعه٦ ٤۹) فهرستی که شهید بر آن‌نوشته درهمان سال ۹۵۸ نگارش درآمده است (طوس ۲ ۱۸۷).

آغاز بسمله الحمدلله‌الذی وفقنا لتمهید قواعدالاحکام‌الشرعیة و تسیید ارکانها بتوطید‌القوانین‌العربیه و بعد فان علم‌الفقه لایخفی شرفه .. وشدید حاجة‌المکلفین‌الیه .. و (لما) کان اعظم مقدماته علم اصوله و علم‌العربیة اذالاول قاعدته ودلیله والثانی مسلکه وسبیله .. فلاجرم رتبنا هذاالکتاب علی قسمین احدهما فی تحقیق‌القواعدالاصولیه وتفریع مایلزمها من‌الاحکام الفرعیة والثانی فی تقریرالمطالب العربیه و ترتیب مایناسبها من‌الفروع‌الشرعیه واخترنا من کل قسم منهما مائه قاعده متفرقه من ابوابه مضافه الی مقدمات و فوائد و مسائل تتم بهاالمقصود وسمیته تمهیدالقواعد الاصولیه والعربیه لتفریع فوائدالاحکام الشرعیة .

انجام وان یغفرلنا مااخطأنا فیه سبیل‌الصواب انه غفور رحیم فرغ من تألیفه عصر یوم‌الجمعة المفسح للشهر الحرام محرم‌المفسح بعام ثمان و خمسین وتسعمائه ومؤلفه . زین‌الدین (بن) علی‌بن احمدالشامی‌العاملی حامداً مصلیاً مسلما مستغفراً ( الحمدلله رب‌العالمین حمدا کثیراً کما هواهله والصلوه علی محمد و آله‌الطاهرین)

[۱۹۵٤]

۱۱۹۱ این نسخه ش ۱ دو راست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف از محمدتقی‌بن محمدکاظم که درشب آدینه محرم ۱۲٦۱ نوشته است حاشیه‌هائی درآن هست با نشانهٔ «منه رحمه‌الله» و «ام ن ر ه» و «امین» گ ۲ ب ـ ۸٦ ب
(همهٔ دفتر ۱۸۳گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی سادهٔ فتوالی
اندازه : ۱۷ ۲۸/۵ و ۹ ۱۸ س ۲۹

[۱٦۵٦] ترشیح‌المطالب (فارسی)

میرزا ابوطالب بن میرزا بیك موسوی فندرسکی نوادهٔ میرفندرسکی

وهمزمان نگارندهٔ ریاض‌العلما خلاصة‌الحساب بهائی را بنام شاه سلیمان (۱۰۷۷–۱۱۰۵) ترجمه و گزارش نموده‌است (سرگذشت بهائی از نفیسی ص ۱۰۰– ذریعه ۱۷۷:۳ و ۴۹۸:۴– ص ۱۸۶۳ همین فهرست).

دراین گزارش هیچگونه استدلالی نیامده ولی مطلبهای کتاب روشن شده وچیزهائی هم برآن افزوده دارد

**آغاز**: بسمله. و به نستعین. حمد وسپاس بیحساب وعد جناب مقدس اسرع الحاسبینی راسزد که جهت حصول اعداد نامتناهی ذاتنات وافراد لاتناهی موجودات نه رقم صور افلاک تسعه را برلوح ایجاد کشیده.

**انجام**: پس صیانت کردن این علم از کسیکه متصف بصفت مذکوره باشد لازم ومتحتم است. الحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطناً و صلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله الطیبین الطاهرین الاخیار الانجبین وسلم تسلیما.

[۱۹۵۵]

۱۱۷/۴ این نسخه نسخ است وعنوانها شنگرف و جدولها و رقمها سیاه و شنگرف و محمد صادق بن عبدالمجید نوری با ... در ۱۲۵۲ آنرا نوشته است. حاشیهٔ ... هم دارد ...

(۱۹۵ ...) ... کاغذ فرنگی — جلد تیماج ... متوالی

... ۱۵۰ ... ۲۵/۵ و ۱۰ ۱۹ س ۳۰

[۱۶۵۷] جفر (عربی)

ابن خلدون مغربی در مقدمه (ف ۵۳ ب ۲ ص ۳۲۴ و ۳۳۸ چاپ مصر ب مصر ... ف ۲۳ ب ۶ ج ۱ ص ۴۸۰) می نویسد که «کتاب جفر» ریشهٔ آن از کتاب هارون بن سعید عجلی رهبر زیدیان است که آنرا از جعفر صادق روایت میکرده و در آن پیش بینی هائی درباره ... بوده است و این پیشگوئیها را جعفر صادق و دیگر بزرگان ... از راه کشف و کرامت کرده بودند و این در پوست گاو نر کوچکی نوشته شده بود و همین هارون آنرا روایت کرده و بنام همان پوست «جفر» نامیده.

چه جفر کوچک را گویند دراین جفر تفسیر باطنی قرآن روایت از صادق بوده است از این جفر نشانی اکنون نمانده جز پراکنده‌ها و پاره‌هائی از آن که دلیلی با آنها نیست و اگر روایت آنها بصادق درست باشد بهترین سند خواهد بود که او و خاندانش دارندگان کرامت‌اند و خود او پیش بینی‌هائی هم کرده است».

باز میگویند که «یعقوب بن اسحاق کندی ستاره شناس رشید و مأمون درفرازهای اسلام دفتری ساخت که سپس آن را نام کتاب خود که از جفر صادق می‌پنداشتند «جفر» نامیدند و در آن دربارهٔ سرانجام کار عباسیان و تباه شدن فرمانروائی آنها در سدهٔ هفتم پیش‌بینی شده است و ما از این کتاب نشانی ندیدیم و شاید هولاکو پادشاه تاتار آن را با کتابهای دیگر در دجله انداخته باشد در مغرب (افریقا) کراسی که گویند از همین کتاب است پیدا شده و آن را جفر کوچک گویند و گویا برای خاندان عبدالمؤمن برای یادآوری از پادشاهان نخستین موحدان پرداخته شده است» از سخنان ابن خلدون با روش نویسندگی ولری که دارد پیداست که او همچنان اینگونه پیشگوئی‌ها را نمی‌پذیرد (۱)

آملی در نفائس الفنون (فن چهارم مقالهٔ سوم در تصوف) می‌نویسد که گویند رمزهای علم حروف و جفر در صحیفهٔ ابو بکر شده و آن هم در کوه حرا در زیر سنگی نهاده شده بود تا جبرئیل آن را به پیامبر و او بعلی آموخت و از او بهر بداس رسید

چلپی (۱ ۳۹۳) می‌نویسد که میگویند علی ع هشت حرف را در پوستی نگاشته و تنگ میکرد و باز وسعی بر پوست و به رانجام و آینده از آن دانسته میشود

۱ـ در [illegible] دانشمندان [illegible] جز ابن مسکویه روش نویسندگی ولتر و فیلسوف داشته و [illegible] از [illegible] و پندار دستگاه فرمانروائی تازی خرده نگرفته [illegible] و از [illegible] او در [illegible] و سلطان و ملک (جاویدان خرد ۱۵۸ـ۲۸۲) این روش او پیداست. دومین کس همانا ابن خلدون است که در مقدمه از ارباب فرمانروائی آنها [illegible] پیشگوئی‌ها [illegible]

ن دانش‌ازاو بفرزندانش و بزرگان رسید . جفر و جامعه‌دو کتاب است بزرگ .
یکی را علی بربالای منبر برخواند و دیگری را پیامبر در نهان بدو آموخت
فرمود که آنرا در دیوانی بنویسد . علی آنرا در پوست شتری رنگ کرده
نوشته است . روش هندوان و افلاطون و صادق ع در این کتاب هست . محمدبن
طلحهٔ نصیبی شافعی (۶۵۲ ه) « جفر جامع و نورلامع » دارد .

در ذریعه (۵ . ۱۱۸) آمده که « جفر » بزغالهٔ چهار ماهه است و آنچه جبرئیل
برای پیامبر وحی میآورد بدست علی در پوست بزغاله‌ای نوشته میشده است .
از کافی کلینی و اختصاص مفید و بصائر الدرجات برمیآید که علی و صادق و قائم ع را
جفر ابیض و جفر احمر و جامعه بوده است بگواهی جابربن حیان و ابن‌خلدون
ابن قتیبه در ادب‌الکاتب و شریف گرگانی در شرح مواقف و ابن خلکان علی
صادق را جفر و جامعه بوده است .

علم جفریکه‌امروزه‌هست و خواجهٔ طوسی و بهائی و دهدارو کاشفی و بسطامی
همدانی و رشنی و دیگران دربارهٔ آن کتاب نوشتند آنستکه با شمارش ابجدی
از روی کمان آینده را پیشگوئی کنند » (۱) یکی از دفترهای جفر همانستکه
کنون نسخهٔ آنرا میشناسیم و نگارندهٔ آن شناخته نگشت .

۱ قاآنی در قصیده‌ایکه بعنوان « شکایت حکمران پارس از بدرفتاری مردم
[illegible] » بدین مطلع
ای داور زمانه خجسته از وصف خلق تو
خاطر شده است مطلع خورشید انورم
سروده است میگوید :
[illegible]
[illegible] نگارم و [illegible]
[illegible]
از [illegible] خامه [illegible]
[illegible]
[illegible] پسر و دختر و همسرم
دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس‌ازاین

[۱۹۵٦]

۱۱۵٤ این نسخهٔ سراسر جدول بخط نستعلیق است ورموزها مشکی وخطوط جدولها شنگرف میباشد.

در پشت جلد روی کاغذی سفیدی بخط نستعلیق چنین نوشته شده : « این کتاب
جفر است وازجفر و علم جفر که عددی مافوق طاء .. (خوانا نیست) که نهمین مرتبهٔ ۵
کمال است ندارد ومافوق اعداد مافوق طاء است و تا روزمحشرچون شماری از عدد
یك اضافهٔ نقطه یا نقاطی که اصل علم وحکمت است زیادتر میشود واین علم حفر که علم
حساب است از ازل و ابدی اعدادآن معلوم میکند که درآینده چه خواهد شد تا درحال
حاضر دنیا واشخاص در چه حالی هستند و این علم را نسبت بامام جعفر صادق میدهند
ولیکن دراین دورهٔ آخرالزمان سنهٔ ۱۲٦۰ هجری این علم را ... (خوانا نیست) را ۱۰
دیدومؤمن بامام عصرشده ؛ واین کتاب راخرید صحیح است هر کس بفهمد حلاوتی ندارد»
در گ ۱ الف خط نستعلیق دارد .

« هوالله تعالی این اعجوبه کتاب جفری است که مصنف و نویسندهٔ این کتاب
پانصد ساله بیست و هشت حروف ابجدی را در نوشتن ضرب در بیست و هشت نموده
وقواعدآنرا بدست داده هر کس دراین کتاب تعمق نماید خواهد فهمید که مشکل ترین ۱۵
علوم علم جفر است ولیکن در نزد اهلش که هوش پاك درسهوات نباشد سهل ترین
علومی است که واقعات حال واستقبال آنرا معین مینماید واگرصاحب ملکت این کتاب
ازگرسنگی بمیرد بهتر است تا این کتاب را از ورقی کمتر از ده پوند کمتر بفروشد
مگر بیادگار وبخشش بدوستان ومؤسسات ملی ملکی ازممالك ثمانیه رحمه‌الله علیکم
اجمعین درره‌المیداةاه‌الجدی قائم مقامی » ۲۰

(۳۹۵ ک کاغذ فرنگی – جلد تیماج زرد زرکوب درون سرخ مقوائی
اندازه : ۲۹/۵ ۲۹/۵ و ۲۲/۵ ۲۴ س ۲۸

دنبالهٔ حاشیه صفحه ... س
نه و اعظم که سی ... فریب حلق
بحب الجناك فکنده سالای منبرم ۲۵
نه معصم که همچو روف ... زکمر
تاپی ... زرکاب ... مصدرم
هم‌روضه خوان ... کاپی کسب سیم وزر
فتح ... و شعر روان سی ... ۳۰
(ص ۳۱۲ دیوان قاآنی چاپ ۱۳۲۸ شمرار)

ک ۳۹۴ الف انجام کتاب جفر ش ۱۱۵۴

این مثنوی عرفانی بروش صوفیان اخیر شیعی ایران سروده شده و در آن بجنگ مولوی رفته مگر اینکه از داستانها و خبرهای شیعی بهره برده شده‌است. شعرهای آن سست میباشد و شمارهٔ بیتهای آن به ۷۶۰۰۰ میرسد.

چنانکه از انجام دفتر ۶ برمیآید در ۱۲۵۰ (ظهور الحق) سروده میشده‌است.

در دنبال عنوان «در بیان جامعیت حضرت انسان کامل مکمل و سلطان دریادل ...» (ص ۱۰) دارد: «حال ای عزیز همگی گوش و هوش شو. مفصل نثر را از نظم شنو. بو که بوی یوسف غیب را از پیراهن سخن بکشی و از کاس الکرام کلام جرعهٔ از مدام میخانهٔ قدم بچشی تادمی دل را حاضردم داری و نقدی از این (گنج اسرار) بکف آری بعنایة‌الله و توفیقه.

برقع از رخ برگرفت آن بیمثال
در تماشاگاه جنات‌الوصال
گنج اسراری که بود او بی‌نیاز
گوهرافشان گشت باز از عز و ناز»

در دنبال عنوان «ماجرای عشق و عقل با یکدیگر در وجود کامل جامع بشر از صنع و حکمت حضرت دادگر» (ص ۱۷) دارد.

باز گو ای پاك و معصوم از خطا — شمهٔ زانسر که هو کردت عطا»
باز گو ای سر معصوم علی — ساز دلها راز کدرت منجلی»

(ص ۱۸).

از اینجا برمیاید که سراینده این مثنوی «معصوم علی» نامیده میشود. این را میدانیم که حاج میرزا آقا معصوم علی شاه تهرانی نعمة‌اللهی (شیراز ۱۴ ع ۱/ ۱۲۷۰ - ۱۱ شعبان ۱۳۴۴) شاگرد میرزا محمد حسن شیرازی و ملا محمد حسن اردکانی و نگارنده طرائق الحقائق فرزند حاج میرزا زین العابدین نائب الصدر رحمتعلی شاه (کاظمین ۱۴ ع ۱/ ۱۲۰۸ - شب یکشنبه ۱۷ صفر ۱۲۷۸) بوده است و او پسر

۳٦٩ این نسخه بنستعلیق باعنوانهای شنگرف و دارای دفتر۱ تا ۸ ص۱ـ ۷۲۲

(۳٦٦گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه ۱۷ ۲۲ و ۱۳/۵ ،۱۷ س ۲۴

--

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

**آغاز دفتر ۳** : اول دفتر سیم از کنزالاسرار . آغازدفترسیم . بسمله .

ای خداوند کرم دارای کریم     کز کرم افراشتی عرش عظیم     ۱۵۷

**انجام :**

چون هش‌ازهرسو بیکسوجمع شد     نطق بیسو را کماهی سمع شد

(مورخهٔ هفدهم شعبان‌المعظم سنهٔ ۱۳۱۱دفترسیم اتمام پذیرفت ورجوع بدفتررابع شد بعون‌الله تعالی شأنه‌العزیز . هوالعلی) (۱۵۷- ۲۲۹) .

**آغاز دفتر ۴** : بسمله .

ای بیکتائی سزاوار آمده     وزهمه یکتا پدیدار آمده

**انجام :**

منت ایزد را که چارم دفترش     خوش‌بپایان‌شد ز بی‌پایان ورش

تا کند آغاز جلد پنجمین     از دم فیاض دل دل را معین

٭٭٭

خوش ره اندر مست پنجم [illegible]     کسب نورازمهرچون انجم کنند

بادهراچون‌رحمت‌در(بر) جام‌دگر     هم بو خور انجام اتمام دگر

(مورخهٔ بیست وششم شهر رمضان من سهور سنهٔ ۱۳۱۱) (۲۲۹ـ۳۱۲)

**آغاز دفتر ۵** : اول دفتر پنجم از کنزالاسرار . بسمله .

ای خداوندی که از معدن کرم     دمبدم موجود گردانی عدم

**انجام .**

چون در این دفتر علم زد آفتاب     هم بو جوزان فتح سادس فتح باب

باب ششم گنج را چون باز کرد     گوهر افشانی ز نو آغاز کرد

پس‌بوهم رانسوی کش‌هش‌را عنان     تا بری پی بر گهرهای عیان

راهی اندر جنت سادس کنی     عقل را دردین و دل حارس کنی

گوئی‌هر ... شاجو خورشید نور پاش     تا نماید هر نهان را پرتو فاش

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

۳۷۰ این نسخه هم بنستعلیق با عنوانهای شنگرف است و دارای دفتر ۹ تا ۱۲
ص ۷۲۳ ـ ۱۱۸۷ ـ در ۱ الف نوشته شده است : ۱۱۸۷ صفحه
ودرهریك ٦۰ بیت مشود ۷۱۲۲۰ بیت .
(۳۵۹٦) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی ۵
اندازه : ۸ ۲۲/۵ و ۱۳/۵×۱۷ س ۳۵

---

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

(مورخهٔ بیست وهشتم شهر دبحجةالحرام سنهٔ ۱۳۱۱) (۳۱۲ـ۳۹۵) .

**آغاز دفتر ٦ :** بسمله .

| | | |
|---|---|---|
| ای خداوندیکه از جودت پدید | میکنی درهر نفس خلقی جدید | ۱۰ |

**انجام :**

| | | |
|---|---|---|
| دل گرفت اینجا عنان از گفتگو | سوی هفتم دفتر او را کرد رو | |
| ششمین سفرش هم اینجا کردختم | آنکه امرش بودنافذ حکم‌ختم | |
| پنج پنجه بود افزون ازهزار | کاین ششمین شد ازغیب آشکار | |
| درطهورالحق ششم مختش تمام | گشت ازفیاضی ربالانام | ۱۵ |

❁❁❁

| | |
|---|---|
| پس توهم ای مستمد باب فیض | باب جوشد بار هرجا باب فیض |

(۳۹۵ـ۴۹۲) (طهورالحق برابراست با ۱۲۵۰)

**آغازدفتر ۷ :** بیان دفتر تابی ازجنات وصال ـ بیان دفترهفتم ازکنزالاسرار .
بسمله . ۲۰

| | |
|---|---|
| ای‌خداوندی که‌این عالی وپست | شد پدیدار از تو باهرچیز هست |

**انجام :**

| | | |
|---|---|---|
| لب فروبند ایدل از سرکهن | ران بجلد هشتم از هفتم سخن | |
| باز پیچ از دفتر هفتم عنان | سوی هشتم دفتر ای گنج روان | |
| فتح‌سابع شد چوفتح ازفتح باب | فتح ثامن راکنون کن فتح باب | ۲۵ |

❁❁❁

| | |
|---|---|
| موی بموی‌خویش گوش‌وهوش کن | بخود آنکه سفر هشتم گوش کن |
| کامد آنجا از عنایت نور بار | نخل طورکس نه الانور بسار |

(۴۹۲ـ۵۹۴) .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین ۳۰

نورعلیشاه محمدعلی پسر فیض علیشاه میرزا عبدالحسین پسر امام جمعهٔ تون محمدعلی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

**آغاز دفتر ۸ :**

ایکه هر پیدا ز تو پیدا شد — وز تو هر شیدا دلی شیدا شده

**انجام :**

فتح هشتم را چوفتح آمد تمام — راند درفتح نهم فتحش کلام

دم کشید از دفتر هشتم دمم — تا دمید اندر نهم دفتر دمم

کتا از آن در رقص آید جسم و روح — ره گشاید روح در اصل و روح

تا عیان بنماید در این طلسم — کنز اسرار شه بیرسم و اسم

درنهم جنت ز جنات الوصال — قطره ات مایم بذیرد اتصال

قطره و نم را ره اندریم شود — بی نم و نم یم عیان از نم شود

لا شود با تیغ لا لا تا آله — ماند و غیری نماند تا آله

(۷۲۲ـ۵۹٤).

**آغاز دفتر ۹ :** ابتداء دفتر نهم از کنزالاسرار وجنات وصال بسمله . و به نستعین

ای خداوندی که از ایجاد تو — شد خراب آباد لا آباد تو

!!!!!!

خود دل هر ذره آمد طور تو — گشت درهرطور اناالله نور تو

(این بند که ۲۷ بیت است هم در پایان ش ۳۶۰ و آغاز ش ۳۷۰ هردودیده میشود).

**انجام :**

پس نهم دفتر کنون گفت او چو بس — گرچه اینجا مشتر راند اوفرس

کرد از جلوت نهم مخمس تمام — جلوه ساری کش بود مفتاح نام

ختم کرد او گرچه جنات وصال — کنزاسرارش پراست ومال مال

جلوه ساری باز در کنز دهم — دارد اندکوهر سری اوراست دم

هم نه راهی زین نهم دفتر بما — دردهم دفتر بیین جانرا نما

تا برین جان بوی زان دمیدم — از تجلی کنز اسرار قدم

(۸۳۰ـ۷۲۲).

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

رفی طبسی (م موصل ۱۲۱۲) عارف نعمت‌اللهی و شاگرد سید معصومعلی شاه خواسته بود بشماره درهای هشتگانهٔ بهشت اندفتر عرفانی و خلقی را در هشت مجلد بسراید و همین‌اندازه توانست آنچنانکه درفهرست آقای ابن یوسف آمده تا ٤٣٠ بیت ازسومین را بپایان برد پس‌ازاو جانشینش رونق علیشاه (م ۱۲۲۵)

**آغاز دفتر ۱۰ :** بسمله وبه نستعین .

ای خدا ای بی‌نهایت جود تو | کشته هرنابود بود از بود تو

**انجام**

پس دهم در کنون اینجا تمام | نور باشی آفتاب بی‌غمام
فتح چون فتح دهم گشت ازخدا | شد مجلد نارده نور هدا
تا درآن گردد تجلی سازنار | کنز اسرار ازکرم براهل راز   ۱۰

(مورخهٔ بیست وسوم ۲۳ شهرذی‌الحجة‌الحرام ۱۳۱۲) (۸۳۰ـ۹٤٥)

**آغاز دفتر ۱۱ :** ابتداء دفتر نارده ۱۱ ـ بسمله وبه نستعین .

ای خدائی کز توشد موجود وهست | سر بسر دراب این بالا و پست

**انجام:**

بس‌دراین فتحت گهرباشی ذکر | زان سخن در دفتر اثنا عشر   ۱۵
تا بانجام آمد از رب‌الانام | کنز اسرار اندرآن فتحت تمام

(مورخهٔ چهارع سنه پانزدهم۱۵شهر صفرالمظفرسنهٔ۱۳۱۳) (۹٤٥ـ۱۰۵۵) .

**آغاز دفتر ۱۲ :** ران دفتر دوازدهم ۱۲ـ بسمله . وبه نستعین

ای‌خدائی کز توشدهست این‌همه | ور می اتحاد تو هست آن همه

**انجام .**   ۲۰

چون رسید این جسم فانی بر کمال | روح باقی وانمود آنگه جمال
کرد بی‌ن جلوه‌هایش چون دروغ | جلوه پیرا راستی را شد فروغ

(تم الکلام بعون الملك العلام یوم دوشنبه بعد از ظهر بیست و چهارم شهر ربیع‌الثانی من شهورسنهٔ ۱۳۱۳ هجری .

ای فتح و بصرت تو هواخواهم از عدم   ۲۵
بودیم شدکی بدهم بار از کرم
شاکر ز شکر نعمت توعاجز است ولال
کام و زبان ناطقه را تو ولی نعم

(۱۰۵۵ـ۱۱۸۷) .

آنچه ازسوم مانده بود وهمهٔ چهارمی وپاره‌ای از پنجمی را سروده است آنگاه نظام علیشاه احمدبن حاج عبدالواحد کرمانی ( م ۱۲۴۰ یا ۱۲۴۲ ) جانشین مجذوب علیشاه پنجمی را بانجام رساند ودرششمی که درصد لمعه است « مصباح الشریعه » را ترجمه وگزارش نمود و هفتمی را هم برآن افزود (۱) نویسندهٔ نسخهٔ ما شمرهای این سه‌عارف رابرشمرد چنانکه‌خواهم‌دیدوشمارش‌او باشمارش بالاسازگار نیست‌چه: ۵۷۸۵ ۲۶۶۸ | ۲۶۸۷۰ |-۴۳۰ ‌نه ۵۳۵۵ پس‌همان دوجلد نخستین سرودهٔ نورعلیشاه خواهد بود . چه : ۵۳۵۵ ۲۶۸۷۰ |-۲۶۶۸ (۲) .

---

۱ــ بنگرید به : ذریعه ۱۵۲:۵ ــ سپهسالار ۴۸۹:۲ . مجلس ۱۷۱۰۳ ــ فهرست آقای منزوی ۸۸:۲ .

۲ــ آغاز این‌مثنوی:

| | |
|---|---|
| بسم‌الله الرحمن الرحیم | افتتاح کنز اسماء عظیم |
| بازگو از نام نامی آله | سوی‌جنات‌وصالش جوی‌راه |
| ای بنامت نامها نامی همه | نامهای نامیت نامی همه |

****

| | |
|---|---|
| نامی از جنات وصلم باز کن | از وصالم ساز و برگی ساز کن |
| تا در آن جنات گیرم گوشه‌ای | چینم از هرخرمن گل خوشه‌ای |
| خوشه خوشه بندم از گل دسته‌ها | دسته دسته آورم گلدسته ها |

****

| | |
|---|---|
| هردم از جنات نامی وا کنم | در ریاض جنتی مأوا کنم |
| آورم گلها بدامان سخن | هدیهٔ اصحاب درهرانجمن |

**انجام جلد یکم :**

| | |
|---|---|
| دادن بیم نبی سودی نداشت | کفرانشان رو به بهبودی نداشت |
| در نهٔ عالم کور و ناسما شدند | عش فلانی زده رسوا شدند |

( تاریخ الخمیس بیست و پنجم شهر ربیع‌الاول سنه۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر ... علی بن ابوطالب جلد اول جنات‌الوصال من کلام جناب نورعلیشاه قدس سره ــ از منزوی ۶۰۰۴ ، جلد اول ۲۶۶۸) .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

[۱۹۵۹]

۱۱۷۹ این نسخه ش ۱ دفتر است و نستعلیق و عنوانهای شرونظم بشنگرف میباشد وعلی بن ابی‌طالب آنرا نوشته ودرع۱۲۵۹/۱ آغاز و جلد یکم را درروز

---

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

**آغاز جلد دوم :** بسمله . ۵

این زبانها را بکام از نام تو — نعمت نطق و بیان انعام تو

تا نمایم درج گوهر نامه را — بارگردم گوهرافشان خامه را

**انجام :**

این زمانم بار می‌بندد زبان — تا کجا بازم کند رطب‌اللسان

منت ایزد کـه دردارالسلام — شد چو خلدم جنت ثانی تمام ۱۰

(بتاریخ یوم‌الاحد چهاردهم شهرربیع‌الثانی باتمام رسید بخط حقیرفقیرعلی‌ابن ابوطالب جلد دوم جنات‌الوصال من کلام جنـاب نورعلیشاه قدس سره فی سنه ۱۲۵۹ ـ ازجزوه ۱۰۶۷ ـ جلد دوم ۲۶۸۷) .

**آغازجلد سوم :** بسمله .

این سپهر عشق را انجم بود — جلد ثانی جنت سیم بود ۱۵

باز شهباز سخن پرواز کرد — صید کردن‌سوی دشت‌آغاز کرد

**انجام :**

سر بسر بمنا بمطلوب آمدند — هم‌محب‌هم‌خویش محبوب‌آمدند

شاهد این حال از بس مبین — هست والله نحب‌المحسنین

(بتاریخ یوم‌الجمعه بیست‌وسیم شهرربیع‌الثانی سنهٔ۱۲۵۹ جلدسیم جنات‌الوصال ۲۰ باتمام رسید من کلام جناب رونق علیشاه بخط حقیرفقیرعلی‌ابن‌ابوطالب (ازجزو۶۴۳ـ جلد سیم : ۱۷۹۷) .

(درمیانه این جلد درنسخهٔ ما نشانی نیست که از کجا سرودهٔ نورعلیشاه بپایان میرسد) .

**آغاز جلد چهارم :** بسمله . ۲۵

این گشوده از کرم باب نعیم — اسم اللهت ز رحمن و رحیم

ای‌که لاتحصی بود انعام تو — ای‌کـه لاتجزی بود اکرام تو

**انجام ·**

آن حسب حضرت سلطان علی — منبع هرفیض دراعیان علی

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین ۳۰

پنجشنبه ۲۵ ع۱ و دومی را درروز یکشنبه ۱٤ع۲ و سومی را درروز آدینهٔ ۲٦ع۲

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

صد هزاران لعنت خلق و خدا | غاصبان مسند و محراب را

(بتاریخ یوم‌السبت یازدهم شهرجمادی‌الاول سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیرفقیر علی بن ابوطالب جلد چهارم جنات‌الوصال من کلام‌جناب رونق علیشاه– ازجزو:٦۳۵– جلد چهارم : ۲۱۹۱) .

آغاز جلد پنجم : بسمله .

باز دریای سخن شد موج زن | موج زن شد باز دریای سخن

هریکی موجش‌یکی‌بحری‌شگرف | موجهایش نقشهای صوت و حرف

انجام :

چون‌خلیل‌آمدمر آن بارم وطن | از دم آن نور پاك ذوالمنن

با وجود آنکه گفتــا فی‌المثل | نی بحکم حتمی ای مرد اجل

(بتاریخ یوم السبت پانزدهم شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر فقیر علی‌ابن‌ابوطالب– ازجزو ۸۷۱– جلد پنجم : ۱۰۲۷۳– رونقعلی شاه : ۳٦۵۱– نظام علیشاه : ٦٦۲۱) .

درمیانه این بیت :

گر بر او چندی بر این‌سان بگذرد | رشتهٔ تدبیرت از کف بگسلد

دارد . « نظام علیشاه » و مارا میخواهد برساند که از اینجا سروده نظام علیشاه میباشد .

آغاز جلد ششم :

بسم‌الله الرحمن الرحیم | فاتح‌الابواب جنات‌النعیم

الحمدلله‌الذی نور قلوب‌العارفین بذکره و قدس ارواحهم بسره . . . فهذا کتاب مصباح‌الشریعة‌و مفتاح‌الحقیقة‌من کلام‌الامام‌الصادق.. وهو مشتمل‌علی‌مائة‌باب‌والله‌الموفق للصواب .

انجمن آرای جنات‌الوصال | ابتدا ورزد گر نام ذوالجلال

باز صبح صادق از آفاق جان | پرتو افکن شد باطراف جنان

انجام :

رحمت و صلوات لاتحصی مدام | برحبیب‌الله و برآل کرام

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

وچهارمی را درروزشنبه۱۱ج ۱ و پنجمی را درروزشنبه ۱۵ رجب وششمی را درروز
سه شنبه ۸ رمضان وهفتمی را درروزشنبه۱۲رمضان همین سال بانجام رساند . شماره
جزءهاوشعرهاهم‌درآن یاد شده است . گ۲ب ـ ۲۴۸ الف. نسخه را میرزاسیدعیسی
دیوانهٔ عربشاه ( با نواب خلیفهٔ سلطانی ) به پسر خود سید میرزا حبیب‌الله نعمةالهی
درآدینهٔ ۱ رمضان ۱۳۲۹ بخشیده‌است (۲ ب) خط حبیب‌الله درگ ۲۴۹ الف بتاریخ ۵
یکشنبه ۲۵ج۱/۱۳۳۸ هم هست .

(۲۹۰گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۲۲×۳۰ و ۱۵×۲۳ س ۲۸

## [۱۶۶۰] چهار عنوان (فارسی)

این نامه همان گزیده و منتخب کیمیای سعادت غزالی است از باباافضل ۱۰
کاشانی ( م نزدیك ۶۱۰ ) (رسالةالاسلام ش ٤ سال ۱ ص ٤۰۵) که در ص ۲۲۶
این‌فهرست ش۸/٤۰۳ شناسانده شده‌است (نیزص۶۷ بازپسین سخن بخش دوم) .
آغاز : بسمله . این سخنان کیمیای سعادت است که مردم شایسته و اهل

---

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ بازپسین

| | |
|---|---|
| دوستان او و آلش بردوام | غرق رحمت از خداوند سلام ۱۵ |
| این بود فهرست لمعات کتاب | میشود هر لمعه را زآن فتح باب |

.. (فهرست لمعه‌های‌صدگانه به‌نثر) (بتاریخ یوم‌الثلثاوهشتم شهررمضان‌المبارك
سنه ۱۲۵۹ باتمام رسید جلدششم جنات‌الوصال‌من کلام‌جناب رونق‌علی‌شاه بخط حقیرفقیر
علی‌ابن‌ابوطالب ـ ازجزء ۲۹۱ جلدششم ۷۱۳۱/۰۰۰) . ۲۰

آغاز جلد هفتم :

| | |
|---|---|
| بسم‌الله الرحمن الرحیم | آیت توحید(تحمید)و تمجید کریم |
| بعد تحمید خداوند وحید | بعد تمجید شهنشاه حمید |
| آن خداوندی که سبحان‌ولیست | آن شهنشاهی که‌سلطان علیست |

۲۵
انجام :

| | |
|---|---|
| یاری حق کردن و اعز از دین | رهنمای راستی برضاالین |

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آخرت را سودمند بود چنین گوید که نامهٔ مردمی بچهار عنوان تمام بود عنوان اول آنستکه حقیقت خودرا بشناسد .

**انجام** : کلید شناختن آخرت روحانی شناختن حیوة و روح است و چون کلید یافتی آسان بود در گشودن . والحمدلله . کفی افضاله و حسب نواله . والصلوة علی محمد و آله الطیبین الطاهرین .

[۱۹۶۰]

۱۱۱۳ این نسخه ش ۱۷ دفتراست و بنستعلیق میباشد گ ۱۶۱ الف ـ ۱۷۷ الف پس ازاین دو گفتاراست از بایزید بسطامی با پیشنمازی که با او نماز گذارد واز ابوسعید ابی الخیر بفارسی درده سطرچلیپا .

## [۱۶۶۱] حاشیهٔ تفسیر بیضاوی (عربی)

حاشیه‌ایست ازشیخ بهائی و جز حاشیهٔ اواست براین تفسیر که‌درفهرست طوس (۴۳۳٤) و سپهسالار (۱ : ۱۱۷) شناسانده شده است . بهائی بجزاین حاشیه‌ها گزارشی بزرگ هم بر آن دارد (ذریعه ٦:٤٤) .

آغاز بسمله قال‌الله سبحانه فی سورة‌الملك «کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها .. فسحقا لاصحاب‌السعیر» (آیه ۸-۱۱ سورهٔ ۶۷) وقال‌الفاضل‌البیضاوی بعد هذه‌الایة «فاسحقهم‌الله سبحانه سحقا ای ابعدهم من رحمته والتغلیب للایجاز والمبالغة والتعلیل» انتهی کلامه . وقداختلف‌الاعلام فی حل‌هذاالکلام علی وجوه .

انجام . لم یکن فی الکلام اشعار بماله استحقوهم . وهذاالوجه مماخطر بالخاطر الفاتر والله اعلم بحقیقة‌الحال (نقلت هذه‌الفائدة العالیة من صورة مؤلفها ادام‌الله ... صفحه ...

... ... ... شادن ... ... را دریافتن

( ... ... شهر رمضان‌المبارك سنة ۱۲۵۹ باتمام رسید بخط حقیر ... ابن ابوطالب جلد هفتم ۷۳٤ ـ ... ۲۷٤۸۰ ـ ... شاه : ۵۳۵۵ ـ ... علیشاه ۱۵۵۰٤ ... شاه ۱۶۶۲۱) .

تعالی ایام افضاله الی یوم القیام فی بلدة نخجوان فی اواخر شهر ربیع الثانی سنه اربع عشر والف) .

[۱۹۶۱]

۹۱۸ این نسخه ش ۱۰ دفتر وبهمانگونه نستعلیق قاری که درنزدیك بپایان ربیع دوم ۱۰۱۴ درنخجوان ازروی خط بهائی نوشته است . گ ۲۲۴ ب ـ ۲۲۷ الف . حاشیهٔ «منه مد ظله» و «منه مد ظله السامی» دارد . دردنبال آن آغاز رسالهٔ « قصر الصلوة » است که در ش ـ ۹۱۸/۱ گ ۲۶۶ الف و ب دیده میشود ودرپایان این دارد «مدظله» .

۵

## [۱۶۶۲] حاشیهٔ تهذیب (عربی)

جلال الدین دوانی برتهذیب المنطق تفتازانی این حاشیه را نگاشته است . (ص ۳۵ همین فهرست) .

۱۰

[۱۹۶۲]

۱۱۶۸ این نسخه ش ۲ دوراست و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و تاریخ آن ماننا ۱۰۲۸ است حاشیه‌هائی برآن هست بنسخ و نستعلیق . گ ۸۱ ب ـ ۱۴۷ ب . چنین است انجام آن :

۱۵

لانهم انما بنوا النسبة بین المعنیین علی ماذکرنا فمن عبر تعبیرهما الی ما اراده وبین النسبة بین ماقصده بینهما ولانزاع له فی المعنی (قوله) او بعدم ضرورة خلافه ای ان حکمه فیهما بعدم ضرورة (سنه ۱۲۸ ـ یك صفحه جدید) نزدیك به ۸ سطر کم دارد ازش ۲۶۷/۱

## [۱۶۶۳] حاشیهٔ حاشیهٔ شرح مطالع (عربی)

این حاشیه برحاشیهٔ میرسید شریف گرگانی است برشرح مطالع رازی (ص ۴۰ همین فهرست) وگویا از ملا شمس الدین محمد حنفی میباشد (چلبی ۲ : ۴۵۳ ـ ذریعه ۶ : ۷۳ ـ طوس ۱ : ۲۴ منطق) این حاشیه برمبحث نسبت حاشیهٔ گرگانی نوشته شده است .

۲۰

آغاز : بسمله . (کل مفهوم اذا نسب الی مفهوم آخر) لابدان یقید المفهوم

ههنا بمالا يتناول المفهومات التصديقية وما فى حكمها من المفهومات التصورية الغير الصالحة للصدق والحمل اذ مدار تحقيق النسب الاربع فى هذا المقام على الصدق

[١٩٦٣]

١١٨٩ اين نسخه بخط نستعليق است وچنين است انجام آن : « كذا ذكره قدس سره فى حواشيه للرسالة الشمسية ولايخفى عليك انه تكلف بعيد . ( هى المباينة الكلية ) قد بين فيماسبق ان صدق كل واحد من المفهومين على شىء بدون صدق الآخر عليه معتبر فى المباينة الكلية . . . لان اللاممكن العام لما كان اخص مطلقاً من الانسان ومفهومه كان اخص من الممكن » حاشيه‌هائى با نشانه «ف» دارد .

(٣٦ گ) ـ كاغذ فرنگى ـ جلد مقوا

اندازه . ١٦ × ٢١ و ٨/٥ × ١٦ س ٣٧

[١٦٦٤] حاشية حاشية مختصر (عربى)

ملا عبدالله فرزند شهاب الدين يزدى ( م ٩٨١ ) بر حاشيهٔ خطائى بر مختصر تفتازانى حاشيه‌اى نوشت و آنرا در شيراز در ١٧ ذى‌حجهٔ ٩٦٢ بپايان رساند . نسخه‌اى ديگر از همين حاشيه در فهرست آقاى منزوى (٣٧٩٠:٢ ش ٩٧٥) شناسانده شده است (ذريعه ٥:٧١ـ طوس ٣ ٥٧ و ٥٩ ـ سپهسالار ٢:١١٤ـ معارف ٢:١٦٦ كه عبدالله را خطائى خوانده است و خطائى را هم در ٢:١٦٥ عبدالله ناميد) .

آغاز : (رب وفقنى لاتمامه) بسمله . يقينى بالله ثقتى . حمداً لمن خلق الانسان وعلمه البيان وشكراً لمن اعلمه بدايع المعانى فى روائع البيان . قوله : نحمدك اللهم الاصل فيه ياالله حذف حرف الندا و عوض عنه الميم ولايقال عليه (كليشه ص ٧٤٥ ج ٢) .

انجام : قوله او الخطاب . اى او بقال بترك الخطاب مع معين الى غيره . . . حتى لايفوت ذلك الحسن هنا . والمرجو من الله تعالى حسن الخاتمة . . والحمدلله على توفيق الاتمام والسلام على سيد الانام و آله وعترته الغر الكرام وقد اتفق الفراغ من تعليق ما وسعه المجال مع توزع البال و تشتت الحال لافقر الخلق الى عفو ربه

الابدی عبدالله بن شهاب الدین الیزدی فی السابع عشر من ذی الحجة حجة اثنین
وستین وتسعمائة بدار الملك شیراز... فی المدرسة الصدریة المنصوریة ... والحمدلله
و صلواته علی عباده الذین اصطفی (کلیشه ص ۷٤٦ ج ۲ ) قد فرغ من تنمیق
تلك الحواشی الشریفة فی وسط الیوم الرابع والعشرین من شهر ذی الحجة ... سنة
۹۷۳ ... بمشهد ... علی بن موسی الرضا ... اقل الخلیقة ... محمد باقر بن عبدالقادر ۵
الحسنی الاسترابادی الملقب بدرار کدو (؟) عفی عنهما .

[۱۶٦٤]

۸۱۲ این نسخه ش۲ دفتر است و بهمانگونه خط ش۱ ازهمان استرابادی که در نیمهٔ
روز ۲٤ ذی‌حجهٔ ۹۷۳ این را نوشته است . گ ۶۰ ب – ۱۸۱ ب . مهر
« توکلت علی الله محمد باقر بن عبدالقادر الحسنی » و دو مهر دیگر که پاك کردند ۱۰
و درست خوانده نمیشود در ۶۰ الف و ۱۲۱ ب هست . حاشیه‌هائی هست با نشانه‌های
« م » و « منه سلمه الله » و « منه مدظله » . گویا این استرابادی از شاگردان یزدی
بود و نسخه را هم درروزگار او نوشته است .

[۱۶٦۵] **حاشیهٔ شرح تجرید** (عربی)

میرصدرالدین محمدبن منصور دشتکی ( ۸۲۸ – ۹۰۳ ) برشرح جدید ۱۵
قوشچی برتجرید خواجهٔ طوسی دو حاشیهٔ قدیم و جدید دارد که با سه حاشیهٔ
دوانی برآن « طبقات » نامیده میشود. حاشیهٔ جدید او بنام سلطام ایلدرم بایزید
نوشته شده است (ذریعه ٦ : ۱۱۷) . نسخه‌های طوس (۱:۳۵ ش ۱۰۱) وفاضلیه
(ص ۱۰ ش ۱۲) جزاین نسخهٔ ما میباشد . دشتکی دراین حاشیهٔ نسخهٔ ما (همان
نسخهٔ ش ٤۸۹ ج ٤ ص ۷٦ طوس) بسخنان دوانی مینگرد و بذوق المتالهین او ۲۰
میتازد (ص ۲۳۳ همین فهرست) .

آغاز : بسمله . قوله . ای علی آله واصحابه الذین . الخ . قال الشارح فیما
کتب علی الحاشیة قیل لم یرد به معیناً بل مایتناول متعدداً اعنی من اتصف من
محبوبیته بزیادة الکرم فی الجملة. وفیه نظر لان افضل التفضیل اذا اضیف فله معنیان

انجام : والعلة مطلقا . لماعرف المصنف العلية ... لانه مقارن لماهو علة ذاتية لوجود الحادث غير مسلم ... والمقدم على الشيء بالزمان لايكون مقارنا له . تمت الحاشية الصدرية على الامور العامة .

[۱۹٦٥]

۱۱۱٦ این نسخه بخط نستعلیق است و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . در برخی جاها عنوانها درهامش است . برگهای ۲۱٤ و۲۱۵ و ۲۱۸ تازه میباشد . حاشیه‌هائی دارد با نشانهٔ «ح م ح» .

(۲۱۸گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی کهنهٔ فرسودهٔ متوالی
اندازه : ۱۰ ۲۲ و ٤ ۱۷ س ۲٦

[۱٦٦٦] حاشیهٔ شرح تجرید (عربی)

ملامیرزا جان حبیب‌الله شیرازی باغنوی (م ۹۹٤) برشرح تجرید قوشچی این حاشیه را نوشته‌است (چلبی۱: ۲۵۳) در آغاز این حاشیهٔ او از حاشیهٔ سید دشتکی (ش ۱۱۱٦ گ ۲ الف) بندی آورده است . این نسخهٔ ما همانستکه در ص ۲۲۹ همین فهرست ش ۳۷۱ ودر فهرست طوس (٤ ۲-۸۱ ش ۵۰٦ تا ۵۱۰) شناسانده شده است .

آغاز . قال المصنف رحمه‌الله تعالی اما بعد حمد واجب الوجود لایبعد ان یقال فی ترك الموصوف ههنا ایماء لطیف الی ماسیجیء من ان صفاته تعالی عین ذاته ففیه نوع من براعة الاستهلال .

انجام : قوله . فان المیل الطبیعی یشتد بحسب القرب من الحیز الطبیعی . فیه نظر لان الاشتداد انما الطول الحرکة ان یکون الحرکة فی الاول اشد من الحرکة فی الثانی .

(قد اسود وجوه البیاض فی تسوید هذه الحاشیة الجلیلة المنسوبة الی الفاضل النحریر مولانا میرزا جان و تم اسوداده یوم الثلثاء من العشر الاول من شهر ذی قعدة الحرام سنة الف مزیداً علیها سبعة عشرة علی یدی اضعف احقر عباد الله المعین العلی ابن

ركن الدين بن محمد بهاء الدين الجیلانی الفومنی عفی عنهم ـ صاحبه کاتبه ثم اخوان المؤمنین . و م . ـ بلغ قبالا بقدر الوسع ایدنا الله وسائر المؤمنین) .

[۱۹۶۶]

۱۱۱٤ این نسخه بخط نستعلیق و با عنوانها گاهی درهامش و با نشانه‌های شنگرف میباشد و بهاء الدین بن رکن الدین بن محمد گیلانی فومنی آنرا درروز سه‌شنبه ۵
دهۀ یکم ذی‌قعدۀ ۱۰۱٦ برای خود نوشته است . حاشیه‌هائی دارد با نشانۀ « منه » و «ص د» و «س» و ازقاضی سلمه‌الله و ابراهیم رحمه‌الله و عبدالله و حسین خلخالی . «بلغ قبالا» درمیانۀ کتاب و «بلغ قبالا بقدر الوسع ایدنا الله وسائر المؤمنین» در۲۵۱ الف دیده میشود . آخوند ملااسمعیل دارندۀ نسخه بوده است (۱ب) مهر «عبده الاقل علی اشرف» و مهر دیگری در۲ ب هست . ۱۰

(۲۵۱گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی سادۀ مقوائی دریکسوی
اندازه : ۱۲ × ۱٦ و ۷×۱۲ س ۱۸

## [۱٦٦۷] حاشیۀ فوائد ضیائیه (عربی)

عصام الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفرائینی ( م ۹٤۳ ) برالفوائد الضیائیۀ عبدالرحمن دشتی فارسی جامی (۸۱۷-۸۹۸) که گزارشی است بر کافیۀ ۱۵
نحو ابن حاجب (م ٦٤٦) و او آنرا برای پسر خود ضیاء الدین در نیمۀ روز شنبه ۱۱ رمضان ۸۹۷ نگاشته است این حاشیه را نوشت . درچاپهای ایران از شرح جامی این حاشیه جسته گریخته دیده میشود (طوس ۳:۹ ش ۲۷) .

آغاز : بسمله . یا هادیاً لسالك مسالك محامدك ویا سامعا لجامع مسائل حامدك . . . فیقول . . . ابراهیم بن محمد بن عربشاه الاسفرائینی عصام الدین هذه ۲۰
حواش ... غواش ما فیه للفوائد الضیائیة واش .

انجام : اللهم شکر نعمائك علی قدر آلائك ... وصلی علیه بدوام ارضك وسمائك ( تمت کتابة هذه الحاشیة المنسوبة الی اعلم العلماء و افضل الفضلا مربی الطلبة لعلم الدین نافع الفقراء والمساکین اعنی عصام الملة والدین رزقه الله تعالی مایطلبه ویتمنا فی یوم الجزاء فی سنة ۹٤٦) . ۲۵

[۱۶۶۷]

۱۱۵ این نسخه بنستعلیق است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف با حاشیه‌هائی بنشانه‌های «منه» و «سید» و «عص»او جزاینها . عنوان مطلبها بشنگرف درهامش هست . هادی بن جلال‌الدین محمد اصغر بن رضی‌الدین محمد حسنی حسینی دارندهٔ نسخه بوده است (۱ الف) .

(۱۴۲گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج خاکستری
اندازه : ۱۲/۵ ۱۹ و ۸ ۱۲/۵ س ۲۴

[۱۶۶۸] حاشیهٔ قواعد (عربی)

جمال‌الدین احمدبن‌النجار شاگرد شهید یکم که نسخه‌ای از قواعد علامهٔ حلی را در ۸۲۳ نوشته و پیش‌از ۸۳۵ درگذشته بود حاشیه‌ای برهمین کتاب نگاشته و گویاهمان حاشیهٔ استاد راکردآورده است وهمین استکه به « حاشیهٔ نجاریه »نامبردار است و پاره‌ای‌ازآن بانشانهٔ « نجار به »درهامش‌قواعدچاپ ۱۳۱۵ (از نکاح تا پایان) دیده میشود (ذریعه ٦ ۱٦۹و۱۷۲) از سنجیدن نسخهٔ ما باآنچه درچاپی آمده برمیآید که این‌دودرست یکی نیستند وچاپی هم درشمارهٔ حاشیه‌ها وهم در خود حاشیه‌ها افزوده دارد و از آغاز تا عطایا هم که در نسخهٔ ما هست درچاپی نیست بجز یک حاشیه ( در بارهٔ عبارت : اوضم‌النبرد ) که درنسخهٔ ما (گ۳۰الف) آمده وهمانست که‌درص۱۰ چاپی بانشانهٔ (۱۲) دیده میشود ولی‌این‌دو درپایان‌یکی نیستند. درپایان هم درنسخهٔ مابندهااستکه درچاپی نیامده وبندیکه درهردوهست (قوله ولو مان اسیراً ضمن‌الدیة) هم درچاپی افزوده دارد و دوسه بند در چاپی هست که درنسخهٔ ما نیست. پس گفتار افندی دراینکه دو حاشیهٔ نجاریه و شهیدیه یکی هستند درست نیست و همین اندازه میدانیم که درنجاریه از حاشیهٔ شهید بهره برده شده است و عنوان لقب که نسخهٔ ما همان حاشیهٔ شهید است ــ که درنسخهٔ قواعد ابن‌نجار بوده (پایان نسخهٔ ما) واو گویا باافزایش و کاهش و کسر ش دراین حاشیهٔ استاد « حاشیهٔ نجاریه » خودرا نگاشته است .

[۱۹٦۸]

۱۱۹۳ این نسخه بنسخ کهن است و باعنوان (قوله) بشنگرف ودرشت‌تر و شماره‌های ابجدی بندها هم بشنگرف میباشد و در آغاز شوال ۸۸٤ بپایان رسیده و از روی نسخهٔ مزیدی نوشته شده است. گ ۲ الف ــ ۱۹٦ ب. خط دارندهٔ نسخه محمد بن محمد باقر حسینی عرب و همچنین مهر «محمد باقر بن محمد تقی الموسوی» و خط محمد اقدس ابن علم الهدی که نسخه را در سپاهان در ذی‌حجهٔ ۱۰۳۷ یا ۱۳۰۷ ببهای ۳۰۰۰ دینار خریده است در ۱ الف دیده میشود.

در صفحهٔ عنوان بخط دیگری دارد «هذه الحاشية على قواعد العلامة اما من مصنفات الشهيد الاول واما من مصنفات الشهيد الثاني» و بخط دیگری دارد «حاشيهٔ قواعد شيخ علامهٔ حلی من اول القواعد الى آخره» در صفحه ایکه ازجلو از بسته شدن برگها بدست میآید دارد «حاشية على قواعد العلامه و يكون لاحد الشهيدين» همچنین در چنین صفحه ایکه در بالای برگها بدست میآید دارد «حاشيه قواعد علامه والحاشية اما للشهيد الاول او للثاني» در حاشیه ۲ الف بخط نستعلیق تازه‌ای دارد «چندین قرینه یافته شد که معلوم شد که حاشیهٔ قواعد از شهید اول است اعلی الله مقامه وهمین استکه مسمی بحاشیهٔ نجاریه است ودرجامع المقاصد مکرر نقل میفرماید ازاین حاشیه».

**آغاز**: «د» هذا التعريف صادق على العزم فانه لما لم يشترط فيه المقارنة كان اعم من النية والعزم ... «ز» هو منقوض في عكسه بنية الاحرام والصيام وجوابه هما توطين النفس والتوطين ايجاد. قوله وهي شرط الى آخره هنا سؤال وهو انه حكم بان النية من الافعال باديا ثم حكم بكونها من الشروط ثانياً و ذلك متناف و جوابه من وجوه (درباره: النية وهي ارادة ايجاد الفعل على الوجه المأمور به شرعا وهي شرط ــ از فصل ٤ مقصد ۳ كتاب الطهارة قواعد ص ۹ چاپی).

**انجام**: قوله: بالفاظ مختصرة وعبارة محررة اشارة الى هذين المعنيين. قوله: وطريقة السداد. هذا آخر ما وجد من الحواشي. [على قواعد الشيخ جمال الدين احمد بن النجار قدس الله نفسه وروح رمسه ونقلت من (نسخة) بخط المزيدي (۱) نقلها من (نسخة)

---

۱ــ ابن مزیدی گویا شیخ علی بن منصور بن الحسن مزیدی زندهٔ در ۸۷۷ باشد نه شیخ رضی الدین ابو الحسن علی بن السعید جمال الدین احمد بن یحیی مزیدی حلی (م ۷۵۷) که شاگرد پدر خود وابن معیه وابن الابریسمی و نجیب الدین محمد بن نما وصفی الدین محمد بن یحیی بن سعید وصفی الدین محمد بن معد موسوی وجمال الدین محمد بن احمد بن صالح سنبینی قسینی وابن داود وعلامهٔ حلی واستاد شهید یکم بوده است (روضات ص ۳۸۷ مستدرک ۳: ٤٤۲).

ذکر کاتبها نقلها کما وجدها بخطه وکا (ن) فیها من علا (مة) اواس (ط) فهو من خطه ک (ذا) والحمدلله والصلوة (علی) خیرخلقه (محمد) وآله] (این بند درحاشیهٔ نسخه است وفرسوده شده ورفته و آنچه میان دو کمانه گذارده‌ام بگمان خوانده‌ام) فرغ العبد ... (یك کلمه خوانده نشده) محمدبن عبدالعلی بن هاشم الحسینی من نسخهـا علی عجلة فی الکرك یوم عیدالله غرة شوال من سنة اربع وثمانین وثمانمائة .

در گ ۱ ب یك صفحه است ازجامع الفوائد حلی که در گلشنه می‌بینیم وحاشیهٔ شهید در ۲ الف است تا ۱۹۶ ب . در گ ۱۹۷ و۱۹۸ همه بند است از حاشیهٔ محقق کرکی برقواعد بانشانهٔ «ح ل» ودر پایان نخستین دارد «هذاالحاشیة منقولة من شیخنا الشیخ علی ابن عبدالعال ادال الله بقاءه» و در پایان دومی دارد «من املاء شیخنا عبدالعال دام ظله ومن منقوله» درسومی دارد «من املاء شیخنا سلمه الله تعالی» ودرهمین مانند اینها چنانکه در گلشنه (۱۹۸ ب) می‌بینیم . در ۱۰۳ ب هم دارد «حاشیة من قواعدبن عبدالعال : من ان الو [illegible] ...» .

(۱۹۸ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد مقوا و گردش تیماج وفرسوده

اندازه : ۱۳ ۱۸ و۱۰ ۱۴ س ۱۹

[۱۶۶۹] حاشیهٔ شریف درمختصر (عربی)

سراج الدین ابی یعقوب یوسف سکاکی خوارزمی حنفی معتزلی (م ۶۲۶) مفتاح العلوم درهشت علم ادب و در سه بخش نوشته است . جلال الدین محمد قزوینی شافعی خطیب دمشق (۶۶۶ - ۷۳۹) بخش سوم آنرا که درمعانی و بیان و بدیع است گزین کرده بتلخیص المفتاح پرداخت و سعدالدین مسعود تفتازانی (م ۷۹۲) براین تلخیص گزارشی بزرگ بنام مطول برای سلطان ابوالحسن محمد کرت در گرگانج خوارزم در روز دوشنبه ۲ رمضان ۷۴۲ آغاز و در هرات روز چهارشنبه ۱۱ صفر ۷۴۸ پاکنویس آنرا بانجام رسانده . او گزارشی کوچك بنام مختصر درغجدوان بسال ۷۵۶ نگاشته است . ملازاده نظام الدین عثمان خطائی (م ۹۰۱) برمطول حاشیه نوشته (فهرست منزوی ۲: ۳۷۶۲ ش ۱۰۵۶) وبرمختصر هم این حاشیه را که اکنون میشناسیم نگاشته است . چلبی (۱: ۳۲۵) گویا این دو حاشیه را درست نشناخته بود (ذریعه ۶: ۷۰ ـ طوس ۳ : ۵۷ ـ سپهسالار ۶ ـ معارف ۲ ۱۶۵) .

مبطلا

قبل التكبير الزائد وبعد الثناء فلو نواه كان صحيحا له من الصلوة و
للتكبير بناء على أن نية المنافي تنافي ولو قلنا لا تنافي فالحكم السابق على
عمومه وقد تقدم تحقيقه ومعنى المنافاة ومطلقا فالسابق يتبع ما بعده
لثبوت مطابقته هذا كله إذا قارنت النية التكبير الثاني أو كانت
مستدامة فعلا وإلا فهو باطل على كل تقدير ومطلقا إن لم ينو الخروج قبله
كما قرره في الذكرى وقيل إن التكبير نفسه الافتتاح المجرد عن نية الصلاة
هل هو ركن أم لا هذا حاصل تقرير الأصحاب ولكن أن تقول لا حاجة إلى
هذا التفصيل بل ينبغي أن تقول يصح التكبير الثاني إذا قارنته النية
ولم يأت به سهوا ولا نسيانا للتكبير الأول مطلقا سواء نوى الخروج
قبله أو لا تفريعا على القول بأن نية المنافي تنافي لأنه إذا قصد إلى
النية والتكبير ثانيا فقد نوى فعل المنافي إذ الفرض أنه غير ساه
فبطل ما أول لحصول هذا القصد فيتبع النية والتكبير في محلهما فتصح
وإنما قلنا إن النية والتكبير ثانيا من المنافيات لأن التكبير فيه
للافتتاح مناف من حيث الزيادة وإن لم يكن منافيا باعتبار ذاته
لأنه ذكر فاقتضى ما يقال إن التكبير الثاني مناف بالعرض
لا بالذات ويظهر الفرق بينهما في أن نية فعل كل واحد
منهما قاطعة بالاستدامة فلا يتجه الفرق تم منه.

هذه الحواشي من إملاء سيدنا الشيخ علي
بن عبد العالي رحمه الله تعالى وعليها علامة
في قواعد [illegible] والله أعلم والحمد لله رب العالمين

ص ۱۹۸ [illegible] ش ۱۱۹۳

آغاز : بسمله . و به نستعين . رب وفقني لاتمامه . نحمدك اللهم على ما اعطيتنا من سوابغ النعم و بوالغ الحكم و نصلى على نبيك الهادي للعرب و العجم على وجه اكمل واتم . قوله : نحمدك . آثر الحمد على الشكر لان الحمد يعم الفضائل و الفواضل والشكر يختص بالاخير .

انجام : قوله : وقد يترك الخطاب مع معين . قال ره فى قول السكاكى وحق الخطاب ان يكون مع معين ... و كلامه ره لايحتمل هذا والاولى ان يقال بل المتروك بالمتروك اليه فيقال بترك المعين إلى غير المعين او الخطاب (تمت كتابة هذه النسخة الشريفة فى تاسع عشرين من شهر ذي الحجة الحرام سنة احدى وسبعين وتسعمائة ٩٧١ فى يوم الثلثا على يد العبد الضعيف المذنب الفقير الى الله الغنى محمد باقر بن عبد القادر الخطيب الحسنى اللهم اغفر له ولابويه ولجميع المؤمنين والمؤمنات رب وفقه على ما اراده )

[۱۹۶۹]

۸۱۲ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانهای (قوله) و نشانه‌های شنگرف از محمد باقر بن عبدالقادر خطیب حسنی استرابادی که در روز سه شنبه ۲۹ ذی‌حجهٔ ۹۷۱ آنرا نوشته است . گ۱ ب ـ ۵۸ ب . حاشیه‌هائی دارد با نشانه‌های «ع ا ه» و «ع آ ه سلمه ا ه» از همان حاشیهٔ یزدی در ش ۲ همین دفتر و «سیف» و «حامد» (ذریعه ۷۱:۵ و۷۲ وطوس ۵۸:۵ وسپهسالار ۴۰۵:۲) و «منه» و «داود» و «جمره» وحاشیه‌های یزدی وسیف در بیشتر جاهاهست. در صفحهٔ عنوان دارد «خطائی حاشیهٔ بر مختصر وملاعبدالله حاشیهٔ برخطائی» .

(همهٔ دفتر ۱۲۳گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد مقوا وگردآن میشن
اندازه : ۱۰´´۱۸´ و ۵×۱۱ س ۱۸

## [۱۶۷۰] حاشیهٔ نحوی (عربی)

این دفتر که در نسخهٔ ما آغاز آن نیست و گمنام و بی‌نام میباشد حاشیه‌ایست بر کتابی در نحو که فهرست بابهای آن چنین است :

[۱۹۷۱]

۱۱۶۵ این نسخه ش ۲ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ـ ۹ ب ـ ۲۷ ب. پیش از آن در ش ۱ گـ ۱ ب ـ ۷ ب پاره‌ایست از کتاب فقهی دراعتکاف بهمین خط و پس‌ازآنهم دو ش ۳ گـ ۲۸ الف ـ ۴۳ ب پاره‌ای ازکتابی فقهی درباره کفن ونماز مرده بنسخ.

(همهٔ دفتر ۱۰۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج اریاکی

اندازه: ۱۲ × ۲۰ و ۷ × ۱۵/۵ س ۲۰

## [۱۶۷۲] الحج والزيارة (رسالة ...) (عربی)

این رساله دربارهٔ حج و زیارت است وگویا از همان نگارندهٔ رسالهٔ تولانیه باشد.

**آغاز:** بسمله. الحمدلله علی سوابغ نعمه الغزار والسلام علی نبیه محمد المختار وآله الاطهار ـ فهذه جملة تشتمل علی مالابد منه من بیان مناسك حج بیت الله الحرام وزيارة رسوله وآله. وضعتها علی سبيل الاختصار بالتماس خلاصة بعض الاخوان الاخيار.. وهی موضوعة علی مقدمة وفصول

**انجام:** فمن زارهم رغبة فی زيارتهم و تصديقاً بما رغبوا فيه كانت ائمتهم شفعائهم يوم القيمة وليكن هذا آخر رسالة والحمدلله رب العالمین.

[۱۹۷۲]

۱۱۶۳ این نسخه ش ۲ دفتراست و[illegible] ش ۱ [illegible] است. در گـ ۷۰ ب درهامش [illegible] باعنوان [illegible] شده ودرپایان دارد «هذه الفائدة [illegible]» درپایان دارد «[illegible] الرساله فی الیوم السابع عشر من شهر شعبان المعظم سنه [illegible]» گـ ۶۵ ب ـ ۷۳ ب.

## [۱۶۷۳] حديقة (فارسی)

این منظومه از ابوالمجد مجدودبن آدم سنائی غزنوی (۴۳۷ ـ نزدیك ۵۴۵) میباشد وبهترین چاپ آن همانستکه آقای مدرس رضوی درتهران بسال ۱۳۲۹

کرده‌اند . و برای شناختن آن بدیباچهٔ همین چاپ میتوان نگریست ( نیز ریحانة‌الادب ۲:۲۳۰) .

آغاز :

ای درون پرور برون آرای　　وی خرد بخش بیخرد بخشای

خالق و رازق زمین و زمان　　حافظ و ناصر مکین و مکان　　۵

انجام :

شد تمام این کتاب در مه دی　　که در آذر فکند این را پی

پانصد و سی (بیست) و چهار رفته ز عام

پانصد و سی ( بیست ) و پنج گشت تمام

باد برمصطفی درود و سلام　　ابدالدهر صد هزاران عام　　۱۰

صدهزاران ثنا چو آب زلال　　از رهی باد برمحمد و آل

[۱۹۷۳]

۱۰۶۶ این نسخه بخط نستعلیق است و با عنوانهای شنگرف و در جدول زرین و شنگرف ودرصفحهٔ نخستین میان سطرها زراندود میباشد سرلوحی دارد بزر وشنگرف ولاجورد . کتاب در ۵ ب ـ ۳٤٤ الف . در گ ۵ الف دارد «بمعرفت ملامحمد ابتاع شد» و «دردارالخلافهٔ تهران بمبلغ سه‌تومان ابتیاع کرده‌ام‌شهرذیحجهٔ ۱۳٤۳ خلیل بن... سلطانی» (بامداد نوشته شده) و «حدیقهٔ سنائی ۱۰۰ ریال». این نسخه را آقای اسماعیل اتحادیه بآقای مشکوة هدیه کرده و ایشان دراین کتابخانه گذارده‌اند .　　۱۵

(۳۴۷گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سبز معوالی درون آراسته بزر و بیرون زرکوب ودررویهٔ آن درهرسوی سه بار بزر چنین نوشته شده : « امید شفاعت زمحمد ناصر » .　　۲۰
اندازه : ۱۰×۱۷/۵ و ۵/۵×۱۲ س ۱۷

[۱٦۷٤]　　**حقائق جمیع الارکان**　　(عربی)

نگارندهٔ این نامه دردیباچه میگوید که من درجوانی بپاره‌ای ازرازهای نماز برخورده بودم و برای یکی از یارانم نامه‌ای دراین زمینه بپارسی نوشته‌ام　　۲۵

سپس در هنگامیکه بشام میخواستم بروم و بتبریز گذشتم رساله‌ای در «حقائق
الاصول الخمسة التی هی مبانی الاسلام» از یکی از دانشمندان تبریز بدیدم و خودم هم
بنکته‌هائی برخوردم که در آن یاد نشده و کسی هم نگفته بود این بود که من
در راه حجاز «قصیدة فی مناسك الحج» بسرودم و در باز گشت بآذربایگان
۵ که رسیدم این «الرسالة المعربة عن حقائق جمیع الارکان» را دریك مقدمه و پنج
فصل و یك خاتمه نگاشته‌ام ـ نگارنده مانا سنی است و روشی عرفانی و فلسفی هم
بکار برده است .

چنین است فهرست این رساله : مقدمه در دو مطلع (وجه بناء الاسلام علی الخمس ـ
بیان الاصطلاحات) فصل نخستین : الحقیقة الاولی من الخمس (الشهادتان) . فصل
۱۰ دوم : اقام الصلوة . فصل سوم : ایتاء الزکوة . فصل چهارم : صوم رمضان . فصل
پنجم : الحج . خاتمه : نصیحة المحب .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی هدانا بنعمة الاسلام و اصطفانا من بین عباده بالاکرام
و بنی علی الاصول الخمسة فاشرفنا به من الانعام . . . و بعد فانی عثرت فی بعض
خلواتی عند اخضرار نباتی علی حقائق اوضاع الصلوة فاملیت بالعجمیة فیها رسالة
۱۵ لبعض رفقائی فی طریق النجوة .

انجام : عفیف النفس لاعن الاموال و الاسباب و الشهوات و اللذات لا بالتعفیف
و التبصیل بل بالاعراض عنها و الله اعلم بالصواب .

[۱۹۷٤]

۲۰ ۱۱٦٤ این نسخه ش ۳ دفتر است و نسخ روشن با عنوانها و نشانه‌های شنگرف
میباشد . گ ٤۲ ب ـ ٦۳ الف .

[۱٦۷٥] **الحکمة المتعالیة** (عربی)

**فی الاسفار الاربعة العقلیة**

همان نگارش صدرای شیرازیست که در ص ۲۵۲ همین فهرست شناخته‌ایم

گ ۱ ب آغاز الحکمه المعالبة ش ۱۱۷۰

(ذریعه ۲:۶۰ و ۷:۵۹) میرزای جلوه و ملااسماعیل سپاهانی و میرزامحمدرضای قمشهی و ملاعبدالله زنوزی و پسرش آقاعلی مدرس تبریزی و ملاعلی نوری و میرزا محمود قمی و سید محمد مشکات بیرجندی و حاجی ملاهادی سبزواری بر آن حاشیه نوشتند (ذریعه ۶:۱۹).

[۱۹۷۵]

۱۱۷۰ این نسخه بخش سوم است و بخط نسخ و حاشیه‌ها دارد بخط نستعلیق و عنوانها و نشانه‌ها در آن بشنگرف میباشد. مهدی حسینی اعرجی فریدنی متن را درشبی از شبهای دهه نخستین صفر ۱۲۷۶ و حاشیه‌ها را درروز ۳ ج ۱۲۸۰/۲ بپایان برده است.

(۱۶۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد ندارد
اندازه . ۱۸ ۳۰ و ۶ ۱۸/۵ س ۳۳

تم الكتاب المستطاب بعون الله الملك الوهاب على يد
اقل السادات والطلاب العبد الخاطي مهدي الحسيني الاعرجي الفريدني
في ليلة من ليالي عشر الاول من شهر صفر المظفر

۱۶۴ الف [illegible] پایان [illegible] ۱۱۷۰

[۱۶۷۶] [illegible] (فارسی)

قطب الدین عبدالحی بن عزالدین [illegible] حسینی لاری پس ازنگارش [illegible] و [illegible] در نجوم و سراج السالکین در [illegible] دانشمندی این نامه پرداخت و در آن مقدمه‌ای دارای دوازده فصل و دوازده باب و یک خاتمه گذارده است. او این را درزمان «شاه عباس صفوی حسینی» وبنام امام قلیخان

وامیرابوالحسن نوشته (پایان) و آزمودهٔ خودرا درستاره شناسی درآن آورد. درآن‌از کتابهای دانشمندان یاد شده‌است. جدول جایگاه ستارگان ثابت بسال ۱۰۴۲ برابر با ۱۰۰۲ یزدگردی درآن‌آمده (گ ۹۸ ب) وازروز دوشنبه ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۱۰۳٦ هم یادگشته است (۹۰ الف) آقامحمد ناظر متصدی لار دربارهٔ اینکه خواجه عبدالجواد مروستی درآنجا فرمانروا شده است پرسشی کرده که درآن دیده میشود (۸۹ ب) جدول میل وعرض و دیگر جدولهای نجومی درآن هست. (۹٦-۱۰۲).

فهرست: مقدمه دربیان مسائل که واجب است قبل‌از شروع دردوازده فصل (پرسنده وپرسیده وراه پرسش - آمدن چند تن یکجانزد ستاره شناس - آزمایش- درستی درآوردن‌ضمیر- یافتن‌دلیل‌ضمیر- یافتن‌ضمیر- قاعده کلی‌یافتن ضمیر- منسوبات‌دوازده‌بیت- نشانه‌های‌فرجام کار-یافتن‌وروا شدن‌نیاز-رواشدن نیاز - یافتن خبی) بابها روی بیتها و برجهای دوازده گانه نهاده شده و خانمه درمسئله‌های پراکندهٔ ستاره شماری‌است. این کتاب درست‌مانند مسائل‌قصرانی ساخته شده‌است نسخه‌ای ازاین درمجلس هست (۲: ۹۳ ش۱۷۲) ودرذریعه هم ازآن یادگشت (۷: ۷٤) ونگارندهٔ آن‌عبدالحی‌وعبدالحسین‌هردو خوانده‌شد(۱).

آغاز: بسمله. بعدالحمدلله سبحانه (و) الصلوات‌علی نبیه‌وولیه. برارباب خبرت پوشیده نماناد که... قطب‌الدین عبدالحی‌الحسینی چون از تألیف کتاب «حل وعقد نجوم» وتصنیف کتاب «سراج‌السالکین» دراعتقاد فارغ شد یکی ارفضلا. تأکید نمود برتألیف رسائل و... فرمودند خلق زمان ازاکابر وغیره دراین‌اوقات بیشتردرطالع مسئله بجهت سوانح حالات پرسش‌مینمایندبنابراین... این‌کتاب را بحل‌المسائل موسوم ساخت و برمقدمه و دوازده باب و خانمه ترتیب داد.

۵
۱۰
۱۵
۲۰

---

۱- بنگرید به ص۸۸۳ و۹۱۹ همین فهرست. سرگذشت مصلح‌الدین بن صلاح بن جلال بن کمال بن محمد لاری انصاری سعدی عبادی شافعی م ۹۸۹ شارح هیئت قوشچی که درآنجا یاد شده درفهرست ستوری ص ۱۱٦ هست.

۲۵

انجام : امید که چون بنظر اصلاح رسد خطا و زلل آن بذیل الطاف عام بپوشند .

[۱۹۷٦]

۱۱۱۲

این نسخه ش ۱ دفتراست و بخط نستعلیق در پایان چلیپا با عنوانها و نشانه‌ها ورقمها وجدولها بشنگرف که محمد حسین بن حاجی شمس‌الدین محمد بن حاجی محمدعلی آرانی درسپاهان درروز دوشنبه ۲۵ صفر ۱۰۵۷ آنرا بانجام رساند . گ ۲ ب ـ ۱۰۳ ب . در ۱ ب ـ ۲ الف چند قاعده‌ایست درستاره‌شماری . در ۱۰٤ الف ـ ۱۰۵ ب هم چند قاعده‌ایست درستاره شناسی وستاره شماری ازمولانا علیشاه خوارزمی وازلباب‌الحکمه (ازرموزهرمس) وازحسین فارسی محاسب وجاهای دیگر.

ش ۱ درمیانه کم وکاست دارد . از برگ ۷٤ نمی افتاده است . شش برگ نخستین وپانزدهم تازه است . محمداسمعیل ستاره شناس فرزند ملك محمد گلپایگانی شیرازی درربیع یکم ۱۱۸۹ ودیگری در ۱۱۹۲ دارندهٔ نسخه بوده‌اند (گ ۱۰۹ ب) .

(همهٔ دفتر۱۰۰‌ـ۳) ـ کاغذ سمرقندی ـ تیماج سرخ سادهٔ مقوائی

اندازه : ۸٫ ۱۹ و ۴ ۱۴ س ۲۱

[۱٦۷۷] حل‌الموجز (عربی)

جمال‌الدین محمدبن‌محمد آقسرائی م ۷۷۹ درابن‌دفترموجزالقانون ابن‌النفیس علاءالدین ابوالحسن علی‌بن ابی‌الحزم قرشی م ٦۸۷ راگزارش نمود . درآن جز از قانون و کامل و حاوی و نگارشهای نجیب‌الدین سمرقندی و مانند اینها نیاورد و خود آنرا « حل‌الموجز » نامیده است (۱) متن پس‌از قال و گزارش پس‌ازاقول آمده است .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی افضل انبیائه محمد و آله اجمعین . اما بعد فان‌الطب علم شریف لشرف موضوعه و وثاقة دلائله وشدة‌الحاجة‌الیه . فلذلك صرفت معظم زمن تحصیلی الیه وقرأت‌المختصرات

۱ـ بنگرید به : فهرست دانشکده پزشکی ص ۱۷۰ ـ ۱۷۳ ـ همین‌فهرست ص ۸۱۱ فهرست آقای دکتر مهدوی ص ۱۹۵ ـ فهرست فنوانی ص ۲۰۸ .

المشهورة فيه علي والدی وطالعت اکثر ما بلغنی من المطولات وما اکتفیت بما اکتفی به المعاصرون من الاطباء وهو القدر الذی به یعیشون وبواسطه الی الملوك یتقربون بل حققت قواعده علی وجه یوافق الاصول الحکمیه وکان من جملة ماقرأت علیه موجز القانون للحکیم المحقق ابی الحسن القرشی المعروف بابن النفیس فاردت ان اشرحه لمافیه من المشکلات افادة للطلاب . ٥

**انجام** وفی العسل والسکر اربع مثقال والله اعلم ( بتحقیق الحال والیه المرجع والمآل) قال الشارح (الشیخ الفاضل جمال الدین ) هذا آخر ما سمحت به قریحتی القریحه وقطری الجریحة من شرح موجز القانون وقد وقع الشروع فیه والتمام فی احوال یصیر بها الذهن کلیلا والقلب علیلا والمرجو من الناظر فیه اصلاح ماوقع فیه من الخطایا احسانا والله تعالی یجازیه روحا وریحانا) والحمدلله تعالی والمنة) ١٠

[١٩٧٧]

١١٢٨ این نسخه نسخ با عنوانهای شنگرف درمتن وهامش و با حاشیه هائی از شرحهای قانون مانند سدیدی ونفیسی وخجندی وازالمائة و جز اینها بنسخ ریز و با نستعلیق ودر گ ٢ الف و ... حاشیه ایست با «منه رحمه الله» ودرجاهای دیگر. نسخهٔ ما در باب ٣ دروزمها ونثور وجذام وهوا وبا دردرمان « دمله وخراج » بدین عبارت ١٥
« قال : العلاج استفراغ المدة والحمیه . مع لعاب الخردل ... جمیع ذلك فی دهن» پایان میپذیرد در گ ١ الف - ٢ الف جدولی است درباره داروها و بیماریهائیکه با آنها درمان میشود

(٢٣٥ گ) - کاغذ ترمه - جلد ندارد ٢٠
اندازه : ١٦/٥ ٩/٥ - ٢٧ ١٧ ، ٣١

[١٩٧٨]

١١٨٢ این نسخه نسخ و عنوانها شنگرف ومتن زیر خط سرخ میباشد و حاشیه‌ها دارد با نشانهٔ « قطب ، منهاج ، نفیس ، منه رحمه الله »

حاج اسماعیل در برداران سرای عینی معموره بسال ١١٦٣ دارندهٔ نسخه بوده است ٢٥
(٢ ب) مهر او « بندهٔ رب جلیل اسماعیل » هم هست همچنین خط و مهر دارندگان

نسخه سید عبدالقادر ومحمدصالح حسنی ومحمدهادی طبیب . کتاب : ۳ب ــ ۱۸۷ ب .
(۱۸۹گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی ضربی مقوالی
اندازه : ۱۸ ۳۶ و ۱۰×۱۷ س ۳۶

[۱۶۷۸] الخطب (کتاب ...) (عربی)

شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی بحرانی (م ۱۱۳۵) این خطبه‌ها را برای دو خطبهٔ نماز آدینه و خطبه‌های غدیر و سوگواری بر حسین ع در سالهای ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۵ و پیش از ۱۱۲۸ ساخته و در برخی از خطبه‌های آدینه از شاه سلطانحسین بهادرخان و شاه‌صفی قلیخان نام برده و بستوده‌است و بسیاری از آنها تاریخ دارد . ( ذریعه ۱۸٤:۷ روضات ۳۶۳) .

آغاز . هذه الخطب انشاء رئیس المحدثین و عمدة المحققین و زبدة المدققین الشیخ الاواه عبدالله بن صالح السماهیجی البحرانی . بسمله الحمدلله الذی ابتدع الموجودات بقدرته ... ة الازلیة واخترع المخاوفات بمشیئة الباهرة السرمدیة .

انجام و اذل اضداده و عدوانا بحق محمد و آل الطاهرین .

[۱۹۷۹]

این نسخه ... و نشانه‌ها شنگرف میباشد و از عنوان خطبه‌ها ... بسیاری از جاها سفید گذارده شده و کم دارد .

۴۲۷۵م ، ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی حاشیه‌دار مقوائی
اندازه ۱۰/۵ ۱۵/۵ و ۶ ۱۰ س ۱۰

[۱۶۷۹] ... (عربی)

این نامه از شیخ بهائی است ... در ص ۸۸٤ شناسانده شده است .

آغاز : بسمله . نحمدك يامن لايحيط بجميع نعمه عدد .

انجام ... و الله حفظ علیك .

[۱۹۸۰]

۱۱۱۹ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ معرب با عنوانها و رقمهای شنگرف که طهماسبقلی در ۱۰۵۰ برای خود نوشته است . حاشیه‌های «منه رحمه‌الله» دارد بنستعلیق . در گ ۹ الف دارد : «قدانتقل الی الکتاب . محمد جعفر بن میرزا ابوالقاسم ۱۲۷۲» . گ ۹ الف ـ ۴۲ الف (بنگرید به ۱۱۱۹/۱) . ۵

## [۱۶۸۰] خمس (رساله در احکام ...) (فارسی)

در این نامه در چند بحث از خمس کاوش گردید .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی خلق الاشیاء بقدرته و اجری الاحکام بین عباده بقضائه و قدره . . . این رسالهٔ مختصریست در بیان احکام خمس که مقرر فرموده است آنرا خداوند عالم بعوض زکوة از برای حضرت رسول و اولاد وذریهٔ طاهرین او . ۱۰

**انجام نسخهٔ ما** : چنانچه احوط اگر نباشد اقوی این است که رجوع نماید (سلطان) (بند ٤ فصل ۲ مبحث سوم در انفال) .

[۱۹۸۱]

۱۱۹۶ این نسخه ش ۲ دفتر و بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف و باید از همان شهریاری باشد و کمبود دارد . گ ۸۳ الف ـ ۱۰۲ ب . ۱۵

## [۱۶۸۱] الدر المنتخب من التقریب (عربی)

و شرح المکتسب

المکتسب فی صناعة الذهب دفتریست کیمیائی که جلدکی در غایة السرور ودیگر نوشته‌های خود از آن بسیار بستود و گویا از ابوالقاسم عراقی باشد مانا همان حکیم ابوالقاسم احمد بن محمد معروف بخروشاه عراقی سیماوی نگارندهٔ عیون الحقائق و ایضاح الطرائق (ص ۱۰۰۹ همین فهرست ـ چلبی ۱ : ۳۱۸ و ۲ : ۲۰

۱٤٤و۵۱۱ ـ سیگل ص۳۰) جلدکی آنرا بنام «نهایة‌الطلب فی شرح‌المکتسب»
گزارش نمود و این را چلبی گویا دیده ولی با گزارش دیگر او براین کتاب
که همین نسخهٔ ما باشد یکی پنداشت با اینکه نهایه بنوشتهٔ او دارای سه سفر
هریکی دارای مقدمه ومقالات وخاتمه است واین کتاب دارای مقدمه و دوازده
۵ باب ویك خاتمه است او درآغاز همین گزارش میگوید که نگارندهٔ‌مکتسب‌نام
خود را نهفته داشت و دانسته نشد که او کیست . چلبی نیز میگوید که من هم
سرگذشت او را جائی ندیده‌ام و در پشت نسخه‌ای خوانده‌ام که از شیخ علامه
ابوالقاسم‌عراقی‌است . جلدکی این‌الدرالمنتخب را ازالتقریب‌فی‌اسرارالترکیب
۱۰ خود وازشرح مکتسب آنهم ماناازخوداو ( همان‌نهایة‌الطلب) گزین نموده است
وروی همین بود که چلبی آندورا ازهم بازنشناخته است .

جلدکی دراین گزارش بندهای متن را پس‌از « قال‌الشیخ » وسخنان خودرا
پس‌از « الشرح » میآورد .

جلدکی درباب دوم پس‌از یاد کردن سخن عراقی درمتن که شش فلز یك
۱ گوهرند و تمام و نفس دارند ودر کیف باهم ناسازگارند نه در گوهرمیگوید
که ابن سینا هریکی‌از آنهارا گوهری جداگانه پنداشته که نمیتوانند بیکدیگر
برگردند آنگاه مینویسد که شهید نورالدین طغرائی درحقائق‌الاستشهاد بدان
پاسخ گفته و نوشته که بگواهی شفا ابن سینا دراین‌باره ودربارهٔ کانها وپایداری
جان پس‌ازتن سرگشته‌است مانندجالینوس‌دربارهٔ جان وروان . بیشترفیلسوفان
۲ اینگونه انقلاب‌فلزات رانپذیرفتندوحنین بن‌اسحق‌هم همان‌سخن‌ابن سینا را دارد
وابومحمدبن حزم آنرا جادو و پندارداننده ونادرست . ابن تیمیه گفته که میشود
فلزی برنگ فلزدیگردرآید ولی‌پس‌ازهفتادسال برمیگردد .

جلدکی دراینجا سخن‌آنهائی را که انقلاب رانمی‌پذیرند رد میکند تا اینکه
مینویسد که من کتابی از ابن سینا در بارهٔ همین هنر دیدم که درآن راست را

دروغ ونادرست را درست پنداشته‌است و برهان هم نیاورد و انقلاب‌را نپذیرفت.
سپس او بسخنان ابن سینا وحنین‌بن اسحاق دریکی‌ازرساله‌های خود وابن‌حزم
وابن تیمیه درهمینجا پاسخ گفته است (۱).

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمدلله تعالی عن‌العلل والمعلولات و تقدس
عن لوازم‌الاجساد والمتحیزات وتنزه ان تحیط به‌العقول والادراکات . . . و بعد ۵
فانه بتوفیق من‌الله تعالی لمااطلعت علی کلام‌المتقدمین وفهمت عبارات‌المتأخرین
وتفرجت فی بساتین کتب‌الاساطین و نظرت فی‌شرح شذورالذهب واعجبنی‌شرح
المکتسب‌فاردت‌اختصاره‌لتسهیل مراجعته‌للحکیم ویقرب من‌فهم‌من‌اراد‌التعلیم...
ورتبته علی مقدمة واثنی عشر باباً وخاتمة . . . وسمیته بالدرالمنتخب من‌التقریب
وشرح‌المکتسب ... قال (الحکیم‌المحقق‌والنحریرالمدقق‌الامام) ایدمربن‌علی‌بن ۱۰
ایدمرالجلدکی (تغمده‌الله برحمته واسکنه فسیح جنته) اعلم‌ان من‌المفترض علینا
فی عقولنا کتمان هذاالعلم وتحریم اذاعته‌لغیرالمستحق من بنی‌نوعناوان‌لایکتمه
عن اهله.

---

۱ــ سخن ابن‌خلدون درمقدمه (فصل ۲۳و۲۶ باب ٦) برمیآید که دارای چون
تهیدست بود کیمیا را درست میپنداشت ولی ابن‌سینا که وزیربوده است وتوانگرآنرا ۱۵
دروغ میدانست. خود ابن‌خلدون هم این هنر راکردار روانی نیکان و برگزیدگان
وبا جادو وچشم‌بندی بدکاران میداند نه هنری طبیعی بلکه مینویسد که فرجام‌خواندن
نوشته‌های کیمیاگران جز نومیدی نخواهد بود. او از خرده‌گیری طغرائی از سخن
ابن‌سیناهم یاد میکند.

ابن سینا گرچه در «رسالة فی‌مستورعلم‌الصنعة» و «الصنعة‌الی‌الامام ابی‌عبدالله ۲۰
البرقی» آنرا پذیرفت ولی در «رسالة ابطال احکام‌النجوم» و فصل ۵ فن ۵ طبیعی
شفا آنرا تباه دانست.

ابوریحان بیرونی درالجماهر (ص ۸۰) درآنجا که از یاقوت یاد میکند سخن
طبیعیان را دراینکه یاقوت بتدریج ازرنگی برنگی دیگر میرسد وزرهم نخست جیوه
وکبریت بوده سپس ارزیز ومس وسرب وسیم شده تااینکه برنك زرین درآمده‌است ۲۵
مانند مردمی که از سگی و خرسی و بوزینگی درآمده و ساخت خودگرفته است
یاد نمود.

**انجام** : قال الامام و الرصاصان ينفعان العين الفشفة و يقويان الناظر و هو صحيح ... فهذه هي القوى التي اشار اليها الشيخ انها تقوي الناظر يعني انها تناسب العين و توجب فيها قوة و زيادة منفعة . و السلام .

[۱۹۸۲]

۵ ۱۱۷۸ این نسخه ش ٤ دفتر و بنستعلیق با عنوانها نسخ یا نستعلیق و درشت‌تر بسیاه یا شنگرف و با نشانه‌های شنگرف میباشد پاره‌ای از عنوانهای مطلبها در بالای صفحه هم هست . حاشیهٔ با نشانهٔ «محمد نصیر» هم دارد . در پایان دارد : «تم فی شهر ربیع الثانی ۱۸۸ (۱۰۸۸) تم تم تم » گ ۱۳٦ ب - ۱۹٦ ب .

## [۱٦۸۲] درر الفوائد فی شرح الفرائد (عربی)

۱۰ آخوند خراسانی محمد کاظم بن حسین طوسی (م ۲۰ ذی حجهٔ ۱۳۲۹) بر رسائل یا فرائد الاصول شیخ مرتضی انصاری شوشتری (ص ۱۷۰۸ همین فهرست) در نجف این حاشیه را نوشته است (ذریعه ٦ : ۱٦۰ و ۸ : ۱۳۲) و آن دربارهٔ مباحث ظن و برائت و استصحاب و تعادل و تراجیح میباشد و تاریخ نگارش او را در شناسائی نسخه‌ها می‌بینیم و این نخستین حاشیهٔ او نیست که بچاپ نرسیده و بهترین حاشیه‌ها است

۱۵ بلکه حاشیهٔ دوم است که در تهران در ۱۳۱۹ با چند رسالهٔ دیگر چاپ شده است و حاشیهٔ بربخش استصحاب آن در نسخهٔ ما نیست .

[۱۹۸۳]

۱۱۷۳ این نسخه بخط نستعلیق و عنوانها و پاره‌های متن پیش از آنها زیر خط کشیده شده است و آغاز نسخه آرای مشکوة در گ ۱ الف نوشته‌اند نسخهٔ دست

۲۰ ... ... ۱۲۹۵/۲ در نجف و همهٔ آن را ... ... ۱۱۹۸ بانجام رسانده . گ ۲ الف - ۱۲۱ ب .

(۴۳ س) ... کاغذ فرنگی ... جلد تیماج ... ...

اندازه . ۱۲/٥ ۱۹ و ۸ ۱۴/٥ س ۱۹

التوكيد او الأمر به وفيه ان التدارك في المصلحة انما هو مصلحة تقام فيه في الوقت لا مصلحة اداء (المسلم)
حتى يلزم تدارك المصلحة الفائتة بمصلحة التوكيد او الامر به انما هو فيما اذا لم ينكشف
الخلاف فلا يلزم ان يكون هناك مصلحة فضلا عن التدارك بها فان المتفق هو
لزوم كون المصلحة بحيث يتدارك بها الفائتة فيما اذا لم ينكشف الخلاف [illegible]
مطلقا ولا يخفى ما في الوجهين الاولين اما في اولهما فلزوم كون الفعل خارج
الوقت اصلا لا تدارك كاشر اصلا لتدارك مصلحة الايقاع في الوقت بالمصلحة
المستوفات حين امتثال الامر الظاهري واصل الفعل غير موقت بل ما دام العمر كما
هو المفروض فهو في وقته لا في خارجه وهو خلاف ظاهر الاوامر موقتات حيث
كانت ظاهرة في كون المطلوب امرا واحدا وهو المقيد كما هو كذلك لا متعدد
فتامل واما في ثانيهما فلزوم فوت مصلحة الوقت [illegible] والا لما قيد به كما لا يخفى اللهم
الا ان يقال انه لا يلزم ان يكون فيما ينكشف فيه الخلاف مصلحة تفي للتدارك
بانفرادها وانما المصلحة المتدارك بالمجموع منها ومن اقتضاء مصلحة الفعل خارج
الوقت جميع مصلحة المقيد بالوقت فلا يلزم المحذور [illegible] على الوجه
الاول اذ بينهما بون بعيد فلا تغفل قوله [illegible] الى اخره
يعاقب عليها بمجرد وجودها والا فلا يكاد يعاقب الا بالعقوبة [illegible] واضح لا سترة
عليه قوله [illegible] المتعبد بالظن الاجتهادي اقول توضيح الحال يتوقف على تمهيد
مقال فاعلم ان الركون الى الظن الغير المعتبر اما ان يكون بحيث يمس
الجوارح بان يأتي بالفعل مثلا اذا [illegible] وجوبه او استحبابه من غير اعتبار

## [١٦٨٣] درمان اسب (فارسی)

در این نامه ازدرمان بیماریهای اسب دگفتگو شده و برای سلطان سنجر بنگارش درآمده است . در آن افسوس وتعویذ هم هست .

آغاز : بسمله رب یسرو یختم بالخیر الحمدلله رب العالمین ... این نسخه ایست در باب معالجات اسب و این نسخه را بجهت مطالعهٔ سلطان اعظم سلطان سعید ٥
سلطان سنجرابن ملکشاه انارالله برهانه تصنیف کرده بوده اند که پیوسته برلفظ مبارك آن حضرت چنین رفتی که «اسب نیك نیکویاریست مرد را درهمه وقت ودرهمه جا بکار آید »

انجام : علاجش اینست که سنك مقناطیس برسر زخم بندند تا پیکان را بیرون آرد(تمام شد نسخهٔ معالجات اسب والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب ) ١٠

[١٩٨٤]

٢٢٩ این نسخه ش٢ دفتر است و بخط نستعلیق باشانه های شنگرف . گ٢٧٣ب ــ ٢٧٧ ب (بنگرید به فهرست آقای منزوی ٢:٢٨٠) در ١ الف دارد « الله حسبی من کسب ابی بکر بن رستم بن احمد الشروانی » .

## [١٦٨٤] دفع الغم من الموت (عربی) ١٥

این نامه همانستکه در ص ٦٦١ شناخته ایم همانکه از ابن سینا پنداشته اند ورساله ١٥ بخش ٢ رسائل اخوان صفا هم درهمین باره است .

[١٩٨٥]

١١١٣ این نسخه ش ١٠ دفتر است و بهمانخط ش ١ و چنین است انجام آن :
« اکثر من مائة الف رجل واحسب کل من فی العصر کذلك . . . لیعلم ٢٠
له الارض لاسعهم قیاماً متواصبین فکیف قعوداً ومنصرفین ولابقی » وکم دارد . گ ٩٥ب ــ ٩٩ ب .

## [۱٦٨٥] دفع المناواة عن التفضيل والمساواة (عربی)

مجتهد مفتی امیر سید حسین بن سید ضیاءالدین ابی‌تراب حسن بن سید ابی جعفر محمد موسوی کرکی عاملی قزوینی اردبیلی دخترزادهٔ محقق شیخ نورالدین ابوالحسن علی بن‌الحسین بن عبدالعالی کرکی (م۹۴۰ بیش‌از۷۰سال) وجانشین او نزد فرمانروایان بوده و پس‌ازمردن‌او درروزگار طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) مفتی و قاضی شده است . او درمیان عربها مشهور بوده و از هرراهی از دائی خویش « شیخ عبدالعالی بن محقق شیخ علی کرکی » برتری‌داشت ومردی شیوا بوده است .

نویسندگان اورادرسجلات ارقام ودفاتراحکام «خاتم‌المجتهدین» ودر توقیعات « سیدالمحققین و سندالمحققین وارث علوم‌الانبیاء والمرسلین خاتم‌المجتهدین » می‌نوشته‌اند ؛ اگرچه دانشمندان زمان این‌را نمی‌پذیرفتند . این کرکی‌جزقاضی امیرحسین دیگریستکه نسخهٔ فقه رضوی را آشکار بداشت .

از اوست : رفع‌البدعة فی حل‌المتعة - النفحات الصمدیة فی اجوبة المسائل الاحمدیة - النفحات‌القدسیة فی‌اجوبةالمسائل‌الطبریة - سیادةالاشراف که‌در آن روشن بداشت که فرزندان دختری هاشم هم سیدند و برتراز دیگران - اللمعة الدمشقیة فی عینیة صلوةالجمعة - الرسالةالطهماسیةفی‌الامامة- رسالة فی جواب من‌سأله عن‌نجاسةاهل‌الخلاف - دعامةالخلاف فی‌الحکم بکفرعامةاهل‌الخلاف - رسالة فی نعیین‌قاتل‌الخلیفةالثانی - رسالـة فی تحقیق معنی‌السیدوالسیادة - فی ایمان‌ابی‌طالب- وچندین رساله و کتاب دیگر.

از نام این کتابها اندیشه و پندار او بخوبی پیداست او کتاب اجازات دارد و برخی‌از آنها اجازهٔ دائی اوهمان شیخ عبدالعالی و پسرخالهٔ اوسید داماد وشیخ بهائی‌میباشد که در آن کتاب دیده میشود گویند که شاه‌اسماعیل دوم که بروش سنت و جماعت میگرائید وبا میرزا مخدوم شریفی همنشین بوده است بنفرین او شبی ناگهان درگذشت .

او این دفع‌المساواه را بنام « سلطان ابوالمظفر شاه طهماسب صفوی » ساخته ودرآن روشن نداشت که امیر مؤمنان علی باپیامبر برابراست جزدرپیامبری ولی ازهمهٔ پیامبران دیگر برترمیباشد واینکه امامان دیگر باهمدیگر وباپیامبران دیگر چه نسبتی دارند .

۵ این کتاب او در ٤ ربیع یکم ۹۵۹ بپایان رسید ( روضات ـ مستدرك ـ ذریعه) نوری نسخه‌ای از آن را داشت که مجلسی برآن اجازه نوشته بود و تهرانی از نسخه‌ای یاد میکند که محمدبن علی نیونی در دههٔ سوم ربیع دوم ۹٦۲ آنرا نوشته بود افندی میگوید که من نسخه‌ای از آن درلاهیجان دیده‌ام که کرکی آنرامانند برخی از کتابهای دیگرخود بنام « سلطان احمدخان » حسینی گیلانی

۱۰ شاه گیلان (م بغداد ۱۰۰۹) درربیع یکم ۹۵۹ ساخته بود ونسخه‌ای دیگرازآن دارم که دیباچهٔ آن بنام «شاه طهماسب» است .این کاردور از بیست چه او خود دیباچه را دیگرگون ساخته است نسخه ماهم بنام تهماسب است

این دانشمند درفروین بسال ۱۰۰۱ بطاعون درگذشت وجسدش را بعراق برده‌اند (۱)

۱۵ ناری اودراین کتاب ازنوشته‌های سنی وشیعی بهره برده و بسیار ازآنها آورد وازروایت صدوق خاتم علی ازسرالعالمین غزالی (۲) و نصایح‌الملوك او

---

۱ـ نگرید به : عالم‌آرا ص۱۰۹ـ روضات ص۱۸٦ـ رساله فی تحقیق‌الکتاب المعروف بفقه‌الرضا از میرزا محمد هاشم خوانساری سپاهانی چهارسوقی چاپ شدهٔ با مبانی‌الاصول در۱۳۱۷ ص ۲۰ـ۲۱ـ مستدرك ص ۳۵٤ـ ذریعه ۸ ۲۳۲ـ فرهنگ دهخدا در «احمدخان گیلانی» ص ۱٤۲٦

۲۰

۲ـ این کتاب بگواهی خود آن ازغزالی نیست کتابی بنام اثبات‌الوصیة ازعلامهٔ حلی با دیباچهٔ محمد هادی امینی در نجف بی تاریخ چاپ شده درخود آن الحجج‌القویه فی اثبات‌الوصیه نامیده شده وآنهم ازحلی نیست چه درآن ص۱۰ ازرین‌الدین علی بن یونس ساطی بیاضی م ۸۷۷ وصراط‌المستقیم او نوشتهٔ ۸۵٤ (ذریعه۱:۱۱۱ و۲٦٥.٦)

۲۵ و ص ۲۳ ازابن‌العودی شاگرد شهید یادگردید . درآن ( ص ۱۳ و ۲۹ ) این کتاب رساله حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

**انجام** : ولنحبس هىهنا على عنان‌القلم و ان هذا مضمار واسع لايدرك غوره . . .
ولعلك اذن تستخرج منه بنصب منافخ‌الروية واشعال نار .

(۳۱۸۹ط) ــ كاغذ سمرقندى ــ جلد تيماج زرد سادة مقوالى
اندازه : ۱۴´ ۱۹/۵ ــ ۵´۷٫ ۱۲/۵ س ۱۷

## [۱٦۸٦] الذخيرة الباقية فى المسائل (عربى)
## الجبلية الثانية

اين نامه درسى مسئله و پاسخهاايست از سيد عبدالله شوشترى (م ۱۱۷۳) به سيد على نهاوندى بروجردى دربرابر پرسشهائى كه نوشته و براى اوفرستاده بود و پس‌از «انوارجليه» (ص ۲۱٤٤ همين فهرست) درپسين روز يكشنبه ۱۷ شعبان ۱۱۵۱ بنگارش درآمده است . پرسشها و پاسخها بپارسى يا تازى است و در فقه و فلسفه وعرفان واخبار . (ذريعه ۸:۲ و ٤۲٤ و ۲۱۷:۵ و۱۰:۱۵) .

آغاز الحمدلله الذى فرض طلب العلم على كل مسلم و مسلمة و جعل حامليه ادلاء الهدى فى دجور الجهالات المظلمة ... و بعدفيقول ... عبدالله بن نور الدين بن نعمة الله الموسوى . . قد خدمت فيما مضى حضرة . . . السيدعلى العلوى النهاوندى الاصل البروجردى المسكن ... بما تيسر من اجوبة مسائله العلية فى رسالة الانوار الجليه فى جوابات المسائل الجبلية ... ثم انه . ارسل بمسائل اخر ... فى كتاب يطلب الجواب عنها فبادرت الى امتثال امره . . . وسميته الذخيرة الباقية فى المسائل الجبلية الثانية

[۱۹۸۷]

اين نامه ش۳ در[illegible] است و بهمانگونه خط ش۲ و احمد بن محمد بن نور الدين بن نعمة الله [illegible] موسوى برادرزادهٔ نگارنده در محرم ۱۱۷۷ در شوشتر آنرا نوشته است [illegible] ۸٦ ب [illegible] ۸۷ الف فهرست مطلبها است و نيمه كاره گذارده شده و [illegible] ۸۸ ب [illegible] ۱٤٤ [illegible] آن است اين شماره از ۱ تا ۵۷ برگشمارى شده است .

ام لا انه كان نبيا قبل النبوة وكيف كان فلا ينافى ذلك ما ورد فى الروايات وقد تقدم بعض
منها فى المسائل المتقدمة ان الصلوة انما فرضت ليلة الاسراء لوجوه احدها احتمال ان تكون الصلوة
قبل الاسراء غير واجبة وانما كان يأتى بها تطوعا ولا ينافى هذا حديث الثلث قبيل المذكور آنفا اذ يحتمل ان
يكون المراد وهى اول صلوة فرضها الله عندما فرض الصلوات والامراة فيها انما فرضت اذ ذاك الثانى
احتمال ان تكون الصلوة قبل الاسراء واجبة عليه خاصة ويكون المفروض ليلة الاسراء عموم التكليف بها
الثالث احتمال ان تكون قبل ذلك واجبة على وجه العموم لكنه لم يكن مأمورا بالدعوة اليها الا عشيرته
الاقربين وانما وقع الامر بالدعوة العامة ليلة المعراج وفى بعض الروايات ارشاد الى هذا الوجه الرابع
احتمال ان يكون وجوبها قبل الاسراء على وجه الاجمال من دون تعيين اعدادها واوقاتها وتشديد التكليف
بها وبيان فضلها وعقاب تاركها ونحو ذلك ثم بين تفاصيل ذلك فى المعراج وفى الاخبار ما يرشد
الى هذا الوجه ايضا والمتامل الدقيق يتدبر لوجوه اخر غير ما ذكرناه والتوفيق نسأل الله التوفيق والهداية
ونعوذ به من الخذلان والغواية ونبتهل اليه ان يغفر لنا ما قدمناه من الخطيئة والاسراف فى النفس
وان يتدارك لنا بمعونته وتأييده ويجعل يومنا خيرا من الامس وان يفعل ذلك بوالدينا وبسائر من
وجب حقه علينا من اهل الايمان خصوصا سيدنا الاجل الانبل الاكمل الافضل الذى قلما يسمح بمثله
الزمان لا زال محفوظا مصونا ومن المكاره محروسا مأمونا وهذا آخر الكلام فى اجوبة هذه المسائل
التى لم يكن المسؤول بها باعلم من السائل مع ترادف الاشغال ووفور البلبال وتراحم الهموم
وتراكم الغموم على الغموم وقلة البضاعة وكثرة الاضاعة وقلة الاستطاعة فمهما كان من خطأ او زلل
فرجائى اصلاحه من السيد الاجل وكتب الفقير الحقير المشيع عمره فى التفريط والتقصير عبد الله بن نور الدين
بن نعمة الله بن عبد الله الحسينى الموسوى الجزائرى اصلا التسترى موطنا غفر الله ذنوبه وستر عيوبه ليلة
يوم الاحد سابع عشر شهر شعبان المعظم من السنة الحادية والخمسين بعد المائة والالف حامدا لله مصليا
ومسلما على رسوله الامين واهل بيته الاطهار الاكرمين قد وقع الفراغ من كتابته بيد الفقير الى الله الغنى احمد
بن محمد بن نور الدين بن نعمة الله الحسينى الموسوى فى شهر محرم الحرام من شهور السنة السابعة والسبعين
وماية والف الف الهجرية فى بلدة تستر حرست
عن الآفات والحوادث بالله مصليا مسلما

## [۱۶۸۷] رسائل اخوان صفا (عربی)

درهمین فهرست ( ص ۳۴۵ و ۴۲۰ ) ازسر گذشت « اخوان صفا » که انجمنی نهانی و دشمن با دستگاه فرمانروائی بیگانهٔ زمـان خود بنیادگذارده بودند اندکی آورده‌ام (۱) دراینجاهمین‌اندازه میگویم که این‌رساله‌ها گذشته ازاینکه

۱ـ اخوان صفا که از مردم ایران بوده‌اند خواسته‌اند میان فلسفه و شریعت آشتی دهند وازاین راه رخنه‌ای دراندیشه و پندار اشعری دستگاه فرمانروائی بیگانهٔ تازی افکنند.چنـانکه‌ابوسلیمـان محمدبن بهرام منطقی سیستانی همین نکته را دریافته و باابوحیان توحیدی شیرازی و ابوالعباس بخاری دوشاگرد خودگفته بود.مگراینکه این دانشمند سیستان چنین روش‌آنان را نپذیرفت و از آن نکوهید اگرچه از سخنان او و ابوحیان درسراسر امتاع و مؤانسه و مقابسات پیداست که هردو آنها ازاندیشه و پندارآنان بیگانه نبودند وگویا ازترس نمیتوانستند خودرا همکاروهمرأی باآنان نشان دهند.

این‌گونه روش وکار راگویا اخوان صفا آغاز نکرده بودند بلکه ازگفتگوی ابوسلیمان محمدبن معشر بستی مقدسی یکی از اخوان صفا و حریری غلام ابن‌طراره برمیآید که پیش‌ازآنها کسانی بودند که میخواستند میان فلسفه و شریعت آشتی دهند مگر اینکه‌کاری از پیش نبردند و نومید ماندند . از آنها بود ابوزید احمدبن سهل بلخی شامستانی‌فیلسوف جاحظ‌خراسان (۲۳۴ـ۳۲۲) که‌بدین کار پرداخت وزیدی‌هم شده وار پادشاه خراسان نیز پیروی کرده بود همچنین ابو تمام نیشابوری که ازگروه شیعی یاری نمود و بمطرف‌بن محمد وزیر مرداویز گیلی پناه برد . نیز ابوالحسن محمدبن‌یوسف عامری خراسانی (۳۸۱ه) شاگرد ابوزید بلخی که اورا‌امجد وفیلسوف دوانه‌اند و هراسان و ترسان از شهری بشهری میگریخت وگاهی بتودهٔ مردم پناه میبرد و کتابها در یاری اسلام می‌نوشت وگاهی‌هم بسپهدار نشابور وگاهی باابن‌العمید قمی ( ۳۶۰ه ) پناهنده میگشت این سه دانشمند ازاین‌کار سودی نبردند و باآنچه میخواستند نرسیدند (امتاع و مؤانسه ۱: ۴ــ ۲۳ــ نیز فهرست نامهای هرسه جلد آن ومقابسات ــ الحکمة‌الخالدة ص ۳۴۷) .

این هم گفته شود که فارابی نیز دراین روش کمی از اخوان صفا نداشت وگذشته از رشته‌ها و بخشهای دیگر فلسفه که بسیار درآنها باآنان نزدیک است درسیاست

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

فرزانگان اسماعیلی بدانها ارج می‌نهادند دانشمندان شیعی هم آنها را چندان
بی‌ارزش نمیدانستند . صدرای شیرازی در نگارشهای خود از سخنان آنان گواه
آورده و شاگردش فیض کاشانی درفهرست نوشته‌های خویش گزینی از همین
رسائل را یکی از نگارشهای خود خوانده و چنین گفت «انتخاب رسائل اخوان الصفا
وخلان الوفا الاحدی والخمسین فی تهذیب النفس و اصلاح الاخلاص من کلام الصوفیة» ۵

---

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

و کشورداری هم چنانکه از «مبادی آراء اهل المدینة الفاضلة» و «تحصیل السعادة»
ودیگر نگارشهای او آشکاراست و ابن‌رشد نیز بدین گواهی داده مانند همانها پندار
ایرانیان باستان واندیشهٔ فلسفی یونانی و آئین شیعی را باهم بیامیخت (ص۶۵۵و۷۶۳
همین فهرست) پس میتوان گفت که اخوان صفا از سخنان اوو بلخی و نیشابوری وعامری ۱۰
بهره بردند ودفترخوش را نگاشتند .

ازهمهٔ اینها پیداست که مردم ایران و بویژه آنها که یکی از آئینهای شیعی مانند
زیدی واسماعیلی واثناعشری را داشته‌اند در بنیادگذاردن این انجمن فرهنگی نهانی
کمك بوده‌اند . شاید بتوان گفت که اسماعیلیان مصروایران ازاینگونه اندیشه وپندار
بیشتر بهره‌مند شدند وتاریخ گواهستکه پیروان سنت ودانشمندان دربارتازی چه‌اندازه ۱۵
باین گروه و دوستاران آنها شکنج و رنج رواداشته و نکوهشها کرده‌اند . نمونهٔ
خرده گیری آنها را درسخن همین حریری هم میبینیم که میگوید روش اخوان صفا را
آنها که باطن وظاهرمیگویند واز اسلام می‌نکوهند (قداحین) و هجریان (قرمطیها)
وآشوبگران قزوین که مردم شهرهارا بسوی خود خوانده‌اند پذیرفته‌اند . این را هم
میدانیم که مشکویهٔ رازی وابن‌سینا و بیشتردانشمندانیکه درنوشته‌های توحیدی‌ازآنها ۲۰
یادشده‌است وهمهٔ فیلسوفان اسلام تابرسد بخواجهٔ طوسی که بدست اودستگاه تازیان
دربغداد برچیده شده بلکه همهٔ فیلسوفان شیعی همین روش را داشته‌اند .

این‌است نمونه‌ای ازسرگذشت سیاسی این گروه نهانی که شایسته‌است بیش‌ازاینها
دربارهٔ آن سخن گفت .

ازکتابهای سودمند که دربارهٔ انجمنهای نهانی خاور وباختر مانند اخوان صفا ۲۵
نوشته شده «تاریخ الجمعیات السریة والحرکات الهدامة» محمدعبدالله عنان (چاپ۱۹۲۶
مصر) و Les Sociétés secrètes de l'antiquité à nos jours
از J.Heron Lepper (چاپ۱۹۳۶ پاریس Payot) و les Sociétés Secrètes
en Chine از B. Favre (چاپ ۱۹۳۳ پاریس) میباشد .

نوادهٔ برادری او نورالدین محمد کاشانی ( فهرست نامهای همین فهرست ) هم در برخی از نگارشهای خود از اخوان صفا یاد کرده است (ص ۵۰۲).

دانشمند حکیم سیف‌الدین مظفر حسین کاشی که با صدرای شیرازی و میرفندرسکی گفتگوی علمی داشته بود (۱) هم از این رسائل گزین کرده ودر آغاز آن چنین نوشت : « هذا ما جمعه مظفر حسین بن امین‌الدین محمد الکاشانی من رسائل اخوان الصفا استخرج منها ما اشتمل علی الفوائد واسقط ما فیها من الزوائد کسب منها المهمات و حذف عنها المکررات. استغنیت بهذه المجموعة عن جمیع ما فی رسائلها لانی وجدت فیها کما اوجدت فی کلها مع ان استنباط الاصول والمقاصد منها ایسر واسهل و الظفر علی حل المشکلات والمرموزات بمطالعتها انمو اکمل. فان المطولات الزائدة کالمختصرات القاصرة فی طرفی الافراط والتفریط فی اداء المعانی والمقاصد فخذ الاوسط فان خیر الامور اوسطها » (۲).

آغاز بسمله . وبه الحول والقوة الحمدلله الذی لا یحسن الاشیاء الا ان یکون

---

۱- پرسش وپاسخی که میان او و شیرازی و کاشانی شده در ص ۱۷۹ و ۱۹۱ یاد گردید . در عالم آرا (ص ۷۵۳) آمده که او پزشک دربار بوده ودر چهل و یکمین سال پادشاهی عباس صفوی در [illegible] سال ۱۰۳۶ درگذشت . پسر او شمسا محمد هم پزشک [illegible] بوده ودر [illegible] پدر کار او را هم [illegible] کرده است .

۲- [illegible] از این گزیده [illegible] ص ۱۹ ج ۱ [illegible] ص ۳۲۹ ج ٤ چاپ مصر است [illegible] پس از این پاره‌ای از شجرة الهیة شهرزوری و کتاب الابحاث [illegible] شده [illegible] جوامع المقالات الثلث لافلاطون فی النوامیس » [illegible] است و [illegible] درهامش آمده و با ندارهٔ [illegible] در آغاز نسخه (گ ٤ الف) [illegible] اخوان الصفا [illegible] هم [illegible] علماء اجتمعوا [illegible] رضی الله عنهم اجمعین وهم ابوالحسن علی بن [illegible] شهرزوری و [illegible] رفاعه وابوالحسن [illegible] والاصدقاء الکرام حشرهم الله فی [illegible] محمد بن منصور بن صدر الحسنی [illegible] کاشانی [illegible]

بدوها حمده و كل ناطق و ساكت فهو عبده الذى تاهت الالباب فى عظمته و كلت
عقول اهل معرفته عند مشاهدته من عز جبروته وصلى الله على المنتخب من خلقه
من خبرته محمد النبى وعترته . اعلم انه لما كان من مذهبى طالبى العلم (النظر فى
جميع علوم الموجودات التى فى العالم من الجواهر و الاعراض و البسائط و المركبات .ــ
مانند چاپى) ٥

انجام : فانتبه يا اخى من نومة الغفلة و رقدة الجهالة . (چنانكه در كليشه
ديده مىشود) .

[١٩٨٨]

**١١٥٥** اين نسخه بسيار با كمتر نسخ درشت با عنوانهاى درشت برو شنگرف است كه
محمد بن محمد بن بهاء الدين انصارى هوى روز ١٨ شعبان ٩٦٨ در قاهره نوشته ١٠
آن را تا انجام رسانده چنانكه ديده ايم در برخى از كتابها شمارهٔ رسالههاى اخوان صفا پنجاه و
يك دانسته شده و در نسخهٔ ما هم ٥١ است برخلاف چاپى كه ٥٢ است چه اينكه رياضيات آن
كه در چاپى ١٤ رسالهاست در اين نسخه ١٣ است و اينهم براى اينستكه «بارى ارمينياس»
رسالهٔ جدائى بشمار نيامده و با قياس آميخته شده و گويا كسى در آن دست برده و نبايد
اين رسالهٔ جداگانهاى باشد چنانكه در چاپى آمده است . در اين نسخهٔ ما «صورة الارض ١٥
والاقاليم» چهارم است و موسيقى پنجم بعكس آنچه كه در چاپى ديده مىشود در طبيعيات
و عقليات اين نسخه با چاپى در شمارهٔ رسالهها جدائى ندارد . در الهيات هم همان
يازده شمارهرا دارد مگر اينكه ترتيب آن با چاپى يكسان نيست و بدينگونه است :
١ــ الاراء والمذاهب . ٢ــ ماهية الطريق الى الله . ٣ــ كيفية عشرة اخوان الصفا
٤ــ ماهية الناموس الالهيه ٥ــ كيفية الدعوة الى الله ٦ــ كيفية افعال العارفين ٧ــ انواع ٢٠
السياسات ٨ ــ كمية تصد العالم ٩ــ بيان اعتقاد اخوان الصفا ١٠ــ ماهية الايمان
وخصال المؤمنين ١١ ــ ماهية السحر والعزائم .

اين نسخه در متن هم در بسيارى از جاها با چاپى يكسان نيست و فهرست آغاز
چاپى هم در آن ديده نمىشود چنانكه خطبهٔ آغاز آن در چاپى نيامده است .

در ١ الف فهرست ٥١ كتاب است و خود كتاب در ١ ب ــ ٤٣٠ ب مىباشد . يك برگ ٢٥
در آغاز افزوده هست كه بشمار نيامده است از برگ ٢٧٨ تا پايان در جدول شنگرف
ولاجورد است فرهاد ميرزا دارندهٔ نسخه بوده و خط او و تاريخ روز يكشنبه ١٢ شعبان
١٢٦٥ در گ ٤٣٠ ب هست . عبدالله بن عبدالقادر ساوجبلاغى مكرى چنانكه در همين جا

[۱۶۸۹-۱۶۹۶] رسالههای پزشکی (عربی)

دردفتر ش ۱۱۲۹ چند رسالهٔ پزشکی است که اکنون میشناسیم :

۱- رسالهٔ خجندیه که در نه فصل میباشد و فصل یکم آن در نسخهٔ ما نیست و چنین است دیگر فصلها ·

الفصل ۲ فی قوانین العلاج وهو ثلثة انواع : التدبیر والعلاج بالدواء و اعمال الید .

الفصل ۳ فی نصوص هی كالفصوص .

الفصل ٤ فی القوانین الکلیة للاستفراغ .

الفصل ٥ فی القوانین الجزئیة للاستفراغ

الفصل ٦ فی قواعد تبدیل المزاج .

الفصل ۷ فی تدبیر الناقه علی وجه کلی .

الفصل ۸ فی احکام البحران .

الفصل ۹ فی اختیارات نجومیة

آغاز نسخهٔ ما : المتخذ سریع الانهضام ویجب ان یراعی العادة فی جمیع الاحوال وخصوصاً فی امر الغذا (بخش پایان فصل یکم)

**انجام** وانما یعمل بهذه الاختیارات عند اتساع الوقت و [illegible] التنجیم من یعتقدها . ولیکن هذا آخر کلامنا فی هذا المختصر فمن حفظه [illegible] بالاصابة فی اعماله و بالتحقیق فی افعاله . وصلی الله علی محمد رسوله و آله الطیبین الطاهرین . تمت الرسالة الشریفة الخجندیة فی شهر جمادی الاولی سنة ۱۰۰٥ الف وخمس فی بلدة اصفهان صانها الله تعالی [illegible] (۲ب ۱ الف - ٤ ب)

۲ [illegible] کلامه [illegible] فخر الدین [illegible] ابی نصر خجندی [illegible] القانون [illegible] فاصله [illegible] ۷۹۲ [illegible] ( ص ۲/٤٥۹) از [illegible] الدین [illegible] فهرست آن چنین است

المقدمة فی تحقیق معنی الفرق ، المقالة الاولی تشتمل علی خمسة فصول تتضمن ثمانیة و عشرون فرقاً یتعلق باحوال یعرض لاجزاء الراس ، المقالة الثانیة فی فروق بین احوال و امراض یعرض لآلات التنفس و فیها ثلثة فصول ، المقالة الثالثة فی فروق بین احوال و امراض یعرض للآلات الطبیعیة تشتمل علی اربعة فصول ، المقالة الرابعة تشتمل علی ثلثة فصول (امراض لایختص بعضو ، والقروح ۵ والاورام ، واحوال النافهین) ، المقالة الخامسة تشتمل علی فصلین ( احوال النبض واحوال البول) .

آغاز . الرسالة فی الفروق للعلامة الخجندی . بسمله . الحمدلله الذی هدانا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله و نشکره علی ما اسبغ منه (و) نعمه و اولانا و نشهد بو حدانیته سراً و اعلانا و نرجو من فائض رحمته عنوانا امابعد فانی لما رأیت اطباء الزمان ۱۰ لایعرفون من الامراض الا ما تصوروه عن الکتب بدلائله و اسبابه .

**انجام** . و ایضاً بما یتبع کل واحد من المداولین من الاعراض الخاصة بهما . تمت الرسالة فی وقت الظهر فی یوم الاثنین السادس و العشرین من اول الجمادیین سنة ۱۰۰۵ بید کاتبها وهو محمد بن مؤید الطبیب فی دار السلطنة اصفهان (گ ۵ الف - ۱۴ ب) . ۱۵

۳ رسالهٔ موسیقی فخرالدین خجندی که در آن عبارت « و ینبغی ان یعلم ان فی النبض طبیعة موسیقاریة موجودة ... و جالینوس یری ... و انا استعظم ... » از فصل ۱ جملهٔ ۱ درس از تعلیم ۳ فن ۱ کتاب ۱ از قانون شیخ ص ۱۲۵ ج ۱ چاپ مصر گزارش شده و از یکی از گزارندگان خرده گیری گشت و در آن از امام علامه یاد گردید و روشن شد که میان پزشکی درشناخت نبض و میان ۲۰ موسیقی چه پیوندی است .

آغاز . رسالة فی الموسیقی للفاضل المتبحر فخر الحق والدین الخجندی رحمة الله علیه . بسمله . بعد الحمد والصلوة علی نبیه محمد و آله ؛ اقول لما کانت النسبة الموسیقیة نوعاً مخصوصاً من النسب ، و الطبیعة النوعیة لا تحصل فی الاشخاص

آغاز : بسمله . هذا کتاب الافتراق والاتفاق تألیف الفقیه الاجل العالم

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

الباب ٦ فی ذکر من زاد ومن نقص فی التریاق (گ ٢٣ ب) .

الباب ٧ فی کیفیة ترکیبه من کلام جالینوس (گ ٢٤ ب) .

الباب ٨ فی ترکیبه من کلام المتأخرین (٢٧ الف) .

الباب ٩ فی کیفیة ترکب الاندروخورون ومقدار ما یستعمل فیه (٢٧ ب) .

الباب ١٠ فی صفة اقراص العنصل (٢٩ الف) .

الباب ١١ فی کیفیة عمل اقراص الافاعی (٣٠ الف) .

الباب ١٢ فی وصف الحیات وذکر اجناسها ولحومها (٣٤ الف) .

الباب ١٣ فی ماهیة ادویة المفردة وقواها واقرصها ومنافعها وصفاتها وهآتها وطعومها وروایحها واختیار الجید منها واشکالها ومواضعها ووقت اختیارها بطریق کلی (٣٦ الف) .

الباب ١٤ فی الکلام علی کل واحد ادویة المفردة وماهیته ومزاجه وطعمه ورائحته وقوته وفعله ومنفعته وشکله وموضعه واختیاره ووقت اختیاره بطریق جزئی (٣٧ الف) (در اینجا داروها بترتیب ابجدی شناسانده شده و سخنان پزشکان در آن آمده است و در بسیاری از جاها برمز (ح) جالینوس را میخواهد) .

الباب ١٥ فی الابدال لما یبدل من ادویة عند فقده (٨٥ الف) (داروها بی ترتیب یاد گردید) .

الباب ١٦ فی الخلاف والغلط الواقع فی مفرداته وذکر ما یغلط به ویغش (٨٧ الف) (اینجا نیز در یاد کردن داروها ترتیبی نیست) .

الباب ١٧ فی ذکر ما وقع فیه من الاختلاف فی ترکیبه وکیف وقع ومن خالف فیه (٩٢ الف) (در اینجا نام دانشمندان برمز یاد شد) .

الباب ١٨ فیما وقع من الناس فیه فی ترکیبه من الغلط وکیف وقع (٩٣ الف) .

الباب ١٩ فی ذکر سبب وقوع الغلط فی الریاق والخلاف فیه وکیف وقع (٩٣ ب) .

الباب ٢٠ فی تعلیل وضع مفرداته (٩٤ الف) .

الباب ٢١ فی تعلیل اوزان ادویة الریاق (٩٨ ب) .

الباب ٢٢ فی صفة امتحانه ومعرفة ماهو الفاضل منه وکمیة طریق اختیاره واللون المطلوب فیه (١٠٠ ب) .

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

وآله اجمعين . فرغ من كتابته العبدالمذنب المحتاج غفران ربه الصمد ابن مؤيد
سالك الدين محمدالحموی فی ليلة الثلثا حاد يعشر جمادی الاول سنة خمس والف
ببلدة اصفهان صانها الله تعالی اهله من الوباء والطاعون (١١١ الف - ١١٣ ب) .

٧ - رسالة فی الفحم از خجندی که گزارشی است برعبارتی ازقانون .

آغاز . رسالة فی الفحم للعلامة الخجندی رحمة الله عليه . بسمله . الحمدلله ٥
رب العالمين وصلوته علی محمد خيرالنبی وبعد قد التمس منی بعض المخلصين ان
احل عقد كلام الشيخ الرئيس رحمة الله عليه فی فساد الشهوة فبادرت الی ما التمس
مستعيناً بالله تعالی . قال الشيخ : اذا جتمع فی المعدة خلط ردی مخالف للمعتاد ...
بل الفحم والتراب والجص واشياء من هذا القبيل .

**انجام** : وابن يدل علی كلية الشرطية مع اهمال المهملة الكلية ايضاولايحتاج ١٠
الی ذكرها فربما رشد المهادی فكره فی سياق كلامه . هذاماسنح لی فی هذا الموضع
وانه ولی التوفيق (تمت المقالة فی سنة ١٠٠٥) (١١٣ ب - ١١٤ الف) .

٨ - مختصر فی صناعة الطب که برای نوآموزان نوشته شده و جز اصول
تركيب الادوية نجم الدين محمود فندی از «خمسة نجيبيات» (ش١ ص٢٣٦ فاضليه)
میباشد ودردو بخش است بدینگونه : ١٥

القسم الاول فی اصول تركيب الادوية واستخراج صنائع المركبات وتحقيق
الاوزان والمكائيل وما يناسبها وذكر احكام المرداق - القسم الثانی فی دستورات
صحيحة لم يشأت احد من العقلاء فی صحتها (وكل منها يشتمل علی فصول) .

**آغاز** : بسمله . نحمدالله علی ما هدانا سبيل الرشاد و اوضح علينا سنن -
الاسترشاد . . . وبعد فهذا مختصر فی صناعة الطب الفته لبعض المتعلمين و اودعته ٢٠
فوائد غريبة و فرائد عجيبة لم توجد فی اكثر الكتب المصنفة فی هذا الفن وجعلته
قسمين منفصلين

انجام الفصل ٩ (من القسم الاول) فی قانون تحويل وزن الدراهم الی
وزن المثاقيل وتحويلها الی الدراهم هذا تمام الكلام فی تحويل الاوزان وانما

۱- انموذج‌العلوم بتازی که ده مسئلهٔ است و در ص ۱۵۸ همین فهرست

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش
وزوراء وحاشیه شرح‌چغمینی و حاشیهٔ شمسیه و حاشیهٔ تهذیب دوانی ردنوشت ومیان
حواشی پدرخود ودوانی برشرح تجرید وشرح عضدی محاکمه نمود .
دوانی حاشیهٔ بزرگ‌زورا را بدرخواست شیخ شرف‌الدین حسن فتال و حاشیهٔ ۵
کوچك را در پاسخ ملاقطب‌الدین محیوی انصاری که برعبارتی از خطبهٔ آن خرده
گرفته بودنوشت(مجالس سرگذشت دوانی وغماث) .
دوانی‌دردیباچهٔ انموذج‌العلوم استادان خودراچنین‌یاد میکند :
۱- پدر او سعدالدین اسعد صدیقی دوانی که محدث جامع مرشدی‌کازرون
بوده است درادب وفقه وحدیث و تفسیر وعقلیات،واو خود شاگرد اینان بوده درحدیث ۱۰
وتفسیر:یکی شرف‌الدین عبدالرحیم صدیقی جرهی ( از گره که دیهی است درشیراز )
شاگرد خواجه شیخ علی بن مبارکشاه صدیقی ساوی،دیگر شمس‌الدین محمدبن محمد
جزری درحدیث بویژه صحیح بخاری، دیگر جمال‌الدین محمود بن حاج ابی‌الفتح
سروستانی درفقه واین سروستانی حاوی صغیررا نزد لسان‌الدین نوح سمنانی وپدرش
مولی اختیارالدین لقمان وآندو آنرا نزد جمال‌الدین محمد قزوینی و او نزد پدرش ۱۵
نجم‌الدین عبدالغفار قزوینی مصنف شاگرد ابی‌القاسم محمدبن عبدالکریم رافعی
خوانده است،دیگر زین‌الدین شریف علی‌گرگانی درفلسفه که پدرش آنرا ازمشایخ
دیگرهم‌آموخت .
۲- صفی‌الدین عبدالرحمن حسینی ایجی که دوانی همهٔ اربعین نووی را نزدش
خواند وایجی‌حدیث قاضی حن را باوزبانی اجازه داد . ۲۰
۳- مظهرالدین محمدکازرونی که دوانی نیمی از « محررالفقه » را نزد وی
خوانده واجازهٔ زبانی‌ازوی‌گرفت . این کازرونی‌درفلسفه شاگردسیدشریف ودرحدیث
وتفسیر شاگرد مجدالدین ابی‌طاهرمحمدبن یعقوب فیروزآبادی وشمس‌الدین محمدبن
محمد جزری بوده است .
۴- شهاب‌الاسلام ابوالمجدعبدالله بن میمون کرمانی‌گیلی درحدیث وازاواجازهٔ ۲۵
ملفوظ مکتوب‌گرفت واوخودعوارف را ازشیخ نورالدین‌عبدالرحمن قزوینی‌باخواندن
زین‌الدین ابوبکرخوافی شنیده است .
۵- رکن‌الدین روزبهان بقلی شیرازی که دوانی دریك نشست اربعین نووی را

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

انجام : هذا آخرما قصدت ایراده فی هذه‌الرسالة . جعلته انموذجا لتلك العلوم . فلینظرفیه‌الاذکیاء بعین‌الارتضاء مجانباً‌للفسادوالمراء (وآخردعوانان) الحمدلله‌رب‌العالمین وصلواته وسلامه علی خیرخلقه‌محمدوآله (وصحبه اجمعین)م. ( اندکی از عبارت برای اینکه کاغذ را موریانه خورده از میان رفت و بقرینه خوانده ودرمیان دو کمانه گذارده‌ام) (۱۱۴۷/۲ گ ۹ ب – ۳۳ الف) . ۵

۲– تفسیر آیهٔ « قال آمنت . . من‌المسلمین » بعربی و دوانی بدرخواست کسی این آیه را دومین بار تفسیرنموده و در آن از ایمان و کفر فرعون گفتگو کرده است .

آغاز · الحمدلله قابل‌التوبة اذا تاب لاسیما بفرح بتوبته کماورد عن سید الاحباب .. امابعد فقد سألنی من اجابته علی فرض عین . . . سلالة‌السلف‌الطاهر ۱۰ الجناب‌الفاخر ذوالعزة والدین روحه‌الله روحه فی‌العالمین ان اکتب علی قوله « قال انه لااله الاالذی آمنت به بنواسرائیل وانا من‌المسلمین » فاجبته علی ذلك فی غابرالزمان حسب ماظهر من غیرتقلید ثم عن لی اشیاء من فیض موالی‌الحمید فاجبت‌الزیادة

انجام و هذاالقائل یقول بعدم سعه رحمة‌الله و بفرط عناده وتحکم وتحبیشهم ۱۵ من روح‌الله ولاییاس من روح‌الله الاالقوم الکافرون ( الحمدلله علی تمام‌الرسالة المنسوبة الی جلال‌الملة والدین‌الدوانی رحمه‌الله) (۱۱۴۹/۳۶ گ ۲۶۸ الف – ۲۶۹ ب) .

۳– «خلق‌الاعمال» بعربی (ش ۱۱۴۹/۱۸) که درهنگام سفرو بدرخواست سعدالدین محمد استرابادی در کاشان نگاشته است ( ص ۲۵۹ همین فهرست ) ۲۰ تهرانی در ذریعه (۵ ۸۲) بنام « الجبرو الاختیار » ازهمین رساله (مانند نسخهٔ ما) وازدوانی یاد کرد ودر جای دیگر آن (۲۶۰۲) از «افعال‌العباد» دوانی یاد کرده وگفته که آن در « کتاب‌المحققین » سال ۱۳۱۵ ( ص ۱۵۶ – ۱۶۰ ) بچاپ رسیده‌است. در جای دیگر (۷ ۲۴۳)ازهمین‌دو بنام«خلق‌الافعال» ازدوانی یادنمود

وآندورا دورسالهٔ جداگانه دانست. گویا نسخهٔ خطی که دیده بود و پیداست که دیباچهٔ نسخهٔ ما را که درچاپی نیامده داشته‌است بانسخه چاپی نسنجیده و پنداشت که دو رساله است با اینکه یکی بیش نیست. تازه دوانی دراین رساله روش اشعری دارد وچنین نگارش اورا نباید درشمارهٔ نوشته‌های شیعی آورد

درفهرست طوس (۳۲:۱ ش ۱۱۳) از رسالهٔ «جبر و اختیار» فارسی دوانی که گویا برای غیاث‌الدین نوشته است یاد شده و آن جز رسالهٔ ما است بازدر آن (۱۲۷:٤) از خلق اعمال دوانی (مانند همین نسخهٔ ما) یاد شده است (۱).

٤ - الرسالةالخلخالیه عربی و دوانی دراین رساله از گفتار فقیهان در بارهٔ اندازهٔ شرف زن که خلخال دو یست درهمی یا صد درهمی است یاد نمود وسخن خود را هم آورد و گفتهٔ اوزاعی را دراینکه شرف در دسته‌های گوناگون یکسان نیست.

آغاز: بسمله. اعلموا ایهاالطلاب وفقکم‌الله لنیل‌الصواب انه قد شاك (۲) مثل اکثرالفقهاء حدالشرف فی‌المرأه بخلخال وزنه مائةدرهم ومثله بعضهم بخلخال وزنه مائة درهم

۱ - [illegible] رسالهٔ [illegible] را یادی نگاشته است (نشریه ... ۲۰ ج ۲ ۱۲۲۷) [illegible] سلطان [illegible] ۲۵ [illegible] ۱۲۲۷ [illegible]

۲ - [illegible] العلامه الدوانی [illegible] مسئلة [illegible] (۲) [illegible] العلامه و بالله [illegible]

۲ - [illegible] باشد

**انجام** : فلذلک اختل الاحکام وضعف مراسم الاسلام (تمت الرسالة الخلخالية لمولانا جلال الدوانی) (۱۱۴۹/۳۵ گ ۲۶۸ الف) .

۵ـ صیحه وصدا بفارسی که در ص ۴۷۲ همین فهرست آنرا شناخته‌ایم .

**آغاز** : بسمله . (وبه نستعین) سبحانک سبحانک انت انت تعالیت عن مداناة الاشباه والامثال . انت کما انت تقدست عن محاکاة الوهم والخیال . انت کما اثنیت ۵
علی نفسک تنزهت (عن) ان یحیط بمحامدک دائرة المقال ... (وبعد) برادر طریقی ودوست حقیقی فخر القبایل وذخر الاوایل ... التماس نمود تا تذکرهٔ بعضی از سوانح وقت درین جزو ثبت رود ... و مقصود این رساله بعد از تمهید این مقدمه برسبیل قرع العصابه صیحه (واحدة) وچند صدا سمت ادا یافته .

**انجام** : پس ملاک امر (در) دین مبین وطریق مستبین تسلیم وانقیاد است ۱۰
فلاوربک لایؤمنون ... ویسلموا تسلیما. اللهم وفقنا لاتباع حبیبک فی الفعل والقول والعمل .. بحق حمک علیه و حقه عندک و بحق من له عندک رتبة من الاولیاء والصدیقین والشهداء والصالحین اللهم صل و سلم علیه و علیهم اجمعین ( تمت ش ۱۰۲۱/۱۱ گ ۷۶ الف - ۸۱ الف) (وسلم تسلیماً کثیراً طیبا مبارکا فیه . م .
ش ۱۱۴۷/۱۰ گ ۱۱۸ ب - ۱۲۴ الف) ۱۵

۶ـ رسالهٔ عرض بفارسی که شوشتری درمجالس المؤمنین در بارهٔ آن گفته «رساله‌ایکه درعرض لشکر سلطان مذکور درحوالی بند امیر شیراز نوشته ودر آن جا رعایت حسن عبارت بجا آورده» پیش از این اوا ز «سلطان خلیل بایندری وحسن بیک»(۱) یاد کرده است پس بگفتهٔ او باید این رساله در بارهٔ سان دیدن خلیل باشد با اینکه از خود در رساله برمی‌آید که در بارهٔ سانی که بهادر خان سلطان ابوالنصر ۲۰

---

۱ـ دوانی در رسالهٔ دیوان مظالم (ش ۱۰۲۱/۶ گ ۳۹ ص ۶۶۲ همین فهرست) هم از سلطان ابوالنصر حسن بیک بهادرخان (انارالله برهانه) مانند درگذشته و همچنین از پادشاه بزرگ یعقوب بیک خان (احله الله فرادیس الجنان) یاد کرده و نوشته که آنها دادگر بوده‌اند و حسن هرهفته‌ای دوروز دردیوان مظالم می‌نشست و کارکنان او این روزرا «روز دیوان بزه مسکین» مینامیدند . ۲۵

اوزون حسن بیك آق قونیلو (۸۷۱ - ۸۸۲) از سپاهیان و دیگران از درویشان و دانشمندان و شاهزادگان دیده است بنگارش در آمده است. نیمهٔ نخستین این نامه سراسر ستایش بس بیجا و چاپلوسانه‌ایست که این دانشمند از این فرمانروا کرده‌است و جز عبارت پردازیهای بی‌ارزشی بیش نیست در نیمهٔ دوم آن که از سان وعرض سخن بمیان میآید نکته‌های لغوی و تاریخی بسیار سودمندی هست .

آغاز : بسمله (رب اعنی بالانعام) . اللهم صل علی محمد و آله و صحبه اجمعین . قال‌الله سبحانه و تعالی و لقد کتبنا فی‌الزبور من بعدالذکر ان‌الارض یرثهاعبادی الصالحون . از پرتو اشعهٔ این نص قدسی ضمایر منظر محقق را این معانی مشاهد و معاین گردد که عرصهٔ فسیح ربع مسکون مضرب خیام دولت و محط سرادق (عظمت) سعادتمندی تواند بود که جهت (و ج ه) همت وقبلهٔ او صلاح امور عباد وبلاد ونظم مصالح ایشان در معاش ومعاد باشد .

انجام :

ندیده بدین عمل و روشن دلی　　　　[illegible] این سال در دور خود

اللهم خلد ظلال معدلته و [illegible] علی بسیط الارضین و [illegible] سلطنته و خلافته علی قاطبة المسلمین و اجعل آثاره [illegible] فوق [illegible] و [illegible] نافذة فی جمیع اسقاع [illegible] محمد (عین) اعیان الانسان و آله و صحبه اصحاب الشهود والعیان ش ۱۰۲۱/۷ گ ۳۰-۳٤ ب ۵۸ . (رساله الموسومه بالعرض بعون‌الله تعالی و حسن توفیقه والصلوة والسلام علی [illegible] و [illegible] علی و علی آلهما [illegible] ب ۷ ۱۱٤۷ ۸۳ ۱۰۱ -) (دو نسخهٔ ما [illegible] کی باهم [illegible] شده)

۷ [illegible] در شرح کلمهٔ [illegible] و پیش از این عبارت [illegible] شده پس [illegible] این رساله [illegible] (ع ۲۱٦) دارد [illegible] نوشته است .

دردو نسخهٔ ۱۰۲۱/٤ و ۱۱٤۷/۱۲ جای نام شاه سفید گذارده شده است .

در این رساله از «کلمهٔ توحید» از رهگذر لغوی و فلسفی و عرفانی کاوش شده و در آن دو مقام است نخستین در مباحث علم رسمی در دو موقف ( مباحث لغوی ـ مباحث عقلی در سه مسلك متکلمان و حکیمان و اشراقیان ) دومی در کشف حقایق شهودی در دو موقف ( حقایق توحید در سه مرتبه ـ لطایف توحید ) ( فهرست ۵
فاضلیه س ۲۸ ش ۵۱/۲ ) .

آغاز . ( رساله فی کلمة التوحید لمولانا جلال الدین الدوانی قدس سره ـ گوشهٔ بالائی راست گ ۱۲۸ ب ش ۱۱٤۷/۱۲ بنستعلیق خوش شنگرف و باید از نویسندهٔ نسخه باشد )

بسمله ( والاعتصام بکرمه العمیم ) آفتاب جمال قدم از آن متعالی است ۱۰
که خفافیش ظلمت سرای حدوث بنظر کامل فکر و نظر مطالعه سبحات انوار آن توانند نمود ..

انجام در مرتبهٔ ثالثه بمقدار شعور (شهوری) ( بوحدت ) حقیقی ذاتی کما بدا کم تعودون منه بدا و الیه یعود کل شیء انتهی ثم بحمدالله و حسن توفیقه م ـ ۱۱٤۷/۱۲
گ ۱۲۸ ب ۱٤۳ الف ( کما بدا کم تعودون والله اعلم بالصواب و الیه المرجع ۱۵
والمآب تم بحمدالله و حسن توفیقه جمادی الآخر سنهٔ ۹۲۹ ش ۱۰۲۱/٤ گ ۲۲ ب ـ ۳۳ الف ) ( نیز نسخه ای که در دفتر ۱۰٤٦ هست .. س ۷٤ ج ۱ فهرست آقای منزوی )

۸ ـ گزارش هیاکل النور ... [illegible] بفارسی که روی ساده های نسخه و سبك
نگارش ماند از دوانی باشد ۲۰

در آن از پاسخ پرسش کمیل از امیر مؤمنان در بارهٔ حقیقت یاد شده است ( ۱۱٤ الف ) .

آغاز . بسمله . الحمدلله مقدس الحکم و الصلوه علی محمد و آله و سلم .
دی بك ناگاه از عراق وفاق بر سرحد بسط و استنطاق رقمی از عربی رسید

مشعر باستکشاف معنی « اناالنقطة تحت‌الباء » (جای این عبارت در نسخهٔ ماسفید گذارده شده و همچنین در برخی از جاهای دیگر و از نگریستن بسراسر نسخه برمیآید که این رساله در گزارش این‌عبارت است که ازعلی ع پنداشته‌اند گرچه دررساله ازاو نامی برده نشده).

انجام : وجهی چند درطی این حروف و عبارت سحر آفرین مدرج است. آنچه‌الحالة هذه برجریدهٔ شاعر ثبت بود سورت تحریر یافت تاطالبان هوشمندرا ازمائدهٔ زمان ماحضری باشد . بیت :

ز قند سخن پخت حلوا کمال | ببینند یاران که چون آمده‌است
--- | ---

والحمدلله رب‌العالمین . تمت و آلاء ربها عمت ( ۱۰۲۱/۱٤ گ ۱۱۲ ب - ۱۱٦ ب) .

۹- گزارش بیتی ازدیوان حافظ بفارسی که باشد کی جدائی در آغاز همانست که در ص ٤۵۲ (ش ۱۰٤٦/۱۹) شناسانده شده است در آن چهار مقدمه و یك فذلك است .

آغاز بسمله . (وبه نستعین فی‌التتمیم ) لك‌الحمد اللهم ملهم‌الصواب و علی نبیك‌الاواب‌الصلوة‌المستجاب والسلام‌المستطاب وعلی اتباعه من‌الال والاصحاب. وبعد (امابعد) کلمهٔ چند در [illegible] از اشعار لسان‌الوقت حافظ شیرازی رحمه‌الله برحسب المعانی بعضی از احوال صفا و خلان وفا .. بیت

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت | آفرین بر نظر پاك خطاپوشش باد
--- | ---

انجام [illegible] مطلب و [illegible] و وقت [illegible] اهلان ادراك غوامض [illegible] و [illegible] جدال و [illegible] و [illegible] سوق اشرار (ن:) [illegible]

اقول [illegible] | خوف الردی [illegible] خال
--- | ---

اللهم [illegible] والحمدلله [illegible] والسلام [illegible] (یزدی)

علی مصحاب‌الدراری و ساهی (ـ حامداً و مصلماً و مستعمرا م ) (۱۰۲۱/۹ گ ۶۲ ب – ۶۵ الف و ۱۱٤۷/۸ گ ۱۰۳ ب – ۱۰۷ الف)

۱۰ - گزارش عزلی از دیوان حافظ فارسی که پس از دیباچه‌ای بیتهای غزل

« درهمه دیر مغان نیست چومن شیدائی ۵
خرقه جائی گرو باده و دفتر جائی

نکات آمده و گزارش شده است. درمیان سخنان بسیاری از شعرهای دیگر حافظ هم آمده است

آغاز بسمله (و به نستعین علی الـ ممم) درست با محکم و حروف اداء
حق احوف درشرع عوف ودس مروف ر رقمة قلم سست قدم اداء معنی این غزل ۱۰
ازسخنان لسان‌الوقت ترجمان‌الزمان حافظ شیرازی که تحقیق صدای همه‌شناسان
مقامات طلب است تا که راست نوای عشاق پرده شناس شد طریق عشق وصفا
حق المأس برادران طریقه را دمی واجب (است)

انجام و سیارین (این) در تکثیر وجوه محامل این ابیات شعف (نمود)
تا که با تجا تدوق جادی ناظم است و داکما نمود ( مصراع ) « اندك گفتم ۱۵
و بسیار دشمار دا م » والحمدلله علی ماهدانا ولـه الشکر علی ما اولانا والصلوه
والسلام علی سیدنامحمدالذی عن داءالجهل نجانا والی معارج‌القدس رقانا (تمت
الرسالة بید العفیر علی بن ه امرالقاضی – س ۱۰۲۱/۱۰ گ ٦٥ ب – ۷٥ ب)
(تمت‌الرسالة م ش ۱۱٤۷/۹ گ ۱۰۷ ب – ۱۱۷ الف)

۱۱ - گزارش ... از گلشن راز فارسی که پس از مقدمه‌ای عرفانی آن ۲۰
بیت گزارش شده و شعرهای تازی و پارسی درمیان سخنان آمده است این
گزارش ... در دن ۵۳ ٤ (۱۰۸۸/۲۲) ب – ۱۰۰ م

آغاز بسمله و ما العون فی الـ ... بعد الحمدلله ... والصلوه
علی ... کما هو ... رده مسود که از دیوان ورارن که مرکز راست امثال

گزارش بیتی ازحافظ است بنسخ ش ۷ ودرش ۹ گزارش غزلی از حافظ است بهمان نسخ با حاشیه‌های لغوی بنستعلیق و عنوانهای مطلبها درهامش بهمان خط حاشیه. درش ۱۰ سیحه و صدا است باهمان نسخ و با عنوانهای شنگرف و با حاشیهٔ نستعلیق. درش ۱۱ گزارش بیتی از گلشن راز است بهمان نسخ باعنوان مطلبها بنستعلیق درهامش.

۵ در ش ۱۲ کلمة التوحید است بهمان نسخ. در ش ۱۳ گزارش رسالهٔ عقل طوسی است وبنسخ درشت‌تری و متن زیرخط سرخ و باید این‌هم بخط نویسندهٔ شمارهٔ پیش باشد. دراین‌شماره باشارهٔ یک‌صفحه‌ای ازاین گزارش بیش نمانده و برگهای دیگر افتاده‌است. چنین است . . . بعد حمدالله مبدع العوالم . . . وقال شکرالله سعیه (لانشك ... ویحکم به) عطف

۱۰ [۲۰۱۳-۲۰۱۱]

۱۱۹ دراین دفتر ازرساله‌های دوانی در ش ۱۸ «خلق الاعمال» است (٤۹ الف و ب) و نمی‌ازآن را دارد وبدینجا «بیان صفة القدرة والارادة والعلم لیست فی شیء من المواد باعتبار الموصوف» میانجامد وسفید گذارده شده است. ودرص ۳۵ الرسالة الخلخالیة هو (۲٦۸ الف) ودر ش ۳٦ تفسیر همان آیه است (۲٦۸ الف –

۱۵ ۲٦۹ ب) همهٔ اینها بخط نستعلیق است بروش ترکان و بقلم دیگرست که دراین‌دفتر افزوده است.

[۱۷۱۳-۱۷۰۹] رسالهای رد یهود (فارسی)

دردفتر ش ۱۱۸٦ چند رساله‌است دررد یهود که اکنون میشناسیم:

۱- محضرالشهود فی رد یهود از حاجی بابا فرزند محمد اسماعیل قزوینی

۲۰ یزدی وچنانکه دردیباچه میگوید پدرش‌ازدانشمندان یهودبوده وباسلام گرائید این بود که همکیشان اورا نکوهشها نمودند و خواسته بودند اورا بدین پیشین بازگردانند ولی او دراسلام پایدار مانده و آنها را باین دین میخوانده است پسرچهل سالی که گذشته بود درهمان نزد بنگارش این دفتردر ۷ باب بپرداخت و از روی نوشته‌های عبرانی درستی آئین اسلام را روشن بداشت. عبارتهائی

۲۵ بعبری بخط فارسی درآن آمده و بپارسی شده است. درهامش نسخهٔ ما هم مینویسد که ملااسلمان یهودی‌درطوس در کتابی نوشته که من پیامبران‌اسرائیل را

نمی‌پذیرم و چنین نیست من همهٔ آنها را راستگو میدانم و بگفتهٔ آنها بپیامبر اسلام گرائیدم . در پایان آن از گفتگوی دینی که میان او و دانشمندان یهود در شهر یزد در ذی‌قعدهٔ سال ۱۲۱۰ شده و نوشته‌ایکه همانها نوشتند و گفتند که از روی « نبوت‌هیلد » (وحی کودك) محمد پیامبر است یاد گردید .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الذی هدانا سواءالسبیل و اکرمنا بمتابعة اشرف من ولد من نسل اسماعیل الذی اشرف بانسابه ابراهیم الخلیل محمدالمزبور وصفه فی‌الزبور والتوریة والانجیل وصیرنا من‌المحبین لآله و سرتا الواقفین علی‌اسرار المأویل والتنزیل سیما ابن عمه و وصیه مظهر الحق ومعطل‌الاباطیل و بعد چنین گوید . . این محمداسماعیل حاجی بابای قزوینی ساکن یزد . . پس هر گاه آنرا مسمی گردانیم بمحضرالشهود فی رد یهود لفظ بامعنی و ظاهر با فحوی مطابق خواهد بود . . واین کتاب مشتمل است بر چند باب .

انجام : و چون مضمون تمام بیکدیگر قریب بود در نقل باقی فائده ندید از ایراد اعراض نمود . الحمدلله اولاو آخرا و الصلوه والسلام علی نبیه محمد . . .
ختم . فی السادس من شهر رمضان‌المبارك سنه ۱۲۱۱ احدی عشرة و مأتین بعدالالف من‌الهجرة النبویه علی مهاجرها الاف سلام و تحیه (۱ ب ۸۱ ب) .

۲ ر[illegible] اسماعیل [illegible] در [illegible] از یهود و در آن یادی از رساله ۱ [illegible]

آغاز : بسمله [illegible] پوشیده نماند که طایفهٔ یهود را عناد و لجاج و تعصب [illegible] معلوم [illegible] انکار و جحود [illegible]

انجام : [illegible] نوشته شد والسلام علی من [illegible] (۸۱ [illegible] ۸۲ [illegible])

۳ ر[illegible] نمیکنند وا[illegible] از اسلام نوشته [illegible]

آغاز : بسمله . وبه نستعين . بر ارباب الباب مخفی نماند که جماعت بنی اسرائیل را داعیه اینست که ما بشریعت توراة بفرمودهٔ حضرت موسی عمل مینمائیم .

انجام : وعام بودن شریعت آن حضرت و ابدی بودن آن هیچپاك مخفی نمانده و تمام دراین رساله ذکرشده والسلام (قد فرغت من تسویده و تحریره فی یوم الاربعاء من شهر رمضان . سنة ثمانیة وسبعین ومأتین بعد الالف . . فی بلدة الشریفة العلویة . وانا .. ابن المرحوم المغفور سید احمد جواد الطباطبائی الیزدی ملتمس من الناظرین فی النسخة الدعاء ۱۲۷۸) (۸٤ الف - ۹۰ ب) (۱) .　　۵

٤- حجج الاسلام از محمد حسین بن مرتضی حسینی حسنی طباطبائی یزدی که در آن از روی آیه‌های چهار انجیل سریانی ارمنی که متن آنها را هم آورد روشن نمود که پیامبر اسلام و پیشوایان شیعی راستگو بوده و آئین شیعی درست است در آن هست حجت است و پاك جانمه در خرده گیری از نصارا　　۱۰

آغاز هذا کتاب حجج الاسلام بسمله . وبه نستعین . بهتر کلامی از خامهٔ لسان که بر صحائف خواطر نگارش پذیرد و خوشتر مرامی از نامهٔ بیان که مصاحف مساطر نمایش گیرد حمد خداوندیست که گم گشتگان وادی ضلالت را سوی طریق مستقیم هدایت نمود و سرگشتگان بادی جهالت را سبیل روشن عنایت فرمود . وبعد بر مرآت ضمیر ضمائر ارباب الباب واخلاء اطیاب مسطور و محرر　　۱۵ مینماید ابن مرتضی الحسینی الحسنی الطباطبائی الیزدی محمد حسین . . آنرا مسمی بحجج الاسلام گردانید

انجام بهتر آنست که در اینجا ختم کنیم فرغت من تألیفه وتحریره عصر یوم الثلثا السابع والعشرین من شهر جمادی الثانیه من شهور سنه خمس وسبعین ومأتین

۱ از این پس (۹۰ ب ۹۱ ب) حاشیه‌هائی است بفارسی کوتاه از همان طباطبائی　　۲۰ نویسندهٔ نسخه بر مختصر الیهود دربارهٔ دعای تدشین و متن عبری آن هم آمده و ترجمه شده (از کتاب سدور وسیمان ۲٤ سفر ٤ تورات) وداستان شست وشودادن یحیی در رود اردن از روی انجیل ارمنی (فصل ۳ متی) و چند آیهٔ دیگر دربارهٔ نسخ آئین یهود از خود تورات بجز آنچه که در مختصر الیهود آمده است .

بعدالالف . . فی البلدة الشریفة الرضویة علی مشرفها الاف سلام و تحیة (۹۲ الف - ۱۰۰ الف) (۱) .

۵- رساله‌ای از علی بن محمد جدید الاسلام که در آن آیتهای تورات بعبارتهای عبری بخط فارسی یا عبری آمده و ترجمه شده و بسود آئین اسلام تفسیر گشته است

٥ آغاز : بسمله . مؤلف گوید این اوراق علی بن محمد جدید الاسلام فصل اول در سفر اول تورات مذکور است که حضرت ابراهیم در الهام نبوت یافت که چندین پیغمبران از اولاد اسحق ع در ایام بنی اسرائیل ب[ن]ام مع[ر]وف میآیند .

انجام : و شریعت توراة کامل شد . و در اثبات نسخ که تمیم مصالح تفاوت کند نمی بینی طبیب همیشه یک دوا نمیدهد . نسخ (۱۰۲ ب - ۱۱۳ الف ، در میانه در برخی

١٠ جاها سفید گذارده شده و کمبود دارد و در پایان هم یک برگ و نیم سفحه‌ای سفید گذارده شده و در برگ ۱۱۵ الف دارد ) در بیان الفاظیکه در وحی کودک در نام و نشان حضرت محمد .. در حرف لام تا آخر گفته .. مجملا اگر در این فصل بعبرت نظری گمارند انشاءالله رفع شبهه‌ها میشود منه (۱۲۴ ب [illegible] که الفاظ وحی کودک در آن آمده و تفسیر شده [illegible] رساله باشد)

١٥ [٢٠١٤ - ٢٠١٨]

١١٨٦ [illegible] ١٢٧٨ [illegible]

[illegible]

عکس [illegible] ۱۳۲۵ [illegible]

٢٠ اندازه : ۱۵ - ۲۰/ ، ۸ [illegible] ۱۳ - ۱۷

[١٧١٤ - ١٧١٦] [illegible] (عربی)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٥ [illegible]

۱- کره متحرک اوطولوقوس وجز تحریر طوسی است از آن که در ص ۸٤۸ (ش ۱۰٦۳/۳) شناسانده شده است (طوس ۳:۳٥٤).

آغاز نسخهٔ ما : ا ه ج ه د فان قوس ط ل مساویة لقوس ا ح ( از نیمهٔ شکل ی و کم دارد).

انجام (شکل ب) اذا کانت دائرتان ثابتة علی کرة یقطع دائرة اخری من الدوائر المتحرکة . . . فکل واحدة من دائرتی ا ب ج د ، د ب د عظیمة لان مرکزهما مرکز الکرة و ذلك ما اردنا ان نبین . تم کتاب اوطولوقس فی الکرة المتحرکة (۲۷ الف ۲۸ الف).

۲- مطالع ابسقلاوس (هوپسیکلاوس Hypsicles) مهندس اسکندرانی (سدهٔ پنجم پیش از مسیح) که قسطای بعلبکی آنرا بتازی در آورده و کندی آنرا اصلاح نموده است (س ۸٤٤ همین فهرست ـ طوس ۳:۳٥٦).

بسمله . کتاب ابسقلاوس فی المطالع مما اصلحه الکندی و نقله قسطا بن لوقا البعلبکی وهو یشتمل علی ثلث مقدمات و صدر و شکلین . المقدمات اذا کانت مقادیر عدتها زوج .

انجام : اذا عرفنا مطالع الجزء و کانت الزیادات معلومة فمطالع جمیع الاجزاء معلومة وذلك ما اردناه . تم کتاب اسقلاوس (۲۸ الف - ۳۰ الف)

۳- تحریر مأخوذات ارشمیدس از خواجهٔ طوسی (طوس ۳:۳٥۳).

آغاز . بسمله تحریر کتاب مأخوذات ارشمیدس ترجمة ثابت بن قرة خمسة عشر شکلا و تفسیر الاستاد المختص ابی الحسن علی بن احمد النسوی . قال الاستاد المختص هذه مقالة منسوبة الی ارشمیدس فیها اشکال حسنة قلیلة العدد کثیرة الفوائد فی اصول الهندسة فی غایة الجوده و اللطافة و قد اضافها المحدثون الی جملة المتوسطات التی یلزم قراءتها فیما بین کتاب اوقلیدس و المجسطی الا ان فی بعض اشکالها مواضع تحتاج الی اشکال آخر یتم بها بیان ذلك الشکل وقد اشار فی بعض ذلك ارشمیدس الی اشکال اورد هافی سائر مصنفاته وقال کتابینا فی الاشکال القائمة

الزوايا و كما بنيا فى تفسير فى جملة القول فى المثلثات و كما قد نبين فى قولنا
فى الاشكال ذوات الاضلاع الاربعة و اورد فى الشكل الخامس برهاناً على طريق
اخص ثم بعد ذلك عمل ابوسهل القوهى مقالة سماها تزئين كتاب ارشميدس فى
المأخوذات واورد برهان ذلك الشكل بطريق اعم و احسن مع ما يتعلق به من
۵ تركيب النسبة و تأليفها فلما وجدت الحال على هذه جعلت للمواضع الغامضة من
هذه المقالة شرحاً على سبيل تعليق الحواشى و بينت ما اشار اليه باشكال اتجه اليها
خاطرى و اوردت من اشكال ابى سهل شكلين يحتاج اليهما فى الشكل الخامس
و تركت الباقى اجتناباً من التطويل و [illegible] (أ) اذا تماس دائرتان كدائرتى
ا ه ب، ج ه د.

۱۰ انجام: و ذلك لان ه دوتر السدس و دج وتر العشر وقد تبين ذلك فى الشكل
الثالث عشر من المقالة الثالثة عشر من الاصول و ذلك ما اردناه. تمت المأخوذات
لارشميدس. وفرغ المصنف طاب ثراه (رحمه الله منه [illegible] - چاپ هند).

[۲۰۱۹ ۲۰۲۱]

[illegible] ( [illegible] ۵ تا ۷ [illegible] ماشد.

۱۵ [۱۷۱۷ ۱۷۱۹] [illegible] (فارسى)

[illegible] رسالة فارسى [illegible]
۱ [illegible] واند كى
[illegible]
آغاز: [illegible] را واجب است
۲۰ [illegible]
انجام: [illegible] و اين دليل
[illegible] والله اعلم بالصواب (۲۰ [illegible] ۲٤ [illegible])

۲ـ درهیئت و جهانشناسی است .

آغاز : دربیان عالم . بدانکه عالم که‌عبارت‌ازماسوی‌الله‌است‌ذات مقدس باری‌عزاسمه موجودساخته‌است‌ازسیزده کره .

**انجام** : سیم افق حسی مثل انداختن بصردرنزدیکیها (۲۴ب ـ ۲۵ب) .

۳ـ درکائنات جو وکانها است و در فصل ۱ مقصد ۱ آن از ابن‌سینا یاد گردید (۲۷ ب) .

آغاز : باب.این لجه‌ایست درتنقیح وتشخیص ابرو بادورعد و برق ـ بسمله الحمدلله‌الذی یرسل الصواعق فی ازمنة مقدرة . . . والصلوة والسلام علی . . . محمد .. المستغرق فی‌بحار العلم‌والعرفان . امابعد این مختصریست دربیان کائنات جووارض مشتمل برمقدمه ودومقصد . مقدمه دربیان بعضی‌امور که قبل‌ازشروع درمقصود دانستنی‌است . مقصد اول دربیان کائنات جو (درسه فصل) . مقصد دوم دربیان کائنات ارض (درسه فصل) .

**انجام** : و از اختلاط زیبق باکبریت متکون میشود طلا و نقره و مس وآهن وبرنج وسرب وقلعی . تم‌الکلام بعون‌الملک‌العلام (تحریراً فی شهرشوال المکرم سنة ۱۲۳۶) (۲۵ ب ـ ۳۰ ب) .

[۲۰۲۲-۲۰۲۴]

۱۱۳۵ این نسخه‌ها ش ٤و٥و٦ دفتر است وبهمانگونه خط ش ۱و۲ .

[۱۷۲۰-۱۷۲۶] **رساله‌های عرفانی** (فارسی)

در دفتر ش ۱۱۱۳ چند رسالهٔ عرفانی و فلسفی است که باید همهٔ آنها ازخواجه محمدبن ابومحمد محمودبن محمد دهدارعیانی یافانی خفری شیرازی (۹٤۷-۱۰۱٦) باشد .

ابن‌دانشمند عارف، آشنای بجفر و اعداد و هنرهای شگفت دیگر بوده

از خصوصیات آن ذات حمیده صفات درضمن حکایات بنوعی مندرج سازد . . .
و بموجب « تلك عشرة كاملة » ده فقره سخن از اخبار و آثار مذکور میسازد
که مشتمل است براصل صفات کمال انسانی و مشعراست برخصال این نور دیده
کامرانی .

۵ **انجام** : و چون این عبارت برزبان قلم جریان یافت لازم دیدم برآن
و بردعای افزونی دولت دارین این مدرك سعادات دو جهانی و قابل کمالات جاودانی
اللهم اجعل نعمته تاماً و کرامته عاماً و ارزقه فضلك . . . و کن له ولاتكن علیه
بمحمد و آله وصحبه وذریته وعلی جمیع اخوانه من النبیین والصدیقین والشهداء
والصالحین . آمین یا رب العالمین . (نمت بالخیر) (گ ۳ الف ـ ۲۵ ب) .

۱۰ ۲ـ رسالهٔ توحید که بروش عرفانی و برای ابوالغازی مرتضی نظام شاه
نوشته است و دارای یك مقدمه و سه فصل و یك خاتمه است . نسخه‌ای از آن
درفهرست طوس (۱۱۹:٤ ش ٦۲۰) شناسانده شد .

**آغاز** بسمله . حمدوسپاس بی‌قیاس مرخداوندیرا که‌درمشکوة دل انسان
چراغ «ولیکن یسعنی قلب عبدی المؤمن» برافروخت و برقامت استقامتش خلعت
۱۵ « الانسان سری وانا سره » دوخت . . . این چند کلمه است برسبیل وسیلهٔ عرض
حاجات بدرگاه پادشاه ... ابوالغازی مرتضی نظام شاه بن شاه ... رقمزدهٔ کلك
عبودیت ذرهٔ بی‌مقدار محمد دهدارشد ... و این ارقام مرتب شد برمقدمه و سه
فصل .

**انجام** : چنانچه شاه داعی‌الله علیه‌الرحمة میفرماید :

۲۰ اگردانی وگر هرگز ندانی — که باقی تا ابد باقی بماند

والله یقول‌الحق ویهدی السبیل وصلی‌الله علی محمد و آله اجمعین والسلام
علی من اتبع الهدی (۲۵ ب ـ ۳۸ ب) .

۳ـ ترجمهٔ رسالهٔ « اقرب الطرق الی‌الله » نجم‌الدین طامهٔ کبری خیوقی
که درده قاعده‌است وشعرهای فارسی‌هم در آن آمده‌است (ص۱۱٤ همین‌فهرست)

درفهرست گ ۱ الف نسخهٔ ما دارد « رساله درسیروسلوك مشتمل برده قاعده »
این ترجمه هم باید ازهمین دهدارباشد .

آغاز : بسمله . حمد و ثنای نامتناهی پروردگاری را که استحکام قواعد
اسلام را ملجأ طالبان سعادت ملکوتی گردانید واهتمام تزکیهٔ نفوس را معراج
سالکان درجات جبروتی گردانید واعتصام بجذبات عنایت اللهی را جناح طایران
فضای ساحات لاهوتی گردانید ... بدان ای برادر عزیز که راههای طالبان حق
بجناب بارگاه احدیت بیشتراز آن است که آنرا حصرتوان کرد . الطرق الی‌الله
بعدد انفاس‌الخلائق. اما همگی آن راهها بسه قسم باز میگردد .

انجام : وازلذت وحلاوت میوهٔ حکمت وولایت محروم‌مانده جعلناالله‌وایاکم
ممن سعد بطاعته وفاز بمحبته انه قریب مجیب والحمدلله وحده (گ ٤٥ ب –
۵۰ ب) .

٤ـ گفتاریست گویا از همین دهدار دراینکه معلول و صفتهای آن سایهٔ
علت است .

آغاز : بسمله . المعلول صورةالعلة وظاهرها والعلة حقیقةالمعلول و باطنه .

انجام : فیظهر لك ان‌المدرك بالحقیقة هوالله تعالی وتقدس والله یقول‌الحق
وهویهدی‌السبیل (٦٣ الف – ٦٤ الف) .

۵ـ الف انسانیت که از همین دهدار است و درفهرست آقای منزوی (۹:۱)
وفهرست طوس (۳۰۰٤) شناخته شده است .

آغاز : بسمله . حمد و سپاس و ستایش بی‌قیاس حضرت خداوندیرا است
جل وعلا که از نقطهٔ حب ذات جوهر انسان را بیاوربد تا آئینهٔ تجلیات شئون
ذات شود اورا در فضای عموم مطلق سیرفومیین نزول و صعود فرمود و شواهد
آثار وافعال واسما وصفاتش را در آن سیر جلوه نمود ... چنین گوید ... محمدبن
محمودالملقب بدهدار . . . این رساله را که موسوم است بالف انسانیت مصدر
ساخت بجهت مناسبت بتأویل این دو سوره از کلام مجید که فی‌الحقیقة یك سوره‌اند.

انجام واىمام‌ىوروجود ماىنوروجود توو‌پوشىدن ماىى ماىآشكارساخىن
ىوئى ىومقدور ىسب وعين قدرب ىو وصلى‌الله اللهم على ورك‌الطاهر ىك محمد
وآله واولاده وصحىىه احمعىن (٦٤ب – ٨٥ب پس‌ازاىن چىدىىتى‌اسب ىپارسى)

٦– ذوقىه كه رسالةاىسب عرفاىى از دهدار و درآن از اشاراب اىن سىما
و اوصاف الاشراق‌و سرح حكمه الاشراق‌و كتاب‌ىوحيدىىدهائى آورده اسب ۵
( فهرسب‌طوس ۱۰۲٤)

آغاز ىسمله لك‌الحمد وانت اهل له حمداً ىعلو حمدالحامدىن من‌الازل
الى الاىد چىىن گوىد محمددهدار كه اىن كلمه‌اىسب ىرسم اىموذج از ذوقىاب
عقلى ومعقولاب ذوقى ىطرىقى كه‌مطاىق مشرب صافى‌صوفىه ومىكلمىن‌ىىز ىاشد.

انجام ىىس‌آدمى ىواسطة هرعلمى درووصفى ثاىب مىشود وىاعتىار آن ۱۰
وصف اسمى مىىآىد و از روى آن اسم ىكمىالى ظهور مىىكىد اگر در وصف
خواىىدگى و داىش ثاىب شد ىاسم داىا موسوم اىسب و ىاىن كمىال معروف آمد
وموحب ترقى درحاب اوشد والله اعلم (٨٦ الف – ٩٥ ب).

٧– اصطلاحىاب صوفىىان است ىپارسى كىه ىاىدگزىدة از رسىالة ىازى
عىدالرزاق كاشى (ىن ٤۰٧ همىن فهرسب) ىاسد گوىاهمىن دهدار آنرا بپارسى ۱۵
درآورد

آغاز من كلام شيخ‌عىدالرزاق‌الكاسى ىسمله ىصوف ىصفىة‌قلىب‌اسب
ازكدوراب ماىب دىيا عىارب اسب از آىچه ىىده را ازخداى ىعالى ىازدارد

انجام ىا كىارى عىارىاز وحا خالص‌اسب كه ىه‌دراعمال ثواب خواهد
وىه درمال مرىىه ىلكه خداى ىعالى‌راخواهد وىس (ىمت‌الرساله ىحمدالله وحسن ۲۰
ىوفىقه) (ك ۱۰۰ الف – ۱۰٤ الف).

[۲۰۲۵ ۲۰۳۱]

۱۱۱۳ اىن ىسخه‌ها ىمارەهاى ۱و۲و۵و۷و۸و۹و۱۱ده رساىب وهمه ىخط ىسعلىق
وىاريح ۱۲۹٤ه ىاشد درىن ۱ عىواىهاىسرح وعىارىهاى عرىى هم ىرخط

سرخ است . در ش ۵ عنوانها سفید گذارده شده است . در ش ۱۱ عنوانت و الفاظ بشنگرف میباشد .

(همهٔ دفتر ۱۷۸گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی سادهٔ معمولی
اندازه : ۱۱×۱۷ و ۸. ۱۴ س ۲

۵ [۱۷۲۷-۱۷۳٤] رسالههای کلامی (عربی و فارسی)

دردفترشمارهٔ ۱۲۰۲ هشت رسالهٔ کلامی استکه اکنون می‌شناسیم :

۱ـ حاشیهٔ محقق خفری که درس۲۳۲همین فهرست شناخته‌ایم (ذریعه۶:۱۱۶).

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله ربالعالمین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین و بعد فیقول . . . محمدبن احمدالخفری هذه تعلیقات اتفقت منی علی شرح الهیاتالتجرید ... قوله:استدلعلی وجودالواجبالخ. اختارالمصنف قدس سره فی اثباتالواجب منهجالحکماءالالهیین .

انجام :کانالواجبالوجود بذاته واجبالوجود بغیره تعالی ( قد تم بحمدالله وحسن توفیقه بیدالاخ الفاضل اللوذعی الالمعی المحفوف بالطافالرب الرحیم بتاریخ هشتم محرمالحرام سنهٔ هزار و نود و هفت تحریر یافت . نم . ) ( ٤ ب — ٤٦ الف) .

۲ـ حاشیه‌ایست از میرنظامالدین احمد دشتکی پسر غیاث منصور برالهیات تجرید و شرح آن درذریعه ازاین حاشیه یادی نشد ودر گ ٤٦ الف نسخهٔ ما وفهرست آغاز آن چنین شناسانده شده است .

آغاز الحمدللهالذی وفقنا لتوضیح عقائدالاسلام وتصحیحاً من تجریدالعقائد و اعاننا لتبیین مرام اهلالکلام فیما هوا علیالمآرب و اقصیالمقاصد . . . فهذه حواشی . وشعب برامامو غایةالقصوی من مقاصد کتابالتجرید وشرحهالجدید ... قالالمصنف المقصدالثالث فی اثباتالصانع وصفاته و آثاره الخ.ای فی بیان ثبوته وتقریر دلیل وجوده

انجام : بل طائفةالمتکلمین اعترفوا بان له تعالی جهات کثیرة و اضافات کثیرة

الی مجلوبات کثیره هداغا به ما یمکن ان یقال فی تحقیق هذاالمرام فتأمل فیه .
(٤٦ ب – ٦٥ ب)

۳– رسالهٔ جبر و قدر خواجهٔ طوسی بفارسی ( ص ۲۲۲ همین فهرست ) که اندکی با آن نسخه‌ها جدائی دارد و چنین است انجام آن

فامسکوا و نعم ماقال ۵

پاك از آنها که عاقلان گفتند پاکتر ز آنچه عاقلان گفتند

( بحمدالله و توفیقه تمت رسالةالجبر والقدرالمنسوبه الی افضل المحققین خواجه نصیرالدین الطوسی رحمه‌الله اللهم‌اغفرلکاتبه وو الدیه و اقاربه بحق محمد وجاه محمد و آله علیهم‌السلام) (٦٥ ب – ٧٨ الف)

۱۰ ٤– حاشیه‌ایست از سلطان‌العلما سید حسین آملی سپاهانی ( ۱۰۰۱ – ۱۰٦٤ ) بر همان حاشیهٔ جغری و در آغاز آن از الاسرار الخفیه علامهٔ حلی آورده است (ذریعه ٦ ٦٥)

آغاز بسمله الحمدلله رب العالمین والصلوه علی محمد و آله الطاهرین وبعد فهذه تعلیقات کتبها العبد حلیفه سلطان علی الحاشیه المنسوبة الی العلامه

۱۵ الجفری قدس الله تعالی سره علی الهیات التجرید حین مطالعتها تذکره لنفسه و لمن اراد ان یذکر واوثق الج لان صوره الطرق الاخر شبیهه بصوره الآن

انجام الجنس ای حیث یکون مهیه الجنس او مهیه النوع عین الوجود

(٧٩ ب – ۱۱۰ ب)

۵ – حاشیه‌ایست درباره تجرید طوسی و در دو فهرست آغاز نسخهٔ ماودرگ

۲۰ ۱۱۱ الف آن دارد که از ملاشمسای گیلانی است بر حاشیهٔ جغری و در ذریعه از چنین حاشیه‌ای یاد نگشت

آغاز بسمله الحمدلله العالم الحکیم والصلوه والسلام علی خاتم النبیین وآل المعصومین قال المصنف قدس سره المقصد الثالث فی اثبات الصانع فیه اشاره لطیفه الی ان العالم باسره فعل الصانع

**انجام** : بحث من وجهین آه ای فی تأویل کلام الحکماء له ... لانه تعالی یعلم الجزئیات جمیعها و کلها فان البحث فی (سفید گذارده شده) (۱۱۱ب - ۱۷۳ ب - حاشیه‌های «منه» دارد).

۶- حاشیه ایست از میرزا محمد ابراهیم دانشمند لاکمی و فرزند صدرای شیرازی بر تجرید و شرح آن و حاشیهٔ خفری (ذریعه ۶: ۶۴ و ۱۱۶).

**آغاز** : بسمله . و به نستعین . یاهو یا لااله الاهو یامن لاهوالاهو ولا یعلم ماهو الاهو کلت الانس عن تفسیر صفتك وانکسرت العقول عن کنه معرفتك .. فیقول ... ابن صدرالدین محمد الشیرازی محمد ابراهیم . . . هذه تعلیقات لتبیین مطالب اقصی المقاصد من کتاب التجرید و شرحه الجدید و حواشیه للمحقق العلامة الخفری کتبتها اثناء مباحثتها ... المقصد الثالث فی اثبات الصانع الخ. انما لم یعنون باثبات الواجب .

**انجام** : (قوله) ره ای یلزم . هذا بیان فائدة تخصیص القید المخصص بالمعتزلة حیث لایمتنع عندهم عنه خلاف ماجری علیه عادته من الخمراب . (۱۷۴ب - ۲۰۸ الف - حاشیه‌هائی دارد بانشانهٔ «منه» «منه ره» و «ك م» و «۱۲»).

۷- حاشیهٔ فیاض عبدالرزاق بن علی بن الحسین لاهیجی (۱۰۵۱) است بر حاشیهٔ خفری (ص ۲۳۰ همین فهرست . ذریعه ۶: ۶۶ و ۱۱۵) (گ ۲۰۹ب - ۲۷۹ الف - حاشیه‌هائی دارد بانشانهٔ «منه ره» و «منه رحمه‌الله» و «نوری» بخط تازه‌تر).

۸- حاشیهٔ شمسای گیلانی است که در ص ۲۳۵ همین فهرست شناخته‌ایم (ذریعه ۶: ۶۶ و ۱۱۶). و چنین است آغاز آن در نسخهٔ ما : الموجود موضوع فی العلم الالهی و تجرد ان یکون موضوع العلم محمولا . قال المصنف قدس سره: و صفاته و آثاره جعل الاثار مبدأ لا المبدأ اشاره الی ان الصفات عین الذات (۲۸۰ الف - ۴۰۸ الف - حاشیه‌هائی «منه ره» دارد)

|۲۰۳۲ ۲۰۳۹|

[illegible] ... روشن و عنوانها شنگرف ... محرم ۱۰۹۷

و ش ۸ درذی‌حجهٔ همین سال نوشته شده است .

(۳۴۱۰ک) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی

اندازه : ۱۴. ۲۳/۵. و ۷. ۱۵ س ۱۹

[۱۷۳۵-۱۷۳۶] رسالهای کیمیائی (عربی)

دو رسالهٔ کیمیائی اکنون میشناسیم یکی که ازسفیان ثوری پنداشته شد . ۵

آغاز : نسخهٔ اخری . قال الشیخ الامام العالم العلامة سفیان الثوری رحمة الله علیه هذا کتاب استخراج اسل صدقه من کتاب الله تعالی وهو قوله عزوجل انزل من السماء ماء ... زبد مثله . . . وقال سفیان الثوری رحمة الله علیه قداختصرت هذا الکتاب و شرحت فیه الصنعة والعقاقیر التی یعمل بها وهی حقیرة سهلة لاقیمة لها ولاقدر ولاتصاب بلاثمن . ۱۰

**انجام** . فانك تجدربل خشن مثل بزرالفحل له شعاع وهو معدن و رطله تسع اواق والبخور لبان ذکروالعمل فیه یوم الجمعة عندالزوال .

دوم رساله‌ایکه ازمحمد کثیربن ابراهیم بن نصیر میباشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین . والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمدوآله وصحبه وسلم . قال العبد ... محمد کثیربن ابراهیم بن نصیر . فی الطریقة المعروفة بالسلم فصل عزیز جدا هذاالعلم وجد فی بعض ادبرة دهشور فی لوح من الذهب مکتوب فیه بالفضة فنقل الی العربیة فی ایام بعض الخلفاء المصریین ورمز علی هذاالمثال . ۱۵

**انجام** . ونضع علیه مرارة الماعز بجلدها و کلها فانه ینحل ماء فاشرط ماعلیه من الثفل واستعمل فیما ترید . والله اعلم . ۲۰

[۲۰۴۰-۲۰۴۱]

**۱۱۷۸** این نسخه‌ها ش ۳ و ۲ دهم است و بهمانگونه خط ش ۱ و برخی رقمها بشنگرف است . گ ۱۳۴ ب ـ ۱۳۵ ب و۱۳۳ ب ـ ۱۳۴ ب .

چهار رساله کیمیائی دیگر که ترجمه‌هایست لفظی از تازی نیز میشناسیم :

۱- ترجمهٔ مرآت‌العجائب که متن آن بگفتهٔ چلبی (۲ : ٤۱٤) از ابی‌عبدالله محمدبن المهتارمیباشد. گرچه اودردنبال واژهٔ کیمیا که از درستی و نادرستی‌این هنر سخن راند از مرآت‌العجائب ابن‌سیناهم‌دردو جانامبرده است (۲ : ٦-۳٤٤) ۵ در دیباچهٔ آن از خوابیکه ابن‌المهتار دربارهٔ کیمیا آموختن خود دیده است یاد گردید. شکلهائی هم در آن هست. در ص۱۰۰۷ همین فهرست از ترجمهٔ دیگر همین نامه یاد شده است.

آغاز : بسمله. حمد وسپاس‌سزاوار خالقی است که منفرد است ببقاء ومقهور کرده است عباد خودرا بفناء ... بدان ای برادر حقیقة که من طالب بودم علم ۱۰ صنعت را در کمال دقت چرا که درآن جلالت و رفعت است ... شرح اشکال مصوره دراین مرآت ذکرشده است در نه فصل وخالی نیست هیچیك ازاصول.

انجام. درشرح دوائر تسعه است پس هر گاه اراده کنی ای برادرمعرفت این را برتوباد بمطالعهٔ رسالهٔ محرمه (ص ۹٦٤ همین فهرست) که در آن شرح داده‌ام این مطالب را وای برادرسئوال میکنم ازتو وازبرادران دیگر که حفظ نمایند ۱۵ این کتاب را ازجهال وازناهلان چه حکما دراین باب گفته‌اند.

جاهلان را علم وفن آموختن دادن تیغ است دست راهزن

تیغ دادن‌در کف زنگی مست به که آید علم جاهل رابدست

واز خدا طلب مینمایم که ظاهر نماید اسرار آن را در نظر اهل و مستحق این کتاب والله یرزق من یشاء بغیر حساب (۱۲۰۷/۱ گ ۲ ب .. ۲۱ الف). ۲۰

۲ دره مکنونه و اسرار مکتومه.

آغاز : بسمله. الحمدلله‌الذی کون‌الاکوان و خلق‌الانسان علمه‌البیان ...

بدانکه چون من [illegible] نظر کرده در [illegible] علم [illegible]. پس من واضح کردم آنها را در این رساله و [illegible] نام [illegible] دره مکنونه و اسرار مکتومه و مرتب کردم برمقدمه

۲۵ و فصلی و خاتمه

**انجام** : وماء ثقیل وروح رطب وعطارد ومشتری وماء الحیوة وماء الارواح (تمت الرسالة بعون الله تعالی) (١٢٠٧/٢ گ ٢١ ب - ٢٣ ب) .

٣- نامه‌ایست درچند بند .

**آغاز** : بسمله . الحمد لولیه والصلوة علی نبیه . بدانکه این مقدمه‌ایست مشتمل برمعرفت اصول طبایع از فنون اصل درباب حکمت که خالی کردم من آنها را از پوست رمز و تدهیش .

**انجام** : پس مکنوم دار ابیض را برجوهرابیض واحمررا ازبرای جوهر احمر. فافهم ترشد انشاءالله تعالی (تمت النسخة بعون الله) (١٢٠٧/٣ گ ٢٤ الف - ٣١ ب) .

٤- ترجمهٔ انوارالدرر فی ایضاح الحجر درده باب ویك وصیت ویك خاتمه که متن تازی آن ازجلدکی میباشد (چلبی ١ ١٦٦) در آن ازبسیاری از کتابهای خود جلدکی ودیگران یاد شده است .

**آغاز** : حمد و سپاس بی‌قیاس خدای را سزاست که مقدس است ذات او ازترکیب وتحلیل وشبه ومثال ومنزه است ازاتحاد و حلول وحرکت وانتقال .

**انجام نسخه** : (باب دهم) درترکیب عمل است (گ ٧٢ الف) ... ورمز کرده‌اند این حکما براین اشیاء بهرچیزیکه یافت میشود درعالم وهرکه بشنود (کم دارد گویا دوبرگی) (١٢٠٧/٤ گ ٣٢ الف - ٧٣ ب) .

[٢٠٤٥-٢٠٤٢]

**١٢٠٧** این نسخه‌ها چهارشمارهٔ دفتراست و همه بخط نستعلیق پاره وجای عنوانها سفید میباشد .

(همهٔ دفتر ٧٤ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ١١/٥ ١٨/٥ و ٧ ١٢/٥ س ١٣

[١٧٤١] **زبدة التصانیف** (فارسی)

دانشمند محدث مولی حیدربن محمد خوانساری نگارندهٔ « مضیء الاعیان

[۲۰٤٦]

۱٦٢٣ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانهای لاجورد و زرین است درمتن و شنگرف درهامش و درجدول زرین و سرخ و لاجورد و میانه سطرهای

دنبالهٔ حاشیه صفحه پیش

نموده فقرهٔ چند ازعلم کلام وبعضی ازواجبات ومندوبات صوم و صلوة و حج و زکوة و برخی ازفضائل ومعجزات و آیات حضرت بهترین کاینات وخلاصهٔ موجودات ... وحضرات ائمه طاهرین ... و نقلی چند ازقصص انبیای کرام .. واحادیث واخباری که سبب ترغیب عبادات مؤمنین ومؤمنات است درسلک تحریر کشید و چون (ازاینجا آغاز نسخهٔ ش ٤٦ ج۲ س۲۱ کتابخانهٔ مجلس است) ذکر احادیث (مذکورة) ماثوره وبیان هریك بعربی سررشتهٔ کلام بطول می‌انجامید ازاین (آن) جهت اکتفا بترجمهٔ آن نمود تا فارسی زبان را ازاو حظی وافر باشد . تحریرش درزمان دولت قاهره و ایام نصرت باهرهٔ پادشاه جمجاه . رواج دهندهٔ مذهب حق اثنا عشر . . . غلام باخلاص امیرالمؤمنین حیدر .. السلطان .. الخاقان ابن اسدالله الغالب ابوالمظفر شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان ... واین مجموعه مسمی است به « زبدة‌التصانیف » ...

**انجام** : پس ای عزیزان عجب ورطه‌ایست و طرفه دشمنی است ابلیس لعین جهد کنیم وسجدهٔ بی‌ریا بجای آریم شاید که ازشرشیطان برهیم (آمین یارب‌العالمین) (مناجات مولانا اهلی شیرازی :)

الهی باعزاز پاکان تو — بسوز دل دردناکان تو

۴۴۳۴۴۱

چنان کار دنیا و دینم بساز — که درهردو عالم شوم بی‌نیاز

نگه دار از من بد روزگار — زهر بد که باشد مرادوردار

بحق سید ابرار و ائمهٔ اطهار آمین یا رب‌العالمین . پوشیده نماند که هریك را ازتصانیف خود تاریخی بنظم آورده واین رباعی جهت تاریخ این زبده گفته شد :

صد شکر که بار دگر ازلطف و شنفت

از گلشن طبعم گل امید شگفت

برخواست بشکر و تمام از روی هوس

«احسنت احسنت» از پی تاریخش گفت

(نسخهٔ ش ۱۳۸۵ کتابخانهٔ ملك که پس‌ازاین دارد .) « حسب‌الخواهش مخدوم مکرم میرزا محمد رضی تحریر پذیرفت . امید که مقبول خواطر مشکل پسندش گردد

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

## [۱۷۴۲] زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر (عربی)

این نامه از بهاءالدین محمد بن محمد باقر حسینی نائینی میباشد و در روز آدینهٔ ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۱۱۰۹ آنرا بپایان رساند. بنثر شیوا و بسجع و با شعرهای تازی که پاره‌ای از خود اواست و باشعرهای پارسی میباشد. نائینی این را در پند و اندرز نوشت تا اینکه خود را آگاه سازد. عنوانهای «تعریف، توصیف، تذنیب، تأدیب، بیان، اصل، تأصیل، تقریع» و مانند اینها دارد. چنین است فهرست بابهای آن:

الباب الاول فی النفس وعاداتها ودقایق حالاتها ومالها من التدلیس والتلبیس والمواطات لابلیس (٦ ب).

الباب الثانی فی دواعی النفس الی الطاعات وزواجرها عن السیئات والتزهید عن الدنیا والترغیب الی العقبی (۲۳ الف).

الباب الثالث فی التوبة عن الخبائث ( ۷۰ ب ) مسک الختام الکلام فی الانباء عن انباء الاولیاء واطراء هؤلاء الاذکیا (۸۵ ب)

آغاز: هو الموفق بسمله الحمدلله الذی خلق الانسان بصنیع قدرته القاهرة وعلمه البیان ببدیع حکمته الباهرة سیر المعانی من القلوب الی القلوب و خیر المعانی فسر بین سر بین المطلوب .. فیقول ... بهاءالدین محمد الحسینی النائینی ... انی ایها الاخوان .. لقد خاصمت نفسی المیشومة کثیرا.

**انجام**. وفرغ صائغ الفهم عن افراغه فی قالب تألیفه ... فی صدر یوم الجمعة الثانی عشر من شهر ذی القعده الحادی عشر من العام التاسع من العشر الاول من المائة الثانیة من الالف الثانی ... و بلغ ههنا المسیر بقدم قلم الفقیر ... ابن محمد باقر بهاءالدین محمد الحسینی النائینی ... وهو ولی المواهب ومنتهی کل واهب وفرغ المؤلف من کتابته ثالثا فی شهر ذی الحجة من سنة احدی وعشرین ومائة والف.

[۲۰۴۷]

۲۱۰ این نسخه بنسخ روشن با عنوانهای شنگرف است و خط خوردگی در متن دارد و اصل است. حاشیه‌ها دارد بنستعلیق ریز با نشانهٔ «منه» واین را خود

نائینی برای سومین بار درذی‌حجهٔ ۱۱۲۱ نوشته‌است . عبدالحسین آنرا ازبازماندگان آقامیرزا محمد خوئی بیبهائی که آقا میرزا محمد علی مازندرانی کتابفروش برآورد نمود در ۱۲۷۴ خریده‌است . نیز مهر همو : «عبده عبدالحسین» (۱ الف) برخی برگها آب گرفته ووصالی شده است .

(۹۳گ) ــ کاغذ ارمه ــ جلد مقوائی
اندازه : ۱۳ ۱۹ و ۶/۵ ۱۳ س ۱۵

[۱۷۴۳] سفیر (عربی)

غیاث‌الدین منصور دشتکی (۹۴۸م) در این نامه از هیئت گفتگو نموده و در آن چهار باب هریك در چهار فصل گذارده است . شوشتری درمجالس‌المؤمنین از آن بنام « سفیر درهیئت » یاد نمود و نسخهٔ آنرا هم دیده بود. درفهرست طوس (۳۳٤:۳) از نسخهٔ نوشتهٔ ۹۵۷ بنام « سفیرالغبراء والخضراء » یاد شده و نسخهٔ ما باید کهن‌تر از آن باشد (۱) .

آغاز . بسمله . تبارك الذی بسط الارض مهاداً وبنی فوقها سبعا شدادا . صورها ونورها بانوار الرسل والانبیاء . . . وبعد فهذا سفیر ینبهك علی شیء من بدائع صنائع الله تعالی فی الغبراء والخضراء اسفره العبدالذی دعاه مولاه منصورا . جعله‌الله بنیل ماابتغاه مسروراً جواباًلماسأله بعض الالباء من الاولیاءالاحباء من تصویرالهیئة التی اثنی علی الناظرفیهاالکتاب واطری فی نباهة قدرها اولوالالباب موجزاً مجملا مفصلا بفصول یشتمل علیها ابواب .

انجام . فهذا شییء من مسائل هذاالفن اجمالاومن اراد تفصیله فعلیه‌النظر فی اللوامع‌الذی نظمناه وسائر رسائلناورسائل غیرهافانهم شکرالله بذلوا المجهود . ونحن بعون‌الله تعالی ادرکنا المقصود فالله‌المحمود ( تم کتاب‌السفیر فی الهیئة بعون‌الله وحسن توفیقه . تم ) .

---

۱ ـ سرگذشت این دانشمند درمجالس‌المؤمنین بافهرستی از نگارشهای او هست و دارد که او با طلسم و افسون ذوالفقار فرمانروای بغداد را که با پادشاه دین پناه نافرمانی میکرده است بکشت واین داستان برسر زبانهاهست واوهم درقانون‌السلطنهٔ خود آنرا یاد نمود .

[۲۰٤۸]

۱۱٤۷ این نسخه ش ٤ دفتر است و بهمانگونه خط نستعلیق شماره‌های پیش باعنوانها ونشانه‌های شنگرف و باجدولهائی بشنگرف میباشد . در گ ٦٤ الف جای جدول سفید است . گ ٦۲ ب – ۷۷ الف .

[۱۷٤٤] السماع والرقص (رسالة فی تحریم ...) (عربی)

ابومحمد محمود دشتی در پاسخ پرسشی که از او دربارهٔ سماع ورقص صوفیان کرده‌اند این نامه بپرداخت و آنها را ناروا نشان داد . چند عنوان « فصل » در آن دیده میشود .

در آن یادی از پادشاهی مجوسی که بصره را بگرفت و اینکه مجوسان را برتازیان برتری می‌نهاد یاد گردید ودارد که مادر سال ۷۵٤ هستیم ( گ ۱۵ ب ) از دانشمندانی چند و نگارشهای آنها در آن نامبرده شده است مانند : المسئلة فی تحریم الغناوالرقص ازابوبکر محمدبن الحسین آجری واربعین اوولزوم طریق الحق والنهی عن الغنا والمصفق از حافظ ابوالعباس و تحریم الغنا والرقص واللهو والرد علی المشغلین بذلك علی مذهب الامام الشافعی و مالك از ابوبکر محمدبن ولید ... طرطوشی و ذم اهل الرقص والرد علیهم ازابوالحسین بن قاضی ابی یعلی بن الفراء حنبلی واز ابوالمحاسن حرانی والرد علی اهل الرقص والسماع ازابوالمحاسن هبةالله بن نصر حرانی وفضائل الفقراء وذم المتشبهین بهم ولیسوامنهم از قاضی ابومحمد بن ابی الحسین ... الشافعی والمذاهب و عقوبات المعاصی از ابو ... محمد بن اسحق نیشابوری والامر بالمعروف والنهی عن المنکر ازابو ... [illegible] ... سلیمان خطابی ( ٥۰٦ ) و ... ابوالقاسم طبری و کتاب قاضی ابوالطیب طبری و کتاب امام ابوالحسن ... و ... موفق عبدالله بن قدامهٔ مقدسی در آن از حافظ محمد بن عبدالواحد روایت شده و از ابوعلی حسن بن علی کرگانی

ولمام ابی‌عبدالله (۵۰۰) یاد نموده است . شیخ ابویعقوب خراط درنکوهش وذم
اهل رقص وسماع منظومه‌ای دارای بیش‌از ۳۰۰ بیت سروده‌است وپاره‌ای از آن
دراین نامه دیده میشود .

آغاز : بسمله . وبه نستعین قال‌الشیخ الامام‌العالم الحافظ‌المصنف المفتی
ناصرالاسلام والسنه ابومحمد محمودالدمشقی جامع‌الورعین وقامع‌المبتدعین قال : ۵
ان سائلا سألنی بعد ان کتب سورة ما سأل : ماقول‌السادة العلماء وفقهم‌الله تعالی
فی‌قوم یجتمعون فی مسجدا وغیره ویسمعون‌الدفوف والشبابات والغناء بالالحان
المطربة ویتواجدون ویرقصون ویزعمون هذاجائزأومن‌المندوبات ؟ فانکرعلیهم
قوم آخرون : فقالوا هذا ماینبغی لکم ولایحسن بکم وقد قال رسول (الله)
علیه‌السلام : شرالامور محدثاتها . وان هذا من‌المحدثات ومن‌البدع والضلالات . ۱۰
والمساجد مابنیت لهذا . وهذاتضییع‌الاوقات . ولم یکن هذامن فعل‌رسول (الله)
علیه‌السلام ولامن افعال‌اصحابه رضوان‌الله تعالی‌علیهم‌اجمعین ولاهذه ممایتقرب به
احد الی‌الله تعالی ولاطریق احدمن‌الصالحین . فالاولی بالعبد غیرذلك من‌الحذر
والجد بالتعبد وما اجمع علی استحبابه . فقالوا لمن انکر علیهم : قد ورثنا ذلك
عن ابائنا‌الاولین ومشائخنا‌المحققین العادلین واباحه‌الامامان العالمان : مالك‌بن ۱۵
انس‌ومحمدبن‌ادریس‌الشافعی‌ونحن‌لسادتنامن‌التابعین وفیمانحن‌علیه‌غیرمبتدعین . .
وها انا اذکر ما جاء فی‌النهی عن‌الرقص والسماع بالکتاب والسنة والاجماع
ورداستدلالهم فی نصرةالابتداع واذکرمن اخلاق نبینا . . . وماجاء من‌الصحابة
والتابعین ... ومن بعدهم . فابدأ اولا واقول الحمدلله‌الذی بصرنا بالحق وحببنا
لاتباع‌القرآن . . . وبغض الینا قوما ینتمون الی مذهب الشیطان فی‌استماع الاغانی
وصحبة المردان وبغض الینا اقرانهم اهل الاراء (و) المقائیس المعاندین لاهل ۲۰
الایمان . امابعدفانه لما كانت‌الهدایاتزرع‌الحب وتولدالولاء والشفقة (؟) احببت
ان اذکرفی کتابی هذا عن‌الائمة‌السالفین ومانقلوا من‌الاخبار والآثارفی ذم‌الغنا
والرقص وصحبة احداث‌المرد والنساء والانکارعلی فاعلیه .

**انجام** . فهذامانقلناه‌من کتاب‌الله ... ومن‌سنةرسوله... ومن‌اقاویل‌الصحابة

از ربع دوم از ثلث سوم از نصف اول از خمس پنجم از عشر نهم از عشر دوم از الف دوم از هجری نبوی » بانجام رساند .

انجام این نسخه هم بانسخهٔ ما جدائی دارد (نیز نسخهٔ ناقص ش۷۵۷ طوس ۱٦٤:٤) از نسخهٔ ما برمیآید که او آنرا در ۱۲۰۲ بپایان برده است .

آغاز : احمده علی نوالـه مصلیاً علی احمده و صحبه و آله اما بعد چنین گویند بنده فانر قاصر محمدعلی ابن محمدباقر اصفهانی مشهور به بهبهانی که این چند کلمه‌ایست در باب امامت که بالتماس بعضی از طالبان راه هدایت از اهل سنت وجماعت قلمی میگردد ... و آن مرتب برمقدمه وسه فصل است و خاتمه و به « سنة الهداية لهداية السنة » مسمی گشت .

**انجام** . و برعنوان نامه نوشته درقبة البلوی و بئس الملوی بخارا خربها الله بالطاعون والوبا صحيفة الاذى دلخراش و سينه كاو عاليجاه جهالت پناه رذالت دستگاه سفاهت اكتناه ضلالت انتباه امير الخنازير والكلاب المطرود عند اولو الالباب معصوم بن دانيال الملقب به بيكخان خلده الله فی اسفل درك النيران خواهد گرديد . نميقه فی شهر شعبان حجة شافعة تاريخية سنة ۱۲۰۲ هزار ودويست ودو (تمت الكتاب بعون الملك بيد اقل الطلبه ابو القاسم الكاز رونی فی شهر رمضان المبارك سنة ۱۳۱۲) .

[۲۰۵۰]

۱۱۱٦ این نسخه بخط ... با نشانه‌های شنگرف که ابوالقاسم کازرونی دررمضان ۱۳۱۲ نوشته است . مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن دیده میشود .

(۱۳۸گ ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ سادهٔ مقوائی باروپوش پارچه‌ای گل و بوته دار اندازه : ۱۷ ۲۲ و ۹ ۱۵/۵ س ۱۸

[۱۷٤٦] سوز و گداز (فارسی)

ملامحمد رضای نوعی خبوشانی مشهدی (در گذشتهٔ درهند بسال ۱۰۱۸) درلاهور و کشمیرمیزیسته واز نزدیکان دربار میرزا یوسف خان صوبه‌دار کشمیر بوده وشاهزاده دانیال و آن شاه‌را ستایش میکرده‌است . دیوان او نزدیك بچهار هزار بیت میشود . سافی نامهٔ او به هفتصد بیت میرسد . او پس از شاهزاده دانیال

بدربار نواب سپهسالار خانخانان رفته ودر ٤٨ سالگی در گذشت .

این مثنوی « سوز و گداز » او که در بحر خسرو شیرین شیخ گرامی است ونزدیك به ۵۰۰ بیت ، تاریخ یك شاهزاده بانوی هندی است که در نخستین شب جشن زناشوئی، دامادش زیر دیوار رفت و بمرد و باانکه شاه نوازشها بدو کرده واورا ازسوختن خویش بازداشته بود او روی نودهٔ هیزمی که برای سوزاندن تن دامادش آماده ساخته بودند رفته بسوختن تن در داده است . این سوز و گداز را خبوشانی بشاهزاده دانیال نیاز کرده ودر زمان اکبر سروده است .

این را میرزا ی . داود ایرانی و انندا . ك . کوماراسوامی . (Ananda K. Coomaraswamy) سیلانی بانگلیسی درآوردند و این ترجمه در ٦٥ ص با ص نقشه درلندن بسال ۱۹۱۲ بچاپ رسیده است (فهرست چاپی موزهٔ بریتانیا ص ۵۱٦) خود این سوز و گداز درپایان نخستین جلد اکبرنامه درلکهنو بسال ۱۲۸٤ چاپ شده است (۱) .

خبوشانی در آغاز آن میگوید

| | |
|---|---|
| چو این غمنامهٔ سوزان حکایت | نفس بگداخت در نام روایت |
| رقم زد خامهٔ معجز طرازش | محبت نامهٔ سوز و گدازش |
| الهی این گرامی نامه مستور | بماند ایمن از عفت حور |
| ز پاس شهپس از سربلندی | ترویج دولتش ارجمندی |

(ص ۱۳ نسخهٔ موقوف گنج ۱۱۸ پ نسخهٔ ما)

در [illegible] میگوید

| | |
|---|---|
| [illegible] | [illegible] در [illegible] آتش [illegible] |
| [illegible] | [illegible] در راه هفته رفتم |

درباره دانیال [illegible] گوید

۱ [illegible] ص ۲۰۰ [illegible] ۱۱٦ [illegible] ۱۹۲٦ لاهور — دیل چاپی
۲ — ۳۰ [illegible] ۱۰۸۳ [illegible] ۵۵۱ [illegible] ٦۷٤ الف

« چراغ افروز مسند گاه امسال | گل خورشید بوشهراده دانیال
چو دیده افتادن من هدر افراشت | بدست خود سرم از سجده برداشت
بگفت ای برهمن زاد محبت | کهن شاگرد استاد محبت »

(۱۱۶ ب - س ۱۰) درباره اکبر میگوید

« گرامی گوهر به بحر اخضر | مسمی ذوالجلال الله اکبر » ۵

و میرساند که بها من درروزگار او ناکامم

خوشایی دراین بیتها ار خود یاد کرده

من و نوعی نه اهل راد گانم | که چون آمده ار دل ساد گانیم
کسی نوعی نمی آساند ار عشق | ار سها هرچه گوئی آید ارعشق
بحر نوعی که ار نا کس نهادی | مرادش شد شهید نامرادی ۱۰
ترا نوعی ز مردم شرم بادا | ورین دون همسان آررم بادا

(گ ۱۱۴ الف و ۱۱۸ الف- ص ۵و۱۲و۱۶و۴۳ نسخهٔ دانشکدهٔ حقوق)

اودرآغاز از اکبرشاه هم سپاس کرده (ص ۱۴ نسخه حقوق که در نسخهٔ ما نیست)
ودرپایان رساند که من درر بدایم و نام من راراست (ص ٤٤)

عنوانهای بندها - ین است ۱۵

نخست آغاز حمد اری جل شانه دوم مناجات بدرگاه قاضی الحاجات
سوم نعت حضرت رسالت پناه محمد چهارم صفت سب وسبب آغاز این حجسته
داستان (در نسخه ما دارد در طلب نمودن شاهزاده دانیال نوعی را بجهت نظم
کتاب) پنجم سبب نظم کتاب (نها در نسخهٔ ما این عنوان هست) ششم درمدح
پادشاه اکبرشاه و صفت عدل او(در نسخهٔ ما نیست به این عنوان و به شعرهای ۲۰
آن) هفتم آغازداستان مجلسنامهٔ سور و کدار هشتم رفتن داماد بخانهٔ عروس
ودرراه فرود آمدن دیوار بر سر او نهم خبر یافتن پادشاه و طلب نمودن دختر را و
منع کردن وی ولی سالاردن او دهم طلب نمودن پادشاه دختر را و انعام نمودن آن.
یازدهم دستوری پادشاهزاده ملازمان را از برای همراه جمع نمودن دوازدهم آمدن

## [۱۷٤۷] شذور الذهب (عربی)

دیوان ابن ارفع راس اندلسی (۵۹۳ +) است در کیمیا و برمز میباشد. (بروکلمن پیوست ۱:۹۰۸ – نیز آنچه که در بارهٔ غایةالسرور خواهم نوشت).

آغاز: هوالله سبحانه بسمله. قال الشیخ الامام العالم العلامة برهان الدین سراج الاسلام حجة الشریعة زین الائمة شرف الفقهاء ابوالحسن علی بن موسی بن ابی القاسم بن علی الانصاری ره. قافیة الالف. ۵

اذا ثلث المریخ بالزهرة امرؤ و قارن بالبدر المنیر ذکاء

انجام:

والا فلا ترتع بها فهی روضة قد امتلأت للرائدین الافاعیا

[۲۰۵۲] ۱۰

۵۰۲ ( این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نسخ وحاشیه‌هائی دارد بخط نستعلیق باشارهٔ «۱۲۰» و «ص ۲» در پایان دارد «سنهٔ ۸٤٦» و پیداست که تاریخ نسخه نیست چه خط آن بسیار تازه است. گ ۲ ب – ٦۸ الف. تاریخ ۱۳۵۲ در گ ۱ الف دیده میشود

(همهٔ دفتر ۳۱۵۷ – کاغذ فرنگی – جلد تیماج مشکی ساده ۱۵
اندازه: ۱۳ ۱۸/۵ و ۸ ۱۲/۵ س ۱۱ و ۱۹ در ش ۲

## [۱۷٤۸] شرح اصول الدین (عربی)

گزارشی است آمیخته برای رسالهٔ «اصول الدین» سنوسی که در ص ۲۱۳۷ شناسانده شده است.

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمدلله الذی شهدت بوجوده جمیع الکائنات ۲۰ والصلوة والسلام علی سیدنا المبعوث بالآیات الواضحات

[۲۰۵۳]

۱۰۹۷ این نسخه ش۳ دفتر است وبهمانگونه خط ش۱ و در گ ۱۲۳ ب – ۱٤۳ ب. ازمتن باندازهٔ س ۱۳ گ ۱۲۱ ش ۱۰۹۷/۲ هست و این گزارش در نسخه

آنرو دردو کتاب کافی کلینی و توحید صدوق ابن‌بابویه و جز اینرو آمده است گزین و گردآوری کرده و خبرهای متشابه در سند و متن را کنار گذارده و پس از هر خبری اندکی هم گزارش نموده است

آغاز هو حسبی ونعم‌الوکیل بسمله . وبه‌نستعین الحمدلله‌رب‌العالمین و صلواته و سلامه علی خیر خلقه محمد و آله‌الطیبین‌الطاهرین و بعد فیقول فقیر عفوالله تعالی حیدر علی بن میرزا محمدالشروانی انی لما رأیت کتاب‌الکافی . و کتاب‌التوحید حاویین من اخبار التوحید والحجه‌الفرائد والفوائد

[۲۰۵۵]

۱۱۹۹ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و تازه میباشد در برخی جاها حاشیه دارد با نشانه «منه طاب ثراه» محمد باقر بن محمد تقی دارندهٔ نسخه بوده است

جنین است انجام نسخه «ووری عن المعصوم قدس‌الله روحه انه روی مسنداً عن مولی لامیرالمؤمنین از سنه ۲۵ ... ردالشمس فی علیه ... از باب ۲ آباب و باب علی

(۱۳۱ گ) کاغذ فرنگی - جلد مقوا
اندازه ۶ × ۹/۳۱ و ۱۵ س ۱۸

[۱۷۵۱] شرح تهذیب (عربی)

سید جمال‌الدین بن عبدالله بن محمد بن حسن حسینی گرگانی نقره‌کار (صفحهٔ عنوان بخط آقابزرگ) بر تهذیب‌الوصول الی علم‌الاصول علامهٔ حلی این گزارش آمیخته با متن را نگاشته و بسیار پسندیده و خوشگفتانه است ( کنتوری ص ۳۳۰ و ۳۳۱ - ذریعه ٤ ۵۱۲ ) چون سخنی را که تهرانی از محمد امین استرابادی از شرح تهذیب امیر جمال‌الدین محمد حسینی استرابادی آورده، دربارهٔ اینکه تهذیب حلی گزیدهٔ مختصره منتهی حاجبی و این یکی گزیدهٔ احکام آمدی گزیدهٔ ازمحصول رازی گزیدهٔ ازمعتمد ابی‌الحسین محمد بن علی بصری معتزلی (م ٤٣٦ در بغداد) میباشد، آنچه من گشته‌ام در این گزارش نیست پس باید این یکی

جز گزارش آن دانشمنداسترابادی باشد. نسخهٔ دیگری از همین گزارش در کتابخانهٔ ملك (ش ۱۹۵٦) نوشتهٔ مغیث‌الدین حاجی میرجعفر حسینی در شب دهم ذی‌حجهٔ ۹۸۰ (اندکی پس از نسخهٔ ما) دیده‌ام که در آغاز نیم‌صفحه‌ای ندارد . نیز نسخه‌ای درفهرست مجلس (۱۱۰:٤ ش ۱۲۹۸۳) یاد گردید .

۵ **آغاز** : بسمله . اللهم ان العجز عن احصاء ثنائك مقام سید انبیائك وسند اولیائك فانی لنا دعوی العجز عن تحمیدك والشكر علی جزیل عطائك . اخلائی هذا ما واعدناكم من شرح التهذیب فی علم اصول الفقه للشیخ العلامة . الحسن بن المطهر... علی وفق مقترحكم وطبق ملتمسكم .

**انجام** : فلیطلب فی كتابنا المسمی بنهایة الوصول الی علم الاصول فانه قد بلغ ۱۰ الغایة فیما اراد و تجاوز النهایة فی ابلاغ السالك منهج السداد والله الموفق للصواب والیه المرجع والمآب (قال الشارح المحقق) وقد فرغ العبد المفتقر الی الله الغنی جمال الدین بن عبدالله بن محمد بن الحسن الحسینی الجرجانی عن تعلیق ما هو بمنزلة الشرح فی اواسط شهر ربیع الآخر سنة تسع وعشرین وتسعمائة او نی [illegible] وحشر یوم یدعی كل اناس بامامهم بمن اقتدی بهم فی دینه (وقع الفراغ من تحریر هذا الكتاب ۱۵ فی تاریخ شهر ذی القعدة سنه ۹۸۰)

|۲۰۵٦|

د ( [illegible] ) [illegible] خط سرخ و در ذی‌قعدهٔ ۹۸۰ نوشته شده است [illegible] آغاز [illegible] ۲ ب — ۲۱۰ الف .

۲۰ (۳۲۱۰) — كاغذ سپاهانی — جلد تیماج [illegible] ساده [illegible]
اندازه : ۱۷ ۲۳ و ۱۰ ۱٦ س ۲۷

|۱۷۵۲| [illegible] (عربی)

ملا [illegible] ( ۱۰۰۱ — ۱۰۸۹ ) آنچنانکه در صفحهٔ عنوان نسخهٔ ما (۱)

(۱) [illegible] در تاریخ ۱۸/۲/۱۳۵۱ (۱۱ الف) [illegible] بوده گویا نسخهٔ ۲۵ ما را [illegible] و [illegible] و من در آن کتابخانه [illegible]

ک ۲۱۰ الف پایان شرح تہذیب ش ۱۲۱۰

آمده است بر تهذیب حلی این گزارش آمیخته را نوشته و بیشتر از کتابهای سنی و کمی از شیعی در آن بهره برده است . در دیباچهٔ آن نه بکتاب نامی داده شده و نه از نگارندهٔ آن یاد شده است و از خود گزارش تا آن اندازه ایکه در نسخهٔ ما هست بر نمیآید که از قزوینی باشد و در سر گذشت او هم در کتابها چنین گزارشی یاد نکرده‌اند . همین اندازه از این گزارش بر میآید که نگارنده پس از « شیخ علی » و « شهید ثانی » میزیسته است (٦ الف) و در خملی جاها از « الشارح رحمه الله » عبارتهائی آورده و خرده گرفت

تهرانی در ذریعه در دنبال « تهذیب الوصول » که گزارندگان آنرا برشمرد از قزوینی یاد ننمود ( نیز کنتوری ) و با نسخهٔ کاملی از آن دیده نشود چیزی نمیتوان گفت .

آغاز : بسمله . نحمدالله فی البدایه و النهایة و نشکره علی منتهی العنایة الذی نور قلوبنا بتهذیب بیان الخطاب و شرح صدورنا بانفتاح مشابه الکتاب . امابعد فغیر خفی علی ذوی العقول النقاده و البصائر الوقاده شرف العلوم الفقهیة وقد نصب علی [illegible] الدلائل و الامارات و خص من شاء بتمهید قواعد المدارك والاستنباطات . [illegible] من الآفاق . فممن حاز المكارم في ميدان السباق . آیة الله فی العالمین . جمال الدین الحسن بن یوسف بن مطهر . . . فانه قد صنف فیه کتبا [illegible] و کان من جملتها تهذیب الوصول الی علم الاصول . و کتب [illegible] جملة من الفوائد علی [illegible] ما امکن عدیدة فی اوقات [illegible] فجمعتها شرحا [illegible] مستجمعا [illegible] هذا الفن



[illegible] چنان است [illegible] الناسخ [illegible] نسخه دردست [illegible] (۱۰۱۱-٤ ۱۱۰۳) [illegible] (مخطاو) [illegible] «۱۰٤۳»

پس نسخه نسخهٔ روزگار قزوینی خواهد بود. گ ٢ ب - ١٢١ پ. در ١٠ الف حاشیه‌ایست
به نستعلیق تازه با نشانهٔ «محمد بن عبدالله».

(١٢٢ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج زرد مقوائی
اندازه: ٣٠ ٢٨/٥ و ١١ ٢١ س ٣٩

## [١٧٥٣] شرح خلاصة الحساب (عربی) ٥

گزارشی است با استدلال ریاضی بر خلاصة الحساب بهائی از شاگرد او
جواد بن اسعد بن جواد کاظمی که در دیباچهٔ آن از استاد خود بسیار بستود و آنرا
پس از مرگ او (١٠٣٠) (دیباچه) و پیش از ١٠٥٣ (تاریخ نسخهٔ ١١٦١ ما) بانجام
رساند. و آن در تهران در ١٢٧٣ بچاپ سنگی رسیده است.

آغاز: بسمله الحمد لله الواحد العظیم و الفرد القدیم. فیقول.. جواد بن ١٠
اسعد بن جواد لما کان علم الحساب مما اشتهر علو مرتبته عند اولی الالباب.

[٢٠٥٨]

١١٦١ این نسخه به نستعلیق است و عنوانها شنگرف و متن زیر خط سرخ یا سیاه
میباشد و در روز ٤ رجب ١٠٥٣ در زمان خود کاظمی از روی خط او نوشته
شده است. حاشیه‌هائی با نشانهٔ «منه» فراوان دارد و با «منه دام ظله» در چند بن جا ١٥
برخی حاشیه‌ها با نشانه «احمد بن عبد» و «م شیخ شریف، شیخ محمد شریف، م ش،
محمد شریف» است در خیلی جاها متن خط خورده و سیاه کرده شده و گویا بدستور
خود کاظمی بوده است. نسخه تصحیح شده است. شعرهائی در حساب پارسی و تازی
در هامش آمده است. کتاب ٤ ب - ١١٩ الف

(١٢١ گ) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج مشکی تو آن سرخ ٢٠
اندازه ١٣ ٢٠ و ٧/٥ ١٤ س ٢٠

[٢٠٥٩]

١١٩٠ این نسخه به نستعلیق است و عنوانها شنگرف و متن زیر خط سرخ میباشد
و در ادین صفهای دایت دوالدی در روز سه‌شنبه ١٩ شوال ١١١٩ آنرا نوشته
است. حاشیه‌هائی دارد برخی با نشانهٔ «احمد دام ظله» و «منه قدس سره». ٢٥

(١١٥ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی
اندازه: ١٥/٥ ٢٠/٥ و ٧ ١٥ س ٢١

## [۱۷۵٤] شرح الشرح (عربی)

محقق تفتازانی (۷۲۲-۷۹۲) برشرح قاضی عضد ایجی برمختصر منتهی ابن حاجب این گزارش را که نزدیك به هجده هزار بیت است نوشته و در خوارزم در ۲۰ ذی‌حجهٔ ۷۷۰ آنرا بپایان رساند. درفهرست طوس (۲ ۱۹۵ ش ۳۲) نسخهٔ تاریخ ۸۵۱ازهمین گزارش بنام «حاشیه برشرح مختصر اصول عضدی» شناسانده شده و چون آغاز آن افتاده بود ندانستند از کیست. نسخهٔ سپهسالار (۱:۵۸۰)تاریخ۹۸۱ رادارد. چلبی هم از آن یاد کرده است (۲ ۵۳۸)

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی وفقنا للوصول الی منتهی اصول الشریعة الغراء وشرح صدورنا بنور الاهتداء الی سلوك محجتها البیضاء والصلوه علی سیدنا محمد خیرالرسل وختم (خاتم) الانبیاء و علی آله و اصحابه هداة السبیل الی النجاة یوم الجزاء و بعد فلما ان المختصر للشیخ الامام جمال الدین ابن حاجب خصه الله من الکرامة باعلی المراتب یجری من الاصول مجری الغرة من الکمیت بل الدرة من الحصی و الواسطة من العقد لا الغرة من الجای کذلك شرحه للعلامة المحقق النحریر المدقق عضد الملة والدین اعلی الله درجته فی علیین یجری من الشروح مجری العذب الفرات من الملح الاجاج [illegible] من الیوم [illegible] الفجاج و یلوح خلالها [illegible] بدر [illegible] الاجیال [illegible] فی الظلام (لم یر) ولم یرو مثله فی زبر الاولین ولم یسمع بما وار [illegible] الاخرین

انجام: وهذا معنی قوله [illegible] وفیما ذکر ارشاد [illegible] والله الهادی سبیل الرشاد والمسئول لنیل العصمة والسداد وهو [illegible] نعم الوکیل (وصلی الله علی سیدنا محمد [illegible] وعلی آله وصحبه اجمعین) (قال المصنف) وقد اتفق الفراغ [illegible] الفوائد (و [illegible] ) [illegible] الی الله الغنی مسعود بن [illegible] فی العشرین من ذی الحجة (سنة) [illegible] وسبعمائة [illegible] (المصنف) نسخهٔ تاریخ ۱۰۰۰ بخط [illegible] سپهسالار (۱ ۵۸۰)

(کمل انتساخ شرح الشرح من جمع الفاضل الاوحد عمدة المجد وعماد الفضل السعد
سعدالدین التفتازانی اعلی الله کعبه کما جعل جنابه لحجیج الفضل کعبة والمشروح
(من) مصنفات قاضی القضاة علم الهدی الذی یاتم به الهداة عضدالدین تغمده الله
بالرضوان و بواه بحابیح الجنان شرح مختصر منتهی السئول تألیف الشیخ الامام
جمال العرب ابی عمر و عثمان بن الحاجب المالکی رحمه الله لسبع بقین من المحرم ۵
المحرم من شهور سنة سبع و سبعین و سبعمائة هجریة نبویة والکاتب هو عبدالله
ابوالمعال بن محمد بن مسعود الحسنی نجارا (؟) وفخاراو الهروی داراً و قراراً کتبه
حامداً و مصلیاً و مسلما .)

[۲۰۶۰]

۱۱۷۵ این نسخه بسیار پاکیزه و کهن تصحیح شده بنسخ بی نقطه است . عنوانهای ۱۰
قوله و عنوان مطلبها بشنگرف یا بنسخ درشت سیاه میباشد و ابوالمعالی
عبدالله بن محمد بن مسعود حسنی هروی در هفت روز مانده از محرم ۷۷۷ هفت سال پس از
نگارش تفتازانی و درزمان او آنرا نوشته است . حاشیه‌هائی دارد بخط ریزتر با نشانه
«ه» یا «۱۲» و در گ ۲۷ الف با نشانهٔ «سلطان دام ظله» و در ۳۳ و ۳۴ الف با نشانهٔ
«سلطان العلماء دام ظله العالی» . برخی برگها در میانه پهنای کمتری دارد . در ۱ الف ۱۵
بیازی دارد که «عبدالغفار الرضوی» نسخه را به «عبدالباقی الرضوی» که پسر بزرگتر
و گرامی تر او بوده است بخشید بخط شکسته نستعلیق ومهر پدر ویا مهر پسر در دوجا .
مهر «عبده الموفق المداد محمدعلی بن عبدالجواد» هم دراینجا هست . مهری گرد
و ناخوانا در ۲ الف دیده میشود . همچنین مهری گرد کوچك و ناخوانا در پایان زده
شده است . این نسخهٔ ششصد ساله تااندازه‌ای خوب مانده است . ۲۰

(۲۱۶۱ ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ضربی
اندازه : ۳۰/۵، ۲۵ و ۱۴ ۱۹ س ۳۶

[۱۷۵۵] شرح شواهد مجمع البیان (عربی)

ابی محمد میرزا محمد حسین بن محمد طاهر شریف وحید آنچه از شعرها
که طبرسی در مجمع البیان گواه آورده است دراین گزارش از رهگذر لغت ۲۵

گذارده که پس‌ازاین پر کند و گویا برای این بود که در کنار برگها یادداشت
میکرد که بکدام کتاب بنگرد و درآن سفیدیها بنویسد و گاهی درآن سفیدیها
نوشته که « بیاض صحیح » یا «اندکی بیاض بقدردو سطر گذاشته شود » یا « یك
سطر بیاض بگذارد » و اینها مانا پس‌از نگریستن بکتابها بوده است . دراین
یادداشتها گاهی نوشته که بفلان کتاب نگریسته شود واگر نیست زده شود . ۵

اینك نمونهٔ کمی از آنها که بسیار است : « استشهاد ملاحظه » و « اصل
نسخه ملاحظه » و «استشهاد از تبیان معلوم» و « س دیده شود سله » و « حدیث
دیده شود از جای دیگر » و « نسخ ملاحظه » و « شرح قصاید دیده نشده »
و « لغات ابیات قبلا ازلغت نوشته شود و « عبارت ازهری ازاصل نسخه ملاحظه »
و « کشاف و دیوان ابی‌تمام ملاحظه دارد و نسخ ملاحظه موافق » و « صحاح ۱۰
ملاحظه ومراجعه شود وعبارت و لغات از کتب ملاحظه » .

کتابهائیکه او بدانها می نگریسته ازهمین یادداشتها پیداست‌مانند:

تاریخ ابن‌خلکان ، مجالس‌المؤمنین ، تفسیرثعلبی ، تبیان ، کشاف ، معالم
التنزیل ، شرح نهج ، دیوان ، مجمع‌الامثال ، مطول ، کتاب سیبویه ، شرح
مفصل ، شرح رضی ، شرح تصریف رضی ، شرح شواهد کشاف ، شرح شواهد ۱۵
مفصل ، شرح ابیات‌ایضاح ، برهان‌قاطع ، تهذیب‌ازهری ، معجم، صحاح‌جوهری
نهایهٔ ابن‌اثیر ، قاموس .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الاکرم‌الذی خلق‌العلم و اخرج‌الانسان من کتم
العدم وعلمه مالم یعلم وخوله جزال‌النعم ورزقه من‌الطیبات و کرم و فضله علی
کثیر ممن خلق وعظم . . . وبعد فان‌الانف یتلوه‌الحتف والکشف یانفه‌السجف ۲۰
والخلف وراءالامام ولکل حاملة تمام . . وتشبثوا فی امور کم بذیل‌القرآن ...
وتمسکوا‌الاستکشاف کوامنه فی مکامنه و استخراج فرائده من معادنه بالتفسیر
المسمی بمجمع‌البیان . . غیر ان اکثر فیه‌الاستشهاد بمنظومات‌الفصحاء و شحنه
بالاستدلال بماثورات‌البلغاء وهن بخدورهن محتجبات وفی حدوجهن مستترات

وفيه نبذ من الذلل وشيء من الخلل فاختلطت الغثوث بالسمان وامتزجت الاصداف بالجمان فان اردت ان تطلع على حقيقة معانيها المسبوكة من الابريز و تصوغها في غالب المعرفة والتمييز وتعرف مزاله وتستبين مضاله فانظر الى «شرح شواهد» اقل الاماء والعبيد و احوج المحتاجين الى عفو بارئه اللطيف المجيد «ابي محمد محمد حسين بن محمد الطاهر الشريف الوحيد» فانه ... علق ... على شواهده شرحا راض صعابها و كشف منها نقابها و ذلل ماردها وزين ناهدها و ربما ذيل الشرح بما مميز الخطاء من الصواب وافرز المعمر من اليباب .

انجام : وسوس يدعو مخلصاً رب الفلق . سرأ وهو اون ناوين العقق . مر في شرح شواهد تفسير سورة الاعراف ( تمت كتابة الكتاب بعون الملك الوهاب . قد وقع الفراغ من تسويد هذه (۲) الكتاب في يوم الاحد من شهر ذي الحجة الحرام من شهور سنة سبع و مائة بعد الالف من الهجرة النبوية على هاجرها الف الف تحية و سلام على يد اقل الخليفة بل لا شيء في الحقيقة ابن شيخ رجبعلي زين العابدين-۱).

۱ــ از روی نسخهٔ کامل استاد دانشمند آقای اعتمادزادهٔ مازندرانی که نسخه‌ایست در دو جزء و پنج [illegible] و شمرها و نشانه‌ها شنگرف و در ۵۸۸ برگ باشماره و مانند اصل جز در برخی از جاها هیچ سفید گذارده شده و زین‌العابدین بن شیخ رجبعلی درروز یکشنبه ذی‌حجه ۱۱۰۷ آن را نوشته است [illegible] ۱ [illegible] از برگها شمارهٔ برگ جائیکه همان بازگشت داده شده با شمرها مطلبی که در آن برگها با آن پیوستگی دارد نشان داده شده است و این شماره گذاریها [illegible] دو کس که اینده را بخوبی خوانده و دیگری [illegible] انجام یاد داده است . نام سوره‌ها در گوشه راست بالائی برگها نوشته شده و فهرستی از سوره‌ها با نشان دادن برگها در برگ ۱ ب نسخه [illegible] هست .

در ۲ الف دارد [illegible] من [illegible] البيان فلذا لا تغلوا من صحة واشباه [illegible] است [illegible] که گزارنده وشارح [illegible] اصل نسخه‌ای [illegible] و چیزهائی را نوشت وکاست [illegible] کرد یا چنانکه در بسیاری از جاهای [illegible] یک سطر جای بگذارد و عبارتها را [illegible] از روی [illegible] نوشته شده است چه اینکه این نسخه [illegible]

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

انجام نسخهٔ طوس : شواهد تفسیر سورة الفلق منها ( همانفثافی فی من فمویهما(فسویهما)علی النافث العاوی اشدر جام)مر فی شرح شواهد تفسیر سورة الزمر (ص۵۱۳ الف نسخهٔ کامل)والاستشهاد بههنافی قوله نفثاًفان النفث شبیه بالنفخ.شواهد تفسیر سورة الناس منها ( تسمع للحلی وسواساً اذاانصرفت ـ کما استعان بریح عشرق زجل) مر فی شرح شواهد تفسیر سورة اعراف (۲۵۸ ب) ومنها (وسوس یدعو مخلصاًرب الفلق ـ سراًوقداون تاوین العقق) مر فی شرح شواهد تفسیر سورة الاعراف ( ۲۵۸ ب ) ـ قد فرغ من تسوید هذاالکتاب فی یوم الثلثا غرة شهر رجب المرجب من شهورسنة ثمانی وخمسون ومأتان بعدالالف من الهجرة النبویة علی هاجرها الف الف تحیة وسلام ۱۲۵۸ (۱) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

با آن یکی کم و بیش دارد . چنانکه در گزارش بیت :

« الا ن فقد فرغت الی نمیر فهذا حین صرت لهم عذابا »

در سورهٔ یونس در این نسخه گ ۲۹۹ عباراتی آمده که در نسخهٔ ما ( ۹۷ ب ) نیست ودر آن سفید گذارده شده و دارد« یك سطر بیاض بگذارد»در همینجا کسی (گویا : دارندهٔ مهر« عبده محمد زکی » یا « لااله الاالله الملك الحق المبین الرضا » از روی دومهریکه زیر آن نوشته هست) بتازی گواهی میدهد که این «شرح شواهد مجمع البیان فی تفسیر القرآن » گردآوری «میرزا محمد حسین پسر میرزا محمد طاهر وحید » است . محمدمهدی حسینی حسنی در ۱۲۱۵ نسخه را خرید وخط و مهر او هست. نسخه از کتابخانهٔ حاج میرزا باقر قاضی در تبریز بوده وسید حسن فراهانی تبریزی هم در ۱۳۷۱ دارندهٔ نسخه بوده است .

نسخه‌ای دیگر از این گزارش در طوس هست و از آغاز سورهٔ رعدست تا پایان قرآن و بتاریخ نکم رجب ۱۲۵۸ و به ش ٤٨٧٤ وچنین است :

آغاز . شواهد تفسیر سورة الرعد (کان عینی فی غربی مقتله ـ من النواضح تسقی جنة سحقا ) وانه زهیر وقبله مر فی شرح شواهد تفسیر سورة البقرة عندقوله( مازلت ارمقهم حتی اذاهبطت) وبعده تمطوا الرشاء فجری فی ثنایتها ... (برابر با گ ۳٤۵ ب نسخهٔ کامل) .

۱ ـ نیز از روی همان نسخه کامل ـ برو کلمن در پیوست تاریخ فرهنگ عربی (۱۰۸۰۷ ) از نسخهٔ کتابخانه دیوان هند لندن (۱۱۰۷) از همین شرح شواهد مجمع البیان یاد میکند .

[۲۰٦۱]

**۱۱۷۱** این نسخه بنستعلیق و شعرها بنسخ و شنگرف میباشد . در بسیاری از جاها سفید گذارده شده و بحاشیه باخط ریزتری کارفته و خط خورده است . درمیانهٔ برگها برخی جاها سفید گذارده شده دارد « بیاض صحیح » پیداست که نسخهٔ پیشنویس و مسودهٔ خود

۵ نگارنده است و کاریك نگارندهٔ ایرانی ازاین نسخهٔ اصل بخوبی نموده میشود . در ۱ الف دارد « شواهد خط مصنف » و « شواهد مجمع البیان من آیة (وآمنو بماانزلت مصدقاً لمامعکم) فی اول سورة البقره الی اواخر سورة یوسف مع تأخیر سبعة اوراق منه فی الآخر ونقدیمها فی الاول وقع من الصحاف » و « مال آقامحمد خلیل » . همین نسخه را تهرانی چنانکه درحرف ش ذریعه ( نسخهٔ خطی ) نوشته در کتابخانهٔ حاجی

۱۰ شیخ محمد سلطان المتکلمین در تهران بسال ۱۳۵۱ دیده است .

چنانکه دیده‌ایم هفت برگ درپایان بوده و باید در آغاز باشد ودرصحافی جابجا کرده‌اند واکنون درجای خود گذارده شده است . پس نسخهٔ چنین میباشد :

**آغاز** : فـالام . . . ( سفید گذارده شده باندازهٔ چند کلمه‌ای ولی درنسخه آقای آیةالله زاده عبارتهائی آمده که دراین نسخه نیست ) الاستشهاد فی قوله الام طاعم

۱۵ [illegible] ارادالام من طعم اوالاحمر بین اوفوج طاعم و لذا افرد طاعم . ومنها « من اناس [illegible] فی احلامهم .. عاجل الفحش و لاسوء الجزع » قائله سوید بن ابی کاهل (روی عبارت [illegible] کاهل در نسخهٔ ما خط کشیده شده ولی در نسخهٔ آقای آیةالله زاده گ ۵۹ [illegible] هائی درآن افزوده دارد که در نسخهٔ ما نیست ) .

**انجام** : [illegible] والردی الك لازم —

۲۰ [illegible] قائلها [illegible] کدام .. [illegible] والمال الهلاك [illegible] قوله [illegible] مبتدأ و [illegible] خبره والمنادی [illegible] علی [illegible] جملة اسمیة (گ ۳۳۹ الف [illegible] آقای [illegible] نسخهٔ ما [illegible] و آنچه درحاشیه نسخه [illegible] خورده است ).

۲۵ [illegible]

آغاز [illegible] ) الهداء السکون [illegible] وهو الحدث باللیل [illegible] وهو [illegible] ) الاستشهاد به کالاستشهاد بماقبله [illegible] (وانشدا لصراع)

۳۰ (این عبارت [illegible] ) (گ ۷۹ الف نسخهٔ آقای آیةالله زاده)

۲۰ الف شرح شواهد مجمع البیان ش ۱۱۷۱

۲۰۹۰ الف، شواهد مجمع الایمان، س ۱۱۷۱

**انجام** : « وماذنبه ان عافت الماء باقر ــ وما ان تعاف الماء الا ليضربا » قائله الاعشی ... الاستشهاد به فی قوله باقر فانه جمع البقر کالجامل للجمل (کجامل وجمل قال الجوهری الباقر جماعة البقر مع رعاتها ــ نسخهٔ آقای آیة الله زاده گ ۷۸ ب) ومنها (این عبارت بعبارت بالا میمونند) .

۵ (۱۱۱ گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد ادارة

اندازه : ۱۶ ۲۶ و ۱۱ ۲۲ س ۲۳

[۱۷۵۶] شرح کافیه (عربی)

جمال الدین ابن الحاجب ابی عمرو عثمان بن عمر مالکی نحوی اصولی (م ۶۴۶) در نحو کافیه نوشته و آنرا شیخ رضی الدین نجم الائمه محمد بن الحسن استرابادی نحوی
۱۰ شیعی گزارش نمود که در نجف بسال ۶۸۳ یا ۶۸۶ آنرا بانجام رساند (چلبی ۲: ۲۴۹)
این گزارش درایران بخط نسخ محمد هادی بن بهرام طالقانی در روز سه شنبه ۱۸ ج ۱/۱۲۷۱ با حاشیه‌هائی ــ تعلیق برخی با نشانه « س سره » که از میرسید شریف میباشد باندازهٔ رحلی بچاپ سنگی رسید (بنگرید بفهرست آقای منزوی ۲: ۴۰۷ و ۴۱۲)

۱۵ **آغاز** : بسمله وصلی الله علی محمد و آله وسلم وبه نستعین . الحمد لله الذی جلت آلاءه عن ان تحاط بعد وتعالت کبریاءه عن ان تشتمل بحد ... وبعد فقد طلب الی بعض من اعتنی بصلاح حاله ... تعلیق ما یجری مجری الشرح علی مقدمة ابن الحاجب فی النحو عند قراءتها علی فانتدبت له . . . ثم اقتضی الحال بعد الشروع التجاوز عن الاصول الی الفروع فان جاء مرضیاً فببرکات الجناب المقدس الغروی
۲۰ صلوات الله علی مشرفه لاتفاقه فیه .

**انجام** بخلاف زیادة الانکار لان هذه انما تزاد اذا لم یقصد الوقف .

|۲۰۶۲|

۱۱۵۳ این نسخه نسخ خوش و معرب در برخی جاها و عنوانهای قوله و نشانه‌ها شنگرف و متن پس از قوله زیر خط سرخ میباشد نسخه بدلها درهامش

دیده میشود . حاشیه‌هائی دارد درباره‌ای جاها با نشانه « ش ر ح » و « سید ر ح » و «سید رح‌الله» و «سید س» و «سید شریف» ( ۱۲۹ ب ) و « قاضی » و « شرح ابیات للمفصل» (۱۲۵ ب و ۱۲٦ ب) .

در گ ۱ الف و ب شعرهائی است از ابراطی (رحمه‌الله) در ستایش ارمغنی ابن‌هشام

۵ و نیز از سرگذشت ابن‌هشام و پاره‌ای از تکمیل شرح التسهیل امام ابی‌حیان (رحمه‌الله) در ۲ الف دارد . عدد اوراق ۳۹۰ و «من نعم‌الله علی عبده‌الله محمود بن محمود بن الحاج محمد بن الحاج حسن غفر لهم» (گردش خط کشیده شده ) و «من نعم الله علی عبده الفقیر ابو بکر بن عثمان بن محمد عفی عنهما . (گرد آن هم خط کشیده شده) اسنة اثنین و سبعین و الف» با مهر « محب ابو بکر رم چهار یارم » و « دخل فی نوبة الفقیر الیه ... محمد المدعو عبدالله زاده ... غفر له » گرد آنهم خط کشیده شده و ... هم شده است) با مهری که

۱۰ سیاه کرده‌اند . و «من نعم‌الله علی عبده احمد بن النجار الحنبلی . (گردش خط کشیده شده )و «من نعم‌الله علی عبده پیر محمد الشهیر بهمزه زاده » ( گردش خط کشیده شده) با مهری که همین اندازه خوانده میشود «الواثق بالملك الحميد الشهير بپيرمحمد» و « ثم دخل فی نوبة الفقیر الیه سبحانه و تعالی محمد الشهیر بعبدالله زاده ؟ غفر له » (گردش خط کشیده شده ) و « حلواجی الحاج عمر بدندن الی دوت نمروشه الهدی » و حالا من کتب الفقیر المعروف پیشوائی (؟) زاده سنة ۱۱۹۵ با مهر «من الاله الکریم.

۱۵ عبده الحافظ محمد امین بن الحاج ابراهیم ۱۱۹۸» و « حالا من کتب الفقیر الحقیر الحافظ محمد امین المعروف پیشوائی (؟) زاده سنه ۱۱۹۵ » همان مهر که در گ ۳۸۷ هم هست . مهر کتابخانهٔ ادمیت تهران «Librairie - Adamiyat Teheran» در این‌جا هست و دارد . کتاب از روی شیوهٔ گ‌شماری ۱ در آغاز هست و شماره‌گذاری شده است تا ۳۸۷ ب می‌باشد . این نسخه را آقای د ... مصباح زاده اسناد دانشکدهٔ حقوق باین

۲۰ کتابخانه بخشیده‌اند .

۳۹۰ گ ، کاغذ سمرقندی ، جلد تیماج سرخ ضربی متوالی با ترنج ، اندازه ۱۸ × ۱۱ ، ۲۱ س ، ۱٦/۵ × ۱۷ س

•

[۱۷۵۷] شرح زنازیان (فارسی)

... ... کتابی رمانی که در مدرسه درس میخواندم و بسیار تهیدست

۱۰ بود برای ... ایراد ... گزارش فارسی بر کافیهٔ نحو ابن حاجب پرداخت و در برابر ... روزانهٔ خود را از ... ازآن مرد کیمیائی میگرفت

(طوس ۱۵:۳) (۱) .

آغاز : بسمله . (الکلمة لفظ وضع لمعنی مفرد) معنای کلمه در اصل لغت یك سخن است و معنی وی در اصطلاح نحوی (نحویان) لفظی است که نهاده شده باشد از برای معنیئی که مفرد است والف ولام در کلمه از برای جنس است یعنی جنس کلمه وماهیت او پیش نحویان آنستکه مذکور شد . ۵

انجام : پس علامت اعراب پیش از او نشاید که ظاهر شود زیرا که وسط کلمه است و بعد از او نشاید که لازم آید آنکه اعراب فعل جاری بر حرفی شود که کلمهٔ دیگر است حقیقة (نمت تمت . تمت) . (مانند نسخهٔ طوس)

[۲۰۶۳]

۱۱۶۲ این نسخه تازه درست مانند چاپی و بنستعلیق است و متن نسخ و زیر خط سرخ و آغاز بندهای متن در برخی جاها شنگرف میباشد . نیمهٔ دوم صفحهٔ نخستین ۱۰ رفته و کاغذ تازه تری چسبانده‌اند . برگ دوم هم نیست . خط دارندهٔ نسخه و مهر «یا اباعبدالله الحسین» او در ۲ الف هست .

(۱۶۰ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج اریاکی
اندازه : ۱۲/۵ ۲۲ و ۷/۵ ۱۴/۵ س ۱۸

[۲۰۶۴]

۱۲۱۸ این نسخه بخط نسخ است و پاره‌های متن زیر خط سرخ وعنوانها ونشانه‌ها ۱۵ شنگرف میباشد . عنوان مطلبها درهامش هم آمده است . شعیب خاقان بن محمد درروز پنجشنبه ۲۸ رجب ۱۱۰۸ نوشتن آنرا بپایان رساند . در گ ۶۷ الف حاشه‌ایست بتاریخ ۱۲۶۱ ــ مصطفی حسینی در ۱۳۲۴ دارندهٔ نسخه بوده است (خط ومهر او در ۱ الف) چنین است انجام آن : (والمفتوح ماقبلها نقلب الفا) وآنچه مذکور گذشت آن حکم نون خفیفه در وقف درصورتی بود که ماقبل آن نون مضموم ومکسور ۲۰

۱ ــ چلبی مینویسد که میرسید شریف و علاءالدین قوشچی و محمد امین هروی ( برای امیر علی شیر بسال ۸۸۴ بنام ارجاح المعلمین ش۳۵۵۹ ملك ) بر کافیه گزارش فارسی نوشته‌اند (۲ : ۲۴۹) درذریعه (٤ ۱۲۹) آمده که آقاهادی مترجم پسر محمد صالح بن احمد مازندرانی (م ۱۱۲۰) کافیه را بپارسی کرد . عبدالنبی احمد نگری درجامع الغموض کافیه را بپارسی گزارش نمود (چاپ کانپور در ۱۳۰۳) .

۲۵ این گزارش گرگانی درحاشیهٔ کافیهٔ لکهنو در ۱۳۱۳ دیده میشود ( فهرست فارسی چاپی موزهٔ بریتانیا چاپ ۱۹۲۲ ص ۷۱۵) همهٔ این گزارش درمطبع بشیری کلکته سال ۱۲۷۹ در ۱۹۰ ص با متن بچاپ سربی رسید و مانند دو نسخهٔ ما و طوس دیباچه‌ای در آن نیست . دومین نسخهٔ ما از همین گزارش، ترجمهٔ فارسی است با گزارش کوتاه تر در نیمه های دوم.

باشد ... واختم‌لی بخیر واصلبت خیرا پس میگوئی دراضربن اضربا درحال‌وقف ـ این نسخه گویا املای دیگریست ازمیرودر نیمهٔ‌دوم گزیده‌تر ازآن یکی میباشد و همهٔ متن هم درآن بند بند آمده است .

(۳۱۸۸ک) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ساده
اندازه : ۱۹٫۲۴ و ۷/۵ ۱۳ ۵ س ۱۷

|۱۷۵۸| شرح مراح‌الارواح (عربی)

کتابی درصرف بنام مراح‌الارواح نگاشته شده و درپی دانشجویان دینی آنرا میخوانده‌اند . خوانساری درسر گذشت عصام ( ص ٥٠ ) نگارندهٔ آنرا درست نشناخت و سیوطی در بغیةالوعاة هم ندانست که او کیست مگر اینکه نسخهٔ قاهره از ۸٤٠ است (معجم‌المطبوعات ص ۳۷٤و۹۰٦) دردیباچهٔ این‌شرح، متن ازاحمدبن علی بن مسعوددانسته شده وگویا همان‌ابوالقاسم احمدبن علی‌بن مسعودبن عبدالله نحوی (م ٦١٣) باشد .

مراح در کارخانهٔ حاجی ابراهیم بکوشش عبدالرحیم در ۱۲۹٦ در ٤۷ ص خشتی بنسخ و با حاشیه‌های نستعلیق بچاپ سنگی رسید .

این گزارش به « دول » وازملاحسن پاشا فرزند علاءالدین اسود است (طوس ۲۷۰۳ ش۹۷) وگویا درروز ۲۵ رمضان ۸٤۱ بنگارش‌درآمده‌است گزارشهای دیگری هم برآن نوشته‌اند (چاپی ۲٫۵۱٤)

آغاز بسمله و به نستعین الحمدلله الذی صرف افکارنا وبنا الی الصراط المستقیم... وبعد فان الکتاب المسمی بمراح‌الارواح فی التصریف للامام .. احمدبن علی‌بن مسعود . [illegible]

انجام [illegible] الکتاب بغنی عن الشرح .

|۲۰٦۰|

۱۱۰۷ [illegible] درپایان آن آمده [illegible] فرغ من تسوید

هذه‌الاوراق فی وقت‌الضحی فی خمسة و عشرین من شهر رمضان‌المبارك تاریخ سنة احدی واربعین وثمانمائة قد وقع‌الفراغ من شهورسنة ستة عشروتسعمائة فی‌اوائل شهر ذی‌القعده علی ید خضر بن تیمورتاش الاقهاری‌المحتاج الی‌رحمة‌الرحمن » .درالف‌دارد که علی اصغر حسنی حسینی آنرا خریده‌است

(۸۴گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوای ته میشن

اندازه : ۱۴ · ۱۸ و ۱۰ ۱۳/۵ س ۱۹

[۱۷۵۹] شرح ملخص (عربی)

گزارشی است ازسید شریف علی گرگانی (۷۴۰ ـ ۸۱۶) بر « الملخص فی‌الهیئة البسیطة » چغمینی خوارزمی (م ۷۴۵) که پاره‌ای از عبارتهای متن را باعنوان قال آورده و گزارش نموده‌است ودیباچه را گزارش نکرد. نسخهٔ تاریخ ۸۶۲ این گزارش درطوس هست ( ش ۱۲۳ ج ۳ ص ۳۳۸ فهرست آنجا ) (۱) ۱۰

آغاز : بسمله . و به نستعین . رب یسر ولاتعسر . سبحانك اللهم یا مدبر اطباق‌السموات بلاعمد و اوتاد علی‌القطب والمحور . و یا مزین اجرام‌العلویات بالثوابت والسیارات والنیرالاعظم والاصغر . . . و بعد فقد دلت‌البراهین‌العقلیة والشواهدالنقلیة علی ان اقصی ما یترجی للانسان من معارج‌الکمالات و اعلی مایتسنی له من مدارج‌السعادات معرفة‌الصانع بتقدیس‌ذاته وتنزیه صفاته وان‌ذلك ۱۵ بالتفکر فی‌المبدعات و اسرارها والتدبر فی‌المصنوعات و اطوارها و علم‌الهیئة الباحث عن‌الافلاك واشکالها والکاشف عن‌العناصرواحوالهاانم‌العون علی ذلك ... ثم ان‌المختصر الموسوم بالملخص قد احتوی من اصوله علی قواعدها ومن فروعه علی نکتها و فوائدها یجمع الی وجازة‌الالفاظ غزارة‌المعانی و یضم الی رشاقة العبارة و ثاقة‌المبانی فشرحته شرحاًیتضح به سرائره وینکشف عن‌وجوه خرائده ۲۰ ستائره واشرت فی‌بعض‌المواضع الی مایتوجه علیه واجتهدت فی‌دفعه حسبماوصل ذهنی الیه مراعیاً فی ذلك شریطة‌الانصاف منفادیاً عن طریق‌الاعتساف وهاانا

---

۱ـ نگرید به : س۹۱۷ وص ۷۸ بازپسین سخن بخش۲ همین فهرست ـ چلبی ۵۱۷:۲ ـ بروکلمن ۴۷۳:۱ وفهرست نامهای جلد ۳ پیوست درچغمینی .

جمال‌الدین ابراهیم‌بن محمد طبسی رسیدم و او این رساله را بدید و پسندید ودستور داد که حساب خطائین و حساب وزن اعمال را بر آن بیافزایم ـ ملاعبدالعلی بیرجندی (م ۹۳٤) بر آن گزارش نوشته است (چلبی ۲: ٦۹ ـ طوس ۳-۳٤۱).

آغاز: الحمدلله الفرد بلاند المنزه عن الزوج والضد لامرکب فینحل ولا اول له فیعلل . . و بعد فان .. الحسن بن محمد النیشابوری یعرف بنظام ... یقول الحساب علم لایکاد یستغنی عنه طلاب العلوم .

**انجام**: لکنه نافع فی تشحیذ الذهن و مؤکد لصحة العمل والعمدة هی ماذکرنا والموفق من واهب الوجود .

[۲۰٦۷]

**۱۱٦۸** این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌ها و رقمهای شنگرف میباشد . مهر «محمد باقر» در ۲ الف هست حاشیه‌هائی در آن هست با نشانه‌های «مح» یا «شرح» و ۱۲ + وجز آن . گ ۲ ب ـ ۸۰ ب .

(همهٔ دفتر ۱۴۸گ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد ندارد

اندازه: ۹/۵ ۱٦ و ۱۱/۵ س ۱۵

## [۱۷٦۱] الشموس المضیئة (فارسی)

مولی احمد بن حسن بیرجندی یزدی (م نزدیک ۱۳۱۰) پس از نگارش نامهای صالحات و بحرالدموع و سماء الغزوات و خزائن الانوار و ینابیع الموعظه بدرخواست دوستان سرگذشت پیامبران را از روی قرآن و اخبار در این دفتر آورد و در پسین روز دوشنبه صفر ۱۲۹۱ آنرا بپایان رساند (اعلام الشیعه ۱ ۹۵)

آغاز: هذا کتاب شموس المضیئه بسمله الحمدلله الذی توحد بالقدم والبقاء و تعزز بالعظمة والکبریاء . . امابعد چنین گوید .. احمد بن حسن البیرجندی الیزدی

**انجام**:

خانهٔ هرکس ز نو آباد شد — خانهٔ خود را ببین برباد شد

قد فرغت من تسويد هذاالكتاب‌المستطاب فی عصر يوم‌الاثنين من شهر صفر المظفر فی سنة احدی و تسعين و مأتين بعد الف من‌الهجرة‌النبوية صلی‌الله عليه وآله وسلم .

[۲۰۶۸]

۵ ۱۱۹۷ این نسخه بنسخ و عنوانها در برخی جاها شنگرف میباشد وسید محمدبن حیدرحسینی یزدی حمصی در ۲٦ صفر ۱۲۹۱ آنرا نوشت .

(۳۲۷۲ش) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی مقوائی

الداره : ۱۷، ۲۲/۵ و ۹/۵ ۱٦ س ۲۳

[۱۷٦۲] شیر و شکر (فارسی)

۱۰ منظومه‌ایست ازشیخ بهائی که چندبار بچاپ رسیده است .

آغاز :

ای مرکز دائرهٔ امکان — وی زبدهٔ عالم کون و مکان

تو شـاه جواهر ناسوتی — خورشید مظاهر لاهوتی

انجام :

۱۵ پیوسته خجسته مقامش کن — مقبول خواص و عوامش کن

[۲۰٦۹]

۱۱۰۱ این نسخه ش ۳ دو راست و نخست ش ۱ در گ ۹۸ الف ـ ۱۰۰ ب . محمد ابراهیم آتش درشب چهارشنبه ۲۲ [illegible] ۱۲٦۳ آنرا نوشته است .

[۱۷٦۳] [illegible] (فارسی)

۲۰ همان [illegible] از [illegible] ملا [illegible] قزوینی است که در س ۱۳۸۵ همین فهرست [illegible] شده است

[۲۰۷۰]

۱۱۹۲ این [illegible] و [illegible] شرح و با عنوانها و نشانه‌های [illegible] در هامش [illegible] شده و روی [illegible] از عبارتها

خط خورده است . پیداست که نسخهٔ اصل درست شدهٔ دست قزوینی است . برخی جاها وصالی شده و کاغذ نوتری چسبانده‌اند ولی نسخه پاکیزه مانده است . دو گ ۱ الف دارد « وقف براولاد الاقرب فالاقرب شد » و در برخی جاها در آغاز و انجام روی سطور نوشته شده «وقف عام» این نسخه را آقای دکتر مصباح زاده استاد دانشکدهٔ حقوق باین کتابخانه بخشیده‌اند . این نسخه همهٔ کتاب ایمان و کفر را دارد نه مانند نسخهٔ ش۶۸۲ که تا بند۲۱ باب۲۰۳ میباشد . از سنجیدن ایندو نسخه برمیآید که قزوینی در نسخه‌های خود دست می‌برده است . این کتاب در ج۱/۱۰۶۷ آغاز و در روز سه شنبه ۱ ج ۲/۱۰۶۸ بانجام رسید .

**آغاز** بسمله . و به ثقتی « الحمدلله الذی حبب الینا الایمان و کره الینا الکفر والفسوق والعصیان ... و بعد چون بتوفیق الهی و توجه پادشاهی مأمور شد فقیر حقیر خلیل بن الغازی القزوینی عفاالله عنهما بشرح کتاب کافی . . الکلینی . . . بزبان فارسی وبانجام رسانید شرح کتاب العقل و کتاب التوحید و کتاب الحجة را شروع نمود در شرح کتاب الایمان والکفر که کتاب چهارم است از کتب کافی بتاریخ جمادی الاولی سال هزار و شصت و هفت هجری و علی الله التوکل » (افزودهٔ درهامش) اصل . کتاب الایمان والکفر «این کتاب چهارم است از سی کتاب که جزء کتاب کافی ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله تعالی است (روی این بند خط سرخ کشیده شده) الایمان گرویدن بربوبیت رب العالمین که عمل دانسته .

**انجام** : اصل . هذا آخر کتاب الایمان والکفر والطاعات والمعاصی من الکتاب الکافی والحمدلله وحده و صلی الله علی رسوله محمد و آله . شرح . این از الحاقات کاتبانست . یعنی : این آخر کتاب ایمان و کفر و طاعات منجیات و معاصی مهلکاست از کتاب کافی و سپاس الله تعالی راست تنهائی و درود فرستد الله بر رسول او محمد و آل او . فرغ الشارح خلیل بن الغازی القزوینی عفاالله عنه و عن والدیه و اخوانه واعوانه من تحریر شرح هذا الکتاب یوم الثلثاء غرة جمادی الثانیه سنة ثمان وستین والف هجریة حامداً مصلیا .

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد و آلش تمام

بلغ بعون الله من اوله و آخره

(۳۸۰گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی با برگردان

اندازه : ۱۹ ۲۸ و ۹٫۵ ۲۰ س ۲۳

۹۸۷/۲ ما در کنار برگهاپاره‌ای از آنها آمده و باعبارت (منه) پایان مییابد (۱).

[۲۰۷۲]

۹۸۷ این نسخه ش۲ دفتری است دارای ٥ رساله واین رساله بخط نستعلیق میباشد باعنوانهای درشت‌تر و با نشانه‌های شنگرف ودر پایان دارد: «فرغ من کتابتها فی بلدة اصفهان حفت من آفات الزمان فی شهر شعبان المعظم سنة ۱۰٦۷» ٥
گ ۱٤۳ ب - ۱٤۸ الف.

[۲۰۷۳]

۱۱۱۲ این نسخه ش ۲ ده‌راست و بخط نستعلیق بمانند ش ۱ ومورب با عنوانهای شنگرف بتاریخ ۱۰٤۹ واز همان نویسندهٔ ش۱ است. در پایان پس از «والحمدلله رب العالمین دارد «والله اعلم بالصواب» سپس دارد: «بتاریخ ۱۰٤۹»، گ ۱۰٦ ۱۰
الف - ۱۰۹ الف (بنگرید به ۱۱۱۲/۱).

## [۱۷٦٦] صیغ عقود نکاح [فارسی]

رساله‌ایست در بارهٔ صیغ عقود نکاح.

**آغاز**: بسمله. و به نستعین. الحمدلله الذی احل النکاح وندب الیه ... امابعد غرض از تحریر این رسالهٔ وجیزه آنستکه جمعی از برادران ایمانی و دوستان ۱٥
روحانی فمیررا تکلیف و تحریص نمودند بر تحریر انحاء صیغ عقود نکاح و انواع تعبیرات آن.

**انجام**: خاتمه در بیان بعضی از صیغ طلاق ... و کیل زن میگوید طلقت موکلتی علی مابذلت و کیل مرد میگوید هی علی ذلك طالق.

۲۰ [۲۰۷٤]

۱۲۱۹ این نسخه ش ۱ دمراست با نشانه‌های شنگرف و باید در ۱۲۰۳ نوشته شده باشد. حاشیه هائی هم دارد. گ ۲ ب - ۳ الف. در ۲ ب - ٦ الف

۱- صفحه درجنگی بنسخ با حاشیه‌های نستعلیق باندازهٔ ربعی درتهران بسال ۱۳۲۱ بچاپ سنگی رسید ودر آن زبدة الهیئة فارسی خواجهٔ طوسی است در ص ۱-۸۹ ومرآة الکائنات فارسی درکائنات جوازمولانا محمدطالش در ص ۹۰-۱۱۱ وهمین صفحه ۲٥
در ص ۱۱۲-۱۱۹.

بندهایست دررضاع واوزان شرعی وتفسیرآیهٔ رضاع بفارسی درمتن و هامش بتاریخ ۱۲۰۳ و این سومی رساله مانندیست . در ٦ ب ــ ۹۷ ب پاره‌ایست از تفسیر فارسی گویا ازملافتح‌الله .

## [۱۷٦۷] الضیاء اللامع فی شرح جمع الجوامع (عربی)

تاج‌الدین عبدالوهاب علی سبکی مصری شافعی اشعری ( م ۷۷۱ ) از روی دو گزارش که برمختصر حاجبی و منهاج بیضاوی نوشته است جمع‌الجوامع دراصول فقه نگاشته ودر آن از بیش‌از صد کتاب بهره برده است .

براین کتاب او گزارشها نوشته‌اند و شمس‌الدین محمدبن محمد اسدی غزی شافعی (م ۸۰۸) خرده‌ها از آن گرفت و برای خود سبکی فرستاد و او آنها را بدید و پسندید و درپاسخ آنها « منع‌الموانع عن جمع‌الجوامع » نگاشته است .

یکی‌از گزارندگان ابن حلولوا ابی‌العباس‌احمد مالکی مغربی زندهٔ در۸۷۵ (فهرست خزانهٔ تیموریه ۷۸:۳و۱٦۷) است که درآغازهمین گزارش او (الضیاء اللامع ) نامش برده شده است . چلبی درباره آن میگوید : شرح ابی‌العباس احمدبن خلف‌بن‌حلولو (حلولو او العروی،القردی)المردی( گویا العروی) المتوفی (بعد) سنة(۸۹۵) (دو چاپ عثمانی ۳۹۸۰۱ و ترکی ۵۹٦۰۱)

پاره‌های متن دراین گزارش با نشانهٔ « س » و گزارش پس‌از نشانه « ش » می‌آید .

آغاز (رب [illegible] تمم و [illegible] محمد و آله [illegible] الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله‌الطاهرین ) [illegible] الامام‌العالم العلامه الا حدالمتقن [illegible] ابوالعباس احمدبن الشیخ [illegible] عبدالرحمن بن موسی‌بن‌عبدالحق‌البزلنتی [illegible] الحمدلله ذی‌الجلال‌الذی لانهایه له والا کرام الذی [illegible] العظام والعفو [illegible] . و بعد سألنی بعض من‌ادام‌الله عزته ان [illegible] جمع‌الجوامع للامام العلامة تاج‌الدین عبدالوهاب بن

تقي‌الدين‌السبكي فاجبت ... وسميته بالضياءاللامع فی شرح جمع‌الجوامع .

**انجام** : وقد تم فی جملةالشرح‌التنبيه على دقائق من كلام غريبة واشارات بديعة عجيبة مع اعتقادنا ان كلامه محتوعلى اكثرمما ذكرناه لقصورنا عن بلوغ شاواى غاينه والله‌المسئول ان يبلغ مانال و يجزيه عنا ماهو اهل له و كذا من تقدمنا لشرحه . قال‌المصنف كان‌الفراغ من تأليفه يوم‌الثلثا رابع عشرون ربيع الثانی سنة ٨٥٤ .　٥

[٢٠٧٥]

**١١٨٤** این نسخه نسخ‌است باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و نوشتهٔ حاج محمدعلی بن عبدالکریم در ٢٠ ذی‌العقده ١٢٣٨ میباشد . خط ومهردارندهٔ نسخه «علی بن محمدعلی حسنی» و خط محمد تقی گلپایگانی در ١٢٦٤ درآن هست (٢ الف و ب و١٢٤ ب و١٢٥ الف و ب و٢٤٥ ب) کتاب در ٦ – ٢ ب – ٢٤٥ ب .　١٠

(٣٢٤٧ گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج تریاکی ضربی مقوائی

اندازه : ١٤/٥، ٢٢/٥ و ٨/٥ ١٦ س ٢٥

[١٧٦٨]　ظفر نامه　(فارسی)

این نامه همان‌نسخه در ص ٦٦٨ همین فهرست شناسانده شده ودراین‌نسخهٔ ما نام ابن سینا نیامده است .　١٥

**آغاز** : سپاس وستایش باری خدای را که جلت قدرته که آفریدگار آدمیان وپدیدارندهٔ زمین و زمان وروزی‌دهندهٔ جانوران‌است . چنین گویند که‌درروزگار انوشیروان هیچ چیز بهتراز حکمت نبود و هیچ قوم از حکمابزرگتر نبود وحکماء آن زمان همه مهتر و پرهیزگار بودند　٢٠

**انجام** : گفت جامهٔ نرم و دیدار نیکو و صحبت نیکان و نیکوئی دیدن ازدوستان و گرمابهٔ معتدل و بوی خوش .

[٢٠٧٦]

**١١١٣** این نسخه ش ٣ دفتراست و بهمان‌خط ش ١ و بتاریخ ١٢٩٤ میباشد . گ ٣٩ الف - ٤٢ ب .　٢٥

[۱۷٦۹] **العبادات المالية** (عربی)

دراین نامه ازعبادتها که جنبه مالی دارد درچند باب کاوش شده است .

**آغاز** : بسمله . و به ثقتی . الحمدلله الذی افاض نورالوجود من ظلمة العدم وصلی الله علی محمد و آله سادات العجم امابعد فهذه نبذة نبذة مما حضرنی من المسائل
۵ الشرعیة المتعلقة بالعبادات المالية کالخمس والصدقات الواجبات والمندوبات ومایلحقها من الوقوف والعتق والکفارات والنذور وباقی المبرات . کتاب العبادات المالية وفیها ابواب .

**انجام** : ویکره السؤال واظهار الحاجة . خصوصاً ما کان لمن (۱) لمزارع والعقارات باقسامها من السؤال کما یظهر الحال . والله الموفق للصواب .

۱۰ [۲۰۷۷]

۱۱٦۵ این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و در روز چهارشنبه ۱۳ع۱/۱۲۳۳ نوشته شد . گ ٤٤ ب – ۹۸ الف .

[۱۷۷۰] در رشته (و رساله [illegible]) (فارسی)

این رساله از سیفی است و نامش در پایان و فصل در بیان حروفی که ملفوظاند
۱۵ و [illegible] در مصرع [illegible] سیفی از [illegible] و [illegible] جو آرار ارا و [illegible] هم برده شده است (۸ الف) .

**آغاز** بسمله و به ثقتی الحمدلله الذی جعل علم العروض میزان الاشعار والصلوة علی [illegible] و اله و اهل [illegible] الاطهار اما بعد بدانکه باعث بدین تألیف [illegible] و در هر دو فقرهٔ نکتهٔ
۲۰ [illegible] آن کتاب و دلائل بتمامها [illegible] آنکه العلم [illegible] آن سخنان رسالهٔ ترتیب داده شود [illegible]

کـه درو سر هر سخن باشد گرچه‌متن‌است شرح فن‌باشد

التماس از مستفیدان آنستکه چون از این مائده فائده بردانند سیفی را بدعای خیر یادآرند .

انجام : « العاشق فی هواك سـاه ساهر » تقطیعش : العـاش ، مفعول . قفی هوا ، مفاعلن . کساهن ، فعولن . ساهر ، فعلن . وشك نیست که این مصراع چنین تقطیع میتوان کرد کـه : العـاش ، مفعول . قفی‌هوا ، مفاعلن . کساهنسا ، مفاعیلن . هر ، فع . والحمدلله علی‌الاتمام وعلی نبیه‌الصلوة والسلام ۱۲۶۵ .

[۲۰۷۸]

۱۲۰۸ این نسخه بنسخ تازه و باعنوانهای شنگرف میباشد ودر۱۲٦٥ یا پس‌ازآن نوشته شده است اگر آنچه درپایان آمده تاریخ نگارش سفی باشد . گ ۳ ب - ٤۰ ب .

(۳۴۲ گ - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۱٦ ۲۲ و ۸ ۱۴/۵ س ۱٦

[۱۷۷۱] عقائد اصولین (فارسی وعربی)

امیراسماعیل حسینی مدرس خاتون‌آبادی سپاهانی‌ازدانشمندان روزگار صفویان‌و شاگرد ملا رجبعلی تبریزی م ۱۰٦٥ بوده ودر مدرسهٔ شیخ لطف‌الله میسی سپاهانی‌م۱۰۳۳میزیسته‌است آرامگاهش‌درتکیه‌ایست درجلو گورستان تخت فولاد واین تکیه از آن اوبوده است (روضات ص ۲۸۷) .

او دراین « عقائد اصولین » که بفارسی و تازی هردو است ودرچند باب وچند مقصد میباشد ازمسئله‌های کلامی وفلسفی گفتگونمود .

مقصد نخست آن در معـارف ربانی است و در چند فصل کـه یکم آن درخداشناسی ودوم‌آن در برهان اثبات‌آفریننده میباشد . همه رسالهٔ‌اثبات واجب « استادالبشر مولانا رجب علی تغمده‌الله بغفرانه » کـه در یك مقدمه و ٥ مطلب ویك خاتمه است (ش ۳۷٤/۲ و ۱۰۳٦/۱ - نیز ص ۲۱۳۳) درهمین مقصد بپارسی

آمده ودرچند بحث خرده گیری از آن شده است ( ٤٢ الف ـ ٤٦ ب ) از فصل سوم این مقصد که در ازلیت خدا و حدوث جهان است کتاب بعربی است و نیمه کاره گذارده شده در نسخهٔ ما در آن از قبسات داماد (٥٣ ب) و دوانی (٥٥ الف) و تعلیقات شیخ (٦٠ ب) و اثولوجیای معلم اول و شرح عیون الحکمه امام و اجوبه واسئلهٔ دونوبه و شرح مسئلهٔ علم خواجهٔ طوسی (٦٣ ب) یاد کردند

آغاز بسمله و به اعتمادی . حمد بی حد و ثناء بی عد معبودی را سزاوار است که نوع بنی آدم را بمعاند همه از جنس شماود . و سعال . باو ح سعادت و شرافت رسانند . و بعد اسمعیل الحسینی ال ... المدر س الخاتون آبادی را بخاطر فاتر رسید بنابر التماس بعضی از اصدقاء سلمها که در این اوراق تقریر و تحریر کنم بعونه (و) همه عقایداصولیه و فروعیه از معارف ربانی و احکام دینی و عبادات شرعی و معاملات ملی . و این موقوف است بر چند باب و مسمی گردید بمعاند اصولیات

انجام نسخهٔ ما : و قال ایضاً فیها فی فصل القدم والتأ ... ر و اعلم انه کما ان الشیء ... بحسب الزمان کذلك الشیء ... الذات

[۲۰۷۹]

... ٦٤ ... ٤٠٠ ... ٦٨ ... دارد در ٦٩ ... ٧٠ ... ٧١ الف ... ٨١ ... ١١٣٠ (١ ... ١٠٦/٤)

[۱۱۰۱] (عربی)

(... ٣٠٥ ... ١٠٧٩/١٠ ب)

آغاز : بسمله . هذه رسالة فی تفسیرقول‌العلماء « فی نفس‌الامر » لمولانا نصیرالدین محمدالطوسی علیه‌الرحمة قال اعلم انالانشك فی کون‌الاحکام‌الیقینیة التی یحکم‌بها اذهاننا ... ممالم یسبق‌الیه ذهن اصلا ... مطابقة لما فی نفس‌الامر .

انجام : و تارة بالکتاب‌المبین‌المشتمل علی کل رطب ویابس وذلك ماالردنا بیانه والله اعلم بالصواب (تمت‌الرسالة بعون‌الله تعالی) . ۵

[۲۰۸۰]

۱۱۱۹ این نسخه ش ۵ دفتر است بهمانگونه نسخ طهماسبقلی در ۱۰۵۰ گ ۷۳ ب — ۷۵ الف (بنگرید به ۱۱۱۹/۱) .

[۱۷۷۳] عمل سنه (فارسی)

شیخ طوسی بدرخواست برخی از بزرگان دیندار ازمصباح‌المتهجد خود گزین نموده دعاها واعمالیکه بکاربستن آنها آسان باشد یکجا گرد کرد و این همانست که در برابر آن یکی « مصباح‌المتهجد صغیر » نامیده میشود ( فهرست منزوی ۱ : ۲۱۰و۲۱۲ ) ودو بار بفارسی شده یکی آنکه درذریعه (٤ : ۱۳٦) یاد گشت دیگر همینکه اکنون میشناسیم وهمین‌اندازه میدانیم که نگارش پیش‌از ۲٦رمضان۹۸۳ میباشدوازدیباچه‌پیداست که «عمل‌سنه» نامیده‌میشودوترجمه‌ایست کهن وچندان با متن هم برابر نیست وفشرده‌تر از آنست . ۱۰ ۱۵

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی محمد و آله اجمعین امابعد چنین گوید شیخ ابوجعفرطوسی رضی‌الله‌عنه که چون‌ازمصباح کبیرفارغ شدم جماعتی دوستان و محبان درخواست کردند که آن کتابی بس مطول است وبسیار کس‌از فائدهٔ آن محروم مانند که در آن شروع نکنند تقرب‌بخدای کردم و استعانت از وی خواستم درجمع کردن مختصری — ذکر منتخب ازآن جمله عبادات سال مطابق و موافق رفت ، بروجهی که بهیچ چیز خللی درآن نباشد وشك‌نیاورد وبتوفیق خدای تعالی درآن شروع کردم ونام‌این کتاب « عمل سنه » ۲۰

نهادم و این کتاب بیان کمیت و کیفیت عبادات بالفاظ عربی کرده بود و جماعتی دوستان که از لغت عربی بی‌نصیب بودند ایشان را فائده گرفتن ازین مختصر تعذری داشت التماس کردند تاآن الفاظ عربی بفارسی گفته شود تاازآن بهره‌مند شوند واجب دیدم ملتمس ایشانرا مبذول داشتن باری عزوجل ارزانی داشت
۵ که آنرا تمام کردم — ارکان عبادات پنج‌اند.

**انجام**: یوم النیروز نیروز الفرس عن المعلی ابن الخنیس .. الدعاء اللهم صل علی محمد ... یاذالجلال والاکرام وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین وسلم تسلیما کثیراً کثیرا.

[۲۰۸۱]

۱۰ ۱۲۰۰ این نسخه بنستعلیق در ترجمه و نسخ معرب در خود دعاها و باعنوانهای شنگرف میباشد و درپایان دارد « تم کتاب المصباح الصغیر فی ست العشرون من شهر رمضان المبارك سنة ثلاث ثمانون وتسعمائة من الهجرة النبوية المصطفوية بمدينة اصفهان صانت عن الآفات والبليات » پس ازاین دو دعا است بنسخ تازه‌تر و دومی باریخ شب [illegible] شوال ۱۰۵۸ میباشد. محمد رضا [illegible] دارندهٔ نسخه بوده و خط و مهر
۱۵ او درپایان هست.

(۳۲۴۴) — کاغذ [illegible] — جلد [illegible] متوالی.
اندازه: د/۱۵ د۲۲ ، ۸ ۱۴ س ۱۵

[۱۷۷٤] [illegible] (فارسی)

محمد حسین طبیب فرزند علی [illegible] تبریزی در سی سالگی که بپزشکی
۲۰ [illegible] فرمانروای آذربایجان
[illegible] در بیماریهای آتشك و افیون داروی
[illegible] آن در [illegible] مقدمه و
[illegible] ساخته و در آن از سخنان دانشمندان
[illegible] رسالة و همچنین حکیم عمادالدین محمود (طوس

۲۶۰:۳) در آن یاد شده است (بنگرید به ص ۷۲۴ و ۷۴۵ همین فهرست) و آن جز عین‌الحیوة محمد مجیر استکه در فهرست طوس (۲۷۷:۳) نام برده شد.

آغاز: رسالهٔ چوب چینی. هوالعلی‌الاعلی. بسمله. و به نستعین انه خیر موفق ومعین. سپاس چون انفاس عیسوی روح پرور و جان فزا سزای بارگاه خالقی‌است که بحکمت بالغه وقدرت کامله پیکر بدیع منظر انسانرا ... ازامتزاج اجناس متضاده وانواع مختلفه ترکیب و بزیور ظهور جلوه‌گر فرمود.

انجام: این بود آخر نمامی قول و کلام و اختتام همگی مقصد و مرام که‌در مقدمه ومقالات وفصول این کتاب بیان نمود. والحمدلرب‌الارباب والصلوة علی خیر من نطق بالصواب و اصحابه خیر آل و اصحاب و این رسالهٔ موسومهٔ بعین‌الحیوة درروز سه شنبه درهیجدهم‌ماه شعبان درقلعهٔ شوشی سنهٔ سبع وسبعین ومأتین بعدالالف من‌الهجرة ... سمت اختتام وصورت اتمام پذیرفت.

فبك اللهم اعتصم ... والله‌الموفق والمستعان وشافی فی‌الاسقام بفضل‌الله تعالی و توفیقه.

[۲۰۸۲]

**۱۷۱۳** این نسخه بخط نستعلیق خوش وعنوانها و نشانه‌ها شنگرف میباشد. احمد کرمانی درپایان صفر ۱۲۹۸ بخط خود درپایان یادگار نوشته است. مهر «حسین منی وانا من حسین» درآغاز وانجام هست. گ ٤ ب — ٥۹ ب و ۱۱۱ س. برگهای ۱ـ٤ الف و ٦۰ـ۷۷ سفید است.

(۷۷ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه: ۱۳/٥ ۲۰/٥ و ۷/٥ ۱۳ س ۱۳

## [۱۷۷٥] غایة السرور فی شرح الشذور (عربی)

برهان‌الدین ابی‌الحسن علی‌بن ابی‌القاسم موسی‌بن ارفع راس جیانی مجریطی اندلسی انصاری (۵۹۳) دیوانی بترتیب تهجی در کیمیا برمز دارد بنام «شذور الذهب» (مجلس ۲: ٤٥۹ ش ۷۲۳ ـ فهرست سیگل ص ٤۱ و ٤٦

ش ۱۲۸۹ و ۱۲۹۰ گوتا ) که خود او و دیگران برآن گزارشها نگاشته‌اند وشرف‌الدین محمدبن موسی قدسی آنرا تخمیس نیکوئی نمود . ابن‌خلدون گویا ازهمین جیانی‌است که‌بنام ابن‌المغیربی ومغیربی یادمیکند ومیگوید اوشعرهائی بسیار نیکو وبحروف معجم و برمزدارد که کسی از آن چیزی درنمییابد (مقدمه فصل۲۳ و ۲۶ باب ٦) . ٥

عزالدین علی بن ایدمر جلدکی (ص ۱۰۰۸ همین فهرست ) آنرا بنام « الدر المنثور » درقاهره بسال ۷٤۲ گزارش کرد و سپس آنرا در « کشف‌الستور » گزین ساخته‌است. او قلائدالنحور فی شرح سمط امیات‌الشذور هم دارد (فهرست عربی موزه بریتانیا ش ۷۸٤/۳) گزارش دیگراو برهمین دیوان « غایةالسرور » (چلبی ۲:٤۸) است که اکنون میشناسیم . ۱۰

اودراین گزارش شعرهای اندلسی را بند بند آورد وبروش رمز کیمیاگران دربارهٔ آنها کاوش نمود . نسخه‌ای ازبخش چهارم آن درفهرست سپکال (ص ٤۷ ش ۱۲۹۱ گوتا) شناسانده شده است . دراین نسخهٔ ما همهٔ گزارش هست و مانا دربخش چهارم نسخهٔ سپکال یکواحد نیست . [illegible] شعرها و گزارشهای آن وشماره [illegible] درهمان فهرست سپکال نشان داده شده است (۱) ۱۵

آغاز [illegible] مالك‌الملك [illegible] و ابدع وانفن [illegible] وقف علی دیوان [illegible] الانصاری... ۱۰
[illegible] فی شرح [illegible] الرابع

(۱) [illegible] (٥ ۷٦۲) [illegible] الذهب »
[illegible] ٤۹۱ [illegible] ۲۸۳) درفهرست
[illegible] ۱٥

فانه مستوعب شرح ثمانيه حروف من النظام .

**انجام** وهذا آخرما اوضحه الحكيم وشرحناه وهذه خاتمة مباركة اعلم ان الشيخ رحمه الله قد حقق نظمه فى هذا الديوان بالعلم الصحيح وصانه بالنظم عن التحريف .. ونسأل من وصل اليه من اخواننا الحفظ له والصيانة عن غير اهله وايصاله لمن انس منه رشدا والتزم علينا وعلى المسلمين وطلب المغفرة لنا من الله ۵
الكريم والحمدلله رب العالمين وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم اجمعين وسلم تسليماً كثيراً دائما الى يوم الدين .

[۲۰۸۳]

**۱۱۷۸** اين نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعليق و متن نسخ و در خط سرخ وعنوانهاى «الشرح» و جز آن شنگرف و درشت تر و بايد نزديك ۱۰۸۸ نوشته شده ۱۰
باشد ( پايان ش ۳ ) نسخه بدلها درهامش هست . عنوانهاى مطلبها پاره‌اى درهامش وبالاى صفحه نسخ درشت ديده ميشود . حاشيه‌هائى هست با نشانهٔ «محمدنصير» خط محمدعلى بن محمد نصيرطبسى دار ندهٔ نسخه بامهرش «ورفعناه مكاناً عليا» در ۵ الف و ٦ الف هست همچنين در ٦ الف تاريخ شب پنجشنبه ۲۲ ج ۱/۱۱٤۱ وخط عبدالحسين ۱۵
مكى و آقاسيد حسن بن سيد محمد حسينى مكى كه در كوى سيدان قم مى زيسته ودارندهٔ نسخه در ۲۰ رجب ۱۳٤۰ بوده است (نمره ۱ ب و ۲ الف) و خط محمدبن صالح با مهر «محمد رسول الله» كه در كاشان در ۱۱٤۱ نسخه را خريده بود و خط مؤمن بن عبدالرحيم جديدالسلام كه در ۱۱۵۰ دارندهٔ نسخه بود بامهر ش « المؤمن امان فى الله» وخط پسراو غياث الدين على كه نسخه باو رسيده بود با مهر او « عبده ۲۰
غياث الدين» ديده ميشود . كتاب : ۱ ب ٦ ب - ۱۳۳ ب هر چهارشمارهٔ اين دفتر بيك خط است

(همهٔ دفتر ۲۰۰ ۳ ب) - كاغذ فرنگى - جلد تيماج مشكى سادهٔ مقوائى
اندازه . ۱۷ ۲٦ و ۱۰ ۱۷ س ۲۵

[۱۷۷٦] **الفرائد البهيه** (عربى)

**فى شرح الفوائد الصمديه** ۲۵

شيخ بهائى براى برادر خود عبدالصمد الفوائدالصمديه درنحو و در پنج

[۲۰۸٤]

۱۱۶۶ این نسخه بنستعلیق خوش است و عنوانها و نشانه‌ها شنگرف ومتن زیر خط وحاشیه‌های «منه و«منه‌مدظله» دارد . ودر ۱۱۱۹ بانجام رسید . آقامیرزا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

صلة الی موصول ، واثر عامل فی معمول . و بعدفان المختصر المنسوب الی العالم العامل ، ۵
الفاضل الکامل ، قدوة المحققین وزبدة المدققین ، بهاء الملة والحق والدین ، محمد العاملی ،
عامله الله وایانا بلطفه الجلی ، المسمی بالفوائد الصمدیه فی علم العربیه ، ملیح المقال ،
عزیز المثال ، عمیم النفع ، عظیم الوقع ، و قدشرحناه شرحاً ذلل صعابه ، و کشف عن
وجهه نقابه ، و استقصی الاصول الاصیله واستوفی الفوائد الجلیلة ، والنکات الدقیقه ،
والتنبیهات الرشیقه ، فجاء بحمدالله قرة عین المناظر البصیر ، و حیوة قلب للسایر الخبیر ۱۰
وملجاء یلوذ به المنتهی فی علم الاعراب ، ومنهلا یسقی من هو منه علی اوثق الاسباب ،
الا انه لدقة معانیه ، ورقة مبانیه جل عن مبلغ ایدی المبتدئین ، وکل فیه من لم یکن
علی سبب متین ، فالتمس منی بعض احباب الاصحاب ، من انجاب الطلاب ، شرح الله صدره ،
وسهل امره ، ان اشرحه ثانیاً ولو کسلا و متوارا شرحاً مختصرا ایدانی من الکتاب ،
فی الوجازة وعدم الاطناب ، مقتصرا علی شرح الاعراب الا ماشذ لطرد الباب فاسعفت مسئوله ۱۵
وحققت مأموله وترکت ماکثر المقالات فی القواعد والوضعیات وذکرت فیه بعض الالغاز النحویه
تشویقاً لمن یرغب فی الاحجیه ، وجعلت الذهب مبرئاً عن النسب ، فشفعت من سمی سمة
وبینت بذلک صفته فسمیته بالفوائد الهادیة فی شرح الفوائد الصمدیة ، بنصر الله ینصر
من یشاوهوعلی ما نقول وکیل ، ومنه الاستعانة وبه الاعتصام وعلیه التعویل . قال المصنف
قدس الله روحه بعد البسمله (تا انجا دربیاض نیست) : « احسن کلمة یبدأ بها الکلام ... ۲۰
ویشتمل علی خمس حدائق اولها فی تعریف الفن و بیان موضوعه وفائدته وغیرها
ممایقرب من المقدمة

**انجام :** (الم نشرح لک صدرک) فانها الانکاری . . وقد سلکنا فی هذه الحدیقة
ولاسیما فیه الاخیر مسلک الاقتصار علی مجرد شرح قصیر لانی کنت علی جناح السفر
مشوش البال متوطن بعد وطن ونقول کما قال المصنف قدس سره : « اللهم اشرح صدورنا ۲۵
بانوار المعارف ونورقلوبنا بحقائق اللطائف واجعل ماأوردناه فی هذه الوریقات خالصاً
لوجهک الکریم | تا اینجا در بیاض هست | والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً ـ
الحمدلله سبحانه که حمد و مستعار باقی بود که این کتاب پرآب وتاب را درشب سه شنبه
چهارم شهر رجب المرجب سنة تسع عشرة ومائة بعدالف ۱۱۱۹ باتمام رسانید انشاءالله
تعالی خدای عزوجل کسانی را که بامر کتاب مشغول اند توفیق دهاد بمحمد وآله ۳۰

رضاقلی شریعتمدار فرزند حاجی شیخ حسن سنگلجی در ۲۲ رمضان ۱۳۲۱ دارندهٔ
نسخه بوده‌است خط و مهر او «عبده رضاقلی بن حسن» در ۳ الف و پایان هست محمد بن
حسن سنگلجی در ۱۷ غ ۱۳۲٦/۱ و مهدی سمیع رشتی در ۲۷ شوال ذی‌الحجه ۱۳۳۸ هم
دارندهٔ نسخه بوده‌اند. گ ۳ ب – ۱٦۹ ب.

(۱۷۱ گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سبز مقوائی درون ترنج‌دار
اندازه: ۱۱ ۲۰/۵ و ٦ ۱۴/۵ س ۱۴

## [۱۷۷۷] فردوس الحکمة (عربی)

ابن‌ندیم در فهرست (ص ٤۹۷) خالد بن یزید بن معاویه (۸۵ م) را از کیمیاگران
بشمار آورد و نوشته که خالد چون از فرمانروائی نومید گشت بدین هنر پرداخت
و گویند که او بدان رسیده بود و کتابها و رساله‌ها نوشته شعرهای
بسیاری در این باره دارد و خود من پانصد برگ از آن را دیده‌ام
(از سخن ابن‌ندیم پیداست که او کیمیاسازی خالد را درست باور نکرده است)
جاحظ در البیان و التبیین (۱: ۳۱٤ چاپ ٦۰) درباره او گوید: «کان اول من ترجم
کتب النجوم والطب والکیمیاء» (در الحیوان چاپ محمد هارون ۱: ۷٦) ابن خلدون
در مقدمه (ص ۲۳ [illegible] ٦ [illegible] ۵۰۵ [illegible]) می‌نویسد که [illegible] و اندیشه‌ها
[illegible] او [illegible] و این
[illegible] دانش و هنر دور
[illegible] در آن [illegible] نوشته‌های
[illegible] بود تا در دسترس
[illegible] این سخنان
[illegible]
[illegible] شده از خالد بن
[illegible] و [illegible] درباره

یکی از مسئله‌های کیمیا است و عنوانها در نسخهٔ ما به نثراست و مانا کسی آنها را گردآورده است .

از ساخت وریخت این شعرها هم پیداست که سروده سدهٔ نخستین هجری و آنهم از یك عربی بدوی نباید باشد . آنچه چلبی (۲ : ۱۸٦) یاد نموده گویا گردآوری دیگریست از این دیوان . شماره بیتهای آنرا او ۲۳۱۵ دانست . از بروکلمن (۱:٦۷ و پیوست ۱:۱۰٦) برمیآید که دیوان النجوم از اوست و همین فردوس‌الحکمه اوهم در بیروت هست و کتابی از اوهم بلاتینی شده بود .

آغاز : بسمله . قال‌امیرخالدبن یزید فی‌السبیکة ومدحهاونبه علیهاوذکر من افعالها مفردة ومرکبة :

| | |
|---|---|
| الحمدلله جل‌الله مقتدرا | مدبراً هادیا فضلا لمن شکرا |
| کذاك بالعلم‌یسعی من‌اطاع علی | علم به کان فی‌المقدورقدقدرا |

انجام :

| | |
|---|---|
| ومن بها بیضها منفنا | فالله مما خاف انجاه |
| حسبی بمابینت من‌شانها | ودون ما ینسب اجزاه |

[۲۰۸۵]

۱۲۰۵ این نسخه ش ۲ دفتراست و نسخ با نشانه‌های شنگرف میباشد ودرپایان دارد تم‌الکتاب‌الموسوم بفردوس‌الحکمة للحکیم خالدبن یزید فی آخر شهررمضان‌المبارك سنة ۸٤٦، ولی نباید این تاریخ نوشتن همین‌نسخه باشد چه نسخهٔ تازه‌ایست . حاشیه‌هائی نستعلیق . گ ۷۱_۱۵۵ ب .

[۱۷۷۸] فصول (فارسی)

خواجهٔ طوسی دراین نامه نمونه‌ای از فلسفه و کلام را آورده است واین همانستکه گرگانی آنراتازی کرده‌وسیوری وعبدالوهاب‌استرابادی این‌تازی را گزارش نوشته‌اند (ش ٤ ۲۸۲/٤ و ۱۰٤٦/۳۸ ص ۵۳۹ و ۵٦۳ همین فهرست ـ

درزمینهٔ زرین و نشانه‌هاهم در آن بشنگرف میباشد . این نسخه‌را آقای ابسنر بکتابخانه بخشیده‌اند .

(۳۲۵۵گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد روغنی فرسوده

اندازه : ۱۴ ۲۲ و ۹ ۵ ۱۵ س ۱۴

۵ [۱۷۸۱] قواعد العقائد (عربی)

خواجهٔ طوسی در این نامهٔ گزیده‌ای از علم کلام بروش شیعی دوازده امامی آورده است و آن جداگانه با الزام النواصب و منهاج السالکین در ۱۳۰۳ بچاپ رسیده و همچنین با گزارش علامهٔ حلی بر آن همراه با رساله‌های شهید و صدرای شیرازی در ۱۳۰۵ چاپ شده است . این کتاب مانند گزیده و کوتاهی است

۱۰ ازتجرید هو

آغاز: بسمله . الحمد لله المنقذ من الحيرة والضلالة والصلوة على محمد المخصوص بالرسالة ... يقول صاحب هذه المقالة انّي اوردت في هذه قواعد العقائد من العلم المنسوب الى الاصالة

انجام: و ... لما ادركها ولما لا ... منه والله

۱۵ اعلم ... الذي لا يجور والحمد لله وحده .

[۱۰۸۹]

[illegible] ... ۱۰۵۰ پس از گذشت ...

[illegible] ... ۴۳ب ـ

۲۰ [illegible] (۱۱۱۹ ...)

[۱۰۰۰] [illegible] (عربی)

این ... ۱۹۲۸ ... است .

[۲۰۹۰]

۱۱۹۱ این نسخه ش۲ دفتراست و بهمانگونه خط ش۱ تاریخ ۱۲۶۱ و نام نویسنده رفته وتنها «قربانعلی حداد» خوانده میشود که گویا نام پدریانیای اواست. کناره چپ برگها سوخته و کاغذ بوتری چسبانده‌اند وپاره‌ای از عبارت درمیانهٔ بیشتر صفحه‌ها رفته است. گ ۸۹ ب ـ ۱۸۱ ب. ۵

[۱۷۸۳] کافیه (عربی)

ابن‌الحاجب این مقدمه را در نحو نگاشته و آن بنام کافیه خوانده میشود. چلبی (۲۴۹:۲) آنرا شناسانده و گزارشهای آنرا برشمرد.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الکلمه لفظ وضع لمعنی مفرد.

انجام: والمفتوح ماقبلها یقلب الفا. ۱۰

[۲۰۹۱]

۱۱۰۸ این نسخه ش۱ ده راست و بخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف وباحاشیه‌هائی ریزتر. گ ۱ ب ـ ۶۸ الف. محمد مؤمن دارندهٔ نسخه بوده (۶۹ ب) ومهر «بنده و پا (ر امام مبین ـ بوس غمگسار نورالدین» هم در گ ۱ الف و ۷۰ الف دیده میشود ۱۵

(همهٔ دفتر ۹۹گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه ۱۳ ۱۹ و ۶ ۱۰/۵ س ۶

[۱۷۸۴] کاروبار قلندری (فارسی)

این‌نامهٔ جلعی و عرفانی از داستانهای شیعی است بنام ادهم قریشی واعظ که در آن داستانهائی شیرین آورده و در بسیاری از آنها از فقیهان و آخوندها ۲۰ خرده گرفته‌است. سخنهائی ازسنائی غزنوی و و حسنی و خواجهٔ طوسی ومولوی وحافظ وسعدی و بهائی در آن دیده میشود.

آغاز: هذا کتاب‌المسمی به کارو بار قلندری ـ بسمله. و به نستعین. انواع حمدات نامحدود و اصناف تحیات نامعدود لایق و سزاوار معبودیست

جلت قدرته کـه صحایف کائنات و مراتب موجودات تمامی و همگی مرآت ذات
و مظاهر صفات اویند . . امابعد این مجموعه‌ایست مؤلف موافق ذوق سالکان
طریق معنی و مناسب مشرب قاطعان بیابـان دعوی مسمی بکشکول مطبخ قلندری
که این خادم فقراو محب علما و خاکسار بیمقدارو نمود بی‌بود ادهم قریشی واعظ
۵ جهت ترتیب دماغ رندان قلندرصفت و تزیین مجلس درویشان ابدال سیرت جمع
کرده‌ودر آن برخی‌از هرمقوله‌از نصایح طریقت و دقائق‌حقیقت کلمات تحقیق‌آمیز
شوق‌انگیز اکثر درلباس مزاح و ظرایف و سورت قصص و حکایات مرقوم
ساخت ورعایت مناسبت وربط میان سخنان کماهوحقه‌نمود تااسم بامسمی باشد.

انجام: همه هیچند وهرچه هست همه اوست ودانائی‌اوراخود نه بدایت است
۱۰ ونه نهایت ...

خداوندا گنه بسیار دارم ولیکن راه فضلت می‌سپارم
چنان کن عاقبت‌محمود گردد وجود ما تمـامی جود گردد

(تمت‌الکتاب بفضل‌الملك‌الوهاب بتاریخ بیستم (۲۰) شهر ذی حجة‌الحرام من
شهورسنة۱۲۶۳ علی یداقل خلق‌الله محمد ابراهیم‌ابن مرحمت وغفران پناه جنت
۱۵ و رضوان آرامگاه‌المغفورالمبرور حاج محمد علی آتش سمت اتمام پذیرفت
ازخوانندهٔ این نسخهٔ شریف التماس دارم

مگر صاحب دلی روزی برحمت کند درحق مسکینان دعائی
غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقائی

از خوانندگان [illegible] که هر گاه غلط و سهوی بنظر شریف آورند
۲۰ [illegible] والسلام [illegible])

|۱۰۹۲|

[illegible] شنگرف
[illegible] ۲۰ [illegible] ۱۲۶۳ آرا
[illegible] ۱۱۹۰ [illegible]

۳۵ [illegible]
[illegible] ۱۷ ۹ ، ۳۱ ۱۰ [illegible] ۱۱

[۱۷۸۵] **کشف الغرائب** (فارسی)

این نامه درخرده گیری و نکوهش از چگونگی روزگار و از روش فرمانروایان زمان است و بسال ۱۲۷۷ بنگارش درآمده است (گـ ۴۹ الف) درآن از رسالهٔ ظرایف و لطایف اقبال‌الدولهٔ هندی بغدادی که دربارهٔ ایران نوشته ودرروزنامهٔ زوراء چاپ شده‌است یادگردیده و بندهائی از آن آمده‌است ۵
(۵۳ الف) گویا از میرزاملکم خان پسر میرزا یعقوب ارمنی سپاهانی (جلفای زاینده رود ۱۲۴۹ - لوبزان ۱۳۲۶) دانشمند و نویسندهٔ سیاسی‌ایران درروزگار قاجارمیباشد (۱)

آغاز :

من گنگ خواب دیده [و] عالم کر ۱۰

من عاجزم زگفتن وخلق ازشنیدنش

تنزلات محسوسه وامراض مزمنه که ازاین ریاست بیحرکت آناً فآناً عارض دولت علیه ایران میشود بقاطبهٔ اهالی ممالک محروسه وعده میدهد وقوع یک امرعظیمی راکه احدی از آحاد خلق نتوانند ازآلایش آن مستثنی نمایند .

انجام : نادرسایهٔ خواستهٔ کردگار چیست ـ تمام‌شد کشف‌الغرایب‌دریوم ۱۵
صبح روزشنبه دوازدهم شهرربیع‌الاول اودئیل ترکی یکهزاروسیصد و نوزدهٔ هجری دردارالخلافهٔ طهران صانهاالله تعالی عن‌الحدثان بیداقل خلق‌الله وچاکر درگاه ابوالقاسم مستوفی دیوان اعلی سمت تحریر یافت .

هرکه خواند دعا طمع دارم زانکه من بندهٔ گنه‌کارم

[۲۰۹۳] ۲۰

۱۱۵۴ این نسخه بخط شکسته نستعلیق میباشد و ابوالقاسم مستوفی دیوان شاهی در تهران دربامداد شنبه ۱۲ع۱ (اودئیل) ۱۳۱۹ آنرا بانجام رسانده .
(۵۸گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ سادهٔ مسوالی
اندازه : ۱۳/۵ ۲۰/۵ و ۸ ۱۵ س ۱۳

---

۱ـ سرگذشت اودرمجموعهٔ آثارمیرزاملکم خان ازمحمد محیط طباطبائی چاپ ۱۳۲۷ تهران هست ولی ازچنین نامه‌ای نام برده نشده . ۲۵

## [۱۷۸۶] کشف‌المراد (عربی)

خواجهٔ طوسی بدرخواست کسی در کلام شیعی امامی تجریدالاعتقاد درشش مقصد هریکی چندفصل نگاشته و در آن کلام‌را بافلسفهٔ مشائی بیامیخت واصول آئین شیعی‌را بادلیل استوار بداشت. دانشمندان شیعی وسنی گزارشها وحاشیه‌ها برآن نوشته‌اند و بفارسی هم درآمده است (ذریعه ۳۵۲:۳ و ۳۱:۶) نخستین‌بار شاگردش علامهٔ حلی برآن بنام «کشف‌المراد فی شرح تجریدالاعتقاد» گزارش نوشته و بگفتهٔ شمس‌الدین محمود سپاهانی سنی در تسدیدالقواعد اگر او چنین کاری نمیکرده بود متن تجرید هیچگاه روشن نمیشده‌است حلی آنرا بسادگی وروانی گزارش نمود و گذشته از بخش‌بندی خود خواجه هرفصلی را هم بچند مسئله و با شماره بخش کرده و بندهای متن را پس‌از «قال» و سخنان خود را پس‌از «اقول» آورده است.

دردیباچه میگوید که من از استادم طوسی بهره بردم واورا دانشمندی بزرگ یافتم و آنگاه که زنده‌بود ازاو پیروی کرده‌ام. پس‌از درگذشت او این «تجرید الاعتقاد» همو را که بسیار رسا و بیکو یافته‌ام چون فرا گرفتن آن دشوار بود دراین «کشف‌المراد فی شرح تجریدالاعتقاد» گزارش کرده‌ام.

درفهرست حلو ن (۱ ٦۷ و ٦۸) ازاین گزارش یاد کشته و نسخه‌ای شناسانده شد که محمدبن محمدبن اسد [illegible] آملی در ۷٤٥ آنرا نوشته و آنرا نزد فخرالدین پسر علامه خوانده و او در پایان [illegible] الدین خواندنش گواهی‌داده است. یکی از [illegible] دور [illegible] الدین دریایان آن نوشته که علامهٔ حلی این گزارش را [illegible] (ص ٢٤) در تاریخ ٦٩٣ [illegible] پس‌از [illegible] سالی بدان میپرداخته است.

[illegible] ۱۳۱۱ [illegible] و [illegible] سال ۱۳۵۳ سربی بچاپ [illegible] سپاهانی در ۳ ۱۳۵۱ را هم دیده‌ام.

**آغاز** : بسمله . و به نستعين . الحمدلله القاهر سلطانه العظيم شأنه الواضح برهانه العامر احسانه .

**انجام** : وسقط وجوبه مادفعا للضرر . فهذا ما حصل لنا من شرح هذا الكتاب ونحن نسأل الله تعالى ان يجعله ذخرا لنا يوم المعاد وان يوفقنا للرشاد بمنه و كرمه والحمدلله وحده . ۵

[۲۰۹٤]

۱۱۹٤ این نسخهٔ کهن بنسخ و عنوانهای «قال ــ اقول» و جز آنها بشنگرف و درشت تر است . برخی جاها حاشیه دارد بخطر یز ر. خواننده‌ای در برخی جاها عنوانهای مطلبها را بخط تازه تری بنستعلیق نوشت .

چنین است **آغاز** : (روحه الزكية فى) العلوم الالهية والمعارف العقلية ووجدناه (راكبا) نهج التحقيق (از دیباچه ــ میانهٔ دو کمانه در نسخه سائیده شده است) . ۱۰

**انجام** : افول الامر بالمعروف وهو القول الدال ... واستدل المصنف على ابطال الثانى بانهما لو وجبا (دوازده سطری کم دارد) گ ۳ الف ــ ۲۳٤ ب .

(۳۳۶گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج تریاکی وزبرآن سرخ وگرد آن زرد وضربی مقوائی .

اندازه : ۱۳/۵ ۱۹/۵ و ۹٬ ۱۳/۵ س ۱۶ ۱۵

## [۱۷۸۷] گزارش خبر کمیل (فارسی)

گزارشی است برخبر « حقیقت » کمیل بفارسی .

**آغاز** : از جمله حدیث مروبه از مولی الموالی آقای مؤمنان حضرت مولای متقیان امیرالمؤمنین ع که یکروزی برشتری سوار بودند و کمیل راردیف فرموده درعرض راه کمیل عرض کرد یا امیرالمؤمنین ماالحقیقه . ۲۰

**انجام** . فرمود چراغ را فرو نشان که صبح طالع گشت یعنی آنچه درخور فهم تو بود گفته شد و آنچه از وحدت حقه و کثرات موهومه توانستی فهم کردی وقربت ما وولایت موهومهٔ را دانستی .

[۲۰۹۵]

۱۱۶۹ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق شکستهٔ خوش و درهامش برگهای ۴۳ الف ــ ۴۲ ب میباشد . درهمینجا ترجمهٔ حدیث علی «یا کمیل مر اهلك ان یروحوا فی کسب المکارم ... کما نطرد غریبة الابل» هست بهمین خط و بتاریخ روز ۱۵ صفر ۱۳۲۸ . ۵

[۱۷۸۸] گفتار افلاطون (فارسی)

این گفتار همانستکه در ص ۳۲۶ شناخته‌ایم و پند افلاطونست بارسطو که دراخلاق ناصری آمده است .

**آغاز** : بسمله. وصایای افلاطون حکیم الهی که بشاگرد خود ارسطاطالیس را فرموده است . میگوید معبود خویش را بشناس . ۱۰

**انجام** : همیشه بر ملازمت سیرت عدل و استقامت و التزام خیرات مواظبت کن.

[۲۰۹۶]

۱۱۱۳ این نسخه ش ٤ دفتر و بهمان خط ش ۱ میباشد . گ ۴۳ الف ــ ۴۵ الف .

[۱۷۸۹] گفتار حلاج (عربی)

سخنانی است بنظم و نثر از حلاج عارف که کسی آنها را گرد آورده است . ۱۵

**آغاز** : قال . لم اسلم النفس بالاسقام تبلیها ــ الا لعلمی با . . ( موریانه خورده) یحییها ــ نفس المحب علی الآلام ( آلام ــ نسخه ) صابرة ــ لعل مسقمها یوما یداویها ــ و من کلامه منثورا : من التمس الحق بنور الایمان کان کمن طلب الشمس بنور الکواکب . . . وقد کان بطربنی وجدی فاشغلنی ــ عن رؤیة الوجد من فی الوجد موجود . قال العارف الاوحدی : انك لست انت . انت هو بلا انت . ۲۰ لاهو داخل فیك ولاهو داخل فیه . ولاهو خارج منك ولا انت خارج منه .

**انجام** . و مالا یجوز وجوده لا یجوز فنائه . وجودك لاشیء . واللاشیء الی شیء .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی کرمنابخاتم‌الانبیاء وشرفنا بسیدالاوصیاء ... فیقول . . . محمد جعفرالاسترابادی انه لاریب ان زیارات المعصومین من احسن الطاعات .

انجام : وادع بما احببت فانه یقضی . . . الحمدلله‌الذی وفقنی لجمع هذه الزیارات فی‌المشهدالمقدس ... بقرة عین‌السادات . . . ابی‌عبدالله‌الحسین علیه ... ۵ صلوات‌الله رب‌المشرقین .

[۲۰۹۹]

۱۱۸۰ این نسخه بنسخ است با عنوانهای شنگرف درمتن و هامش ودر دو جدول شنگرف و مشکی که نجفعلی انجدانی درجمادی یکم ۱۲۵۷ نوشتن آنرا بپایان رسانده است . ۱۰

(۲۵۷گ) ــ کاغذ فرنگی ــ تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۱۴ ۲۲ و ۸ ۱۵ س ۱۵

[۱۷۹۲] مجمل‌الحکمه (فارسی)

این کتاب را در ص ۳۴۵ همین فهرست شناخته‌ایم وآن درهمهٔ سرفصلها ۱۵ ۵۱ رساله خوانده شده وبخش چهارم آن نه مانند متن تازی نسخهٔ ما وچاپ هند و مصر دارای ده رساله میباشد و بترتیبی دیگر وباعنوانهای دیگراست . بخش سوم آن هم باچاپ هند یکی نیست گرچه همان ۱۷ شماره را دارد .

[۲۱۰۰]

۱۱۱۳ این نسخه ش۱۶دمراست و بهمانخط ش۱ وچندرساله‌ایست ازمجمل‌الحکمه ۲۰ بدینگونه : رساله ۱ قسم ٤ ( آراء و مذاهب و دیانات ) گ ۱۳٦ الف ــ ۱۲۹ الف و آغاز آن در س۲ ص ۱٤٦ چاپ ۱۳۰٤ هند دیده میشود ونیم صفحه‌ای کم دارد ؛ رسالهٔ ۲ قسم٤ (ماهیة‌الطریق الی‌الله) گ ۱۳۹ الف ــ ۱٤۰ ب ؛ رسالهٔ۳ قسم ٤ ( اعتقاد اخوان‌الصفا ) گ ۱٤۰ ب ــ ۱٤۱ ب ؛ رسالهٔ٦ قسم ٤ ( بیان آنچه بعداز مرگ خواهد بود ) گ ۱٤۱ ب ــ ۱٤۳ الف ؛ رسالهٔ۸ قسم٤ ( شناختن ۲۵ روحانیان) گ ۱٤۳ ب ــ ۱٤٤ ب ؛ رسالهٔ ۵ قسم ۲ (تکوین معادن) گ ۱٤٤ ب ــ

۱۴۸ الف ، رساله ۳ قسم ۳ (عالم حیوان بزرگ است) گ ۱۴۸ الف ـ ۱۵۱ ب ، رسالهٔ ۱ قسم ۱ (ارثماطیقی) گ ۱۵۱ ب ـ ۱۶۰ الف .

[۱۷۹۳] محصول (عربی)

دانشمند پارسای شیعی سید محسن بن حسن حسینی اعرجی کاظمی بغدادی نجفی (م ۱۲۴۰) نگارندهٔ این دفتر است (کنتوری ص ۴۹۳) که در اصول استدلالی است ودر دو فن (مباحث الفاظ ـ ادلهٔ اربعه) باید باشد. تنکابنی (ص ۱۴۳) آنرا گزارش وافیهٔ تونی (ص ۱۷۴۶ همین فهرست) پنداشته است ولی از خود آن برمیآید که کتابی است جداگانه چنانکه در روضات (ص ۵۲۳) آمده « و کتابه الکبیر الذی وسمه بالمحصول فی علم الاصول » و آنرا او پس از گزارش خود بر وافیه که در روضات دربارهٔ آن آمده « و کتابه الآخر الذی سماه بالوافی فی شرح وافیة مولانا عبدالله التونی » نگاشته است چه اینکه در آغاز آن دارد « وقد اوضحنا فی الشرح » ودر « المعلم الثانی فی الاباحة الشرعیة » (گ ۱۴۹ الف) دارد « وقد کنا فی شرح الوافیة بینا الکلام علی ذلك » (۱) .

آغاز: بسمله . و به نستعین علی القوم الکافرین . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین اما بعد فیقول . محسن بن الحسن الحسینی الاعرجی . هذا ما [illegible] وعدت به الطلاب من تألیف کتاب محرر فی اصول الفقه [illegible] الی [illegible] [illegible] بالمحصول فی علم الاصول . ورتبته علی مقدمة و [illegible] .

انجام: [illegible] اوامر المعارضة [illegible] (وجوب مقدمهٔ واجب ـ گ ۱۶۹ ر) الحمد [illegible] فی الاوامر والنواهی [illegible] الکلام فی الامر تارة تقع فی هذه [illegible] (۱۷۰ الف) وذهب [illegible] الی انها حقیقة فی الندب .

(۱) [illegible] ۳۹۹:۳ [illegible] ۱۲۹:۳ [illegible] رضویه ۲: ۳۷۳ ـ [illegible] ۳ ۴۸۵ .

هذا . قد جف قلمه طاب رمسه (گ۱۷۲ الف از بحث سوم مطلب دوم دراوامر ونواهی که در پایان گذارده شده و گویا نسخهٔ ما آشفتگی دارد) .

[۲۱۰۱]

۱۱۸۸ این نسخه بنسخ و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . نویسنده فن نخستین را در۳ محرم۱۲٤۲ نوشته است (گ۷۰ ب) و نامش موسی بن شیخ محمدعلی ۵
اعسم است ومطلب یکم همین فن را در۷ ج ۱۲٤۳/۲ نوشت (۳۵ الف) «محمد مخا الشیخ عبدالحسین‌الاعسم » در ۱۲٤۱ درآن نگریسته و « جوادالشیخ محمدالحکیم در ۱۲٤۸ دارندهٔ آن بوده است .

(۱۷۳گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

الدازه : ۲۲٬ ۳۰ و ۱۲/۵ ، ۲۳ س ۳۱ ۱۰

## [۱۷۹٤] مخزن گوهر [فارسی]

یعقوب‌شاه نورالله بسال۹۲۸ در این منظومه که بدان نام «مخزن گوهر »(برابر با ۹۲۸)داده است ازمعما گفتگو نمودو نخست آنرا تعریف کرد سپس در برابر هر کلمه‌ای شعرهائی گفت‌ودر دیباچه بنام خداو پیامبرو پیشوایان‌شیعی و تاریخ نگارش شعرهائی بروش معما آورد. تاریخ۱۰۰٦ درهم‌در هامش‌در همینجادیده‌میشود. ۱۵

آغاز :

| | |
|---|---|
| بسم رب مفتح‌الابواب | فتح‌الله لی طریق صواب |
| ان علیمی که عالم‌الاسماست | هرمعما باسم او پیداست |

انجام :

این نسخه که شد مخزن گوهر بمثال ۲۰

بگرفته ز نظم جوهری زیب وجمال

آخر بکمال چون رسید اتمامش

یارب که شود قبول ارباب کمال

والحمدلله علی الاتمام وحسن‌الاختتام والصلوة والسلام علی‌محمد خیرالانام

و آله و اشیاعه العظام الکرام اسمائه المعصومین الهمام ـ سپس در بارهٔ عبارتهای «حضرت شاه نورالدین نعمةالله ابقاه الله و خلد احسانه و اجلاله آمین» و «حضرت سلطان عادل شاه ولی سلطان مدالله ظلال عدالته الله و احسانه آمین» دو قطعه شعر دارد بدینگونه: «هذا ایضاً من صاحب البر له غفران السر ... و له ایضاً روح الله روحه العزیز ... در عصر در آستانهٔ حضرت معصومه قلمی گردید». ۵

[۲۱۰۲]

**۱۷۰۱** این نسخه بخط نستعلیق است و باعنوانهای شنگرف. گ ۲ ب ـ ۵۰ الف، در ۵۰ ب هم چند شعر پست درمعما.

(۵۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

۱۰ اندازه: ۱۱ × ۱۷ و ۸ × ۱۳ س ۱۶

## [۱۷۹۵] المذکر والمؤنث (عربی)

این رسالهٔ نحوی از احمدبن محمدبن احمد عروضی میباشد.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین و صلواته علی سیدنا محمد و آله اجمعین. هذا کتاب یشتمل علی ذکر المذکر و المؤنث الذی روی عن العرب و ذکروه ۱۵ فی الاشعار و جاء القرآن

انجام: و ما العوی ... الثالث الحدید و العصا و السبیل و الصلاح و الثوب (وجدت بخط المولی ... محمد تقی المجلسی حشره الله تعالی مع النبی والوصی و اولادهما ... [illegible] ... حشرالله مؤلفه مع الائمة الاطهار فی ۱۱۱۵ ـ من ... [illegible] ... محمدبن احمد العروضی)

۱۰ [۲۱۰۲]

**۱۷۰۲** [illegible] ش ۲ ... گهای ٤ ب (ازچهار ... [illegible] ... ۱ ... شماره دار ... دوصفحه (بنگرید ۶۳۵،۲۰)

[۱۷۹٦] **مرآت المحققين** (فارسی)

این رساله که از شیخ محمود شبستری است ( ش ۲٦۹ طوس و ٦۲٦/۳ مجلس ) در نسخه ش ۲۱٤٤ فیض‌الله استانبول از ابن سینا دانسته شد ( ش ۱۰٤ قنواتی و۱۸۲ ارگین - فهرست آقای دکتر مهدوی ص ۳۰۱ - ص ۷٥٤ چاپ یکم روضات) . ۵

این رساله آمیخته‌ایست از فلسفه و عرفان و در هفت باب ( نفس طبیعی ونباتی وحیوانی وانسانی - صوره‌وجودات - واجب وممکن وممتنع - حکمت آفرینش - مبدء ومعاد - برابری آفاق وانفس (برابری تن‌باگیتی) برابری آفاق وانفس درجهان آسمانی) ودرشیرازدر۱۳۱۷ بچاپ رسید (ص٤۹۲ فهرست ما) .

۱۰ آغاز : مرآت‌المحققین - بسمله وبه نستعین . حمد وثنای بی‌عدد حضرت ذوالجلال راکه آثار قدرت او درعالم آفاق و انفس ازآفتاب جهانتاب برچشم اهل بصیرت تابان (تر) است ... بباید دانست که این مختصریست در بیان معرفت نفس وعلم خداشناسی ودیدن ودانستن‌لقای حق ... واین کتاب‌رامرآت‌المحققین نام نهاده آمدی .

۱۵ **انجام** . واماچون نظربذات کنیم همه‌درتصرف امروقدرت او یك چیزیم اینجا وحدت روی نماید والسلام علی من‌اتبع‌الهدی (والله اعلم بالصواب) .

[۱۱۰٤]

**۱۱۳۰** این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱و۲ و در گ ۷ الف - ۲۰ ب .

۲۰ [۱۷۹۷] **المسائل الفخرية** (عربی)

فخرالدین محمد فرزند علامهٔ حلی برقواعدالاحکام پدرخود که برای او نوشته اشت گذشته از گزارشی که بنام ایضاح‌الفوائد نگاشته حاشیه‌هائی هم نوشته است واین حاشیه‌هارا چنانکه درذریعه (۱۷۲:٦) هم آمده علی بن مظاهر

فخرالـدین » و « کتب محمدبن المطهر مشافهة » و « کتب فخرالدین مشافهة » و «مشافهة» و « بخطه... فخرالدین » و « بخطه » و « من املاء فخرالدین » و « من املاء فخرالدین (محمدبن المطهر) مشافهة » و « من لفظه » و « من املاء مولانا محمدبن المطهر مشافهة » و « فخرالدین بن المطهر املاء » و « من املاء شیخنا فخرالدین محمدبن الحسن بن المطهر رحمه‌الله مشافهة » و « من املاء المصنف » و « انقل عن مولانا ۵ فخرالدین بن المطهر مشافهة » و «قوی الشیخ فخرالدین بن المطهر » و « قال الشیخ فخرالدین بن المطهر » و « کتب محمدبن المطهر صحیحة » و « من لفظ مولانا فخرالدین بن المطهر مشافهة » و « منقول من اشکالات القواعد لمولانا فخرالدین المطهر » و «حاشیة من املاء المصنف قدس‌الله سره» (هامش) و « لیست فی الاصل بل حاشیة » و «هذه صحیحة و کتب محمدبن المطهر » پس روشن است که علی بن ۱۰ مظاهر این را از روی گفته‌ها و نوشته‌های استاد خود نگاشته است. واستاد هم در بسیاری از جاها از سخنان پدر و پاسخها که او بپرسشها میداده است آورد. این شاگرد نسخهٔ قواعدی را که فخرالدین نزد پدر خوانده بود در دست داشته واز آن در بسیاری از جاها سود برده است. همهٔ این نکته‌ها از عبارتهای آینده پیداست چنانکه دارد: ۱۵

« وجدت فی الکتاب الذی قراءه فخرالدبن علی والـده » و « من الکتاب الذی قراءه فخرالدین » و « من الکتاب الذی قراءه فخرالدین بن المطهر دام ظله علی والده المصنف » و همین عبارت با افزودهٔ « و بخطه » و « من الکتاب الذی قراءه علی والده » و « کتب محمدبن المطهر عنه مشافهة » و » و کتب فخرالدین املاء عنه » و « فخرالدین و نعل عن والده » و « من املاء المصنف نقلها من الکتاب ۲۰ الذی قراءه ولده » و «وجدت فی کتاب فخرالدین بن المطهر علی القواعد التی قراءها علی والده المصنف رحمه‌الله بخطه » و « من املاء المصنف ادام (رحمه : بسرخی) الله ایامه من الکتاب الذی قراءه علیه (علی ـ خط خورده روی ، ی ،) ولده (والده ، بوده وروی ، الف ، خط خورده) فخرالدین رحمه‌الله » و « نقله عن والده قدس

سره وقراءة » و « من الکتاب الذی قراءه فخرالدین بن المطهر علی المصنف والده قدس الله روحه » .

و « الاولی عندی ما اختاره والدی قدس الله سره فی المختلف . . و کتب محمد بن المطهر مشافهة » (۱) و « مایقول مولانا ... و کتب محمد بن المطهر عنه مشافهة » و « مسئلة ما یقول مولانا ( ادام الله فوائده ) . . . و کتب فخرالدین » (در دوجا) و « ما یقول مولانا ادام الله حیاته فی الارشاد . . . الجواب عن ذلك كله . . . کتب محمد بن المطهر عنه مشافهة » .

در پایان قضاء (گ ٥٨) دارد : « من املاء شیخنا فخرالدین محمد بن الحسن بن المطهر رحمه الله مشافهة . . . ه . تمت بحمدالله وصلی الله علی سیدنا محمد وآله و کتب محمد بن الحسن بن المطهر فی ثانی عشر جمادی الاول سنة خمس و خمسین وسبعمائة » پس تاریخ حاشیهٔ فخرالدین از اینجا روشن میگردد که نزدیك ۷٥٥ بدان میپرداخته است .

نیز دارد : « قال ضیاءالدین » و برمز « ض » در خیلی جاها چنانکه در پایان وصایا از این نشانه یاد نمود . همچنین نشانهٔ « فخرالدین و ض » در آن دیده میشود . پیداست که سخنان ضیاءالدین بن اعرج حسینی هم در این حاشیه آمده است در وصایا (گ ۳۹ الف) دارد « ومن المصنف قال [illegible] » پس از گفتهٔ او هم بهره برده شد . در احیاء موات (گ ۱٤۱ ب) دارد « ابن النجار عن الشهید رحمه الله » پس این حاشیه پس از درگذشت شهید یکم (۷۸٦) بنگارش در آمده است و چون در آن دارد « مسئلة [illegible] مولانا [illegible] محمد بن المطهر رحمه الله بحضرة مولانا وسیدنا ابی عبدالله [illegible] علی بن مظاهر ، گفته‌ها و نوشته‌های [illegible] در [illegible] او و در [illegible] و شاید در جاهای [illegible] او (۷۷۱) هم بدین کار میپرداخته‌است .

۱ [illegible] ۷۰٤ [illegible] فی الجعالة [illegible] ان الاجازة [illegible] لازم . . . »
[illegible]

نام‌درست این علی بن مظاهر « حاج زین‌الدین علی بن عزالدین حسن بن احمد بن
مظاهر حلی » میباشد و فخرالدین روی نسخه های نهایة‌الاحکام علامه در ۱۰ع۱
۷۵۵ و قواعد هم و در ذیحجهٔ ۷٤۱ برای او اجازه نوشته‌است. این دومی در اجازهٔ
بیاضی به بویهی در ۸۵۲ گذارده شده است (اجازات‌بحار ص٤٦ـ ذریعهٔ ۱: ۲۲۱)
واز آن بر میآید که سید زین‌الدین علی بن دقماق و جمال‌الدین احمد بن حسین بن ۵
مطهر از همین ابن‌مظاهر همین اجازه را گرفته و به‌بیاضی داده اند. فخرالدین
همین « مسائل مظاهریه » را که به « الحواشی الفخریه » نامبردار است بهمین ابن
مظاهر بخط خود اجازه داده است. (ذریعهٔ ۱: ۲۳٦)

آغاز در ۱ الف نسخهٔ‌ما : رأس المال الدراهم الساقطة ه قال فخرالدین:
مثاله ان تأخذ من الدراهم المتجددة بقدر تلك ... و جعلناه رأس‌المال. تکمیل. ۱۰
قوله: والحیاکة ه عمل الکتان ه والنساجة عمل الزلالی. قال فخر الدین مشافهة.
قوله و کسب الصبیان ه یرید به الکسب المجهول سببه ووجهه فیکره ذلك للولی
وللاجنبی معا (کتاب المتاجر مقصد۱ فصل۱ قواعد ص ۱۱۹ ج۱ چاپی)

پایان وصایا در ٤۱ ب : قوله و خمس المأتین علی الثانی ه ای علی الوجه
الثانی وهو القسمة‌اسداساً ... حصلت علی الباقی بین القسمة للاول و الثانیة من العبد ۱۵
لاغیر ه فائدة: الاشیاء التی بناها الشارع علی التغلیب ستة متفق علیها وهی الجنایة
والعتق والوطی والرضاع والاسلام والارث و واحد مختلف فیه و هو التدبیر ه
من املاء فخرالدین.

فرغ من تسویه هذه المسائل بعون الله و توفیقه اکثر العباد زللا و اقلهم عملا الراجی
من الله غفران ذنبه وستر عیبه بمنه و طوله محمد بن اسمعیل بن علی بن یونس بن ۲۰
عباس بن محمد بن منصور بن حسین بن الیاس الزاهد عفاالله عنه وعن والدیه وذلك
آخر نهار الثلثاء لخمس خلت من شهر رجب الاصب سنة ثمانیة عشر و ثمانمائه.
و کل مسئلة علیها س نطهرلی انه الشیخ نعی والدی عن الفخر ملمعین علیها اسمه
و ماخلا من العلامة ماعرف سنده. و افق الفراغ من نقلها سادس شهر ذی الحجة

سنة سبع وعشرين و ثمانمائه. والحمدلله وحده وصلی اله علی سیدنا وسیدالمرسلین محمد وآله. (آنچنانکه من توانستم بخوانم. بکلیشه بنگرید)

آغاز نکاح در گ۳۰۴ب: بسمله. اللّٰه‌الموفق. کتاب النکاح. قوله وینبغی ان یتخیر الولود ه. التی تکون امها و لودا وافاربها کذلك الا نادرا ه.ضیاءالدین الاعرج: لو ضم الی السنة طلب المال والجمال لم یکره بخلاف مالو لم یطلب السنة بل لهما او لاحدهما. ولو طلب کل من المال او الجمال ولم یضم الولد ولا السنة کان ذلك مکروها. قوله ویکره ان یطرق اهله لیلا ه فخرالدین بن المطهر: یرید به الزوجة لاغیر ولا یرید به غیرها من الاهل کالاخت والبنت وشبه ذلك. قوله و فی المحاق ه. فخرالدین مشافهة: المحاق یکره فیه الجماع لیلا و نهارا قوله واوسعهن رزقا ه. ای یرزقه بسببها رزقا و اسمالان نفقتها واجبة فاذا رزق کثیراً کان رزقها وسیعا. ضیاءالدین. قوله و محتلماً قبل الغسل ه. من الکتاب الذی قراءه فخرالدین علی والده المصنف و بخطه روی الصدوق عن رسول اللّٰه .. فلا یلو من الا نفسه ه فخرالدین مشافهة قول الشیخ نجم الدین سعید.

انجام در گ۱۹٤ الف وب: قوله ولا مجنون وان ورثوا ه. لوعقل المجنون وهو من العصبة بعد الجنایة او بلغ الصبی .. و کونه معتقا حالها و کتب محمد بن المطهر رحمه. قوله والشرکاء فی عتق عبد واحد ه. من الکتاب الذی قراء علی والده و بخطه: الشرکاء فی عتق عبد واحد .. مثل ذلك الاخ مع بینة. قوله و فی اشتراط اتحادالجرح اشکال ه مثاله لو ضربه خارصات متعددة فی مواضع ... ضعف فی عدم التحمل ه. الاقوی عندی ان العاقلة لا یحمل ذمة مانقص من الموضحه و یؤخذ ... خطاء من الجانی فی ثلث سنین و کتب محمد بن المطهر. قوله و لا تضمن العاقلة عبداً ولا بهیمه ه مثاله لو جنی عبد لاتضمنه عاقلة مولاه ... البهیمه ... ه. ... دعاء الاستخارة جعل یدیه علی منکبه.

... المسائل المعسرة بعون اللّٰه ... و ذلك فی اوقات آخرها نهار الخمیس لیاله ... من شهر ... سنه و عشرین و ثمانمائة والحمدلله وحده. غفر اللّٰه لمن دعا لکاتبها و ...

[۲۱۰۵]

۱۱۹۲ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نسخ کهن وعنوانها بشنگرف میباشد ونیمی از آن درپایان روز سه شنبه پنج روز گذشتهٔ ازرجب ۸۱۸ نوشته شده ودر۲ ذی‌حجهٔ ۸۲۷ پاکنویس گردید ونیمهٔ دوم درروز پنجشنبه یکشب ماندهٔ از رجب ۸۲٦ نوشته شده است . نام نویسندهٔ آن درپایان نیمهٔ دوم دیده میشود . گ۱ ب ــ ۹٤ ب . در٤۲ الف و٤۳ الف دعا و خبراست و بندی دربارهٔ کنیه‌های امامان.در ۹۵ الف ــ ۹۹هم اخباراست بخط دیگرو بدینگونه آغازمیشود «من‌الجزء‌الثانی من کتاب تمییز(؟) الطالبیین ومناقب‌الخلفاء‌الراشدین للشیخ محمدبن یوسف بن محمد‌الشافعی » .

(همهٔ دفتر ۱۰٦گ) ــ کاغذ سمرقندی زرد ــ جلد ندارد

اندازه : ۱۹×۱۴ و ۱۰×۱۲/۵ س ۱۹

## [۱۷۹۸] مساحت (رسالهٔ ...) (فارسی)

این نامه درسه باب است ودرمساحت .

آغاز : بسمله . بدانکه مساحت عبارت‌است ازاستعلام امثال واحدمفروض خطی یا ابعاض او درممسوح .

**انجام** : ومساحت جمیع‌اقسام مذکوره‌ازاسطوانه یعنی مستدیره ومضلع وقائم ومائل حاصل ضرب قاعدهٔ اواست درارتفاع او .

[۲۱۰٦]

۱۱۱۹ این نسخه ش ۱ دفتر و بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف ودرپایان دارد : «تمت‌الرسالة‌الشریفة فی شهرذی‌قعده من شهورسنة خمسین بعدالالف حرره الداعی طهماسب قلی » درپهلوی آن بخط شکسته دارد : « ازروی خط سیدالسادات میرمحمد زمان سبزواری سلمه‌الله تعالی مسوده نموده شد » گ ۲ ب ــ ۵ الف مهر سیدمحمدکریم دردو برگ آغازدیده میشود .

(همه دفتر ۹۳گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج تریاکی ضربی مقوائی با برگردان

اندازه : ۲۳×۱۳/۵ ــ ۱۵×۸ س ۱۵

گ ٨٤ الف المسائل الفخریه ش ١١٩٢

گ ٨٨ الف المسائل الفخریه ش ١١٩٢

## [١٧٩٩] مضيي الاعيان (فارسی)

مولی حیدر بن محمد خوانساری نگارندۀ زبدة التصانیف (ص ٢٢٦٧ همین فهرست) بنام «ابو المظفر شاه عباس حسینی بهادر خان» ایندفتر بپرداخت ودرسال ١٠١٤ (= مضيي الاعيان) آنرا بانجام رساند. ایندفتر شاهکاریست درمحاسبۀ آیتها با شمارش ابجدی . ٥

آغاز : بسمله بدانکه این رساله ایست مسمی بمضيي الاعيان در بیان اظهار اسامی شریف شافع روز محشر و ائمۀ اثنی عشر ... ازز بر بینات آیات معینۀ کلام ربانی که حضرت حق ... در شأن ... علی بن ابی طالب و باقی ائمه ع تنزیل فرموده ... و بدانکه نزول این آیات . . . درحق علی بن ابی طالب نه تنها از طرف شیعه مشهور راست بلکه در کتب جمهور نیز مسطور راست چنانکه ... مولانا فتح الله بن ١٠ مولانا شکرالله کاشی قدس الله سره و نور ضریحه درتفسیر خود که مسمی بمنهج الصادقین است از تفاسیر اهل سنت بیان نمودو... مولانا ابی طالب استرابادی علیه الرحمة والغفران در ... حدائق المتقین اظهار آن فرموده .

انجام .

صد شکر که ثنای شاه دوجهان ز اسرار کردم نکتۀ چند بیان ١٥
تاریخ رساله را و اسمش را هم چون پرسیدم گفت مضيي الاعيان

١٤١ (١٠١٤) (والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطنا وصلی الله علی محمد وآل محمد) .

[٢١٠٧]

١١٩٦ این نسخه ش ١ دفتر است و بنستعلیق و عبارتهای تازی بنسخ درشت تر و رقمها برخی شنگرف میباشد ودرروز پنجشنبه ٢٢ ج ١٢٦٤/١ ابراهیم شهریاری نوشتن آنرا بانجام رساند . گ ٢ الف ــ ٨١ الف . ٢٠

(همۀ دفتر ١٣٤ گ) ـ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی یکلا
اندازه : ١١ × ١٦/٥ و ٦ × ١٢ س ١٤

## [۱۸۰۰] معدن البکاء (عربی)

محمدصالح بن محمد برغانی قزوینی پس از نگارش غنیمة المعاد و مسلك الراشدین بنوشتن ایندفتر درسر گذشت امام حسین ع بنسام معدن البکاء فی مصیبة خامس آل العباء در یك مقدمه و چهارده مجلس و یك خاتمه بپرداخت (ص ۲۰۴۳ همین فهرست) .

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین اما بعد فیقول . . . محمد صالح بن محمد البرغانی مسقطا القزوینی منزلا .

**انجام** : فادخلت النار فانقلب لسانی الی لسان اهل النار الحمدلله اولا و آخراً وظاهراً و باطنا .

[۲۱۰۸]

۱۱۸۷ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای درشت تر و نشانه‌های شنگرف و دردو جدول سرخ و سبز است از «۱ والقاسم» .

۲۷۷ گ ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج قرباکی متوالی

اندازه : ۲۰ ۲۹٫۵ و ۱۲٫۵ ۲۱٫۵ س ۲۷

## [۱۸۰۱] معراج الاصول (عربی)

ان دفتر همانست که در ص ۱۷۲۳ همین فهرست شناخته شده است. نام آن در این نسخه‌ها «معراج الوصول فی شرح منهاج الاصول» میباشد

[۲۱۰۹]

۱۱۱۶ این [illegible] و برخی باها حاشیه دارد بخط ریزتر [illegible] مطلبها در گوشهٔ راست بالای رویهٔ [illegible] زیرین بونویس میباشد . برخی [illegible] رفته است .

بسم الله الرحمن الرحيم

ک ۲ ب معراج الوصول فی شرح منهاج الاصول ش ۱۲۱۴

**آغاز** : بسمله . رب تمم ویسر . سبحانك . اللهم یا واجب‌الوجود ویا واهب‌الخیر والجود .

**انجام** : والله اعلم بالصواب . ولاحول ولا قوة الا بالله‌العلی العظیم والحمدلله رب‌العالمین .

(۳۴:۳ ك) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه . ۱۲/۵ × ۲۲ و ۸/۵ × ۱۸ س ۲۰

## [۱۸۰۲] معراج‌الحکیم ومنهاج‌القویم (فارسی)

در این دفتر از کیمیا گفتگو شده و نگارندهٔ آن ناشناخته است .

**آغاز** : بسمله . و به نستعین . این کتاب که مسمی بکتاب معراج‌الحکیم ومنهاج‌القویم بود بدست این بنده آمده و پس از شرح مفصل سرلوحهٔ آن که نامی از شارح و مصنف آن برده نشده بود و نسخه کننده در آخر کتاب نوشته بود که این نسخه از خزانهٔ حضرت ثامن‌الائمه حضرت رضاعلیه‌السلام استنساخ شده تیمنا و تبرکا از مقدمه شروع نمود و من‌الله‌التوفیق و علیه‌التکلان . اعوذبالله من‌الشیطان‌الرجیم بسمله بدان ارشدك‌الله الی سواءالسبیل که موضوع علم صناعت کیمیا فلزات ذائبه منطرقه است از حیث استعداد و وصول آنها بغایت کمال که آن مرتبهٔ ذهبیت است .

**انجام** پس هر جسدی که قابل و لایق دانه طرح کند و هو الموفق والمعین (این نسخه از کتابخانهٔ حضرت امام رضا . نوشته شد قد تم‌الکتاب بیدی ... [illegible] ۱۳۰۵ [illegible] ب‌الفرمایش ... این وجیزه [illegible] هزار و سیصد و پانزده ۱۳۱۵ بیداقل [illegible])

## [۲۱۱۰]

[illegible] میباشد .

۱۰۹۱

(۶۶۲ ك) ــ [illegible] تیماج [illegible]
اندازه : ۱۱ [illegible] ۱۷ و ۷ × ۱۲ س ۱۳

## [۱۸۰۳] معراج الشريعة في شرح منهاج الهداية (عربی)

دانشمند شیعی محمد ابراهیم کلباسی درفقه منهاج‌الهدایه نگاشته است (کنتوری س ۵۶۷ - طوس ۵ : ۶۲۹) و گویا پسرش محمد مهدی (م ۱۲۹۲) این گزارش آمیخته را بر آن نوشته و بدین نام نامید (طوس ۵:۵۰۹).

[۲۱۱۱] ۵

۱۲۱۵ این نسخه نسخ است وعنوانها شنگرف ومتن زیرخط سرخ و چنین است :
**آغاز** : الجزء الثالث من اجزاء معراج الشريعه . و به توكلى و اعتمادى .
بسمله . الحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين ... و بعد فهذا هوالجزء الثالث من اجزاء معراج الشريعة فى شرح منهاج الهداية فى صلوة الجمعة والعيدين والآيات وغيرهامن الصلوات الواجبة والمستحبة واحكام السهو والشك والجماعة ۱۰ و صلوة المسافر و احكام الجنائز . قال اعلى الله مقامه : المقصد الثالث فى بقية الصلوات وفيه منهاج .

**انجام** : وليكن هذا آخر المجلد الثالث من مجلدات معراج الشريعة ويتلوه المجلد الرابع فى كتاب الزكوة والخمس والصيام وفقناالله للاتمام ... وكان الفراغ من تسويده ۱۵ فى العشر الآخر من شهر ربيع الاول سنة خمس وستين و مأتين من بعد الالف من الهجره على هاجرها آلاف التحيه والسلام والصلوة (۲ ب - ۱۷۴ الف) .

(۱۷۴گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۹ ۲۹ و ۹/۵ ۱۸ س ۲۷

## [۱۸۰۴] معيار العبادات (فارسی)

این نامه همانست که در ص ۹۵۰ همین فهرست (ش ۴۸۱) شناسانده شده است . ۲۰

[۲۱۱۲]

۹۷۲ این نسخه ش۳ دفتر است و نسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف در گ ۱۹ ب - ۳۵ الف میباشد .

غیاث‌الدین منصور فیلسوف دشتکی شیرازی (م ۹۴۸) تعدیل‌المیزان نوشته ودر آن بشفای شیخ وسخنان لوکری و بهمنیار و فخر رازی و خواجهٔ طوسی و سهروردی و ابهری و کاتبی و سمرقندی نگارندهٔ قسطاس و شهرزوری شارح تلویحات و پدر خود که در آن زمان زنده بود نگریسته و برخی از آنها را با رمز نشان داده است. این کتاب او که خود در دیباچه چنین نامیده چند نمط و باب مشرع ودو منهج هرباب دارای چند مطلب در آن گذارده شده است. او میخواسته آنچه این دانشمندان در منطق گفته‌اند در آن بیاورد و بررسی‌های خود را بر آن بیافزاید وروش ارسطو را هم نگاهبدارد. شوشتری در مجالس المؤمنین میگوید «کتاب تعدیل‌المیزان در منطق که خلاصهٔ منطق شفا است با سوانح طبع نقاد ایشان، دیگر کتاب معیار الافکار که خلاصهٔ تعدیل‌المیزان است» او پس از برشمردن نگارشهای دشتکی می‌نویسد «اینست آنچه از تصانیف حضرت میر بنظر فقیر رسیده» آغاز این تعدیل را چنانکه در نسخه‌ای ناقص که تا پاره‌ای از مطالب چهارم منظر یکم نمط چهارم درمبحث حمل از رسالهٔ پنجم و کتاب چهارم درانولوطیقا وقیاس را دارد چنین دیده‌ام «بسمله. ... المستفیئین ایدنا بتعدیل میزان الانظار تبصرة لمقاصد النجاة والشفاء ... معیار الافکار وصولا الی منتهی اشارات العرفاء ...» (از روی نسخهٔ مرعشی- نیز ذریعه ۴:۲۱۱- ذیل چلبی ۱ ۲۹۵).

دشتکی چنانکه شوشتری هم گفته است از تعدیل المیزان گزین نموده در یك [illegible] در [illegible] فارابی و ابن سینا «معیار العرفان» چنانکه در نسخه ما [illegible] معیار الافکار» چنانکه در مجالس المؤمنین و پیروی از آن در ذریعه یاد شده [illegible] و در [illegible] (مانند [illegible] و جز آن) از همین تعدیل المیزان [illegible] گردیده و [illegible] را [illegible] باز گردانده او [illegible] از همین همین معیار العرفان همان نامهای یونانی [illegible] گویا پس از خواجهٔ طوسی

دراساس الاقتباس و منطق تجرید کسی بجز دشتکی کتابی باین خوبی و رسائی آنهم بروش پیشینیان ننوشته باشد .

او پس از برهان درفنون ششم تانهم، مغالطه و شعر سپس خطابه و جدل را آورده است نه بروش پیشینیان .

۵ درفهرست طوس (۱:٤ منطق) از تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار اثیرالدین ابهری و گزارش آن از خواجهٔ طوسی بنام تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار نگارش ٦٦٥ یادشده و این دومی معیار الافکار دشتکی پنداشته شده است با اینکه بگواهی ذریعه (٤: ٢١٠) باید از طوسی باشد (نیز چلبی ۱: ۳۳۷ - ذریعه ٤: ٤٥٥) و این یکی با هیچیك ازدو کتاب تعدیل المیزان و معیار العرفان دشتکی پیوستگی ندارد .

۱۰ درهمین فهرست طوس (٤: ٣٦٨) دو نسخه از همین «معیار العرفان» شناسانده و پنداشته شده که «تعدیل المیزان» دشتکی است با اینکه فهرست مطلبها و آغاز و انجام آنها درست مانند نسخهٔ ما میباشد. پس با نسخهٔ ما سه نسخه از معیار العرفان دشتکی را میشناسیم . این هم گفته شود که درهامش حاشیهٔ ملاعبدالله یزدی بر تهذیب المنطق تفتازانی چاپ ۱۳۲۳ حاشیه هائی است با نشانهٔ « تعدیل المیزان » و آن از دشتکی ۱۵ نیست و حاشیه ایست بر این حاشیه و چنانکه چاپ کنندهٔ آن نوشته است همهٔ آنهم درهامش آمده است (ذریعه ٦ : ۱۰٦) و محشی آن هم شناخته نگشت .

آغاز : بسمله . اللهم ایدنا بالمنطق الفصیح و وفقنا بالنظر الصحیح وصل علی غیاث حق منطقه معیار العرفان و تعدیل میزان الحجة و البرهان واجعل اهله اهل الحق منصوراً ومن صدقه بنیل ماصوره مسروراً و بعد فان الفقیر الحقیر غیاث ۲۰ المشهور بمنصور یقول لما ذهبنا بتکمیل عیار جواهر الانظار المحلی بها مرآة حقائق الافکار ودقائق الاسرار الشارقة من مشارق الانوار دعانا بعض الاخیار الی نظم معیار اعتبار هذه العیار فرتبناه تبصرة للنظار من ارباب الانظار و تذکرة للاحبار الاخیار من اصحاب الاعتبار و نظمناه مسئولا فی تسعة فنون مفتتحاً بفاتحة نافعة .

ووفور الاطلاع والله المستعان فی البدو والختام وبه الاعتصام.

پس از این در ۵۳ب ـ ۵٤ الف بخط نستعلیق بندیست دربارهٔ بانك كردن گوش درشبها وروزهای هفته .

(همهٔ دفتر ۱۰۰ گ) ـ كاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشكی ضربی
اندازه : ۱۰/۵×۱۵/۵ و ۱۰/۵، ٦ س۱۵

۵

## [۱۸۰۷] مقامات (عربی)

اینـدفتر در ۵۰ مقامه است و ابی‌قاسم بن علی حریری بصری (٤٤٦-۵۱٦) در بصره بروایت از دو مردی ساختگی بنام حارث بن همام از ابی‌زید سروجی برای انوشیروان وزیر آنرا ساخته است . چندین گزارش براین مقامات نوشته‌اند كه در چلپی (۲:۹-٤۹٤) یاد گردید (۱) .

۱۰

۱ـ پس از حریری ابن بسام ابی‌الحسن علی بسامی شاعر م ۳۰۳ برای ابی‌حامد محمد بن محمد شهزوری در ۳۰ مقامه و بدیع‌الزمان همدانی م ۳۹۸ در ٤۰ مقامه بروایت از عیسی بن هشام از ابی‌الفتح اسكندری ودرروزگار حریری و پس از او زمخشری م۵۳۸ پس از ۵۱۲ در ۵۰ مقامه و شیخ جمال‌الدین ابی‌الطاهر محمد سرقسطی ابن اشتر كونی م ۵۳۸ بروایت از منذر بن حمام از سائب بن همام در ۵۰ مقامه بنام سرقسطیهٔ لزومیه و ابی‌العباس یحیی نصرانی بصری پزشك م ۵۸۹ بنام مسیحیه و ابوالندی ابن صیقل محمد بن ابی‌الفتح نصرالله بن رجب جزری م ۷۰۱ بروایت از قاسم بن جربال از ابی‌نصر مصری بسال ٦۷۲ بنام زینبیه و بدرالدین ابی‌المحامد احمد رازی بروایت از قعقاع بن زنباع در ۱۲ مقامه بسال ۷۰۰ و شمس‌الدین محمد جذامی صائغ دمشقی م ۷۲۰ بنام شهابیه برای قاضی شمس‌الدین خوئی وسیوطی م ۹۱۱ در ۲۹ مقامه یا رساله مقامات نوشته‌اند . ازمقامات روحهٔ محمد بن عیاض لئی هم نام برده‌اند . در زبان فارسی مقامات حمیدی را میتوان یاد كرد كه نگارندهٔ آن در ۵۵۹ در گذشت ودر ٢٤ مقامه است (سبك شناسی ۲:۳۲٤) .

اطواق‌الذهب زمخشری در ۹۹ مقاله و اطباق‌الذهب شرف‌الدین عبدالمؤمن سفروهٔ سپاهانی (سدهٔ ۱۰) در ۱۰۲ مقاله گرچه افسانه نیستند ولی درعبارت نزدیك باین مقامات میباشند .

۱۵

۲۰

۲۵

آغاز : هذا کتاب مقامات الحریری لابی القاسم البصری . بسمله . اللهم انا نحمدك علی ماعلمت من البیان والهمت من التبیان .

انجام : ویحظی بالعفو انه هو اهل التقوی واهل المغفرة وولی الخیرات فی الدنیا والآخره والحمدلله تعالی حمدا یضاهی فضله و یشکل نعمته والصلوة علی نبیه المصطفی
۵ وآله اجمعین .

[۲۱۱۵]

۱۱۰۵ این نسخه بخط نستعلیق خوش است با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف میباشد . حاشیه‌ها لغوی در آن هست بخط ریزتری . در ۱ الف تاریخ ۲۲ ذی‌حجه ۱۲۶۸ دیده میشود . در آن دارد «سنهٔ ۱۲۶۰ -- این کتاب مقامات را در میدان صاحب
۱۰ تبریز در یوم سه شنبه دهم ربیع ثانی عام ۱۲۹۴ خریدم بمبلغ ۲۰۰۰۰ .

۲۴۴گ — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵/۵×۲۲/۵ و ۷ ۱۴ س ۹

[۱۸۰۸] المقتنی فی سرد الکنی (عربی)

شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز ذهبی ترکمانی دمشقی
۱۵ شافعی حافظ مورخ (۶۷۳ - ۳ ذیقعدهٔ ۷۴۸) در این نامه از کنیه‌هائیکه در آغاز آنها «اب» یا «ام» است کنیه‌ها گرد آورده [illegible] و آنرا از روی الکنی از نسائی و ابواحمد حاکم که در چهارده سفر [illegible] نوشته است و [illegible] نداشتند و او مرتب نموده و کنیه‌های «ام» را هم که در [illegible] نبوده است بر آن افزوده (ریحانة الادب ۲ ص ۵۵) [illegible] (۲۰۰) [illegible] که ذهبی [illegible] ۷۳۲ بانجام رسانیده و سفافسی هم
۲۰ [illegible] نسائی بر آن افزوده در نسخهٔ [illegible] که درباره کنیهٔ زنان است افزودهٔ خود او است .

آغاز : [illegible] وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الحمدلله الذی لم یتخذ ولدا ولم [illegible] محمد بن احمد بن الذهبی ... فهذا
۲۵ مؤلف [illegible] الیه [illegible]

**انجام** : ام‌الهذیل عن انس هی حفصة بنت سیرین . . . و کثیر منهن تکنی بکنیة زوجهاوالله‌اعلم (تم‌الکتاب‌المبارک ... علی ید .. عمران‌بن عامرالازهری المالکی ... اواخر یوم‌الاحدالمبارک ثانی عشری شوال ... من شهورسنة ۱۰۹۰ وحسبناالله ... ویتلوه ... نزهةالالباب فی‌الالقاب لابن حجر جزء لطیف نحوامن خمسة عشر کراساً والله اعلم) . ۵

[۲۱۱۶]

۱۱۵۶ این نسخه ش ۱ دفتراست و بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف عمران‌بن عامری ازهری مالکی که درپایان روزیکشنبه۲۲ شوال۱۰۹۰ آنرا بانجام رساند . گ ۱ ب ـ ۱۰۵ الف .

۱۰ (همهٔ دفتر۱۷۴گ) ـ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ـ جلد تیماج تریاکی زرکوب مقوائی بابرگردان
الدازه : ۱۹ ×۲۹ و ۹/۵×۲۰/۵ س ۲۹

[۱۸۰۹] ملاذالاوتاد (عربی)

محمدجعفراسترابادی معالم‌را نزد سیدعلی طباطبائی درس خوانده وآنچه ازاستاد شنیده‌بود ( با نشانهٔ «قس . . . کذا فررالاستاد» یا مانند این) دراینددفتر که ملاذالاوتاد نامیده است گنجانده و ازخود هم چیزهائی برآن افزود و نشانهٔ ۱۵ اینها در بیشترجاها « اقول » میباشد . آنرا او در ماه‌هفتم ۱۲۲۸ بانجام رساند .

**آغاز** : بسمله . الحمدلله‌الذی هو اصل فوق‌الاصول والذی انشأالفروع من‌الاصول ... فیقول ... محمدجعفرالاسترابادی هذه تعلیقات ... علی‌اصول‌المعالم کتبتها حین اشتغالی بتحصیلها علی وجه‌الاستدلال عند . . . مولانا السید علی الطباطبائی البهبهانی دام ظله و جمعت فیها ماسمعت منه دام اقباله . . . سمیتها ۲۰ بملاذالاوتاد .

**انجام** : هکذاآخرماالراد ... محمدجعفرالاسترابادی تألیفه من‌تحقیقات ... السیدعلی الطباطبائی البهبهانی ادام‌الله ظله ومماوصل الیه نظری‌القاصرولماکان غالب هذه‌التعلیمه من تحقیقات‌الاسناد سمینهابملاذالاوتاد وکان‌الفراغ من تألیفها

في الشهر السابع من السنة الثامنة من العشر الثالث من المائة الثالثة من الالف الثاني من الهجرة النبوية المصطفوية على هاجرها الف صلوة وسلام وتحية .

[۲۱۱۷]

۵ ۱۲۱۲ این نسخه بنسخ ملاعلی محمد قندهاری است در تاریخ ع ۱۲۳۳/۲ و دو تاریخ ۱۲۹۲ و۱۳٤٦هم اردارندگان نسخه در ۳ الف دیده میشود . ۱داب ۳ب ــ ۲۵۷ ب .

(۳٦۰۱ط) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ عنوانی

اندازه : ۱٦ ۲۱ و ۱۰ ۱۵ س ۲۳

[۱۸۱۰] رسالهٔ ماهیة یا ابصر اب (فارسی)

۱۰ آخوند ملامحمد بن علی اصغر گلپایگانی نگارندهٔ واردات غیبی (چاپ ۱۲٤۸ تهران) وتکملة الصافي وتقريب المرام و کشکول از دانشمندان بنام بوده است .

او در این دفتر که در کلام شمی آمیختهٔ با عرفان اخباری است یك مقدمه در جواهر و اعراض و سه مقاله، نخستین در اثبات واجب در شش فصل دوم در احوال مبدء ثالث در هیجده فصل و یك خاتمه سوم در معاد در یك مقدمه و سه طریقه

۱۵ هر یکی چند فصل، گذارده است او آنرا بدرخواست برخی نگاشته ودر ۱۲٤٤ بپایان میبرداخت

آغاز (رساله ماهیه بالصواب . محمدبن علی اصغر گلپایگانی) اما بعد . نظر [illegible] از اجلهٔ کرام و اماثل [illegible] و هی از طالبین ذوی المجد والاحترام [illegible] سوی آن [illegible] در بیان احوال مبدء و معاد

۱۰ [illegible] علی اصغر [illegible] چنان معذورم نبود [illegible] از مسائل علوم [illegible] لهذا [illegible] بين اجابت مسئول و امتثال دستور [illegible] رسالهٔ باختصار نزدیك

وعجالهٔ ازاطناب‌وعبارت‌پردازی‌دور بترتیب درآوردم و آنرا «ملهمة بالصواب» نام‌نهادم .. واین رساله مشتمل است بریك مقدمه وسه مقاله (گویا یك صفحه‌ای ازخطبه در نسخهٔ ما نیست).

انجام : بدانکه این‌رساله چون در تاریخ یکهزارودویست وچهل وچهار بتألیف درآمد و پیش‌از آنکه از مسودهٔ باطله باوراق صحیحه مسطور گردد ۵
ازبرای شخص بزرگی ازروی مسوده نسخهٔ مکتوب رفت و چونکه حقیر خود خواستم که‌آن مسوده را دراوراقی چند بکتاب‌آورم درقسم معادآن تغییرکلی دادم که کمی‌از آن عبارات واندکی‌از آن کلمات را نسخه کردم وعبارات وجیزهٔ دیگر وکلمات انیقهٔ بهتر درحال تحریر بجای آن عبارات متروکه درآوردم ودرقسم مبدء هم تغییرجزئی درفصول آن دادم پس‌هرگاه‌آن مسوده یاآن نسخه ۱۰
که ازروی‌آن مسوده مکتوب رفت بنظر تو رسد ودردست تو افتد ودرهریك ازآنها عبارتی رکیك ومطلبی سخیف مشاهدت نمائی حمل برسهوقلم و نسیان خاطر کن نه برسوء اعتقاد وفساد مقال و هرگاه براین نسخه که خود از مسوده برداشتم ودرجرح وتعدیل عبارت آن اهتمام نمودم مطلع گردی وآنرا دریابی شاید که تصدیق‌آوری واذعان کنی والسلام علی‌من‌اتبع‌الهدی (ولقدحرره‌الاقل ۱۵
الآثم محمد تقی‌بن محمد کاظم‌الگیلانی‌اللاهجانی ... وکان‌الاتمام فی یوم‌الاربعاء من سادس عشر شهر ربیع‌الآخر فی سنة ۱۳۲۰ فی قصبةالآشتیان . اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا ... بمحمد وآله صل علی محمد وآله).

[۲۱۱۸]

۵۰۶۴ این نسخه بخط شکسته نستعلیق است وعربیها وعنوانها نسخ وآغازمطلبها ۲۰
زیرخط سرخ میباشد . کتاب۲الف ــ ۵۸ الف . در۵۸ب ــ ۶۳ب مطلبهای پراکنده است از نظم و نثر . در ۱ ب گفتاریست از جناب واصف دربارهٔ همین کلپایگانی

(۶۴گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا تیماج میشی
اندازه ۱۶×۱۰/۵ و ۱۳×۷ س ۱۳

## [١٨١١] منية الممارسين (عربی)

پرسشهایست فلسفی و اصولی که شیخ یاسین بن صلاح الدین بن ناصر بن علی بلادی از شیخ عبدالله بن شیخ صالح بحرانی سماهیجی اخباری (م ۹ ج ۱۱۳۵/۲) کرده و پاسخ گرفته است (کنتوری س ۵۷۰ - روضات س ۳۶۳ - فوائد رضویه ۲۵۱:۱ - ریحانة الادب ۲ ۱۲۳) او پس از دیباچه نخست پرسشها را آورده آنگاه بند ببند بدانها پاسخ گفته است.

[٢١١٩]

این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط ... و سرآغازها شنگرف و در بیشتر جاها جای آنها سفید است حاشیه‌های لغوی دارد ... شمارهٔ ... تا ۵۱ درهامش خوانده میشود. گ ۱ ب - ۵۹ ب.

آغاز: والمرتبة الوسيعة وبحر فی علم الحدیث الواسع المضمار (از دیباچه) ... و قد سمیت هذا الکتاب بمنیة الممارسین فی جوابات الشیخ یاسین.

انجام: قال لازال محروساً وما العلة فی کون الاشهر اثنی عشر والاسبوع سبعة - لم اقف فی ذلک الآن علی حدیث ... قال زاده الله تعالی ... و هل الاسلام و الایمان ... الا انا ... علی الشیء ...

[illegible]

[illegible]

## [١٨١٢] [illegible] (فارسی)

[illegible] العوالی درمصر [illegible] ۱۳۰۱ [illegible] ترجمه‌ایست [illegible] ( ۱ ۲۱ ) [illegible] والد وهی فارسية

عربها بعض العلماء وسماه بهذا الاسم مشهور » پس باید متن فارسی آن از غزالی بوده
و دانشمندی آنرا بتازی درآورده باشد نه اینکه این یکی را هم غزالی ساخته
باشد . ازاین پارسی دو نسخه‌ای دراین کتابخانه هست ویکی (ش۸۸۱/۱۳) آن
درص ۵۰۷ وص۷۱ بازپسین سخن همین فهرست شناسانده شده است . این پارسی
در دنبال « مکاتیب فارسی غزالی » در تهران بسال ۱۳۳۳ خ بچاپ رسید (۱)
ودرآنجاپ نوشته نشد که فارسی «ایها الولد» است . متن تازی در بسیاری از جاها
کم دارد و ترجمان عبارتهائی از آنرا انداخته است. یك بیت :

« واز عم انی هائم ذوصبـابة     لربی فلا یبکی و تبکی البهائم»

درفارسی نیامده (ص ۹۷) ودرتازی دیده میشود (ص ۳٤). شعر:

گرمی دوهزاررطل بر(همی) پیمائی

تا می نخوری نباشدت شیدائی »

درهردو (ص۲۹ این وص۹۳ آن) دیده میشود . عبارت «همچنین درطریق
اهل البیت علیهم السلام دعاهـای نیکو بسیار آمده است » ( ص ۱۱۲ ) درتازی
(ص ٤۷) ترجمه نگشت و بهمان ترجمهٔ « اما دعائی که خواسته دعاها درصحاح
بسیار آمده باید که آنجایاد گیری» بدینگونه « واماالدعاء الذی سألت منی فاطلبه
من دعوات الصحاح » بس کرده شد . باز درپارسی این عبارت « همچون عایشهٔ
صدیق رضی الله عنهـا و عن ابیهـا » آمده و در تازی دیده نمیشود ( همانجاها )
ازنگریستن بمتن تازی برمیآید که بشیوائی وروانی سخنان غزالی نیست و کسیکه
آنرا ازروی فارسی بتازی درآورد مانند غزالی آزاد اندیش نبوده و نمیخواست
ازآئین شیعی نشانی در آن باشد. دلیل دیگر براصل بودن تازی همان بیت فارسی است
که درهردو آمده ودوراست که در کتابی تازی شعری پارسی گواه آمده باشد .

۱ــ دراین چاپ نامه‌های غزالی همانهائیکه دراکبرآباد هند بسال ۱۳۱۰
و در تهران باز بکوشش آقای مؤید ثابتی درهمین سال بچاپ رسید آمده است .
درفهرست مجلس (ش٤/۵۹٤) از جواب مسائل‌ا نامه خراسان» یاد کردیده که پاسخها ایست
گویا ازشهاب الدین عمر سهروردی به نوزده پرسش عرفانی و بتازی .

درپرسش شاگردیکه این نامه را از استاد غزالی خواسته است و همچنین درخود نامهٔ او یادی از « احیاء » شده است (ص ٩١ و ١١١ پارسی وص ٢٧ و٤٧ تازی) درپارسی درپرسش آن شاگرد از کیمیا وجواهرالقران ومنهاج‌السنة هم یادگردید پس میتوان گفت که این نامه دردور ذوقی روزگار غزالی بنگارش درآمده است (نیز بنگرید به گفتار وات Watt در ص ٤٢و٤٤ روزنامهٔ انجمن همایونی آسیائی ش ١و٢ سال ١٩٥٢- ممون ماسینیون ص ٩٣ - ص ٦٤٦ همین فهرست ) میشود هم گفت که خود غزالی آنرا تازی در اورده است چنانکه کیمیای سعادت او نیز گردیده‌ایست از پارسی بتازی ( ص ٦٧١ همین فهرست ) دربارهٔ آن زبیدی (١ ٢٥) میگوید «وممانقم علیه مماذ کرمن الالفاظ المستبشعة بالفارسية فی کتابه کیمیاء السعادة » واز اینجا برمیاید که گذشته ازاینکه ظاهریان از روش آزاد غزالی ناخشنود بودند دسته‌ای عرب‌مآب هم از فارسی‌نویسی او نکوهش میکردند چنانکه از سید اسمعیل گرگانی ( ٤٣٤ - ٥٣١ ) هم خرده گرفتند که چرا ذخیره را بپارسی نوشت واو ناگزیر شد که آنرا بتازی درآورد ( همین فهرست ص ٧٦٠ ) پس میتوان گفت که خود غزالی هم ناگزیر گشت که کیمیا را بتازی در آورد گویا هم دیگری بدین کار پرداخته است چنانکه نصیحة‌الملوك او را که بسال ٥٠٣ برای ... ملکشاه (٤٩٠ - ٥١١) [illegible] دانشمند سدهٔ ششم [illegible] (٥٩٥) [illegible] فی نصیحة‌الملوك بتازی در اورد (١)

(١) [illegible] ١٧ [illegible] ١٣١٥ ج ٢ ... ان - زبیدی [illegible] ١٧٥ و١٨٠ [illegible] ای کیمیای [illegible] ٤٢٥ [illegible] المسبوك [illegible] ان دیده‌ام [illegible] ٢٩ ... ١/١١١١ [illegible] و اندکی

[illegible] بس‌ازاین

آغاز : بسمله . حمد بی‌نهایت ومدح بی‌غایت آن خدائی را که حمد جملهٔ

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

نخستین بار که احیاء غزالی بمغرب رسیده بود یکی از مغاربه از آن خرده‌هائی گرفته و کتاب‌الاملاء فی‌الرد عن‌الاحیاء نوشته است سپس خوابی بدید که بزرگواری و نیك نهادی غزالی در آن برای او آشکار شده بود و او هم از این گناه خویش پشیمان گشت (زبیدی ۱: ۲۸) روی همین خرده گیریها بود که غزالی ناگزیر شده بود «الاملاء علی مشکل‌الاحیاء» بنگارد و بدانها پاسخ دهد و این همانست که «الاجوبة‌المسکتة عن‌الاسئلة المبهتة» هم نامیده میشود و نخستین کتابی است که در بارهٔ احیاء نوشته شده و دفتریست کوچك و لطیف که زبیدی آنرا داشته بود ومیگوید که ندیده‌ام پیش‌از من کسی بجز این کتاب در باره احیاء چیزی نوشته باشد یا گزارش کرده باشد جز آنها که حدیثهای احیاء را بیرون کشیدند و سند آنها را آشکار بداشتند (همانجا ص ۴۰و۴۱) . این کتاب بنام « الاملاء فی اشکالات (مشکلات) الاحیاء » در کنار جلد یکم گزارش زبیدی (ص ۴۱–۲۵۲ ) بچاپ رسید . همچنین در گزارش زبیدی (ج ۹ ص ۳۹۴ – ۴۰۰ و ۴۱۱ – ۴۱۷) پاره‌هائی از آن آمده است .

این را باید دانست که خرده گیریهای خراسانیان ومغربیان برسخنان غزالی در احیاء و کیمیای سعادت و مشکوة‌الانوار والمنقذ من‌الضلال دربارهٔ هفت موضوع است .

یکی اینکه چرا توحید را بچندگونه بخش کرده و موحدان را چند دسته پنداشته است او در پاسخیکه بخراسانیان داده و همان را نوشته برای پادشاه سنجر فرستاده است از توحید عوام وخواص و از شش درجهٔ آن : زبانی وتقلیدی و برهانی وحالی ورهدی وعیانی گفتگو نمود (مکاتیب فارسی غزالی چاپ تهران ص ۱۲–۲۰) ودر املاء هم (ص ۷۴–۱۵۹) گفته که چرا دراحیاء چهارگونه توحید : «ارباب‌النطق المفرد (ص۷۶و ۸۱) واهل‌الاعتقادالمجرد(۱۰۰) ومقربین(۱۱۹) وصدیقین (۱۴۸)» گفته وبخرده گیران پاسخ داده است .

در نامه‌ایکه غزالی به نظام‌الدین احمد در ۵۰۴ نوشته است هم از عوام وخواص و خاص‌الخاص مردم یاد کرده (مکاتیب ص ۴۲ – کشکول بهائی ص ۲۶۷ – دیباجهٔ معیار العلم – غزالی نامهٔ همائی ص ۱۹۳) .

دوم اینکه چرا خدا رانور خوانده است وپاسخ این یکی درهمان پاسخ بخراسانیان

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

دربرابر کمترین درجه ازدرجات آلاء و نعماء وحقیر است . شکر گفتن بندگان
مرنعمتهای او را عین نعمت اواست و مشغول بودن مکلفان بعبودیت و طاعت او
محض هدایت ورحمت او. فیض فضل او برمحتاجان موقوف سؤال ایشان نابوده
وهرجزء لایتجزی که درعالم کائنات ومبدعات رقم نیستی دارد برمقدسی او براهین
نامتناهی نموده ودرود فراوان وصلواة بی‌پایان برمرقد مطهرومشهد منورمعطر ۵
محمد مصطفی صلی‌الله علیه وآله باد و برآل واصحاب اوسلم تسلیماً کثیرا .

یکی از شاگردان محمد غزالی بعداز آنکه درخدمت او تحصیل علوم
کرده بود وازهرعلمی بهرهٔ تمام برده با خود اندیشه کرد .

**انجام** : واعتق رقابنا و رقاب آبائنا و امهاتنا من‌النار برحمتك یا عزیز
یاوهاب یا غفور یا غفار یا کریم یا ستار یا حلیم یا جبار بفضل رحمتك یا ارحم ۱۰
الراحمین .

---

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش
درفتوحات اندلسی ( ۲ : ۳۸۰ ــ ۵۳۷ چاپ ۱۳۲۹ مصر ) گسترده‌ترگشته وگزارش
شده است .

گویند احیاء بمغرب که رسیده بود فرمانروای آنجا علی‌بن یوسف دستور داد ۱۵
آنرا بسوزانند چون بنداشت که سخنان فلسفی درآنست و بیم داد که هرکس را
نسختی ازاحیا نزدش بیابند خواهم کشت و همین سبب شد که درکشورش آشفتگی‌ها
رخ دهد وسپاهیان براوشوریدند واوهم پس‌ازاینکه شاهی دادگر بوده مردی ستمکار
وتبهکار گشت (تعریف‌الاحیاء بفضائل‌الاحیاء عبدالقادرعیدروسی باعلوی در کنار اتحاف
زبیدی ۱:۲۵) . ۲۰

نیز میگویند که قاضی عیاض دستور داده بود که احیاء را بسوزانند و غزالی
این را بشنید و باو نفرین کرد . اودرهمین هنگام که درگرمابه بود ناگاه بمرد وبرخی
گویند که مردم شهرش اورا یهودی خواندند چون اوروزشنبه ازخانه بیرون نمی‌آمد
چه‌اینکه بنگاشتن شفاء میپرداخت وروی همین،مهدی دستورداد که اورابکشند . زبیدی
میگوید که این سخن نباید درست نباشد چه او درمراکش درروز آدینهٔ هفتم جمادی ۲۵
دوم یا رمضان سال ۵٤٤ و پس‌از غزالی درگذشت . (زبیدی ۱ : ۲۷ و پس‌ازآن
که ازدشمنان وشیفتگان احیاء گفتگو نمود) .

فکر کم ان کان فی غیرالحبیب      مالکم فی‌النشأة الاخری نصیب

فاغسلوا بالعشق عن لوح‌الفؤاد      کل علم لیس ینجی فی‌المعاد

در کشکول آملی (ش ۱/٦٥٤ گ ۱۸ ب) بیت دوم و سوم آمده گرچه در ص ۳۲ چاپی آن دیده نمیشود ودر آن این دو بیت از یکی از دانشمندان دانسته شده است. گویا بهائی هم از همین کشکول گرفته باشد (۱). ۵

آغاز: بسمله. امابعد حمدالله علی افضاله والصلوة والسلام علی اشرف الخلائق محمدو آله. فیقول‌افقرعبادالله الی‌رحمةالله‌الغنی محمدالمشتهرببهاءالدین

---

۱ــ چهار چاپ ازاین نان و حلوا را من دیده‌ام: یکی چاپ سنگی بغلی بی‌صفحه‌شماری درجنگی دارای حدائق‌السحر و طواط در ۱۲۷۲ و همین نان و حلوا کامل در۱۲۹۳ وشیروشکر بهائی درهمین سال ودیوان لامعی در۱۲۹۵. ۱۰

دیگری دارای نان وحلوا بی‌دیباچه ونان وخرما ونان وپنیر وشیر وشکر همه ازبهائی چاپ سپاهان در ۱۳۳۸ در ۵۸ ص بغلی.

سوم جنگی چاپ سربی مصر در ۲۷۲ ص ربعی بسال ۱۳٤٦ دارای سرگذشت بهائی ازعالم‌آرا وخلاصة‌الاثر و «پند اهل دانش و هوش بزبان گربه و موش» بنام بهائی وموش و گربهٔ زاکانی ونان وحلوا ونان وپنیر وشیروشکر همه ازبهائی. ۱۵

چهارم همین نان وحلوا بی‌دیباچه چاپ اسلامیهٔ تهران در۳٦ ص بغلی. درچاپ ۱۲۹۳ دیباچه‌ای دارد بدینگونه: «بسمله. الحمدلله‌الواحدالمبین... فیقول‌الفقیر محمدالمشتهر ببهاءالدین‌العاملی... هذه سوانح سفرالحجاز فی‌الترقی الی‌الحقیقة من‌المجاز نظمتها بالعربیة والفارسیة ویستحق ان یکتب بالنورعلی وجنات‌الحور».

۲۰ دربارهٔ «پند اهل دانش وهوش» این را باید گفت که آن بنام «جواهرالعقول» یا «موش و گربه» (موش صوفی و گربه طالب‌علم) بنام مجلسی‌دوم در۱۳۲٤ (ذریعه ۱۹۹:۳ و۲۷۲:۵) وهمچنین در۱۳۷۳ بچاپ رسیده است. آقای مجتبی مینوی دربارهٔ آن گفتاری دارد درمجلهٔ یغما (ش ۲ س ۸ تاریخ اردیبهشت ۱۳۳٤ ص ٤۹ــ٥٥).

نامه‌ای دیگر منظم بنام «گلشن هوش درجدال گربه وموش» دیده‌ام که درآن موش‌عقل و گربه‌جهل‌دانسته شد (چاپ‌سنگی نسخ‌مصطفی قلی‌پسرمحمد هادی‌سلطان کججوری در۱۲٦۲ باندازهٔ ربعی) سرایندهٔ آن همین اندازه پیداست که شیعی است. ۲۵

العاملی وفقه‌الله للعمل فی یومه لغده قبل ان یخرج‌الامر من یده : هذه نبذة من‌السوانح و جملة من‌الموانح قد سنح اکثرها فی طریق حج بیت‌الله‌الحرام و زیارة سیدالانام علیه و آله افضل‌الصلوة و السلام . اثبتها فی هذه‌الاوراق تذکرة منی للاحباء‌الراغبین والاخلاء‌الطالبین و علی‌الله‌التوکل و به استمد و به

۵ استعین . مثنوی :

ایها‌اللاهی عن‌العهد القدیم   ایها‌الساهی عن‌النهج‌القویم

استمع ماذا یقول العندلیب   حیث‌یروی‌من‌احادیث‌الحبیب

انجام :

یا بهائی اتخذ قلبا سواه   فهو ما معبوده الاهواه

۱۰ ( تم هذا‌المنظوم‌المستطاب علی ید افقر عبادالله‌الباری محمد امین‌القاری فی بلدة یزد فی عشرین شهرشوال سنة سبع عشرة والف) .

[۲۱۲۱]

این نسخه ش ۱۸ دفتر ... بسمله ... و هامش ... شنگرف ... از محمد امین قاری ... ۲۰ شوال ۱۰۱۷ ... ۲۹۳ ب – ۲۹۹

۱۵ الف ... است .

[۲۱۲۲]

این نسخه ش ۲ ... داردبسمله ( ... ۹۱ ... ۹۸ الف ... شیخ بهائی

۲۰ ... .

[۱۸۱۰] ... (عربی)

... اشعری ... (۸۵۲ ۳ ۷۷۲) این نامه را ... از الهب ابی بکر شیرازی

وگزیدهٔ آن از ابی‌الفضل بن طاهر و نوشته‌های ابی‌الفضل بن الفلکی وابی‌الولید ابن‌الغرضی محدث اندلس وابی‌الفرج ابن‌الجوزی گزین نمود و از اسباب‌الاسماء حافظ ابی محمد عبدالغنی بن سعید ازدی مصری والمستخرج ابی‌القاسم عبدالرحمن بن محمد بن اسحق ابن منده چیزهائی هم گرفته برآن افزود ( چلبی ۱ : ۱۴۴ - ذیل چلبی ۲ : ٦۳۷ - ریحانة‌الادب ٥:۳٦) . ٥

دراین نامه دردنبال هرلقبی گزارشی درباره آن آمده و بسیار سودمند میباشد .

آغاز : بسمله . وصلی‌الله علی سیدنامحمدوآله . الحمدلله‌الذی له‌الاسماء الحسنی والعزالاسنی والصفات‌العلیاوالفصل الاسما . . امابعد فان من‌اجل‌العلوم معرفة فنون‌الحدیث‌النبوی والتنقیب عن اسانیده تضعیفاً وتصحیحاًواحوال رواته ۱۰ تعدیلا وتجریحا .

انجام : الیا . الیزیدی یحیی‌بن‌المبارك‌العدوی مولاهم ... ومثله احمدبن محمدبن‌عبدالکریم‌الجرجانی کان یسکن بجرجان باب‌الیهود (وقدتجز نزهة‌الالباب والحمدلله علی ذلك . للعلامة ابن‌حجر ... فی اواخرمحرم‌الحرام سنة ۱۰۹۰ علی ید ... عمران المالکی والحمدلله وصلی‌الله علی سیدنا محمد اولا وآخراً و باطناً ۱٥ وظاهراً وسلم تسلیما کثیرا) .

[۲۱۲۳]

**۱۱٥٦** این نسخه ش ۲ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ از همان عمران ازهری درنزدیك بپایان محرم ۱۰۹۰ ودرگ ۱۰۲ب- ۱۰٥ الف فهرست نزهه است از ازهری درجدولی بشنگرف و سیاه و زیبا و خود کتاب درگ ۱۰٦ ب - ۱۷٤ ۲۰ الف است .

[۱۸۱٥] فصایح (فارسی)

عبدالوهاب امامی درفصل نخستین این نامه زبانهای وزارت را برای پسرخود

گزارش میدهد تا آنرا ترك گوید وروشن میدارد که هیچ سودی در آن نیست (۲٤ ب) درفصل دوم آداب وزارت را گزارش میدهد . پس از هرمطلبی گواهی تاریخی بیشتر از نظام الملك در آن آمده است .

[۲۱۲٤]

**۱٤۹** این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . گ ۱ الف ــ ٦٤ الف . دو برگ از آغاز بریده شده ودو کلمه‌ای از آندو مانده ودیباچهٔ رساله درهمین برگها بوده است .

چنین است آغاز : و مخاطرات این منصب است . پس باید دانست که اگرچه وزارت ثانی سلطنت مینماید ... لیکن کار کثیر الخطر است و ذکر هریك مخاطرهٔ آن منفرد بتطویل می‌انجامد بلکه قابل تحریر نیست و لیکن از مخاطرات کلیه که هرکلی آن برجزئیات متکثر ومشتمل است یك چند بیان کرده شود ... مخاطرهٔ اول : بدانکه وزیررا هرروز از هرباب برهرکس چندین حکم مختلف می‌باید کرد .

انجام : باری سبحانه و تعالی حسن توفیق رفیق شفیق این مسندنشین باستحقاق گرداناد تا همچو آباء دولت نامدار و اجداد بزرگوار نام نیکو برصحایف روزگار مثبت ومخلددارد والله یرحم عبداً قال آمینا . فقر رهذه الصاع جامعها المعتصم بالله الغنی عبدالوهاب الامامی (... [illegible] خامس وعشرین شهر ربیع الاول من شهور سنة ۱۰٦۳ ثلاث و ستین [illegible] فی قریة الخانوآباد قریة من قرای اصفهان [illegible] الله عن الحدثان . تم ) .

(عربی) [illegible] [۱۸۱٦]

( رسالة ... )

آخوند ملا حسین بن محمد علی [illegible] تهرانی [illegible] ( م ۱۲٤۲ ) شاگرد سید علی طباطبائی و سید محمد [illegible] بوده است او [illegible] آن بفارسی [illegible] ورسالهای دارد درشکوك [illegible] در ۱۲٤۲ [illegible] . [illegible] مجاهد را او [illegible] او در ۱۲۳۷ بنگارش [illegible] ۷۱ [illegible] ۳۳۷۵ . اعلام الشیعه ۲ ۲٤٦ ) .

یزدی این کتاب را بدستور سید مجاهد نگاشته و در روز پنجشنبه ۱۷ محرم ۱۲۳۶ در کربلا بانجام رسانده.

چنین است فهرست مطابهای آن :

مقدمه : دلیلهای وجوب امر بمعروف و نهی از منکر و خطر بدعتها ووجوب رفع آن واجتناب از اهل بدع وضلال ومعاصی (۱۰۵ الف).  ۵

مقصد یکم : مذاهب فاسد و طوائف آنها درشش فصل ( ۱ـ مذاهب صوفیان ۲ـ وحدت وجود ومفاسدآن ۳ـ دلیلهای عقلی اثبات آن ٤ـ دلیلهای نقلی آن ٥ـ دلیلهای عقلی برابطال وحدت وجود ٦ـ آیات برای ابطال آن ۷ـ اخبار دال برردآن) (۱۰۷ ب).

مقصد دوم : بدعتها وخصائص معروف وباطل آنها در ٥ فصل (۱ـ وجد  ۱۰
واضطراب ۲ـ غنا ۳ـ ذکرخفی وجلی ٤ـ ریاضتهاواربعینیات ٥ـ شیخ ومرشد) (۱۲٤ ب).

مقصد سوم : سرگذشت برخی از شیوخ در ده فصل ( ۱ ـ حسن بصری ۲ـ سفیان ثوری وابوهاشم کوفی ۳ـ بایزید بسطامی ٤ـ حسین‌بن منصورحلاج
٥ـ ابراهیم‌ادهم‌وجنیدومعروف کرخی‌وشبلی٦ـعبدالقادرگیلانی۷ـ محیی‌الدین  ۱٥
وکفر وزندقه او ۸ـ غزالی (فتوای اودرحرمت لعن یزید وسخنانی دیگرازاو) ۹ـ ملای رومی ۱۰ـ فریدالدین عطار) (۱٤۲ ب) خاتمه درکشف (۱٦۹ الف)

دربارهٔ نورعلیشاه درفصل ٥ مقصد ۲ (گ ۱٤۰) میگوید : « فواحسرتاه هل‌النورعلیشاه‌اللاعب‌بالچارتائی والشطرنج والشارب للبنج له قابلیة لان یکون
ولیا وقطبا ومرشداً ومتصرفا فی‌القلوب وعالما بالغیوب ... »  ۲۰

یزدی بسیاری از کتابهای صوفیان وردها که برآنها نوشته‌اند خوانده و تصوف را سراسر تباه میسازد و آبرونی برای صوفیان نمیگذارد. گفته‌های اوچندان علمی نیست وهمان تکفیر ودشنام است وبس. درآن یاد میشود ازسید اعظم علی بنکپوری و دلدار علی ( نصیرآبادی ) و تونی ( احمدبن محمد )

که رساله‌های رد بر صوفیان آنها در کشف‌الحجب ( ص ۲٦٤ ) یاد شده است
همچنین از شیخ علی عاملی نگارندهٔ « الرد علی من یبیح الغناء » ( کنتوری
در همینجا) و میرزای قمی و محمد طاهر قمی و اردبیلی که از صوفیان نکوهش
کرده‌اند . گویا از سخنان همهٔ اینها بهره است .

باز یاد میشود در آن از عمدة‌المقال فی کفر اهل‌الضلال حسن بن علی بن
عبدالعال کرکی که از صوفیان در آن نکوهش نموده است (۱۴۰ الف و ۱۴٦
الف ) همچنین از الهادی الی‌النجاة من جمیع‌المهلکات ابن حمزه و در هامش
مینویسد که آن ردی است بر صوفیان [illegible] و نزد من هست نیز از الرد
علی اصحاب‌الحلاج شیخ مفید (فصل ۱ مقالهٔ ۱ برگ ۱۲۵ الف) (۱) .

۱ - درفهرست طاوس (۵ : ۹۵) از رساله‌ای گمنام فارسی در نکوهش از تصوف
که گویا از دانشمندان امامی اصفهانی [illegible] در پایان سدهٔ ۱۱ باشد یاد گشته است
[illegible] محمد مؤمن و برادرش
[illegible] و نظام‌الدین
[illegible] و پاسخ آنها
[illegible]

**۲۳۷۷**

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی نصب الحق وقوی بنیانه وازهق الباطل وهدم

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وشیخ نورالدین کبری وشیخ وحید فرید شرف الدین عیسی زواوی مالکی که حسین بن عبدالرحمن اهدل حسینی شافعی امام الزمان للفقهاء والمفسرین والمتکلمین در کشف الغطاء خود مناقب و صلابت این دانشمندان را یاد کرد نیز گفته‌های همین اهدل وتقی الدین سبکی و شاگردش زین الدین مراغی فقیه مدینه درشرح منهاج نووی و سراج الدین بن النجوی درشرح منهاج وقشیری قاضی القضاة تقی الدین ابوالفتح محمد بن علی معروف بابن دقیق العید دربارهٔ کفر صوفیان بخصوص ابن عربی ـ وقاضی شرف الدین بن اسماعیل مقری در کراسه‌ای ازفصوص وفتوحات نکاتی نوشته وبفقها نشان داد وآنها فتوا بکفر آنها دادند واسمعیل مقری پرسشی دربارهٔ تکفیر کرمانی نگرندهٔ بفصوص کرد وفقها حکم بکفر دادند برای کسانیکه باینگونه مقالات خوشنودند وحکم ارتداد آنها وجوابها بسلطان منصور نموده شد اوهم خواست دربارهٔ کرمانی اجرا کند که یاتوبه کند یا کشته شود واوهم توبه کرده گاهیکه امر صدیق منصور اورا نزد خود خواست واومنشوری نوشت وددروی منبر جامع زبید خواند تا رهید . شیخ شمس الدین جزری دمشقی هم چنین پاسخی داد که متن آن هست دراین فصل ـ گفتهٔ عزالدین ابامحمد عبدالعزیز بن عبدالسلام دمشقی دربدگوئی از ابن عربی ـ پاسخ همان اهدل درتکفیر ابن عربی ـ فصل: گفتهٔ ابوسلیمان خطابی در کفر صوفیان.درپایان دارد که روز آدینه ۲۲ ... پایان یافت (سفید است) .

۳ـ گفتگوی شهاب الدین بن حجر با ابن الامین پیروان عربی بنقل تقی الدین فارسی بتازی که ایندو دربارهٔ ضلالت ابن عربی در رمضان مباهله کردند وابن الامین پس از این در روضه در ذیقعده ۷۹۷ کور شد و مرد وابن حجر میگرید من میدانستم که بکسال نمیکشد (از ایضاح الفصول فی نقض الفصوص) .

۴ـ از فضایح الملحدین وعقائد الموحدین در بدگوئی از صاحب فصوص .

۵ـ پاسخ ابن تیمیه دربرابر پرسش از عقیدهٔ ابن عربی و تکفیر او که جزآن اولی است .

۶ـ مسئله‌ایست متن وشرح درباره تقلید از سنی هااست .

۷ـ النهج الاتم فی تبویب الحکم (شرح کتاب الحکم ابی الفضل تاج الدین احمد بن عبدالکریم بن عطاءالله اسکندری ) از علی بن حسام الدین هندی در ۳۰ باب درمقامات عرفانی است وآخرآن مناجات .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

ارکانه واوضح الهدی وانار برهانه وقلع اصول الکفر والضلال بافصح بیانه . . .
وبعد .. ولما کان من اعظم البدع بدع الصوفیة ومن اشد الضلال ضلال تلك الطائفة
المبتدعة ومن اهم المفاسد شبهات تلك الفرقة المضلة الملعونة .. وحیث ان فسادهم
فی زماننا تمادی وتعدی وانتشر امرهم فی اقطار الارض وذر او البحر طغی والموج
٥ طمی فغرق من هوی وهوی من غوی حیث اشتهر امرهم فی البلاد واظهروا فسادهم
بین العباد واغتنموا الفرصة لفقدان اساطین العلماء فی هدم الاسلام والافساد . . .
ونبههم فی کل محل لکثیر من الانام ... من العوام . ولعمری انهم اعظم ضرراً
من مشرکی الهند والافرنج ومعاندی الروم والزنج فانهم خدموا الدعاة الذی یلبس
الحق بالباطل واعدی الاعداء الذی یحمل الالحاد فی صورة الاسلام من کونهم مختلطاً
١٠ بین المسلمین ومجاور امم المؤمنین فدعانی ذلك الی تحریر رسالة محتویة علی
اظهار بعض عقائدهم الباطلة و اقاویلهم الکاذبة و مزخرفاتهم الفاسدة وفهو انهم
الکاسدة . . . مع انی کنت مأموراً بذلك من الاستاد الاعظم وشیخنا المعظم السید
محمد . ... هذه المطالب فی
... واول فانا الفقیر
١٥ ... فی مقدمة ومقاصد
وخاتمة

... بیشاوری
٢٠ ... ١٩٠٤
... ١٠٠٠ ... شیخ
... والآخره
٢٥ ... ومشایخ

انجام : ومن تأمل فی فتوحاته المکیة یراه ناسخاً للآیات القرآنیة فکیف یکون هذا تابعاً لله ولرسوله فکیف حال من بعده فی الاولیاء بل یقول انه خاتم فص الولایة ختم الله علی قلوبهم .. ولعن الله اولهم وآخرهم ورفع الله عن المسلمین شرهم بمحمد وآله الطاهرین هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه العجالة . . وکان الفراغ فی یوم الخمیس سابع عشر من شهر محرم الحرام من شهور سنة ست وثلثین ومأتین بعد الالف من الهجرة المقدسة فی بلد کربلاء المشرفة المقدسة علی ساکنیها الف الف تحیة والسلام والحمد لله علی ذلک .

[۲۱۲۵]

۷۷۳ این نسخه ش ۳ دهر است و بستعلیق با نشانه‌ها و عنوانها در برخی جاها شنگرف . گ ۱۰۳ ب – ۱۷۳ ب – (بنگرید به ۷۷۳/۱) .

## [۱۸۱۷] ثمرات الفنون (عربی)

ابوالقاسم علوی فاطمی طباطبائی بدرخواست دوستان این نامه را برای تمرین کودکان نوشته و پاره‌ای از مطلبهای دشوار ادبی و منطقی را در آن روشن نموده است

آغاز بسمله وبه نستعین الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین . فیقول . ابوالقاسم العلوی الفاطمی الطباطبائی قد سئلنی بعض الاخلاء . ان اجمع رسالة لتمرین الصبی .

انجام لا تنظر الی من قال وانظر الی ما قال وجدته شاهد صدق لذلک المقال .

[۲۱۲۶]

۱۱۶۹ این نسخه ش ۱ دهر است و نسخ و عنوانها درشت تر و صفحه شماری دارد و ابوالقاسم بن محمد زمان تبریزی عبدکانی در پسان روز چهارشنبه ۲ع ۱۳۲۶/۲ آن را نوشته است حاشیه‌هایی دارد بخط نستعلیق که عنوانهای پراکنده‌ای بنظم و شرد در آن پراهست و در گ ۵۱ دعائی است از حاجی ملا محمد جعفر کبودر آهنگی مجذوب علیشاه .

گ ۲ ب ـ ٥٦ الف . پیش و پس‌ازاین هم پراکنده‌هائی است بنستعلیق .
(۳۵٦گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ
اندازه : ۱۱/٥ ،۱۷/٥ و ٦/٥ ۱۱/٥ س ۱۴

## [۱۸۱۸] نور القبور و سرور یوم النشور (عربی)

ایندفتر دراصول دین و کلام شیعی است ودر بسیاری از جاها بویژه درامامت امیرمؤمنان علی‌ازقرآن دلیل‌آورده شده وبیشتر آنهم درامامت است . یك مقدمه و پنج اصل و دوازده بباب و یك خاتمه درآن هست . نگارندهٔ آن عبدالله بن حاجی محمد هادی هرندی میباشد .

آغاز : هو حسبی و نعم‌الوکیل بسمله . الحمدلله‌الذی قبض قبضة من‌المدر و امطر علیه من سحاب رحمته فخمر فخلق منه‌الانسان . فهذا کتاب موسوم بنورالقبور و سرور یوم‌النشور الفه ... عبدالله‌بن حاجی محمد هادی‌الهرندی ... ورتبته علی مقدمة واصول خمسة واثناعشر باباً و خاتمة

انجام : و یدخل علیهم‌النور فی‌القبور وهم منتظرون لنفخ‌الصور ویشوقون البعث والنشور والحمدلله رب‌العالمین تم .

[۲۱۲۷]

[illegible] این [illegible] ها و [illegible] و [illegible] های شنگرف .
صفحه‌شماری [illegible] و ۲۷۸ [illegible]
(۱۳۹ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد [illegible]
اندازه : ۱۴ ۲۱ و ۸/٥ ۱٥ س ۱۹

## [۱۸۱۹] [illegible] (عربی)

[illegible] فی شرح منهاج الوصول

[illegible] شافعی (د ٦٨٥) منهاج [illegible] (ص ۱۷۰۳ [illegible] ) .

دانشمندان بر آن گزارشها نوشته‌اند یکی از آنها گزارش جمال‌الدین ابومحمد عبدالرحیم بن حسن اسنوی شافعی ( ٧٠٤ - ٧٧٢ ) میباشد که بهترین گزارشهااست و گویند برادرش عمادالدین محمد (٦٩٥-٧٦٤) چنین گزارشی را آغاز نموده و او آنرا بپایان برده است این گزارش بچاپ رسیده است (چلبی ٢:٥٥٣- معجم‌المطبوعات ص ٤٤٥و٦١٦) . ٥

[٢١٢٨]

١١٩٥ این نسخه بنسخ و عنوانهای « قال - اقول - قوله » و جز آنها درشت‌تر وبشنگرف یا سیاه آمیخته بشنگرف میباشد . دردهۀ نخستین ذی‌قعدۀ ٨٠٣ درقاهره نوشته شده است . شمارۀ کراسه‌های ده برگی در گوشۀ راست بالائی رویۀ برگ نوشته شده‌است. حاشیه‌هائی دارد بخطریزتروتازه‌تر وازدانشمندی شیعی میباشد ١٠ ( مانند گ ٨٩ الف ) نسخه بدلها درهامش بهمان خط کهن متن هست . گ ٣ ب - ١٨٤ الف .

(١٨٤گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج تریاکی درون سرخ وضربی مقوائی بابرگردان اندازه : ٢٦×١٧ و ٢١×١٢ س ٢٩

[١٨٢٠] نهایة‌الطلب فی شرح المکتسب (عربی) ١٥

جلدکی در این‌دفتر کتاب‌العلم‌المکتسب فی‌زراعة (صناعة) الذهب عراقی (ص٢٢١٣همین‌فهرست) را که‌در ٥ جمله‌در ١٩فصل‌است(فهرست‌عربی‌موزۀ بریتانیا ٧٨٤/٢- خدیویه٥: ٣٩٠٠)درسه‌سفر(١-در٣ مقاله، ٢- در٢مقاله،٣- در٢ مقاله هرمقاله درچند باب) گزارش نمود (١) اودرآغاز از رنجی که درراه فراگرفتن هنر کیمیا برده و ازاینکه از جان و مال دریغ نکرده و بشهرهای عراق و روم ٢٠

١- عراقی را احمدبن محمد ومحمدبن احمد هردو نوشته ونسخه‌ای بنام «فوائد من کتاب‌عیون‌الحقائق و ایضاح‌الطرائق»در سی باب هم‌ازاوشناسانده‌اند و در فهرست عربی موزه بریتانیا ( ٧٨٤/١ ) آمده‌که او در نزدیك ٨٥٠ زنده بود ( نیز خدیویه ٥ : ٣٤٨) ولی نباید چنین باشد چه جلدکی که گزارندۀ المکتسب اواست در ٧٤٢ میزیسته ودر ٧٥٠ درگذشته است (مجالس ٢:٤٥٤) . ٢٥

[۲۱۲۹]

۱۲۱۹ این نسخه ش۳ دفتراست وسفر نخستین و بخط نستعلیق تازه‌است و باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و حاشیه‌هائی هم دارد. گ ۱۰۶ ب ـ ۱۴۷ الف.
چنین است انجام آن:

۵ قال الشیخ فامانقض الفساد فکالنحاس الذی یصبر بخارا... وذلك هی الغصن النباتی بل المعدنی انشاءالله تعالی. الشرح: اعلم ان صاحب المکتسب رحمه الله قدافصح فی کتابه عن جزء من التدبیر... وهذا مالم یسمح به احدفی مثل هذاالموطن وانماذکروه واوماؤا الیه فی اماکن لایعتد بها وسنذکر (از باب ٤ مقالهٔ ۲ سفر۱ و پاره‌ای ازهمین باب وهمهٔ دوباب مقالهٔ سوم همین سفردرآن نیست).

۱۰ در ۱۴۷ ب ـ ۱۴۸ الف پراکنده‌ها است.
(۱۵۶ ک) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا
الدازه: ۲۰ ۲۹ و ۱۳/۵ ۱۹/۵ س ۳۰

[۲۱۳۰]

۱۲۲۰ این نسخه دوسفر ۲و۳و بخط نستعلیق باعنوانهای درشت‌تر بنسخ وشنگرف
۱۵ و نشانه‌هاهم شنگرف است. حاشیه‌هائی برآن هست. نیمی از آنرا محمد مهدی در ۱۲۱۸ نوشته و نیم دیگررا محمدبن میرعبدالفتاح موسوی در ٦ محرم همین سال برای او نوشته و همان محمدمهدی آنرا درصفر ۱۲۱۹ مقابله نمود. نسخه دردوبخش برگشماری شده است.

چنین است نسخه:

۲۰ **آغاز**: بسمله. ربی‌الله ومانوفیقی الابالله علیه توکلت والیه انیب الحمدلله‌الذی اظهرالآیات الباهرة دالاعلی انه واجب‌الوجودلذاته وجعل للعقول اعلام‌العلوم‌الزاهرة دالة علی نعوت جلاله وصفاته.

**انجام**. و ثبت لك هذه‌التواریخ الالنعلم مقدارما اوصلناك فی کتابنا هذاولتکن من امرك علی بصیرة والسلام والله تعالی نسئل‌الهدایة والتوفیق وحسن‌الخاتمة ولیکن
۲۵ آخرالسفرالثانی من‌هذاالکتاب والحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی سیدالمرسلین وخاتم‌النبیین وامام‌المتقین و آله وصحبه اجمعین الطیبین الطاهرین و حسبناالله و نعم‌الوکیل نعم‌المولی و نعم‌النصیر ثم الحمدلله رب‌العالمین (کتب... محمد مهدی هذه‌الاوراق واستکتب باقیها... فعداوبی خیراً کثیراً فی سنة ۱۲۱۸) (سفر دوم: گ ۱ ب ـ ۱۱۸ ب).

۳۰ **آغاز**: بسمله. و به نستعین. الحمدلله‌العلیم باسرار مخلوقاته‌الدال علی نفسه

۲۷۳

گ ۲۷۲ الف؟ پایان نهایة‌الوصول ش ۱۱۷۶

[۲۱۳۲]

**۱۱۷۷** ° این نسخه بخط نسخ کهن است وعنوانها درشت‌تر ودر ۱۸ ج ۷۵۵/۲ نوشته شده است . حاشیه‌هائی دارد بخط ریزتر . ده برگ در آغاز و چند برگ درمیانه نونویس . نسخهٔ کهن آن روی شمارهٔ کراسهای ده برگی که در گوشهٔ راست بالائی برگهای ۱۰ و ۲۲۰ و ۲۳۰ و ۲۴۰ بمازی و بخط متن دیده میشود باید ۲۸ کراس باشد که تا زپسین آنها شش برگی بیش نیست و رویهم نسخه در آغاز ۲۷۶ برگ بوده است واکنون با برگهای نونویس ۲۵۶ برگ میشود و بجای بیست برگ افتاده از نو نوشته و بر آن افزودند

**آغاز** : بسمله . المقصد الرابع فی الخبر و فیه فصول . الفصل الاول فی ماهیته وفیه مباحث . الاول فی لفظ الخبر :

**انجام** : اذن فطانة هـ هـ قال المصنف ادام الله ظلاله ولیکن هذا آخر ما نورده ... و نوفق کل مسعد للاسعادة منه و نبعد کل معاند عنه والحمد لله رب العالمین هـ هـ وصلی الله علی محمد و آله . تم الکتاب المبارک بعون الله وعونه وحسن توفیقه وکان الفراغ من سطر بعضه فی ثامن عشر فی جمادی الآخرة من شهور سنة خمس وخمسین وسبعمائة

هجرية وصلى الله على سيد البررة و على آله العترة الطاهرة الزكية .

دراين دونسخه ( ش ۱۱۷٦ و ۱۱۷۷ ) رویهم همهٔ نهایه هست بجز مقصد نهم دراجماع که کمبود دارد .

(۲۵٦گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵/۵×۲۳/۵ و ۱۳×۱۸/۵ س ۲۳ ۵

## [۱۸۲۲] نهج السالكين (فارسی)

محمد قورجی افشار دراین دفتر دعاهائیکه بیشتر بآن نیاز هست آورد .

آغاز : بسمله . سبحانك اللهم و بحمدك ثناو ستايش خداوند يرا جلت عظمته سزاست که بوجود فائض الجود حضرت رسول الثقلين .. گمراهان وادی ضلالت را هدایت نموده . . و بعد ... محمد قورجی افشار ... ادعیه ضروریه که اکثر اوقات ۱۰ درسفر و حضر بآن احتیاج افتد بتاريخ دوازدهم شهر جمادی الثانی سنه ثلاث و خمسون بعد الالف از کتب معتبره انتخاب کرده . . . و این مجموعه را مسمی به نهج السالكين گردانید مشتمل برمقدمه وسه باب و خاتمه .

انجام : در وقت تحويل بايد خواند : اللهم ان هذه سنة جديدة ... ياذا الجلال والكرام . ۱۵

[۲۱۳۳]

۱۱٦۷ این نسخه بنسخ وعنوانها و نشانه‌ها شنگرف میباشد کتاب ۱ ب ــ ۱۰۱ الف . گ ۱۰۱ ب ــ ۱۰۷ الف هم دعاست به نستعلیق و نسخ دیگر .

(۱۰۷گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد مقوا
اندازه ۱۱/۵×۱۸/۵ و ٦×۱۱ س ۱۲ ۲۰

## [۱۸۲۳] وجود (رسالة ...) (عربی)

عبدالرحمن جامی دراین نامه که درص ۵۱۷ (ش ۱۰۳۵/٤) همین فهرست شناخته شده است وحدت وجود و بود کلی طبیعی را روشن داشته است .

# گفتار پانزدهم

## پاره‌ای از نگارشهای ابن سینا

درسه نسخهٔ ش ۱۱٤۷ و ۱۱٤۹ و ۱۱٦٤ هفتاد و چهار نامه و گفتار بنام ابن سینا دیده میشود که اکنون همهٔ آنها را میشناسیم :

۱ـ سرگذشت که نیمهٔ نخستین آن از ابن سینا و نیمهٔ دوم از جوزجانی میباشد. من در ص ۸۰۷ همین فهرست و در دفتر نخست سال دوم فرهنگ ایران زمین دربارهٔ آن اندکی بررسی کرده‌ام. این نسخه مانند آنستکه در بیهقی وشهرزوری دیده میشود و فهرست نگارشهای ابن سینا درمیانهٔ آنست (نیز بنگرید به ص ط ـ یب فهرست آقای دکترمهدوی).

آغاز : شرف الملك ابو علی الحسین ابن عبدالله بن سینا . كان ابوه رجلا من اهل بلخ من عماله انتقل الی بخارا فی ایام ملك المشرق نوح بن منصور السامانی.

انجام : ثم مات فی یوم (الجمعة) الاولی فی شهر رمضان سنة (٤۲۸) (میان دو کمانه زیر کاغذ رفته است) (۱۱٤۹/۱ در گ ۳ الف آغاز ودر ۲ الف میان ودر کنارهٔ ۳ الف دنباله ودر کنارهٔ پائین ۲ ب انجام آن هست).

۲ـ کتاب المعاد که در ص ۳٦۰ همین فهرست و ش ۱۲۱ فهرست آقای دکترمهدوی شناسانده شده‌است. دررسائل ابن سینا (ش ۲ چاپ ۱۹۵۳ استانبول ص ۱۰۹-۱۵٤) بچاپ رسید.

آغاز : الحمدلله اهل كل حمد لن يكون الا له و رغبة لن يكون الا اليه و توكل لن يكون الاعليه وثقة لن يكون الا به و صلوته على خيرته من الخليقة محمد النبى و آله الاخيار و بعد فهذه رسالة عملتها باسم بعض الخلص من الاخوان مشتملة على مخ ماتؤدى اليه البراهين من حال النفس الانسانية.

انجام : ثم حرمت على جميع من يقراه من الاخوان ان يبذله لنفس شريرة

الکفایة وعبرت عن المقدار الذی نبلغه من المعرفة تقرباً الی الشیخ الکریم الاستاذ جعلنی الله فداه فههنا اختم الرسالة متوکلا علی الله فهو حسبی و نعم الوکیل (تمت رسالة الحروف) (۱۱۴۹/۵ گ ۲۵ ب – ۲۸ ب).

۶– جوهر الاجرام السماویة که بدو روایت بچاپ رسیده است (ش ۵۳ م).

آغاز: بسمله. رسالة الشیخ الرئیس ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری رحمه الله فی تعریف الرای المحصل الذی حتمت علیه رای الاقدمین فی جوهر الاجسام السماویة والعبارة عن مذهبهم المحقق عنده بمقدار اطلاعه علی مآخذهم. فصل: قالوا ان الاجسام الطبیعیة ینحصر فی قسمین.

**انجام:** و یشبه ان یکون الشعاعات حوامل القوی العارضة. والله اعلم. (تمت الرسالة) (۱۱۴۹/۶ گ ۲۸ ب – ۳۱ ب).

۷– رسالة الحدود (ص ۴۲ ف – م ۵۷) که المباحث الصدیقیه هم نامیده میشود.

آغاز: بسمله. امابعد. فان اصدقائی سئلونی ان املی علیهم حدود اشیاء یطالبونی بحدیدها فانی اسعفیت من ذلك علما بانه کالامر المتعذر علی البشر.

**انجام**. والقدیم بحسب الذات هوالذی لیس له مبدأ (یتعلق به) علی وجه وهو الواحد الحق تعالی عمایقول الجاهلون علواً کبیرا (تمت رسالة الحدود) (۱۱۴۹/۷ گ ۳۲ الف – ۳۵ ب).

۸– رسالة فی الصلوة (ص ۴۰۵ و ۴۰۶ و ص ۷۰ بازپسین سخن ف – ش ۸۵ م) که پنج بار بچاپ رسیده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی خص الانسان بشرف الخطاب والهمه بمدافعة الخطاء وملازمة الصواب.

**انجام:** واعتذر الی من یطالع هذه الرسالة واستشفع الیهم لفیض العقل و نور العدل ان لایفشوا سری و ان امن شری فان الامر مع الخالق و خالقی یعلم امری ولایعرفه غیری (۱۱۴۹/۸ گ ۳۷ الف – ۳۹ الف).

گفته‌های خود گنجانده . من که باین تفسیر شیرازی آشنا بوده و برسالهٔ ابن سیناهم

هذه‌التلویحات لاح له ان‌الامر فوق ما یظنون وسیعلم‌الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون
ورتبت (مرتبت) هذه‌الرسالة علی اربعة فصول .

**انجام** تفسیر رازی : مذکرت ( فقد ذکرت ) لك تفسیر هذه‌السورالاربع (بعة)
۵ فی هذه‌المطالب الاربعه (بع) والله تعالی هوالعالم بالحقائق (وانماالعلم‌عندالله ومن‌الله
الموفق و الیه‌الملجأ والمآب والحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی محمد
سیدالمرسلین وآله‌الطیبین‌الطاهرین اجمعین).(تم والحمدلله‌رب‌العالمین والصلوةعلی نبیه
وآله اجمعین) این سه نسخه یکنواخت نیستند چنانکه پاره‌ای ازجدائیهای آنها درمیانهٔ
دو کمانه نموده شده است .

۱۰ **آغاز** تفسیر سورهٔاعلی دراین تفسیر رازی : الفصل‌الثانی فی تفسیر سورة مشتملة
علی‌الالهیات والنبوات والمعاد وهی سورة سبح اسم ربك‌الاعلی اعلم ان هذه‌السورة
مشتملة علی مطالب ثلثه‌المطلب‌الاول اثبات الاله (سبحانه و) تعالی وذلك (هو) قوله
(سبحانه وتعالی) سبح اسم ربك‌الاعلی (الی‌قوله‌احوی) الذی خلق فسوی والذی قدر
فهدی والذی اخرج‌المرعی فجعله غثاء احوی و اعلم ان‌المقصود منه‌الاستدلال بنوعین
۱۵ من‌الدلائل علی وجود الاله‌الحکیم (تعالی) فالنوع الاول‌الاستدلال بخلقة‌الحیوانات
واعلم ان‌الحیوان مرکب من بدن ونفس .

**انجام** آن : و اعلم ان‌الله تعالی لما قرر هذه‌المطالب‌الثلثة ختم‌السورة بقوله
ان هذالفی‌الصحف الاولی صحف ابراهیم و موسی والمعنی ان جمیع کتب‌الله‌المنزلة
لیس‌المقصود منه (منها) الا تقریرهذه‌المطالب الثلثة وهی‌معرفةالالهیات اولا ثم معرفة
۲۰ النبوات ثانیاً ثم معرفةالمعاد ثالثاً واعلم ان‌التأمل ( من تأمل ) فی اسرارهذه‌السورة
منبه (نبه) علی ان‌الاشتغال بماسوی‌هذه‌المطالب‌الثلثه عبث وان سعادة (حال) الانسان
لایتحصل ( یحصل ) الابمعرفه هذه‌المطالب‌الثلثة ( والله ولی‌الارشاد ) ( الهدایة )
در فصل ۳ تقریر المعاد داود :

ثم ورد هناك (ههناحصل) سؤال مشکل وهو(ما ه) انه تعالی‌خلق هذه‌الابدان
۲۵ فبعد ذلك هل له عنایة بها اولیس له عنایه (بها) فان حصلت (حصل) له بتدبیرهاعنایة
فکیف ابطلها وردها الی اسفل‌السافلین وان قلنا انه ماکانت (کان) له عنایة باصلاحها
فکیف خلقها و کیف اعتبر جمیع انواع‌العنایه ( المسامه ) فی تخلیقها شعر ( و نظم
عمرالخیام‌هذاالمعنی بالفارسیه ):دارندهٔ چو ترکیب چنین (طبایع) خوب از استـبار
ازچه سبب (ازبهرچرا) فکند اندر کم وکاست .

۳۰ دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

این التنبیه از رازی دانسته شده است .

نکته دیگر اینکه تفسیر سورهٔ عصر در فصل چهارم همین التتمه با اندکی جدائی همانستکه از خواجهٔ طوسی دانسته‌اند (فهرست آقای منزوی ۱: ۵۵و۶۷) .

صدرای شیرازی هم چنانکه نوری یاد کرد بند بند همین تفسیر اعلی را گرفته ودرمیان سخنان خود گذارده است مگر اینکه ازخود هم بررسیها نموده ۵
وچیزهائی افزود . پس درباره درستی استناد این تفسیر بابن‌سینا دلیلی جز گواهی برخی نسخه‌ها دردست نیست .

آغاز بسمله . اعلم ان هذه السورة مشتملة على مطالب ثلثة . المطلب الاول اثبات الاله .

انجام وان سعادة الانسان لاتحصل الا بمعرفة هذه المطالب الثلثة ( وبالله ۱۰
التوفیق وعلیه التکلان) (۱۱٦٤/٤ گ ٦۳ الف - ٦۹ ب) .

۱۰- رسالة فی تفسیر سورة الاخلاص ( فهرست منزوی ۱ : ٤۸ - ش ۵۰ الف م) که بروشی فیلسوفانه است و در آن در نسخهٔ ما و ص ۳۰٤ هامش شرح هدایهٔ شیرازی دارد «فی المنطق من تصنیفی فی کتاب الشفاء» ولی درچاپ جامع البدائع (ص ۱۹) دیده نمیشود ۱۵

دوانی در تفسیر همین سوره از این تفسیر ابن‌سینا چند بند آورده است (ص ۲۲٤٤ همین فهرست) .

آغاز بسمله قوله (تعالی) جل جلاله ( وعم نواله ) « قل هو الله احد » الهو (هو) المطلق (و) هو الذی لایکون هویته موقوفة علی غیره ( مستفادة من غیره) . ۲۰

انجام لاجرم کانت معادلة لثلث القرآن فهذا ما وقفت من اسرار هذه السورة والله المحیط باسرار کلامه (۱۱٤۹/۹ گ ۳۹ ب - ٤۰ ب و ۱۱٦٤/۵ گ ٦۹ ب - ۷٦ الف) .

۱۱- رسالة فی تفسیر الفلق بروش فلسفی (منزوی ۱ : ۵۵- ش ۵۰ ب ۱ م)

انجام : وماذکرناه شرح الاسم والحمد لربناوله المکارم والعلی والجود . (تمت رسالة العقول . والحمدلله وصاوته علی سیدنا ومولانا محمد النبی وآله الطیبین الطاهرین وصحبه المنتجبین وهو حسبی ونعم الوکیل) (۱۱۴۹/۱۲ گ ۴۲ ب – ۴۳ الف) .

۵ ۱۴– رسالة فی اقسام الحکمة (ش ۳۲ م) .

آغاز : بسمله . الحمدلله ملهم الصواب ومنور الالباب وواهب العقل والمتکفل بالعدل وصلاته وسلامه علی انبیائه المرسلین خصوصا علی محمد خاتم النبیین وآله واصحابه اجمعین وبعد فقد التمست منی ان اشیر الی اقسام العلوم العقلية .

انجام : فقد دللنا علی اقسام الحکمة وظهر انه لیس شیء منها یشتمل علی مایخالفه الشریعة وان القوم الذین یدعو نهائم یزیغون عن منهاج الشریعة انما یضلون ۱۰ من تلقاء انفسهم ومن عجزهم ومن تقصیرهم لاان الصناعة نفسها توجبه فانها بریئة منهم . فلنختم الان مقالتناهذه حامدین واهب العقل والتوفیق ومصلین علی انبیائه اجمعین خصوصاً علی خاتمهم محمد المصطفی وآله الغر المیامین (تمت رسالة اقسام الحکمة والحمدلله علی الائمة وصلی الله علی خاتم انبیائه محمد المصطفی وآله الطیبین الطاهرین) (۱۱۴۹/۱۳ گ ۴۳ ب – ۴۵ ب) . ۱۵

۱۵– رسالة المعاهدة بالله که همان روایت نخستین میباشد (ش ۹۲ م) .

آغاز : بسمله . عاهدالله بتزکیة نفسه بمقدار ماوهب لهامن قوتها لیخرجها من القوة الی الفعل عالما من عوالم العقل فیه الهیئة المجردة من المادة .

انجام : عاهدالله انه یسیر بهذه السیرة ویدین بهذه الدیانة کان الله له ووفقنا لما یتوخاه والسلام عن لانبی بعده . تم العهد . تمت . (۱۱۴۹/۱۴ گ ۴۶ الف) . ۲۰

۱۶– رسالة الطیر که در ص ۲۹۹ همین فهرست ( ش ۱۰۷۴/۷ ) شناخته شده است واین سه نسخهٔ ماانکی ازهم جدائی دارند (ش ۸۸ م) درفهرست مجلس (۱۶۳:۳) از ترجمهٔ طیر ابن سینا در تذکرهٔ ممیز یاد گشته است .

آغاز : بسمله . ( وبه الاستعانة ومنه التوفیق . قال الشیخ الرئیس ابن سینا

وفخرالدین اسعد گرگانی شاعر (سده ۵) درویس ورامین که مانند این خطبه است بچاپ رسید. درمیوهٔ زندگانی حاج ملاعباسعلی کیوان قزوینی (چاپ ۱۳۴۹ ص۳۲۶-۳۲۸) روایت کوتاهتر آن دیده میشود. متن بنام «الخطبة فی التمجید» و ترجمهٔ آن بروایت درازتر در ص ۱۲۶ - ۱۳۶ «رباعیات حکیم خیام» چاپ استانبول بسال ۱۳۳۲ دیده میشود. ۵

آغاز: سبحان الملك الجبار الاله القهار لاتدرکه الابصار وهو یدرك الابصار ولایمثله الافکار لاجوهر یقبل الاضداد فیتغیر ولاعرض لسبق وجوده الجوهر.

انجام: وعلیك المعول ... نسألك التوفیق ... و کشف الشبهة انك ولی ذلك والقادرعلیه و مبدأوه واوله و آخره بحمدالله ومنه (تمت والحمدلله رب العالمین وصلواته علی سیدنا محمدالنبی و آله الطیبین الطاهرین وصحابته المکرمین وهو ۱۰ حسبی و نعم الوکیل) (۱۱۴۹/۱۷ گ ۴۸ ب - ۴۹ الف).

۱۹- ادویهٔ قلبیه (ص ۷۱۶ ف - ش ۱۴ م).

آغاز: کتب الشیخ الرئیس ابوعلی بن سینا ره الی الشریف ابی الحسن بن علی بن ابی الحسین ورد امر السید ان اجمع لمطالعته مقالة تشتمل علی احکام الادویة القلبیة و اتحری فیها الاختصار فتلقیته بالطاعة وسئلت الله التوفیق والعصمة. قال ۱۵ الشیخ الرئیس ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری رضی الله عنه. فصل. ان الله سبحانه و تعالی خلق التجویف الایسر من تجویفی القلب خزانة للروح ومعدنا لتولده.

انجام: فهذا ماحضرنا من الکلام فی الادویة القلبیة علی اقصی ما یمکن من الاختصار وقدحان لنا ان یتمم هذه المقالة حامدین واهب القوة علی تمامها ۲۰ وهو حسبنا ونعم الوکیل (۱۱۴۹/۱۹ گ ۵۱ الف - ۶۱ الف).

۲۰- ارجوزة فی الطب (ش ۱۵ م).

آغاز: قال الشیخ الرئیس الفاضل الفیلسوف ابوعلی الحسین بن سینا البخاری، رضی الله عنه واجره ثوابه، فی تقسیم الطب:

لعل المزاج واسطة ... علیه تحریك مخالف له ـ این هم گفته شود که فنواتی این
بند « ولاخلاف لمایوجبه القوة المجبولة فیها . . . و ذلك هوالمطلوب ( الباقی )
(گ ۳۳٤ ب ـ ۳۳۵ ب) را که درنسخهٔ ما پس ازاین آمده ودرحکمت عروضی
(مقالهٔ ۱و۲ طبیعی) و نجات (ف ۱و۲ م ۱ طبیعی ص ۱۰۲ ـ ۱۰٤) دیده میشود
پاره‌ای ازهمین « جواب ست عشرمسئله » پنداشت .                                                   ۵

۲۲ـ شرح حی بن یقظان (ص۲۰۹و۲۵٦ ف-ش٦۵م و۲۱۹ق) ازابن زیله
که همهٔ آن درمجلة المجمع العربی دمشق (ش ۳و٤ س ۲۹ تاریخ ٥٤ وش ۱و۲
س۳۰ تاریخ ۱۹۵۵ وپس ازآن) ازروی نسخهٔ ش ٤۵٦ بادلیان اکسفورد نوشتهٔ
٦۳٤ بچاپ رسید ولی درص۷-۵٦٦ آنچه نسخهٔ بادلیان کم داشت ازروی«مختصر
فی تفسیرمعانی رسالة حی بن یقظان » نسخهٔ بنگال و دو چاپ آن مانند نسخه                  ۱۰
۱۰۷٤/۱۷ ما آمده است . دراین نسخهٔ ماهم در گ۱۱۰ الف س۲۰ میان دو کلمهٔ
« اذ کانت » و «اشاربه» مانند نسخهٔ بادلیان کم داشت ولی کسی دیگر آن بندیرا
که نبود در گ۲ ب نوشته است پس این نسخهٔ ماماننددونسخهٔ ش ۳۲٦۸ احمد۳
درطوپقپوسرای بتاریخ ۵۸۰ و کتابخانه ملی تهران ش۸۸٤/۱ کامل خواهدبود .
محمدصغیرحسن معصومی که این گزارش را درآن مجله بچاپ رسانده میخواهد                  ۱۵
بگوید که متن وشرح هردوازابن سیناست ولی چنین نیست وسبك عبارت ودو نسخهٔ
طوپقپوسرای وملی میرسانند که گزارنده ابی منصور ابن زیله میباشد . ومختصر
آنهم چنانکه از نسخهٔ مابرمیآید از کس دیگراست که از گزارش ابن زیله گزین
نموده است . حی بن یقظان منظوم ابن الهبـاریه م ٥۰٤ ( ص ۲۵۸ ف ) را من
درسال سوم مجلهٔ دانش بچاپ رسانده‌ام . شیخ ابوالبقاء مقدسی متن ابن سینا را                  ۲۰
بنام جواهرالبیان و جواهرالتبیان و همچنین عبدالرؤف محمدبن تاج العارفین
مناوی (م ۹۵۲) آنرا گزارش نموده‌اند . ابن النفیس قرشی ( م ٦۸۷ ) دربرابر
آن « فاضل بن ناطق » نوشته وازاندیشه ابن سیناخرده گرفته است (ص۷۸۲ ف)
ونسخه‌ای ازآن در کتابخانه عاشرافندی دراستانبول (ش ۱۰٤٦۱) هست (مجلهٔ
مجمع علمی) .                                                   ۲۵

آغاز : قال الشیخ الرئیس الاجل الاوحد الفیلسوف ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا قدس الله لطیفه ولماه احسانه و بعد فان اصرار کم معشر اخوانی علی اقتضائی شرح قصة حی بن یقظان . قال المفسر قوله تیسرت دلیل علی ان الامور کلها متعلقة بتیسیر الله تعالی ایاها .

۵ انجام : و تلک هی الحالة التی یستفاد بالله منها و من سرها و غایتها ( تمت ) (۱۱۴۹/۲۲ گ ۱۰۹ ب - ۱۱۸ ب) .

۲۳ - تدارک انواع الخطاء فی التدبیر الطبی (ر ۷۳۱ و من فهرست - ش ۷۵م) .

آغاز : و بعد فان الشیخ السید ابالحسن احمد بن محمد السهلی رحمه الله وهو من عرف بعلو الهمة و شرف الامامة و محبة العلوم و الحکمة و الاخذ منها بالحظ الاوفر ...

۱۰ امرنی فیما امر من الاوامر الحکمیة ان اعمل کتاباً فی دفع المضار الکلیة للابدان الانسانیة .

انجام : فهو موجود فی الکتب و لکن هذا کاف فی غرضنا والله اعلم ( تمت الرسالة) (۱۱۴۹/۲۳ گ ۱۱۹ ب - ۱۲۸ ب) .

۲۴ - رسالة فی العلم و النطق که در فهرست آثار [illegible] کتاب اللواحق

۱۵ خوانده شده [illegible] ( ش ۱۸۸ م ) [illegible] از آن ( ۲۹۱۲ گ ۳۰۳ - ۳۰۵ ) [illegible] من رسالة پارسی [illegible] جنگی است از [illegible] توان گفت که [illegible] بچند دلیل

۲۰ [illegible] در بحث از قیاس [illegible] بسیط و مرکب) [illegible] قیاس الخلف [illegible] : ما هذا معناه [illegible] و قیاس استثنائی کما لو قیل

ان القضية الشرطية يتركب من قضيتين حمليتين يفهم منه ان القضية الشرطية غيرهما
وليس الامر فی قياس الخلف كذلك فانه ليس غير الاستثنائی بل هو قياس استثنائی
مقدمته الصغری متركبة من قضيتين حمليتين مشتركتين فی حد (گ ۱۴۵ الف)
شيخ درمختصر اوسط گفته « والقياس الخلف الذی سنذكره بعد فهو من قياسين
حملی و استثنائی كما سنحققه من ذی قبل » (۱۷۵ الف) و سپس درهمين كتاب ۵
(۸۰ الف) از آن بررسی نموده است . در نجات (ص ۵۵) دارد «فيكون هو بالحقيقة
مركبا من قياس اقترانی و من قياس استثنائی » درفصل ۳ مقاله ۸ فن ٤ منطق
شفادارد « والقياس الخلف بالحقيقه هو قياس مركب من قياسين شرطيين فقط ...
فاحداهما اقترانی من شرطية متصلة و مقدمة يشاركها فی التالی والثانی قياس
شرطی اتصالی استثنائی وبذلك يتم الخلف وحده » (نيز فصل ۱٤ مقاله ۹ همين ۱۰
فن) دراشارهٔ ۹ نهج ۸ اشارات نيز دارد « قياس الخلف مركب من قياسين احدهما
اقترانی والآخر استثنائی » دردانشنامه (ص ۸۸ چاپ ۳۱ خ) آمده « واين قياس
خلف مركب است ازدوقياس يكی قياسی است از جملهٔ قياسهای اقترانی غريب
كه من بيرون آورده‌ام و يكی استثنائی . . . و مردمان اندر باز بردن اين سخن
بقياسهای درست كاری دراز پيش گرفته‌اند و خود نهاده‌اند وارسطاطاليس اشارت ۱۵
بدين كرده‌است كه من خواهم گفتن ولی اين مقدار گفتست كه خلف ازشرطی است
اينستكه من خواهم گفتن . نخستين قياس از اقترانی متصل است وحملی . . . »
پيداست كه ازعبارت گذشته سخنان شيخ خواسته‌شده‌ودر آن از گفته‌او خرده گيری
شده است چنانكه طوسی درشرح اشارات (همانجا) ميگويد « ثم ان الشيخ
افضل الدين محمد بن حسن المرقی المعروف بالقاشی رحمه‌الله ذهب الی ان هذا القياس ۲۰
هو قياس استثنائی من متصلة . . . » و آشكار است كه طوسی بهمين كتاب
مينگريسته است (ص ۲۲۰ همين فهرست وص ۵۰۰ ش ۸ س ۸ تاريخ آبان ۱۳۳۱ خ
مجلهٔ مهر، گفتار من دربارهٔ نگارشهای كاشانی) .

دليل ديگر اينكه‌دراين «العلم والنطق» مبحثهای منطقی بدوگونه بخش

شده است : دانائی و گویائی . و این روش مانند روش کاشانی است در کتابهای
دیگراو مانند مدارج کمال و عرض‌نامه و جاودان‌نامه و بویژه اینکه درمبادی
موجودات او ( چاپ شدهٔ در ش ۳ س ۱ مجلهٔ جلوه ناریخ شهریور ۱۳۲۴ خ )
مانا مطلبها مقالهٔ نخستین همین «العلم و النطق» با عبارتهای دیگری آمده است
وشیخ رئیس را چنانکه نگارشهای دیگراو گواهی میدهد چنین روشی نیست .

دیگراینکه دراین‌نامه دربارهٔ شکل چهارم یکجادارد «وقد یمکن ان یکون
موضوعا فی‌المقدمة الصغری محمولا فی‌المقدمة الکبری فسمی الشکل الرابع »
(۱۴۱ الف) نیز « وههنا شکل آخر بقتضیه‌القسمة التی ذکرناهافان‌الحدالاوسط
اما ان یکون محمولا فی‌الصغری والکبری او موضوعا فی‌الصغری محمولا
فی‌الکبری وهوالشکل‌الرابع ولم یذکر فی کتب‌المنطق المشهورة هذاالقسم
من‌الاشکال لخفاء انتاجه فانه یقابل‌الشکل الاول ( الذی هو ) ابین قیاسیة واظهر
انتاجامن‌جمیع‌الاشکال‌فالشکل‌الرابع اخفی قیاسیة واوعرتبیینا‌للنتیجة من‌جمیعها
وقد یرد کثیرأفی‌الکلام الا انه یرد سریعا الی‌الشکل الاول بتغییر‌المقدمتین قولا
وعن انتاجه‌الخاص » (۱) همین هم میرساند که این نامه از شیخ رئیس نباید باشد
چه او در شفا و نجات و اشارات و دانشنامه شکل چهارم را نپذیرفت ودرمختصر
اوسط هم پس‌از یاد کردن سه شکل نخست و دوم و سوم گفته است « ولاشکل
[illegible] الثالثة [illegible] » ( ۱۱۴۹‚۲۸ [illegible] ۱۶۷ ب ) مگر اینکه
[illegible] فی‌العلم والنطق [illegible] انچه که در ترجمهٔ آن بنام
[illegible] گار می‌نماید وشاید
[illegible] دو نامه [illegible] شده است (۲) .
آ [illegible] . فان عزیمتنا

(۱) [illegible] ۱۴۱ [illegible] دارد وازروی نسخهٔ
[illegible]
(۲) [illegible] سال ۸ ش ۲و۳و۵
[illegible] ۱۰۰و۱۰۱و۱۰۲

فی هذه الرسالة مقصورة علی ذکر حال الخلقین الخاصین بنوع الانسان وهما العلم والنطق و تفصیل ما عرض لهما من الاحوال . . . و اذکان العلم اقدم بالطبع صار اشتغالنا به اهم فصارت رسالتنا هذه مقالتین مقالة فی العلم ومقالة فی النطق .

انجام : مثل الکسوف الذی یستدل به علی توسط الارض بین الشمس والقمر واذا اتینا بما اردنا ایراده ووفینا بماوعدنا فلنختم المقالة والله ولی الهدایة والحمد له کماهو اهله و علی نبینا خاتم الانبیاء محمد و آله والصلوة والسلام ( ۱۱۴۹/۲۴ گ ۱۲۹ ب - ۱۴۶ الف. دراین نسخه درس ۱۹ گ ۱۴۱ الف باندازهٔ یك صفحهٔ کم است) .

۲۵- رسالة فی علاج الحزن (ص ۶۷۲ ف - ش ۵۹ م) .

آغاز : بسمله . الحزن الم نفسانی یعرض لفقد المحبوبات وفوت المطلوبات لایکاد یعری احد من هذه الاسباب .

انجام : بل یرضی بکل حال یکون فیها لیسلم من الم الحزن (تمت الرسالة والحمدلله وصلواته علی سیدنا محمد النبی و آله وسلامه رب اختم بالخیر (۱۱۴۹/۲۵ گ ۱۴۶ الف) .

۲۶- رسالة فی دفع الغم من الموت (ص ۶۶۱ و ۲۲۲۱ ف - ش ۱۶۸ م) ونباید از ابن سینا باشد .

آغاز : بسمله. الحمدلله رب العالمین وصلواته علی محمد النبی و آله الطاهرین لماکان اعظم مایلحق الانسان من الخوف هوالخوف من الموت .

انجام : فلایفضل المتصدق ذلك الفضل الا ان یشاکله تلك النفس وعلی هذا یشبه بشیء واحد (۱۱۴۹/۲۶ گ ۱۴۶ ب - ۱۴۷ ب) .

۲۷- الذکر (ش ۵۴ م ) که در ثمرالحیوة کیوان قزوینی ( چاپ ۱۳۰۸ ص ۱۶۲) بنام « کلام فی الخلوة والحث علی تصفیة الباطن » هم دیده میشود .

آغاز . بسمله . امابعد فان من شمر عن ساق الجد للبلوغ الی مرتبة الواصلین .

انجام : حتی نبلغ منه منزلة السکینة بمنه وجوده وسعة رحمته والحمدلله

گ ۱٤۸ ب - ۲۰٤ الف . در ۱۵۷ کمی سفید و کم دارد و در ۱٦۱ الف جای لوح سفید است در۱۷۷ هم سفید گذارده شده و کم دارد) .

چنانکه گفته‌ایم قنواتی این رساله را « الموجزالکبیر » نامید وهمین را دوقطب شیرازی و رازی و صدرای شیرازی هم بدین نام خوانده‌اند چه اینکه
در آغاز برهان آن (ف۱ م ۳ - ۲۰٤ ب) دارد « العلم علی وجهین احدهاتصور والآخر تصدیق.والتصور ان یحدث مثلا معنی اللفظ فی النفس ... بل ذلك حادث آخر فی النفس » و این عبارت که باندازهٔ ده سطر میشود در آغاز منطق درة التاج قطب شیرازی بنام همین الموجزالکبیر آمده (ص۲ چاپ تهران) وقطب رازی هم درشرح مطالع (فصل۱ ص۷ چاپ ۱۳۱۵ در آخر شرح بر گفتار ارموی فی الحاجة
الی المنطق) همین اندازه « العلم علی وجهین تصور وتصدیق » را ازآن آورده وهمه آن عبارت بالارا بنام همین کتاب باعبارت دیگری:« ان التصدیق موقوف علی امرین احدهما تصور المصدق به ای المط به والثانی تصور مایعلم ثبوته وتصدیقه ولاشی من الانتساب والنسبة بمتوقف علی ذلك » دررساله تصور و تصدیق خود گنجانده است . ( شماره ۳۸۷۸ مدرسهٔ سپهسالار - درچاپ ۱۲۸۷ هند اندکی
ازآغاز این رساله تا بالای صفحه ٦۸ آمده و همه را ندارد ) صدرای شیرازی دررسالهٔ تصور و تصدیق(چاپ‌شدهٔ باالجوهر النضیددر تهران بسال ۱۳۱۱) نیزهمان عبارت بالا که دردرة التاج آمده است آورد . چون این عبارت درنجات نیست پس برهان آن از برهان الموجزالکبیر یا المختصر الاوسط گرفته نشده است .

۲۹- الموجزة فی المنطق (ش ۱۱٦ م - ق ۳۱ و ٤٤) که دراین نسخهٔ ما
همان بخش برهان وجدل و مغالطه و خطابهٔ آن آمده است و جدل و مغالطه وخطابهٔ آن همان جدل و مغالطه و خطابهٔ حکمت عروضی است ( نسخه خطی وآغاز ناس۳ س ٤٤ چاپ مصر) با اندکی جدائی .

آغاز : بسمله . فی اصول علم البرهان و بیان ان کل تعلیم وتعلم فعن علم سابق . فقد فرغنا عن الامر المشترك لجمیع القیاسات وهو الکلام فی التألیف فلنشرع

في تحديد المواد التي فيها يقع التأليف واحداً واحداً منها ولنبدأ بالمواد البرهانية .

انجام : فهذه هي اجزاء الفضيلة وليس بها فقط يمدح الانسان و بفاعلاتها

(۱۱۴۹/۲۹ گ ۲۰۴ ب – ۲۳۳ الف) .

از نکته‌های تاریخی و علمی که در مختصر اوسط و موجز هست یکی اینستکه در بدست آوردن حد سه راه پیشنهادشده یکی برهان دیگری قسمت سوم ترکیب. خود ارسطو در ارغنون در فصل ۳۱ مقالهٔ ۱ قیاس و فصل ۵ مقالهٔ ۲ فن برهان از قسمت یاد نمود و از رأی افلاطون که طرفدار آنست و میخواهد آنرا در برهان و حد بکار برد خرده گرفت و در فصل ۴ و ۶ و ۷ مقالهٔ ۲ همین فن از برهان در حد گفتگو نموده و در فصل ۱۳ و ۱۴ همین مقاله روشن کرد که راه پیدا کردن حد ترکیب است نه قسمت ابن ابی زرعه در «اغراض ارسطاطالیس المنطقیه» و ابن رشد در «تلخیص» همان سخنان ارسطو را روشن نموده و نامی از کسی نبرده. پیش از آنها فارابی در اوسط کبیر نوشته که کسانوقراطیس در حد راه برهان رفته و افلاطون راه قسمت و ارسطو راه ترکیب در آن پیش گرفته است شیخ در همین مختصر اوسط در فصل (۳) في ان الحد لا يكتسب بالبرهان از مقالهٔ ۲ كتاب البرهان (گ ۲۰۰ الف) هم راه برهان را [illegible] از کسانوقراطیس (ا [illegible] در [illegible]) و در فصل پس از آن قسمت را از افلاطون دانسته (... در قیاس گ ۱۸۲ ب) و در فصل ۱۱ آن (۲۰۲ الف) از راه [illegible] نام فیلسوف (ارسطو) یاد نمود و در آغاز آن بندی از فصل ۱۳ مقالهٔ ۲ فن برهان ارغنون (۹۶ ب ۱۵ ص ۴۴۳ چاپ بدوی) را بروشی [illegible] آورده و پیداست که آنرا گزیده نموده است او در برهان موجزه هم از روشهای [illegible] و قسمت افلاطون و [illegible] ارسطو کاوشی نموده است (گ [illegible] و ۱۰۹ الف) در منطق شفا (فصل ۵ مقالهٔ ۹ فن ۴ در قیاس) [illegible] که [illegible] مقاله‌های ۲ و ۳ و ۶ مقالهٔ ۴ فن ۵ در برهان روشن کرد [illegible] و [illegible] پرداخت. در نجات [illegible] (ص ۷۶–۸۰) ولی نه در شفا و نه در نجات از دوستاران

دوراه برهان وقسمت درحد و برهان نام کسی را نبرده‌است (نیز بنگرید بمعتبر بغدادی۱: ٥٥-٦۱ واساس‌الاقتباس ص ٤۱٦-٤۲۹ ومعیارالعلم ص ۱۷٦و بصائر نصیریه ص۱٦۹) فارابی باید از کسانقراطیس که در نسخهٔ مختصراوسط وموجزهٔ ابن‌سینادرست نوشته‌نشده‌همان کسنو کراتس (Ξενοκρατης = Xénocrate) را خواسته باشد.همانکه درفصل ٤ مقاله ۲ برهان ارغنون از گفتهٔ اودربارهٔ اینکه «روان آدمی شماریست‌خودبخودجنبنده» یاد گردید همچنین در کتاب نفس (م ۱ ف ۲و٤ - ترجمه عربی ص ۱۲ و۲۰ وفرانسوی تریکو ص ۲٥و٤۷ - نیزترجمهٔ فرانسوی تریکو از برهان ارغنون ص ۱۷٥ و قیاس وبرهان Ross ص ٦۱۸ ) شیخ درفصل۲ مقاله ٤ برهان منطق شفا (ص۲۰۳) ازتعریفهای نفس این را گفته: « عدد محرك لذاته » و بدوی روی گفتهٔ پلوتارخوس درآراء طبیعیه (ص ۱٥٦) که دارد «واما‌بوثاغورس فیری‌ان‌النفس عددیحرك‌ذاته ویعنی بقوله‌العددالعقل» این رأی را از فیثاغورس پنداشته است با اینکه بنوشتهٔ رس و تریکو ، همین پلوتارخوس‌دراخلاق (Mor. 1012 D) وفیلوپونس (یحیی‌نحوی) واوستراتس آنرا از کسنو کراتس دانسته‌اند . میشود گفت که فارابی از فیلوپونس گرفته ودورنیست که‌این‌رای‌دوم‌ازفیثاغورس‌بوده و کسنو کراتس از او پیروی کرده باشد (۱) .

---

۱- کسنو کراتس فیلسوف یونانی که درخلقدونیا نزدیك ٤۰٦ پیش‌ازمسیح زاده ونزدیك ۳۱٤ درگذشت شاگرد افلاطون بوده وبااوبسیکیلیا رفته‌است . اوهمشاگرد ارسطو و از رهگذرهائی پست‌تراز او بود چه هوشی کند داشت ولی ارسطو زیرك بوده است . ازاینجا است که افلاطون دربارهٔ اینو گفته که « یکی نیاز به لگام دارد ودیگری به مهمیز » گرچه اودربکاربردن خوی ورفتارفلسفی برارسطو برتری داشته ودرشت‌وسخت‌وبی‌آزبوده است‌و برندگی‌او تااندازه‌ای‌بود که‌استادش‌اورابدینگونه برمیانگیخت که «دربرابرخاریتس ( Χαριτες = Xàrites ) پروردگاران زیبائی قربانی کند» او در ۳۳۹درتدریس آکادمی‌جانشین‌اسپوسیپس‌شده و نخست‌پیرو آراء افلاطون بوده‌سپس نزدیك بمسلك فیثاغورسی شده‌ومیان‌دوروش افلاطونی‌وفیثاغورسی (مثل‌واعداد) آشتی‌داد . کتاب مرگ اودر۱٤۹۷ بچاپ رسید (لاروس سدهٔ۱۹و۲۰)

(ص ۳۱۹ ف و ۲۰۵ م) که هردو در رسائل ابن‌سینا شمارهٔ ۱ چاپ ۱۳۵۳ آنکارا دیده میشود .

آغاز : بسمله. اعترض علی فیما وجده الشیخ ابو الفرج من الاخلال و الاختلاط فی مقالة لی کتبها مجیبا فیما وسطت فیه و ان کان ایضا قدامعن فی القول و الثناء الجمیل کما یلیق بحر مثله مخلوطا بغمزات و لمزات فیما ضرب مما لم یزل اهل الفضل یصون عنه فی المشافهات و الحکایات و لو کان القائل غیره و المقول غیری و قد حکی عنی مالم اقله و لا اقوله .

انجام : فیکون التفاوض علی کتمان انشاءالله وحده (تمت الرسالة و الحمدلله و صلوته علی خیر خلقه محمد النبی و آله الطیبین الطاهرین) (۱۱٤۹/۳۳ گ ۲٤۰ الف - ۲٤۲ الف) .

۳٤- المبدء و المعاد (ص ۳٤۳ ف - ش ۱۰٦ م) آقای محمود شهابی آنرا بفارسی کرده و این ترجمه در چاپخانهٔ دانشگاه بچاپ رسید .

آغاز : رسالة فی بیان المبداء والمعاد . الحمدلله رب العالمین و صلواته و سلامه علی رسوله محمد و آله اجمعین قال الشیخ الرئیس ابو علی الحسین عبدالله بن سینا البخاری رحمه الله و بعد فانی اریدان ادل فی هذا الکتاب علی حقیقة ماعند المشائین المخلصین من حال المبداء و المعاد تقربا الی الشیخ ابی احمد محمد بن ابراهیم الفارسی .

انجام: و الاستبداد بالرأی الباطل و الاعتقاد العجب فیما یری و یعقل (تم الکتاب ولله الحمد و المنة و صلواته علی رسوله محمد و علی آله و سلامه آمین یارب العالمین) (۱۱٤۹/۳٤ گ ۲٤۲ ب - ۲٦۷ ب . عنوانهای مطلبها بخط شکسته نستعلیق تازه در کنار برگها هست و حاشیه‌هائی هم بهمین خط که نشانهٔ «یا اباعبدالله الحسین» دارد هست) .

۳۵- رسالة فی حفظ الصحة (ش ٦۰ م) در سیزده فصل .

آغاز . بسمله استعین فیما افید بالعقل الفعال و استل الله تعالی ان یطیل

بقاءالشیخ و استدیمه بمنه و نعمته واسترهن له العصمة والتوفیق لمایحبه و یرضاه بمنه وفضله ولمارأیت ظاهر تمیزو بادیء تحصیله ... طلبت من نفسی تأثیر ماوجبت له ورغبت الیه شیيء من ابواب الخدمة ... فلم اجد شیئا اشبه مماجربته من صلاح نفسه ثم لما یتحفه لاخوانه واصدقائه ان اجمع کتابا مختصراً ینطق بذکر الصحة ودفع الاسقام .

انجام : فی امساك البطن بعالج والقمر فی البروج ذوات الجسد (اوبلت مقالة حفظ الصحة للشیخ و کانه وقع من آخره صفحة او اوائل ماینطلب) (۱۱۴۹/۳۷ گ ۲۷۰ الف ـ ۲۷۲ ب . چنانکه نویسندهٔ نسخه‌ها گواهی میدهد این نسخه کم دارد وانجام آن درفهرست آقای دکترمهدوی چیزی دیگر است) .

۳۶ـ تدبیر المسافرین (ش ۵۴ م) که شیخ در مدارك الخطاء الواقع فی التدبیر الطبی گویا از همین یاد نمود (س ۷۳۱ ف) .

آغاز . بسمله . الحمدلله رب العالمین حمدالشاکرین وصلواته علی خیر الخلائق محمد و آله الطاهرین . ینبغی للمسافر ان یستفرغ بدنه بالفصد او بالدواء ان کان ممن اعتاد ذلك .

انجام نم [illegible] علی الموسم و ذلك ما اردنا ان نبین و من الله التوفیق (۱۱۴۹/۳۸ گ ۲۷۲ ب ـ ۲۷۴ الف)

۳۷ـ [illegible] فی [illegible] (ش ۸۳ م) که شیخ در خطبه فی الخمر (س ۵۱۳ ف ـ ش ۷۱ م) گویا [illegible] کرده .

آغاز [illegible] الحمدلله رب العالمین حمدالشاکرین وصلواته علی خیر الخلائق محمد و آله [illegible] الشیخ [illegible] هذا کتاب سیاسة البدن و[illegible] العمل و مایعارض [illegible] الذوق الشم الباه .

انجام [illegible] و [illegible] ماکان علی الطبل و[illegible] فی [illegible] وهی معروفة بالمجدول و[illegible] (۱۱۴۹/۳۹ گ ۲۷۴ ب ـ ۲۷۵ الف)

۳۸- کناش فاخر که چنانکه دردیباچه آمده باید در ده مقاله و پنج باب باشد ولی هم در فهرست پس از دیباچه و هم در خود کتاب جز همان ده مقاله نیامده است . هیچ نشانه‌ای در این رساله نیست که برساند که آن از ابن سیناست.

آغاز : بسمله . الحمد لواهب العقل والبیان مفضل الانسان علی جنس الحیوان ... کنت اشرت الی ایها الاخ البار ان اجمع کناشاً فاخراً یحتوی من الطب ۵
علی اصول مضبوطة وفروع بالتجربة منوطة فاجیب الی مرادك وجعلته علی عشر مقالات وخمسة ابواب .

انجام : تمت المقالة العاشرة . . . وههنا القول فی ذلك وکفی والله المعین وحسبنا الله وحده وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله وصحبه اجمعین (۱۱٤۹/٤۰ گ ۲۷۵ الف - ۲۸۸ ب) . ۱۰

۳۹- الکامل الکثیر المنافع که اینهم روشن نیست از ابن سینا باشد .

آغاز : بسمله. قال یحیی بن ماسویه: شحم الحنظل ودواء یسمی اسطوخودوس فشحم الحنظل اذا شرب منه ماهی قیراط الی دانق مع ایارج فیقرا وزن درهم معجونا بعسل .

انجام . قد طبخ فیه مرزنجوش ومام وبودنج وشیح وقیصوم انشاء الله تعالی ۱۵
(تم الکتاب الکامل الکثیر المنافع . والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی نبینا محمد وآله واصحابه اجمعین . تم .) (۱۱٤۹/٤۱ گ ۲۸۸ ب - ۲۹٤ ب) .

٤۰- فصول فی الطب ( ش ۹٦۰ م ) که گویا از گفته‌های شیخ درمجلس درس گرد آورده‌اند .

آغاز . بسمله . علیك اعتمادی یا کریم . اما بعد حمد ولیه والصلوة علی ۲۰
نبیه . قال خلق القلب وما ینبعث منه من العروق الضوارب وعاء الروح ومکان تولدها.

انجام : حد الماء جرم بسیط طباعه ان یکون بارداً یابسا متحرکا الی الوسط نازلا فیه (تمت الفصول من املاء شیخ الرئیس والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد النبی وعلی آله واصحابه الطیبین الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا . تم .)

(۱۱٤۹/٤۲ گ ۲۹۵ ب - ۳۰۳ ب).

٤۱- مسائل حنين (ش ۱۱۰ م) خواجهٔ طوسی هم گفتاری دربارهٔ سخنان حنين و ابن‌سينا دارد (س ۷۲۵ ف).

آغاز. بسمله. قال حنين في المسائل البلغم صار يحدث حمى ينوب كل يوم من طريق انه سهل الاجتماع بسبب كثرة مقداره و سهل التعفن بسبب رطوبته و التحلل والاستفراغ بسبب لزوجته والمرة السوداء صارت (تحدث) حمى ينوب يوما و يوما ... والمرة الصفراء صارت تحدث حمى ينوب يوما و يوما.. قال الشيخ الجواب فيها ثلثة امور: اجتماع و تعفن و تحلل. فالاجتماع يعين على سهولته.

انجام: والخريف بخلاف ذلك لان الصيف يحلل الرطوبات والارواح فيبرد الخريف والقوى واهية والرطوبات متحلله فيهوى على البدن اضعف عارض (هذا آخر ما وجدت من هذه المسائل والتعليق. تمت بعون الله و حسن توفيقه) (۱۱٤۹/٤۳ گ ۳۰٤ الف - ۳۰۹ الف)

٤۲- رسالة في الباه (ش ۳۹ م) در آن از ابوسهل حمدونی (گ ۳۱۰ ب س ۱٤) یاد شده است.

آغاز. بسمله. الحمد لله حمداً يكون كفاء نعمه الظاهره والباطنه والصلوة على انبيائه و اوليائه الطاهرين و خصوصا على خير البرايا محمد و آله و عترته. ... سأله عنها ... اثنين و سبعين سنة ... والله الموفق انه لابد لمن آثر ... ارشاد على سبيل ... وتمهيد ... منه لايشوبها ... محذوم والكلام ... 

انجام ... الرأي العالي زاده الله سمواً زيادة

فیما قلت سارعت الی الزیادة انشاءالله تعالی (تمت الکتاب بعون الله و حسن توفیقه) (۱۱۴۹/۴۴ گ ۳۰۹ الف - ۳۱۱ ب).

۴۳- رسالة فی منافع الاعضاء (ش ۲۲۹ م).

آغاز : بسمله . رب وفق و اعن . لما اقتضت حکم الخالق تعالی ایجاد شخص الانسان بالجمع بین العناصر المتفاوتة الطبائع المناسبة المنافع جعل اختلاف امتزاجها سببا لوجود اخلاطه المختلفة .　۵

انجام : واظهرت فیه القوی الحسیة واعدته للاتصال (با) النور العقلی بقواه النفسانیة و التصرف فیما یقتضی شروط الانسانیة . تبارک الله احسن الخالقین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین . (۱۱۴۹/۴۵ گ ۳۱۱ ب - ۳۱۴ الف).

۴۴- ارجوزة فی الخواص (ش ۲۰ م) که در نسخهٔ ما دارای ۱۳۳ بیت میباشد .　۱۰

آغاز : بسمله . و به نستعین .

| | |
|---|---|
| بدأت باسم الله فی نظم حسن | اذکر ما جربته طول الزمن |
| ماهو بالطبع و بالخواص | لکل عامی و کل خاص |

انجام :

| | |
|---|---|
| من حیة او عقرب ذعور | وهکذا من اشقر الزنبور　۱۵ |
| هذا الذی جربته فی عمری | نظمته للمقتضی لاثری |
| الحمدلله علی انعامه | ثم صلوة الله مع سلامه |
| علی النبی المصطفی المختار | و آله الاکارم الاخیار |

(تمت الارجوزة بعون الله تعالی ومنه) (۱۱۴۹/۴۶ گ ۳۱۴ الف - ۳۱۵ الف) (۱).　۲۰

---

۱- ابن ارجوزه در الدر المنثور عاملی (ص ۱۳۰۲ ف- ش ۶۵۵ گ ۱۶۵ ب - ۱۶۷ الف) در ۱۷ بیت آمده بدینگونه :

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز : بسمله .

| | |
|---|---|
| اول یوم تنزل الشمس الحمل | تشرب ماء فاترا علی عجل |
| وان تدع فیه شراب الورد | تامن من الحمی ونغص البرد |

انجام :

| | |
|---|---|
| وضف الیها رطل سکری | مبتل بدهن لوز اخضر ٥ |
| وطیبه الانس مع النکاح | مع کل کاعبة رداح |

( تمت ارجوزة الشیخ الرئیس ابن سینا بحمدالله و عونه و حسن توفیقه )
(١١٤٩/٤٧ گ ٣١٥ الف و ب) .

٤٦- رسالة فی القدر که در آن قضا وقدر شناسانده شده است و بندیست ازمباحثات (ص ٢٣٣ چاپی - ش ٢٠٢ م) . ١٠

آغاز : بسمله . الحمد لولیه والصلوة علی نبیه . القدر هو وجود العلل والاسباب وانسیاقها علی ترتیبها ونظامها حتی ینتهی الی المعلولات والمسببات .

انجام : والاقوی وجوداً هو الجوهر لانه وجد من جهته بوسائط اقل والاضعف وجوداً هو العرض لانه بالعکس ( من هذا ) ( تمت ) (١١٤٩/٤٨ گ ٣١٦ الف) . ١٥

٤٧- رسالة فی النفس الانسانیة که بندهاایست از فصوص فارابی (ص ٣١٩ ف - ش ٢٠٦ م) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

| | |
|---|---|
| هذا الذی جربته فی عمری | نظمته للمقتفین اثری |
| والحمدلله علی الاتمام | حمداً کثیراً عدد الایام ١٠ |
| و صلوات الله ذی الجلال | علی النبی المصطفی و الآل» |
| ( ما ان بدا فجر الصباح العاجی | یجنح دبر الظلام الداجی |
| و آله العصابة الزکیة | الانجم الطاهرة الذریة |
| وصحبه والتابعین اثرا | ما جاء قطرا و اجاد دهرا |
| وغفر الله لنا وقد عفی | عنا وعن آبائنا وقد کفی ٢٥ |

- پایان آن در مقامع) .

لعمری انه لابجده والسلام (١١٤٩/٥٢ گ ٣٢٥ ب - ٣٢٧ الف).

٥١- رسالة فی الآلة الرصدية (ش ١ م).

آغاز: بسمله الحمدلله وحده و صلواته علی النبی محمد و آله وسلم. غرضنا ان نصف آلة رصدية سلغ بها غاية الاستقصاء فی تعرف علم الهيئة و تتهيأ الوصول بها فی رصد مواضع الكواكب الی الثوابت.

٥

انجام: فهذه هی الآلة التی اعتمدناها فی تدقیق امر الرصد بمشيه الله و حسن تیسره. الحمدلله رب العالمین والصلوه علی سیدنا محمد و آله اجمعین و حسبنا و نعم الوكيل آمین (١١٤٩/٥٣ گ ٢٢٧ ب - ٣٣٠ الف).

٥٢- ارجوزة فی علم المنطق (ش ٢٢ م).

١٠

آغاز بسمله

| | |
|---|---|
| الحمدلله الذی لعبده | نمل السناء لااله فی حمده |
| والحمدلله كما يستوجب | بعزه العالی الذی لا يغلب |

انجام:

| | |
|---|---|
| فلنختم الآن الكتاب ختما | بعد نظمنا العلم فیه نظما |

(تم الكتاب بعون الله الملك الوهاب) (١١٤٩/٥٤ گ ٣٣٠ الف - ٣٣٢ ب).

١٥

٥٣ نجات (س ١١٨ م) كه در این نسخهٔ ما چند سطر پایان ف ١ م ١ طبیعی نجات (س ٤، س ١٠١ چاپ ١٣٥٧) و ف ٢ م ١ وف ١ - ١٤ م ٢ همان طبیعی (س ١٠٢ - س ١٣ ص ١٣٢ همان چاپ) دیده نمیشود و آغاز آن بپایان بخشی از مباحثهٔ پنجم مباحثات كه یاد كرده‌ایم پیوسته است و من با سنجیدن این نسخه با نسخهٔ «اجوبه بیست عشره مسألة» چاپ شدهٔ دررسائل ابن سینا و نسخهٔ چاپی نجات و نسخهٔ عكسی حكمت عروضی با رنجی در یافتم كه چنین است.

٢٠

میدانیم كه شیخ بسیاری از حكمت عروضی را در نجات گذارده است (س ٦٢ م) ودر این نسخهٔ ماهم چند سطری از ف ١ م ١ طبیعی آن هست سپس

انباذقلس و افلاطون در فاذن و طیماوس و ارسطو در اثولوجیا و دانشمندان دیگر و پیامبران و موبدان پارسی و از داستانها سلامان و ابسال و حمامهٔ مطوقهٔ کلیله ودمنه و حی بن یقظان و عینیه شیخ یاد نمود . سبزواری در حاشیهٔ خود برهمین جا این قصیده را اندکی هم گزارش نمود ( نیز فصل بازپسین باب ٦ همین مجلد اسفار ) . ٥

آغاز : بسمله . الحمدلله حمدالشاکرین وصلواته علی سیدالاولین والآخرین محمد وآله الطیبین الطاهرین . من کلام الشیخ الرئیس ــ انا من ای موضع جئنا الی هذا العالم اعلم انا من ذلک العالم جئنا الی هذا العالم .

انجام : و کالعلة فی المعلول و کالشیء فی التمام (تمت الرسالة) (١١٤٩/٥٦ گ ٣٤٣ الف و ب) . ١٠

٥٥ـ العروس یا الفردوس یا سلسلة الفلاسفه (ص ٧٨و١١٢ ف و ص ٦٤ بازپسین سخن ف ــ ش ٨٩ م) .

آغاز : بسمله . کل شیء فی عالم الکون والفساد مما لم یکن فکان قبل الکون ممکن الوجود .

١٥ انجام : و اشرف الناس فی هذا العالم من کانت نفسه النطقیة عقلا بالفعل واشرف من کانت نفسه النطقیه عقلا بالفعل من القدسیة من له النفس القدسیة النبویة. تمت الرسالة (١١٤٩/٥٧ گ ٣٤٣ ب ــ ٣٤٤ الف) .

٥٦ـ النفس (ق ١٠٧ــم ١٢٣) که پس از دیباچه مانندی در بارهٔ نفس در سه فصل است (العقل ــ الخیر ــ المعاد) در آن از اخلاق ارسطاطالیس و مقالهٔ سیرهٔ عقلیه برقلس ٢٠ وتفسیر یحیی نحوی برای سخن سقراط و سماع طبیعی و کون و فساد ودوحرف لام و الف صغری از مابعدالطبیعة یاد شده است . بخشهای چهارگانهٔ این رساله بترتیب فصلهای ١٣ و ١٤ و ٢٤ و ٢٥ مقالهٔ یکم کناش نامبردار به « المعالجات البقراطیة » طبری . النفس الکلیة ، العقل ، الخیر والشر ، المعاد » میباشد (١)

---

١ــ المعالجات البقراطیة از ابوالحسن احمد بن محمد بن یحیی طبری ترنجی، شاگرد ٢٥ دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

افزوده وهمه را یکجانوشته وگویا دانسته یا نادانسته آنها را ازابوعلی ابن‌سینا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

٦ـ دردرمان بیماریهای دهان وگلواست تاگردن در ٥٨ باب .
٧ـ دردرمان بیماریهای پوست تن است در٦٠ باب .
٨ـ دردرمان بیماریهای سینه ودستگاه دم ودل است در ٣٨ باب . ٥
٩ـ دردرمان بیماریهای شکم است در٥٢ بابودارد«املاء ابی‌الحسن احمدبن محمدالطبری » .

درمقاله‌های٧و٨ دارد «املاء ابی‌الحسن‌احمدبن محمدالطبری‌الطبیب الترنجی لمیرر کن‌الدولة » (گ ٢٣٨ الف و٣١٧ ب ش ٥٢٥ مجلس) .

این ترنجی که درنسخه‌هاگوناگون و نادرست نوشته شده باید از همان ترجی ١٠ Turjy یا ترنجی یا ترنجه یا تراجی کلا باشدکه شهرکی کهن و آبادان بود میان آمل وساری درطبرستان وازچهارده شهردارای «منبر» آنجا و نامش ازمیوهٔ ترنج گرفته شده واکنون دیهی‌است دربیشه ازبخشهای بابل در١٢فرسنگی جنوب‌خاوری آن (حدودالعالم ص ٨٥ چاپ تهرانی و ص ١٣٤ ترجمهٔ انگلیسی‌آن ازمینورسکی ـ احسن‌التقاسیم ص ٣٥٤ ـ معجم‌البلدان یاقوت ١: ٨٤٥ ـ اعلاق نفیسهٔ ابن رسته ص ١٥ ١٤٩ـ فرهنگ جغرافیایی) نسخه‌ای ازاین‌درطوس (٢٨٩:٢ش١١٨) هست ومقالهٔ ٧ درآن است وازپایان کم دارد . درمجلس سه نسخه‌ای هست یکی بشمارهٔ ٥٢٤ بتاریخ روز پنجشنبه ١٦ رمضان ٩٨٢ و دارای مقاله‌های ٤ تا ٦ و ٨ دیگری بشمارهٔ ٥٢٥ بتاریخ روز چهارشنبه ١٨ج ١٠٩٣/٢ درکرمان ودارای هرنه مقاله میباشد وپاره‌ای از دیباچه را درآغاز ندارد . یکی هم بشماره ٦٣٤/٢٩ که همان مقالهٔ نخستین است ٢٠ ودرقم رورچهارشنبه ١٠ ذی‌حجه ١٠٣٧ دربالاخانهٔ آستانه نوشته شده‌است (ص٢١٦ـ ٢٣٤) ودیباچه‌راهم‌نداردونام «کناش معروف‌بمعالجات بقراطیه‌للفیلسوف‌ابی‌الحسن احمدبن محمدالطبری » میباشد .

نسخهٔ شماره ٢٩٥ دانشکدهٔ پزشکی بتاریخ ١٢٩٥ است (فهرست آنجا ص ٤٤٥) و نسخهٔ شمارهٔ ٤٤٧٤ ملك بتاریخ ٨٨٦ میباشد . ٢٥

بروکلمن (٣٣٧:١ وپیوست ٤٢٢:١) ازنسخه‌های هند وترکیه و لندن وآلمان وموصل یادکرده است .

طبری درباب ٣١ ( درمالیخولیا ) از مقالهٔ٣از انواع مالیخولیا(نسخه ش٥٢٥

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

گرفته‌شده‌است . پس درصحت استناد بسیاری‌ازاینگونه رساله‌ها که‌ازابن‌سینا دانسته‌اندبایددرشك‌بود.

آغاز : بسمله . من كلام الشيخ‌الرئيس في‌النفس . قال‌في‌اثناء كتابه حدت (حد) الفلاسفة‌النفس بانها غاية (تمامية) جسم طبيعي آلى بالقوة يعنون حياًبالقوة الى (وفى) هذا خلاف و سياتى مشروحاً فى تفسير كتاب‌النفس . ٥

انجام :فهذا معنى قولنا المعاد(ثم يجمع‌الله بين هذه‌الصور والمواد التى رجعت‌الى‌عناصرها) كمابدأهااول‌مرةوهو بكل‌خلق‌عليم(وعلى كل‌شىء‌قدير)وانما ذكرنا منه يسيرالان الكلام فيه مع من لايعرف الربوبية يصير كالسمر والحديث (وحسبناالله وحده ونعم‌المعين . تمت‌الفصول . والحمدلله كفاافضاله وصلواته على سيدنا نبيه محمد وآله حسبى ونعم‌الحسيب) (۱۱٤۹/۵۸ گ ۳٤٤ ب – ۳٤۵ ب) ۱۰ (انجامی که درفهرست قنواتی یاد شده دوسطری کم دارد وانجام فهرست آقای دکترمهدوی ازفصل نخستین است باکمبود دوسه کلمه‌ای درپایان).

۵۷– الاجوبة عن‌المسائل الاثناوعشرون (ش ۹ م) درآن از کتاب‌المحبة افلاطون و کتاب فرفوريوس و کتاب‌النفس ثابت‌بن قره یاد شده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمين والصلوة على‌خيرخلقه محمد وآله . ۱۵ منهاعلة وجودالانسان‌فى‌هذاالعالم (الجواب) ان‌طالب‌هذه‌العلة فى‌وجودالانسان و غيره من انواع‌الخليقة فى‌الاعلى والاسفل هوالآن عليهما جميعاً شىء مشترك لهما وهووجودالبارى .

---

دنبالۀ حاشیۀ صفحه پیش

۲۰ از ابراهیم‌بن بکس کمك خواست وبه شد پیش‌ازاینکه بیماریش سخت شود وبدستور او ببغداد آمد . او تهی‌دست نبود و همینکه از دیوانگی برست بمی وسماع بپرداخت تااینکه درگذشت .

درهمین‌باب (گ ۱۱۲)او یادمیکند از مالیخولیائیکه از عشق و شیدائی پیدا میشود و از ترك جماع یا شدت شهوت که‌بهذیان وپرداختن‌بپردگیان‌وزنان دیگران میکشاند . ۲۵

۶۱- از البر الاثم ( ش ۴۰ م - ق ۲۴۹ ) که شیخ در نجات ( ف ۳۷ م ۲ الهی ص ۳۰۲) و شفا ( ف ۱ م ۱۰ الهی ) از آن یاد کرده است . اخلاق و فیض الهی او هم گویا از همین کتاب بوده است . این هم گفته شود که عبارت «البر والاثم» ترجمه مانندیست ازعنوان « فضائل ورذائل = De virtutibus et vitiis» ارسطو . ۵

آغاز : بسمله . و من ای الافعال هی تلك فمتوسطات الافعال فان الافعال متی کانت متوسطة کسب الخلق المحمود و متی فعلت بعد حصول الخلق المحمود حفظته علی حاله .

انجام : و اصناف الالحان والاغانی تابعة للاشعار و اقسامها و عاملة فی مواضعها تأثیرات ابلغ من اعمال الاشعار و تأثیراتها (تمت والحمدلله رب العالمین ۱۰ وصلی الله علی سیدنا محمد النبی وعلی آله واصحابه الطیبین الطاهرین)(۱۱۴۹/۶۳ گ ۳۶۰ الف - ۳۶۳ ب) .

۶۲- اخلاق (ص ۶۴۷ ف - ش ۱۳ م) که باید بخشی از البر و الاثم باشد چه اینکه دیباچه‌ای ندارد و کتاب جداگانه‌ای را نمی‌ماند .

آغاز : بسمله . المعتنی بامر نفسه المحب لمعرفة الفضائل و کیفیة اقتنائها ۱۵ لتزکو بها نفسها ومعرفة الرذائل و کیفیة توقیها لتتطهر عنها نفسه .

انجام . و کذلك اصحاب السیاسات الردیة والمتغلبون علی المدن یجعلون اهلها اشراراً انما یعودونهم من افعال الشر ( تمت هذا القدر . هو المقالة المعهودة فی الاخلاق. تم )(۱۱۴۹/۶۴ گ ۳۶۳ ب - ۳۶۴ ب ) ( انجام این نسخه مانند نسخهٔ ۳۳۴۷ احمد۳ و۱۵۸۹ کوپرولی و۱۸۶ یلدیز خصوصی و۱۴۵۸ اونیورسیته ۲۰ شناخته شدهٔ در ش ۲۴۶ ق میباشد و در نسخه‌های دیگر مانند نسخهٔ ۱۰۷۴/۱۶ و۱۰۷۹/۲۲ ما و چاپی بند نخستین البر والاثم با اخلاق آمیخته شده ودردنبال آمده است درفهرست آقای دکتر مهدوی هم انجام اخلاق مانند چاپی و جزانجام نسخهٔ ما است) .

انجام : هوطالب ای طالب الکل الی النیل منه بحسبه . هوغالب ای مقتدر علی اعدام العدم و سلب الماهیات علی ما یستحقها بنفسها من البطلان و کل شیء هالك الا وجهه (تم) (۱۱۴۹/۶۷ گ ۳۶۹ الف - ۳۷۲ ب) .

۶۶- رسالة فی الزاویه الی ابی سهل المسیحی (ش ۸۰ م-۱۶۰ ق) .

آغاز : جری بیننا فیما کنت استفیده من الشیخ اطال الله بقاءه فی تحقیق مبادی الهندسة کلام فی الزاویة فاحببت ان انظم منثوره و اجمع متشذبه فی رسالة الیه ملتمسا منه نقدها و تقویمها و قسمتها فصولا ثلثة (الفصل الاول) فی تعدید اقاویل الناس فی الزاویة (الفصل الثانی) فی تأمل (مذهب) مذهب من مذاهبهم فیها و ابانة الرای الحق فیها (الفصل الثالث) فی ان الاصوب ان یقال ان الزاویة تتحدد بحدین بالفعل و انها یحیط بها من جهة ماهی زاویة خطان او سطحان و ان کان الخط المحیط بالزاویة واحدا من وجه فلان تلك الوحدة لیست هی الوحدة التی بها یقال للمقادیر واحدة علی الاطلاق و ان الاتصال الذی یحدی(؟) الزاویة لیس هو الاتصال الحقیقی الذی هو به یصیر المقادیر واحدة بالفعل (الفصل الاول) فی تعدید اقاویل الناس فی الزاویة . الاقاویل الواصلة الینا فی امر الزاویة خمسة : قول من قال ان الزاویة من الکیف .

انجام : والذی بقی مما ینبغی ان یقال فی الزاویة اضعاف مضاعفة لهذا (تمت رسالة الزاویة) (۱۱۴۹/۶۸ گ ۳۷۳ الف - ۳۷۶ ب) .

۶۷- تحصیل السعادة یا الحجج العشرة ( ص ۲۲۵ ف - ش ۴۳ م ) و باید همان التحفه باشد که دررسالهٔ عشق ابن سینا و مباحث مشرقی رازی یاد گشته است .

آغاز : بسمله . لو طرق للعاقل الی صرف المعروف عن المعارف خصوصا اذا کان المعروف اهل عصمة یتمسك بهـا من سعد بالحیوة والمصروف به عنه عن المعارف اولی من یخلص له الغبطة لطویت العزم و قصرت الهمة عما احاوله .

انجام : اقول قولی هذا و اسأل الله ان یرشدك لما ارتجیه فیك بفضله واحسانه و ولی ذلك ( تمت الرسالة. الحمدلله و منه. تم.)(۱۱۴۹/۶۹ گ ۳۷۶ ب - ۳۸۱ ب) .

۶۸- النیروزیه (ص ۱۴۱ و ۱۴۷ و ۳۹۶ ف - ش ۱۲۷ م) که چاپهائی از آن در دو ذکری ابن‌سیناء از اهوانی در مصر بسال ۱۹۵۲ و نوادر المخطوطات (مجموعه ۵ رساله ۲ ص ۳۰-۴۴) چاپ خانجی در مصر سال ۱۳۷۳/۱۹۵۴ دیده‌ام.

آغاز: بسمله کل ینزع به همه الی خدمة نیروز مولانا الشیخ الامیر السید ابی بکر بن (در چاپ نوادر «بن» ندارد) محمد بن عبدالله ادام‌الله عزه بتحفة تجود بها ذات یده.

انجام: وجعلنی ممن یوفق لقضاء ایادیه بمنه وسعة رحمته (تمت الرسالة النوروزیة. والحمدلله رب العالمین تم.) (۱۱۴۹/۷۰ گ ۳۸۱ ب ۳۸۳ الف).

۶۹- رسالة فی وجود العدل فی المخلوقات یا رسالة فی الارزاق که گویا در خواست ابوسعید ابی‌الخیر نوشته است (ش ۲۳ م - ۲۴۸ ق)

آغاز: بسمله. الحمدلله ونعوذ بالله من علم سلمنا الی الجهل بعد له والجحود بفضله.

انجام: فی کل ذلک من المنافع مایطول القول باستخراجه حتی لایوجد فی العالم شیء باطل (تمت الرساله) (۱۱۴۹/۷۱ گ ۳۸۳ الف ۳۸۴ الف)

۷۰- اثبات النبوة (ص ۱۱۲ ف و ۶۴ باریجهن - ش ۳ م)

آغاز: بسمله سألت اسعدک الله ان املی ما حضرنی فی ازالة الشکوک المعاندة عندک فی تصدیق النبوة

انجام: ... والحمد والمنه (۱۱۴۹/۷۲ گ ۳۸۴ ... ۳۸۶)

۷۱- مقالة فی ... الصور الموهومة فی النفس المتحالفة للحس بعدالموت (ش ۳۰ م ۸۱ ق)

آغاز: ... الحمدلله ... العالمین ... وصلواته علی محمد و آله ... اداماللهعلوه وهو انفساخ الصور الموهومة فی ... (سنی) المدوس ... بعدالموت.

انجام : هذا ماحضرنی ادام‌الله علی سیدنا‌الاستاد ومتعنا بطول بقائه ومن تفضله علی عبده ان یبسط عذره‌فی‌هذاالاسترسال و یسد خلله و یصلح فاسده . الحمدلله رب‌العالمین (۱۱۴۹/۷۳ گ ۳۸۶ ب – ۳۸۷ ب) .

۷۲– الاضحویه ( ص ۱۴۷ ف – ش ۳۰ م ) کـه غزالـی درتهافت از آن آورده وازابن سینا نکوهش نموده است . ۵

آغاز : بسمله . افاض‌الله علی روح‌الشیخ‌فی‌الدارین ابواب‌الحکمة وطهر نفسه عن ادناس‌الطبیعة .

انجام : واماالرموزوالالغازالواردةلاعلی‌سبیل‌مذهب من‌ذهب الیه‌القائل فاکثرمن تحصی ولثابت (بن قرة مذهب عجیب . . . ولنسأل‌الشیخ‌الامین ملاحظة بعین‌الرضاواصلاح ماوقعت فیه‌الزلة منعما انشاءالله تعالی) (۱۱۴۹/۷۴ گ ۳۸۷– ۱۰ ۳۹۵ ب) .

۷۳– الرسالةالعشقیة (ص ۴۷۵ ف – ش ۹۰ م – ۲۳۰ ق) که دراستانبول بسال ۱۹۵۳ هم بچاپ رسید .

آغاز : بسمله . سألت اسعدك‌الله یا (ابا) عبدالله‌الفقیه‌المعصومی ان اجمع لك رسالة یتضمن ایضاح‌القول فی‌العشق علی سبیل‌الاختصاروالایجاز (فاجبتك) ۱۵ لازلت طالبـا للخیرات توخیـا لمرضاتك و قضاء لوازمك وجعلت رسالتی الیك مضمنة فصولا سبعة .

انجام . و اذا بلغنا هذاالمبلغ فلنختم‌الرسـالة والحمدلله واهب‌القوة علی حمده حمداً کما هواهله وصلوته علی نبیه محمد وآله (۱۱۴۹/۷۶ گ ۳۹۶ ب – ۴۰۰ ب) . ۲۰

۷۴– رسالة فی‌الانتفاء عمانسب الیه من معارضةالقرآن (ش ۳۴ م – ۲۰۴ و۲۵۷ ق) که دررسائل ابن‌سینا (۲) دراستانبول بسال ۱۹۵۳ بچاپ رسید . شیخ دراینجا روی سخن بشیخ فقیه ابوعبید جوزجـانی که میخواست با او بسپاهان برود دارد ودرپاسخ نامهٔ او از دشمنان خویش که ازآنها بنام « حمقی همدان »

یاد میکند واز کسیکه بسیار با او ستیزه کرد مینالد و میگوید که دیگران اورا براین گستاخی برانگیخته‌اند (گویا این کار هم در همدان شده بود) او دراینجا از خطبه‌های خود که در خدا و پیامبرشناسی ساخته و در آنها از صابئیان ومجوس ونصارا و جبریان و کسانیکه قدر را نمی‌پذیرند خرده گرفته است و گویا همینها بود که دستاویز همان دشمنان در کار و معارضه قرآن خواندن او شده بود یاد میکند و میگوید که نسخه‌های آنها از میان رفته ولی برخی از شاگردان نسخه‌ای از آنها دارند و شاسته است نسخهٔ آنها را بری برد تا بزرگان آنجا بدانها بنگرند و بدانند که با خرد و دین ناساز گار [illegible] او میگوید که این دشمنان چون این خطبه‌ها را بدیدند گفته‌اند که سجع فراوان در آنها هست ولی معانی آنها پاکیزه است ونمیتوان از آنها خرده گرفت مگر اینکه با چیزهای دیگری از آن چیزها که یکی از بیخردترین آنها ساخته و در آن برخی از صابئیان و ترسایان ساخته است بیامیخت و باو بست تا مایهٔ رسوائی او گردد چنین هم کردند و پاره از این خطبه‌های ساختگی را در همدان من دیدم و بسیار زشت و ناپسند یافتم [illegible] آن بیخردترین مرد را هم من و هم [illegible] آن دشمن [illegible] دشنام او بیالایم [illegible] از این گونه خطبه‌ها بسیار دارد [illegible] دشمنان او داده [illegible] این گفتار را [illegible]

[illegible] الیه روح الله رمسه

[illegible] وصل خطاب

[illegible] فیه من خمر سلامته

[illegible]

[illegible] العالمین (۱۱۴۹/۷۷ گ

[illegible]

[۲۱۳۵]

۱۱۴۷ این نسخه ش ٦ دفتر است و رسالهٔ طیر است و بنسخ مانند شمارههای دیگر و ساده ودرشت‌تر از ش ۵ وحاشیه‌های لغوی هم دارد .

[۲۲۱۲-۲۱۳٦]

۱۱۴۹ این نسخه های هفتادوهفت گانه همه بخط تعلیق ترکی است باعنوانهای شنگرف ۵
در برخی جاها و تاریخ ندارد بجز ش۷۷ که آقای مشکوة درشب ۱۰ ج۱۳۷۴/۱
بخط خود بنسخ نوشته اند . خط درهمهٔ شمارههای کهن یکنواخت و گاهی هم مغلوط است
وعنوانها گاهی شنگرف و برخی جاها هم عنوانها سفید گذارده شده است . نشانه‌ها هم
شنگرف است . خط سه ش ۱۸و۳۵و۳٦ که رساله‌های دوانی است ودرص ۲۲۴۰ یاد
شده تازه‌تر میباشد . همچنین ش۱ (سرگذشت) که بهمین خط تازه آن سه شماره است . ۱۰
درفهرست آغاز نسخه (۱ب) که آنهم بخط دیگریست همه رساله‌های ابن سینا که در نسخه
هست شمارش نشده وازرساله‌های دوانی نیز یاد نگردیده .
درگ ۳ الف بنستعلیق درشت دارد :

« انتقل هذه الرسایل الشریفة الی ملك احوج الله الصمد مصطفی بن عبدالله بن
الیاس بن شیخ محمد عفی عنهم الملك المنان الاحد فی تاریخ سنة اثنی وستین و سبعمائة ۱۵
من الهجرة النبویة ۹٦۲» پهلوی آن بهمان خط دارد :

« هیهات لم یأت الزمان بمثله ان الزمان بمثله لبخیل »

زیر آن خط نستعلیق خلیفه سلطان دانشمند وزیر (۱۰۰۱-۱۰٦۴) دیده میشود
بدینگونه . « من عواری الزمان فی بد غریق بحر العصیان خلیفه سلطان غفر له الملك
المنان فی شهر ذیقعدة الحرام سنة احدی و اربعین بعد الالف » آنگاه باهمینگونه خط ۲۰
دارد : « من بدایع الخدایع الحدثانی و روایع الودایع الزمانی وصول هذا الکتاب
الینا وانا الفقیر (محمد طاهر بن محمد . . . حسین الطبیب التفرشی الجورقانی الافطسی)
فی شهر رمضان المبارك ۱۱۳۵ - لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد طاهر »
(عبارتهائیکه نخستین بار میان دو کمانه گذارده‌ام در نسخه پاك کرده‌اند و برنجی خوانده
میشود و درست هم روشن نیست عبارت اخیر سجع مهریست که دربرگ ۴۰۰ ب هم ۲۵
دیده میشود زیر «صح») باز باخط نستعلیق شکستهٔ روشنی دارد : « هو . الملك لله
العلی . حرره الآثم الجانی محمدابراهیم القزوینی فی ۲ ذی القعده سنة ۱۲۴۵» با مهر
«تلك حجتنا آتیناها ابراهیم » .

مهر «عبده محمد علی الموسوی» هم دراینجا ودرگ ۱ ب و۲ الف و ۴۰۰ ب

دیده میشود پس این نسخه در ۹٦۲ دردست مصطفی بن عبدالله ودر ۱۰٤۱ نزد خلیفه سلطان ودر ۱۱۳۵ ازآن محمدطاهر پزشك تفرشی و در ۲ ذیقعدهٔ ۱۲٤۵ از محمد ابراهیم قزوینی بوده است .

همهٔ دفتر ۴۰۱ گ ، ــ کاغذ سمرقندی کلفت ــ جلد تیماج تریاکی ضربی مقوائی

اندازه : ۲۱ · ۳۱ ــ ۱۳ ۲۳ س ۳۱

[۲۲۱۶-۲۲۱۳]

۱۱٦٤ این نسخه‌ها تفسیر سوره‌های اعلی و توحید و فلق و ناس است از ابن‌سینا وشماره‌های ٤ تا ۷ دفتراست و بهمانگونه بخط شمارهٔ ۳ میباشد . پس‌ازاینها در گ ۸۱ الف و ب دو خبر است از علی و پیامبر ... گذارده شده و برگهای ۸۲ تا ۸۵ سفید است .

# آشنائی با چند نسخهٔ دیگر و یادداشتهایی چند

[٢٢١٨]

١٢١٧ این نسخه بنستعلیق است وعنوانها شنگرف وخط برخی از برگها در آغاز وانجام تازه‌تر است . در برگ ۱ ب شعرهایست از میرزالطفعلی درسنندج درستایش ازاروسی تالار امان‌الله خان‌والی کردستان. در ۲ الف شعرهایست از آقامحمد عصار در کتاب مهر و مشتری . در ۲ ب پیش‌بینی‌های شیخ احمد برای سالهای ۱۲۲۱ و۱۲۲٤ و ۱۲۲۵ است و نوشته‌است که همین را کسی درمسجد جامع بمیرزامحمدمهدی قاضی و میرزامحمد یوسف شیخ‌الاسلام و بنویسنده این بند ( دارای مهر : اللهم صل علی محمد وآل محمد) داد که مردم‌را آگاه سازند تا بترسند ودست ازگناه بشویند . دربالای برگ ۳ ب شعرهایست ازمهدی‌بیك شقاقی.در ۲۳۱ الف شعریست ازدرویش کوثر . کتاب : ۳ ب ــ ۲۳۱ الف .

(۲۳۱گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ مقوائی
اندازه : ۱۹×۳۰ و ۱۳×۲۲ س ۳۲

## [١٩٠٠] بغية الطالب فی معرفة الضمير المطلوب (عربی)
## والغالب والمغلوب

این دفتر در صفحهٔ عنوان نسخه‌ٔما از ابامعشر فلکی دانسته شده ودر پیشگوئی ستاره شماران است ازروی دوازده برج .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی خلق‌الانسان من سلالة من طين . . . احسن الخالقين. القول‌علی‌البرج‌الاول‌وهو برج‌الحمل والمريخ‌ناری‌وله‌من‌اشکال‌الرمل الجودلة قال‌الحکيم‌ابشری‌ايهاالسائلة بشکل سعيد ورزق جديد وعمر مزيدمديد .

**انجام** : مع‌الزوج فيروح دم‌النجاسة و يأتی دم‌النفاس ولا يأتی الاخير .

[٢٢١٩]

١٢٢٢ این نسخه بسخ تازه‌و عنوانهای « قال‌الحکیم» و جزآن‌شنگرف میباشد ودرجدول سرخ است . گ ۲۰ ب ــ ۷۹ الف . در ۲ الف قرعهٔرمل جعفر صادق‌ع است . در ۲ ب ــ ۱۸ الف پاره‌ای از کتابی است و در رمل باید باشد .

(۷۹گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ مقوائی فرسوده
اندازه : ۱۵/۵×۲۰ و ۱۰/۵×۱۷ س ۱۵

غازان خان را در دو جلد در سه سال بتنهائی نگاشته و خود در ۹۹۶ بمرد و پس از او آصف خان میرزا قوام الدین جعفر بیك (پسر میرزا بدیع الزمان قزوینی وزیر کاشان در زمان تهماسب صفوی) که در ۹۸۵ بهند رفته و بدربار اکبر راه یافته و لقب آصف خان گرفته و در برهانپور بسال ۱۰۲۱ در گذشته است تا ۹۹۷ پس از مرگ پیامبر را نوشته
است. پس از این بدائونی دستور گرفته بود که در این دفتر دوباره بنگردد و او در یکسال بدو جلد نخستین نگریست و سومی را بهمین آصف خان واگذار نموده است. در نسخه های آن هیچ نشانی از جلدهای سه گانهٔ آن نیست این هم گفته شود که همین تتوی که بیشتر ایندفتر را بپرداخت از آن گزین ساخته احسن القصص ودافع الغصص (۱) نوشته است. ستوری در فهرست خود (ص ۱۱۹ – ۱۲۱ و ۱۲٤۰) سرگذشت
تتوی را آورده و نسخه‌های تاریخ الفی را نشان داده است (۲) شیخ ابوالفضل علامی فرزند مبارك بن خضر یمنی هندی (آگره ٦ محرم ۹٤۸ – کشتهٔ در ٤ ع ۱۰۱۱/۱) دیباچه‌ای برای این تاریخ الفی نوشته بود که در نسخه‌ها دیده نمیشود (ستوری ص ٥٤۱ – نامهٔ دانشوران ٥:۱۳۳–۱٥۹).

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

الحیوان فی تاریخ احوال الحکماء الاعیان و خلاصة الحیاة ودر ایندوجا دارد که آنرا بدستور وزیر حکیم ابی الفتح بن عبدالرزاق گیلانی پزشك اکبر نوشته است. – ص ۱۱۱۰ ستوری بنام خلاصة الحیاة – او سرگذشت وسخنان فیلسوفان را میخواست در ایندفتر بیاورد و گویاهم نتوانست بانجام رساند.

۱ – بنگرید به: ذریعه ۱:۲۸۸ – طوس ۳:۷۳ ش ۱ نسخهٔ نوشته محمدکاظم بن محمد امین سرابی آذربایگانی در ۱۲۹۸ از روی نسخهٔ نوشتهٔ احمد بن ابی الفتح بن ابی جعفر الشریف الحائری الاصفهانی در ۱۲٤۸ که ستوری (ص ۱۲۱) بپیروی از فهرست طوس آنرا نگارش همین اصفهانی پنداشته است.

۲ – بنگرید به: مجلس ۲: ۱۲٥ ش ۲۲۲ از سال یکم مرگ پیامبر تا ٥۰۰ و ش ۲۲۳ از ٦۸۷ تا ۹۳٦ – ذریعه ۲:۲۹٤ – طوس ۳:۷٤ ش ٦ از سال ۱ تا ٥۰۰ و ش ۷ از سال ٥۰۱ تا ۹۸٤ (۹۹٤ هـ) – فهرست آقای منزوی ۲:٥۲۰ ش ۲۲۱ ار سال یکم مرگ پیامبر تا ۳۹۹ هجری. – فهرست ریو ص ۱۱۷ – نسخهٔ دانشکدهٔ معقول و منقول ار سال ۱ تا ۹۸٤ است ودر دو جلد – فهرست کتابخانهٔ دانشگاه بمبئی ازسرفراز ص ۱۷۲.

[٢٢٢١]

۱۲۳۰ این نسخه بهمانگونه خط شمارهٔ پیش میباشد .
آغاز : درقالبی مثل این قالب درمی‌آورد پس میخورند ومینوشند (دنبالهٔ شمارهٔ پیش دربارهٔ سال ٢٦) .
انجام : ذکر وقایع سال چهل و یکم ازرحلت ... و وظیفه آنکه بقول جمعی سفها که طالب فتنه‌اند عمل ننمایند والسلام‌امام حسین علیه‌السلام درجواب نوشت .   ٥

(٣٤٤گ) ــ همان‌کاغذ وجلد
اندازه : ١٩/٥×٢٥ و ١١×١٧ س ١١

[٢٢٢٢]

۱۲۳۱ این نسخه بهمانگونه خط شمارهٔ پیش میباشد.درون جلد داردکه آغاز این جلد دنبالهٔ سرگذشت معاویه است وصحاف جابجا کرده و باید بجلد رحلت تا ٣٩ پیوست شود وسپس تاسال ٧٧ را ندارد واز ٧٨ دارد تاپایان خلافت هرون ــ تابرگ ٢٠ نیمهٔ بالائی صفحه‌ها بریده شده وکاغذ تازه چسبانده‌اند .   ١٠
آغاز : و خصومت افتد تا او فارغ‌البال باشد مروان گفت والله یاسعید که تو بهتری ازمن پس مروان ارسعید عذرخواسته بارگشت (سال ٤٣) .   ١٥
انجام : و علی‌بن عیسی راکه قبل‌از این بمدتی مدید از ایالت دیار خراسان عزل شده باز بامارت آن دیار نصب فرمود و ازآنجا بازبجانب بغداد مراجعت نمود وچون (سرگذشت رشید) .

(٣٢٠گ) ــ همان‌کاغذ وجلد
اندازه : ١٩/٥×٢٥ و ١١×١٧ س ١١   ٢٠

[٢٢٢٣]

۱۲۳۲ این نسخه بهمانگونه خط شمارهٔ پیش میباشد .
آغاز : وبرای اواستمالت‌نامهٔ فرستد واورا بموقف خلافت طلب دارد باین عنوان‌که باو نویسد که ای برادر بوجود توجهت تمشیت مهمات خلافت و انتظام امور مملکت ... احتیاج تمام است (داستان امین ومأمون) .   ٢٥
انجام : ذکر سلطنت منصوربن نوح‌بن نصربن احمد سامانی . . والبتکین درغزنین مستقل‌گشت ودرمحرم اینسال (سال ٣٤٠ مرگ پیامبر) .

(٣٦٤گ) ــ همان‌کاغذ وجلد
اندازه ١٩/٥×٢٤ و ١١×١٨ س ١١

پادشاه ایران امیراحمد برلاس را بفارس درگزین و امیر فرمان شیخ را بیزد وامیرحاجی یساولرا با برقوه واسکندر رکابدار را بقم تعیین نمود . . . و پسران امیر علی شکر با او نیز بیوفائی کرده درهمدان او را بقتل آوردند وامیرزاده حسین علی (بجهت تقدیم کتابخانهٔ حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای ... (پاك شده) روحی فداه بیداقل چاکران عباس بن ابوالحسن منشی باشی علی آبادی سمت تحریر یافت فی شهر ۵ شعبان سنهٔ ۱۳۱۳) .

(۳۲۳۲ف) ــ همانگونه کاغذ وجلد
اندازه : ۲۲×۳۰ و ۱۴/۵×۲۲ س ۱۵

## [۱۹۰۷] تذکرة اولی والجامع للعجب العجاب (عربی)

۱۰ ایندفتر را شیخ داود انطاکی (م ۱۰۰۵) در یك مقدمه و چهار باب ویك خاتمه نگاشته وآن دوبار درمصر بسال ۱۳۰۸ و ۱۳۲٤ بچاپ رسیده است (ص ۸۱۸ همین فهرست) .

**آغاز** : بسمله . رب یسر واتمم بخیر. سبحانك یامبدع موادالکائنات بلامثال سبق ومخترع صورالموجودات فی اکمل نظام ونسق .

۱۵ **انجام** : وان قربت فربانا من حیواناته فتح منح ( ۲ : ۱۳۹ چاپ نخستین و۲: ۱٤۳ چاپ دوم سپس دارد :) بزدرة علم باحوال مایطیرمن الحیوان المقصود اصالة . . فهذا جماع بماتدعوالحاجة الیه من هذه الصناعة وماعداه فتطویل بلافائدة والله سبحانه وتعالی هوالمان بالتوفیق والعنایة ـ هذا آخرماوجد من نسخة المصنف نقلا عن النسخة المنقولة منها ... ووافق الفراغ من نسخ هذاالجزء فی یوم الجمعة ۲۰ المبارك سادس جمادی الاولی من شهورسنة ستین بعدالالف ... وذلك علی ید ... صالح بن ابراهیم النوسی المکنی بابی کافی غفرالله له ... آمین (این بند که در چاپی نیست در بارهٔ بزدره ومرغداری است در یك مقدمه وسه مبحث ویك خاتمه و بسیار سودمنداست) .

[۲۲۲٦]

۱۲۲۳ این نسخه ش ۱ دفتر و بنسخ است و با عنوانهای شنگرف میباشد و مصطفی ۲۵ کبری زاده آنرا خوانده است . گ ۱ ب ــ ۳۹۹ الف .

(همهٔ دفتر ۳۴۰۳گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۲۱×۲۹/۵ و ۱۲/۵×۲۲ س ۲۵

[۲۲۲۸]

۱۲۲۵ این نسخهٔ بیاضی بخط نستعلیق آقا محمد بیدآبادی است ( صفحهٔ عنوان ) و روی شماره گذاری پیشین باید ۵۹ برگ باشد. از برگ ۳۶ تا پایان، این بیاض بعکس نیمهٔ نخستین نوشته شده است .

۵ (۵۶گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ساده
اندازه : ۲۶×۱۳/۵ و ۲۲×۱۲ س ۲۱

## [۱۹۱۰] خلاصة البیان (فارسی)

این نامه در یك مقدمه وسه باب و یك خاتمه است ودربارهٔ اطعمه واشربه بروش شیعی .

۱۰ **آغاز** : بسمله ثنا وشکر بی‌انتها رزاقی را که از برای روزی خواران طعمهٔ طیبهٔ کلوا من الطیبات مارزقنا کم واشکروله آماده ومهیا ساخت .

**انجام** . و بعداز فراغ از طعام مستحب است که بگویند الحمدلله الذی اطعمنا و سقانا و کفانا و ایدنا وانعم علینا والحمدلله رب العالمین و برین ختم شد بعون الله وحسن توفیقه وصلی الله علی محمد وآله اجمعین الهم ارزقنا من الطیبات ۱۵ واجعلها وسیلة للطاعات و ذریعة لاستجابة الدعوات انك رفیع الدرجات و قاضی الحاجات .

[۲۲۲۹]

۱۲۱۹ این نسخه ش ٤ دفتراست وبخط نستعلیق و باید در۱۲۰۳ نوشته شده باشد . درحاشیهٔ آن پراکنده‌هاایست گ۱٤۸ الف ـ ۱۵۰الف . در۱۵۰ الف ـ ۲۰ ۱۵۵ب هم مطلبهای، پراکنده‌ایست بهمین خط و بتاریخ ۱۲۰٤ وهمهٔ‌شماره‌های ایندفتر باید بقلمهای گوناگون یك نویسنده باشد .

## [۱۹۱۱] ترجمهٔ نهایه (فارسی)

ایندفتر همانستکه درص ۱۸۲۸ همین فهرست شناخته‌ایم واین‌نسخهٔ دوم ما هشتمین نسخه‌ایست که من از آنها آگاهم .

منصور الشیرازی. و السید السند المدقق و صدر المدققین، اشارة الی الاستاد النحریر لمدقق صدر الدین محمد الشیرازی. و بعض الفضلا، تلویح الی الموالی الفاضل خواجه جمال الدین محمود الشیرازی و قد قیل، رمز الی الفاضل الشارح مولانا عصام الدین براهیم الاسفرائینی. و بعض الافاضل، الی السید الفاضل المدقق الامیر ابو البقاء السمرقندی. و الفاضل التونی، الی المولی الفاضل مولانا معین الدین التونی. و الفاضل الخوافی الی المولی حسام الدین داود المحشی شکر الله سعیهم ــ منه ». ۵

آغاز : بسمله . اما بعد حمد الله مفیض الصور العلمیة و الصلوة علی خیر البریة و آله و صحبه العلیة فیقول ... محمد بن حسین الشهیر بفخر الدین الحسینی ان حاشیة التهذیب لمحقق المعانی و مشید المبانی المحقق الدوانی محتویة علی تحقیقات رائقة و تدقیقات فائقة لکن لغایة الایجاز و نهایة الالغاز اردت هتك الاستار ... مع الاشارة ۱۰ الی ما افاده السید السند الاستاد العلامة احسن الله اکرامه و نبذ مما سنح لی فی المباحث المعضلة .

انجام . قوله : و کذا الحال فی کل کلی لا یختلف فیه الکثرة و غیر محسوس بل معقول صرف لا انه موجود لظهور ان ما لا فرد له فی الخارج غیر موجود فیه. قوله : فالوجود واحد قدمر مافیه فلا نغفل (تم فی یوم الجمعة غرة شهر ذی القعدة ۱۵ من شهور سنة تسع و الف من الهجرة محرره الفقیر الی الله الولی امین الدین محمد بن شهاب الدین علی غفرت ذنوبهما بمحمد و آله) (گ ۳ ب - ۸۷ ب) .

۲ ــ حاشیه ایست از ملا نجم الدین عبدالله بن شهاب الدین حسین یزدی شهابادی (م ۹۸۱) بر مبحث موضوع علم همان حاشیهٔ دوانی (طوس ۲٦٠١ منطق ش ۸۵ تاریخ ۹۷۱) و جز حاشیه‌ها ایست از همین یزدی که در همانجا بشماره‌های ۴٦و۴۷ ۲۰ (۱:۱۵ منطق) یاد شده است (ذریعه ٦٠٦٦) .

آغاز : بسمله . و به نستعین فی التتمیم . بعد الحمد لله و الصلوة علی عباده الذی اصطفی فهذه کلمات منتشرة و متفرقات منشرة متعلقة بتحقیق مبحث الموضوع من حاشیة منطق التهذیب التی علقها الاستاد المحقق و النحریر المدقق العالم الربانی

العلم العلامة الدوانی قدس الله سره الفهما اقل خلق الله الهادی عبدالله البهابادی (گویا: الشهابادی) تذکرة لبعض الاحباء نفعه الله به وسائر الاذکیاء انه قادر علی مایشاء. قوله: ای یرجع البحث الخ. اقول: و بالله التوفیق لماکان بناالمعنی فی هذاالتعریف علی ان کل بحث انماهوعن العرض الذاتی للموضوع ... لاجرم توجه ههنا اشکال.

انجام: ثم النزاع بین المحققین قدس سرهما کثیر والمجال لایسع لنقل التفاصیل و تحقیقها ان شئت فاطلب من حواشیهما علی الحاشیه الشریفة علی المطالع تفوز بالمطلوب وحیث ومع الفوز بالمطلوب خاتمة الخطاب فالمرجو من مسبب الاسباب ان یوفقنا للفوز به فی کل باب سیما فی الوصل بلقاءالاحباب والتقصی عن مفارقةالاصحاب انه الموفق للصواب والیه المرجع والمآب (٨٩ب - ١٠٣ب - حاشیه‌های «منه» دارد)

٣ - حاشیه‌ایست بر مبحث معرف تهذیب در آنجا که دارد «معرف الشی مایستلزم تصوره».

آغاز: بسمله قوله: معرف الشیء مایستلزم الخ. فیه ان المصنف ذکر تعریف المعرف ههنا مع ان هذا البحث معقود لبیان شرائط المعرف

انجام: و امثال هذه الاعتراضات لاینبغی ان یصدر عن عاقل فضلا عن فاضل اللهم ارنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه وارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه وصلی الله علی [illegible] محمد و آله المعصومین اجمعین (گ ١٠٥ ب - ١١٥ الف).

٤ - حاشیهٔ عصام‌الدین [illegible] بر مبحث معرف شرح شمس‌الدین [illegible] بر [illegible] (طوس ١ - ٢٥ منطق ش ٨١ [illegible] ١٠١١)

آغاز: [illegible] الحمد [illegible] علی کل حال والشکر لکل عمل [illegible] للاجناس [illegible] قوله: [illegible] مطالع [illegible] شمس الملة

والدین الاصفهانی خصه‌الله بمزید الرحمة والافضال . اقول الفصل الثانی فی الاقوال الشارحة .

**انجام** : (قوله) ومعرف المعرف کذلك قال السید السند س ... لایقتضی الا صدقه علیه من حیث انه معرف ومعرف المعرف ایضاً یصدق علیه بهذا الاعتبار اللهم ارنا حقائق الاشیاء کما هی ولاتؤاخذنا بما کنا فیه الساهی . تم . تم . ( ۱۱۵ ب - ۱۲۸ ب) .

۵- رساله درعلم حصولی ودرفهرست آغازدارد « حاشیة فی تحقیق العلم الذی قسموه الی التصور والتصدیق » و چنانکه درحاشیه‌های « منه » نسخهٔ ما آمده روی سخن با قطب رازی درشرح مطالع و محقق شریف درحاشیهٔ آن و فاضل اصفهانی دردوشرح طوالع و تجرید و قوشچی درشرح تجرید و فاضل مولانا معین الدین تونی (رحمه‌الله) و ابن سینادر اشارات وقاضی بیضاوی درطوالع وفاضل محقق مولانا جلال الملة والدین محمد دوانی درشرح تهذیب میباشد .

**آغاز** : بسمله . اعلم ان العلم الذی قسموه الی التصور والتصدیق عرفه بعضهم بالصورة الحاصلة من الشیء عندالذات المجردة یقال للاشیاء فی الخارج اعیان و فی العقل صور وقیل هذا اولی من قولهم حصول صورة الشیء فی العقل لما فیه من المسامحة .

**انجام** : ومطلق التصور متقدم بالطبع علی مطلق التصدیق وان لم یکن ماهوقسم من الحصولی فی الواقع مقدما کذلك علیه (تمت) (۱۲۹ ب -۱۳۲ ب) .

[۲۲۳۱ - ۲۲۳۵]

**۱۲۲٤** این نسخه‌ها شماره‌های ۱ تا ۵ دوتر است و همه بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف و باحاشیه‌های «منه» دربرخی جاها وهمه بخط امین الدین محمدبن شهاب الدین علی و نوشتهٔ سال ۱۰۰۹ باید باشد.فهرست رساله‌ها در ۲ الف هست . و خط دارندهٔ آن محمد درهمینجا بتاریخ ١٤ ذی‌حجهٔ ۱۳۱۷ دیده میشود ونیز دارد « جلد تیماج سیاه مقوادار استر جلدکاغذ آب رنگ کوچك قطع حجیم بخط نسخ تعلیق» در۱۲۳ نندیست از شرح آداب البحث قاضی کمال الدین امیرحسین دربارهٔ تعریف .

(همهٔ دفتر ۱۳۵گ) -کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی که آن سرخ ومقوائی

اندازه ۹×۱٦ و ۵×۱۱ س ۲۱

[١٩١٧] روضة الصائمين (عربی)

علامهٔ حلی متنی فتوائی کوچك و کوتاه بنام تبصرة المتعلمین فی احکام الدین درهمهٔ بابهای فقه برای نوآموزان نگاشته که آنرا نزدش میخواندند و او درخلاصه در ع ٦٩٣/٢ از آن یاد کرده است.

٥ دانشمندان شیعی برای آن چندین حاشیه و تعلیقه و تکمله و شرح نوشته‌اند (ذریعه ٣ : ٣٢١ - ٣١٦)

این گزارش آمیخته و استدلالی از محمد بن عاشور کرمانشاهی است بر کتاب صوم آن که در شب سه‌شنبه هشتم رمضان ١٢١٢ آنرا بپایان رسانده است.

آغاز : بسمله . وبه نستعین الحمدلله الذی احتجب بذاته عن البصائر والابصار

١٠ وظهر للعقول باظهار الآثار ... وبعد . محمد بن عاشور الکرمانشاهی هذا ما عزمت علی تعلیقه علی کتاب الصوم من کتب تبصرة المتعلمین فی احکام الدین تألیف ... آیة الله فی العالمین الحسن بن یوسف بن المطهر الحلی ... وجعلته من اجزاء المغتنم من ذخائری فی الفقه

انجام : الرابع لو عدل المعجز عن العدة ... الامثال واء فاء المسمط . قد وقف

١٥ القلم ... روضة الصائمین من شرح تبصرة المتعلمین فی وقت السحر لیلة الاحد ثامن ... المبارك من ... الثانی عشر بعد مأتین بعد الف من الهجرة ...

... عفی الله عن جرائمهما بالنبی والائمة ...

[١٢٢٦]

٢٠ ... هم دارد

... وزیر خط

... ١٩٩ ...

... ١٣٩٠٠ ...

... ١٨

[۱۹۱۸] **شرح الزبدة** (عربی)

مولی حسام الدین محمد صالح بن احمد مازندرانی (۱۰۸۱م) بر زبدهٔ شیخ بهائی (ص ۱۷۰۱ همین فهرست) این گزارش آمیختهٔ با متن را نگاشته (کنتوری ص ۳۳۶ - سپهسالار ۱:۵۸۳) وشمارهٔ بیتهای آن نزدیك به ۱۳۰۰۰ میباشد و یکی از بهترین گزارشهای زبده است . ۵

آغاز : ( هذا کتاب شرح الزبدة للمولی محمد صالح المازندرانی ره ) بسمله . الحمد لمن (هو) اصول نعمائه ظاهرة و فروع آلائه باهرة فارانی الی السکر سبیلا والشکر لمن نزهه تنزیها جمیع الموجودات و قدسه تقدیسا جمیع المخلوقات فاسبحه واقدسه بکرة واصیلا ... امابعد فان النفقه فی الدین امر لا بد منه للانسان علی الیقین ... وهو ... یحتاج الی الاصول الذی هو باحث عن ادلته ... ۱۰ وقد صنفت فیه مطولات ودونت فیه مختصرات فلما نظرت الیها فاذا انا باصل وجدته علجوما متکثرة فیه اثمار المسائل مستحکمة اغصانه باوتاد الدلائل ورأیته علکوما ثوی بمنازل التحقیق علیه اثاث الافکار مشدودة علیه احماله باحبال الانظار ... للعلامة ... بهاء الملة والدین .. فاحببت ان اشرح شرحا یبین به معضلاته وتنحل به مشکلاته . ۱۵

انجام : ( وما دلیل تأویله ارجح ) من دلیل تأویل الآخر علی ذلك الآخر (وتترکب المرجحات مثنی وثلاث ورباع . . صلوات الله علیهم اجمعین) وقد فرغ ... محمد صالح بن احمد المازندرانی وفقه الله لتحصیل کماله عن شرح الکتاب وتوضیح فصوله وتفسیر مقاله فی مدة قلیلة مع قلة البضاعة وتفرق حاله ملتمسا ممن القی الفکر علیه فوجد ما فیه بکماله اذا عثر بخروج فکره عن منهج السداد وزواله ان یمن علیه ۲۰ فی اصلاح ذلك بحسن فعاله واجره فی ذلك علی الله وعلی محمد وآله .

[۲۲۳۷]

۱۲۲۱ این نسخه در متن بنسخ درشت و زیر خط سرخ ودر گزارش بخط نستعلیق ریز نر وعنوانها شنگرف میباشد و محمد حسین بن محمد جعفر سرابی ازروی

در چند فصل نگاشته است .

آغاز : بسمله . و صلى الله على سيدنا محمد و آله و سلم باسمك اللهم نطلب النجاة و الشفا و باشارات ذكرك و صمدك نسأل الارشاد الى قانون الصحة والدواء من الادواء .

انجام : فهذاما حضرنا من مجرباتنا و فيه كفاية للمقتصر و من اراد التطويل ٥ واستقصاء الخواص فعليه بكتبنا المطولة واليه ينفع بها من تلقاها بالقبول ويحسن مقاصدنا والحمدلله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم . تمت رسالة المجربات لخاتمة الاطباء الشيخ داود الحكيم رحمه الله تعالى وكان الفراغ من كتابتها على يد . . . صالح بن ابراهيم النوسى الشيبى الشافعى فى سادس شهر جمادى الاولى سنة ستين بعد الالف من الهجرة النبوية .. وحسبنا الله ونعم الوكيل . ١٠

[٢٢٣٩]

١٧٢٣ اين نسخه ش ٢ دمر است و بهمانگونه خط ش ١ ميباشد . گ ٣٩٩ ب — ٤٠٣ ب .

## [١٩٢١] المسائل الفقهية (عربى)

١٥ در اين دمر بى نام و گمنام در نسخهٔ ما كه همهٔ آن باعنوان « مسئله » آغاز ميشود و بيشترش پاسخ پرسش است سخنان و فتواهاى محقق حلى و علامهٔ حلى و پسر او فخر المحققين و ضياء الدين و عميد الدين و شهيد يكم و ابن فهد آمده است . از اينكه در پايان بسيارى از مسئله‌ها نام ابن فهد نوشته شده چنين گمان ميرود كه يكى از دو « المسائل الشاميات » يا « المسائل البحريات » او باشد همانكه ٢٠ در روضات (ص ٢٠) ياد شده و نسخه‌هاى آنها در طوس (٢:١٢٩ — ١٣١) هست و كنتورى (٥٠٥ و ٥٠٨) و تهرانى (ذريعه ٥ : ٢١٥ و ٢٢٣) از آنها ياد كرده‌اند . در اجازات بحار (ص ١٧١) دارد كه « الشاميات و البحريات » ابن فهد شايسته است بر بحار افزوده شود .

المسائل الشاميات دوگانهٔ ابن فهد پاسخهايست بپرسشهاى يكى از دانشمندان

شام که شاگرد او زین‌الدین علی بن فضل بن هیکل حلی بترتیب کتابهای فقهی
از طهارة تادیات آنها را یکجا گرد آورده و خطبه و دیباچه‌ای بر آنها افزوده
و یکی را در چاشت روز دوشنبه ۲۰ صفر ۸۳۴ بنام «المسائل الشامیة فی فقه الامامیة»
و دومی را در چاشت روز شنبه ۱۷ ع ۸۳۷/۱ بپایان برده است (۱).

۵ در این نسخهٔ ما خیلی از مسئله‌ها بنام فخرالمحققین و ضیاءالدین و عمیدالدین
و شهید یکم هم انجام میگیرد و ما با ابن فهد سخنان آنها را در پاسخ خویش
آورده است. این دفتر از رهگذر نشان دادن فتواهای متأخران شیعی بسیار
ارزنده است و نکته‌های فراوانی هم در این باب میشود

چنین است پاره‌ای از نشانه‌های کتاب در نسخهٔ ما

۱۰ «ذکر شیخنا رحمه‌الله» و «قاله ابن فهد» (در دنبال شماری از پاسخها) و «قال
فخرالدین قدس‌الله سره» و «قال فخرالدین» و «قال عمیدالدین» و «ما نقول
مولانا دام ظله» و «قال شیخنا عمیدالدین» و «قال س» و «قاله س» و «المرتضی
رحمه‌الله» و «مسئله تقول مولانا سیدنا فخرالملة والحق والدین سنة ثلث عشر
و سبعمائة سأل بعض الفضلاء [illegible] والدی قدس‌الله سره [illegible] علم القرآن

۱۵ ۱ آغاز و انجام [illegible] کل ما سأله
[illegible] ( [illegible] دریعه –
[illegible] ۱۴۲۶ ۱۴۰۱
آغاز [illegible] « [illegible] » (دریعه)
آغاز « [illegible] » ( [illegible] الالهام ) (فهرست دانشگاه – [illegible]
۲۰ [illegible] ۴۲۱ [illegible] ) این هم گفته شود
[illegible] (۱۲ – ۱۳۰ – ۲۱۳ ، ۴۲۴ و ۴۲۷) [illegible] که پاسخهای
[illegible] یادآوری
[illegible] عظمة»
[illegible] (۲ – ۳۹ – ۱۳۱) [illegible] مسائل»
[illegible] او دریعه
[illegible] نگاشته شده

هل هو واجب على الاعيان او على الكفاية واجاب قدس‌الله سره عن ذلك بان تعلم القرآن منه واجب على الاعيان عنياوهی الفاتحة ... » (۱٦ الف) و «قال السيد ضياءالدين » و « جعل في الذكرى » و « ذكرها الشهيد رحمه‌الله في الذكرى » و « قال الشهيد في الذكرى » و « قاله الشهيد قدس‌الله روحه » و « كتب محمدبن المطهر وقال لنا دام ظله مشافهة » و « كتب محمدبن المطهر » (دنبال مسئله‌ای) ۵
و « قال ضياءالدين » و « مايقول مولانا دام عزه . . . و كتب محمدبن المطهر » و « قال ش » و « قاله عميدالدين » و « نقله بعض الثقاة عن جمال الدين قدس‌الله سره » و « اعتبر العلامة و ولده فخرالدين » و « قال الشهيد » و« قال الشهيد ظاهر كلام الاصحاب يقتضي ذلك . . . و كتب اصغر العباد محمدبن مكی » و « مسئلة من فوائد عميدالدين رحمه‌الله » و « مسئلة . لوفقدت بنت المخاض . . . اجاب ۱۰
فخرالدين .. » و « نقله السيد عن المشايخ » و « قال في الدروس . . . وهو فتوى شيخنا رحمه‌الله » و «بخط الشهيد رحمه‌الله على نسخة» و « مسئلة اذا تمضمض للتبرد في قضاء شهر رمضان . . الجواب انی بحثت مشابهة هذه مع والده قدس‌الله سره ... قال لی والدی قدس‌الله سره » و « فخرالدين » و » « قاله فخرالدين » ( دردنبال مسئله‌ای) و«وقال شيخنا ره» و «قال شمس الدين قدس‌الله روحه» و « .. نجم الدين ۱۵
ابوالقاسم وجمال الدين يقولان ... قاله فخرالدين . ابن فهد» و «قال امام المجتهدين» و « واجاب عنها الشيخ امين الدين قدس‌الله روحه » و «اجاب فخرالدين» و « اعلم ان والدی قدس‌الله روحه سألته عن هذه المسئلة . . وحكی قولا سمعه مشافهة من الشيخ ابی القسم بن سعيد قدس‌الله سره ... حكاه ابوالقاسم لوالدی مشافهة عن ابن نما رحمه‌الله واستضعفه ابوالقاسم و قوی الثانی.قال والدی الاقوی الاول ... » ۲۰
و «قاله المحقق» و «قاله ابن مكی رحمه‌الله» و« كتب عبدالله بن الاعرج الحسينی» و « قال دام ظله » و « قال صاحب الجامع » و « قول الشهيد ... » و « قال شيخنا » و « مسئلة مما استفدناه من شيخنا عميدالدين فی درس مشهد الحسين .. » و « قال مشائخنا قدس‌الله ارواحهم » .

[۲۲٤۰]

۱۲۲۷ این نسخه بنسخ کهن وعنوانهای «مسئلة ، الجواب» در نیمهٔ نخستین بشنگرف ودر نیمهٔ دوم بسیاه درشت‌تر واین دو نیمه بدوخط ودوگونه است .

پنج کتاب دراین نسخه هست بدینگونه :

۵ کتاب‌الصلوة (۱ الف) وکتاب‌الزکوة (۲۹ ب) وکتاب‌الصوم (۵۱ الف) وکتاب الحج (٦۰ الف) وکتاب‌التجارة (۸٦ ب – ۵۹ ب) .

**آغاز** : مسئلة اذا قرا جزء آية ولم يعربها ولم يعد ... وسلها ... كما لو قال مالك يوم‌الدين اياك نعبد بسكون‌النون في‌الدين من غير ... او ... ولا الضالين بسم‌الله من غير ان يفتح نون‌الضالين هل يكون هذا لحنا ... صلوته بذلك ام لا ؟ الجواب

۱۰ نعم يكون لحناً واللحن في‌القراءة الواجبة في‌الصلوة ... للصلوة ان‌كان عمداً و ان كان سهواً اونسياناً اعاد تلك‌القراءة .

**انجام** : مسئلة لولم تحصل المعرفة الحسية فالاقوى جواز البيع ... بيع الولد ويشترط استخدام امه مدة‌المنع وكذا لو باعه على ان لايفارق‌البايع والام ... ملازمها وفي‌الرد بالعيب اشكال اقربه‌المنع لحصول‌التفريق فيه فلواشترى‌الجارية والولد ثم ... فاسخاً البيع

۱۵ في احدهما اورده بعيب فيه منع لمافيه من‌التفريق امالرهن ففي‌التفريق بينهما اشكال اقربه‌الجواز لكن ليس للمرتهن‌البيع ولا للراهن الا .

(د۹۳ک) – کاغذ سمرقندی – جلد ... 

اندازه : ۱۴ ۱۸ و ۱۰ ۱۳/۵ و ۱۵ س ۱۵ و ۱۸

ازاین پس کلیشه هائی ازچند نسخهٔ شناخته شدهٔ دراین فهرست را می بینیم وسپس یادداشتهایی در بارهٔ پاره‌ای از کتابها میبرسیم

محمد تقی دانش پژوه .
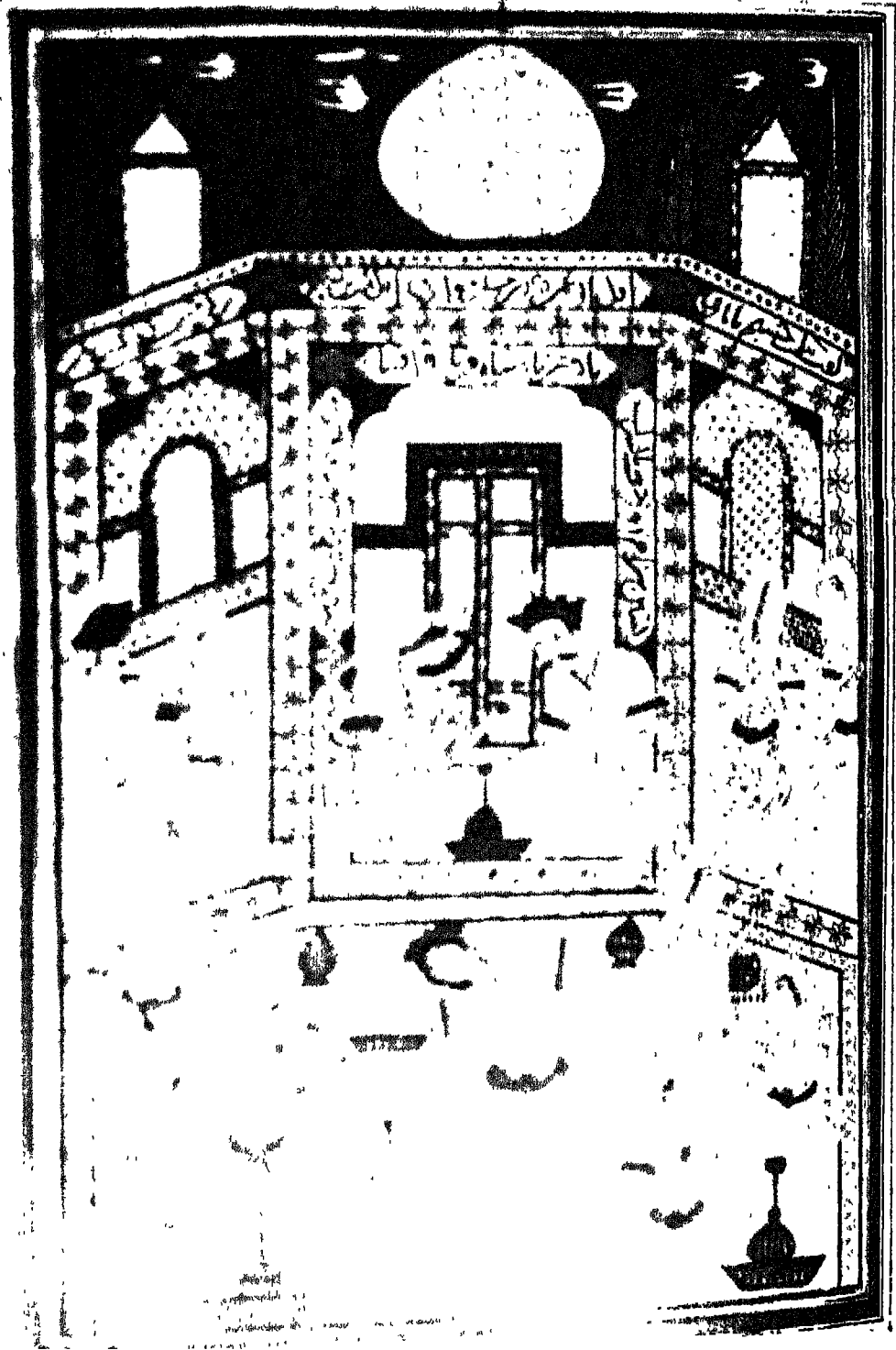
عکسی که پس از این دیده میشود از یك مجلسی است از نسخه‌ای از هشت بهشت امیر خسرو دهلوی که چهار برگ آن در این کتابخانه هست. خط آن نستعلیق در زمینهٔ کاغذی خاکستری در جدولی با رنگهای لاجورد و زر دو سبز و شنگرف در کنار صفحه‌ها و با آب زر و با گل و بوته آراسته و حاشیه سازی شده و خط از سدهٔ دهم است. مجلس آن گرچه تاریخ سال ۱۱۱۰ دارد ولی باید تازه‌تر باشد. اینهم گفته شود که این کلیشه که چاپ شده درست اصل مجلس نسخه را نمایش نمیدهد.

این مجلس از گنبد هفتم بهرام است و در چهار برگ این نسخه دو عنوان دیده میشود: «جامه معطر کردن بهرام روز آدینه در گنبد کافوری با بزم آرای خوارزمی در لباس خضر الثیاب» و «افسانه گفتن ماه روی خوارزمی و شبستان را بهشت یمن گرداندن» با اینکه در نسخهٔ شماره ۱۰۰ همین کتابخانه از کلیات دهلوی بجای آنها دارد: «رفتن شاه بهرام روز آدینه بگنبد سفید و با دختر ملك هفتم نشستن» و «حکایت کردن دختر ملك اقلیم هفتم بنزد بهرام».

این نسخه چهار برگی چنین است. آغاز «بدری آب جست و رخ را شست - تا پدر را شناختش بدرست» و انجام. «با مرد کرد کاردارانرا - هوشمندان و بردبارانرا» و برابر است با گ ۱۹۲ الف بت ۹ تا گ ۱۹۳ ب بت ٦ در هامش نسخهٔ ش ۱۰۰

هشت بهشت یا بهرامنامه را دهلوی دربارهٔ داستان بهرام و در برابر هفت پیکر نظامی در ۳۳۵۰ بیت سال ۷۰۱ سروده است و گنبدها در آن: مشکین است و زرد و ریحانی و گلناری و بنفش و صندلی و سفید برای روزهای هفته از شنبه تا آدینه و در هر یك گنبدی داستانی است که دختر یکی از پادشاهان هفت اقلیم میگوید و این هشت بهشت در علیگره سال ۱۹۱۸ بچاپ رسید (ایران و هند از پورداود ودکتر معین شماره ۱ انجمن روابط فرهنگی ایران و هند چاپ تهران در ۱۳۳۱ خ ص ۳۷ - فهرست منزوی ۲ ۱۷۹ و ۱۸۲)

این هم گفته شود که سنائی (م ۵۳۸) نیز داستانی دربارهٔ دو برادر بهروز و بهرام از مادری گلچهر نام دختر خواجه خسرو همدانی دارد (فهرست سپهسالار ۲ ٤۹٤۰- مثنوی و مثنوی گویان ایران در مجله مهر س ۵ ش ٦ تاریخ آبان ۱۳۱٦ خ ص ۵٤۳- ذریعه ۳ ۱٦۵- منزوی ۲: ۵۸)

همچنین است هفت پیکر نظامی که دربارهٔ داستان بهرام است در هفت گنبد کاتبی نیشابوری (م ۸۳۸) نیز «بهرام و گل اندام» دارد (فهرست مجلس ۳ ۵٤۵- ذریعه ۳: ۱٦۵ و ۲٦۲۷- چلبی ۱: ۲۰۵- منزوی ٤۲۰۲). عبدی بیك شیرازی معروف به نویس (م ۹۸۸) «بهرام نامه» دارد (منزوی ۲: ٤۳) بهرام و بهروز میرزا احمد وقار در بمبئی چاپ شده است

گـــ ٢٩ ب ش ١/٨٩٢ پایان البضاعة المزجاة تنکابنی

ص

رسالة الحد در المعلم الاول و هو ارسطاطاليس قدس سره

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و لا عدوان الا علی

الظالمین و صلوة علی محمد و آله اجمعین اما بعد بدانکه این چند

فصل است از حدود پانزده مسئله که اسکندر از استاد خویش

گ ۱ ب ش ٤٢٢ حدود ارسطو (ص ٤١ همین فهرست)

آقای دکتر سید محمد مشکوة واقف اصلی این کتابخانه که فعلا در پاریس هستند از آغاز طفولیت زیر نظر پدر خود بکار علمی می پرداخته و در کارهای علمی پدر را مساعدت میکرده است این صفحه آغاز یکی از رساله هائیست که برای پدر و بدستور او نوشته اند وچنانچه خود در آخر رساله نوشته اند در آن تاریخ که این نسخه را مینوشتند فارغ التحصیل کلاس چهارم دبستان و نه ساله بوده اند .

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الشيخ ... [illegible]

[illegible]

ک ۱ ب الش ۲٤۷ آغاز شرح اشارات طوسی ص ۲۵۵ — ر بالاف آنچه در ص ۲۵٦
گفته‌ام این نسخه از شرح طبیعی آغاز میشود

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

ک ۲ ب ش ۴۲۳/۱ : آغاز ایضاح المقاصد فی شرح حکمة عین القواعد حلی ص ۲۷۷

گ ۲۶۳ الف ش ۴۲۱ پایان مبدء و معادی شیرازی ص ۳۴۴

عليه السلام ركع الى جنب الركن اليماني
ركعتين ثم قال اللهم اني اسئلك ايمانا يباشر
قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه
لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضى بما
قسمت لي فاوحى الله عز وجل اليه يا آدم
انه حق علي انه لا يلزم احد من ذريتك هذا
الدعا الا اعطيته ما يحب ونجيته
مما يكره ونزعت امل الدنيا والفقر من بين
عينيه وملأت جوفه حكمة والحمد لله رب
العالمين وصلواته على خاتم انبيائه محمد وآله الطاهرين
واصحابه المنتجبين

وقع الفراغ من تحريره في شهر صفر سنة سبع وعشرين وسبعمائة
على يد العبد الضعيف الراجي رحمة ربه وعميم لطفه
محمد بن ابي المعالي بن احمد الابرقوهي احسن الله عاقبته
حامدا ومصليا ومسلما

پایان رشف النصایح سهروردی ص ۴۴۹ ش ۳۴۵

گ ۹۸ الف ش ۱۰۴۷ شرح حکمة الاشراق ص ۴۵۵

(حاشیة دوانی بخط او)

گ ۲۰۲ الف ش ۱۰٤۷ پایان شرح حکمة الاشراق

ص ٤٥٥ (خط گرگانی)

گ ٢٠٢ ب ش ١٠٤٧ شرح حکمه الاسراق
ص ٤٥٥ (خط فسال)

صفحهٔ عنوان کتاب التفکر یا مصفات الاشباح (ص ۴۹۷)
گ ۳۹ الف ش ۲۵۲/۳

بسم الله الرحمن الرحيم

ک ۱ ب ش ۳۵۰ آغاز تحریر شرح لمع ص ۵۴۸

الاستاذ وقد اشرنا الى طرف من ذلك في النظر وحاولنا الرد على الاستاذ
وقد بان الحق وتخصص بلا معنى للمزاعمة والذي يعتدى به من خبايا الاستاذ ان العلوم
التي هي العقل يستحيل ان ينتج كونها مقدورة فاما ما يتمسك به من قوله لا يعلمها الا من ثبت
كونه مقدورا ان يمكن المتصف من الاضراب عنه ولا وجه للعاقل في الاضراب عن عقله
فهذا تمام الكلام في تعلق الاعتقاد بالقدرة اثباتا ونفيا وفيه نظر ايضا والله اعلم

ک ٢٤٦ الف ش ٣٥٠ پایان تحریر شرح لمع ص ٥٤٨

الامام عند ظهوره من الغيبة انما يعلم شخصه ويميز عينه من جهة المعجز الذي يظهر
على يديه لان النص المتقدم من ابائه عليهم السلام لا يميز شخصه من غيره كما يميز النص
اشخاص الائمة لما وقع على امامتهم والمعجز انما يعلم انه دلالة ويحكم بصحة دلالته بضرب من
الاستدلال والشبهة معترضة لذلك وداخلة عليه فلا يمتنع على هذا ان يكون كل من لم
يظهر له من اوليائه فلان المعلوم من حاله انه متى ظهر له قصر في النظر في معجزه
ولحق به هذا التقصير عند دخول الشبهة بمن يخاف منه من الاعداء وقلنا ايضا
انه غير ممتنع ان يكون الامام يظهر لبعض اوليائه ممن لا يخشى من جهته شيئا من
اسباب الخوف فان هذا مما لا يمكن القطع على ارتفاعه وامتناعه وانما يعلم كل
واحد من شيعته حال نفسه ولا سبيل له الى العلم بحال غيره ولنا في استقصاء
الكلام في مسائل الغيبة طول يخرج عن الغرض بهذا الكتاب لانا شرعنا هاهنا
في نقل ما ورد منه الكثير في جملة الفاظ الامامة ولعلنا ان نستقصي الكلام فيه ونأتي
على ما لم نورده في كتاب الامامة في موضع نفرده له ان اخر الله في المدة وتفضل
بالتاييد والمعونة وهو المسؤول ذلك والمامول لكل فضل وخير وقربة من ثوابه
وبعد من عقابه والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين

تم في شهر رمضان المبارك

سنة ۱۰۰۸

ک ۱۴۷ الف تنزیه الانبیاء ش ۶۸۹ (ص ۵۷۰)

گ ۵٦ الف پایان «طریق تربیة الاولاد» دوانی ش ۱۰۱۵/۲۳ (ص ٦٦۷)

بسم الله الرحمن الرحيم

ب ٦٨ الف ش ١٠١٥/٢٧: گواهی دانشمندان (عبدالباقی امامی و محسن حسینی وعلی بن‌قاسم حسینی ومقصود علی طباطبائی وعبدالغفار بن عبدالوهاب) بر شیعی بودن محمد بن سعدالله

ک ۱ ب ش ۴۶۸ آغاز تحریر مجسطی ص ۸۵۰

گ ۱۲۶ ب ش ٤٦٨ پایان تحریر مجسطی طوسی ص ۸۵۰

ک ۲ الف ش ٤۸۸ صفحهٔ عنوان شرح تذکرهٔ نیشابوری ص ۹۰۷

# في صفة القلب
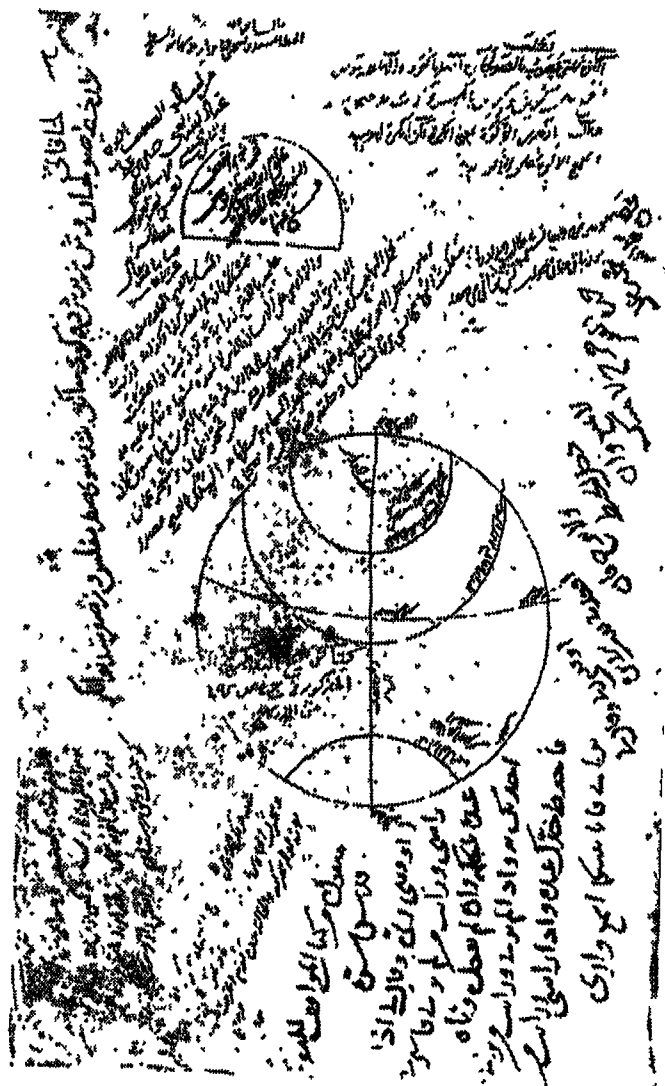
شكل القلب كشكل صنوبرة منكوسة راسها المخروط الى اسفل
البدن واصلها الى اعاليه وله غلاف من غشاء كثيف يحيط به غير انه ليس
بالملتزق كله لكن عند اصله وهو موضوع في وسط الصدر الا ان راسه
المخروط يميل الى ناحية اليسار والشريان الكبير انما ينبت من الجانب الايسر
فلذلك يتبين النبض في الجانب الايسر وعند اصله ومنبته شيء شبيه بالغضروف
كانه قاعدة لجميع القلب، ومن البطن الايمن يتصل الى الايسر منافذ وللبطن
الايمن فوهتان احداهما التي منها تدخل العروق النابتة من الكبد وينصب
الدم من هذه الفوهة في البطن الايمن من بطني القلب وعلى هذه الفوهة
اغشية منفقتها من خارج الى داخل لكي ترتد وتنحى الشيء الذي يدخل
الى القلب، والثاني فهو هذا العرق الذي يتصل من هذا التجويف بالرئة
وهو عرق غير ضارب الا ان اغشيته غلاظ ثخان ولذلك يسميه المشرحون
العرق الشرياني لان الشرايين ابدا اغلظ واثخن واصلب اغشية من العروق
وحوجها ذلك اذ كانت دائمة الحركة مدة عمر الانسان كله وفي اخراقها
من الخطر اكثر مما في اخراق العروق وعلى الفوهة التي يخرج منها هذا
العرق اغشية الا ان منفقتها من داخل الى خارج كيما ترتد وتنحى الذي
يخرج من القلب، وفي البطن الايسر فوهتان احداهما فوهة الشريان
العظيم الذي منه تنبت شرايين البدن كلها وعلى فمه اغشية منفقتها
من داخل الى خارج لكي ترتد وتنحى ما يخرج من القلب من الروح والدم
والثاني فوهة الشريان الذي يتصل بالرئة وفيه يكون نفوذ الهواء من الرئة

ار کماش منصوری رازی (ص ٨٠٠) گ ١٧ الف ش ٤٥٢

للشيخ حسن صاحب المعالم

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين رب سهل ولا تعسر

الحمد لله ولي الحمد واهله وصلوات الله على خير خلقه وخاتم رسله محمد المؤيد بفصل الخطاب الداعي بالحكمة
الى الحق وطريق الصواب وعلى آله الذين اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا بعض الكاسبا
اما بعد فهذه رسالة مختصرة في فقه الصلوة مبنية على املائها التماس بعض الاصحاب ورجاء
الثواب من الكريم الوهاب وجعلتها مرتبة على فصول اثني عشر الفصل الاول
في الطهارة واقسامها ثلثة الاول الوضوء ويجب للصلوة الواجبة من حدث البول والغائط والريح
ومن النوم حتى يذهب العقل وكذا كل مزيل له من اغماء ونحوه وبالاستحاضة القليلة وكيفيته ان
يغسل يديه قبل ادخالهما الاناء حيث يكون الوضوء مرة من حدث البول والنوم ومرتين من
الغائط ويتمضمض ويستنشق ويقصد بقلبه انه يتوضأ لامر الله سبحانه بالوضوء للصلوة فيغسل وجهه
من قصاص شعر الراس الى الذقن طولا وما دارت عليه الابهام والوسطى عرضا محققا في
مستوى الخلقة وتقديرا في غيره بغرفة او اثنتين مبتدئا بالاعلى مسدلا للماء ويجب تخليل اللحية
وان خفت ولا غسل ما تدلى عن الوجه ويأخذ غرفة اخرى او اثنتين بيده اليسرى فيغسل

ک ۱۳۹ الف ۸۹۳/٤ آغاز اثنی عشریة عاملی ص ۱۷٦۱

گ ۱۴۳ ب ش ۸۹۳/۴ پایان اثنی‌عشریهٔ عاملی ص ۲۶۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على

على أفضل المرسلين محمد وعترته

الطاهرين وبعد فهذه رسالة وجيزة

في فرض الصلوة إجابة لالتماس

من طاعته حتم وإسعافه غنم والله

المستعان وهي مرتبة على مقدمة

وفصول ثلاث وخاتمة أما المقدمة

فالصلوة الواجبة أفعال معهودة

گ ۱۰۱ ب ش ۸۹۳/۳ آغاز الفیۂ شہید یکم س ۱۷۸۳

والمسافر الخمس والمشتبه يزيد على
الحاضر والمسافر ثنائيتين قبل المغرب
وثنائيته بعدها وفرضه الثنتين وكذا
لو فاتت الخمس واشتبه اليوم فان اجتزأ
بالثماني ولا تقضى الجمعة والعيدان
والآيات لغير العالم بها ما لم يستوعب
الاحتراق ولو اطلق القضاء على صلاة
الطواف والجنازة فجائز وكذا النذر
المطلق والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطيبين

گ ۱۳۸ ب ش ۸۹۳/۳ پایان الفیة شهید یکم ص ۱۷۸۳

آعار تحریر التحریر یا حاشیهٔ قواعد حلی (ص ۱۸٦٤ و ۲۱۵٤)

گ۲۵٤ ب ش ۷۰٤/۲

پایان تحریر المحرر یا حاشیهٔ قواعد حلی (ص ۱۸٦٤ و ۲۱۵٤)
گ ۲۵۷ الف ش ۷۰٤/۲

ک ۱ ب ش ۲۲۵ آغاز جواهرالاسرار وزواهرالانوار یا شرح مثنوی از
کمال‌الدین حسین خوارزمی (فهرست آقای منزوی ۲:۱٤٦)

گ ۲ الف ش ۲۲۵ جواهرالاسرار (فهرست آقای مروی ۲ ۱۴۶)

ک ۵۷۲ الف ش ۲۲۵ جواهرالاسرار (فهرست آقای منزوی ۱٤٦:۲)

گ ۱ الف ش ۲۳۱ صفحۂ عنوان شرح الکافیة الشافیة ابن مالک
فہرست آقای منزوی ۲ : ٤١٤

گ ب ۲۳۲ ب ش ۲۳۱ پایان شرح الکافیة الشافیة ابن مالک

فهرست آقای منزوی ۲: ۴۱۴

گ ۱ ب ش ۳۳۷ آغاز ترجمهٔ تذکرة الاولیاء

فهرست آقای منزوی ۲: ۵۳۸

ک ۳۲۴ ب ش ۳۳۷ پایان ترجمۂ تذکرة الاولیا

فہرست آقای منزوی ۲ ۵۳۸

گ ۲۹ الف ش ۴۲۹ پایان شرح آداب البحث میبدی ص ۵۸

من الخطأ من ظنونها جهولا ولأن من هذه طائفة اقرب الى الصواب

ممن عدت اسما بانه وعلى المتكلم في هذا الباب وغيره ان يكون مصدر كلامه

عن العلم بالحق وغايته النصيحة لله ولكتابه ولرسوله ولاخوانه من المسلمين

واذا كان الحق تبعا للهوى فسد القلب والعمل والحال والطريق قال

تعالى ولو اتبع الحق اهواءهم لفسدت السموات والارض ومن فيهن

وقال النبي صلى الله عليه وسلم لا يؤمن احدكم حتى يكون هواه تبعا لما جئت

به فالعلم والعدل اصل كل خير والجهل والظلم اصل كل شر والله تعالى

ارسل رسوله بالهدى ودين الحق وامره ان يعدل بين الطوائف ولا يتبع

اهواء احد منهم فقال تعالى فلذلك فادع واستقم كما امرت ولا تتبع

اهواءهم وقل آمنت بما انزل الله من كتاب وامرت لاعدل بينكم الله ربنا

وربكم لنا اعمالنا ولكم اعمالكم لا حجة بيننا وبينكم الله يجمع بيننا واليه المصير

اخر الكتاب والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم

فرغ من تعليقه يوم السبت سابع شهر ... سنة اثنين وسبعين

على يد افقر عباد الله واحوجهم الى الطاف الخفي ... يوسف ...

الحنفي

غفر الله له ولوالديه ولمن دعا له بالمغفرة ... آمين

آمين

گـ ۳۰ الف ش ۱۰۳۳ خط محمد جعفر گیلانی لاهیجانی ص ۵۱۵

قليل التهيئ للسفر ظاهر الاغماض عن الرحيل والكثير
الراجي رحمة ربه الغني محمد بن عبد الفتاح
التنكابني غفر الله ذنوبهما وستر عيوبهما
في ضحوة يوم الخميس يوم الرابع عشر من شهر
جمادى الثانية من شهور سنة ١١٠٢ اثنتين
ومائة والف من هجرة خير البرية عليها وعلى آلها
الف الف الصلوة والتحية الحمد لله اولا
وآخراً وصلى الله على نبيه محمد وآله المعصومين
الطيبين الطاهرين ووفقنا لاطاعتهم
وزيارتهم وجعلنا من حزبهم وزمرتهم
بجوده وكرمه ومحمد وآله
آمين رب
العالمين

گ ۱۳۱ الف س ۴۰۹ رسالۂ کلامی تنکابنی ص ۵۷۸

ک ۱ الف ش ٥٧٤ صفحة عنوان الحق المبين و حديقة المتقين ص ٦٥٩

گ ٨٤ الف ش ٥٧٤ پایان الحق المبین وحدیقة المعین ص ٥٩

ک ۱۲۷ الف ش ۳۹۶ پایان الذخیرة لاهل البصیرة ص ۶۶۲

گـ ۔ ۵۲ الف ش ۱۳٤ پایان من لا یحضره الانیس هروی بخط او ص ٦٨٠

[illegible]

گ ۲۳۳ الف ش ۴۴۲ پایان اختیارات بدیعی ص ۷۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

قال ابو سهل عيسى بن يحيى المسيحي قصدنا في هذا
الكتاب اظهار حكمة الله تعالى ذكره في
خلق الانسان وتنبيه على فوائد لطيفة شريفة
لم يسبقنا اليه بمعرفتها احد ممن تقدمنا وذلك ان
كل من تكلم قبلنا في هذا المعنى فكلامه يسير
ضعيف بالقياس الى ما اوردناه لانهم انما ذكروا ما
ينال المنفعة العامية من منافع الاعضاء فاما
ما دق ولطف منها ولها منافع التركيبة الموجودة
في البدن ومنافع افعالها ومنافع عبر هيئتها ايضا
حتى تبلغ الغايات الاخيرة التي هي المقاصد
الاول في وجود الانسان بجميع اجزائه وجميع
معانيه من جميع الوجوه فلم ينتدب ولا واحد
منهم للبحث عنها ولا احتاد في تحصيلها وتصحيحها
وليتبين فضيلة ما اوردناه على ما اوردوه الامن
تامل بين كلامنا هذا وكلامهم مع درايته وفاضه
منه فان من لا يدري ما يعتبره لم يصلح للحكم

گ ۱ ب ش ۴۴۷ آغاز اظهار حکمة‌الله فی خلق‌الانسان ص ۷۱۹

گ ۳۰۳ الف ش ۴۶۱ ذخیرهٔ خوارزمشاهی گرگانی ص ۷۵۵

هذا کتاب شرح فصول

بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر وتمم

قال الشیخ الامام ابو القسم بن عبد الرحمن بن علی بن ابی صادق النیسابوری رحمه الله

اما بعد حمد الله تعالی بجمیع محامده والثنا علیه ان العنایه الی تبعث الخلق علی اقتنا باب من ابواب العلوم من اشرف الفضایل الانسانیه سیما ما کان الناس اشد حاجه الیه من غیره کعلم الطب فان من البین عند الکافه ان العافیه راس النعم التی انعم بها علی الانسان واولاها واجلها قدرا ولذلک لیس تهنی مملکه الملک ولا ثروه المثری مع فقدان الصحه التی هی الغایه المطلوبه بهذا العلم وهی اشرف غایه یتمناها الانسان فی هذا العالم ثم ینضاف الی شرف هذا الغایه شرف الموضوع الذی هو البدن الانسانی اذ هو اشرف موجودات العالم ویقترن بشرف موضوع هذا العلم شرف کماله ووثاقه البراهین المستعمله فیه فان قوانین الطب اجمع دلایله برهانیه ولیس یستعمل فیها الحواس والتجربه الصناعی

گ ۱ ب ش ٤٥٦ آغاز شرح فصول ابقراط نیشابوری ص ۷۷۲

الحاب منها ذكرها شفقة من فوت الزمان بما لا يجدي
نفعًا والله تعالى هو المعين ○ تم كتاب
شرح فصول ابقراط للشيخ ابي القسم عبد الرحمن
بن علي بن ابي صادق رضي الله عنه امين
والحمد لله رب العالمين

مما علقه لنفسه بخط يوحنا بن سينا بن
يوحنا المتطبب نفعه به الله امين ورحم من
ترحم عليه [illegible]

گ ۲۲۷ الف ش ٤٥٦ پایان شرح فصول ابقراط از نیشابوری ص ۷۷۲

گ ٢٦٩ الف ش ٤٤١ پایان شرح قانون آملی ص ٧٧٧

گ ۱۵٤ الف ش ٤٤٤/۱ پایان فن دوم شرح موجز قانون ص ۷۸۵

گ ۱۳ الف ش ۴۵۷ صفحهٔ عنوان غنی ومنی قمری ص ۷۸۸

گ ۱ الف ش ٤٦٩ خط و مهر شیخ بهائی در نسخهٔ اختیارات مظفری قطب رازی ص ۸۲۲

ک ۲ الف ش ٤٦٩ مهر وقف شیخ بهائی در ۱۰۳۰ برای این نسخه از اختیارات مظفری قطب شیرازی ص ۸۲۲

سجع مهر چنین است :

« هذا مما وقفه العبد بهاء الدین محمد علی الطلبة الامامیة بتولیة ابن اخیه سمی ابیه حسین بن عبدالصمد ثم الاتقی من نسله و بنیهم ولو کان ابعد ۱۰۳۰»

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

ک ۱ ب ش ٤٦٢ آثار محقق حسن و طل قاسی ص ۸۵۲

ک ۱ ب ش ۴۷۷ آغاز شرح رومی بر ملخص چغمینی ص ۹۱۷

گ ۱۱۴ الف ش ۴۷۷ پایان شرح رومی بر ملخص چغمینی ص ۹۱۷

عکس ۱ الف س ۱۰۸۲ صفحۂ عنوان غایۃ الادراک ا مہری ص ۹۲۵

... الارض على استقامة ثم نشد على طرف الارتفاع اصبعا ونستخرج
ارتفاع هذا الظل ونضع العضادة عليه ونستعلم وناخذ حتى تكون
ارتفاعه من الجهة الاخرى ونعلّم على قدر العلم من الارض علامة
اخرى وناخذ ما بين العلامتين من الارض ونضربه
في اثنى عشر فما بلغ فهو الارتفاع المطلوب وذلك ما اردنا بيانه
ولكن هذا آخر كلامنا في هذا الكتاب واما الجداول والعمل
بها فقد اودعناها في الزيج المختار فليطلب منه والحمد لله
رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله اجمعين

تمت في الرابع عشر من يوم السبت من صفر
سنة تسع وسبعين وستمائة هجرية
حسبنا الله ونعم الوكيل

خط استاد المحققين [illegible] الملة والدين [illegible]
[illegible]

ک ١٢١ز ب ش ١٠٨٢ پایان غایة الادراک ابهری ص ٩٢٥

[illegible]

ک ۲ب ش ۱۰۰۹ غایةالوصول ص ۱۷۰۶ که خط علامهٔ حلی

در کنار برگ دیده مسود

وسيره الشيخين وكان عبد الرحمن مجتهدا ولم ينكر احد فحصل
الاجماع على جواز تقليد المجتهد قلت الاية الاولى مخصوصة بغير
المجتهد والا لزم السوال على المجتهد بعد اجتهاده ايضا فانه بعد
الاجتهاد ظان لا عالم ولا يجوز له بعد الاجتهاد بالاتفاق والاية
الثانية مخصوصة بالاقضية والاحكام لعدم وجوب الطاعة في كل
شيء بالاجماع والمراد من قول عبد الرحمن بالسيرة طريقتهما في
ملازمة العدل والانصاف وهذا الذي ذكرنا من جواز الاستفتا
للعامي وعدم جوازه لغيره مخصوص بفروع الدين وقد اختلف
العلماء في جواز التقليد في اصوله للعامي وغيره قيل لا يجوز لهما اصلا
لانه تعالى امر الرسول بتحصيل العلم فيها بقوله فاعلم انه لا اله الا الله
واذا وجب على الرسول وجب على الامة لقوله تعالى فاتبعوه وقال الفقها
يجوز مطلقا لما ذاع انه عليه السلام لم يقل لاحد تلفظ بكلمتي الشهادة
ولا علمت حدوث الاحكام وكونه تعالى مختارا ام موجبا ولكن هذا
اخر ما اردنا ايراده في شرح هذا الكتاب والله اعلم بالصواب
وقع الفراغ منه نهار الخميس رابع عشر جمادي الاولى من شهور سنة ثمان
وثمانين وثمانمائة من هجرة من له العز والشرف وعلى اله وصحبه
والتبع المصطفى [illegible]

ک ۱۸٦ ب ش ۷۷۹ پایان معراج الاصول ایکی ص ۱۷۲۳ و ۲۳۵۲

ک ۱ الف ش ۷۵۰ برهان قاطع ص ۱۷۹۱

ک ۷۳ ب ش ۱۰۰۳ دروس شہید بکم ص ۱۸۷۷

شرح صیمری کہ شاگرد
محقق بود بر شرایع
محقق

ک ۳٦۹ ب ش ۷۸۰ پایان غایة المرام صیمری ص ۱۹۵۲

لكن الاولى ان يغسل ثلثا والاحوط الغسل بالكثير ثلثا بل لا ينبغى ان يترك في العمل وجميع ما ذكر

من الكيفية والاحتياط انما هو حيث يجب غسل الاناء من النجاسة على الوجه المعتبر شرعا

بحقيقة او لا صرح بالثاني في التحرير والبيان وربما يظهر الاول من المنتهى وهو ضعيف

الا اذا اراد من التخفيف ازالة العين لا النجاسة وقد وقع الفراغ من كتابة هذه الاسطر

في اواسط شهر رمضان المبارك واسال الله عز وجل ان يجعله خالصا لوجهه الكريم وذخرا

ليوم الدين كتبه مؤلفه بيمناه الفانية وهو محمد بن علي الطباطبائي

گ ۷۰ الف ش ۷۸٤ پایان مناهل سید مجاهد ص ۲۰٦۹

ک ۲۳ ب ش ۱۲۲۵ جنگ کیمیائی بخط سیدآبادی ص ۲٤٤۸

[illegible]

مرکب ۹۹ الف ش ۱۲۳۵ پایان روضه الصائمین ص ۲٤٥٤

گ ۱ الف ش ٤ آغاز انوار التنزیل بیضاوی ـ ۱۵:۱ فہرست منزوی

والناس بيان للوسواس أو للذي او متعلق بيوسوس اى يوسوس فى صدورهم من
جهة الجنة والناس وقيل بيان للناس على ان المراد به ما يعم الثقلين وفيه
تعسف الا ان يراد به الناسى كقوله يوم يدع الداع فان نسيان حق الله يعم
الثقلين عن النبى صلى الله عليه وسلم من قرأ المعوذتين فكأنما قرأ الكتب التى
انزلها الله تعالى كلها وقد تكمل بتوفيق الوهاب وما هو الخير والصواب

وقع الفراغ من تحرير الكتاب الكريم فى تفسير القرآن العظيم فى العشرين
من شهر [illegible] وقت الضحوة الكبرى سنة ثمان [illegible]
[illegible] عن الباشاه
[illegible] نظر فيه ودعا [illegible]
ولكاتبه الفقير [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

گ ٥٦٤ الف ش ٤ پایان انوار التنزیل بیضاوی (١٥:١ فهرست آقای منزوی)

الہی لا تجعل من لهم انس بی موحشا عنی او لا تجعل
اهل انسی من یناسب حالی ان یونسی موحشا عنی والحمد
لله اولا و آخرا قد وقع الفراغ من تسوید هذه الاوراق
یوم الجمعة ثامن شوال بعد الشروع فیه فی اول شهر رمضان
المبارک بعد مضی الف و تسعین سنة من الهجرة النبویة
فی مشهد ثامن الائمة علی مشرفها الف الف سلام و تحیه
علی ید مؤلفها الفقیر المشتاق
الی الله العزیز الغنی میرزا
محمد بن محمد رضا بن
اسمعیل بن جمال الدین
القمی

ک ۱۲۲ الف ش ۳۷ پایان شرح صحیفه خط شارح
(فهرست منزوی ۱۴۶۰۱)

الای ک ۱ ب ش ۱۰ آغاز جزء ششم از فتوح الغیب فی الکشف
عن قناع الریب طیبی (۱۷۶۱ فهرست منزوی)

پائین گ ۱ ب ش ۱۰ از آغاز جزء ششم از فتوح الغیب فی الکشف عن قناع الریب طیبی ( ۱:۱۷۶ فهرست منزوی)

لكن لا يناسب تنكير الوسادة كما فى بعض الروايات ويؤمر الى القضاء بينهم متوجها الى الله من قعر
النار اى اضاءت او من الزهرة بالضم بمعنى البياض والحسن يقال منه زهر كمنع وكرم وينال
زهر القمر والوجه كمنع اى تلألأ والمغلبة فى رواية سعيد الشمان اما بالتشديد على صيغة المفعول
من قولهم غلبته انا عليه تغليبا ومنه المغلب للشاعر المحكوم له بالغلبة على قرنه كان الراية جعلها
غالبة على الخصم وحكم لها بالغلبة او على صيغة الفاعل فكان الراية تجعل من تحتها غالبا على
العدو واما بالتخفيف وكسر الميم على صيغة اسم الالة والتميمية فى رواية المفضل عوذة
تعلق على الانسان تم الجزء الاول من كتاب حدائق الحقائق فى شرح كلمات كلام
الله الناطق على يد مؤلفه الفقير المحتاج الى رحمة ربه علاء الدين محمد بن ابى تراب گلستانه عفى الله
عنهما وتجاوز عن زلاتهما بمحمد وعلى وآلهما الاطيبين صلوات الله عليهم اجمعين سنة اربع وسبعين
بعد الالف من الهجرة المقدسة ويتلوه الجزء الثانى فى شرح الخطبة المشهورة بالشقشقية ومن الله
استمد المعونة فى الافتتاح والاختتام انه
ولى الفضل والانعام

گ ۱۱۶ ب ش ۹٤ حدائق الحقائق گلستانه (۲:۳۳ فهرست منزوی)

گ ٤ ب ش ٩٧ آغاز شرح دیوان میبدی

(فہرست منزوی ۲:۱۱٦٦)

گ ۱۳۹ب ش ۹۷ پایان شرح دیوان میبدی (۲ : ۱۱۶۱ فهرست منزوی)

کے ۲ ب ش ۱٦۹ آغاز فرهاد و شیرین وحشی بخط میرزا کوچك وصال شیرازی (۱٦٦:۲ فهرست منزوی)

گ ۵۸ الف ش ۱۶۹ پایان فرهاد و شیرین وحشی بخط میرزا کوچك
وصال شیرازی (۲ ۱۶۶۶ فهرست منزوی)

ک ۱۷۲ الف ش ۱۷۷ پایان تاج المصادر بیهقی (۲:۳۳۵ فهرست منز

گ ۲ ب ش ۱۷۸ آغاز تیسیر مصیری ( ۲:۳٦۳ فهرست منزوی
که در آن باشمارۂ۱۸۷ یاد شده ودرست نیست)

گ ۱۷۹ ب س ۱۷۸ پایان تیسیر نصیری ( ۲ : ۳۶۲ فهرست منزوی
که در آن با شمارۀ ۱۸۷ یاد شده و درست نیست)

د ۱ الف ش ۸٤٤ صفحۂ عنوان شرح مفتاح العلوم گرگانی (۲ ٤۱٦
فہرست مدروی)

۲۵۵۵

گ ۱ ب ش ۸۴۴ آعاز شرح مفتاح العلوم گرگانی (۲: ۴۱۶

فهرست منزوی)

ک ۳۰۲ ب ش ۸٤٤ پایان شرح مفتاح العلوم گرگانی (٤١٦٠٢ فهرست مروی)

گ ٢٦ ب ش ٩٨٦ اجازۀ بزرگ سید حسین کاشانی بخط خود او
به آرانی (فهرست منزوی ٢:٤٧٧)

گ ١ الف ش١٨٩ آغاز منتخب امل الآمل عاملی از نیریزی (٢:٥٠٥
فهرست منزوی)

۲۵۵۸

ک ۶۹ الف ش ۱۸۹ پایان منتخب امل‌الآمل عاملی از تبریزی (۲:۵۰۵
فهرست منزوی)

گ ۴۲ الف ش ۸۵۴ پایان شرح قصیدهٔ « بر د ه » بوصیری
(فهرست منزوی ۲:۷۱۵)

# یادداشتها

ص ۱۸۰ س ۱۱ و ٦۳٤ س ۱٤ :

چنانکه من نوشته‌ام و آقای مدرس رضوی هم درسر گذشت خواجهٔ طوسی
درچند جا ( فهرست نامها ) یاد کرده‌اند کسی که بطوسی نامه نوشته و از او
۵ درخواست تا رسالهٔ علم را گزارش بنویسد همان جمال‌الدین علی‌بن سلیمان
بحرانی بوده‌است ؛ چنانکه‌درصفحهٔ عنوان‌نسخهٔ ش۱۰۲۲ نوشتهٔ سیدحیدرآملی
نزدیك ۷٦۲ آمده و نوری هم که همین نسخه را داشته بود درمستدرك (۳:٤٦۲)
چنین نوشته است . بحرانی درلؤلؤتی‌البحرین در سه جا از همین جمال‌الدین
بحرانی یاد کرده و در سه‌مین جای میگوید : « آنچنانکه من از پدرم شنیده‌ام
۱۰ اوراست رساله‌ای مشهور که طوسی بدرخواست شاگردش میثم بحرانی برآن
گزارش نوشته است واین رساله و گزارش آن نزد من بوده وازدست داده‌ام »
(نیز روضات ص ۵۷۹ از همین لؤلؤة ولی دارد که جمال‌الدین‌علی‌استاد میثم‌این
رسالهٔ علم را نزد طوسی فرستاده واو برآن گزارش نوشته است) .

دربحار مجلسی (۲۵ : ۲۲ و ۱۰۳) سرگذشت همین بحرانی آمده ولی یادی
۱۵ ازاین نامه و پاسخ‌آن نشده‌است. حرعاملی درامل‌الآمل (ص ٤۸۷) نیز ازاو یاد
کردو چنین گفتگوئی را ننوشت که‌میان اووطوسی شده‌باشدبلکه‌درسر گذشت
خواجهٔ طوسی‌وابن میثم(ص ۵۰٦ و ۵۱۱) او این‌رسالهٔ‌علم‌را ازابن میثم‌پنداشته
است چنانکه درنسخهٔ ش۳۸۹مورخ۱٤صفر۱۱۰۲هم‌دارد «قال‌الامام کمال‌الدین
میثم‌بن علی‌بن میثم‌البحرانی رحمه‌الله · بسمله . الحمدلله علی ما اولانا من ملامح
۲۰ (ملائح) . . . » و کنتوری هم آنرا از ابن میثم پنداشته است ( ۳۳۵ ) درفهرست
طوس (٤ : ۱۸۰) نیز این رساله از ابن میثم دانسته شده و شرح آن از طوسی
و بنام «شرح رسالة‌العلم» درآن یادشده‌است . همچنین درفهرست مجلس (۲:۳۹۰

ش ۶۳۰/۱۱) دارد که کمال‌الدین ابو جعفر احمد بن علی بن سعید بن سعادهٔ بخواهش کمال‌الدین میثم بن علی بحرانی رسالة العلم نوشته و خواجهٔ طوسی آنرا گزارش کرده است .

در نسخهٔ ش ۱۰۴۶ مامورخ ۱۲ع ۱۰۵۹/۲ از کسی یادنشده است . از سنجش این سه نسخه چنین برمیآید که نسخهٔ اصلی همان شماره ۱۰۲۲ که کهنه‌تر است میباشد و دو نسخه دیگر را نویسندگان دستکاری کرده‌اند و چون درمتن آن از کسی یادنشده وهمین اندازه درنامهٔ طوسی بنام « کمالی جمالی » برمیخوریم و نویسندگان گویا جمال‌الدین بحرانی را نمی‌شناخته‌اند این بود که پرسنده را ابن میثم پنداشته‌اند .

ص ۲۱۴ و ۱۲۳۹ :

شاد روان میرزا محمد خان قزوینی در حاشیهٔ نسخهٔ بحار خود (۱۸:۲) چنین نوشته است که « این توحید مفضل با کتاب الدلائل والاعتبار که این اواخر ( درسنهٔ ۱۳۴۶ ) درحلب چاپ شده و بجاحظ نسبت داده شده تقریبا عینا در کلیات و غالب عبارات یکی است فقط اختلاف بسیار اندکی در بعضی جزئیات بین آنها هست که تفصیل آنرا درپشت الدلائل والاعتبار داده‌ام . محمد قزوینی » ـ نسخهٔ الدلائل والاعتبار اورا من ندیده‌ام .

بدوی دردیباچهٔ « فی النفس ارسطوطالیس » (ص ۳۰) مینویسد که دراین « الدلائل والاعتبار » که ازجاحظ پنداشته‌اند (ص ۷۶ همان چاپ برابر با ص ۹۱ چاپ نجف از توحید مفضل) از آراء طبیعی فلوطرخس (ف ۲۰ م ۲ ص ۱۳۴) آمده است ـ ازسنجیدن آندو برمیآید که سخن فلوطرخس درست درآن آورده نشده است .

دررجال نجاشی درسرگذشت خود او ( ص ۷۴ ) دربارهٔ نیای او عبدالله نجاشی دارد « و کتب الی ابی‌عبدالله ع یسأله و کتب الیه رسالة عبدالله النجاشی المعروفة ولم یر لابی‌عبدالله ع مصنف غیره » (نیز ص ۱۴۷) پس بنوشتهٔ او امام صادق را جز این نامه‌ایکه بعبدالله نجاشی نوشته است نگارش دیگر نیست . اودرسرگذشت مفضل (ص ۲۹۵) میگوید «وقدذکرت له مصنفات لایعول علیها»

از نوشته‌های او که نام میبرد بنام «کتاب فکر» «کتاب بدء الخلق و الحث علی الاعتبار» برمیخوریم (نیز ص ۲۱ و ۵۳ خلاصه حلی).

ص ۲۲۰ س ۹:

در رسالة الاسلام (سال ۱ ش ٤ ص ٤۰۳ - ٤۱۰) آمده که در «مختصر فی ذکر الحکماء الیونانین و الملیین» از گمنام که درمجموعهٔ اسکوریال هست و گویا

۵ کتاب از سده ۸ متأخر نباشد دارد (ش ٦۳۵): «افضل الدین محمد بن المرقی القاشی کان زاهداً متصوفاً مداوما للریاضة مات فی حدود ٦۱۰» و «نشاء (الطوسی) بمشهد طوس و اشتغل بها بالتحصیل علی خاله».

علی قلی داغستانی واله در ریاض الشعرا نگارش ۱۱٦۱ هم گوید طوسی خواهرزادهٔ کاشانی بوده است.

۱۰ در ص ٤۰۷ حاشیهٔ ٤ ش ٤ سال ۱ رسالة الاسلام دارد که شیخ امین ظاهر خیرالله در المقتطف سیب نامه را نشر داد و در آن دارد که گفتگو میان سقراط و شاگردان است و گویا یکی از ادیبان مسیحی آنرا ساخته باشد این سیب نامه بدینگونه در آن مجله بچاپ رسیده است ص ٤۷۵-٤۸٤ ش ٦ جلد ۵۵ دسامبر ۱۹۱۹ (۱) ص ۱۸-۲۲ ش ۱ جلد ۵٦ ژانویهٔ ۱۹۲۰ (۲) ص ۱۰۵-۱۱۰ ش ۲ جلد ۵٦ فوریهٔ

۱۵ ۱۹۲۰ (۳) ص ۲۱۷-۲۲۱ ش ۳ جلد ۵٦ مارس ۱۹۲۰ (٤).

در همینجای رسالة الاسلام دارد که ینبوع الحیاة را که در ۱٤ فصل است (و در فارسی ۱۳ فصل) خوری فیلیمون کاتب در بیروت در ۱۹۰۳ چندین بار چاپ کرد. یکبار دیگر هم عبدالرحمن بدوی آنرا در الافلاطونیة المحدثة (ص ۵۱-۱۱٦) بنام «معاذلة النفس لافلاطون» یا «رسالة منسوبة الی هرمس الحکیم

۲۰ فی معاتبة النفس و زجرها ..» بچاپ رسانده است. آغاز فصل ۱٤ آن در ص ۳۸۰ س ۱٤ میانه فصل ۱۳ فارسی کاشانی (چاپ تهران) دیده میشود و این فارسی دو سطری در انجام کم دارد گذشته از جدائیهای دیگر که میان آندو هست.

ص ۳۲۱ س ۱۹ :

در روضات (ص۶۲۱) آمده که گویافاضل هندی رساله‌ای بفارسی در اصول دین بنام «کلید بهشت» دارد . باز در همانجا (ص ۳۰۲) آمده که «کلید بهشت» فارسی ازقاضی سعید قمی است .

ص۳۵۱ س۹ :

در پایان متن تازی مدارج کمال نسخهٔ نور عثمانیه ش ۴۹۳۱ تاریخ ۶۷۴ چنین دارد : ۵

فصل من انشائه قدس‌الله روحه فی آخر رسالته هذه فی ذکر الحال التی دعته الی انشاء هذه‌الرسالة و الزمان الذی افتتح فیه و تسمیتها بالاسم الذی یدعو به .

قال : اتفق لنا من قضاء ربنا تعالی و تقدس فی بعض احایین دهرنا توزع فکر و تشتت رأی و التفات الی احوال مختلفة و تردد و تذبذب بین امور متناقضة ۱۰ دفعت الیها اضطراراً و لم یبق لی هجومها و ازدحامها علی اختیار ؛ اذ اشار الی فتی من فضلاء اخوانی و کرام اصدقائی و خلانی و هو الشاب الکریم الشمائل ذو المکارم والفضائل «شمس‌الدین محمد بن محمد بن ذروا کوش ابوالمکارم الدیلمی» - بلغه‌الله اقصی درجة فی العلی ینالها احد من اولی الالباب وذوی النهی - واظهر لی رغبة صادقة ان اکتب له رسالة متضمنة لبیان منازل العباد فی طرقی المبدء والمعاد . ۱۵ فما وجدت فی نفسی وجهاً للامتناع عن مراده ، و ان کان کل ما ابتلیت به من تردد الفکر و توزع القلب فی نموه و ازدیاده .

فعزمت علی بذل ما تسعه قوتی و الاتیان بما یحتمله منتی . و انا علی هذه النیة ؛ اذ رأیت لیلة فی مایری النائم : کانی جالس مع ثلثة نفر من المشائخ الکبار صورهم فی غایة الجمال و آدابهم و علومهم فی غایة الکمال و یستنطقوننی ، و انا بسبب الحوادث ۲۰ التی تحوم حول قلبی فی یقظتی لایجری لسانی بالکلام معهم کما ینبغی فالحوا علی و قالوا لاتلتفت الی هذه واجعلها وراء ظهرك فان افکارك اعز و اکرم من ان یکون فی الفاسدات و المستحیلات المتغیرات السریعة الزوال القریبة الفناء فاجعلها فی ترتیب کلام یتصرح به بدو الوجود و مراتبه و درجاته فی الدوام و الخلود و تبین به

ما خفی من امر مجیء الانسان و مرجعه، بیاناً ساطعاً و یکون فی اظهار الحقیقة و کشف الحجب عنها برهاناً قاطعا. فسألتهم عن فائدة هذا الترتیب و قلت بینوا لی لماذا ینبغی لی و یجب علی ان اتولی بیان هذا النظم و الترتیب؟ فاجابوا و قالوا: ینبغی لك و یجب علیك لذات البیان لا لشیء غیره یتوسل به الی ذلك الشیء. فاقررت

۵ لهم بما اوجبوه و کانا جمیعا صرنا قد فرغنا من جمیع هذا الکلام و نظمه و نطالعه و احاط علم کل واحد منا بمضمونه و مکنونه. فسموه عند ذلك «مدارج الوجود و معارج الخلود.»

فلما بلغت من رؤیای هذا المنتهی؛ انتبهت نفسی من رقدتها و اخذت فیما امرت به فوفقنی الله له کما هدانی سبله و قلت: هذا تأویل رؤیای قد جعلها ربی حقاً. الزمه

۱۰ ایها المستدعی المستعد و الراغب المجد؛ فلیس احد اولی بقبول الجواب من السائل و لا بنیل المطلوب اقرب من الطالب. و الله جل ثناؤه یعینك و یهدیك و من جمیع الآفات یحرسك و یقیك بجوده و رحمته؛ انه الجواد الکریم و الرؤف الرحیم.

تم الفصل. و لله الحمد و الفضل (این فصل در نسخهٔ ما ش ۱۰۳۳/۱۱ نیست)

این بند پارسی(۱) هم در پایان برخی از نسخه‌های «مدارج کمال» پارسی دیده

۱۵ شده و مانا در برابر همان بندیست که کاشانی در پایان «مدارج الکمال» تازی گذارده است و اکنون دیده‌ایم. اینك آن بند:

«تمام شد (ترجمهٔ) «مدارج کمال»(۲) بخجسته حال و فرخنده فال(۳).

---

۱ــ این بند از روی نسخه‌ای تازه بتاریخ ۱۲۹٤ و سه نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه اهدائی آقای مشکوة نوشته شده و هر سه نادرست بوده ازاینروی همهٔ نسخه بدلهای

۲۰ آنها دراینجا نیامده است. اینست نشانه‌های آنها:

۱ــ نسخه ش ۴۰۲/۹ گ ۱۹۷ الف تاریخ ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰ (برمز الف).

۲ـ نسخهٔ ش ۴۳۱/۲۰ گ ۳۲۱ الف تاریخ ۱۳۰۳ (برمز ب).

۳ــ نسخه ش ۱۰۳٦/۹ گ ۸۸ ب ـ ۸۹ الف تاریخ ۱۱۰٤ (برمز ج).

برای نمونه پاره‌ای از نسخه بدلها را در حاشیه خواهیم دید

۲۵ ۲ــ تا اینجا در الف نیست.

۳ــ در ج: حالی ... فالی.

و نظم سخن این نامه ، نخست بلغت تازی بود ؛ و از یاران «محمد ذرواکوش»(۱) را محبت آئین سالکان ، بران (۲) التماس داشت ، تا کام وی برآورده شد ، و نفس او بدان آرام و خرسندی یافت . بعد از آن از برادران رونده و یاران کوشنده ، « اسعد نسائی » درهمراهی ( همرهی ) و موافقت و مساعدت با ما ، قدم راسخ وعزیمت صادق داشت ؛ این نامهٔ تازی را مونس و ندیم جان ساخت و از درون وی پیغام بتمنای خیال ، چنان رسید : که اگر این نامهٔ (۳) تازی بپارسی مترجم شدی ؛ نفع تاب فروغش ، برقوت نظر ، زیادت گشتی . و اجابت این خواهش ، واجب دیدم ؛ تا از لغت تازی ، بالفاظ دری نقل کردم ؛ و هر فتح که تمام میشد ، معانی آن در لباس سخن (٤) دری ، پیداتر و محکمتر همی گشت . و سبب این تفاوت در رتبت بیان و احکام ، حال و منزلت ایندو یار خواستار شناختم . که نخستین متقاضی ، « محمد ذرواکوش » ، در آرزوی سلوك بود و خواستار ؛ و دویم ، « اسعد نسائی » ، سالك مجد بود و آهنك وصول داشت . با آنکه هردو نامه ، مصباح تاریکیها و مصقل تیرگیها اند ؛ نامهٔ تازی ، مایهٔ و منشأ محامد و فضائل ؛ و مجموعهٔ (٥) دری ، مجمع سعادات و خیرات و چون مدد فضل و توفیق الهی ، پیاپی رسد ؛ هم « محمد » با محامد آن قرین شود ، و هم « اسعد » با سعادات این همنشین گردد و ان الله (٦) لرؤف رحیم . ولله الحمد علی ما هدانا ، انه ولینا و مولینا (تمت بعون الله و حسن توفیقه . و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین ؛ انه ولی الاجابة و انه علی کل شیء قدیر) (۷) » .

۱ـ درالف وج : درداکوش ودرب : ذرداکوش . در نسخهٔ تازه «ذرواگوش»

۲ـ در الف : بدان .

۳ـ در ج : این تازی .

٤ـ درالف : لباس دری .

٥ـ ب : مجموع ـ درالف «فضایل و مجمع سعادات» ، وآن عبارت «ومجموع (مجموعه) دری» در آن نیست ـ نسخهٔ تازه : «مجموع» .

٦ـ الف : ان الله ، ب : وان الله بهم .

۷ـ میان دو کمانه از ج است .

## نکته‌ها که ازاین دو بند برمیآید

۱- کاشانی نخست مدارج الکمال تازی را، دربارهٔ منزلتهای بندگان از آغاز تا انجام، پرداخته است.

۲- اینکار را او بدرخواست شاگرد و یار جوانش «شمس الدین ابوالمکارم محمد بن محمد بن ذروا کوش دیلمی» با یك پراکندگی و آشفتگی که او را دست داده بود آغاز کرده است.

۳- درهمین هنگام سه تن از پیران بزرگوار خویش را بخواب دید که از وی دلجوئی کردند و نوازشش دادند و گفتند که دربارهٔ چیزهای تباه شدنی هیچ میاندیش ودرآن نامه ازآغازوانجام هستی وپیدائی وبازگشت مردمی یاد کن؛ او پرسید که چرا باید چنین کنم؛ پاسخ دادند برای همینکه آنرا روشن بداری نه برای چیزی دیگر.

٤- خواجگان درهمین خواب آنرا «مدارج الوجود ومعارج الخلود» نامیدند، وکاشانی بیدار که شد دنبال کار بگرفت و بآن شاگرد بسپرد که همواره آنرا با خود دارد ومعنیهایش بکاربندد. اوهم بدین نامه آرام وخرسندی یافت.

۵- از یاران کوشنده و برادران رونده او «اسعد نسائی» ازوی درخواست که آنرا بپارسی دری آورد واوهم هرفتحی را که بپایان میرساند میدید که زیور پارسی برای آن زیبنده‌تر بوده واستوارترش میسازد.

٦- اینهم از اینروی بود که پسر ذرواکوش دیلمی هنوز درآرزوی سلوك بود وخواستار واسعد نسائی رهبری کوشا بوده آهنك وصول داشت.

۷- اینکه این دو نامه هردودرنزدکاشانی یکسانند وچراغ فراراه روندگان درتاریکیها میدارند واز تیرگیها میزدایند.

۸- این بود که کاشانی تازی را ازآن دیلمی وپارسی را از نسائی دانست.

۹- این را هم باید گفت که نام تازی «مدارج الکمال» ونام پارسی «مدارج کمال» میباشد ودرنسخه‌ها چنین دیده میشود.

۱۰- چنانکه از یکی از نامه‌های کاشانی بهمین ذروا کوش برمیآید او بدین کتاب نام « رسالهٔ جامعه » داده و با « زجرالنفس » برای همین خواجه شمس‌الدین ضیاءالاسلام با مجدالاسلام محمد ذروا کوش فرستاده بود.

واز نامهٔ دیگر کاشانی بهمین‌ذروا کوش ازهمین کتاب بنام « فتوح هشت در یا مدارج‌الکمال » و از « ره انجام نامه » یاد گردید. او درهمین‌نامه عنوانهای ۵ فتح ٤ تا ۸ وپاره‌ای ازمتن تازی‌آنرا آورده واراو بسیارستوده است (ص ۳۵۱ و ٤ - ۳۸۳ همین فهرست - مجله مهر ش ۸ تاریخ آبان ۱۳۲۱ ص ٤۹۹ گفتار نگارنده دربارهٔ نگارشهای کاشانی)

ص ۵۸۹ س ۱۷ :

۱۰ درفهرست عربی موزهٔ بریتانیا ( ش ۱۸۱ ) آمده که کتاب المعارف فی شرح‌الصحائف متن وشرح هردواز شمس‌الدین محمدبن‌اشرف حسنی سمرقندی (م نزدیك ۶۰۰) نگارندهٔ آداب‌البحث واشکال‌التأسیس وقسطاس‌المیزان میباشد ودرعنوان نسخه ازاو نامبرده شده نه دردیباچهٔ آن

درمعارف دومقصد است نخستین دارای یك مقدمه وسه قسم (۱ در ٤و۲ ۱۵ هم در ٤و۳ در۲ صحیفه) است و دومی ۱۹ صحیفه دارد (نیز ش ۱۲٤۷ فهرست پاریس).

ص ۵۹۹ س ٦ :

رساله‌ای که « فناءالموجودات » خوانده شده نامش « هدایةالفؤاد الی‌نبذ من احوال‌المعاد » است که دردیباچه یاد شده است

۲۰ مازندرانی حاجوئی درآن ازسید داماد (۶۸ ب) وحدیقهٔ هلالیه واربعین بهائی (۶۸ ب و۶۱ الف) وشرح فقیه مجلسی (۵۱ الف) و «آخوندنا‌المراد قدس سره فی حواشیه علی من لایحضره‌الفقیه » (۵۵ ب) و «آخوندنا فیض » (٤۸ ب) یاد کرده است از حاشیهٔ « منه رحمه » و « منه رحمه‌الله تعالی » و « منه ره » و « منه » درنسخهٔ ما برمیآید که او برآن‌خود حاشیه داردو نسخهٔ ما پس‌ازمرگ او نوشته شده است.

فهرست پنج فصل این رساله چنین است : « الجنة والنار ـ الجنة کالانس ـ الملائکة ایضاً مکلفون ـ الفلك ایضا ان کان ذا نفس و مکلفا فله حکم المکلف ـ الادلة علی بقاء النفوس » .

آغاز : بسمله . بعد حمدالله المتوحد بالعز والبقاء القاهر عباده بالموت والفناء . .

۵ اقول و انا . . محمد بن الحسین بن محمد رضا الشهیر باسمعیل المازندرانی . . . لما سألنی بعض الاصدقاء عن مسئلة خلافیة بین المتکلمین و کذلك بین الحکماء وهی ان ماسوی الله تعالی هل یفنی علی عمومه مجرداته و مادیاته . . . ام یبقی منه باق ببقاء الله تعالی من غیر ان یفنی دون النفخة الاولی . . . اجبته باختیار الشق الثانی فذکر ان بعض المعاصرین من الفضلاء یصیر علی الاول و یسنده ایضا الی بعض

۱۰ مشایخه ... ویقول ان الروایات صریحة فیه بل الآیات ثم التمس منی ذلك الصدیق ... آخوندنا . . مولانا محمد سعید . . . الاشارة الی ماهو موجب الخلاف والمختار عندی ... فاجبته الی ذلك .. وسمیته بهدایة الفؤاد الی نبذ من احوال المعاد .

ص ۹۲۱ و ۹۳۲ :

نسخهٔ اصل کفایة الالباب را که مسوده و پیش نویس شارح است در ۱۱۰۶ نوشته

۱۵ شده و بخط نستعلیق دارای خط خورد گیها و حاشیه رفته‌ها و سفیدیها است دیده‌ام و از دیباچهٔ آن برمیآید که نگارندهٔ عیون الحساب دراین تاریخ زنده نبود. شارح گویامیخواست کتاب را بنام شاه سلیمان کند سپس برگشت وروی نام او خط کشیدو نام شاه سلطان حسین را بالای آن نوشت درپایان آن چنین افزوده دارد « هذا آخر ما اردنا شرحه . ونسئل الله ان یجعله خالصا لوجهه الکریم بلطفه

۲۰ العمیم وفضله الجسیم . تم . تم . تم . تم . تم . تم . تم . فی سنة ۱۱۰۶ » .

نسخه‌هائیکه ازاین گزارش دردست هست باید از پاکنویس یزدی باشد نه ازاین نسخهٔ پیشنویس .

ص ۱۰۷۹ س ۱۱ :

باید ابوعلی بنیمان باشد . در محاسن اصفهانی مافروخی (ص ۳۳ و ۱۱۸) از ابوالعلاء بختمار فرزند بنیمان پسر خرزاد و هشفروز پسر خره پسر بنیمان از

سرایندگان پارسی و تازی روزگار او در سپاهان و همچنین (ص ۳۵) از سروشیار پسر بنیمان فیلسوف روزگار او (نیز در ترجمهٔ آوی از اینکتاب ص۱۲۵و۱۲۸و۱۲٦) یاد شده است نیز درالنقض رازی ص ۲۲٤، و یادداشتهای قزوینی ۳ : ۱۰۳ دربارهٔ رافعی که درتدوین ازاین نام یاد نمود (نیز درمجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات س ۳ ش ۲ ص ۱٦ تاریخ دی ماه ۱۳۳٤).

ابومحمد بن محمد بن بنیمان کاتب همدانی نویسندهٔ نسخه‌ای از ذخیرهٔ خوارزمشاهی است درتاریخ ٥٤٦ و این نسخه اکنون ازآن دانشگاه میباشد.

ص ۱۰۸۱ س ۲۷.

صفدی درالوافی بالوفیات (چاپ ریتر دراسلامبول در ۱۹۳۱ - ۱:۱٦۱) می‌نویسد :

الشیخ المفید الشیعی، محمدبن محمدبن النعمان بن المعلم، المعروف بالشیخ المفید، کان راس الرافضة؛ صنف لهم کتباً فی الضلالات، والطعن علی السلف، الا انه کان اوحد عصره فی فنونه. توفی سنة ثلث عشرة واربع مائة. و علیه قرأ المرتضی واخوه الرضی وغیرهما؛ وکانت وفاته بالکرخ؛ ودفن بداره؛ ثم نقل الی مقابر قریش ولمامات رثاه الشریف الرضی فقال :

| | |
|---|---|
| من لفضل اخرجت منه خبیئا | ومعان فضضت عنها ختاما |
| من یثیر العقول من بعد ماکن | همودا و یفتح الابهاما |
| من یعیر الصدیق رایا اذا ما | سله فی الخطوب کان حساما |

ص ۱۰۸۵ س ۹.

ابن حزم اندلسی (م٤٥٦) درفصل (٤:۱۸۲و۲۲۷ چاپ ۱۳۲۰) ازعلی بن الحسین (سید مرتضی) ودویاروهمکاراو «ابویعلی میلاد طوسی (طوس، درچاپ ۱۳٤۷ مصر ٤:۱۳۹) وابوالقاسم رازی» یاد کرده ودوبیت ازلزومیات معری (ص۱۹۵) که درآن از ابن المعلم وباقلانی وجعل نام برده شده است آورد. درعبارت بالا گویا نامهای «ابویعلی محمدجعفری» (م٤٦۳) دامادمفید وجانشین او و «ابویعلی

سلار دیلمی» (م ٤٤٨) شاگرد مفیدو مرتضی و« ابوجعفر محمد طوسی» درهم‌شده و او این دانشمندان را درست نشناخت یا اینکه نسخه های چاپی فصل درست نیست.

ابوالقاسم رازی را هم من نشناخته‌ام همین اندازه میدانم که از شاگردان طوسی « مفید عبدالجبار رازی » وازشاگردان مرتضی « النقی بن ابی طاهر هادی ۵ نقیب رازی » یاد کرده‌اند ومن کنیهٔ این دورا نمیدانم (روضات ص ۳۷۶و۵۵۷) شهرستانی درملل و نحل درآنجا که از آئین شیعی گفتگو میدارد می نویسد « ومن المتأخرین ابوجعفر الطوسی » .

ص ۱۰۸۵ س ۸ .

از نسخه‌های استبصاردارای تاریخ روشن در کتابخانهٔ طوس از ۱۰٤۱ است ۱۰ تا ۱۱٤۵ ودر کتابخانهٔ سپهسالار نسخه‌های تاریخ ۱۰۵۳و۱۰٦۳و۱۰۹۷ هست و پیداست که درسده‌های ۱۱و۱۲ نوشتن نسخه‌های آن روائی بسیاری یافته بود .

ص ۱۱۰۵

درآغاز امالی قمی چاپ قم در۱۳۷۳ باندازهٔ وزیری در ٤۰۳ص، سند روایت اینکتاب چنین است:

۱۵ از سیدنا ابوالحسن علی بن محمدبن الحسین القمی ( ادام‌الله تأییده ) در ۵۰۷ ازشیخ ابوالحسن علی بن عبدالصمدبن محمدالتمیمی (رحمه‌الله) در ٤۷٤ ازابوبکر محمدبن احمدبن علی در٤۲۳ وسید ابوالبرکات علی بن الحسن الحسینی در٤۲٦ هردو از ابن‌بابویه درروزآدینهٔ ۱۲ شب ماندهٔ ازرجب ۳٦۷

ص۱۱۱٦س۲۰ .

۲۰ درتاج التراجم ابن قطلوبغا این شعر «سبقت العالمین الی المعالی ...» ازابوبکربن مسعودبن احمدالکاشانی علاءالدین ملك العلما دانسته شد ( چاپ فلوگل ص ٦۲ و ٦۳ - از یادداشتهای آقای مینوی ) سید علیخان درانوارالربیع ( فن اقتباس ص ۲۰۹ ) این شعررا ازخیام دانست (دیوان راوندی چاپ آقای محدث ص٦٤) .

ص ۱۱۲٤ س ۱۵ :

۲۵ در اجازه‌ایکه مجلسی یکم بمجلسی دوم در ج ۱۰٦۸/۱ داده است چنین آمده : « عن جدی ابی نعیم احمدبن عبدالله الحافظ الاصبهانی المقبول عندالخاصة

والعامة وله کتب منها حلیة الاولیاء » ( قصص العلما ص ١٦٤ - ذریعه ١ : ١٦٢ )
در اجـازهٔ دیگر او بهمو نیز دارد « الحافظ ابی نعیم جـدی احمد بن عبدالله
الاصبهانی صاحب کتاب حلیة الاولیاء » (این اجازه درذریعه یاد نشد و من آنرا
درنسخه‌ای ازاستبصار بخط ابوالفتح بن محمد حسینی بسال ١٠٥٤ ودارای اجازهٔ
قرائت مجیز برای مولی الیاس درپایان ربیع دوم ١٠٦٠ دیده‌ام و آنرامحمدباقربن ٥
محمد مهدی نویسندهٔ حاشیه‌های استبصار درهمین نسخه درنیمهٔ روز ١ ع ١١٧٣/٢
ازروی خط مجیز دردنبال نسخه نوشته و خود اجازه تاریخ ندارد)

در معالم العلما (ش ١٢١) در بارهٔ او «عامی» آمده واز «منقبة المطهرین
وتربیة الطیبین ومانزل من القرآن فی امیرالمؤمنین » او یاد شده است .

ص ١١٦٤ س ٢١ . ١٠

درطیف الخیال نگارش سیدمرتضی بسال ٤٢٠ واندی (چاپ مصردر ١٣٧٤
ص ٦٧ - ٦٩ ) شعرهائی از سیدبن محمد حمیری بروایت مرتضی از ابوعبیدالله
محمدبن عمران مرزبانی از محمدبن یحیی از محمدبن زکریای غلابی از عباسه
دخترهمین حمیری آمده است .

ص ١١٧٣ س ١٠ : ١٥

واحدی مفسر (م ٤٦٨) (الغدیر ١ :١٠٤ ازابن خلکان) .

ص ١١٨٥ س ٢٥ :

صفار درآغاز بصائر ( ص ١١٨٧ س ١٧ ) و رجـال شیخ و معـالم العلما
ش ٦٥٩ و تنزیه القمیین ( ص ٣٨ )«مموله ومملوله» خوانده‌شده است .

ص ١٢٧٢ : ٢٠

برای جوامع الکلم نیز بنگرید به بحار (١٧٤:٢٥) .

ص ١٢٧٣ س ٢٣ :

« غالك » نام دهی نیست بلکه ازآن سال «١٠٢١» خواسته شده است(نیز
روضات ص ٣٦ چاپ دوم) .

ص ١٢٩١ س ١٥ . ٢٥

در «الشیعة والرجعة » ازمحمدرضای طبسی(چاپ ١٩٥٥ نجف ص١٢٥-
١٥٢)خطبهٔ «بیان» بروایت ازیکی ازمحدثان ازمحمدبن احمد انباری ازمحمدبن

احمد گرگانی قاضی ری از طوق بن مالك از پدرش از نیایش ازعبدالله بن مسعود ازعلی ع آمده و پذیرفته شده و آن یکی ازدلائل برای امام زمان پنداشته شده است ؛ و همچنین در آن خطبة العجماء ذات البیان و خطبهٔ افتخار و یعسوبیه و لؤلؤیة و تطنجیه برای بود همین امام گواه گرفته شده است .

۵ ص ۱۳۳٦ س ۲۳ :
برای الرسالهالعلیه نیز بنگرید بفهرست مجلس ( ۲ : ۱۳ ش ۲۸ ).
ص ۱۳۳٦ س ۲۱ :
این بیت ازویس ورامین است (امثال وحکم دهخدا) .
ص ۱۲۳۲ س ۵ .

۱۰ این نسخه از تفسیر قمی را آقای نصیری بجناب آقای مشکوة بخشید وایشان در اینکتابخانه گذارده‌اند .

ص ۱۳٦۵ س ۵ .

سرگذشت قاضی نعمان در کتاب «الصلیحیون والحرکة الفاطمیة فی الیمن (۲٦۸ - ٦۲٦)» ازحسین بن فیض‌الله همدانی( ص ۲۵۳ ) یاد شده وازآن برمیآید

۱۵ که نسخهٔ همین شرح‌الاخبار او که درچهار جلد و ۱٦ جزء است و فضائل علی وامامان تا جعفرصادق واسماعیل پسر او ومحمد پسر این یکی و امامان مستور، و صفات پیروان علی ، در آن آمده است هم در « المکتبة المحمدیة الهمدانیه » هست؛ و همچنین بسیاری از نگارشهای دیگر او؛ و پیداستکه او اسماعیلی است نه امامی . اینهم گفته شود که از نوشته‌های نهانی اسماعیلی هرچه آشکار میشود

۲۰ و بچاپ میرسد این نکته را بهتر روشن میسازد که آنچه دستگاه فرمانروائی عباسی و پیروان آنها دربارهٔ آنها گفته‌اند دروغ و ساختگی بوده و دستگاه اسماعیلی مصر و یمن کمتر ازعباسیان باسلام پابند نبوده‌اند. چه اسماعیلیان خود قرمطیان و باطنیان و معطلان را کافر میخواندند؛ تاآنجائیکه ابویعقوب اسحاق بن احمد دندان سجستانی ( کشنهٔ ۲۳۱ ) درالمقالید میگوید « الوقوف علی الحقائق

۲۵ فی الشرائع لایسقط الاعمال اذ ان الاعمال الشرعة من الدین و تارکها تارك الدین

والدین عندالله‌الاسلام » ( الصلیحیون ص ۲٤٤ و ۲۵۲ ). مؤیدالدین‌شیرازی ( م ٤۷۰ ) هم دردیوان شعرهائی دربارهٔ گرویدن باصول اسلامی دارد . ( بنگرید بهمین الصلحیون ) .

داعی پنجمین علی بن‌محمد بن‌الولیدالانف عبشمی قرشی (۶۰۵-۲۷ شعبان ۶۱۲) درتاج‌العقائد ومعدن‌الفوائد (اعتقاد ۷۲) میگوید : ۵

« الاسلام محمول علی‌القول والنطق‌بالشهادة وترک‌المعصیته ، وهوالباب المدخول منه الی تطلب حقائق ماجاء به‌الرسول ، ومنه‌التعلق بجمیع‌الطاعات وانطلاق‌النفس الی‌الفکرة فی اوامرالله ، والتزام ماجاء‌ته شریعة‌الخالق » .

بنگرید به : «الصلیحیون‌ص۲٤۸و۲۸٤و۲۹۱- فهرست ایوانف ش۲۳٤-

۱۰ این تاج‌العقائد اودردوازده باب‌است ودارای صدمسئلهٔ اعتقادی . ترجمه‌مانندی از همین بنددر A Creed of the Fatimds ازایوانف ص ۵۳ ش۷۲ هست.

همین عبشمی‌دربرابر «فضائح‌الباطنیه و فضائل‌المستظهریه» غزالی «دامغ‌الباطل وحتف‌المناضل فی‌الرد علی‌المستظهری» دردوازده باب نوشته است ونسخهٔ آن در کتابخانهٔ همدانی هست (ش ۲۲۰ فهرست ایوانف) .

۱۵ حجة‌العراقین سیدنا‌حمیدالدین احمدبن عبدالله کرمانی داعی جزیرهٔ عراق درزمان حاکم درراحة‌العقل که در ٤۱۱ آنرا نگاشته است (ص۲۲) از کتابهای ظاهری وباطنی که باید پیش‌ازآن‌خواند یاد کرده وازنگارشهای‌ظاهری همین قاضی نعمان‌بن محمد«الطهارة ، والدعائم ، والاقتصار، والاختصار، والمغازی» و همین «شرح‌الاخبار ، والمناقب والمثالب» را نامبرده است .

ص۱۳۹۵س۲۱

۲۰ درترجمهٔ تاریخ نیشابور ابن‌البیع شیخ ابوعبدالله محمدبن عبدالله حاکم حافظ نیشابوری ( م ٤۰۵ ) که دردوازده مجلد و بسال ۳۸۸ نوشته است یادی از این صحیفه شده است . این ترجمهٔ فارسی پیدا نیستکه که از کیست ؛ همین اندازه‌میدانیم که درآن ازسال ۸۰۸و۸۳۲ یادگردید . حاکم‌نیشابوری‌راشیعی هم‌خوانده‌اند ( ذریعه۲۹:۱۹۹و۳:۲۹۳). پاره ازاین‌فارسی درفرهنگ ایران‌زمین

بچاپ رسید. اینك بخشی از آنرا که در بارهٔ امام هشتم است از روی نسخهٔ عکسی (گ ٦١ ب - ٦٤ ب) در اینجا می‌بینیم:

« مفاخر نیشابور قدیم که برکت آن تا ابد بر سکان این بلده فایض و باقی است.

از آنجمله آنکه چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط

٥ اسرار رب العالمین ولی الله صفی الله فلذة کبد رسول الله غوث الامة و کشف الغمة یوم الاخذ بالنواص واضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال لموازین الاخلاص حین التحاث والاستبثاث یوم البعث کما وعد فی المواقف الثلث عند المیزان و تطائر الصحف والصراط ببسط بساط الشفاعة والسری بالانبساط سلطان المقربین یوم الحشر والجزاء الامام ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلواة الله و سلامه علی

١٠ رسول الله و علی آله الائمة المعصومین واتباعهم اجمعین الی یوم الدین، در مدینه در شهور ثمان واربعین ومائة، نور مقدس ایشان ظهور یافت، و در شهور اربع و تسعین ومائة ببصره بدرس حدیث و نشر علم بنصرة دین، آفتاب هدایت ایشان برامة تافت؛ و بتدوین نسخهٔ مبارك صحیفه، تقویة ملة حنیفیه، فرمودند پس بمقتضاء قضای ازل و حکم مبرم قدیم لم یزل، بصوب خراسان عزیمة نمودند. و در سنهٔ مأتین من الهجرة، نشابور

١٥ بمقدم حضرت ایشان روضات جنان شد (١) و چون بشارة سطوات شعشعه اشعهٔ آن نور، برقطر نشابور میان سکان شهر مشهور شد؛ قطب الانام کهف العلماء برهان المجتهدین، این محب محبوب حقیقی نه مجازی، شیخ ابو یعقوب اسحق راهویه

---

١- در برك ٢ الف دارد : امیر المؤمنین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم، الرضا ابو الحسن الامام الشهید، ورد نیسابور

٢٠ سنة مأتین. فلما اوی الرضا نسابور، واقام بها مدة؛ والمأمون بمرو، الی ان امر باخراجه الیه، ثم کان بعد ذاك ما كان. واستشهد بسناباد من طوس، لتسع بقین من شهر رمضان، لیلة الجمعه، من سنة ثلث ومأتین، وهو ابن تسع واربعین سنه وستة اشهر. و قال الرضا رضی الله عنه، من زارنی علی بعد داری اتیته؛ یوم القیمة فی ثلث مواطن؛ حتی اخلصه من اهوالها، اذا تطایرت الکتب یمینا وشمالا، وعند الصراط؛ وعند المیزان.

مروزي، قدس‌سره(۱)، شیخ شهر و مقدم‌ارباب کشف‌وولایة بود؛ ودر کبرسنش، آن شیخ مسن رهین‌سنن، باقدام براشغال( استقبال ؟ ) اقدام نمود؛ بتأیید توفیق غیبیه، تا قریه مؤیدیه، با چندهزارصدیق رفیق، درپی پیش‌وازرفتند ونقلست که حضرت سلطان، صلواةالله علی رسول‌الله وعلی آلهم، درمحفة برناقه غضباء خود سوار بودند؛ وقدوه اهل‌انس‌و ایناس، شیخ محمدبن اسلم طوسی را قدس سره (۲) درمحفهٔ اجلاس فرموده بودند- فایده قبراین‌دوبزرگوار، در نشابور، برکناره‌خندق‌شادیاخ، برطرف راه روضهٔ تلاجرد، در بناء یك‌صفهٔ قوی، بهم قریب‌است - وآن اسوهٔ احرار، کمربندگی بسته، و بحکم «من‌اغبرت قدماه فی سبیل‌الله؛ حرمه‌الله تعلی‌علی‌النار» دامن‌تاتتمهٔ ساق‌برکشیده، وشربت وعدهٔ کمال قربت چشیده، زمام‌حظام‌مرکب‌حضرة‌امام‌اولیاءملك‌علام، بردوش‌احترام گرفته. ونقلست که‌متوجه بآن‌ابرار، ذره‌واردرهواء ولا، ازوراء قهقری، بشهر بازآمد؛ استفاده احکام واستکشاف اسرارمیکرد؛ و بزبان‌فصیح وعبارة صریح میگفت: که بروزقیام، ملك‌علام، جل‌جلاله، وسیلهٔ نجاح‌ووصیلهٔ فلاح‌من‌اینست که‌روزی دردنیا خادم و مهارکش مرکب حضرت سلطان خود بوده‌ام . و چون بنشابور ورود فرمودند؛ درمحلهٔ « قز » در کوچه «بلاس‌آباد» خدام مقام اختیار کردند؛ ودرافواه واسماع فقرا مشهور بود، که چارسال‌در نشابورتوطن فرمودند، والعلم عندالله. وآن‌آستانه منزل‌مبارك، که مهبطه ارواح مقربین‌ومطاف‌ملایکه علیین بود. مانده بقاء آن شهرمآل‌اولیا وملاذ اصفیا ومحل اجابة‌دعاء اشراف آن شهر بود و خدام آن‌آستانهٔ ولایة ، مرتب وبانواع اعزاز واکرام موظف میبودند. و بعضی از کرامة که درآن محله واقع‌شد، آن بود که برسرآن کویچه، حمامی

۱- در۷۰ ب داود : « اسامی‌علماء بزرگ ، امامی محیی‌السنة مسلم قشیری ، امام‌المذاهب اسحق راهوبه . .»

۲- درک ۷۱ الف دارد : « شیخ محمدبن اسلم طوسی، تربت اودرراه مزار تلاجرد است، زاهد زمان بوده؛ وخدمت امام علی‌بن موسی‌الرضا را دریافت، صلی‌الله علی‌رسول‌الله وعلی‌آله وسلم، وحدیث اروشنیده» .

خراب، وقناتی بایر، و محوطهٔ بود که آنرا حمام وقناة ومحوطه« کهلان» گفتندی.
اهل محله بعمارة حمام اهتمام کردند؛ تابوقت التفات خدام باستحمام، حاجة بمحلات
نباشد. و قصدی داشتند که چون عمارة تمام شود؛ اسباب آب از چاه یا غیر آن
پیدا کنند. چون حمام تمام شد بی خرج چرخ و سعی مقنی، از قناة« کهلان» بشتاب
۵ آب روان شد. و حضرت سلطان، صلوات الله علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین
اجمعین، بآن حمام در آمدند؛ و بشرف انتساب بحضرت ایشان متبرك شد؛ و آن
حمام بنام مبارك ایشان شرف اضافه یافت: «حمام سلطان» گفتندی. و امام حاکم
اززمان خود نوشته است که آن حمام هنوز هست، ومتبرك خلق است. و یك کرامة
دیگر آن بود که روزی یك بادام بیکی از خدام دادند وفرمودند که درطرفی از
۱۰ محوطه کهلان غرس نماید. خادم چنان کرد، غرس الفردوس بیده، سبز شد؛ ودرهمان
تابستان بادام بسیار بار آورد؛ وبرگ وشکوفه و پوست ومیوهٔ آن درخت سبب
برگ و نوا و صحت و شفا مرضی آن زمان بودی. تاچون بسی زمان بگذشت؛ ظالمی
غاشم درقهندز حاکم شد؛ وازقصور عقل خواست که در آن محوطه قصری سازد؛
که محل آن درخت داخل قصر اومیبود. ودرخت را نضارة مذبول بدل رفته بود.
۱۵ و بعضی اجرا و معمار و نجار را گفت تا آنرا قطع کنند. عمارت تمام ناشده آن
ظالم و معمار و نجار و مزدور و هر کس بآن کار منسوب و بر آن منصوب بود
هم درزمان اندك مردند. بعداز چند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد؛ بعمارة
همان قصر قصد کرد. چون بناء دیوار می کندند؛ اصل آن درخت درزمین نمود.
تمام قصهٔ گذشته با او گفتند. چون دلش سیاه و قصدش تباه بود؛ بعین استبصار
۲۰ در آن نگاه نکرد گفت که چون درخت نیست واین در زیر خاك پنهان بوده؛
سهل بند است وآن بی اصل آن اصل را برداشت. عمارت ناساخته او وهمهٔ آن
اقوام، دراندکی ازایام هلاك شدند. واز فواید مقام خدام ایشان بنشابور یکی
دیگر آنستکه روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت، وحضرة سلطان را، صلوات الله
وسلامه علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین، التماس اجابة نمود. وعده فرمودند

وعادة آن عصر، آن بود، که شریفی که دعوة بجهت ایشان بودی، صاحب دعوة، پیشتر طفیلیانرا بنشاندی؛ پس آنرا که اول مقصود بود، آخر حاضر کردی؛ تاانتظار احضار نباشد. آن عزیز، باین معنی، اولیاء واعاظم علماو اشراف آن شهررا، جمع کرد وعادة دیگر، آن بود که درمجامع، پیشان صفها، صدر بودی؛ وبزرگان آنجا مجالس، اختیار داشتندی؛ وخدام بر کنار صفها بودندی، چون حضرة سلطان، صلوات الله علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین وسلم، رسیدند؛ صوفیان صفوف پیشان، صفها صفا، بانیل سعادت واقبال، استقبال نمودند حضرة سلطان، بمتکاو نمارق مصفوفهٔ پیشان صفه، التفات فرمودند؛ و کنار صفه، بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان، شرف یافت ازآن حین تاقیام قیامة، درین دیار وسایر اقطار، کنارهاء صفها، صدر صدور ومنازل افاضل شد؛ وبتبعیة آن یك بقعه، سایر بقاع، که آن نام داشت، دولت آن مکرمت وتعزز برداشت .

وازمفاخر نشابور، دیگر آنستکه. روزی حضرت سلطان، صلواةالله وسلامه علی رسول الله و علی آله المعصومین؛ درمجلسی بنماز قصد فرمودند؛ کسی سؤال کرد که محراب موضع قبله، مستقیم هست؛ دست آنکس گرفتند وبانگشت مبارك اشاره فرمودند؛ باب کعبه درمواجهه نموده شد، وآن محل تا غایة متعین است؛ برطرف قبله شارع عام ازامام قهندز میگذرد، واقع است . و ازمفاخر نیشابور دیگر آنستکه: حضرة سلطان، صلواةالله وسلامه علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین و سلم؛ روزی فرمودند که عبارتی کـه فی الجمله حکایت آن اینست: که مخدوم ما اینجا مدفون است، بزیارت ایشان رویم، و بروضهٔ سلطان محمد محروق درتلاجرد تشریف آوردند، وآن روضه مقدسه را زیارة فرمودند؛ وحال آنکه سلطان محمد محروق، در مرتبهٔ نسب، با والد حضرت سلطان، صلواةالله و سلامه علی رسول الله و علی جمیع آله الائمة المعصومین؛ مساواة دارند و بیان هردو نسب چنین ثابت ومحقق است : الامام موسی بن الامام جعفر بن الامام محمد بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیرالمؤمنین ابوعبدالله الحسین بن امیرالمؤمنین

ویعصوب ( یعسوب ) المسلمین، کرم‌الله وجههم، و نسب دوم: الامام محمد بن الامام محمد بن الامام زید بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیرالمؤمنین ابی عبدالله الحسین بن امیرالمؤمنین و یعسوب المسلمین، کرم‌الله وجههم

واز مفاخر نشابور دیگر آنستکه: اگر چه ائمه سادات، در خاك پاك بسیار روضات
۵ دارند؛ اما اکثر روضات قرب، از عیون اعیان و صدور نشابور، پوشیده است. مگر آنکه دریکشنبه شانزدهم جمادی الاولی سنهٔ اثنین و ثلثین و ثمان مائة درقرب جوار روضهٔ تلاجرد، روضهٔ سلطانی ازاهل البیت، قدوهٔ اولیا واصفیا، صلواة‌الله علی رسول‌الله وعلی آله الائمة المعصومین اجمعین؛ پیداشد؛ باین لقب و نسب که مسطور میشود، مکتوب بررقی منشور مضبوط درسی معمور، بخطی مطبوع، موضوع درون
۱۰ روضهٔ حضرت ایشان . « هذا قبرالشریف الحسین بن ابوعبدالله داود بن علی بن عیسی بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب، کرم‌الله وجههم؛ دفن فی تلاجرد العلیا. توفی، رضی‌الله عنه؛ لیلة الخمیس من ربیع الاول سنة اثنین و ثلثمائة من الهجرة»(۱) واز در خانقاه تلاجرد، بجانب شرق بمقدار ده ذراع تقریباً، روضهٔ مقدسهٔ ایشان است، رضوان‌الله تعالی علیهم اجمعین، واز مفاخر شهر
۱۵ قدیم، این قصهٔ کریم، که در السنه مذکور و در افواه مشهورست که. حضرت سلطان، صلواة‌الله وسلامه علی رسول‌الله وعلی آله وسلم، در نشابور، بمنبر بر آمدند؛ و نقلست که چند هزار دواه و قلم، اعیان امم، مرتب داشته؛ اقتباس انوار اسرار افادهٔ ایشان میکردند. حضرت سلطان. این حدیث معنعن از اباء اولیاء اصفیا خود، با حضرة خواجه کاینات صلواة‌الله و سلامه علیهم وعلی آلهم الائمة المعصومین اجمعین الی
۲۰ یوم الدین؛ روایة فرمودند که: « التعظیم لامرالله، والشفقة علی خلق‌الله».

دیگر ازمفاخر نیشابور آنستکه: منشاء ومقر و مظهر انوار ولایة چند هزار از مقربان حضرة و ائمه عظام ملة بود؛ که اسامی نفیسهٔ حضرت بعضی از ایشان، رضوان‌الله علیهم اجمعین؛ دراین اجزا واوراق سابقه، ذکرشده؛ و هریك را

---

۱ـ درهامش دارد : « دوباره شده، روضهٔ مقدسه ایشان، رضی‌الله عنهم اجمعین .!»

از کرامات و مقامات بسیار بود؛ که این نسخه قابل بیان آن نبود.»

در باب ۳۵ عیون اخبار الرضا که برای صاحب عباد (۳۲۶-۳۸۵) و پس از ۳۵۲ (ص۳ و ۳۸۱) نوشته شده (ص۲۷۳ نیز بحار ۱۲: ۳۴ و برکات المشهدالمقدس ش ۵۸۱ گ ۲۵٤ الف) بروایت از ابوواسع محمدبن احمدبن اسحق نیشابوری چنین آمده که گفت: شنیدم از نیایم خدیجه دختر حمدان پسر پسنده، که امام رضا او را پسنده نامیده بود که او در کوی قز(غز) بلاشاباد نیشابور، در خانهٔ همان پسنده نیای من فرود آمده بود؛ و بادامی در خانهٔ ما کاشت که سر یکسال بار داده و مردم از آن میبردند؛ و با آن بیماریها درمان میکردند؛ و روی چشمیکه درد میکرد میگذاردند و آن به میشد؛ و زن آبستن اگر از آن میخورد دشواری زادنش آسان میگشت و همانـدم میزاد؛ و شاخ آن روی شکم چارپائیکه باد قولنج داشت میکشیدند از درد میرهید. روزگاری گذشت و درخت خشك شد. حمدان شاخه‌هایش را که برید کور گشت؛ و پسرش ابوعمرهم چون آن درخت را بریده از روی زمین برداشت؛ زندگی و خواسته‌ایکه بر در فارس داشت و بهفتاد تا هشتاد هزار درهم میرسید، از دست داد. پسران ابوعمر بن حمدان ابوالقاسم و ابوصادق، که نویسندهٔ محمدبن ابراهیم سیمجور بوده‌اند؛ چون خواستند آن خانه را از نو بسازند و بیست هزار درهم هم هزینهٔ آن شده بود؛ بیخ همان درخت که در آنجا مانده بود بکندند، و سرانجام یکی از آندو نن را که زمینها و دیهها فرمانروای خراسان میداشته‌است، در کجاوه‌ای بنیشابور ش آورده‌اند؛ و پای راستش چون سیاه شده بود آنرا بریدند، و یکماه پس از آن بمرد دیگری بزرگتر از او بود؛ و در دیوان شاهی نیشابور نویسندگی میکرده است. روزی یکی از نویسندگان بدو گفت چشم بد دور؛ دردم دستش بلرزید و خامه از آن بیافتاد و دستش آبله بر آورد. او بخانه باز گشت و بدستور ابوالعباس دوروز خون گرفت. چه پنداشتند که از گرمی است. دستش سیاه شد و گوشت آن بریخت و او هم بمرد و ایندو برادر در یکسال بود که در گذشتند.

درهمین عیون (ص ۲۷۵) دارد: که امام در نیشابور در کوی قزیا (غز) فرود آمد و در آنجا گرمابه‌ای بساخت که بنام او میشناختند. در آنجا چشمه‌ای بود که آبش کم‌شده بود. او کسی را واداشته‌بود که آب از آن بیرون بیاورد. همینکه آب آن فراوان شده‌بود؛ آبگیری در بیرون آن ساخت که چند زینه پائین میرفته‌است. امام برسر آن چشمه رفت واز آن شستشو کرد و بیرون آمد و بر پشت آن نماز گذارد. مردم ازاین پس بدانجا میرفتند وخود درامی‌شستند؛ واز آن آب می‌نوشیدند و برپشت چشمه نماز میگذاردند و نیازها که میداشته‌اند بر آورده میشد. آن چشمه را امروزه «عین کهلان» میگویند و مردم بدانجا میروند.

درعیون (باب ۳۶ ص ۲۷٤) و برکات (گـ ۲۵۵ الف) از گفتهٔ ابوالصلت هروی چنین آمده که امام رضا آنگاه که بنیشابور میرفت، براستری سفید (بغلة شهباء) سوار بود و محمدبن رافع و احمدبن حرث و یحیی‌بن یحیی و اسحق‌بن راهویه ودانشمندان دیگر که درآنجا بودند، درچهارسوی (مربعه) شهر لگام استرش بگرفتند، واز او درخواستند تا سخنی که از پدر شنیده است برگوید. او سراز کجاوه برآورد و مطرف خزی دو رویه (ذووجهین) دربرداشته بود. پس گفت ازپدرم شنیدم واواز پدرانش‌تا پیامبرشنیده بود که جبرئیل بدوچنین گفت: «انی اناالله. لااله الا انافاعبدونی. من جاء منکم، بشهادة ان‌لااله‌الاالله بالاخلاص؛دخل فی حصنی؛ و من دخل فی حصنی؛ امن من‌عذابی».

بسند دیگر (ص ۲۷۵) از اسحق‌بن راهویه دارد که امام چون میخواست از نیشابور برود؛ اصحاب حدیث نزدش گرد آمدندودرخواستند که حدیثی برگوید. او سراز کجاوه بیرون کرد و گفت «لااله الاالله حصنی.فمن دخل‌حصنی؛ امن من عذابی» سواری او که کمی گذشت باز آواز درداد که: «بشروطها وانا من شروطها» (نیز بحار ۲:۳۵ از امالی)

درعیون (ص ۲۷٦) ازابونصراحمدبن الحسین‌بن احمدبن عبید ضبی ازپدرش از [illegible] عبید ضبی آورده که چون امام بنیشابور آمد؛من بکارهای او

میرسیدم؛ تا اینکه او بمرو وسرخس رفت؛ ویك مرحله هم ازسرخس بگذشت؛ و من با او بودم؛ وبمن گفت برگرد. من از اوحدیثی درخواستم؛ اواز پدرانش از پیامبرازخدای آورد . « لااله‌الاالله‌اسمی· من قاله‌مخلصاً من‌قلبه؛ دخل حصنی. ومن دخل‌حصنی؛ امن من عذابی » .

۵ درترجمة‌المناقب (گ ۳۷۸ الف) از ابوالصلت آمده که امام بر « بغلهٔ شهبا » سوار بود وبنیشابور رسید · دانشمندان شهرمانند احمدبن حرب ویاسین نصرویحیی بن یحیی ودیگران درسر چهارسوی (مربعه) بلگام‌استرش بیاویختند وحدیث درخواستند . او گفت : «الایمان معرفة بالقلب ....» (حدیث‌دوم صحیفه) .

احمدبن حنبل میگفته‌استکه که‌اگراسناداین‌حدیث را بر دیوانه (مجنون)
۱۰ بخوانند برهد . عبدالرحمن‌بن ابی‌حاتم ازربان پدرش میگفته‌استکه اگر آنرا بردیو زده (مصروع) بخوانند بهوش‌آید .

اربلی در کشف‌الغمه ( ترجمهٔ آن گ ۳۷۸ الف ـ نیز بحار ۱۲ : ۳٦ ) ازکتابیکه نام‌آنرا فراموش کرده بود، چنین آورد کـه : عمادالدین محمدبن ابی‌سعیدبن عبدالکریم وزان،درمحرم ۹۵٦ از تاریخ نیشابورآورده، کـه امـام
۱۵ بر ( بغلهٔ شهباء ) روی زینی از سیم سره سوار بود؛ وبنیشابور رسید . ابوزرعهٔ رازی ومحمدبن اسلم طوسی از حافظان احادیث،دربازار شهر نزد اورسیدند، ودرخواستند که رخ بدانهابنماید، وحدیثی برای‌آنها ازپدرانش برگوید · پس استررا نگاه بداشت و مظله‌را برداشت؛ اورا مانند پیامبردو گیسو بوده است . مردم همینکه اورا بدیدند دسته دسته ایستادند ومیگریستند و می‌نالیدند و سینه
۲۰ وجامه میدریدند ودرخاك می‌غلطیدند . برخی خودرابدومیرسانده رکاب ومهار استرش میبوسیدند تا اینکه روز بنیمه رسید وداوران و پیشوایان بمردم دستور دادند که خاموش گردند تا سخنان امام را بشنوند . نویسندگان بجز «دوات» ها چهارهزار « محبره » آماده کرده‌بودند. از ابوزرعهٔ رازی ومحمدبن‌اسلم‌طوسی خواسته شد که حدیث امام را املا کنند . امام ازگفتهٔ پدرانش‌فرمود که · « کلمة

لااله الاالله حصنی. ومن دخل حصنی؛ امن من‌عذابی ».

ابوالقاسم قشیری میگفت که این حدیث بیکی‌ازپادشاهان سامانی‌رسید آنرا بآب زر نوشت و بسپرد که‌آنرا درگورش نهند. پس‌از مرگ او را درخواب دیدند و پرسیدند که با تو چه کرده‌اند؟ پاسخ داد که خداوند مرا برای اینکه ۵ دوشهادت بگفتم وآن خبر بزرنوشته‌ام بیامرزید.

همین حدیث در بحار (۳٤:۱۲) ازامالی شیخ‌آمده که ابوالصلت هروی باامام رضا بوده واو بر « بغلة شهباء » سوار بود وداتشمندان نیشابور بپیشوازش‌آمده وچون او بچهارسوی (مربعه) رسید لگام استرش‌بگرفتند وحدیث درخواستند. او سر از هودج بیرون کرد و از پدران خود آورد که خدای گفت: انی اناالله ۱۰ لااله الاانا‌وحدی. عبادی‌فاعبدونی. ولیعلم‌من لقینی منکم، بشهادة ان‌لااله‌الاالله مخلصابها، انه‌قددخل‌حصنی؛و من‌دخل‌حصنی؛امن‌من عذابی» پرسیدند که«اخلاص شهادت» چیست؟ فرمود: طاعة‌الله،وطاعة رسول‌الله،و ولایة‌اهل بیته‌علیهم‌السلام».

ص۱٤۱۷ س ۹:

درریاض‌العلماء (ش ۹۹۳ ص ۱۸۵) چنین‌آمده است:

۱۵ « ابولؤلؤ هو فیروزالاعجمی الفارسی المعروف بین‌الشیعة ببابا‌شجاع‌الدین- والیه ینسب عید باباشجاع اعنی یوم قتل عمربن‌الخطاب وهویوم‌التاسع من شهر ربیع‌الاول وقیل یوم الرابع والعشرین من ذی‌الحجة و قیل والعشرین منه و قیل و السادس والعشرین منه و ان یوم التاسع من شهر ربیع الاول انما هو یوم قتل عمربن سعد قاتل‌الحسین ع او یوم ورد فیه راسه من‌الکوفة الی ۲۰ المدینة بخدمة مولانا علی‌بن‌الحسین ع فلاحظ - غلام المغیرة‌بن شعبة وکان عبده المملوك وقدکان فیروز یکنی بابی لؤلؤ وهو قاتل عمربن‌الخطاب رضی‌الله عن القاتل و لعن‌الله المقتول. والمعروف کون ابی‌لؤلؤمن خیارشیعة علی‌ع وقدیقال انه‌کان من‌العامة بل قیل فی عصرناهذا انه قدکان کافرأولم یکن مؤمنا وانماصدر منه قتل عمربن‌الخطاب للعداوة التی حصلت له من اجل حکمه علیه کماسننقلها ۲۵ مجملا. و بالجملة الظاهر ان‌القول بکفره انما نشأ من افواه‌العامة حیث انه قتل

امامهم . فتأمل . ثم هذاالرجل غیرمذکوراصلا فی کتب‌الرجال لعلمائناالمتداولة
الیوم بین اصحابنا . ولم اجدله روایة ایضا فی کتب احادیثهم . و اما قصة عمربن
الخطاب و سببه کما قد حکی جماعة من‌العامة والخاصة و منهم بعض اصحابنا
المتأخرین‌عن‌الشیخ علی‌الکرکی‌ره‌قال فی «عقدالدررفی‌بیان‌بقربطن عمر»وهو
بعینه« کتاب‌الحدیقة الناضرةوالحدقة الناظرة» واعلم ان‌فیروزاسم جماعة اخری ۵
ایضا منهم فیروزالدیلمی ابوعبدالله ویقال ابوعبدالرحمن‌الحمیری من ابناء فارس
من فرس صنعاء وقد وفد علی‌النبی ص وهو قاتل‌العیسی الکذاب المتنبی ومنهم
فیروزبن کعب‌الازدی‌الکوفی ومنهم فیروزالهمدانی‌الرادعی‌الذی ادرک‌الجاهلیة
والاسلام فلاتظنن اتحاده مع هؤلاء . وقد اوردالشیخ فرج‌الله الجزائری شرح
احوال هؤلاء الثلثة فی کتاب رجاله فلاحظ ولم یتعرض لذکر ترجمة ابی‌لؤلؤ ۱۰
فیروزالمذکور » درهامش دارد : « قد الف امیر شاهی القزوینی رسالة فارسیة
منفردة فی ردائة نسب عمر وانه‌کان ولدالزنا وهی رسالة جیدة حسنة الانشاء
فلاحظ » .

شجاع‌الدین ابولؤلؤ فیروز ایرانی نهاوندی که بهنرهای درودگری
وآهنگری ونگارگری و کنده‌کاری آشنا بوده است مانند هزاران مرد وزن ۱۵
دیگر گرفتار دستگاه فرمانروائی تازیان شده بود. او را از نهاوند بمدینه برده
و بردگی مغیرةبن شعبه میکرده است وروزانه میبایست از دسترنج خویش دو
درم که درزندگی آنروز گران بوده است بخواجهٔ تازی خویش دهد . اینکه
اورا حبشی و ترسا خوانده‌اند باید درست نباشد؛وگویا خواسته‌اند بگویند که
همهٔ مردم ستمدیدهٔ آنروز دردشمنی با دستگاه فرمانروائی یکدل و یك زبان ۲۰
بوده‌اند وتنها یك ایرانی دست بکشتن خلیفه‌نبازیده وایرانی وحبشی وزردشتی
وترسا همه ازآن دستگاه بیزاری داشتند .

باری فیروز،با همدستی هرمزان از بزرگان ایرانی که ببردگی عباس
پسر عبدالمطلب دچار شده‌بود وجفینه ازترسایان حیره وآموزگار نویسندگی

درمدینه که سعد پسرابی وقاص را بندگی میکرده‌است بادیگر ترسایان و یهودان و با آگاهی کعب‌الاحبار یهودی، عمرفرمانروای تازی را با زخم کاردی حبشی بکشت . کعب‌الاحبار که ازاین همدستی این گروه آگاه‌بوده‌است، سه‌روز پیش، بنام اینکه درنوشته‌های آسمانی مرگ خلیفه پیش بینی شده‌است، خود اورا هم
۵ آگاه ساخته بود وسه بارهم تا عمررابکشند این پیش‌بینی راآشکارداشته است.
یکسال پیش در مکه هنگام حج هم دسته‌ای میخواستند آسیبی بعمر برسانند ونشده بود . پیداستکه فیروز با یاران او جز برای میهن وزندگی ازدست رفتهٔ خود دست بدین کار نزده بودند . فیروز را پس‌از این دلیری خواستند دستگیر کنند . او دوازده تن دیگررا هم زخمی کرد و خودرا هم بکشت یا اینکه بقم
۱۰ گریخت و گویند کـه گورش در فین کاشان در کنـار شاهراه میباشد . دستگاه فرمانروائی هم چون دید که مردم از آنها خشنود نیستند و رهبر آنها را نابود ساختند؛ هرمزان که هیچ گناه‌آشکاری‌نداشت وجفینه‌و کودکی‌ازهمان فیروزرا بکشتند؛ و عثمان هم برای اینکه سعد ابی‌وقاص رادلجوئی کند خونبهای جفینه بردهٔ او را بخود او داده است . بـرای اینکه ستمدیدگان دیگر هشیار نشوند
۱۵ واندیشهٔ نافرمانی نکنند؛ کاررادنبال نکردند و پوشیده بداشتند . ازاینجااستکه تنها در کتابهای شیعی کـه درآنها چندان دلبستگی دربارهٔ آن دستگاه نشان داده نمیشود ؛ از مـرگ عمر و فیروز بسزا گفتگـو میگـردد . در بحار ( ۸ : ۳۱٤ - ۳۱٦ ) دارد کـه دانشمندان شیعی و سنی کشته شدن عمررا درذی حجه میدانند ولی ابن‌طاوس و حسن‌بن‌سلیمان حلی روایتی از امام‌عسکری(ع)
۲۰ آوردند که آن در نهم ربیع یکم رخ داده و بگفتهٔ همین‌ابن‌طاوس‌ایرانیها این روز را بزرگ میشمارند .

کفعمی‌میگوید که نهم‌ربیع روزشادی هست ولی‌عمردرآنروز کشته نگردید.
درزادالمعاد مجلسی ( فصل ۱ باب ۸ ) آمده که مورخان مرگ عمر را در ۲٦ یا ۲۷ ذی‌حجه میدانند ولی از کتابهای باارزش شیعی برمیآید که اودرنهم ربیع

کشته شد و میان محدثان شیعی پیشین همین شهرت داشت و اکنون هم میان
تودهٔ مردم هم همین مشهور میباشد. بگفتهٔ مجلسی درهمانجای بحار، ابن طاوس
دراقبال (ص ۵۹۸ چاپ ۱۳۲۰ تهران) بروایتی از ابن‌بابیه از صادق (ع) اشاره
نمود . پسر او هم درزوائدالفوائد همان روایت عسکری را آورده و گفت که
باید آنروز را جشن گرفت . دسته‌ای میگویند که نهم ربیع روز مرگ عمر ۵
سعد است . این عمر سعد را مختار درخانه‌اش بسال ٦٦ بکشت ولی ننوشته‌اند
چه روزی(طبقات ابن‌سعد ۱/۳:۹۷و۵:۱۱۰ - طبری ٤:۵۳۲ - شرح‌الثار ابن‌نما
دربحار ۱۰:۲۹۱ - اعلام زرکلی ۲ : ۷۱۵ - ناسخ‌التواریخ درسر گذشت سجاد
۲:٦۵٦)بنوشتهٔ قمی درمفاتیح (ص۲۹۸ چاپ۱۳۵٦) نهم ربیع نخستین روزامامت
حجت است وعید«بقر» میباشد. پیش‌از همهٔ اینها مفیددرمسارالشیعه (ش ۱/۵۰٦ ۱۰
گ ۹ ب) چنین نوشته است : « الیوم‌التاسع منه ( یعنی الربیع‌الاول ) یوم‌العید
الکبیر وهوعیدالبقروله شرح کبیرفی‌غیرهذاالموضع وعیدفیه‌النبی‌ص وامر الناس
ان یعیدوافیه ویتخذفیه‌المریس » (مریس نانی‌بود دربغداد و تریت را هم گویند -
دوزی و ترجمهٔ قاموس) .

باری روز کشته شدن عمررا مورخان روزچهارشنبه سه یا چهار یا شش ۱۵
یا هفت شب ماندهٔ از ذی‌حجهٔ سال ۲۳ هجری و مرگش را درشب چهارشنبه
یا پنجشنبه هم نوشته‌اند همچنین روز یکشنبه یکم محرم سال ۲٤ (بنگرید به :
طبری ۳:۲٦۳ و کامل ابن اثیر ۳:۲۰ و فرهنگ دهخدا ۲ : ۷۸۹ و ناسخ‌التواریخ
جلد ۲ کتاب ۲ ص ٤۲۸ والفاروق عمر از محمد حسین هیکل ۲ : ۳۰۵ - ۳۱۰
و۳۲۲-۳۲٤و۳۳۱ وعبقریة عمر ازعباس محمود عقاد ص ۳٤۷) . ۲۰

تقی‌الدین‌ابراهیم کفعمی (۹۰۵) میگوید : مردم شیعی می‌پندارند که عمر
در روز نهم ربیع یکم که خوب است درآن سور و مهمانی داد و جشن گرفت
وپوشاك نوپوشید وروزه‌هم نگرفت کشته‌شد ودرست نیست چه‌محمدبن‌ادریس
درسرائر گفته که همهٔ‌مورخان میگویند که چنین‌نیست ومفید در کتاب‌التواریخ

همچنین گفته وعمر روز دوشنبه چهارروز ماندهٔاز ذی‌حجهٔ۲۳ کشته شدچنانکه صاحب‌الغرة و صاحب‌الطبقات و صاحب کتاب مسارالشیعه و ابن‌طاوس گفته‌اند بلکه اجماع شیعی و سنی براینست (جنةالامان‌الواقیةوجنةالایمان الباقیة نوشتهٔ ۲۷ ذی‌قعدهٔ ۸۹۵ فصل ۴۲ ش ۴۴ گ ۲۳۸) .

۵ ص ۱۵۳۵ س ۱۳ .

مصادقةالاخوان دراین چاپ با تصحیح و نشر جناب آقای مشکوة میباشد .

ص ۱۵۴۴ س ۲۲ .

این نسخه از مقامات‌النجات شوشتری با تصحیح استاد محترم جناب آقای مشکوة میباشد .

۱۰ ص ۱۴۵۹ س ۹ .

کافی درتهران از سال ۱۳۳۴ بچاپ میرسد و یك جلد آن درآمده و در دیباچهٔ آن سرگذشتنامه‌ایست برای کلینی بتازی از دوست دانشمند ماآقای حسینعلی محفوظ عراقی که بسی رنج برد و زندگی وکار این دانشمند شیعی‌را تااندازه‌ای روشن نمود . آقای شیخ آقا بزرگ تهرانی‌دانشمند بزرگوار هم ۱۵ رساله‌ای کوچك دربارهٔ کافی نوشته ودرپاسخ پرسش چرندابی تبریزی که چرا خبرهای کافی‌بگماشتگان امام زمان که دربغدادباکلینی میزیسته‌اند نموده نشده تا خبر سستی اگردرآن هست بیرون ریخته شود؟ چنین گفته‌اند که:شیعیان باید بهمان روش متداول بروند و پیمودن راه علم واقعی بایستنی نیست .

آقای حاج آقاحسین بروجردی رهبردانشمندشیعی‌هم رساله‌ای‌دربارهٔ کلینی‌و ۲۰ کافی‌نوشته‌است.افسوس که آنراتاکنون‌دردسترس‌دوستاران کلینی‌نگذارده‌اند .

این هم گفته شود که تاریخ ۳۲۶ که کاظمی برای مرگ کلینی‌نوشته‌است هیچ نباید درست باشد ودرست هم همان سال ۳۲۹ استکه نجاشی آورده نه ۳۲۸ که طوسی گفته است .

ابوجعفر کبیر که نظام‌الملك گفته است شاید یکی از سران اسمعیلی باشد

نه کلینی شیعی امامی . از النقض رازی (ص ۱۵و۱۶و۱۷۹) برمیاید که ابوجعفر کبیر نام ابن‌بابویه قمی است .

ص ۱۵٤٦ س ۲٦ .

برای سرگذشت قمی نیز بنگرید به النقض رازی ص۱۵و۱۶و۱۷۹ که او دراینجاها ابوجعفر کبیر خوانده شده است. نیز خلاصهٔ حلی ص ۷۲ ورجال ابن داود .

ص ۱۵۹۵ س ۲۱ .

تلخیص البیان رضی را محمد عبدالغنی حسن در مصر بسال۱۳۷٤ ازروی چاپ عکسی تهران بچاپ سربی رساند ودردیباچهٔ بسیارسودمند آن سرگذشت رضی را آورد . همین کتاب در نجف بسال ۱۳۷۵ از روی همان چاپ عکسی ونسخه‌ای دیگر که آغاز وانجام دارد باکمبودیهائی درمیانهٔ آن بازبچاپ سربی رسیده است وازاین برمیآید که تلخیص ازروز پنجشنبه ۲۰ شعبان ٤۰۱ تا روز یکشنبه ۱۳ شب گذشتهٔ ازشوال همین سال بنگارش درآمده است .

ص ۱٦۱۹ س ۱۰ .

ابن‌الراوندی سید ضیاءالدین تاج‌الاسلام علم‌الهدی ابوالرضا فضل‌الله‌بن علی بن عبد (عبید) الله حسنی علوی کاشانی راوندی چنانکه ازنوشتهٔ سرگذشت نگاران برمیآید در۵۱۱و۵۲۹و۵۲۳و۵۳۳و۵٤٦و۵٤۸و۵٤۹ و دو سه سالی پس‌ازهمین سال ۵٤۹ زنده‌بود وعماد کاتب در۵٦۲ که درشام رفته‌است نمیدانست اوزنده بود یا درگذشت. مگر اینکه از آنچه درنسخهٔ نهج‌البلاغه کابلی آمده ودرص ۱٦۱۸-۱٦۲۱ می‌بینم برمیآید که او پیش‌از پایان رجب ۵۸۷ وشاید هم پیش‌از ربیع یکم همین سال درگذشته بوده است . پس او میان ۵۵۱ و ۵۸۷ مرده است.(نیز بنگرید به ص۱٤۵٤ همین فهرست ودیباچهٔ دیوان همین راوندی چاپ تهران بسال ۱۳۳٤ بکوشش آقای محدث) .

سید راوندی را آورندهٔ « ادعیةالسر » خوانده‌اند و آنرا در یك سندی

ازاو روایت کرده‌اند (مستدرك ۳: ۳۲٤ و ٤۹٤) محمد مؤمن طالقانی در دیباچهٔ گزارشیکه بفارسی برآن نوشته است (ش ۹۷۰) هم سندهای آن را یاد نمود (فهرست آقای منزوی ۱: ۱۳۰- ذریعه ۹: ۳۹٦).

مجلسی در بحار (۱۹: ۲۷۱-۲۷٦) این دعاها را از البلدالامین کفعمی آورده ودرپایان آنها سه رشته‌سند برای آنها یاد کرد. دوتا از برخی‌از کتابهای اجازات از خط سید نظام‌الدین احمدبن‌الحسن‌بن ابراهیم حسنی حسینی شیرازی ازعمش مجدالملة والدین اسمعیل از پدرش شرف‌الاسلام ابراهیم از شیخ صدرالدین ابراهیم‌بن محمدالمؤید ازسدیدالدین یوسف‌بن‌علی‌بن مطهرحلی ازمهذب‌الدین ابی‌عبدالله حسین‌بن فرج نیلی ازمفیدابی‌علی حسن‌بن‌محمد طوسی ازپدرش شیخ طوسی؛ نیزاز همان صدرالدین از بدرالدین محمدبن ابی‌الکرم عبدالرزاق‌بن ابی‌بکربن حیدر از قاضی فخرالدین محمدبن خالد ابهری از سید راوندی از ابوالصمصام ذوالفقاربن محمدبن معبد حسنی از شیخ طوسی از ابی‌عبدالله حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری از ابی‌محمد هرون بن موسی تلعکبری ازابی‌علی محمدبن همام اسکافی ازحسین‌بن زکریای بصری ازصهیب‌بن عبادبن صهیب از پدرش عباد ازصادق از پدرانش تا علی ع.

یکی دیگر از ابن‌طاوس درفتح‌الابواب (باب ٦ گ ۲۲ ش ٦۱۷) از ابوعلی حسن‌بن احمدبن ابراهیم‌بن شاذان ازابوجعفراحمدبن یعقوب‌بن یوسف سپاهانی درج ۳٤۹/۱ ازابوجعفراحمدبن علی سپاهانی پارشاذکونی‌ازابواسحق ابراهیم‌بن محمدبن سعید ثقفی ازاحمدبن‌محمدبن عمربن یونس یمانی ازمحمدبن ابراهیم‌بن نوح اصبحی و ابوالخصیب سلیمان بن عمروبن نوح اصبحی از باقر از پدرش ازعلی ع. این دعاها با دوسند درالجواهرالسنیة عاملی (چاپ ۱۳۰۲ ص۱۲۹-۱٤۵) هم آمده واو میگوید که طوسی و کفعمی‌دردومصباح خود پاره‌هائی‌ازاین ادعیه را آورده‌اند. اورشتهٔ سند دوم آن را چنین یاد میکند: از سید راوندی از روی خط محمدبن احمد (بن محمد) بن حسن‌بن محمدبن حسین‌بن مهرویهٔ

کرمندی واز گفتهٔ پسرش شیخ خطیب احمد از روی خط احمدبن ابراهیم بن
محمدبن ابان ازاحمدبن محمدبن عمربن یونس یمانی (یمامی) ازمحمدبن ابراهیم
اصبحی ازابوالخصیب بن سلیمان از باقر ازعلی ع (این سند را با اند کی جدائی
درجنگی هم دیده‌ام و در ذریعه هم این سندها هست) و سند نخستین او از پسر
شیخ طوسی است . اینهم گفته شود که خود کفعمی سندی برای این ادعیه یاد ۵
نکرده است .

ص ۱۶۶۵ س ۱۷ .

ابن داود در رجال خود (گ ۵٤ الف) از علامهٔ حلی یاد کرده و گفت
که او درروزگار خود درمعقول ومنقول رهبر واستاد همه است ودر٦٤٨بزاد .

۱۰ ص ۱۷۲٤ س ۲۱ .

چنانکه یاد کرده‌ام درمرآةالقاسان میرزاعبدالرحیم سهیل ضرابی کاشانی
که در۱۲۸۷ دستور نگارش آنرا گرفته ودرتهران بسال۱۲۹٤بانجامش رسانده
(ش٥٤٧٥ مجلس)وبخشی از آن در فرهنگ ایران زمین بچاپ رسیده است سر گذشت
ملامهدی نراقی (نراق ۱۱٤۹- نجف ۱۲۰۹ در ٦۰ سالگی) و پسرش ملا احمد
۱۵ و پسرش حاجی ملامحمد حجة‌الاسلام وفهرست نگارشهای آنان هست .

نسخه‌ای ازاجازهٔ احمدبن محمدمهدی بن ابی‌ذربن حاج محمد قمی نراقی
کاشانی برای برادرش محمد مهدی درذی‌حجهٔ ۱۲٤٤ بخط نسخ خود اودرآغاز
نسخه‌ای ازعوائدنراقی بخط خوداودیده‌ام واستادان خودرادرآن چنین برشمرده
است: نخست پدراو محمدمهدی(م شب شنبه۸شعبان۱۲۰۹) که‌شیخ‌یوسف بن احمدبن
۲۰ ابراهیم بحرانی ماحوزی نگارندهٔ حدائق وآقامحمد باقر بهبهانی و شیخ محمد
مهدی بن شیخ بهاءالدین فتونی عاملی نجفی و مولی محمد جعفر بیدگلی کاشانی
و محمداسماعیل بن محمد حسین مازندرانی سپاهانی خواجوئی و محمد مهدی
هرندی سپاهانی وشیخ محمدبن حاج محمد زمان کاشانی نوش‌آبادی استاد او
بوده‌اند. دیگرسیدمحمدمهدی بن سید مرتضی طباطبائی حائری نجفی ونگارندهٔ

الریاض سید علی بن محمدعلی کاظمی خواهرزاده و داماد فاضل بهبهانی و میرزا محمدمهدی بن ابی‌القاسم موسوی شهرستانی و شیخ محمد جعفر نجفی .

ص ۱۷۸۸ س ۲۱ .

نسخهٔ شمارهٔ ۷۰۸ ایضاح‌الفوائد اصل میباشد .

۵ ص ۱۹۲۹ .

اجازهٔ محقق حلی بزین‌الدین ابوالحسن علی بن رشیدالدین محمدبن سعید که در کلیشه می‌بینیم چنین است :

« قرأ علی الولد العالم الفاضل الفقیه زین‌الدین ابوالحسن علی بن رشیدالدین محمدبن سعید هذاالکتاب من اوله الی آخره قراءة مهذبة و اصغیت الی ایراده

۱۰ محتاطا و سألنی عن مشکله واستوضح عن مبهمه و مظلمه فاجبته بما انتهت الیه الطاقة و بلغته القدرة مما اعتمد علیه من فتاویه وما اختاره من مقاصده ومعانیه ... (دو کلمه خوانده نشده) ضابطاً حافظا واذنت فی روایة ذلك عنی فلیروه متی‌شاء واحب غیرحرج و کتب جعفربن‌الحسن‌بن‌سعید شعبان سنة خمس‌وسبعین وستمائه حامداً لله مسلما » .

۱۵ تاریخ مرگ محقق دردنبال همین اجازه بدینگونه نوشته شده‌است : « توفی مصنف هذاالکتاب و ... من (درج) داره ضاحی‌نهارالخمس ... سنة ستة وسبعین وستمائة » .

درلؤلؤتی‌البحرین شیخ یوسف بحرانی چنین آمده است :

قال بعض‌الاجلاء الاعلام من متأخری المتأخرین: رأیت بخط بعض‌الافاضل

۲۰ ماصورةعبارته: « فی صبح یوم‌الخمیس ثالث عشر ربیع‌الآخر سنة ست و سبعین و ستمائة سقط‌الشیخ الفقیه ابوالقسم جعفربن الحسن بن سعیدالحلی ره من اعلی درجة فی داره فخرمیتا لوقته من‌غیرنطق ولاحرکة فتفجع‌الناس لوفاته واجتمع لجنازته خلق کثیر وحمل الی مشهد امیرالمؤمنین ع وسئل عن مولده فقال سنة اثنتین وستمائة » .

این عبارت در منتهی‌المقال فی احوال‌الرجال ابوعلی و رجال مامقانی (۲۱۵:۱) وفوائد رضویه (۱ : ٦٤) و کنی و القاب قمی و روضهٔ بهیهٔ سید شفیعا و قصص‌العلما تنکابنی (ص ۲٦۰) همه از همان لؤلؤتی‌البحرین آمده است . این عبارت که‌آن دانشمند بخط خود نوشته است مانند همین عبارتی است که درزیر همین‌اجازه نوشته شده است. افسوس که بیشتر آن فرسوده و پاك شده وهمهٔ آن خوانده نمیشود .

نگارندهٔ روضات (ص ۱٤۹) مینویسد که میگویند : « انه ره فی صبح یوم‌الخمیس ثالث عشرشهر ربیع‌الآخر سنة ستة وسبعین و ستمائة سقط عن اعلی درجة داره فخر میتا لوقته من غیرنطق ولاحرکة » آنگاه میگوید که این مانا درست‌نیست . مگراینکه ازعبارت یادشده که درنسخهٔ مابارنجی خوانده میشود برمیآید که این سخن درست است و تاریخ مرگ اوهم نیمهٔ روز پنجشنبه (نه بامدادآن) و گویاهم۱۳ع۲ (این تاریخ درنسخهٔ ما دراینجازیرکاغذ رفته وپیدا نیست ) سال ٦۷٦ است نه ٦۷۷ که در رجال ابن‌داود نسخهٔ ما آمده است (ص ۱۹۲۵) .

نگارندهٔ ذریعه (۱ : ۱٦٤) ازهمین اجازهٔ حلی بهمین زین‌الدین که باید پسر عموی پدری او باشد یاد کرده و می‌نویسد که او آنرا بخط خود برپشت نسخه‌ای از شرایع درشعبان ٦۷۵ نوشته است . پیداست که او همین نسخهٔ ما را دیده است . او نسخه‌ای دیگر از جزء یکم شرایع یاد میکند که شیخ محمدبن اسماعیل‌بن حسین‌بن‌الحسن هرقلی آنرا بخط خود درروز پنجشنبه ۱۵ رمضان ٦۷۰ نوشته و بر حلی خوانده بود و او بخط خود روی آن نوشته که در روز چهارشنبه ۱۸ ذی‌حجهٔ ٦۷۱ خواندن آن بپایان رسیده است . پس باید شرایع پیش از ٦۷۰ بنگارش درآمده باشد و او هم تا پایان زندگی آنرا درس میگفته است .

ص ۱۹۵٦ س ۲۲ (اجتهادیهٔ شهید دوم) :

درذریعه (۱۰ : ۴۲) از « ذم التقلید و اتباع الآباء » یاد گشته است نیز بنگرید بفهرست طوس (۲: ۱۴۲ ش ۶۴۳).

ص ۱۹۶۹ س ۱.

فخر المحققین در پایان جامع الفوائد فی شرح خطبة القواعد در دنبال عبارت « اجابة لاحب الناس الی و اعزهم لدی » چنین مینویسد :

«اقول: انی لما اشتغلت علی والدی قدس الله سره (رحمه الله) فی المعقول و المنقول؛ و قرأت علیه شیئا کثیرا من کتب اصحابنا؛ فالتمست منه ان یعمل لی کتابا فی الفقه جامعا لقواعده، حاو لفوائده، مشتملا علی غوامضه و دقائقه، جامعا لاسراره و حقائقه، یبنی مسائله علی علم الاصولین و علی علم البرهان؛ و ان یشیر عند کل قاعدة الی مایلزم مهام من الحکم؛ و ان کان قد ذکر قبل ذلك ما فیه معتقده و فتواه و مالزم من نص علی قاعدة اخری و فحواها؛ لتنبه المجتهد علی اصول الاحکام، و قواعد فتاوی الحلال و الحرام. فقد یظن کثیر من الجهال المقلدین، تناقض الاحکام فیه؛ و لم یعلموا ان المراد ماذکرناه؛ فیظنون ان علیه سئوالا واردا؛ و لم یعلموا انهم لم یفهموا من کلامه حرفا واحدا. کما قیل و یل لشعر الجید، من رواة السوء » (نسخهٔ خطی تاریخ ۱۰۲۹ با قواعد ودو نسخهٔ سپهسالار ش ۲۲۲۷ باقواعد و ۲۲۶۴ با جامع المقاصد).

نسخه‌ای از قواعد از نکاح تا انجام آن در کتابخانهٔ مرکزی آمده که در پایان آن دارد « اتفق الفراغ من کتاب قواعد الاحکام فی الحلال و الحرام، بتوفیق الله تعالی، علی ید العبد الضعیف المحتاج الی رحمة ربه اللطیف، ابراهیم بن علی بن الحسن الطریحی، فی ثامن شهر رجب المبارك من شهور سنة اربع و عشرین و سبعمائة هجریة؛ و صلی الله علی محمد و عترته الطیبین الطاهرین و سلم تسلیما کثیرا ه » — « انهاه ایده الله تعالی، قرأة و بحثا و فهما و ضبطا و استشراحا؛ و ذلك فی مجالس، آخرها سادس عشری جمادی الاولی سنة سبع و عشرین و سبعمائة؛ و الحمدلله وحده وصلی الله علی سیدنا محمد و عترته. کتب محمد بن الحسن المطهر، بالحلة السیفیة » (آنچنانکه من توانستم بخوانم).

س ۲۰۰۹ س ۲۱ .

نوری درمستدرك (۴۹۶:۳) سرگذشت «سلار» را آورده و اورا «حمزه» نامیده و تبرستانی خوانده و نوشته که «مراسم» او را محقق نگارندهٔ شرایع بدرخواست برخی از یاران خویش گزین نموده است.

ص ۲۱۱۵ س ۵ .

آغاز و انجام در ۱۳۱۳ ق هم بافصول فارسی وجبر و اختیار و جام جهان نما (مانا از دشتکی) در تهران باندازهٔ بغلی و بخط نستعلیق بچاپ سنگی رسید و در ۱۳۳۵ خ هم بیاد هفتصدمین سال درگذشت خواجهٔ طوسی در چاپخانهٔ دانشگاه چاپ شده است.

ص ۲۲۰۱ س ۲۲ .

نام این «حاشیه نحوی» را پس از دیدن نسخهٔ دیگری از آن که آنهم آغاز نداشت و با نگریستن بفهرستها دریافتم که «ضوء المصباح» میباشد.

خود مصباح در نحو و در پنج باب است و سه باب آن در ص ۲۲۰۲ یادشده و چهارم آن «العوامل المعنویة» و پنجم آن «فصول من العربیة» میباشد. این کتاب میان دانشجویان متداول بوده و از ناصر بن عبدالسید مطرزی نحوی (م ۶۱۰) میباشد و گزارشها بر آن نوشته‌اند. یکی از آن گزارشها از تاج الدین محمد بن محمد بن احمد اسفرائینی (م ۶۸۴) است بنام مفتاح که خود آنرا بدستور استاد خود برهان الدین نسفی بنام «الضوء» گزین نموده است (چلبی ۲: ۴۴۸) و نسخه هائی ازاین «الضوء» دردو فهرست قاهره (۴: ۷۸ و ۲: ۱۳۹) و فهرست طوس (۳: ۳۳) وفهرست عربی پاریس (ش ۴۰۰۹ تاریخ ۷۷۹) شناسانده شده (نیز فهرست نام کتابها درهمین فهرست پاریس) و آن در لکهنو بسال ۱۸۵۰ بچاپ رسیده است. (معجم المطبوعات ص ۴۳۶) برهمین ضوء هم گزارشها و حاشیه‌ها نوشته‌اند (چلبی) آغاز آن چنانکه دردو فهرست قاهره و طوس آمده چنین است: «ان احق ما نتوشح بذکره صدور الکتب والدفاتر» و در انجام آن مانند نسخه دیگری که دیده‌ام و نسخهٔ

طوس «والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب» دارد درباره نسخه‌های تاریخ ۹۸۲و۹۷۳و۹۸۳۷و۷۵۵ هست

ص ۲۲۳۳

الرسالة المولائیه درفهرست طوس (۱ ۲۲و ۳۹۰) ازسه نسخهٔ تاریخ ۹۱۷
۵ و بخط محمدبن احمدبن فهد بی‌تاریخ و نسخه‌ای دیگر از همین کتاب بنام «ولائیه» در ٤ فصل و یك خاتمه از شیخ احمد تولانی یا شیخ علی تولانی شاگرد شهید یکم یا شیخ یوسف شاگرد همین شهید یا شیخ احمد بن فهد یاد گردید و دارد که در آن از شهید یکم سخنانی بسیار آورده شده است درذریعه (٤ ۱ ۵۰) از آن بنام التولائیة یاد گردید و از شیخ علی تولانی (؟) بحار بری عاملی شاگرد
۱۰ شیخ مقداد سیوری و زبدهٔ در سدهٔ نهم دانسته شد

ص ۲۲۹۷ س ۱

نسخهٔ شرح شواهد آستانهٔ طوس درست از روی نسخهٔ کامل آقای آیه‌الله‌زاده نوشته شده و مانند آن همان کم و کاستی‌ها را دارد و هرچه در آن سفید گذارده شده در این هم سفید مانده است و چند برگی که در آن نیست در این هم نیست
۱ این نسخه پیشها در تهران بوده و بآستانه رفته است (آقای آیه‌الله‌زاده برای کامل‌ساختن نسخهٔ خود بمشهد طوس رفته و این نسخه را با خود آقای ولائی نگارندهٔ جلدهای چهارم و پنجم فهرست آستانهٔ طوس و آقای او کتائی با نسخهٔ آنجا سنجیده‌اند و چنین در نامه‌اند)

ص ۲۳۲٤ س ۸

۲ کردعلی در خطط‌الشام (٤ ۲۰ ۲) میخواهد بگوید که خالد از دانشمندان آشنای بدانش یونانی بوده و نخستین بار کتابخانه‌ای بنیاد گذارده و هنر کیمیا را برای او از یونانی و قبطی بعربی در آورده‌اند و کتابهائی در پزشکی و ستاره شناسی برایش ترجمه کرده‌اند و «اصطفن قدیم» کتابهای کیمیائی را از یونانی و لاتینی بعربی درآورده است و خود خالد پزشکی را از یحیی نحوی ساموخت (رسالهٔ

در سده ۷ و ۸ مسیحی ) و کیمیا را از مریانوس رومی فرا گرفت مگر اینکه «روسکای» آلمانی چنین داستانی را نپذیرفته است (مجله آسیائی پاریس سال ۱۹۲٤ )

ص ۲۳۲۵ س ۲۰

فصول فارسی و ترجمهٔ تازی آن را من بیادبود هفتصدمین سال در گذشت خواجهٔ طوسی بچاپ رسانده‌ام .

دربارهٔ گزارش عبدالوهاب استرابادی که در دیباچهٔ این چاپ ( ش ۳ ) با تاریخ روز چهارشنبه ۲۳ رجب ۸۳۳ یاد کرده‌ام از روی نوشتهٔ آقای مدرس رضوی بوده است و خودم در همین فهرست ( ص ۵۹۳ ) بگواهی پایان نسخهٔ ش ۳۲۳/۲ نوشته‌ام که استرابادی آن را از روز شنبه ۲۱ محرم تا ۲۰ صفر ۸۷۵ نوشته است نسخه دیگر دانشگاه (ش ۳۲۰/۱) از پایان کم دارد. در اعیان الشیعه (۱ ۳۳٤) از شرح فصول نصیریه علامهٔ حلی یاد شده است اگر شرح عبدالمطلب موسوی را هم بشمار بیاوریم سیزده گزارش برای فصول تازی خواهیم داشت (مدرس رضوی ص ۲۵۲ و ۳٤۳ - فهرست برلین ص ۳٤۰ ش ۱۷۷۰ ) از مستدرک (٤۰۵) برمیآید که گزارش کمال الدین حسن استرابادی ( ذریعه ۱ ۲ ح ) کهن‌ترین گزارش آمیخته شیعی است

ص ۲۳۲۸ س ۵

از گزارندگان قواعد العقائد محمود بن علی بن علی بن محمود حمصی رازی است بنام کشف المعاقد فی شرح قواعد العقائد و نسخهٔ آن در برلین هست (فهرست برلین ۲ ۳۳۹ ش ۱۷٦۹) و او باید از خاندان سدید الدین محمود (محمد) بن علی بن الحسن بن محمود تاج رازی حمصی دانشمند شیعی زندهٔ در ۵۸۳ و در گذشتهٔ پس از ٦۰۰ باشد (گفتار نگارنده دربارهٔ نهایه در فرهنگ ایران زمین) و گویا او همان شرف الدین محمود رازی است که بیست وسه پرسش از روم برای خواجهٔ طوسی آورده بود و طوسی بدانها پاسخ گفته است

(همین فهرست ص ۱۸٦ - سرگذشت طوسی از آقای مدرس رضوی ص ۲٤۹ و ۳٤۳ و از آقای مدرسی زنجانی ص ۲۲۱ و ۱۸٤ - آداب اللغه جرجی زیدان ۳ ۲۳٤ - این هم گفته شود که آقای مدرس نام شرف الدین را محمد بن محمود یاد کرده است (ص ۲۸۲)

ص ۲٤۰۳ س ۲۲

الارجوزة فی الطب یاالفیه در ۱۳۲٦ بیت و با یك دیباچه‌ای به نثر با ترجمهٔ تازه فرانسوی و ترجمهٔ کهن لاتینی در پاریس بسال ۱۹۵٦ بچاپ بسیار زیبائی رسیده ودر آغاز ومیانه وانجام آن در بارهٔ آن و گزارشها و چاپها و نسخه‌های خطی آن بررسی شده است .

ص ۲٤۱۰ س ۱۷ .

درهمین مختصر اوسط ( ۱۹۹ الف ) نیز دارد « وقد استقصینا هذاالمعنی فی تلخیص انولوطیقا » پس شیخ پیش از ابن رشد بنگارش « تلخیص» پرداخته‌است .

ص ۲٤۲۳ س ۱۷ .

شهرستانی ( ٤۷۹ — ۵٤۸ ) درملل و نحل آنجا که از سخنان ابن‌سینا گواه گرفته است گزیده‌ای از نجات را آورده وبسیاری ازعبارتهای حکمت عروضی مانند آنچه در نجات آمده استدر آن دیده‌میشود (آنچنانکه من این‌دو کتاب را باهم سنجیده‌ام) چنانکه پیش‌از او غزالی (٤۵۰ — ۵۰۵) درمقاصدالفلاسفه همهٔ دانشنامه را با اندکی جدائی بزبان تازی درآورده است (گفتار آقای احمد خراسانی درجشن هزارهٔ ابن سینا)

ص ۲٤۲٦ س ۱۳ .

دهمین مقالهٔ « المعالجات المراطیه » در بارهٔ بیماریهای جگر وسپرز وامعاء وساخت وسودآنها است و در ٤۹ باب ( نسخه‌های پزشکی و ملك ) چنین است این کتاب

آغاز الحمدلله المتفرد بالوحدانیه والقدره والرحمة والافاضه والجود مبدع الکل و معرف النفس و واهب العقل الجواد الذی لم یخل العالم قط من فیضه وجوده حمد معترف له بالمعبود یه شاهد بالربوبیه معترف بانعامه مستدل علی وحدانیته باعلامه نهایه کل حمدو فضل و منتهی کل شرف و المنزه عن الرذائل والنقص واساله ان یصلی علی خیر مبعوث دعاالی اکرم معبود محمد و آله اجمعین .(اما بعد)ثم انی لما رأیت الاوائل من الافاضل الاطباء قد عنوا الکتابین لیودوا بمنفعة الناس نهایه مالزمهم

من حق الله . . ولم يتجاوروا ذلك في القسمة والبيان . وفي زماننا هذا فقد قلت الرغبة في جميع الصنائع الفاصلة . . حتى اقتصروا من الطب على معرفة الفصد الردي .
وتركوا استعمال القوانين في شيء من مداواتهم البتة واعرضوا عن كتب العلماء الاوائل واقتنعوا بالنظر في كتب المتأخرين من اهل النقص والمعرفة وطلاب السمعة
والتمويه والكذب والتدليس فهم الحداعون على ما سماهم جالينوس الذباحون ٥
بالحقيقة. فحين رأيت ذلك حضر في نية مقرونة بالنية في ان اصف كناشا مشروحا
واسلك فيه سبيل بقراط في صحة المعالجة و اصف علة علة و اقسمها قسمة الجنس
الى النوع حتى انتهى في ذلك الى نوع الانواع و الى واحد بالعدد لا ينقسم ثم
اضيف (اصف) مداواة كل مرض عند ابتدائه و تزيده و انتهائه و انحطاطه وابين
مواضع التغييرات التي تدخل و علاماتها واسمح بما صنف غيري من الدستورات ١٠
المأخوذة عن المشائخ الافاضل و عن سواء غيرهم و اقرن كل مداواة بالقوانين
اللازمة لها وابين كيف يجب ان يبحث الطبيب عن السبب السابق والسبب البادي
والسبب الواصل عند ما يريد استخراج معرفة جنس العلة ونوعها وابين الادوية التي
صلح لمداوة كل علة و مقدارها والاوقات التي يستعمل فيها واجعله جامعاً للعلم
والعمل التام حتى لا يغلط احد ممن ينظر فيه او يداوي منه ولو انه كاتب او اديب فضلا ١٥
عن الطبيب واسميه « المعالجة البقراطية » واجعله عشر مقالات. المقالة الاولى في
الفصول التي لا يستغني الطبيب الذي ليس بفيلسوف عن معرفتها و هي خمسون
فصلا (بابا) . . المقالة العاشرة في امراض الكبد والطحال والامعاء و ذكر خلقتها
ومنفعتها وهي تسعة واربعون بابا بسملة المقالة الاولى في الفصول التي لا يستغني
الطبيب الذي ليس بفيلسوف عن معرفتها لئلا يكون غفلا اذا سئل عن شيء منها ٢٠
قد ذكرناها على جهة الاخبار بها و تعريفا لا على جهة التعليم لان التعريف لا يحتاج
الى اقامة البرهان عليه والتعليم يحتاج الى ذلك فيأخذها على طريق التقليد الى
ان يمكنه البحث عنها وقد بينا الكتب والمواضع التي يحتاج اليها اذا اراد البحث
عنها وهي خمسون فصلا ...

انجام (ف ۹ع مقاله ۱۰ درانواع قولنج) وهذاالموضع يجب ان يتأمله الطبيب تأملا شافيا وان مصنفي الكنانيش قصروا في هذاالنوع واىما يستخرج هذا من قوة كلام جالينوس ومن الاولى والاشبه من سائر العلاجات (المعالجات) تعدادلته من الاعراض ومما (بحمده) يحده ومتى وقع تقصير في قائل (تأمل) شيء
من ذلك وقع بحسبه النقصان في المعالجة . تمت المقالة العاشرة من الكناش المعروف بالمعالجات البقراطية بحمدالله وتوفيقه .

سرگذشت همين ترنجي درمطرح الانظار في تراجم اطباء الاعصار تبريزي (ص ۱۰۶) آمده است . در كشف الظنون وذيل آن آنچه من گشته‌ام از اين كتاب نه بنام كناش و نه بنام المعالجة يا المعالجات البقراطية ياد نشده است
نفيس بن عوض بن حكيم الطبيب درشرح اسباب در آنجا كه از ماليخوليا سخن ميدارد از گفته‌هاى طبرى درباره ديوانه شدن فارابى وعيسى بن ماسويه مياورد (ص ۱۳۷ چاپ سنگى سال ۱۳۰۴ در تهران)

ص ۲٤۲۳ س ۱۷ .

از فهرستهاى طوس (٤ ۲٦۳) وقنوابى (ش۲۳) و آقاى دكتر مهدى (ش۱۱۸)
برمى‌آيد كه كهن‌ترين نسخهٔ كامل نجات نسخهٔ س ۱۰٥٤ و ۱۰٥٥ طوس است كه حسن بن ابى الفضل شاه بن حسن سامانى جزى در پايان شعبان ٥۲٤ نوشته است پس از آن نسخهٔ جارالله دراستانبول بشماره ۱۳٤٥ ودارای تاريخ ٦۱۸ ميباشد .
از نسخه‌ها كه جزرياضى همهٔ فنون را دارد نخست بايد نسخهٔ ش ٤٥٦/۳ بادليان را كه در ٤٦٥ نوشته شده است شمار آورد سپس نسخهٔ ش ۱۹۳۷/۱ اسعد در استانبول
تاريخ ٦۰۳ و پس از آن نسخهٔ ش ٦۸۱ سليم آغا مورخ ٦٥٥ ميباشد
نسخه‌اى كامل از نجات ديده‌ام كه براى خزانهٔ « علاءالدوله ابوكاليجار گرشاسب دوم پسر امير علاء الدوله ابومنصور على پسر ظهيرالدين ابومنصور فرامرز پسر علاء الدوله عضدالدين ابوجعفر محمد كاكويه بن دشمن زيار از پادشاهان كاكوئى نويه‌اى سپاهان وهمدان (٤۸۸-٥۱۳) نوشته شده است (ترجمهٔ عربى زامباور ص۳۲۸) ودرصفحهٔ عنوان آن دارد .

« لخزانة الملك الاجل السيد المؤيد ( النصير ) المنصور شمس الملوك عضدالدين علاءالدولة و جمال الملة ظهير... ابو کالیجار گرشاسب بن علی بن فرامرز حسام امیر المؤمنین اعزالله نصره » پس این نسخه باندازکهن ترین نسخه‌های کامل نجات که مامیشناسیم باشد . این راهم میدانیم کـه دانشنامه برای همان محمدبن دشمن زیار کاکوئی (۳۹۸-۴۳۳) نگاشته شد است . (چهارمقاله ص۱۶۹)

ص ۲۴۵۵ س ۲ ۵

این دانشمند ماربدرانی گزارسی بسیار سودمند بر اصول کافی نگاشته است و جلدنخستین آن درعقل و توحید ، ودومین جزء در حجت است که درروز پنجشنبه یکم رمضان ۱۰۶۴ از آن بیاسود و در پایان آن گفته که کتاب دعـا را گزارش خواهم کرد جزء سوم درایمان و کفراست تاپایان کتاب العشرة که درانجام آن نوید داده است که کتاب الطهاره راهم گزارش کند (نسخه‌های دانشکدهٔ حقوق) ۱۰ درفهرست سپهسالار (۱ ۳۵۹) گزارش روضهٔ کافی او هم شناسانده شده است .

ص ۲۵۶۰

درریاض العلماء افندی چنین آمده است

الشیخ جمال الدین ، او کمال الدین علی بن سلیمان البحرانی ، الفاضل الجلیل الصمدانی ، والحکیم العالم الربانی ، استاد ابن میثم البحرانی ، کان من معاصری خواجه نصیرالدین الطوسی . و قال العلامة فی الخلاصة : کان عالما بالعلوم العقلیه ۱۵ والنقلیه ، عارفا بقواعدالحکما ؛ وله مصنفات حسنة . انتهی . و قال الشیخ حسن فی اجازته وامارأیت من مصنفاته ، کتاب مفتاح الخیر فی شرح دیباجة رسالة الطیر، للشیخ ابی علی بن سینا ، و شرح قصیده ابن سینا فی النفس ، وفیها دلالة واضحه علی ماوصفه به العلامة وزیاده . انتهی . وقال الشیخ المعاصر فی امل الآمل بعد نقل الکلامین : وروی العلامة عن الحسین بن علی بن سلیمان ، عن ابیه ، مصنفات ابیه. ۲۰ انتهی اقول . وقد یروی العلامة ، عن کمال الدین ابن میثم البحرانی ایضاً عنه ،

وهو يروى عن الشيخ كمال الدين ابن سعادة البحرانى ، على ما يظهر من اول غوالى اللئالى لابن جمهور الاحسائى . ثم قد رأيت ايضا ، فى خزانة الكتب الموقوفة بقسطنطنيه ، من بلاد الروم ، ذلك الشرح ، للقصيدة المذكورة ، وهو كما وصفه العلامة . و قال الشيخ حسن قدس سره : وهى القصيده العينية لابن سينا ، ويعرف ذلك الشرح بالمنهج المستقيم على طريقة الحكيم ، و اول تلك القصيده « هبطت اليك الخ » فادرج الشيخ ابو على ، فيها اكثر المطالب الحكميه ، وقد شرحها جماعه اخرى من العامة والخاصه اقول هذا الشيخ ، هو الذى ارسل الى الخواجة نصير ،

٥ رسالة العلم و توابعها ، من مسائل المعارف ، لاستاده ، اعنى الشيخ كمال الدين اباجعفر احمد بن على بن سعيد بن سعاده البحرانى ، والتمس منه شرح تلك الرسالة ، و توضيح مسائلها المشكلة ، وقد شرحها الخواجه نصير ، وارسلها اليه ، و تعرض فيه للرد على الشيخ كمال الدين بن سعادة ، المصنف المذكور ، فى بعض مواضعها ، واجاد فيه ، ثم جمع هو تلك الرسالة ، و ذلك الشرح ، فى رسالة مفرده معروفة .

١٠ و قال الخواجه نصير ، فى اول شرحها ، فى مدح على بن سليمان هذا ، هكذا . « اتانى كتاب من الجناب الكريم »

ص ۳۲۱ س ۲۷

این نسخه با نسخهٔ ش ۱۰۷۹/٤ ص ۱۸۷ یکی است و من آنرا ازروی همین نسخه ۱۰۷۹/٤ و نسخهٔ ش ٤٦٨١ کتابخانهٔ ملک بیاد بود هفتصدمین سال درگذشت

۱۵ خواجه طوسی در ۱۳۳۵ در « سه گفتار خواجه طوسی » بچاپ رسانده‌ام نسخهٔ ۸٦۳/٤ با آن نسخه اندکی جدائی دارد

اینک بپایان رسید کتابهای اهدائی استاد بزرگوار و دانشمند ارجمند جناب آقای سید محمد مشکوة بانجام رسید و نگارندهٔ با چنین از راهنمائیهای علمی و کمکهای مادی و معنوی که در دوران تحصیل تا کنون آنجناب درباره بندهٔ مبذول فرموده‌اند بسی سپاسگزارم و این فهرست را که گرچه چندان ارزشی ندارد بایشان تقدیم میدارم

محمد تقی دانش‌پژوه

# فهرست نام کتابها

# فهرست نام مؤلفان

نام — صفحه

# فهرست نسخه‌ها روی شماره‌ها

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ١٢٧ | روح الاحباب |
| ١٣٦/١ | معارج |
| ١٤٩/١ | نصایح |
| » /٥ | ذهبیه |
| » /٦ | سوز و گداز |
| ١٨٥ | نور القبور |
| ١٨٦ | مصابیح القلوب |
| ٢١٠ | زواهر الجواهر |
| ٢٢٩/٢ | درمان اسب |
| » /٣ | اختیارات |
| ٢٩٢/٢ | ترجمهٔ نهایهٔ طوسی |
| ٣٢١ | تعلیقه |
| ٣٦٩ـ٣٧٠ | جنات وصال |
| ٣٨١ | رساله فقهی و فلسفی |
| ٣٩٨/٣ | اسرار الصلوة |
| ٤٠٦/١ | کشف المحجه |
| ٥٠١ | ترجمهٔ جلاء العیون |
| ٥٠٢/١ | سلوة الحزین |
| » /٢ | اربعین |
| » /٣ | » |
| » /٤ | حدیث عمامه |
| » /٥ | خطب علی |
| » /٦ | اربعین |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ٥٠٢/٧ | اربعین |
| » /٨ | شهاب الاخبار |
| » /٩ | اهلیلجه |
| ٥٠٤ | خصال |
| ٥٠٥ | مقتل |
| ٥٠٦/١ | مسار الشیعه |
| » /٢ | المسائل |
| » /٧ | روضة المتقین |
| ٥٠٩ـ٥١٣ | تفصیل وسائل الشیعه |
| ٥١٤ | اختصاص |
| ٥١٥ | بشارة المصطفی |
| ٥١٦ | تفسیر قمی |
| ٥١٧ | مناهج الشارعین |
| ٥٢٢ | دوحة الاخبار |
| ٥٢٣ | معجزات الائمه |
| ٥٢٥ | توحید قمی |
| ٥٢٦ـ٥٧١ | بحار الانوار |
| ٥٧٢ | امالی |
| ٥٧٣ | ترجمهٔ امالی |
| ٥٧٥/٣ | گفتگوی دیک الجن و هرون |
| » /٤ | اسرار النکاح |
| » /٦ | کتاب سلیم |
| ٥٧٦ | استبصار |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۵۷۷ | شافی |
| ۵۷۸/۱ | غیبت |
| ۲/ » | انسان العیون |
| ۵۷۹ | جوامع الکلم |
| ۵۸۰ | حلیة الابرار |
| ۵۸۱ | برکات المشهد المقدس |
| ۵۸۲ | فرائد السمطین |
| ۵۸۳-۵۸۵ | تهذیب الاحکام |
| ۵۸۶ | بصائر الموحدین |
| ۵۸۷ | مسکن الشجون |
| ۵۹۰/۱ | الرسالة العلیه |
| ۲/ » | انگشت شماری |
| ۵۹۱/۱ | غرر الاخبار |
| ۳/ » | رسالة الرضا الی المأمون |
| ۴/ » | تهلیلیه |
| ۵۹۲ | العمده |
| ۵۹۳ | غایة المرام |
| ۵۹۴ | عیون اخبار الرضا |
| ۵۹۵ | علل الشرائع |
| ۵۹۶ | منهج الیقین |
| ۶۰۰-۶۰۲ | الدمعة الساکبه |
| ۶۰۳ | بهجة المباهج |
| ۶۰۴/۱ | نظم اللئالی |
| ۲/ » | مصادقة الاخوان |
| ۶۰۵ | تحفة الائمة |
| ۶۰۶/۱ | التحفة الرضویة |
| ۲/ » | عقائد اصولین |
| ۳/ » | آغاز و انجام |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۴/ ۶۰۶ | خطبة علی |
| ۶۰۷ | عیون اخبار الرضا |
| ۶۰۹ | تعلیقه سجادیه |
| ۶۱۰ | تذکرة الفتن |
| ۶۱۱ | سنة الهدایة |
| ۶۱۲-۶۱۳ | هدایة الامة |
| ۶۱۴/۱ | مجمع البحرین |
| ۲/ » | المواسمة و المضایقة |
| ۶۱۵ | امالی |
| ۶۱۶ | ارشاد |
| ۶۱۸/۱ | المعجب |
| ۲/ » | مثیر الاحزان |
| ۶۱۹ | کفایة المهتدی |
| ۶۲۰ | مسلی المصابین |
| ۶۲۱ | مناقب |
| ۶۲۲/۱ | وسیلة النجاة الموصلة الی سبیل الهداة |
| ۶۲۳ | زبدة التصانیف |
| ۶۲۴ | روضة الواعظین |
| ۶۲۵-۶۲۶ | الاستبصار |
| ۶۲۷/۲ | فهرست رجال مسند کتاب من لایحضره الفقیه |
| ۶۲۷/۱-۶۲۹ | من لایحضره الفقیه |
| ۶۳۰/۲ | فهرست کافی |
| ۶۳۰/۱-۶۳۲ | کافی |
| ۶۳۳ | کشف الکافی |
| ۶۳۴ | تحفة الاولیاء |
| ۶۳۵/۱ | المذکر و المؤنث |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ٦٣٥/٢–٦٤٠ | تهذيب الاحكام |
| ٦٤١ | قصص الانبياء |
| ٦٤٢ | مطالع الاسرار |
| ٦٤٣–٦٤٨ | وافی |
| ٦٤٩ | ایضاح دقائق النواصب |
| ٦٥٠ | دفع المناواة |
| ٦٥١ | ترجمة المناقب |
| ٦٥٤/١ | الکشکول فی ماجری علی آل الرسول |
| » /٢ | الزام النواصب |
| » /٣ | گفتگوی دیك الجن وهرون |
| » /٤ | ایضاح دقائق النواصب |
| ٦٥٥ | الدر المنثور |
| ٦٥٦ | اقبال نامه |
| ٦٥٧/١ | منتخب البصائر |
| » /٢ | خطبة علی |
| ٦٦١/٢ | شرح حدیث رأس الجالوت |
| ٦٥٨–٦٦٤ | وافی |
| ٦٦٥ | منهج الشیعه |
| ٦٦٦ | وسیلة النجاه |
| ٦٦٧ | اثبات الرجعة |
| ٦٦٨ | کشف الاحتجاج |
| ٦٧٠ | ترجمة نامة علی باشتر |
| ٦٧١–٦٨٢ | صافی |
| ٦٨٣ | کمال الدین |
| ٦٨٤ | مقامات النجاة |
| ٦٨٥ | نخب المناقب |
| ٦٨٦ | اربعین |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ٦٨٧ | ترجمة قطب شاهی |
| ٦٨٨ | حاشیة اصول کافی |
| ٦٩٠ | معادن الحکمة |
| ٦٩١/٢ | الانوار الجلیة |
| » /٣ | الذخیرة الباقیة |
| ٢٩٢/١ | خصائص الائمة |
| » /٢ | الطرف |
| » /٣ | محاسبة النفس |
| » /٤ | الروضة |
| ٦٩٣/١ | عوالی اللئالی |
| » /٢ | کاشفة الحال عن احوال الاستدلال |
| ٦٩٤ | مصابیح الانوار |
| ٦٩٧ | منتقی الجمان |
| ٦٩٨ | غایة المرام |
| ٦٩٩ | فضائل الاشهر الثلاثة |
| ٧٠٠ | الوسیله |
| ٧٠١ | مراسم |
| ٧٠٢–٧٠٣ | شرائع الاسلام |
| ٧٠٤/٢ | تحریر التحریر |
| ٧٠٤/١–٧٠٥ | قواعد الاحکام |
| ٧٠٦ | ایضاح الفوائد |
| ٧٠٧ | مختلف الشیعه |
| ٧٠٨ | ایضاح الفوائد |
| ٧٠٩–٧١٠ | الروضة البهیة |
| ٧١١ | المهذب البارع |
| ٧١٢–٧١٣/١ | مفاتیح الشرائع |
| ٧١٣/٢ | اصالة طهارة الاشیاء |
| » /٣ | اصالة فساد المعاملات |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۷۱۴ـ۷۱۵ | شرح مفاتیح الشرائع |
| ۷۱۶ | ترجمۂ الانوارلاعمال الابرار |
| ۷۱۷ | المصباح الساطع |
| ۷۱۸ | شرح مفاتیح الشرائع |
| ۷۱۹ـ۷۲۰ | ذکری الشیعۃ |
| ۷۲۱ | کشف الرموز |
| ۷۲۲ | ارشاد الاذهان |
| ۷۲۳/۱ | ارشاد |
| /۲ » | اثنی عشریہ |
| /۳ » | ترجمۂ حدیث خسوف و کسوف |
| ۷۲۴ | شرح مختصر نافع |
| ۷۲۵ | مرآۃ الاخیار |
| ۷۲۶ | شرح شرایع |
| ۷۲۷ | نور ساطع |
| ۷۲۸ـ۹۲۹ | جواهر الکلام |
| ۷۴۰ | پاسخهای شفتی |
| ۷۴۱ | مسائل الخلاف |
| ۷۴۲ | مجمع الفائدۃ والبرهان |
| ۷۴۳ | جامع المقاصد |
| ۷۴۴ـ۷۴۹ | لوامع النکات |
| ۷۵۰ | البرهان القاطع |
| ۷۵۲ـ۷۵۴ | غایۃ الآمال |
| ۷۵۵ | فرائد الاصول |
| ۷۵۶ | التحفۃ القوامیۃ |
| ۷۵۷ | حاشیۂ شرایع |
| ۷۵۸ | زهر الریاض |
| ۷۵۹ | تقریرات |
| ۷۶۰ | حاشیۂ معالم |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۷۶۱ | زهر الریاض |
| ۷۶۲ـ۷۶۳ | مسالك |
| ۷۶۴ | نیل المرام |
| ۷۶۵ | تحفۃ الابرار |
| ۷۶۶ | کنز الفوائد |
| ۷۶۷ | مقالات |
| ۷۶۸ | حاشیۂ ارشاد |
| ۷۶۹ | منهاج الهدایۃ |
| ۷۷۰/۱ | پاسخ تهرانی بداماد |
| /۲ » | فصول مختاره |
| /۳ » | حاشیۂ مجمع الفائدۃ والبرهان |
| /۴ » | الحبوۃ |
| /۵ » | حرمان الزوجۃ من اعیان الترکۃ |
| ۷۷۱ | ارشاد |
| ۷۷۲ | مسلك نجات |
| ۷۷۳/۱ | حدود و تعزیرات |
| /۳ » | نکوهش از تصوف |
| ۷۷۴ | میزان الصواب |
| ۷۷۵ | مقالات |
| ۷۷۶ | روض الجنان |
| ۷۷۷ | الکواکب الضیائیۃ |
| ۷۷۸ | مختصر نافع |
| ۷۷۹ | معراج الاصول |
| ۷۸۰ | غایۃ المرام فی شرح شرائع الاسلام |
| ۷۸۱ | شرح جواهر الفرائض |
| ۷۸۲ـ۷۸۴ | مناهل |
| ۷۸۵ | حاشیۂ ارشاد |
| ۷۸۶ | نجاۃ العباد |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۷۸۷ | بیان |
| ۷۸۸ | الجمل والعقود |
| ۷۸۹ | وجیزه |
| ۷۹۰/۱–۳ | نماز آدینه |
| ۷۹۱/۱ | فصول خمسه |
| » /۲ | ابن الغضائری |
| » /۳ | الذهبیة |
| ۷۹۲/۱–۲ | آداب نماز |
| » /۳ | الشك والسهو والنسیان فی الصلوة |
| » /۴ | الشك فی الصلوة |
| » /۵ | آداب نماز |
| ۷۹۳ | اشارات |
| ۷۹۴ | » |
| ۷۹۵ | نهایة الوصول |
| ۷۹۶ | منیة اللبیب |
| ۷۹۷ | مصابیح |
| ۷۹۸ | مجمع الاصول |
| ۷۹۹ | ذخائر النبوة |
| ۸۰۰ | موائد العوائد |
| ۸۰۱ | نتایج الافکار |
| ۸۰۲–۸۰۸ | بشری الوصول |
| ۷۰۹ | تهذیب الوصول |
| ۸۱۰ | حاشیهٔ مختصر اصول |
| ۸۱۱ | حاشیهٔ عدة الاصول |
| ۸۱۲/۱ | حاشیهٔ مختصر |
| » /۲ | حاشیهٔ حاشیهٔ مختصر |
| ۸۱۳ | معالم |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۸۲۱/۲ | البدایة فی علم الدرایة |
| » /۳ | وجیزه |
| » /۴ | جهت القبلة |
| » /۷ | الحبل المتین |
| ۷۳۶ | صراط النجاة |
| ۸۵۲ | حج |
| ۸۵۳ | الرد علی المتعصب العنید |
| ۸۵۹ | اثنی عشریه |
| ۸۶۵ | پاسخ رشتی |
| ۸۶۷/۵ | ترجمهٔ خطبهٔ علی |
| ۸۶۷/۱۱ | ترجمهٔ چهل حدیث |
| ۸۷۲/۱ | پاسخهای کرکی |
| » /۲ | قاطعة اللجاج |
| » /۳ | صیغ العقود والایقاعات |
| » /۴ | حاشیهٔ الفیهٔ شهید یکم |
| » /۵ | تخفیف العباد فی بیان احوال الاجتهاد |
| » /۶ | الرضاع |
| » /۷ | جعفریه |
| » /۸ | حاشیهٔ جعفریه |
| ۸۷۴/۱ | حاشیهٔ روضهٔ تهیه |
| » /۲ | رجاء الحق (نماز آدینه) |
| » /۶ | شرح حدیث اشتراك وجود |
| » /۷ | نماز آدینه |
| ۸۷۷/۳ | احکام نجوم |
| ۸۷۸/۳ | اصول وفروع دین |
| » /۴ | اربعین |
| » /۶ | حج |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۸۷۸/۹ | رسالهٔ عملی |
| ۱۰/ » | ترجمه و گزارش کلمات قصار |
| ۸۷۹/۶ | اللمعة الجلية فی معرفة النية |
| ۸۸۲/۲ | الاجتهادیه |
| ۳/ » | ازاحة العلة |
| ۴/ » | تیاسر |
| ۶/ » | نزهة الارواح فی ما یتعلق باحکام النکاح |
| ۷/ » | اللمعة الجلية فی معرفة النية |
| ۸۸۶/۱ | شمائل |
| ۸۸۸/۳ | فصول اذان |
| ۷/ » | رویة الهلال |
| ۸/ » | حجیت اخبار و اجماع |
| ۹/ » | نماز آدینه |
| ۸۹۱/۱ | کشف القناع |
| ۲/ » | هدایة الفؤاد الی نبذ من احوال المعاد (ص۵۹۹و۲۵۶۷) |
| ۸۹۳/۱ | جعفریه |
| ۳/ » | الفیه |
| ۴/ » | اثنی عشریه |
| ۸۹۹/۳ | ارشاد |
| ۹۰۰-۹۰۱ | رساله‌های اردکانی |
| ۹۰۳/۲ | مصباح الشریعه |
| ۳/ » | قاطعة اللجاج |
| ۹۰۴/۱ | وافیه |
| ۲/ » | ملاح المسائل و نجاح السائل |
| ۹۰۶ | السبعیات |
| ۹۰۷/۱ | مقابس الانوار |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۹۰۷/۲ | اجازه |
| ۹۱۰-۹۱۱ | اثبات الهداة |
| ۹۱۲ | کتاب الیمین |
| ۹۱۳ | کنز الفوائد |
| ۹۱۴ | صافی |
| ۹۱۵-۹۱۶ | شافی |
| ۹۱۷ | خصائص امیر المؤمنین |
| ۹۱۸/۲ | وجیزه |
| ۳/ » | حریریه |
| ۴/ » | اثنی عشریه |
| ۵/ » | الامتناع من الاستمتاع |
| ۶/ » | حاشیهٔ قواعد |
| ۸/ » | اثنی عشریه |
| ۹/ » | جهة القبله |
| ۱۰/ » | حاشیهٔ تفسیر بیضاوی |
| ۱۱/ » | پاسخ بهائی |
| ۱۲/ » | حاشیهٔ اثنی عشریه |
| ۱۳/ » | حاشیهٔ قواعد |
| ۱۴/ » | قصر الصلوة |
| ۱۵/ » | اعمال الحج |
| ۱۷/ » | پاسخهای بهائی |
| ۱۸/ » | نان وحلوا |
| ۹۲۰/۱ | مهذب |
| ۲/ » | جمل العلم والعمل |
| ۳/ » | شرح جمل العلم والعمل |
| ۴/ » | غنیة النزوع |
| ۵/ » | مراسم |
| ۶/ » | المسائل الناصریات |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۹۲۰/۷ | الوسيلة |
| » /۸ | الجمل والعقود |
| » /۹ | اشارة السبق |
| » /۱۰ | الاقتصاد |
| ۹۲۱ | مشكاة المصابيح |
| ۹۲۲ | رسالههای اخباری |
| ۹۲۶/۱ | الدر المنظوم |
| ۹۳۱/۱ | الفيه |
| » /۲ | المطالب المظفريه |
| » /۳ | حاشية الفية شهيد يكم |
| ۹۳۲ | پاسخهای همدانی |
| ۹۳۴ | تنبيه الانام |
| ۹۳۶ | ارشاد |
| ۹۳۸ | الاصلاح |
| ۹۴۴/۱ | حاشية من لايحضره الفقيه |
| » /۷ | التحفة الرضيه |
| » /۸ | ذبيحيه |
| » /۱۰ | رضاع |
| » /۱۱ | اوقات الصلوة |
| ۹۶۲ | اصول اربعمائة |
| ۹۶۴ | الصحيفة الرضوية |
| ۹۶۵ | عيون المعجزات |
| ۹۶۶ | شرح الاخبار |
| ۹۶۸ | بهجة المباهج |
| ۹۷۱ | الاربعينات |
| ۹۷۲/۱-۲ | نمازآدينه |
| » /۳ | معيار الساعات |
| » /۴ | نماز شب |
| ۹۷۳ | مفتاح الاحكام |
| ۹۷۴ | زبدة الاصول |
| ۹۷۶ | الفوائد السنيه فی شرح النبذة الالفيه |
| ۹۸۱ | الرواشح السماوية |
| ۹۸۷/۲ | الصفيحه |
| » /۳ | جهة القبلة |
| » /۴ | تشريح الافلاك |
| » /۵ | اجتهاديه |
| ۹۸۹/۲ | اجتهاد |
| » /۴ | وجيزه |
| » /۵ | جامع المقال |
| ۹۹۴/۴ | لب اللباب |
| » /۷ | نور المستبصرين |
| ۹۹۷-۹۹۹ | معارج الاحكام |
| ۱۰۰۰-۱۰۰۲ | مطالع الانوار |
| ۱۰۰۳ | دروس |
| ۱۰۰۴ | تحرير |
| ۱۰۰۵/۱ | شرح جمل العلم والعمل |
| » /۲ | الكتاب الجامع للشرايع |
| ۱۰۰۶ | درائد ملتقى الابحر |
| ۱۰۰۷ | نخبة وجيزه |
| ۱۰۰۸ | التحفة السنية |
| ۱۰۰۹ | غاية الوصول |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۱۰۱۰ | شرح مختصر منتهی |
| ۱۰۱۱ | القواعد والفوائد |
| ۱۰۱۲/۱ | فقه فارسی |
| /۲ » | تفسیر حمد |
| ۱۰۱۵/۳ | عدالت |
| /۴ » | اصول دین |
| /۷ » | غایة الایجاز لخائف الاعوار |
| ۴۰/» | مالا بدمنه فی مذهب الامامیة |
| ۴۱/» | ترجمهٔ برمکیه |
| ۱۰۲۰/۲ | هدایة المؤمنین |
| /۳ » | النفحة القدسیة |
| ۱۰۲۰/۴ـ۵ | پاسخهای دمی |
| ۱۰۲۰/۶ـ۱۶ | » » |
| ۱۰۲۱ | رسالههای دوایی |
| ۱۰۲۲/۱ | المسائل المدنیات |
| /۲ » | المسائل الآملیات |
| /۳ » | الحج المتمتع به |
| ۱۰۲۴ | الاحتجاج |
| ۱۰۲۵ | انیس الوحید |
| ۱۰۲۷/۱ | عقد الدرفی شرح بقر بطن عمر |
| /۲ » | الصلاة والبشر فی الصلوة علی خیر البشر |
| ۱۰۳۵/۱ | دیوان علی (انوار العقول) |
| ۱۰۴۴/۱ | وصول الاخیار |
| /۲ » | البدایة فی علم الدرایة |
| ۱۰۴۵/۱ | العویص الاحکام |
| /۳ » | فوائد حدیثیه |
| /۴ » | مسائل |
| ۱۰۴۵/۶ | خبر مولد علی |
| ۱۰۵۸ | المحاسن |
| ۱۰۶۰ | شهاب الاخبار |
| ۱۰۶۱/۱ | بصائر الدرجات |
| /۲ » | قرب الاسناد |
| ۱۰۶۲ | ملهمة بالصواب |
| ۱۰۶۳/۵ـ۷ | رسالههای ریاضی |
| ۱۰۶۴ | کفایة الانام |
| ۱۰۶۶ | حدیقه |
| ۱۰۶۷/۱ | وفاة الزهراء |
| /۲ » | مصاب المظلومین |
| /۳ » | خطبهٔ علی |
| /۴ » | پاسخ استرابادی بهعاملی |
| /۵ » | الفوائد المدنیه |
| ۱۰۷۵ | جامع الاخبار |
| ۱۰۹۵ | حاشیهٔ مختصر نافع |
| ۱۰۹۶ | حاشیهٔ الفیه |
| ۱۰۹۷/۱ | السماع والرقص |
| /۲ » | اصول الدین |
| /۳ » | شرح اصول الدین |
| ۱۱۰۰ | شرح ملخص |
| ۱۱۰۱/۱ | کدو مطبخ قلندری |
| /۲ » | نان وحلوا |
| /۳ » | شیر وشکر |
| /۴ » | پریشان |
| ۱۱۰۲/۲ | رضاع |
| ۱۱۰۴ | کشف الغرائب |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۱۱۰۵ | مقامات |
| ۱۱۰۶ | حاشیهٔ فوائد ضیائیه |
| ۱۱۰۷ | شرح مراح الارواح |
| ۱۱۰۸/۱ | کافیه |
| ۲/ » | ترکیب الکافیه |
| ۱۱۰۹/۱ | لب اللباب |
| ۳/ » | حاشیهٔ قوانین |
| ۱۱۱۱ | رساله‌های شهرستانی |
| ۱۱۱۲/۱ | حل المسائل |
| ۲/ » | الصفیحه |
| ۱۱۱۳/۱-۲ | رسالهٔ عرفانی |
| ۳/ » | ظفرنامه |
| ۴/ » | گفتار افلاطون |
| ۵/ » | رسالهٔ عرفانی |
| ۶/ » | نامهٔ غزالی |
| ۷-۹/ » | رسالهٔ عرفانی |
| ۱۰/ » | دفع الغم من الموت |
| ۱۱/ » | رساله عرفانی |
| ۱۲-۱۳/ » | شرح خبر کمیل |
| ۱۴/ » | شرح حدیث عماء |
| ۱۵/ » | آغاز وانجام |
| ۱۶/ » | مجمل الحکمه |
| ۱۷/ » | چهار عنوان |
| ۱۱۱۴ | حاشیهٔ شرح تجرید |
| ۱۱۱۵ | الانوار الجلالیه |
| ۱۱۱۶ | حاشیهٔ شرح تجرید |
| ۱۱۱۷ | اجابة المضطرین |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۱۱۱۸/۱ | مفتاح الکرامه |
| ۲-۵/ » | رساله‌های عاملی |
| ۱۱۱۹/۱ | مساحت |
| ۲/ » | دوازده امام |
| ۳/ » | خلاصة الحساب |
| ۴/ » | قواعد العقائد |
| ۵/ » | عقل |
| ۶/ » | وجود |
| ۷/ » | فصول |
| ۱۱۲۰ | ترجمهٔ چهارده حدیث |
| ۱۱۲۱ | مسالك |
| ۱۱۲۲/۱ | الایقاظ من الهجعه |
| ۲/ » | کشف التعمیه |
| ۳/ » | تفریج الکربة |
| ۴/ » | بقاء النبی والوصی بعد الموت |
| ۵/ » | الخمس |
| ۶/ » | الرجعة |
| ۱۱۲۳-۱۱۲۶ | کافی |
| ۱۱۲۷ | تحریر |
| ۱۱۲۸ | حل الموجز |
| ۱۱۲۹ | رساله‌های پزشکی |
| ۱۱۳۰/۲ | پاسخ رستمداری بنامهٔ اوزبکان |
| ۳/ » | مرآت المحققین |
| ۴-۶/ » | رساله‌های طبیعی |
| ۷/ » | پاسخ بهائی به‌جزائری |
| ۸/ » | روزشماری |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۱۱۳۰/۹ | گفتگوی امام رضا با پسر جهم |
| ۱۱۳۱/۱ | ذهبیه |
| /۲ » | توحید |
| /۳ » | اهلیلجه |
| /۴ » | الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة |
| /۵ » | مصادقة الاخوان |
| ۱۱۳۲/۲ | اثبات الواجب |
| ۱۱۳۳-۱۱۳۴ | کافی |
| ۱۱۳۵ | رسالهٔ فقهی |
| ۱۱۳۶ | رساله‌های خوانساری |
| ۱۱۳۷/۱ | حاشیهٔ فرائد |
| /۲ » | حجیة الظن |
| /۴ » | رسالهٔ اصول |
| ۱۱۴۱/۱ | نهج البلاغه |
| /۲ » | حرز |
| /۳ » | انوار العقول (دیوان علی) |
| ۱۱۴۲-۱۱۴۳ | مرآت العقول |
| ۱۱۴۴-۱۱۴۶ | بحار الانوار |
| ۱۱۴۷/۱ | اثبات الواجب |
| /۲ » | رسالهٔ دوانی |
| /۳ » | معیار العرفان |
| /۴ » | سفیر |
| /۵ » | گفتار حلاج |
| /۶ » | طیر ابن سینا |
| /۷-۱۳ » | رساله‌های دوانی |
| ۱۱۴۸ | قرآن |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۱۱۴۹/۱-۱۷ | نگارشهای ابن سینا |
| ۱۹-۳۴ | » » |
| ۳۷-۸۰ | » » |
| ۱۱۴۹/۱۸ | رساله‌های دوانی |
| /۳۵-۳۶ | » » |
| ۱۱۵۰ | تلخیص المحصل |
| ۱۱۵۱/۱-۲ | تقریرات |
| ۱۱۵۲ | صافی |
| ۱۱۵۳ | شرح کافیه |
| ۱۱۵۴ | جفر |
| ۱۱۵۵ | رسائل اخوان صفا |
| ۱۱۵۶/۱ | المقتنی فی سرد الکنی |
| /۲ » | نزهة الالباب فی الالقاب |
| ۱۱۵۷ | معالم الدین فی فقه آل یاسین |
| ۱۱۵۸/۱ | المقتصر من شرح المختصر |
| ۱۱۵۹ | المناهج السویة |
| ۱۱۶۰ | منیة الممارسین |
| ۱۱۶۱ | شرح خلاصة الحساب |
| ۱۱۶۲ | شرح کافیه |
| ۱۱۶۳/۱ | الرسالة التولانیه |
| /۲ » | الحج والزیارة |
| ۱۱۶۴/۱ | ترجمان القرآن |
| /۲ » | تاریخ عترت |
| /۳ » | حقایق جمیع الارکان |
| /۴-۷ » | نگارشهای ابن سینا |
| ۱۱۶۵/۴ | العبادات المالیة |
| /۵ » | آداب المتعلمین |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۱۱۶۶ | الفرائدالبهیه |
| ۱۱۶۷ | نهج السالکین |
| ۱۱۶۸/۱ | شمسیه |
| » /۲ | حاشیهٔ تهذیب المنطق |
| ۱۱۶۹/۱ | نموذج الفنون |
| » /۲ | الانصاف |
| » /۳ | گزارش خبر کمیل |
| ۱۱۷۰ | الحکمة المتعالیه |
| ۱۱۷۱ | شرح شواهدمجمع البیان |
| ۱۱۷۲ | ضوءالمصباح (حاشیهٔ نحوی) |
| ۱۱۷۳ | درر الفوائد |
| ۱۱۷۴ | توضیح المطالب |
| ۱۱۷۵ | شرح الشرح |
| ۱۱۷۶-۱۱۷۷ | نهایةالوصول |
| ۱۱۷۸/۱ | نهایةالسرور |
| » /۲-۳ | رساله‌های کلامی |
| » /۴ | الدر المنتخب |
| ۱۱۷۹/۱ | جنات الوصال |
| » /۲ | بحرالاسرار |
| ۱۱۸۰ | مائدةالزائرین |
| ۱۱۸۱ | الاصلاح |
| ۱۱۸۲ | حل الموجز |
| ۱۱۸۳ | بشیرو نذیر |
| ۱۱۸۴ | الضیاءاللامع |
| ۱۱۸۵ | ترجمهٔ اسرارالنجوم |
| ۱۱۸۶ | رساله‌های رد یهود |
| ۱۱۸۷ | معدن البکاء |
| ۱۱۸۸ | محصول |
| ۱۱۸۹ | حاشیهٔ حاشیهٔ شرح مطالع |
| ۱۱۹۰ | شرح خلاصةالحساب |
| ۱۱۹۱/۱ | تمهیدالقواعد |
| » /۲ | القواعد والفوائد |
| ۱۱۹۲/۱ | المسائل الفخریه |
| » /۲ | تحریرالتحریر (حاشیهٔ قواعد) |
| ۱۱۹۳ | حاشیهٔ قواعد |
| ۱۱۹۴ | کشف المراد |
| ۱۱۹۵ | نهایةالسئول |
| ۱۱۹۶/۱ | مضیئی الاعیان |
| » /۲ | خمس |
| » /۳ | الاموات |
| ۱۱۹۷ | الشموس المضیئه |
| ۱۱۹۸ | لوامع الاسرار |
| ۱۱۹۹ | شرح توحید وحجت |
| ۱۲۰۰ | عمل سنه |
| ۱۲۰۱ | مخزن گوهر |
| ۱۲۰۲ | رساله‌های کلامی |
| ۱۲۰۳ | الخطب |
| ۱۲۰۴ | الصحیفةالثانیة |
| ۱۲۰۵/۱ | شذورالذهب |
| » /۲ | فردوس الحکمه |
| ۱۲۰۶ | معراج الحکیم ومنهاج القویم |
| ۱۲۰۷ | رساله‌های کیمیائی |
| ۱۲۰۸ | عروض |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| ۱۲۰۹ | شرح تهذیب |
| ۱۲۱۰ | شرح تهذیب |
| ۱۲۱۱ | شرح الفیه |
| ۱۲۱۲ | ملاذالاوتاد |
| ۱۲۱۳ | عین الحیوة |
| ۱۲۱۴ | معراج الاصول |
| ۱۲۱۵ | معراج الشریعة |
| ۱۲۱۶ | جامع المطالب |
| ۱۲۱۷ | انیس المؤمنین |
| ۱۲۱۸ | شرح کافیه |
| ۱۲۱۹/۱ | صیغ عقود نکاح |
| » /۲ | اعتقادات |
| » /۳ | نهایة الطلب |

| شماره | عنوان |
|---|---|
| » /۴ | خلاصة البیان |
| ۱۲۲۰ | نهایة الطلب |
| ۱۲۲۱ | شرح الزبدة |
| ۱۲۲۲ | بغیة الطالب |
| ۱۲۲۳/۱ | تذکرة اولی الالباب |
| » /۲ | مجربات |
| ۱۲۲۴ | رساله‌های منطقی |
| ۱۲۲۵ | جنگ کیمیائی |
| ۱۲۲۶ | شرح کافیه |
| ۱۲۲۷ | المسائل الفقهیه |
| ۱۲۲۸ | ترجمهٔ نهایهٔ طوسی |
| ۱۲۲۹ـ۱۲۳۴ | تاریخ الفی |
| ۱۲۳۵ | روضة الصائمین |

# غلطنامه

ص ١٠٧٥ س ١٠ چنین باید باشد : و کدو کذا (؟)

ص ١٠٨٤ س ١٤ » : او و دارد :

ص ١١١٥ س ١٤ » : ابونصر القریمی

ص ١١١٥ س ٢٠ » : إذاقضی

ص ١٢٠٠ س ٧ » : طوس ٥ : ١٠٣

ص ١٢٧٩ س ١٤ » : شیخ بهائی چنانکه

ص ١٢٨٠ س ٢٥ » : ١٠٤٩

ص ١٣٢٨ س ٢٣ » : [١٢٣٥]

ص ١٣٣٦ س ١٠ » ش ٥٠٢/٥ و ١٠٦٠

ص ١٣٣٦ س ٢٤ » : ش ١٠٦٠

ص ١٣٦٩ س ٨ » :کامل حسین

ص ١٥١٩ س ١٠ » : (١١:١)

ص ١٥٣٩ س ١٢ » : قرائة .

ص ١٥٦٤ س ٢٢ » : سال ٤ ش ٨

ص ١٦٠١ س ١٧ » : اتعاظ الحنفاء

ص ١٦٢٩ س ١٨ » . (ص ١١٤٠ همین فهرست)

ص ١٦٥٨ س ١٥ » : نمیتوان بکار بست

ص ١٧٢١ س ١٦ » ٧٩٨ (۹۰ ٧٨)

ص ١٨١٧ س ٧ » : الحکمة العملیه

ص ١٨٥٦ س ١١ » پس از ٧٦٠

ص ١٩٦٣ س ٥ » . این نسخه ش ١

ص ١٩٩٢ س ١٤ » : (طوس ٢ ١٠٧و٤٨٥٠٥)

ص ١٩٩٢ س ١٥ » : و خوانساری ( س ٢٠ ) در بارهٔ آن . . . گفته است
ودر امل الآمل ...

ص ۱۹۹٦ س ۲٥ چنین باید باشد : [۱۸٤۹]
ص ۱۹۹۷ س ۲٥ « : [۱۸٥۱]
ص ۲۰۱۷ س ۲۲ « : ۱۰۲۲ (به ۱۰۱۲)
ص ۲٤۰۷ س ٦ « : (۱۸۰ الف)

چنین بود غلطنامه و سه گونه فهرستی که خود نگارنده تهیه کرده است. اکنون فهرست نامهای کتابها و مؤلفان و دانشمندان وجایها و کسانیکه در چهار بخش این جلد از فهرست دانشگاه یاد شده است دیده میشود و این یکی فهرست نامها را دوست دانشمندم آقای منزوی گرد آورده است و بنده از ایشان بسیار سپاسگزار میباشم.

(محمد تقی دانش پژوه)

# فهرست

# نامها در بخشهای جلد سوم

بقلم آقای منزوی

# فهرست اعلام و اماکن و فرق

**اب د**



**اب ر**

## ابو ـ فتح



## ابو ـ قاس

## ابو-قاس

ابوالقاسم بن حبیب: ۱۴۰۰
میرزا ابوالقاسم بن محمد حسن گیلانی قمی
۱۱۷ [۱۱۹۳] ۱۱۹۳، ۱۱۹٤، ۱۱۹٤،
۱۱۹٦، ۱۱۹۷، ۱٦۷۲، ۱٦۷۳، [۱۸۰۱]
۱۸۰۲، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۳، ۱۸۰٤،
۱۸۰٤، ۱۸۰۵، ۱۸۰۵، ۱۸۰٦
ابوالقاسم بن سید حسین موسوی = ۲۰۹۲ =
» حسین علی شریف قزوینی
= ۱۳۱۰ =
» الحصین ۱۳۸۰
» ملامحمد رضای کمر بنی نوری
= ۷۲۲ = ۲۰۸۲
القاضی ابوالقاسم بن ریان: ۱۰۸۰، ۱۰۸۰
ابوالقاسم بن محمد زمان تفرینی قمی = ۲۳۷۹
امام ابوالقاسم بن عبدالصمد رومی [۹٦۳]
ابوالقاسم بن عبدالملك روحی: ۹۸٦
» علی اکبر گیلانی ۱٦٦۵، ۱۷۲۲
» علی حریری [۲۳۵۹] ۲۳٦۰
ابوالقاسم بن ابی عمر و عثمان بن عبدالباقی
دمشقی: ۱۱۰۲
استاد ابوالقاسم بن کمبج: ۱۱۷۹، ۱٤۵۷
ابوالقاسم الاسفراینی : عبدالجبار بن علی
۵۵۱، ۵۵۱
ابوالقاسم انطاکی: ۸٤۵
» بابر بهادر خاں غازی مغول : بابر
غازی مغول

## ابو - قاس

ابوالقاسم بلخی (معتزلی) ۵۷٦، ۱٦۲۳
» خوانساری-نجف ۲٤ مقدمه ۱۷۰۱
سید ابوالقاسم خوئی: ۱۲۳۵
ابوالقاسم رازی : ۲۵۷۰
سید ابوالقاسم سدهی سپاهانی: ۱٤۲۳
ابوالقاسم سلمی ۱۳۲٦
» الشریف بن میرزا محمد رضا حوزانی
سپاهانی: ٦۰۰
میرزا ابوالقاسم شیرازی ذهبی: ۲۱٦
» شیرازی = ۸۰۹ =
ابوالقاسم طائی: ۱٤۰٤، ۱۳۰٤
» طبری ۲۲۷٤
» علوی فاطمی طباطبائی [۲۳۷۹]
» العماد الطبری: ۱۸۰۹
» عراقی: ۲۲۱۳
میرزا ابوالقاسم فندرسکی : فندرسکی ۱۵۲،
۱۹۱
میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی ۱٦۸۱
ابوالقاسم قشیری : عبدالکریم بن هوزان
نیسابوری: ۷۵۵، ۱۰۰۰، ۲۵۸۲
ابوالقاسم کاتب فرزند حاج حسینعلی شریف
قزوینی : = ۲۰۸۲ =
ابوالقاسم کازرونی : = ۲۲۷۷ =
سید ابوالقاسم کربلائی ۲۰٦۳
ابوالقاسم کرمانی: ٤۸، ٤۹، ۵۰، ۱٤۷، ۱٦۹،
[۱٦۹] ۱٦۹، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳٤۰، ۹۲۲،
۲٤۱۰

## ح ا م



## ا ح م

ا ع ل



ا ف ا

## ال‌ف



## ام‌ا

« ب »

## باق



## باق

**ب ه ا**



**ب ه ا**

## « پ »

## پ ر گ

پور

« ت »

تفس



تفص

**تو ح**



**ت و ض**

**تھر**

٣٦٨، ٣٦٩، «٣٦٩» ٣٧٨، ٣٨٩ «٣٩٤»
«٤٢٤» «٤٢٥» ٤٣٣ «٤٤٠» «٤٤٨»
٤٥٥، «٤٥٦» ٤٥٦، ٤٥٧، ٤٦٠
«٤٦٨» «٤٧٦» ٤٧٦، ٤٧٨ ٤٨٢
٤٨٢، «٤٨٣» «٤٨٣» «٤٨٣»
«٤٨٥» «٤٨٥» «٤٨٥» ٤٨٦،
«٤٨٩» ٤٩٥ «٥٠٣» ٥١٤،
٥١٥، ٥٢٢ «٥٣١» ٥٣٧، ٥٤٠،
«٥٨٠» «٥٨٢» «٥٨٤» ٥٨٤
«٥٨٦» ٥٨٨، ٥٨٩، ٥٩٢ «٦٠٠»
«٦٠٠» «٦٠٦» ٦١٨ ٦١٩،
«٦٢٢» ٩٢٣ «٦٣٧» «٦٤٦
٦٤٩ «٦٥٢» ٦٥٦ «٦٥٨
«٦٥٩» ٦٦٤ ٦٧٣ ٦٧٨،
٦٧٩، ٦٧٩ ٦٨١ ٦٨١
«٦٨٢» ٧٠٨ ٧١٠ ٧٢٢،
٧٢٢، ٧٥٧، ٧٥٧، ٧٦٢، ٧٦٤،
٧٦٨ ٧٦٩، ٧٧٠، ٧٧١، «٧٨٤».
٧٨٥ «٧٨٩» ٧٨٩، ٨٠٢، ٨١٨،
٨١٣، ٨٤٥ ٨٤٧ ٨٥٢،
«٨٥٥» ٨٦٧ ٨٧٨ ٩٠٤،
«٩٠٦» «٩١٢» ٩١٢ ٩١٣ ٩١٣،
٩١٨، ٩١٩، ٩٤٥، ٩٥٠، ٩٥١، ٩٩٧،
١٠٠٨، ١٠٦٠، ١٠٦٦ ١٠٩٩،
١٠٩٩ ١١٠١ ١١٠١ ١١٠٣
١١٤١ ١١١١ ١١٨٤، ١١٩٢،
١١٠١ ١٢٠٢ ١٢٠٩ ١١١٠
١١٢١، ١٢٢١ ١٢٣٣ ١١٣٦، ١١١٦،

**تھر**

١٢٤٢، ١٢٤٣، ١٢٧٠، ١٢٧٧ «١٢٨٠»
«١٣٠٦» «١٣١٦» «١٣٣٢» ١٣٣٥
«١٣٣٨» «١٣٥٦» «١٣٨١» «١٤١١»
١٤٤٠ «١٤٥٢» «١٤٥٣» «١٤٥٥»
«١٤٦٠» «١٤٧٢» «١٤٧٣» ١٤٨١،
١٤٩٤، «١٥١٦» «١٥٣٣» «١٥٣٥»
١٦٥٣ ١٥٨٩ ١٥٩٣ «١٦٠٥»
«١٥٤٣» ١٦١٠، ١٦٢٨ «١٦٤٠»
١٦٦٠ «١٦٦٥» ١٦٦٧ «١٦٧٨،
١٦٧٩، ١٦٨٠، ١٦٨٢، ١٦٩٧، ١٦٩٨،
١٦٩٩، ١٧١٢، «١٧٢٢» «١٧٢٩»
١٧٣١ ١٧٣٣، ١٧٤٣، ١٧٤٤،
«١٧٤٨» «١٧٤٨» «١٧٥١» ١٧٧١
«١٨٠٠» «١٨١٩» ١٨٣٠ «١٨٤١»
١٨٤٤، ١٧٤٧، ١٨٤٧ «١٨٧٧» ١٨٧٧،
١٨٨١ «١٨٨١» ١٨٩٣، ١٩٠٠،
«١٩٠٢» «١٩٠٤» «١٩٢٨» ١٩٣٩،
«١٩٣٩» «١٩٥٠» «١٩٧٠» «١٩٨١»
١٩٩٤ ٢٠٠٢ ٢٠٠٥ «٢٠٢٩»
٢٠٣٦ ٢٠٦٩ «٢٠٧١» «٢١٢٤»
٢٠٣٣ ٢١٤٩ «٢١٥٢» «٢١٥٢»
٢١٦٠، ٢١٦٦ «٢١٦٦» «٢٢٠٤»
٢٢١٦ ٢٠٢٠ «٢٣٦٧» «٢٣٦٨»
«٢٣٧١» «٢٢٨٧» ٢٢٩٨ «٢٣١١»
«١٣٣١» «١٣٦٢» «٢٣٦٥، ٢٣٦٥،
١٣٦٦، ٢٣٩٦ «٢٣٩٨» ٢٤٠٥
«١٢١١» «١١٤١» «٢٥٨٥» «٢٥٨٦»
«٢٥٨٧» ٢٥٨٧ «٢٥٨٩» «٢٥٩٣»

« ث »

«ج»

## جرج



## جعف

«چ»

چاپ



چاپ

## «ح»

حسن

## حسن

حسی

سید حسین بن امیر محمد ابراهیم بن معصوم قزوینی حسینی : [ ٢٠٥٢ ] ٢٠٥٣ ، ٢٠٥٤

محمد حسین بن محمد ابراهیم سپاهانی : ٤٥٥ ==

سید حسین بن ابی الحسن : ١٦٦٤

حسین بن ابی الحسن بن خلف کاشغری ملقب بفضل : ٢٠٧٦

ابو عبدالله حسین بن ابو القاسم بن الحسین العودی الحلی : ١١٣٥

حسین بن احمد بن حسن ناصر کبیر الاطروش: ٢٠٣٠

حسین بن احمد بن سعدویه : ١١٢٩، ١١٣٠

میرزا حسین بن احمد گرجی : ٢٨٣

محمد حسین بن فخر الدین احمد موسوی : ١٥٦٢

سید نجم الدین حسین بن اردشیر طبری : ١٦١٢، ١٦١٢، ١٩٨٣

محمد حسین بن محمد اسماعیل آملی خراسانی : ١٤١٣ ==

محمد حسین بن حاج افضل بیک : - ١٣٨٨

محمد حسین بن محمد باقر سپاهانی ٠ ١٠٧٢

محمد حسین بن ملا محمد باقر یزدی : ٩٢١

شهاب الدین حسین بن ... : ١٢٥٠

حاج میرزا حسین بن محمد تقی نوری طبرسی : نوری ٢٤٤ ... ٤٩٦ ٥٧١ ١١٠٨ ١١٥٨ ١٥١٠

حسی

شیخ حسین بن جبر : ابن جبر : [١٥٨٧]

محمد حسین بن محمد جعفر : == ١٢٥٩ - ١٢٦٥

محمد حسین بن محمد جعفر استرآبادی : ٢٤٥٥ ==

حسین بن جعفر ماحوزی بحرانی : ١٧٣٦!

حسین بن حبیب کرکی عاملی : ٦٦٠ ==

میر سید حسین بن بدر الدین حسن اعرجی حسینی کرکی عاملی : ١٤٠

ابو محمد الحسن بن حسن بن محمد بن محمد: ١٤٣٠

میر سید حسین مجتهد بن ضیاء الدین حسن کرکی عاملی : [١٤٠] [٢٢٢٢]

حسین بن حسن بن یونس عاملی ظهیری ٠ ١٧٩٤، ١٧٩٥، ١٧٩٦

سید حسین بن حسن حسینی : ١٧٧٤

حسین بن حسن استرآبادی سمی : ١٨٥٧ - ١٨٥٨

حسین بن حسن خوارزمی کبروی ٠ ٩٢٦

حسین بن حمدان حصینی ١٣٤٣

حسین بن حمدان خیلانی ٠ ١٣٤٣

سلطان حیدر حسینی : == ٢٢٨ ==

سید حسین بن حیدر کرکی : حسین کرکی ٠ ١٢٩ | ١٤٠ | ١٥٢، ٢٤١، ٥٠٤ = ٥٠٤ ٥٢٦ | ٥٢٧ | ٥٢٨، ٥٢٩ ٥٢٩ ١٣١٣، ١٣٨٠ - ٤٢٨ == ٤٦٥، ١٧٩٣

حسین بن داود بن علی ٠ ٢٥٧٨

شهاب الدین حسین بن دده ٠ ١٩٨٣

۱۶۱۱

محمد حسین بن سلطان محمد اورونقی خوئی: [۱۶۴۰] ۱۶۴۱

حسین بن سید محمد حسینی : = ۱۳۱۹ --

ابوالقاسم حسین بن محمد الجنابی : ۱۰۸۰

آقا حسین بن جمال الدین محمد خوانساری : آقا حسین خوانساری [۲۲۸] ۱۳۴۳ ، ۱۴۲۱

حسین بن محمد زیدی حسنی ۰ [۱۱۸۹]

مولی حسن بن حاجی مولی محمد واعظ شوشتری ۱۷۷۹

ناصرالدین حسین بن محمد کرمانی : ۱۱۳=-

حسین بن محمد موسوی : ۱۱۲۳

» محمد نجار : ۵۵۵،۱۵۶۷

مؤیدالدین حسین بن محمد وزیر :☆۶۸۷

ملک حسین بن محمود شاه اردکانی : - ۲۳۸=

محمد حسن بن مرتضی طباطبائی یزدی : [۲۲۵۳]

ابومحمد حسین بن مسعود بغوی شافعی : [۱۵۳۰] ۱۵۳۱ [۱۹۶۱] ۱۹۶۲

حسن بن مسلم بن حسن شعری ابن شعیر عاملی =۶۷۹ - -۶۸۳=

حسن بن منصور : ۴۸۷

سلطان حسین بن منصور بایقرا : سلطان حسین بایقرا ☆ ۶۵۸

حسین بن منصور : حلاج : ۴۱۶ ، ۶۵۳ ،



۲۳۷۵

حسین بن مهدی بن کاظم مشهدی : ۱۷۳۰

محمد حسین بن محمد مهدی همدانی : =۱۸۰۲ = =۱۸۰۳ = =۱۸۰۴ = —۱۸۰۵= —

ابوعلی حسین بن میرمیران : ۶۶۷

حسین بن هبةالله بن رطبه : ۱۶۱۰

حسین بن یقطین : ۱۰۷۱

شیخ حسین آل عصفور درازی بحرانی : ۱۰۶۳

سید حسن آملی سپاهانی (سلطان العلماء) : ۶۵۰ [۲۲۶۳]

سید حسین اخلاطی : ۸۴۰

حسین اخلاطی شالی : [۴۳۵]

شیخ حسن اعسم نجفی : ۱۹۲۶

سلطان حسین بایقرا : ☆ ۶۵۸،۸۲۳،۸۲۳

حاج آقا حسین بروجردی : ۱۴۵۰، ۱۴۵۲، ۱۹۰۲،۲۵۸۶

سلطان حسن بهادرخان : ☆۹۱۱

حسن پاشا : ۲۱۰۴

» خان امیر بهادر جنگ : ۱۲۳۶

محمد حسن تبریزی : ۱۱۱۴

محمد حسن تهرانی : ۱۸۲۲

» جربادقانی : =۵۲۴=

آقا میرزا محمد حسن چراغچی باشی : ۱۹۷۹

نصیرالدین حسین الحرالحسنی : =٤= =۸۰= ۴۳۶

## ح س ی



## ح س ی

## ح ل ی

«خ»

## « ذ »

« ر »

## «ز»

زما



زهر

## « ژ »

ژ ی ل



س ب ع



## « س »

## «ش»

## ش ر ح



## ش ر ح

## ش ر ح



## ش ر ی

## ش ه ی

# « ص »

صال

**ص ی ن**



**ص ی ا**



## «ض»

## «ظ»

«ع»

## ع ب د



## ع ب د

ع ب د



ع ب د

## ع ب د

## ع ر ض



## ع ر ی

## ع ل ی

۱۹۰۴ ☆

علی بن مہرویۃ : ۱۴۰۵

» میثم : ۵٦۵

» ناصر : ١٦٠٦

» ناصر بن رضا حسینی : ١٦٠٦

» ناصر سرخسی نیشاپوری : ۷۰۳،
۷۰۴

» ناصر بن محمد نوقانی : ١٦٠٦

» ناصر بن ابی طالب ہمدانی ١٦٠٦٠

» نصر بن ہارون حلی : ١٦١١

محمدعلی بن محمد نبی کزاری : --- ۲۹۷ =

قاضی علی بن نعمان : ١٦٠١

شرف الدین علی بن نعمۃ الموسوی : ۱۲۷۴

علاءالدین علی بن نفیس وریسی ۷۷۸،۷۷۲

قاضی علی بن ودیع طبرانی : ۱۴۳۰

علی بن وهسودان : ۲۰۳۱

ابوالحسن علی بن ہرون صابی : ۲۲۳۰

میرزا سید علی بن محمد ہاشم شبراری :
۴۰۴

علی بن ہلال : ۴۳۱

» ہلال جزائری : ۱۵۴۸،٦۲٦،۵۷۲،
۲۱۳۹،۲۰۱۹،۱۹٦۹،۱۷٦۰

شیخ علی بن یحیی حیاط : ١٦١١

علی بن یحیی منجم : ۲۱ مقدمہ

» یوسف : --- ۲۵۰

الملک علی بن صلاح الدین یوسف ایوبی :
صلاح ۲۱۴۰

سلطان علی بن یوسف : ۲۱۴۰،۲۱۳۹

## ع ل ی

علی بن یوسف قفصی مصری : [٦۹۳]

» یوسف بن دایہ مصری : ۸۵٦

» یوسف مغربی : ۲۳٦۹

زین الدین علی بن یونس نساطی بیاضی :
۲۲۲۳

ظہیرالدین علی بن یوسف نیلی : ۱۸۵٦

میرزا محمدعلی : ۱۰۸۷

سلطان میرزاعلی فرمانروای گیلان : ۸۹۵

محمدعلی (ش) : =۳=٦ ، =۳٦=
=۵۷= =٦۰= =۱۳٦ =
=١٦۲= =۱۷۴= =۱۸٦=
=۱۸۷= =۱۹۳= =۱۹۵=
=۲۰۴= =۲۰۷= =۲۲۱=
=۲٦۰= =۲۷٦= =۳۰۱=
=۳۱۸= =۳۱۹= =۳۲۷=
=۳۲۸= =۳۷۹= =۳۸۲=
=۳۸۴= =۳۸۵= =۳۹۱=
=۳۹٦= =۳۹۹= =۴۱۲=
=۴۵۰= =۴٦۳= =۴۷۸=
=۴۹۵= =۵۰٦= =٦۴۳=
=۴۷۸= =۴۹۵= =۵۰٦=
=٦۴۳= =٦٦۵= =٦۷٦=
=۸۴۱= =۱۹۳۱=

حاجی علی آقا : ۱۲۳۱

خواجہ علی آملی : ☆ ۱۵۱۸

علی معروف بابن العربیۃ : ابن العربیۃ

حاج سید محمدعلی اردوبادی : ۱۹۰۰

ع ل ی



ع ل ی

# غ

## «ف»

### ف ا ر

## ف ص و



## ف ض ل

## ف و ا



## ف و ا

«ق»

## ق ا ی



## ق ر ا

## ق ر ی



## ق س و

« ك »

## ك ش ف



## ك ش ف

# «گ»

## گ زا



## گفت

# ل

## لمحہ



## لوا

# (م)

م ت ح



م ش ن

**محمد بن موسی**

محمد بن مسعود عیاشی : ۱۲۷۰

« « عزنوی عزیزی : ۷۶۰

« « مسعودی : ۸۶۷

« « مقدسی : ۲۲۳۰

« المطہر الحلـی : محمد بن حسن

فخر المحققین حلی

محمد بن المظفر : ۱۱۱۶

صفی الدین محمد بن محمد موسوی : ۲۱۹۵

ابو سلیمان محمد بن معشر بستی مقدسی :

۲۲۲۸

تاج الدین محمد بن معیة دیباجی : ۱۹۰۵ ،

۲۱۹۵

محمد بن مفید قاضی سعیدا قمی

شمس الدین محمد بن مکی : شہید یکم

محمد بن مکی بن علی عاملی ۲۰۳۹

ابو نصر محمد بن منصور حسنی فارسی :

۲۱۳۰

میر صدر الدین محمد بن میر غیاث الدین منصور

دشتکی : دشتکی ۱۱۹ : ۱۴۷۱ [۲۱۹۱]

۲۱۹۲

محمد بن منصور موسوی ۷۷۲

« منصور بن علی دیوانی مقری : ۱۵۶۷

محمد بن موسی ۷۷۱

ابو بکر محمد بن موسی خوارزمی حنفی :

۹۵۱ ، ۱۶۰۲

محمد بن موسی خوارزمی منجم ۷۰ ، ۹۵۱

**محمد بن نما**

ابو جعفر محمد بن موسی درویستی : ۱۳۳۹

۱۶۰۹

محمد بن موسی قاضی : ۱۳۱۵

« « قدسی : ۲۳۲۰

ابو الفرج محمد بن موسی : کاتب قزوینی :

۱۳۶۸ : ۱۴۵۱

محمد بن مومن شیرازی : ۱۳۵۰

شیخ محمد بن حاج ملا مومن ہروی : [۶۸۰]

=۶۸۰=

محمد بن مہتار (ابن مہتار): [۲۲۶۶]

ملا محمد بن محمد مہدی : =۷۸۷=

میرزا قوام الدین محمد بن محمد مہدی قزوینی

سیفی : ۹۱۲ [۱۸۲۱] ۱۸۲۲ ، ۱۸۲۴

محمد بن مہران : ۱۴۲۱

ابو عبد اللہ محمد بن میر میران : ۶۶۷

محمد بن حاجی نادعلی : = ۱۷۴ =

=۳۹۴=

شمس الدین محمد بن نجدۃ : ابن نجدۃ :

۱۶۱۰ ، ۱۶۱۳

محمد بن نجیح حلی : ۱۱۰۱ ، ۱۱۰۳

« نظام استر آبادی : ۱۹۶۶

« نظام الدین عصام : ۱۴۹۹

« نعمان : مفید

« نقی : ۲۱۶۵

« « تبریزی : ۱۸۸۶

نجیب الدین محمد بن نما حلی : ابن نما ۱۶۱۰

، ۲۰۱۵ ، ۲۱۹۵ ، ۲۵۸۵

مص ا



مص ب

مفا



مفت

«ن»

## ن ف ل



## ن ق ض

**ن و ر**



**ن ه ا**

« و »

« ه »

«ی»

## راهنما :

اینك که فهرست اعلام و اماکن و کتب مذکور در فهرست کتابخانهٔ اهدائی جناب آقای مشکوة بپایان میرسد ، لازم است علامتها که در آن استعمال شده و مراجعه کننده را دراستخراج نامها مساعدت میکنند درذیل ذکرنمایم .

**الف :**

۱- « ك » پس از نامها علامت اسم کتاب است .

۲- « ش » علامت اسم شخص میباشد .

۳- « م » علامت اسم مکان است .

٤- « ف » علامت فرقه ، مذهب ، ملت است .

ب :

۱- رقمی که درمیان این علامت [...] باشد دراینصفحه بتفصیل پرداخته‌است .

۲- رقم میان این علامت « ... » نام شهریست که چاپخانه درآنست .

۳- رقم میان این علامت =...= نام کاتب و نویسنده است .

٤- رقم پس از این علامت ☆ نام شخص مهدی الیه (کتاب بنام او نوشته شده) است .

ج :

این علامت · بجای جملهٔ « رجوع کنید به . . » بکاررفته است .

# یادآوری

با این کتاب که بخش چهارم جلد سوم یا مجلد ششم از فهرست کتابخانهٔ دانشگاه
میباشد شمارش و شناسائی کتابهائی را که استاد دانشگاه جناب آقای سید محمد مشکوة
اهداء فرموده‌اند بپایان نرسیده و در حدود پنجاه مجلد کتاب است که استاد برای این
کتابخانه اختصاص داده و از این پس بتدریج اهداء کرده‌اند و خوانندگان گرامی در انتظار
مجلد هفتم این فهرست باشند که در آن، این کتابها نیز فهرست و شناسانده خواهد شد.

-١ -٢ -٣ -٤ -٥ -٦ -٧ -٨ -٩ -١٠ -١١ -١٢ -١٣ -١٤ -١٥ -١٦ -١٧ -١٨ -١٩ -٢٠ -٢١ -٢٢ -٢٣ -٢٤ -٢٥ -٢٦ -٢٧ -٢٨ -٢٩ -٣٠

# ذيل فهرست مخطوطات
## خزانة السيد المشكاة
## المهداة الى مكتبة جامعة طهران

تأليف :

محمد تقى دانش‌پژوه

مطبعة جامعة طهران

١٣٧٥-١٩٥٦

# Supplément du Catalogue Méthodique, Descriptif et Raisonné de la Bibliothèque de l'Université de Téhéran
## (Don de M. le Professeur Meshkât)

Par

M.T. Dâneche – Pajouh

Imprimerie de l'Université

1956

# انتشارات دانشگاه تهران

| عنوان | مؤلف |
| --- | --- |
| وراثت (۱) | تألیف دکتر عزت‌الله خبیری |
| A Strain Theory of Matter | » » محمود حسابی |
| آراء فلاسفه دربارهٔ عادت | ترجمهٔ » برزو سپهری |
| کالبدشناسی هنری | تألیف » نعمت‌الله کیهانی |
| تاریخ بیهقی جلد دوم | بتصحیح سعید نفیسی |
| بیماریهای دندان | تألیف دکتر محمود سیاسی |
| بهداشت و بازرسی خوراکیها | » » سرهنگ شمس |
| حماسه سرائی در ایران | » » ذبیح‌الله صفا |
| مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی | » » محمد معین |
| نقشه برداری جلد دوم | » مهندس حسن شمسی |
| گیاه شناسی | » حسین گل گلاب |
| اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی | بتصحیح مدرس رضوی |
| تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول | تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی |
| روش تجزیه | » » علی‌اکبر پریمن |
| تاریخ افضل ـ بدایع الازمان فی وقایع کرمان | فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی |
| حقوق اساسی | تألیف دکتر قاسم زاده |
| فقه و تجارت | » زین‌العابدین ذوالمجدین |
| راهنمای دانشگاه | — |
| مقررات دانشگاه | — |
| درختان جنگلی ایران | » مهندس حبیب‌الله ثابتی |
| راهنمای دانشگاه بانگلیسی | — |
| راهنمای دانشگاه بفرانسه | |
| Les Espaces Normaux | تألیف دکتر هشترودی |
| موسیقی دورهٔ ساسانی | » مهدی برکشلی |
| حماسه ملی ایران | ترجمهٔ بزرگ علوی |
| زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک | تألیف دکتر عزت‌الله خبیری |
| هندسه تحلیلی | » » علینقی وحدتی |
| اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول | تألیف دکتر یگانه حایری |
| اصول گداز و استخراج فلزات » دوم | » » » |
| اصول گداز و استخراج فلزات » سوم | » » » |

| عنوان | مؤلف |
| --- | --- |
| ٣٠ـ رياضيات در شيمى | نگارش دكتر هورفر |
| ٣١ـ جنگل شناسى جلد اول | » مرحوم مهندس كريم ساعى |
| ٣٢ـ اصول آموزش و پرورش | » دكتر محمد باقر هوشيار |
| ٣٤ـ فيزيولژى گياهى جلداول | » » اسمعيل زاهدى |
| ٣٥ـ جبر و آناليز | نگارش دكتر محمدعلى مجتهدى |
| ٣٦ـ گزارش سفر هند | » » غلامحسين صديقى |
| ٣٧ـ تحقيق انتقادى در عروض فارسى | » » پرويز ناتل خانلرى |
| ٣٨ـ تاريخ صنايع ايران ـ ظروف سفالين | » » مهدى بهرامى |
| ٣٩ـ واژه نامه طبرى | » » صادق كيا |
| ٤٠ـ تاريخ صنايع اروپا درقرون وسطى | » عيسى بهنام |
| ٤١ـ تاريخ اسلام | » دكتر فياض |
| ٤٢ـ جانورشناسى عمومى | » » فاطمى |
| ٤٣ـ Les Connexions Normales | » » هشترودى |
| ٤٤ـ كالبد شناسى توصيفى (١) ـ استخوان‌شناسى | » دكتر اميراعلم ـ دكتر حكيم<br>دكتر كيهانى ـ دكتر نجم آبادى ـ دكتر نيك نفس ـ دكتر نائينى |
| ٤٥ـ روان‌شناسى كودك | نگارش دكتر مهدى جلالى |
| ٤٦ـ اصول شيمى پزشكى | » » آ. وارتانى |
| ٤٧ـ ترجمه و شرح تبصرۀ علامه جلداول | » زين العابدين ذوالمجدين |
| ٤٨ـ اكوستيك «صوت» (١) ارتعاشات ـ سرعت | » دكتر ضياء الدين اسمعيل بيگى |
| ٤٩ـ انگل شناسى | » » ناصر انصارى |
| ٥٠ـ نظريه توابع متغير مختلط | » » افضلى پور |
| ٥١ـ هندسه ترسيمى و هندسه رقومى | » احمد بيرشك |
| ٥٢ـ درس اللغة والادب (١) | » دكتر محمدى |
| ٥٣ـ جانورشناسى سيستماتيك | » » آزرم |
| ٥٤ـ پزشكى عملى | » » نجم آبادى |
| ٥٥ـ روش تهيه مواد آلى | » » صفوى گلپايگانى |
| ٥٦ـ مامائى | » » آهى |
| ٥٧ فيزيولژى گياهى جلددوم | » » زاهدى |
| ٥٨ فلسفه آموزش و پرورش | » دكتر صبح‌الله اميرهوشمند |
| ٥٩ [illegible] آنالیز | » » على اكبر پريمن |
| ٦٠ [illegible] | » مهندس [illegible] |
| ٦١ [illegible] | ترجمه مرحوم غلامحسين زيرك‌زاده |
| ٦٢ اصول علم الاقتصاد | تأليف دكتر محمود كيهان |
| ٦٣ـ مقاومت مصالح | » مهندس گوهريان |
| ٦٤ [illegible] | » مهندس ميردامادى |
| ٦٥ [illegible] | » دكتر آرمين |

| | |
|---|---|
| ٦٦- مکانیک فیزیک | تالیف دکتر کمال جناب |
| ٦٧- کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی | » » امیراعلم- دکتر حکیم- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی- دکتر نیک نفس |
| ٦٨- درمانشناسی جلد اول | تألیف دکتر عطائی |
| ٦٩- درمانشناسی »دوم | » » » |
| ٧٠- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات | » مهندس حبیب‌الله ثابتی |
| ٧١- شیمی آنالیتیک | » دکتر گاگیک |
| ٧٢- اقتصادجلداول | » » علی‌اصغر پورهمایون |
| ٧٣- دیوان سیدحسن غزنوی | بتصحیح مدرس رضوی |
| ٧٤- راهنمای دانشگاه | — |
| ٧٥- اقتصاد اجتماعی | تألیف دکتر شیدفر |
| ٧٦- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم | » » حسن ستوده تهرانی |
| ٧٧- زیبا شناسی | » علینقی وزیری |
| ٧٨- تئوری سنتیک گازها | » دکتر روشن |
| ٧٩- کارآموزی داروسازی | » » جنیدی |
| ٨٠- قوانین دامپزشکی | » » میمندی‌نژاد |
| ٨١- جنگل‌شناسی جلد دوم | » مرحوم مهندس ساعی |
| ٨٢- استقلال آمریکا | » دکتر مجیر شیبانی |
| ٨٣- کنجکاویهای علمی و ادبی | — |
| ٨٤- ادوار فقه | » محمود شهابی |
| ٨٥- دینامیک گازها | » دکتر غفاری |
| ٨٦- آئین دادرسی دراسلام | » محمد سنگلجی |
| ٨٧- ادبیات فرانسه | » دکتر سپهبدی |
| ٨٨- از سربن تا یونسکو- دو ماه در پاریس | » » علی‌اکبر سیاسی |
| ٨٩- حقوق تطبیقی | » » حسن افشار |
| ٩٠- میکروب‌شناسی جلد اول | تألیف دکتر سهراب-دکتر میردامادی |
| ٩١- میزراه جلد اول | » » حسین گلژ |
| ٩٢- » » دوم | » » » » |
| ٩٣- کالبد شکافی (تشریح عملی دست و پا) | » » نعمت‌الله کیهانی |
| ٩٤- ترجمه و شرح تبصره علامه جلد دوم | » زین‌العابدین ذوالمجدین |
| ٩٥- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی | » دکتر امیراعلم-دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی- دکتر نیک نفس |
| ٩٦- » » (۴) - رگ شناسی | » » » » |
| ٩٧- بیماریهای گوش و حلق و بینی جلداول | تألیف دکتر جمشید اعلم |
| ٩٨- هندسهٔ تحلیلی | » » کامکار پارسی |
| ٩٩- جبر و آنالیز | » » » » |
| ١٠٠- تفوق و برتری اسپانیا (١٥٥٩-١٦٦٠) | » » بیانی |

۱ـ کالبدشناسی توصیفی ـ استخوان‌شناسی اسب — تألیف دکتر میر بابائی

۱ـ تاریخ عقاید سیاسی — » » محسن عزیزی

۱ـ آزمایش و تصفیه آبها — نگارش » محمد جواد جنیدی

۱ـ هشت مقاله تاریخی وادبی — » نصرالله فلسفی

۱۰ـ فیه مافیه — » بدیع‌الزمان فروزانفر

۱۰ـ جغرافیای اقتصادی جلد اول — » دکتر محسن عزیزی

۱۰ـ الکتریسیته وموارد استعمال آن — » مهندس عبدالله ریاضی

۱۰ـ مبادلات انرژی درگیاه — » دکتراسمعیل زاهدی

۱۰ـ تلخیص‌البیان‌عن‌مجازات‌القران — » سید محمد باقر سبزواری

۱۱ـ دو رساله ـ وضع الفاظ و قاعده لاضرر — » محمود شهابی

۱۱ـ شیمی آلی جلداول تئوری واصول‌کلی — » دکتر عابدی

۱۱ـ شیمی آلی «ارگانیك» جلداول — » » شیخ

۱۱ـ حکمت‌الهی عام و خاص — نگارش مهدی‌قمشهٔ

۱ـ امراض‌حلق‌و بینی وحنجره — » دکتر علیم مروستی

۱ـ آنالیز ریاضی — » » منوچهر وصال

۱ـ هندسه تحلیلی — » » احمد عقیلی

۱ـ شکسته بندی جلد دوم — » » امیر کیا

۱ـ باغبانی (۱) باغبانی عمومی — » مهندس‌شیبانی

۱ـ اساس التوحید — » مهدی آشتیانی

۱ـ فیزیك پزشکی — » دکترفرهاد

۱ـ اکوستیك « صوت » (۲) مشخصات صوت - لوله ـ تار — » » اسمعیل‌بیگی

۱ـ جراحی فوری‌اطفال — » » مرعشی

۱ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة(۱) — » علینقی منزوی تهرانی

۱ـ چشم‌پزشکی جلداول — » دکتر ضرابی

۱ـ شیمی‌فیزیك — » » بازرگان

۱ـ بیماریهای گیاه — » » خبیری

۱ـ بحث‌در مسائل‌پرورش‌اخلاقی — » » سپهری

۱ـ اصول‌عقاید و کرائم‌اخلاق — » زین‌العابدین ذوالمجدین

۱ـ تاریخ کشاورزی — » دکتر تقی‌بهرامی

۱ـ کالبدشناسی انسانی(۱) سر و گردن — » » حکیم ودکتر گنج‌بخش

۱ـ امراض‌واگیر دام — » » رستگار

۱ـ درس‌اللغة والادب(۲) — » » محمدی

۱۱ـ واژه نامه گرگانی — » » صادق کیا

۱۱ ـ آلت یاخته شناسی — » » عزیز رفیعی

۱۱ـ حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده) — » » قاسم زاده

۱۱ ـ تحشله و زیبائی پلاستیك — » » کیهانی

۱۱ـ طیف‌جذبی واشعه ایکس — » » فاضل زندی

| شماره | عنوان | مؤلف |
|---|---|---|
| ١٣٨ـ | مصنفات افضل الدین کاشانی | نگارش دکتر مینوی ویحیی مهدوی |
| ١٣٩ـ | روان‌شناسی (از لحاظ تربیت) | » » علی‌اکبر سیاسی |
| ١٤٠ـ | ترمودینامیک (١) | » مهندس بازرگان |
| ١٤١ـ | بهداشت روستائی | نگارش دکتر زوین |
| ١٤٢ـ | زمین شناسی | » » یدالله سحابی |
| ١٤٣ـ | مکانیک عمومی | » » مجتبی ریاضی |
| ١٤٤ـ | فیزیولوژی جلد اول | » » کاتوزیان |
| ١٤٥ـ | کالبدشناسی و فیزیولوژی | » » نصرالله نیک‌نفس |
| ١٤٦ـ | تاریخ تمدن ساسانی جلد اول | » سعید نفیسی |
| ١٤٧ـ | کالبدشناسی توصیفی (٥) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی | » دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیک‌نفس |
| ١٤٨ـ | کالبدشناسی توصیفی (٥) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی | » » » » |
| ١٤٩ـ | کالبدشناسی توصیفی (٦) اعضای حواس پنجگانه | » » » » |
| ١٥٠ـ | هندسه عالی (گروه و هندسه) | تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه |
| ١٥١ـ | اندام‌شناسی گیاهان | » » پارسا |
| ١٥٢ـ | چشم پزشکی (٢) | نگارش دکتر ضرابی |
| ١٥٣ـ | بهداشت شهری | » » اعتمادیان |
| ١٥٤ـ | انشاء انگلیسی | » بازارگادی |
| ١٥٥ـ | شیمی آلی (ارگانیک) (٢) | » دکتر شیخ |
| ١٥٦ـ | آسیب شناسی (گانگلیوت استار) | » » آرمین |
| ١٥٧ـ | تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی | » » ذبیح‌الله صفا |
| ١٥٨ـ | تفسیر خواجه عبدالله انصاری | بتصحیح علی‌اصغر حکمت |
| ١٥٩ـ | حشره‌شناسی | تألیف جلال افشار |
| ١٦٠ـ | نشانه‌شناسی (علم‌العلامات) جلد اول | » دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد |
| ١٦١ـ | نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب | » » صادق صبا |
| ١٦٢ـ | آسیب‌شناسی عملی | » » حسین رحمتیان |
| ١٦٣ـ | احتمالات و آمار | » » مهدوی اردبیلی |
| ١٦٤ـ | الکتریسته صنعتی | » » محمد مظفری زنگنه |
| ١٦٥ـ | آئین دادرسی کیفری | » » محمدعلی هدایتی |
| ١٦٦ـ | اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده) | » » علی‌اصغر پورهمایون |
| ١٦٧ـ | فیزیک (تابش) | » » روشن |
| ١٦٨ـ | فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم) | » علینقی منزوی |
| ١٦٩ـ | » » » » » (جلد سوم ـ قسمت اول) | » محمدتقی دانشپژوه |
| ١٧٠ـ | رساله بود و نمود | » محمود شهابی |
| ١٧١ـ | زندگانی شاه‌عباس اول | » نصرالله فلسفی |
| ١٧٢ـ | تاریخ بیهقی (جلد سوم) | بتصحیح سعید نفیسی |
| ١٧٣ـ | فهرست نشریات ابوعلی‌سینا بزبان فرانسه | » » » |

| عنوان | مؤلف |
|---|---|
| ـ تاریخ مصر (جلد اول) | تألیف احمد بهمنش |
| ـ آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال | « دکتر آرمین |
| ـ نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانتیک | « مرحوم زیرک‌زاده |
| ـ فیزیولوژی (طب عمومی) | نگارش دکتر مصباح |
| ـ خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس) | « « زندی |
| ـ تاریخ مصر (جلد دوم) | « احمد بهمنش |
| ـ سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین | « دکتر صدیق اعلم |
| ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم ـ قسمت دوم) | « محمدتقی دانش‌پژوه |
| ـ اصول فن کتابداری | « دکتر محسن صبا |
| ـ رادیو الکتریسیته | « « رحیمی |
| ـ پیوره | « « محمود سیاسی |
| ـ چهار رساله | « محمد سنگلجی |
| ـ آسیب‌شناسی (جلد دوم) | « دکتر آرمین |
| ـ یادداشت‌های مرحوم قزوینی | فراهم‌آورده آقای ایرج افشار |
| ـ استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم) | تألیف دکتر میربابائی |
| ـ جغرافیای عمومی (جلد اول) | « « مستوفی |
| ـ بیماریهای واگیر (جلد اول) | « « غلامعلی بینش‌ور |
| ـ بتن فولادی (جلد اول) | « مهندس خلیلی |
| ـ حساب جامع و فاضل | نگارش دکتر مجتهدی |
| ـ ترجمهٔ مبدء و معاد | ترجمه آقای محمود شهابی |
| ـ تاریخ ادبیات روسی | تألیف « سعید نفیسی |
| ـ تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم) | « « « « |
| ـ درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون | « دکتر پرفسور شمس |
| ـ شیمی و فیزیک (جلد اول) | « « توسلی |
| ـ فیزیولوژی عمومی | « « شیبانی |
| ـ داروسازی جالینوسی | « « مقدم |
| ـ علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم) | « « میمندی نژاد |
| ـ استخوان شناسی (جلد اول) | « « نعمت‌اله کیهانی |
| ـ پیوره (جلد دوم) | « « محمود سیاسی |
| ـ علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید | « « علی‌اکبر سیاسی |
| ـ قواعد فقه | « آقای محمود شهابی |
| ـ تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران | « دکتر علی‌اکبر بینا |
| ـ فهرست مصنفات ابن سینا | « « مهدوی |
| ـ مخارج الحروف | تصحیح و ترجمهٔ دکتر پرویز ناتل‌خانلری |
| ـ عیون الحکمة | از ابن سینا ـ چاپ عکسی |

| عنوان | مؤلف |
| --- | --- |
| ۲۰۹- شیمی بیولوژی | تألیف دکتر مافی |
| ۲۱۰- میکرب‌شناسی (جلد دوم) | « آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی |
| ۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران | « مهندس عباس دواچی |
| ۲۱۲- هواشناسی | « دکتر محمد منجمی |
| ۲۱۳- حقوق مدنی | « « سیدحسن امامی |
| ۲۱۴- ماخذ قصص و تمثیلات مثنوی | نگارش آقای فروزانفر |
| ۲۱۵- مکانیك استدلالی | « پرفسور فاطمی |
| ۲۱۶- ترمودینامیك (جلد دوم) | « مهندس بازرگان |
| ۲۱۸- گروه بندی و انتقال خون | « دکتر یحیی پویا |
| ۲۱۸- فیزیك، ترمودینامیك (جلداول) | « « روشن |
| ۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم) | « « میرسپاسی |
| ۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول) | « « میمندی‌نژاد |
| ۲۲۱- حالات‌عصبانی یا نوروز | ترجمه « چهرازی |
| ۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش) | تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی- دکتر نجم‌آبادی- دکتر نیك‌نفس |
| ۲۲۳- علم‌الاجتماع | تألیف دکتر مهدوی |
| ۲۲۴- الهیات | « فاضل تونی |
| ۲۲۵- هیدرولیك عمومی | « مهندس ریاضی |
| ۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلداول) | تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی |
| ۲۲۷- آسیب‌شناسی آزردکیهای سورنال « غده فوق کلیوی » | « « آرمین |
| ۲۲۸- اصول‌الصرف | « علی‌اکبر شهابی |
| ۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران | تألیف دکتر علی کنی |
| ۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم) | نگارش دکتر روشن |
| ۲۳۱- راهنمای دانشگاه | — |
| ۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی | — |
| ۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل) | نگارش دکتر فضل‌الله صدیق |
| ۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران | « دکتر تقی بهرامی |
| ۲۳۵- ترجمه‌النهایه با تصحیح و مقدمه (۱) | « آقای سیدمحمد سبزواری |
| ۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲) | « دکتر مهدوی اردبیلی |
| ۲۳۷- اصول تشریح چوب | « مهندس رضا حجازی |
| ۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلداول) | « دکتر رحمتیان دکتر شمسا |
| ۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی | « « بهمنش |
| ۲۴۰- شیمی تجزیه | « « شیروانی |
| ۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا | « « ضیاءالدین اسمعیل بیکی |
| ۲۴۲- پانزده گفتار | « آقای مجتبی مینوی |
| ۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم) | « دکتر یحیی پویا |

۲۷۷ـ مدخل منطق صورت　　نگارش دکتر غلامحسین مصاحب

۲۷۸ـ ویروسها　　« « فرج‌الله شفا

۲۷۹ـ تالفیت‌ها (آلکها)　　« « عزت‌الله خبیری

۲۸۰ـ گیاه‌شناسی سیستماتیك　　« « محمد درویش

۲۸۱ـ تیره‌شناسی (جلد دوم)　　« « پارسا

۲۸۲ـ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی　　« مدرس رضوی

۲۸۳ـ احادیث مثنوی　　« آقای فروزانفر

۲۸۴ـ قواعد النحو　　« قاسم تویسرکانی

۲۸۵ـ آزمایشهای فیزیك　　« دکتر محمدباقر محمودیان

۲۸۶ـ پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی　　« « محمود نجم‌آبادی

۲۸۷ـ بیماریهای خون (جلد سوم)　　« « یحیی پویا

۲۸۸ـ جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول　　« « احمد شفائی

۲۸۹ـ مکانیك فیزیك (اندازه گیری مکانیك نقطه مادی و فرضیه نسبی) (چاپ دوم)　　« « کمال‌الدین جناب

۲۹۰ـ بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه) « « محمدتقی قوامیان

۲۹۱ـ اکوستیك (صوت) چاپ دوم　　« « ضیاءالدین اسماعیل بیگی

۲۹۲ـ چهار مقاله　　بتصحیح « محمد معین

۲۹۳ـ داریوش یکم (پادشاه پارسها)　　نگارش « منشی‌زاده

۲۹۴ـ کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن ـ سلسلهٔ اعصاب مرکزی « « نعمت‌الله کیهانی

۲۹۵ ـ درس‌اللغة و الادب (۱) چاپ دوم　　« « محمد محمدی

۲۹۶ـ سه گفتار خواجه طوسی　　بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۲۹۷ ـ Sur les espaces de Riement　　نگارش دکتر هشترودی

۲۹۸ ـ فصول خواجه طوسی　　بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

۲۹۹ ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش سوم　　نگارش محمدتقی دانش‌پژوه

۳۰۰ ـ الرسالة المعینیة　　« « «

۳۰۱ ـ آغاز و انجام　　« ایرج افشار

۳۰۲ـ رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی　　بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه

ذیل فهرست مخطوطات
خزانة السید المشکاة
المهداة الی مکتبة جامعة طهران
تالیف
محمدتقی دانش پژوه
مطبعة جامعة طهران
۱۳۷۵-۱۹۵۶

# Supplément du Catalogue Méthodique, Descriptif et Raisonné de la Bibliothèque de l'Université de Téhéran

(Don de M. le Professeur Meshkât)

Par

M.T. Dâneche - Pajouh

Imprimerie de l'Université
1956